



عنوان و نام پدیدآور: کتاب جامع و هوشمند خط ایثار
۴۰ سال منویات مقام معظم رهبری در حوزه فرهنگ ایثار و شهادت
(چهلمین سال انقلاب) - ناصرالدین اسلامی فرد
تهیه و تنظیم: دبیرخانه شورای عالی ترویج و توسعه فرهنگ ایثار و شهادت
موضوع: مشروح بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷



دبیرخانه شورای عالی
ترویج و توسعه فرهنگ
ایثار و شهادت

خط ایثار (مشروح بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷)

ناشر: دبیرخانه شورای عالی

تاریخ چاپ: پاییز ۱۳۹۷

مقدمه

فرهنگ ایثار و شهادت، به عنوان یک فرهنگ ارزشمند و متعالی در زمره ی عالی ترین مفاهیم الهی و نتیجه والاترین ارزش هایی می باشد که یک انسان متعهد می تواند به آن مقام دست یابد. این مفاهیم اثر گذار و حرکت آفرین قادرند تا فضای یک جامعه را بصورت گسترده تحت تأثیر قرار دهند و والاترین برکات را برای آن به همراه داشته باشند.

ترویج و توسعه ارزشهای والای فرهنگ ایثار و شهادت برای جامعه و بخصوص نسل های بعد از دفاع مقدس یکی از مهمترین و اساسی ترین وظایف آحاد مردم به ویژه مروجین این فرهنگ ارزشمند می باشد.

امنیت، آسایش، حمایت از دین و قرآن و سایر امکانات در کشور، همه به برکت خون شهدا است و ما باید شکرگذار آن باشیم و بنا بر تاکید رهبر معظم انقلاب « مدظله العالی » بکوشیم تا فرهنگ ایثار و شهادت در کشور ترویج یابد.

یکی از موضوعات مهمی که رهبر معظم انقلاب اسلامی « مدظله العالی » در بیانات و رهنمودهایشان توجه خاصی به آن داشته اند، موضوع «فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت» است. به واقع انقلاب اسلامی بدون عنصر «ایثار، جهاد و شهادت» قابل فهم و شناسایی نیست. «ایثار و جهاد و شهادت» و فرهنگ مبتنی بر آنها، شناسنامه‌ی این انقلاب است. اساسی ترین و کلیدی ترین «رمز» آغاز نهضت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۱ و تداوم آن تا سالهای ۵۶ و ۵۷ و نیز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و سپس استمرار عزتمندانه‌ی آن در بیش از ۳ دهه (که اوج و قله‌هایی چون دفاع مقدس هشت‌ساله‌ی ملت ایران را در خود دارد) همین «فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت» است.

مقام معظم رهبری «مدظله العالی» در فرمایشات خود، حضور موثر نخبگان در دفاع مقدس را نشان دهنده ی گسترش انگیزه ی فداکاری در راه خدا و شهادت در سطوح گوناگون جامعه خوانده اند و تاکید کردند، اگر فرهنگ ایثار و شهادت در هر جامعه ای عمومی و فراگیر شود، آن جامعه به پیش خواهد رفت و هرگز در

آن توقف و یا عقبگرد نخواهد داشت. همچنین ایشان در فرمایشات خود بر ضرورت زنده نگه داشتن نام و یاد شهدا توصیه های ضروری بیان نموده اند. در واقع رشد نهال انقلاب اسلامی که اکنون به برکت و ثمره ی خون شهدا به درخت بسیار تنومندی تبدیل شده است ریشه های آن در اعماق ملت ها و آثار و ثمرات آن در پهنه ی گیتی گسترده است، و این جز با ایثارگری رزمندگان، جانبازان، آزادگان و شهیدان ممکن و میسر نبود و تداوم آن نیز جز با تکیه بر این فرهنگ و روش و منش آنان ممکن نخواهد بود.

به همین دلیل است که کلیدواژه هایی چون ایثار، جهاد، مقاومت، جانبازی، شهادت، بسیج، پاسداری و امثال آن، در کلمات و بیانات رهبر فرزانه ی انقلاب، جزو پُرشمارترین و پُر تکرارترین واژه هاست و ملاقات ها و دیدارهای معظم له با اقشاری که مرتبط با این کلید واژه ها هستند (یعنی رزمندگان، ایثارگران، آزادگان، بسیجیان، پاسداران، ارتشیان و به ویژه خانواده ها و بازماندگان معظم شهیدان) به طور نسبی و در مقایسه با سایر اقشار و مخاطبان، رتبه ی اول را به خود اختصاص می دهد.

در مجموعه ی حاضر که در دبیرخانه شورای عالی ترویج و توسعه فرهنگ ایثار و شهادت تدوین گردید، تلاش شده است تا متن کامل بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷ در خصوص "فرهنگ و ایثار، جهاد، شهادت" بازخوانی و ارائه گردد تا این زلال معرفت هرچه بیشتر گسترش یابد.

سید محمد علی شهیدی

نماینده ولی فقیه و رییس بنیاد شهید و امور ایثارگران
دبیر شورای عالی ترویج و توسعه فرهنگ ایثار و شهادت

فهرست مطالب

- ۹ دیدار اعضای گروه ادبیات جنگ با رهبر انقلاب ۱۳۷۳/۰۲/۰۳
- ۱۱ دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کهگیلویه و بویراحمد با رهبر انقلاب ۱۳۷۳/۰۳/۱۷
- ۱۳ دیدار خانواده شهدای هفتم تیر با رهبر انقلاب ۱۳۷۳/۰۴/۰۸
- ۱۵ دیدار مسئولان بنیاد شهید با رهبر انقلاب ۱۳۷۳/۰۴/۱۳
- ۱۷ دیدار جمعی از نخبگان جانباز با رهبر انقلاب ۱۳۷۳/۱۰/۱۲
- ۱۹ حضور فرمانده کل قوا در مراسم تشییع پیکرهای جمعی از... ۱۳۷۳/۱۰/۱۸
- ۲۰ دیدار جمع کثیری از فرزندان شاهد با رهبر انقلاب ۱۳۷۴/۰۴/۱۴
- ۲۱ بیانات در دیدار جمعی از جانبازان ورزشکار ۱۳۷۴/۶/۲۳
- ۲۵ بیانات در حسینیه‌ی «عاشقان کربلا» ساری ۱۳۷۴/۷/۲۲
- ۳۲ دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران و روحانیون اهل تسنن و ... ۱۳۷۴/۰۷/۲۷
- ۳۳ دیدار خانواده شهید فهمیده و اعضای ستاد بزرگداشت این شهید ۱۳۷۴/۰۸/۰۷
- ۳۴ دیدار خانواده‌های شهدای قم با رهبر انقلاب ۱۳۷۴/۰۹/۱۴
- ۳۶ دیدار جانبازان و معلولان افتخارآفرین پارالمپیک آتلانتا ۱۳۷۵/۰۶/۰۷
- ۳۸ دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران آذربایجان غربی ۱۳۷۵/۰۶/۲۷
- ۴۰ دیدار اعضای ستاد یادواره شهید فهمیده و شهدای دانش‌آموزان کشور ۱۳۷۵/۰۸/۰۶
- ۴۲ دیدار جانبازان برگزیده کشور ۱۳۷۵/۰۹/۲۶
- ۴۴ دیدار دست‌اندرکاران برگزاری کنگره بزرگداشت سرداران شهید استان... ۱۳۷۵/۱۰/۱۰
- ۴۵ دیدار هیأت امنای و اعضای هیأت علمی و مسئولان دانشگاه شاهد ۱۳۷۵/۱۱/۲۹
- ۴۷ دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۱۸
- ۴۹ بیانات در گلزار شهدای هویزه ۱۳۷۵/۱۲/۲۰
- ۵۳ بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا ۱۳۷۶/۲/۱۷
- ۶۱ بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های ایثارگران ۱۳۷۶/۲/۳۱
- ۷۰ دیدار جانبازان شرکت‌کننده در همایش بیت تا بیت ۱۳۷۶/۰۳/۱۵
- ۷۱ بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا ۱۳۷۶/۵/۲۹
- ۷۷ بیانات در مراسم افتتاحیه‌ی مانور فرهنگی - ورزشی جانبازان و معلولان ۱۳۷۶/۶/۱۵
- ۸۲ دیدار دست‌اندرکاران برگزاری کنگره بزرگداشت شهید... ۱۳۷۶/۰۷/۰۷
- ۸۴ دیدار جمعی از اعضای گروه‌های تفحص پیکرهای مطهر شهدای... ۱۳۷۶/۰۷/۰۷
- ۸۶ دیدار خانواده شهدای پرسنل نیروی هوایی سپاه ۱۳۷۶/۰۷/۱۶
- ۸۷ دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای کرج ۱۳۷۶/۰۷/۲۴
- ۹۰ دیدار جمعی از جانبازان ۱۳۷۶/۰۹/۱۵
- ۹۲ دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای هرمزگان ۱۳۷۶/۱۱/۲۸
- ۹۴ دیدار امیر خلبان آزاده حسین لشگری با رهبر انقلاب ۱۳۷۷/۱/۱۹

- ۹۷ دیدار جمعی از آزادگان ۱۳۷۷/۰۱/۱۹
- ۹۹ دیدار اعضای کنگره بزرگداشت شهید مطهری ۱۳۷۷/۰۲/۱۳
- ۱۰۱ بیانات در دیدار جمعی از آزادگان ۱۳۷۷/۵/۲۷
- ۱۰۷ بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا ۱۳۷۷/۷/۵
- ۱۱۳ بیانات در دیدار خانواده شهید لاجوردی ۱۳۷۷/۷/۱۴
- ۱۲۰ بازدید رهبر انقلاب از نمایشگاه جلوه‌های ایثار ۱۳۷۷/۰۹/۰۴
- ۱۲۱ حضور فرمانده کل قوا در مراسم تشییع ... ۱۳۷۸/۰۱/۲۳
- ۱۲۲ مراسم تجلیل از شهید سپهبد علی صیاد شیرازی ۱۳۷۸/۰۱/۲۴
- ۱۲۴ بیانات در دیدار زائران شلمچه ۱۳۷۸/۱/۸
- ۱۲۷ بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا ۱۳۷۸/۳/۳
- ۱۳۲ بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای بیرجند ۱۳۷۸/۶/۶
- ۱۳۶ حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای بیرجند ۱۳۷۸/۰۶/۰۷
- ۱۳۷ بیانات در دیدار خانواده‌های شهیدان قائن ۱۳۷۸/۶/۸
- ۱۴۰ بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای تربت جام ۱۳۷۸/۶/۹
- ۱۴۶ دیدار صدها تن از دانش پژوهان و فرهیختگان جانباز ۱۳۷۸/۰۸/۲۶
- ۱۵۰ دیدار جمع کثیری از فرزندان شهدا ۱۳۷۸/۰۹/۲۱
- ۱۵۱ دیدار مسئولان بنیاد شهید ۱۳۷۸/۱۱/۰۹
- ۱۵۲ مراسم بزرگداشت فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) و ... ۱۳۷۸/۱۲/۱۲
- ۱۵۳ دیدار جمعی از هنرمندان و مسئولان تبلیغات جنگ با رهبر انقلاب ۱۳۷۹/۰۱/۲۰
- ۱۵۶ سالروز عملیات پیروزمندانه بیت المقدس و فتح خرمشهر ۱۳۷۹/۰۳/۰۲
- ۱۵۹ بیانات در دیدار با مسئولان قوه قضائیه و خانواده‌های شهدای هفتم تیر ۱۳۷۹/۴/۷
- ۱۶۵ دیدار خانواده‌های شهدای استان اردبیل با رهبر انقلاب ۱۳۷۹/۰۵/۰۳
- ۱۶۷ ادای احترام به پیکر مطهر شهدای دفاع مقدس ۱۳۷۹/۰۵/۲۵
- ۱۶۸ بیانات در دیدار جمعی از مدیران و فعالان فرهنگی دفاع مقدس ۱۳۷۹/۷/۶
- ۱۷۵ حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای قم ۱۳۷۹/۰۷/۱۵
- ۱۷۶ دیدار با افتخار آفرینان جانباز ۱۳۷۹/۰۸/۱۲
- ۱۷۸ دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای استان مرکزی با رهبر انقلاب ۱۳۷۹/۰۸/۲۴
- ۱۸۰ دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا و ایثارگران شهرستان ساوه ۱۳۷۹/۰۸/۲۸
- ۱۸۲ دیدار جمعی از پزشکان دوران دفاع مقدس ۱۳۷۹/۰۹/۱۰
- ۱۸۴ دیدار جمعی از خانواده‌های سرداران و امیران شهید ۱۳۷۹/۱۰/۰۳
- ۱۸۶ بیانات در دیدار اعضای گروه تفحص شهدا ۱۳۷۹/۱۲/۲۰
- ۱۸۹ حضور رهبر انقلاب در اردوی فرزندان جانبازان ۱۳۸۰/۰۴/۲۰

- ۱۹۱ آغاز به کار کنگره شهید باهنر با پخش سخنان رهبر انقلاب ۱۳۸۰/۰۶/۰۷
- ۱۹۳ بیانات در دیدار با اعضای کنگره بزرگداشت شهید آیت‌الله مدنی ۱۳۸۰/۰۶/۱۲
- ۲۰۰ بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح ۱۳۸۰/۰۷/۰۴
- ۲۰۹ دیدار جمع کثیری از خانواده‌های شهدا و ایثارگران اصفهان ۱۳۸۰/۰۸/۰۹
- ۲۱۱ حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای نجف آباد ۱۳۸۰/۰۸/۱۰
- ۲۱۲ دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای استان اصفهان ۱۳۸۰/۰۸/۱۴
- ۲۱۵ حضور رهبر انقلاب در گلستان شهدای اصفهان ۱۳۸۰/۰۸/۱۴
- ۲۱۶ حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای شهر کاشان ۱۳۸۰/۰۸/۲۰
- ۲۱۷ بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای کاشان و آران و بیدگل ۱۳۸۰/۰۸/۲۰
- ۲۲۲ حضور رهبر انقلاب بر سر مزار شش تن از شهیدان گمنام ۱۳۸۰/۱۰/۲۲
- ۲۲۳ دیدار شرکت کنندگان در اولین همایش راهیان نور با رهبر انقلاب ۱۳۸۰/۱۲/۰۷
- ۲۲۵ بیانات در یادگان دوکوهه ۱۳۸۱/۰۱/۰۹
- ۲۳۷ بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا ۱۳۸۱/۰۳/۰۱
- ۲۴۵ دیدار اعضای ستاد کنگره بزرگداشت بیستمین سالگرد شهادت... ۱۳۸۱/۰۳/۲۶
- ۲۴۶ دیدار اعضای ستاد کنگره وزرا و ۱۵ هزار شهید دولت ۱۳۸۱/۰۵/۲۸
- ۲۴۷ دیدار جمعی از جانبازان نخبه ۱۳۸۱/۰۹/۰۲
- ۲۴۹ حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای زاهدان ۱۳۸۱/۱۲/۰۳
- ۲۵۰ دیدار پرشور خانواده‌های شهدای استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۱/۱۲/۰۳
- ۲۵۲ حضور بر مزار شهدای گمنام در مسجد امام حسین چابهار ۱۳۸۱/۱۲/۰۷
- ۲۵۳ حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای ایرانشهر ۱۳۸۱/۱۲/۱۰
- ۲۵۴ دیدار خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان و آزادگان سیستان ۱۳۸۱/۱۲/۱۱
- ۲۵۵ حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای زابل ۱۳۸۱/۱۲/۱۱
- ۲۵۸ حضور رهبر انقلاب در مجلس بزرگداشت علما و روحانیون شهید ۱۳۸۲/۰۲/۱۸
- ۲۵۹ دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان زنجان ۱۳۸۲/۰۷/۲۲
- ۲۶۱ دیدار جمعی از فرزندان شاهد ۱۳۸۲/۰۹/۰۲
- ۲۶۳ حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای قزوین ۱۳۸۲/۰۹/۲۷
- ۲۶۴ دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان قزوین ۱۳۸۲/۰۹/۲۷
- ۲۶۶ دیدار شرکت کنندگان در کنگره شهدای عرصه خبر ۱۳۸۲/۱۰/۲۱
- ۲۶۷ بیانات در دیدار اعضای کنگره‌ی حکمت مطهر (شهید مطهری) ۱۳۸۲/۱۲/۱۸
- ۲۷۲ دیدار رئیس و جمعی از کارکنان بنیاد شهید ۱۳۸۲/۱۲/۲۳
- ۲۷۳ بیانات در دیدار خانواده‌ی شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر ۱۳۸۳/۰۳/۱۹
- ۲۷۵ حضور در گلزار شهدای استان همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۶

۲۷۶	بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای استان همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۶
۲۸۲	دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا ۱۳۸۳/۰۸/۰۳
۲۸۳	دیدار مسئولان بنیاد شهید و امور ایثارگران ۱۳۸۳/۱۲/۲۲
۲۸۵	بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدای ... ۱۳۸۴/۰۲/۱۲
۲۹۲	حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۲
۲۹۳	حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای زرنند ۱۳۸۴/۰۲/۱۳
۲۹۴	حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدا و مزار جانبختگان زلزله بم ۱۳۸۴/۰۲/۱۳
۲۹۵	حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای جیرفت ۱۳۸۴/۰۲/۱۷
۲۹۶	حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای رفسنجان ۱۳۸۴/۰۲/۱۸
۲۹۷	بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا ۱۳۸۴/۰۳/۰۳
۳۰۴	بیانات در دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت ۱۳۸۴/۰۶/۳۱
۳۱۲	دیدار مسئولان و کارکنان بنیاد شهید و امور ایثارگران ۱۳۸۴/۰۷/۰۷
۳۱۳	بیانات در دیدار جانبازان و خانواده‌های ایشان ۱۳۸۴/۰۸/۰۴
۳۱۷	بیانات در مراسم تشییع پیکرهای فرماندهان شهید سپاه ۱۳۸۴/۱۰/۲۱
۳۱۹	بیانات در دیدار کاروان‌های راهیان نور در دهلاویه ۱۳۸۵/۰۱/۰۵
۳۲۵	دیدار اعضای شورای مرکزی ستاد بزرگداشت شهید مطهری ۱۳۸۵/۰۲/۱۰
۳۲۶	دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر با رهبر انقلاب ۱۳۸۵/۰۴/۰۷
۳۲۹	دیدار خانواده شهدا و علمای اهل تسنن کشور ۱۳۸۵/۰۵/۱۷
۳۳۶	بیانات در دیدار جمعی از رزمندگان و فرماندهان دفاع مقدس ۱۳۸۵/۰۷/۲۹
۳۴۲	بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸
۳۴۸	حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای شاهرود ۱۳۸۵/۰۸/۲۰
۳۴۹	حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای شهر سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۲۱
۳۵۰	بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و مسئولان قوه قضائیه ۱۳۸۶/۰۴/۰۷
۳۵۷	حضور رهبر انقلاب بر سر مزار شهید آیت‌الله صدوقی ۱۳۸۶/۱۰/۱۲
۳۶۳	دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان یزد با رهبر انقلاب ۱۳۸۶/۱۰/۱۳
۳۶۴	حضور رهبر انقلاب بر سر مزار شهدای ابرکوه ۱۳۸۶/۱۰/۱۵
۳۶۵	حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای خلدبرین یزد ۱۳۸۶/۱۰/۱۶
۳۶۶	بیانات در دیدار جانبازان و ایثارگران و خانواده‌های شهدای ... ۱۳۸۷/۰۲/۱۳
۳۶۸	حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای دارالرحمه شیراز ۱۳۸۷/۰۲/۱۴
۳۷۶	حضور رهبر انقلاب در بهشت زهرا نورآباد ممسنی ۱۳۸۷/۰۲/۱۵
۳۷۷	حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای کازرون ۱۳۸۷/۰۲/۱۶
۳۷۸	حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای لار ۱۳۸۷/۰۲/۱۹

- ۳۷۹ دیدار جمعی از زندانیان آزاد شده از بند رژیم های مستبد ۱۳۸۷/۱۱/۱۳
- ۳۸۱ بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۲۲
- ۳۸۶ حضور در جمع خانواده‌های فرماندهان شهید کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۲۴
- ۳۸۷ حضور سرزده در منزل سه خانواده شهید سنندج ۱۳۸۸/۰۲/۲۵
- ۳۸۸ حضور بر سر مزار ۴ شهید گمنام در کنار دریاچه زریوار مریوان ۱۳۸۸/۰۲/۲۶
- ۳۸۹ حضور در گلزار شهدای مریوان ۱۳۸۸/۰۲/۲۶
- ۳۹۰ حضور در گلزار شهدای بیجار ۱۳۸۸/۰۲/۲۸
- ۳۹۱ حضور رهبر معظم انقلاب در گلزار شهدای سقز ۱۳۸۸/۰۲/۲۹
- ۳۹۲ بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا ۱۳۸۸/۰۳/۰۳
- ۳۹۶ بیانات در دیدار خانواده شهدای هفتم تیر و مسئولان قوه قضائیه ۱۳۸۸/۰۴/۰۷
- ۴۰۲ بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس ۱۳۸۸/۰۶/۲۴
- ۴۰۷ بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان و خانواده‌های شهدا ۱۳۸۸/۰۸/۱۲
- ۴۱۵ بیانات در دیدار اعضای خانواده و ستاد برگزاری یادواره‌ی ... ۱۳۸۸/۱۲/۰۳

دیدار اعضای گروه ادبیات جنگ با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۳/۰۲/۰۳ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای گروه ادبیات جنگ با ایشان طی سخنانی بر ضرورت توجه جدی نویسندگان به رمان نویسی در زمینه تاریخ انقلاب کبیر اسلامی و جنگ تحمیلی تأکید کردند.

مقام معظم رهبری در این دیدار از مقاومت و حماسه‌آفرینی مردم قهرمان خرمشهر در برابر تجاوز بیگانگان به عنوان یک حادثه بی‌نظیر در تاریخ جهان یاد کردند و فرمودند: ماجرای خرمشهر و جنگ خانه به خانه جوانان این شهر در برابر متجاوزین اشغالگر بسیار عظیم‌تر از ماجرای سقوط مسکو در هنگام تهاجمات ناپلئونی است اما متأسفانه حماسه خرمشهر جای خود را در دنیا پیدا نکرده است و نویسندگان و داستان پردازان ایرانی باید با نوشتن رمانهای بلند حقیقت تاریخ انقلاب و حوادث جنگ تحمیلی را به رشته تحریر درآورند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای وجود استعداد‌های درخشان نویسندگی را در ایران مورد تأکید قرار دادند و ضرورت رشد قصه نویسی و داستان‌پردازی بویژه در زمینه حماسه‌های بزرگ و شگرف تاریخ پانزده‌ساله اخیر را یادآور شدند.

در این دیدار که اعضای شورای مرکزی طرح نخستین دوره انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس و جمعی از دست‌اندرکاران گروه ادبیات جنگ حضور داشتند، مهندس چمران

معاون فرهنگی و تبلیغاتی ستاد کل نیروهای مسلح گزارشی را از مراحل انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس ارائه کرد.

دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران
کهگیلویه و بویراحمد با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۳/۰۳/۱۷ |



در اولین روز از سفر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی به استان کهگیلویه و بویراحمد، مقام معظم رهبری با حضور در اجتماع خانواده‌های شهدا و مفقودین، جانبازان و آزادگان این استان از مقام و منزلت شهدا و ایثارگران در راه خدا تجلیل بعمل آوردند.

در این دیدار که در مصلاهی شهر یاسوج برگزار شد و با ابراز احساسات عمیق و عواطف خالصانه توأم بود حضرت آیت‌الله خامنه‌ای طی سخنانی فداکاری خانواده‌های معظم شهدا و مفقودین و جانبازان را در مقام و مرتبه فداکاری فرزندان و همسران ایثارگر آنان توصیف کردند و فرمودند: چنین فداکاریهائی جز در سایه ایمان و عشق به خدا ممکن نیست و تنها پیوند و ارتباط عمیق با خداست که آمادگی مجاهدت و جانبازی را در انسان بوجود می‌آورد.

رهبر انقلاب اسلامی عزت اسلام و سربلندی قرآن را ثمره فداکاریهای بزرگ شهدا، مفقودین، جانبازان، آزادگان و خانواده‌های مکرم آنان دانستند و فرمودند: در سایه فداکاری و جانبازی شهدا و تمامی ایثارگران و خانواده‌های معظم آنان، اسلام عزت و مسلمین عظمت خود را باز یافتند و امروز مسلمانان جهان حتی جوامع پیشرفته اسلامی و روشنفکران مسلمان در اقصی نقاط جهان به مسلمانی خود می‌بالند و به آن مفتخر هستند، در اروپا یک ملت، برای حفظ هویت اسلامی خود، جانفشانی می‌کند و

بهترین جوانان و روشنفکران در کشورهای اسلامی به سبب تمسک به اسلام زندانی، شکنجه و محاکمه می‌شوند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اهتمام خانواده‌های معظم شهدا را به حفظ افتخارات و عزت شهدا مورد تأکید قرار دادند و فرمودند: آنچه دنیا و آخرت یک ملت را آباد می‌کند تمسک به اسلام و قرآن، احترام به خون شهیدان و ایستادگی و استقامت روزافزون در راه خداست.

مقام معظم‌رهبری در پایان سخنانشان اعتراف دشمنان اسلام به اقتدار، عظمت و شجاعت ملت ایران را خاطرنشان کردند و اصلاح امور کشور را در پرتو تلاش مشترک مسئولین دلسوز و مردم با ایمان و مقاوم نوید دادند.

پیش از سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی گروه سرود دانش‌آموزان مدرسه شاهد دو سرود ویژه همخوانی را اجرا کردند.

بنا بر این گزارش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پس از این دیدار از نمایشگاه تولیدات استان کهگیلویه و بویراحمد که در استادیوم ورزشی یاسوج برگزار شده بود بازدید کردند. در این نمایشگاه محصولات صنعتی و کشاورزی، تولیدات صنایع روستایی جهاد، صنایع دستی و شرکت فرش این استان به نمایش گذاشته شده بود.

رهبر معظم انقلاب، طی این بازدید از نزدیک با دست‌اندرکاران امر تولید در بخش‌های مختلف گفتگو کردند و ضمن آشنایی با مسائل و مشکلات آنان و ابراز مراتب خشنودی خود از پیشرفت‌های بدست آمده در بخش تولید این استان، ضرورت تلاش هر چه بیشتر در جهت بهبود بخشیدن کیفیت تولیدات و محصولات استانی و توسعه و گسترش بخش‌های صنعتی و کشاورزی را مورد تأکید قرار دادند.

دیدار خانواده شهدای هفتم تیر با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۳/۰۴/۰۸ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار خانواده‌ها و بازماندگان معظم شهدای فاجعه هفتم تیر با ایشان طی سخنانی ضمن بزرگداشت مقام و منزلت شهدای فاجعه انفجار در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، تأکید کردند که خون شهدا آسیب‌ناپذیری انقلاب اسلامی را تضمین کرده و این امر به یأس روزافزون و سرخوردگی هر چه بیشتر دشمنان ملت ایران انجامیده است.

مقام معظم رهبری در سخنانشان از شهدای فاجعه هفتم تیر به عنوان شخصیت‌های برجسته و کم‌یاب انقلاب نام بردند و در تمجید از چهره بارز و ممتاز شهید آیت‌الله بهشتی فرمودند: آیت‌الله بهشتی انسانی عظیم‌الشأن و بیادماندنی بود و ویژگی‌های شاخص علمی و شخصیتی وی و نیز فکر و اندیشه‌ای که در زمینه‌های سیاسی، تشکیلاتی و تدبیر امور کشور از خود آشکار می‌کرد چهره بسیار برجسته‌ای را از آن شهید بزرگوار باقی گذاشته است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای استحکام هر چه بیشتر پایه‌های نظام و انقلاب اسلامی را ثمره خون پاک شهدا از جمله بزرگانی چون شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی دانستند و فرمودند: وجود پرفیض و برکت امام امت (رض) پشتوانه همه استقامت‌ها بود و در سایه همین پشتوانه، شهادت ۷۲ تن از مسئولان مهم کشور نه تنها بنای نظام اسلامی را متزلزل نکرد بلکه به استحکام هر چه بیشتر آن انجامید و این ویژگی مختص نظام

اسلامی است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی آحاد مردم مؤمن و انقلابی ایران را به اهتمام در جهت حفظ خصوصیت آسیب‌ناپذیری نظام اسلامی فراخواندند و فرمودند: جمهوری اسلامی ایران با اتکاء به قدرت الهی و تکیه بر هوشیاری، وقت‌شناسی، همت و حضور دائمی مردم، در برابر توطئه‌ها و دشمنی‌های همه جانبه استکبار همچنان ایستاده است و به راه حق خود ادامه می‌دهد.

مقام معظم رهبری در پایان سخنانشان خانواده‌ها و بازماندگان معظم شهدای هفتم تیر را مورد تکریم و عطوفت خویش قرار دادند و تقدیر الهی را بر استمرار حکومت عدالتخواه اسلامی در ایران به عنوان دستاورد خون شهدا خاطر نشان کردند.

دیدار مسئولان بنیاد شهید با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۳/۰۴/۱۳ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی پیش از ظهر امروز در دیدار مسئولان بنیاد شهید انقلاب اسلامی با ایشان ضمن ارائه رهنمودهایی از عملکرد و مسیر حرکت این بنیاد به عنوان جهتگیری صحیح در توسعه فعالیت‌های فرهنگی و پشتیبانی معنوی از خانواده‌ها و بازماندگان معظم شهدا یاد کردند و ضرورت استمرار آن را مورد تأکید قرار دادند.

مقام معظم رهبری در این دیدار ضمن تشکر از فعالیت‌ها و خدمات مسئولان بنیاد شهید، این مسئولیت بزرگ را از حسنات انقلاب و صدقات جاریه امام خمینی(ره) دانستند و ضرورت ادامه تلاش در جهت حفظ و تقویت روحیه فداکاری خانواده‌های شهدا را خاطر نشان کردند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن تأکید بر اهمیت فعالیت‌های فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی فرمودند: انجام کارهای فرهنگی و پشتیبانی معنوی از خانواده‌های شهدا و جوانان و فرزندان آنان به عنوان یکی از اصلیت‌ترین وظایف بنیاد شهید باید مورد توجه قرار گیرد. و فعالیت‌های اقتصادی بنیاد شهید نیز باید پشتیبان‌های برای خدمات فرهنگی به آنان محسوب شود.

رهبر انقلاب اسلامی از تعمیق روزافزون عشق به امام و انقلاب و پایبندی فکری و

عاطفی مردم به دین مبین اسلام به عنوان یک حقیقت روشن یاد کردند و در پایان سخنانشان از مسئولان و دست‌اندرکاران امور در بنیاد شهید بویژه آقای رحیمیان رئیس بنیاد شهید به سبب تلاشهای مجدانه و سرعت عمل وی در حل مشکلات و رفع کمبودها تقدیر و تشکر کردند و زحمات آنان را ارزشمند خواندند.

بر پایه همین گزارش در این دیدار که معاونین و مدیران کل بنیاد شهید انقلاب اسلامی در سراسر کشور و رؤسای سازمانهای وابسته به این بنیاد حضور داشتند پیش از سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، حجت اسلام والمسلمین رحیمیان نماینده ولی فقیه و رئیس بنیاد شهید در اظهارات کوتاهی به تعهد، تقوا، توان و علاقه مسئولان و کارکنان این بنیاد برای خدمت به خانواده‌های معظم شهدا اشاره کرد و این خدمت را به عنوان سعادت بزرگ گرامی داشت.

دیدار جمعی از نخبگان جانباز با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۳/۱۰/۱۲ |



در آستانه فرارسیدن روز جانباز، پیش از ظهر امروز جمعی از نخبگان جانباز با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند.

در این دیدار که مسئولان بنیاد جانبازان نیز حضور داشتند، مقام معظم رهبری، یکایک جانبازان را مورد محبت و ملامت خویش قرار دادند و به طور مستقیم با افتخارآفرینی‌های آنان در عرصه‌های مختلف علمی، مذهبی، هنری و ورزشی آشنا شدند.

در این دیدار که در فضایی معنوی و شورانگیز برگزار شد، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از جانبازی در راه خدا به عنوان یک ثواب بزرگ الهی یاد کردند و استقامت و بردباری هر چه بیشتر جانبازان در ادامه راه روشن انقلاب و اسلام را برای افزودن بر اجر و پاداش آنان نزد پروردگار، ضروری خواندند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، وجود انسان را بسیار عظیم و فیاض توصیف کردند و فرمودند: جانبازان، عظمت قوایی را که خداوند در وجود انسان به ودیعه گذاشته است، نشان می‌دهند و از این نظر اجر بزرگی را نصیب خود می‌کنند زیرا بسیاری از آنان با وجود کمبودهای جسمانی توانسته‌اند خود را به مدارج بالای علمی برسانند و با به کار گرفتن قوای درونی خود قدرت اراده انسان را اثبات کنند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی همچنین از همسران، مادران، پدران و خادمین جانبازان به سبب یاری و همراهی کردن با آنان تجلیل کردند و صبر، استقامت و روحیه بالای جانبازان را با وجود کمبودهای جسمانی، ناشی از اعتقادات عمیق اسلامی آنان و موجب سربلندی و افتخار اسلام دانستند.

حضور فرمانده کل قوا در مراسم تشییع پیکرهای
جمعی از فرماندهان نیروی هوایی

| ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ |



ضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمانده کل قوا در ستاد نیروی هوایی محل شروع مراسم تشییع فرمانده نیروی هوایی ارتش، شهید امیر سرلشکر منصور ستاری و پیکرهای جمعی از فرماندهان این نیرو از جمله امیر سرلشکر سیدعلیرضا یاسینی و امیر سرلشکر مصطفی اردستانی حضور یافتند و از مقام آنان تجلیل به عمل آوردند.

رهبر انقلاب اسلامی در محل ستاد نیروی هوایی بر سر تابوتهای حامل پیکر شهدای سانحه هوایی حضور یافتند و برای شادی ارواح یکایک آنان فاتحه قرائت کردند.

فرمانده کل قوا که در غم از دست رفتن فرمانده نیروی هوایی و شمار دیگری از مقامات بلند پایه این نیرو عمیقاً متأسف و اندوهگین بودند همچنین در مراسم تشییع پیکرهای شهدای سانحه هوایی شرکت کردند و یاد مجاهدتها و فداکاریهای بزرگ آنان را در صحنه‌های دفاع حق در برابر باطل گرامی داشتند.

دیدار جمع کثیری از فرزندان شاهد با رهبر انقلاب

۱۳۷۴/۰۴/۱۴



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، امروز پس از برگزاری نماز جماعت ظهر و عصر با حضور جمع زیادی از فرزندان شاهد بر ضرورت تدبیر، تفکر و انس با قرآن تأکید کردند.

در این دیدار که بیش از دو هزار دانش‌آموز دختر و پسر شاهد، برگزیده از میان ۳۸ هزار نفر شرکت‌کننده در مسابقات حفظ، قرائت و مفاهیم قرآن کریم از سراسر کشور حضور داشتند، مقام معظم رهبری ضمن قدردانی از این برگزیدگان و مسؤولان بنیاد شهید، با بیان این که نعمت بزرگ انس با قرآن، دستاوردهای معنوی فراوانی دارد، فرمودند: انس با قرآن به روی مادری بازمی‌کند که ما را با معارف عظیم قرآنی مواجه و از فیض قرآن سیراب می‌کند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه سخنانشان با تأکید بر تلاوت مستمر، حفظ و فهم معانی قرآن فرمودند: با حفظ قرآن و فهمیدن کلام خدا می‌توانید در قرآن تدبیر کرده و بر روی کلمات آن تفکر کنید. اگر توانستید در زندگی دنیا با قرآن مأنوس و محشور باشید، در قیامت هم با قرآن محشور خواهید بود.

بیانات در دیدار جمعی از جانبازان ورزشکار

| ۱۳۷۴/۰۶/۲۳ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

از زیارت شما عزیزان و پیروزیهایی که کسب کرده‌اید، خیلی خوشحال شدیم. ان شاء الله که خداوند شما را حفظ کند و موفق بدارد تا همیشه در صحنه‌های انقلاب بدرخشید؛ همچنان که در گذشته، در جنگ درخشیده‌اید و اکنون در میدانهای ورزش میدرخشید.

من این مجموعه ورزشکاران و قهرمانان جانباز را نقطه‌ای میبینم که چند جریان خیر به آن منتهی میشود: اولاً جانباز، با وجود این که از لحاظ جسمانی ناقص است، باز همت میکند و با همتش به ملت و کشور و انقلابش آبرو میبخشد. این یک جریان خیر است که بسیار هم مهم است.

پس، معلوم میشود که همت انسانهای مؤمن، در پیروزیها بسیار کارساز است. چرا بعضی همت ندارند؟ چرا بعضی از نیروی خداداد استفاده نمیکنند؟ چرا بعضی اراده انسانی را دست کم میگیرند؟ آنها باید به این جوانان قهرمان بنگرند که به وسیله ایمان و اراده محکمشان، چه کارهای بزرگی انجام میدهند!

دوم؛ همین که ما برای شما که قهرمانان ورزشی هستید، ارزش قائل هستیم، نشان دهنده این است که ورزش در جامعه ما با ارزش است. از این رو، مردم هم باید پیرو شما که قهرمانان ورزشی هستید و در میدانهای مختلف، جوهر ملت خودتان را نشان

میدهید، به دنبال ورزش بروند. نمیخواهیم همه قهرمان شوند و نمیشوند هم؛ اما میخواهیم همه به این نقطه‌های اوج بنگرند تا انگیزه پیدا کنند و به دنبال آن بروند؛ به حدّی که هیچ‌کس نباشد که ورزش نکند. بنده مایلیم که جامعه و کشور ما این‌گونه باشد.

سوم؛ همان‌گونه که قبلاً حدس می‌زدم و بعد هم از برادرانی که با شما بودند شنیدم، در این سفر، با وظایف دینیتان مأنوس بوده‌اید و نماز جماعت برپای میداشته‌اید و به درگاه خداوند توجه و تضرع میکرده‌اید. اینها خیلی مهم است؛ همچنان که در جنگ هم، بسیار کارساز بود. البته اگر کسی با محاسبات مادی به این مسائل نگاه کند، چیزی نمیفهمد؛ لکن ما که دیدمان فرق میکند میفهمیم. ما فرق بین دو یگان رزمی را که یکی در شب حمله توّسل و زیارت عاشورا و گریه و نماز شب داشت و با خدا و اولیای خدا بود، و دیگری که - اگر نگوییم به کارهای نامناسب مشغول بود - غافل بود و خوشگذران، به خوبی درمیابیم. آنها مینشستند و با رفقا گپ میزدند و یا تا صبح میخوابیدند و بچه‌های ما، در شب حمله، با خدا بودند و به همین خاطر هم، فردای آن شب در جبهه جنگ، خدا را در کنار خود احساس میکردند. این در حالی بود که دشمن که در شب حمله از خدا غافل بود، در میدان جنگ و آن‌جا که جز خدا هیچ پشتیبانی نمیتواند انسان را دلگرم کند، پشتیبانی نداشت. خوب؛ بدیهی است چه کسی شکست میخورد و چه کسی پیروز میشود! نیروهای ما، تا آن وقت که توّسل و تضرع و نفس گرم خدا جویشان در میدان جنگ با آنها بود، موفقیت داشتند و آن هنگام که ذره‌ای در توّجه به این امور، سستی نشان میدادند، ناکامیهایشان آغاز میشد و باز که به حال اول برمیگشتند، آن پیروزیها و کامیابیهای بزرگ را به دست میآوردند.

عین همین قضیه، در میدان ورزش هم هست. فرق است بین آن تیمی که در شب مسابقه، با توّجه و توّسل و ذکر و امید به خدا و خالص کردن نیت، اوقات میگذراند و تیمی که آن شب را به خوشگذرانی میپردازد. اینها یکسان نیستند. در این باره، نقش کسانی که فدراسیون جانبازان را اداره میکنند، بسیار زیاد است. آقای «رفیق دوست» گفتند که بخش عمده این پیروزیها مربوط به اراده شماس است. درست است. اراده و ایمان شما، اصل همه چیز است. اما اگر شما مسؤولان فدراسیون جانبازان، بچه‌های حزب اللّهی نبودید، باز هم این اراده و ایمان، بدین شکل وجود داشت؟ قطعاً جواب منفی

است. از این رو، من معتقدم که باید در سرتاسر عرصه‌های ورزش، عناصر مؤمن، حزب اللّهی و با خدا را - که کم هم نیستند - بیاوریم و مورد توجه و عنایات خودمان قرار دهیم؛ زیرا این، قطعاً در موفقیت ورزش ما اثر خواهد گذاشت؛ شک ندارم!

مادیات انسان از معنویات تغذیه میشود. امکان ندارد بتوانید نقش معنویات را از زندگی بشر حذف کنید؛ چون عوامل معنوی، در زندگی بسیار اثرگذارند. البته ممکن است مثلاً در عرصه ورزش، در کنار این عوامل معنوی، عوامل دیگری از جمله حس رقابت، پول، نام و نشان و این چیزها نقش داشته باشد؛ اما عوامل معنوی، از تمام اینها برتر و بالاتر و مؤثرتر است. چرا خودمان را از این عوامل معنوی محروم کنیم؟! ما که این همه ورزشکار مؤمن، خوب، حزب اللّهی و جبهه رفته در عرصه ورزشمان داریم، باید از آنها به کمال استفاده کنیم. یقیناً در کارها و پیشرفتهای شما و این افتخاری که به خواست خدا کسب کرده‌اید، معنویات، نقش اصلی را داشته است.

هفتاد و نه مدال طلا در تاریخ ورزش ایران، ظاهراً سابقه ندارد و گویا در طول این سالیان دراز، هرگز هیچ مجموعه‌ای نتوانسته است این همه طلا بیاورد! خوب؛ خدا خواست این کار را هم، مثل خیلی کارهای بزرگ دیگر، آقایان حزب اللّهی انجام دهند تا یاهو گویان نگویند که «از حزب اللّهیها کاری بر نمی‌آید.» بفرمایید! همین جنگ را هم حزب اللّهیها به پیروزی رساندند و همین مرزهای کشور را هم حزب اللّهیها حفظ کردند. این را همه باور کنند. این که ما در صنعت و فناوری و پیشرفتهای علمی و فنی، با قبل از انقلاب، زمین تا آسمان فرق داریم، مرهون همین حزب اللّهیها هستیم. عمده‌تاً آنها کردند و عمده‌تاً آنها بودند که این بن بستها را گشودند و پیش رفتند. از این رو، در همه زمینه‌ها - هم زمینه‌های اقتصادی و هم ورزشی و هم علمی و فرهنگی - به فضل پروردگار، کار به دست همین حزب اللّهیها پیش رفته است. اکنون هم که بیشترین مدال را همین کاروان حزب اللّهیها و آن هم در چند رشته ورزشی محدود به ارمغان آورده است. این مملکت، مملکت حزب اللّهیهاست و آینده این مملکت هم به دست همین حزب اللّهیها و نیروهای انقلابی و مؤمن رقم می‌خورد و هر جا هم مشکلی عمده پدید آید، آنها باید بیایند و آن را حل کنند. فضل پروردگار، این گونه هم خواهد شد.

خوب؛ همین باقی مانده است که به شما تبریک بگویم و از شما تشکر کنم. خیلی

زحمت کشیدید. حقیقتاً، روزی که بنده خبر این موفقیتها را شنیدم (هر چند، وقتِ شنیدنِ بسیاری از خبرها را ندارم) پیوسته خدا را شکر کردم و شما را دعا. ان شاء الله موفق باشید!

والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته

بیانات در حسینیه‌ی «عاشقان کربلا» ساری

| ۱۳۷۴/۰۷/۲۲ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین. والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم محمد و على آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين. الهداة المهديين. سيما بقية الله في الارضين.

اگر انسان بخواهد در بین افراد یک جامعه، زنده‌ترین و برگزیده‌ترین آنها را پیدا کند، به سراغ کسانی می‌رود که منافع جمع را بر منافع فرد ترجیح می‌دهند. اگر در جامعه‌ای کسانی پیدا شوند که برای سعادت بشریت و ملت و کشور خودشان و به خاطر اراده‌ی الهی که مجاهدت را بر آنها فرض کرده است، از منافع و جان خود بگذرند - بر طبق هر قانونی که حساب کنید - این عده، بهترین مردم یک کشورند. فرق نمی‌کند که دیدگاه اسلام این‌طور باشد. کسانی که جان و سلامت و منافع خود را در راه خدای متعال و حکم او فدا کرده‌اند، حتی در عرف کسانی که قضاوت‌هایشان تابع نظرات دینی نیست، ولی با انصاف و حق‌شناس و خردمندند، بهترین خلائق محسوب می‌شوند. انسان بعضی مسائل را در نظر اول درست نمی‌فهمد. اگر در اجتماع و ازدحامی که همه سعی می‌کنند در آن جا حضور داشته باشند و جا کم است، کسی را ببینید که به خاطر دیگران خود را محروم می‌کند، در دل نسبت به او احساس احترام می‌کنید.

چقدر باید کسی نمک‌شناس و قدرناشناس و از اخلاق انسانی به دور باشد که قدر

شهادای کشور خود را نشناسد. شهید یعنی انسانی که سلامت، دنیا، رفاه و بالاتر از همه، حیات خود را کف دست گرفته و رفته است تا از کشور، ناموس و ارزشهای مورد احترام خود و در واقع از یکایک آحاد مردم کشورش دفاع کند. این معنای شهید است. در روایت وارد شده است که: «فوق کلِّ برِّ برِّ، حتّی یقتل الرّجل فی سبیل الله (۱)». بالاتر از هر خوبی، خوبی دیگری قرار داد. بالاتر از برترین انسانهای یک جامعه، انسانهایی برتر قرار دارند. بهترین اعمال در عرف انسانهای متدین، شامل نماز و عبادات، انفاق، تلاش، کار، تحصیل علم، تحقیق و... می شود. بالاتر از این اعمال، تا حدّ معینی، کاری هست. آن حد کجاست؟ «حتّی یقتل الرّجل فی سبیل الله». جان باختن انسان در راه خدا، سقف نیکی است و بالاتر از این هیچ خیری وجود ندارد. بنده همیشه به پدران و مادران و همسران شهدا؛ یعنی آنان که مصیبت شهید را حس کرده‌اند، این موضوع را عرض می‌کنم که: شهید، خود مصیبتی حس نمی‌کند. شهید غرق در نعمت است. حرکتی انجام می‌دهد و برای جهاد قدم برمی‌دارد. نفس این اقدام بزرگترین کاری است که یک انسان می‌کند؛ انسانی که خود را از گرفتاریها، اسارتها و جاذبه‌های کوبنده و شدید مادّی که همه‌ی انسانها را اسیر خود کرده، رها می‌سازد. همه‌ی ما در بند اسارت مادّیاتیم؛ اسیر پول، مقام، خواسته‌های نفسانی، شهوات، نام، زن و فرزند، رفاقت، رودربایستیها و ترس و طمع. اینها قیود اسارت ماست. انسان باید بسیار قوی باشد که از این اسارتها خود را رها کند.

کسی که برای جهاد قدم برمی‌دارد، این کار را انجام می‌دهد و خود را رها می‌کند. در واقع این همان کار بزرگی است که آن انسان انجام می‌دهد و تا این کار را انجام داد، مستوجب لطف و فضل الهی می‌شود. بزرگترین ثوابی هم که خدا به این انسان می‌دهد شهادت است. این مقام، جای حسرت و غبطه خوردن دارد. اگر من و شما تا آخر عمر غبطه بخوریم که چرا در میدان شرف و مجاهدت، به سرنوشت شهدا دچار نشدیم، جا دارد؛ چون خدای متعال به مجرد آن که جرعه‌ی گوارای شهادت را به انسانی تعارف کرد، بزرگترین اجر را به او داده است. پس، شهید غرق در نعمت است و از همان لحظه‌ی اوّل، رنج او تمام شده است. طبق آنچه که بعضی روایات می‌گویند، در همین نشئه وقتی ضربه وارد می‌آید و شهید به خاک می‌افتد، هنوز روح از تن او خارج نشده است که فرشتگان رحمت الهی احاطه‌اش می‌کنند. شهید در همین نشئه‌ی مادّیتی

که من و شما در آن گرفتاریم - همین جا - بهشت و نعیم خدا یعنی آن «مالا عین رأّت ولا اذن سمعت» را می‌بیند. پس او در نعمت الهی غرق می‌شود: «و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و لا هم یحزنون. (۲)» اگر او با ما حرف بزند، نمی‌گوید که من رنج کشیدم. حرف او این است که: «شما نمی‌دانید این‌جا چه خبر است! این‌جا رحمت است، لذت است، نعمت است؛ این‌جا خداست». او اجر خود را گرفته است؛ اما این‌جا مصیبت فقدانش گریبانگیر کسانی است. پدر، مادر و همسر شهید، اولین کسانی هستند که از فقدان او رنج می‌برند. رنج و تحمل آنها، خود اجری عظیم در پی دارد. بنده وقتی با خانواده‌های معظم شهدا مواجه می‌شوم، به آنها عرض می‌کنم خطّ مقدّم و خاکریز اوّل در محاسبه‌ی ارزشهای الهی در مقابل ارزشهای طاغوتی، شهید است. شهید در مرتبه‌ی جلو است و پشت سر او بلافاصله کسانی - پدر، مادر، همسر، فرزندان، برادر، خواهر و دوستان - ایستاده‌اند. اینها کسانی هستند که از باران فضل الهی بر شهید، بهره می‌برند.

همین‌جا نکته‌ای را عرض کنم و آن، این است که جانبازان هم مثل شهدا هستند. به این نکته‌ی مهم دقت کنید؛ جانبازان هم مثل شهدا هستند. آن اقدامی که شهید کرد، جانباز هم کرده است. همّتی را که شهید به خرج داد، جانباز هم به خرج داده است. جانباز هم مانند شهید از جاذبه‌ها گسسته و قید و بندها را رها کرده است. شهید را خدا به بهترین شکل اجر داد و به مقامی رسانید. «و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون (۳)»؛ هر که می‌خواهد بر کسی غبطه بخورد، بر شهید شدن او غبطه بخورد. گوارایشان باد! خوشا به حالشان!

اما خدای متعال جانبازانی را که در راه او جنگیدند و جام شهادت ننوشیدند، وارد مرحله‌ی جدیدی کرده است که اگر در این مرحله بتوانند از عهده‌ی امتحان الهی بر آیند، هرگاه از دنیا بروند - ولو در رختخوابشان - شهید محسوب می‌شوند. اینها نیز از اجر الهی بهره‌مند می‌شوند. «من بعد ما اصابهم القرح»؛ پس از آن‌که در راه خدا مجروح شدند و از عهده‌ی امتحان الهی برآمدند، «للذین احسنوا منهم و اتقوا اجر عظیم (۴)»؛ برایشان اجر عظیمی است.

من نمی‌دانم خدای عظیم؛ خدایی که همه‌ی عظمت‌های عالم از وجود او ناشی می‌شود،

وقتی چیزی را عظیم بخواند، آن چیز چقدر عظمت پیدا می‌کند. اجر جانبازان همین است. اینها ارزشهای الهی است. بازماندگان شهدا و کسان جانبازان و افرادی که به نحوی مصیبت مجاهدت را چشیده‌اند - که لفظ ایثارگران به آنها اطلاق می‌شود و لفظ درستی است؛ چرا که آزادگان و مفقودان و خانواده‌هایشان واقعاً ایثارگر بوده‌اند - همه از سفره‌ی بی‌نهایت فضل الهی در باب جهاد و شهادت برخوردار می‌شوند. شرطش این است که با خدای متعال حساب باز کنند. «احتساب»؛ با خدا حساب کنند. آن‌گاه اجرشان را دریافت می‌کنند. بعضی از بازماندگان شهدا، به جای یک مجاهدت، چندین مجاهدت کرده‌اند. از یک جهت، مجاهدت کردند که فرزند خوبی را پرورش دادند و این مجاهدت اجر دارد. از این جهت نیز مجاهدت کردند که مایه‌ی امید و نور دیده‌شان را در راه خدا به جبهه فرستادند. مجاهدت دیگر آن بود که نگرانیهای دوره‌ی حضور فرزندشان را که در جبهه به سر می‌برد، تحمّل کردند. شبهای عملیات، خانواده‌هایی که عزیزی در جبهه داشتند، مضطرب می‌شدند. این نیز مجاهدت است. لحظه لحظه‌ی اضطراب شما مادران پیش خدای متعال محفوظ است. خیال نکنید اینها گم می‌شود؛ در دیوان الهی محفوظ است. یک مجاهدت دیگر هم آن بود که وقتی خبر شهادت عزیز خود را شنیدند، بی‌صبری و بی‌تابی به خرج ندادند و جبهه‌ی حق را دشمن‌شاد نکردند. ملت ایران در دنیا به استقامت معروف شد. بنده در دوره‌ی مسؤولیت اجرایی، رؤسا و شخصیت‌های برجسته‌ی سیاسی و انقلابی سراسر دنیا را می‌دیدم که وقتی در مورد ملت ایران حرف می‌زدند، از وجنات و کلماتشان روشن بود که از اعماق دل برای ملت ایران احترام قائلند. آنها این احترام را به دلیل همین مواردی که گفتیم، قائل می‌شدند. شنیده نشد که خانواده‌ی شهیدی بی‌تابی و ناشکری کند. البته گریه کردن ایرادی ندارد؛ اما ناشکری نکردند. برای خدا دادند و این، آن چیزی است که مردان بزرگ عالم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زمانی من به مازندران آمدم. در یکی از شهرهای مازندران، بعد از سخنرانی، وقتی می‌خواستم سوار اتومبیل شوم، دیدم خانمی به اطرافیان اصرار می‌ورزد که با من صحبت کند. گفتم که بگذارند بیاید. خانم جلو آمد و گفت: پسر من در دست بعثیها اسیر بود. همین چند روز قبل به من خبر دادند که او زیر شکنجه کشته شده است. شما که به تهران رفتید، از قول من به امام سلام برسانید و بگویید: پسر من فدای شما؛ من ناراحت نیستم.

این جمله را در همین مازندران - در بابل یا ساری، یادم نیست - خانمی به من گفت. وقتی در تهران مطلب را به امام گفتم، آن مرد با عظمت و با ابهت و آن کوه صبر و حلم، چنان در هم و منقلب شد که تعجب کردم! اینهاست که ملتی را بزرگ می‌کند و برای یک ملت آبرو می‌سازد. ما در تاریخ اسلام شنیده و یا خوانده بودیم که افرادی وقتی شوهر، برادر و یا فرزندشان را در راه اسلام از دست می‌دادند، می‌گفتند: جان پیغمبر به سلامت باشد، اینها مهم نیست. لکن این از خودگذشتگی را بارها و بارها به چشم خودمان در قضایای هشت سال جنگ تحمیلی و در دوران انقلاب دیدیم. هزاران دل استوار و محکم در راه خدا، داستانهای تاریخی آفریدند. اینها حوادث ناچیزی نیست. اینها همان ارزشهایی است که ملتی را بزرگ و سرافراز می‌کند. این هم مجاهدتی دیگر بود که صبر کردند. شما خانواده‌های شهدا صبر کردید؛ مادران صبر کردند. مادرانی که طاقت ندارند خاری را به پای فرزندشان ببینند، چطور طاقت می‌آورند بدن غرقه به خون فرزندشان را ببینند و گریه نکنند و اشک نریزند؟! از این قبیل مادران و پدران و همسران داشته‌ایم. امروز هم بحمدالله خانواده‌های شهدای ما این گونه‌اند و من خلاف این سراغ ندارم. مجاهدت دیگری نیز هست که شما هنوز با آن سرو کار دارید. آدمهای سطحی‌نگر و مادی‌ای هستند که قدر شهید و خانواده‌ی شهید را نمی‌دانند. این عده همیشه وجود داشته‌اند؛ در جامعه ما هم وجود دارند. همه‌ی آدمها یکسان نیستند. ایمانها، مختلف و بینشها و معرفتها متفاوت است. درک و شعور انسانها نیز مختلف است. همه در یک سطح نیستند. بودند کسانی که در هشت سال جنگ تحمیلی، دامانشان هم به آب این دریا تر نشد. دنبال کار خودشان بودند. چنین آدمهایی در جامعه وجود دارند. کسانی هستند که هنوز قدر شهید و شهادت را نمی‌شناسند و گاهی حرفی می‌زنند و اشاره‌ای می‌کنند و قدر ناشناسی آنها از خلال جمله‌ای آشکار می‌شود و تحمل این موضوع برای خانواده‌ی شهید سخت است. تحمل این‌گونه حرفها نیز مجاهدتی دیگر است.

به شما مطلبی را عرض کنم. این یک صحنه از درگیری تاریخی است که فقط خاص امروز نیست. همیشه حق و باطل در تاریخ بوده است. یک طرف حق است و همه‌ی آفرینش براساس حق است. خلقت پروردگار براساس حق است. خود خداوند متعال حق مبین است. راه خدا، راه حق است. یک راه هم راه باطل است؛ راه جهنم و راه

شیطان است. بین این دو درگیری وجود دارد. این درگیری در طول تاریخ بشر، همواره بوده و تا مدت‌ها هم خواهد بود. تفاوتی که امروز با دورانهای گذشته دارد، این است که در درگیری فوق، جبهه‌ی حق اغلب ضعیف، کوچک، کتک‌خور و زجرکش بوده است. جبهه‌ی باطل مسلط بوده است. می‌زده، می‌برده، می‌کشته و نابود می‌کرده و جبهه‌ی حق نمی‌توانسته کاری بکند. اما امروز به فضل پروردگار این‌طور نیست. امروز جبهه‌ی حق، قدرتمند شده است. جبهه‌ی باطل با همه‌ی تظاهرش به قدرتمندی، تا مغز استخوان از جبهه‌ی حق می‌ترسد. بعد از به اهتزاز درآمدن پرچم حق به وسیله‌ی ملت ایران و به دست توانای آن مرد بزرگ - که در دنیای ما جزو نوادر تاریخ بود - و بعد از شروع این انقلاب و به ثمر رسیدن آن، جبهه‌ی حق قوت یافت. البته جبهه‌ی حق نیز بتدریج نیرومند شد و از اوّل انقلاب به آن قوت و اقتدار نبود. بعد از شروع جنگ، روزبه‌روز بر اقتدار جبهه‌ی حق افزوده شد. امروز هم البته حق به حسب ظاهر در اقلیت است؛ اما بسیار قوی است. روزهایی بود که در نیمی از دنیای اسلام - بلکه بیشتر از آن - کسی جرأت نمی‌کرد نام خدا را بر زبان آورد. امروز در همه‌جای دنیای اسلام، مسلمانان، بخصوص جوانان مسلمان، روشنفکران و قشرهای برگزیده، به نام اسلام افتخار می‌کنند. این به برکت مجاهدتهای شما و جوانان شماست. زحماتی که در جنگ کشیده شد، حمایت خانواده‌ها و پشتیبانی آنها در پشت جبهه‌ها و نیز کمکهای فکری یا مالی که می‌شد، روزبه‌روز جبهه‌ی حق را قویتر و مقتدرتر کرد. البته باز هم درگیری وجود دارد؛ منتها بحمدالله حق از موضع قدرت در دنیا حرف می‌زند.

امروز به برکت اسلام، دولت ایران دولتی نیرومند است. ملت ایران، ملتی سرافراز است. ندای انقلاب در دنیا به برکت اسلام و مجاهدتهای شما جا افتاده است. پیغمبران همین را می‌خواستند. می‌خواستند که دنیا حرف آنها را بپذیرد. امروز در قلب اروپا همان حرفی را می‌زنند که شما می‌زنید. جوانان شما جهاد فی سبیل‌الله را به بوسنیاییها یاد دادند. جوانان شما این‌کار را کردند، وگرنه آنها که این‌کار را بلد نبودند. یکی از جوانانی که در بوسنی مجاهدت کرده بود، برای من نقل می‌کرد: وقتی که در زمینه‌ی اسکناسهای جمهوری اسلامی، جوانان بوسنیایی عکس شهید «فهمیده»، پسرک فداکار سیزده ساله را دیدند، متوجه شدند روی پیشانی‌اش چیزی بسته است. پرسیدند: این چیست؟ گفتم: این علامت بسیجیهای ماست که در میدان جنگ و جهاد

فی سبیل الله، پیشانی بند می بستند. آن وقت جوانان مسلمان بوسنیایی صف کشیدند، لباسها و پیراهنهایشان را تکه تکه کردند و پیش ما آوردند و گفتند: این جملات را روی لباسهای ما هم بنویسید! ما نوشتیم و آنها به پیشانی شان بستند و ندای الله اکبر این طور در قلب اروپا طنین انداخت. همه ی دنیا هم با آنها مبارزه می کنند. سال گذشته گفتند بوسنی به همین زودیها شکست می خورد؛ اما امسال شاهدید که بوسنیاییها پیشرفت می کنند. نتیجه ی مجاهدت با ایمان به خدا همین است. کشور شما هم پیش رفته است. امروز هم باز درگیر دست و پنجه نرم کردن با دشمنان خداست. ملت ایران می ایستد و مبارزه و مجاهدت می کند. مبارزه ی هر دورانی متناسب با خود آن دوران است. امروز، مبارزه سازندگی است؛ مبارزه برای حفظ فرهنگ جهاد و شهادت است؛ مبارزه برای راه حزب الله و برای تحکیم کامل ارزشهای اسلامی در این کشور است. به برکت ایستادگی شما، این مبارزه نیز به فضل پروردگار به پیروزی خواهد انجامید و آرزوی دیگری از آرزوهای امام بزرگوارمان برآورده خواهد شد و این ملت باز هم دشمن را شکست خواهد داد.

پروردگارا! شهدای عزیز ما را مشمول رحمت روزافزون خود قرار ده. پروردگارا! آنها را در صدر مقامات عالییه ی رحمت خود بنشان. پدران، مادران، همسران، فرزندان و بقیه ی بازماندگان آنها را مشمول لطف خود قرار ده. به جانبازان عزیز ما سلامت عنایت کن. به کسان و خانواده های آنها قوت و صبر مرحمت فرما. پروردگارا! آزادگان عزیز ما و زحماتشان را مشمول لطف و فضل خود قرار ده. رنج خانواده های آنها را قبول فرما. پروردگارا! مفقودین این ملت را به آغوش خانواده هایشان برگردان. از آنها خبر خوشی به خانواده هایشان برسان. پروردگارا! وسایل آزادی و رفاه کسانی را که هنوز در اسارتند، فراهم فرما. پروردگارا! مرگ ما را جز به شهادت در راه خودت قرار مده. ما را مشمول لطف و فضلت قرار ده. ما را تا آخرین لحظه ی زندگی مان موفق به مجاهدت در راه خود قرار ده. پروردگارا! قلب مقدس ولی عصر را از همه ی ما خشنود گردان.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران و روحانیون
اهل تسنن و تشیع مازندران با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۴/۰۷/۲۷ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از ورود به شهر گنبد در اجتماع خانواده‌های معظم شهدا، جانبازان و آزادگان و روحانیون اهل تسنن و تشیع این شهر حضور یافتند و طی سخنانی جانبازی و شهادت در راه خدا و مجاهدت برای عزت اسلام را به عنوان یکی از پدیده‌های برجسته و درخشان در دوران پس از پیروی انقلاب اسلامی توصیف کردند.

مقام معظم رهبری صبر بر شهادت و سختیهای ناشی از مجاهدت فرزندان ملت را برجسته‌ترین طاعات و از بزرگترین حسنات دانستند و فرمودند: جانبازان و آزادگان و خانواده‌های آنان، سالهای سخت و روزهای دشواری را در دوران دفاع مقدس سپری کردند و در پرتو صبر و مقاومت آنان و خانواده‌های معظم شهدا، ملت ایران در دنیا عزیز و گرانقدر شد و بر همین اساس همه مردم باید قدر این مجاهدتها را بدانند و به آزادگان، جانبازان و رزمندگان احترام و تکریم کنند. زیرا افتخار و سربلندی امروز ملت ایران مرهون مجاهدتهای خالصانه آنان است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای جوانان را به فراگیری قرآن کریم، آموختن دین و اخلاق اسلامی سفارش کردند و در پایان سخنانشان فرمودند: وحدت، یگانگی و همدلی مردم، دشمن را از رخنه در صفوف آنان ناامید می‌کند. بنابراین حفظ وحدت یک اصل اساسی و مهم است و همه باید به آن توجه کنند.

دیدار خانواده شهید فهمیده و اعضای ستاد بزرگداشت
این شهید با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۴/۰۸/۰۷ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار خانواده شهید فهمیده و اعضای ستاد بزرگداشت این شهید و دیگر شهدای دانش‌آموز با ایشان، طی سخنان کوتاهی با تأکید بر ارزشمند بودن کار احیاء حادثه شهادت دانش‌آموز بسیجی شهید فهمیده و حوادث مشابه آن، اینگونه حوادث را از اصالت‌های دوران دفاع مقدس دانستند.

رهبر معظم انقلاب در این دیدار که در آستانه سالگرد شهادت نوجوان بسیجی شهید حسین فهمیده انجام گرفت، ضمن تفقد از والدین و خانواده آن شهید عزیز فرمودند: بروز چنین حوادثی که ناشی از تربیت صحیح و اصالت‌های خانوادگی است صرفاً در محیط‌های اسلامی جلوه‌گری و نورافشانی می‌کند.

دیدار خانواده‌های شهدای قم با رهبر انقلاب

۱۳۷۴/۰۹/۱۴



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، در جمع خانواده‌های معظم شهدای شهرستان قم، طی سخنانی از حاکمیت قدرتمندانه اسلام و عزت مسلمانان در سطح جهان به عنوان اجر و پاداش بزرگ خداوند به شهدا در دنیای مادی یاد کردند و صبر و مقاومت بستگان معظم شهدا را در فقدان عزیزانشان، مورد ستایش قرار دادند.

مقام معظم رهبری در بیان مقام و منزلت شهدا فرمودند: در مسأله شهادت، آنچه که اهمیت بسیار دارد این است که یک انسان به برکت گذشت و فداکاری، خود را به صف انسانهای برگزیده ملحق می‌کند. خداوند اجر شهدا را در آخرت به صورت کامل عطا می‌کند و عزت امروز اسلام و مسلمین، ثمره خون شهدای عزیز و پاداش دنیایی آنان است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تشریح دستاوردهای خون شهیدان فرمودند: ستاره درخشان آسمان شهادت، جان عزیزشان را ایثار کردند مقصود خود را برآورده ساختند و در پرتو همین ایثارگریها امروز در کشورهای اسلامی و در محیطهای روشنفکری و دانشگاهها، جوانان و افراد تحصیل کرده و زبده به مسلمان بودن خود افتخار می‌کنند و بسیاری از سیاسیون کشورهای اسلامی بر اعتقاد خود به اسلام اصرار می‌ورزند و نام خدا را بر زبان می‌آورند، در متن اروپا، یک ملت برای حفظ هویت اسلامی خود، چهار سال قربانی دهد و در حساس‌ترین نقطه جهان یعنی ایران، حکومت قرآن و معارف الهی با قدرت، عزت

و اعتبار بین‌المللی به وجود آمده و به حیات با برکت خود ادامه می‌دهد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی مادران و پدران شهدا را مفتخر به تربیت فرزندان عالی‌مقام دانستند و در بخش دیگری از سخنانشان در تجلیل از مقام جانبازان و آزادگان فرمودند: جانباز، یک شهید زنده است و اگر روح و حقیقت جانبازی را برای خود نگه دارد، قدر و منزلت شهید را خواهد داشت. آزادگان نیز دوران سخت اسارت را با افتخار و سربلندی سپری کردند اما لحظه‌ای از این ایام پررنج، از دید کرام الکاتبین پوشیده نمانده است، لذا آنان باید به حفظ این اوج منور در نامه اعمال خود اهتمام ورزند و قدر آن را بدانند.

مقام معظم رهبری در پایان سخنانشان به ایستادگی و پایداری نظام اسلامی در برابر قدرتهای استکباری اشاره کردند و فرمودند: به برکت عزت حاصل از خون پاک شهدا و مجاهدت رزمندگان، آزادگان و جانبازان هیچ نیرویی نمی‌تواند بنای مستحکم نظام اسلامی را تهدید کند. ملت ایران از آغاز انقلاب تا کنون در مقابل تمامی توطئه‌های دشمنان اسلام، مقاوم، مستحکم و پیروز ایستاده است و دشمن نیز بارها به شکست خود و قدرت و قوت اسلام و نظام اسلامی اعتراف کرده است.

بر پایه همین گزارش پیش از سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از پدران شهدا که سه فرزند خود را تقدیم اسلام کرده است به نمایندگی از حضار، حضور معظم‌له را در شهر شهید پرور قم گرامی داشت.

اقامه نماز ظهر و عصر به امامت رهبر انقلاب و با حضور
جانبازان و معلولان افتخار آفرین پارالمپیک آتلانتا

| ۱۳۷۵/۰۶/۰۷ |



جانبازان و معلولان افتخار آفرینی که در پارالمپیک معلولان و جانبازان آتلانتا، برای ملت مسلمان و نظام جمهوری اسلامی ایران سربلندی و افتخار آفریدند، نماز ظهر و عصر را در فضایی سرشار از معنویت به امامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی اقامه کردند.

مقام معظم رهبری پس از اقامه نماز در سخنانی با تجلیل از اراده سترگ جانبازان کشور در مسابقات جهانی تصریح کردند: افتخار آفرینی شما مایه آبروی ملت مسلمان و نظام اسلامی شده است و لازم است از این تلاشها به نحو شایسته‌ای قدردانی شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی بارد تفکری که حضور در مسابقات جهانی را تشریفاتی و زائد می‌داند، مسابقات جهانی را، عرصه تجلی قدرت جسمانی و بویژه قوت اراده ورزشکاران ملتها خواندند و فرمودند: ملتها در همه میدانها نیاز به اراده قوی دارند و هنگامی که ورزشکاری در میدان جهانی موفق و پیروز می‌شود این امر نشان‌دهنده سطح قوی اراده آن ملت است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تأثیر فعالیتهای سازمان یافته در توفیق یا عدم توفیق ورزشکاران در مسابقات جهانی افزودند: پیروزی در میدانهای ورزشی همچنین نشان‌دهنده فعالیتهای سازمان یافته‌ای است که از قبل برای آماده‌سازی و پرورش ورزشکاران صورت گرفته و از این دیدگاه افتخار آفرینی در میدانهای ورزشی، قوت سازماندهی و مدیریت یک کشور را نشان می‌دهد و به همه

سازمانها و دستگاههای مربوط و به طور کلی به دولت و ملت مربوط می‌شود.

مقام معظم رهبری با اشاره به ناخرسندی دشمن از افتخارآفرینی جانبازان دلاور افزودند: آمریکا خوشش نمی‌آمد پرچم جمهوری اسلامی بارها و بارها در این کشور افراشته و سرود جمهوری اسلامی نواخته شود اما پیروزیهای قاطع شما عزیزان نگذاشت او در جلوگیری از این مسأله، موفق شود. مقام معظم رهبری همچنین از همه مربیان و دست‌اندرکاران امور ورزشی جانبازان قدردانی کردند.

در پایان این مراسم مقام معظم رهبری هدایایی به اعضای تیم جانبازان و معلولان کشورمان اعطاء فرمودند و آنان را مورد تفقد قرار دادند.

دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران آذربایجان غربی با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۵/۰۶/۲۷ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع خانواده‌های معظم شاهد، جانبازان، آزادگان و ایثارگران استان آذربایجان غربی، شهادت را بالاترین مرحله رشد و تعالی در راه خدا خواندند و بر لزوم توجه کامل و قدردانی همیشگی از خانواده‌های شاهد و ایثارگران تأکید کردند.

مقام معظم رهبری در این دیدار که آمیخته با عطر ایثار و شهادت بود فداکاری و ایثار قشرهای مختلف ملت بویژه شهیدان سرافراز و خانواده‌های آنها و دیگر ایثارگران را جوهره پیشرفت‌ها و موفقیت‌های نظام اسلامی توصیف کردند و افزودند: عزت این ملت، سرافرازی کشور و پیروزی در برابر آمریکا و هم‌پیمانانش، در حال و آینده در گرو تداوم فداکاری ملت است و این را با تحلیل‌های مادی نمی‌توان تبیین و درک کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این که استان آذربایجان غربی، کردستان و برخی دیگر از مناطق غربی کشور از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی درگیر جنگ با دشمنان و توطئه‌گران شدند تصریح کردند: حاصل فداکاری‌های مستمر مردم این مناطق به این نتیجه ختم شده است که امروز در حالی که در مناطق همجوار، آمریکا، کردهای مسلح عراقی و رژیم صدام حضور دارند و مرگ و ناامنی و ویرانی بیداد می‌کند، به فضل الهی مردم این مناطق کشور در کمال امنیت و آرامش زندگی می‌کنند.

مقام معظم رهبری با تجلیل از صبر و استقامت مادران، پدران، همسران و دیگر

بازماندگان شهدا و نیز با ستایش از ایثار و تحمل جانبازان و فداکاری خانواده و همسران آنها و قدردانی از استقامت و صلابت آزادگان و خانواده‌های این عزیزان افزودند در پرتو این همه فداکاری و پایداری و ایثار، ملت ایران عزیز و با عزت شد و پرچم اسلام در جهان به اهتزاز درآمد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تلاش دشمن برای تجدید منافع نامشروع خود در این کشور، تهاجم فرهنگی را، پدیده‌ای حقیقی و خطرناک‌تر از تهاجم نظامی خواندند و گفتند دشمن می‌خواهد با به فساد کشیدن جوانان و از بین بردن مرزهای الهی و اخلاقی در محیط زندگی زن و مرد، روحیه نشاط و فعالیت و تلاش در راه خدا را از ملت ایران بگیرد و در برابر این توطئه بسیار خطرناک، همه قشرهای ملت بویژه جوانان و بخصوص خانواده‌های شهدا، جانبازان، آزادگان و ایثارگران باید، هوشیارتر و مصمم‌تر از جبهه جنگ به مقابله بپردازند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ایران اسلامی را کشوری عزیز و مقتدر خواندند که کشوری مانند آمریکا را با همه قدرت ظاهریش برای بی‌نتیجه گذاشتن سفر رئیس جمهوری اسلامی ایران به آفریقا، به دست و پا می‌اندازد که این خود نشانه عظمت ملت مسلمان ایران است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به لزوم ارائه الگوهای درخشان برای جوانان، آنها را امیدهای آینده کشور توصیف کردند و افزودند: شهیدان سرافراز انقلاب اسلامی و سردارانی چون شهید باکری، الگوی مناسبی برای جوانان میهن اسلامی به شمار می‌روند و در راه معرفی آنها به جامعه باید تلاش بیشتری صورت گیرد.

قبل از این دیدار، یکی از جانبازان و ورزشکار بنام رضا کرمانج، مدال طلا و نقره مسابقات بین‌المللی سال ۱۳۷۴ جانبازان در انگلیس را به مقام معظم رهبری هدیه کرد.

دیدار اعضای ستاد یادواره شهید فهمیده و
شهادت دانش‌آموزان کشور با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۵/۰۸/۰۶ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای ستاد یادواره شهید فهمیده و شهادت دانش‌آموزان کشور با ایشان، طی سخنانی از شهید حسین فهمیده به عنوان یکی از اسطوره‌های به یاد ماندنی در تاریخ ملت ایران نام بردند و جوانان و نوجوانان بسیجی را گنجینه‌ای از استعدادهای بی‌پایان توصیف کردند.

مقام معظم رهبری در این دیدار اهمیت پرداختن به مسأله بسیج دانش‌آموزی را خاطر نشان کردند و فرمودند: نوجوانی دوره‌ای است که برای رقم زدن آینده هر فرد، نقش حساس و تعیین‌کننده‌ای دارد و کسانی که در این مرحله به رشد معنوی، علمی و فکری و کارایی و قوت جسمی برسند، آینده درخشانی را برای خود تضمین خواهند کرد، بنا بر این پرداختن به کار تعلیم و تربیت این قشر از جامعه و بویژه مسأله بسیج که یک امر همه‌جانبه مادی و معنوی محسوب می‌شود حائز اهمیت بسیار است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیان معنا و مفهوم بسیج و بسیجی فرمودند: بسیج یک عمل نهادین و رمزی است و بسیجی به کسانی اطلاق می‌شود که از متن جامعه برخاسته‌اند و آماده شده‌اند تا برای شخصیت، عزت و اعتلای کشور و ملت خویش اهتمام کنند. بسیجی کسی است که در برابر یک تجاوز خارجی در نقش مدافع و در خط اول جبهه ظهور می‌کند، در عرصه سازندگی به ایفای نقشی که از او انتظار می‌رود می‌پردازد، در صحنه علم و تحصیل به فراگیری و آموزش روی می‌آورد و در هنگام

تعلیم دادن، سواد و علم و تخصص و فن و صنعت و هنر را به دیگران می‌آموزد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با تأکید بر اهمیت نقش اسطوره‌ها در زندگی ملت‌ها و جوامع انسانی فرمودند: هر کشور و ملتی با آرمانها، اسطوره‌ها و نمادهای خود، زندگی می‌کند.

امام خمینی (رض) با ابعاد وجودی عظیم خود برای ملت ایران نمونه و اسطوره‌ای بر طبق واقعیتها بود. و شهید حسین فهمیده نیز در سطح خود و برای نوجوانان، یکی دیگر از اسطوره‌های ملت ایران است که برای همیشه در یادها زنده خواهد ماند.

مقام معظم رهبری به تأثیر تربیت الحادی بر قشر جوان و نوجوانان در بسیاری از کشورهای دنیا اشاره کردند و فرمودند: کشورهای اروپایی در وضعیت کنونی، بدون اختیار، امکان بروز شکوفایی استعدادها را در میان نوجوانان خود از بین می‌برند و آنان را به سوی فساد و آلودگیهای اخلاقی و هرزگی سوق می‌دهند اما جوانان و نوجوانان ما در لباس بسیج از ارزشها و شخصیت و جوهره وجودی خویش مردانه و باقوت دفاع می‌کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای زنده نگهداشتن یاد نوجوانان بسیجی را حائز اهمیت بسیار دانستند و در پایان سخنانشان ضرورت تجلیل از نوجوانان دانش‌آموز که در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل حماسه‌های بزرگ را به وجود آوردند مورد تأکید قرار دادند.

پیش از سخنان مقام معظم رهبری، سردار علیرضا افشار فرمانده نیروی مقاومت بسیج گزارشی را در مورد فعالیت‌های انجام شده از سوی ستاد یادواره شهید فهمیده و شهدای دانش‌آموز کشور ارائه کرد.

در این دیدار مقام معظم رهبری ضمن تشکر از زحمات اعضای ستاد یادواره شهید فهمیده و دیگر شهدای دانش‌آموز، از پدر و مادر محترم دو شهید معظم خانواده فهمیده، شهید حسین فهمیده و برادرش تجلیل کردند.

پیش از سخنان مقام معظم رهبری، سردار سرتیپ افشار، فرمانده نیروی مقاومت بسیج از اهداف و برنامه‌های یادواره شهید فهمیده و دیگر شهدای دانش‌آموز گزارشی به استحضار رساند.

دیدار جانبازان برگزیده کشور با رهبر انقلاب

۱۳۷۵/۰۹/۲۶



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی امروز در دیدار جانبازان نمونه و برگزیده کشور با ایشان، طی سخنانی وجود جانبازان را در زمره بدایع و آثار و برکات انقلاب اسلامی دانستند و ضرورت گرمیداشت مقام و مرتبه جانبازان را به عنوان یادگاران یکی از بزرگترین آزمایشهای ملت ایران مورد تأکید قرار دادند.

مقام معظم رهبری در این دیدار که به مناسبت سالروز ولادت بزرگ جانباز اسلام حضرت ابوالفضل العباس (ع) و روز جانباز انجام شد، فرمودند: جانبازان بر دشوارترین و سخت‌ترین ضعفهای جسمانی فایق آمده‌اند و این ضعفها را مقهور اراده خود کرده‌اند، آنان همچنین با استفاده از سعه وجودی خود و بکارگیری قدرت ابتکار و خلاقیت و قدرت فراگیری و سیر مراحل دشوار زندگی، وجود یک بارقه حقیقت برتر را به دیگران نشان داده‌اند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، جانبازان را الگوی شایسته عرصه‌های مختلف برای مردم و بویژه جوانان دانستند و فرمودند: جانبازان قدرتهای بسیاری را که خداوند متعال در روح و جسم انسان به ودیعه نهاده است بکار گرفتند و در میدان علم، مدیریت و ورزش و نیز در بسیاری از مسائل دین و دنیا شگفتی آفریدند. بنا بر این جوانان ایران در هر عرصه و رشته‌ای که وارد می‌شوند باید از جانبازان درس بگیرند و آنان را الگو و سرمشق خود قرار دهند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی جانبازان را یادگاران دوران پرافتخار انقلاب و حادثه بزرگ جنگ تحمیلی توصیف کردند و فرمودند: جانبازان، یادگار آزمایشهای بزرگ ملی محسوب می‌شوند و ملت ایران باید برای همیشه به آنان به عنوان الگوهای مقاومت ارج بنهند و آنان را گرمی بدارند.

مقام معظم رهبری از تاریخ پرشکوه جنگ تحمیلی به عنوان ثروت عظیمی برای جانبازان یاد کردند و فرمودند: جانبازان، سوابق درخشان خود در میدان جنگ و نیز مهر و نشانی را که از جنگ تحمیلی بر جسم خود به یادگار دارند هرگز نباید از تاریخ پرشکوه دفاع مقدس ملت ایران منقطع کنند، بلکه آن را به مانند ثروتی عظیم برای خود نگهدارند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، جانبازان را در مقام شهدا دانستند و فرمودند: جانباز، شهید زنده است و اگر بتواند جان بر کف و با همان روحیه ایثارگری به حرکت خود ادامه دهد اجر و مقامی بالاتر را نیز به دست خواهد آورد و اگر در حفظ آنچه به دست آورده است دچار غفلت شود در زمره زیانکاران خواهد بود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پایان سخنانشان از همسران جانبازان به سبب شریک شدن در رنجهای آنان ستایش کردند و داستان زندگی همسران جانبازان را بسیار با عظمت و پرشکوه خواندند.

بر پایه همین گزارش پیش از سخنان مقام معظم رهبری، آقای محسن رفیق دوست رئیس بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی به معرفی حاضران پرداخت و موفقیت‌های چشمگیر آنان را در عرصه‌های علمی، قرآنی، دینی، هنری و ورزشی برشمرد.

دیدار دست‌اندرکاران برگزاری کنگره بزرگداشت
سرداران شهید استان تهران با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۵/۱۰/۱۰ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، امروز در دیدار اعضای ستاد و دیگر دست‌اندرکاران کنگره بزرگداشت سرداران شهید و ۳۶ هزار شهید استان تهران حفظ ارزشهای اسلامی و انقلابی را در زمره برترین کارها برشمردند و بر لزوم تجلیل شایسته از شهیدان بزرگوار انقلاب اسلامی و حماسه دفاع مقدس تأکید کردند. مقام معظم رهبری فداکاری شهیدان معظم ۸ سال دفاع مقدس را در زمینه حفظ کشور و استقلال ایران، ارزشی بسیار والا خواندند و افزودند: شهیدان سرافراز جنگ تحمیلی، علاوه بر این ارزشهای عمومی که در میان همه ملت‌ها قابل تجلیل است از خصوصیتی بسیار رفیع‌تر و ماندگارتر یعنی فداکاری در راه اقامه دین الهی و تقرب الی الله برخوردارند که ارزش ایثار آنها را بسیار بیشتر می‌سازد. رهبر معظم انقلاب اسلامی مسائل جاری زندگی را ذاتاً کمرنگ‌کننده یادها و فداکاریها خواندند و تأکید کردند: باید همواره تلاش کرد این ارزشهای والا در ذهن مردم، فراموش نشود از همین رو فعالیتهایی مانند برگزاری کنگره بزرگداشت شهیدان کاری بسیار لازم و مهم است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با ستایش از شهیدان همه مناطق کشور، یاد شهیدان والا مقام استان تهران را گرمی داشتند و تأکید کردند: همه دستگاهها باید کمک به برگزاری این کنگره را وظیفه خود بدانند و در اداء سهم خود، هیچگونه کوتاهی نکنند. مقام معظم رهبری با اشاره به لزوم ارتقای کیفیت تجلیل از شهیدان و بهره‌گیری از بهترین کیفیتهای هنری و فرهنگی در این راه، تصریح کردند: برای تجلیل از کسانی که به بالاترین درجه قرب الهی دست یافته‌اند، باید بهترین کارها و فعالیتهای انجام شود.

دیدار هیأت امنای و اعضای هیأت علمی و مسئولان
دانشگاه شاهد با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۵/۱۱/۲۹ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی امروز در دیدار هیأت امنای و اعضای هیأت علمی و مسؤولین دانشگاه شاهد با ایشان، ابتکار حضرت امام خمینی (رض) جهت اهتمام ویژه نسبت به تعلیم و تربیت فرزندان معظم شهدا را مصداق اتم قدرشناسی از شهدا برشمردند و ضرورت رعایت جهت‌گیریهای صحیح و عمیق فکری و منطقی در دانشگاه شاهد و نیز تلاش در جهت آراستن فرزندان شهدا به خصلتهای برجسته و ممتاز اخلاقی را مورد تأکید قرار دادند.

مقام معظم رهبری در این دیدار، اقدامات انجام شده در دانشگاه شاهد را حاکی از یک حرکت صحیح و برنامه ریزی شده دانستند و فرمودند: اهتمام و جدیت در تعلیم و تربیت فرزندان شهدا و پیگیری مراحل تحصیلی آنان تا عالیترین سطوح آموزشی مسأله‌ای بسیار برجسته و بی سابقه جهت قدردانی از شهدا محسوب می شود که در هیچ نقطه‌ای از جهان مشاهده نشده است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر ضرورت برخوردار بودن فرزندان شهدا از معنویت و بینش صحیح و نگرش مستدلانه به مباحث اسلام و انقلاب فرمودند: هیچ سابقه معنوی و یا مرحله خاصی از خروج، موجب خروج انسان از خصوصیت و خصلت آسیب پذیری نمی شود، بنا بر این حفظ و حراست فرزندان شهدا از آسیبهای مختلف باید به عنوان اولین هدف مورد توجه قرار گیرد و این مهم تنها در سایه جهت‌گیریهای صحیح

فکری و منطقی و آراستن آنان به خصلتهای خوب اخلاقی امکان پذیر است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی گذراندن مراحل عالی آموزشی و قرار گرفتن در عالیترین جایگاه علمی را برای فرزندان شهدا ضروری و حائز اهمیت خواندند و فرمودند: دشمنان اسلام در تلاش هستند تا اینگونه وانمود کنند که محرومیت از جنبه های علمی لازمه پایبندی به اصول و ارزشهای دینی است، در حالی که در طول تاریخ ایران، برجستگان دینی ما، همواره در زمره دانشمندان، علما و برترینهای علمی و فکری بوده اند و در عصر حاضر نیز کسانی که در میدانهای گوناگون انقلاب پایبندی خود را به ارزشها نشان داده اند جزو برترینها هستند، بنا بر این در ارتباط با فرزندان شاهد این برجستگی علمی باید در آنها بروز پیدا کند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای همچنین از دست اندرکاران دانشگاه شاهد به سبب اهتمام به این امر مهم تقدیر و تشکر کردند و در پایان سخنانشان این اقدام را از نظر شرعی و عقلی، حکمت سیاسی نظام و نیز عمل به توصیه امام بزرگوار (رض) حائز اهمیت بسیار دانستند.

بر پایه همین گزارش پیش از سخنان مقام معظم رهبری حجت الاسلام والمسلمین رحیمیان نماینده ولی فقیه و سرپرست بنیاد شهید و دکتر نور بالا رئیس دانشگاه شاهد هر یک، گزارشی را در مورد عملکرد و فعالیتهای این دانشگاه به استحضار رساندند.

دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران خوزستان با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۵/۱۲/۱۸ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر امروز در دیدار جمع زیادی از خانواده‌های معظم شهدا و مفقودان، جانبازان و آزادگان استان خوزستان با ایشان طی سخنانی بر ضرورت زنده نگهداشتن یاد شهدا در جامعه تأکید کردند و اهمیت نقش نویسندگان و هنرمندان را در برجسته کردن حقیقت شگفت‌آور فداکاری و ایثار در یادها یادآور شدند.

مقام معظم رهبری در این دیدار فداکاران ملت ایران را به سبب زهد، پارسایی، پاکدامنی، نجابت، مظلومیت، غربت و بی‌اعتنایی آنان به جلوه‌های دنیا شایسته تجلیل مضاعف دانستند و فرمودند: خانواده‌های مکرم شهدا با فداکاری، صبر و هوشیاری خود، بخصوص در دوران جنگ تحمیلی، کار بزرگی را به انجام رساندند و اکنون تمامی کسانی که با شهدا پیوند و ارتباطی داشته‌اند، باید خود را صاحب انقلاب و نگهبان و پاسدار ارزشهای آن بدانند، زیرا آنان با سرمایه‌گذاری عظیم خود توانسته‌اند این انقلاب را به برگ و بار برسانند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شهدا و ارزش‌آفرینیهای شگفت‌آور آنان را فراموش‌ناشدنی خواندند و فرمودند: اعضاء و بستگان معظم شهدا باید بدانند که دغدغه داشتن، حساسیت نشان دادن و خود را پاسدار راه شهادت و خون شهدا دانستن مربوط به آنان است. حرمت شهیدان ما با گذشت زمان تمام نمی‌شود یاد شهدا باید همیشه در جامعه

زنده بماند و خاطره‌ها و ماجراهای افتخارآمیز زندگی آنان دهان به دهان به نسلهای بعد منتقل شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی استمرار و افزایش دشمنی‌ها علیه نظام اسلامی و پرچم برافراشته اسلام در ایران را خاطرنشان کردند و فرمودند: دشمنان ایران اسلامی به تجربه دریافته‌اند که با حمله نظامی، قادر به خارج کردن این ملت شجاع و بزرگ از صحنه انقلاب نیستند و نمی‌توانند میان آنان و پرچم اسلام و قرآن فاصله بیندازند. دشمن از تجاوز نظامی خود به ایران بیش از ما متحمل رنج و زحمت شد و دولت بعثی امروز در نتیجه اعمال و رفتار خود در نهایت نکبت، فلاکت، فضاخت و بی‌آبرویی قرار دارد و کاری از او ساخته نیست.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اخبار جنگ تحمیلی را موجب گرایش و جذب بسیاری از انسانها به مکتب اهل بیت (ع) دانستند و فرمودند: ملت ایران در دوران جنگ تحمیلی در برابر یک توطئه خبری قرار داشت اما در عین حال خبرهای محدودی که از جنگ منتشر شد.

بیانات در گلزار شهدای هویزه

۱۳۷۵/۱۲/۲۰



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین. وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا وَ حَبِيبِ قُلُوْبِنَا، اَبِي الْقَاسِمِ الْمِصْطَفٰی مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی اٰلِهِ الْاَطْيَبِيْنَ الْاَطْهَرِيْنَ الْمُنْتَجَبِيْنَ، الْهَدَاةِ الْمُهْدِيِّیْنَ الْمُعْصُوْمِيْنَ، سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللّٰهِ فِي الْاَرْضِيْنَ.

خدای بزرگ و پروردگار عظیم کریم رحیم را شکرگزاریم که به ما آن قدر فرصت داد و عمر بخشید که یکی از معجزات بزرگ الهی در تاریخ را به چشم خود مشاهده کنیم. در همین بیابانی که امروز ما جمع شده‌ایم، روزی، جمعی از بهترین جوانان و پاکیزه‌ترین عناصر مؤمن و خالص و صالح ما، با غربت به خاک افتادند و شربت شهادت نوشیدند. آن روز، کسی گمان هم نمی‌کرد که به این زودی، این شهدای عزیز و غریب، این طور جاه و جلال معنوی پیدا کنند و مردم از راههای دور و نزدیک به زیارتشان بیایند. اما خدای متعال اراده کرد و آنچه گمان نمی‌رفت، تحقق پیدا کرد و آنچه دور می‌نمود، نزدیک شد. امروز گنبد و بارگاه و دستگاه معنوی این شهیدان، وسیله‌ای برای توجه دلها به قدرت لایزال پروردگار عالم است.

قدرت خداوند تعالی، بر همه‌ی قدرتهای مادی پیروز است. اراده‌ی حضرت حق تعالی، بر همه‌ی اراده‌های انسانها، مسیطر و مسلط است. آن روز، این جوانان عزیز، برای خدا

قیام و حرکت کردند. من، روزی که این عزیزان به سمت این جایگاه جهاد و شهادت و فداکاری حرکت می‌کردند، آنها را از نزدیک دیدم. در نزدیکی کرخه نور، شهید عزیز، حسین آقای «علم‌الهدی» رضوان‌الله‌تعالی‌علیه و بقیه‌ی جوانانی را که همراه او بودند و با دست خالی، بدون تجهیزات، اما با دلی سرشار از عشق و ایمان و با قلبی استوار از اتکا و توکل به پروردگار به این طرف می‌آمدند، ملاقات کردم. واقعاً وقتی انسان آن جوانان را می‌دید که با عزم راسخ به قلبِ دریایِ دشمن می‌زدند، گویی یک بار دیگر، صحنه‌ی صدر اسلام، صحنه‌ی عاشورای حسین علیه‌السلام و صحنه‌ی کربلا را به چشم خود مشاهده می‌کرد.

این بیابانها را نیروهای متجاوز پر کرده بودند. تمام این سرزمین پاک و مظلوم و خونبار، در زیر چکمه‌ی متجاوزان بود و نیروهای مسلح و سازمانهای نظامی ما، همه‌ی تلاش خودشان را برای دفع و سرکوب دشمن می‌کردند. اما این جوانان با دست خالی به مقابله با دشمن می‌رفتند. آن روز شاید عده‌ی این جوانان، بیست، سی نفر بیشتر نبود. بیست الی سی جوانان با دست خالی؛ اما با دل استوار از ایمان و توکل به پروردگار. در این‌جا، در این بیابانها، چند هزار تانک و نفربر زرهی از دشمن مستقر بود. آن جمع کوچک، برای مقابله با این جمع علی‌الظاهر بزرگ می‌آمد؛ با ایمان به خدا و با توکل؛ آن‌گونه که حسین بن علی علیه‌السلام، با جمع معدود، در مقابل دریای دشمن ایستاد، قلبش نلرزید، اراده‌اش سست نشد و تردید در او راه پیدا نکرد. این جوانان، واقعاً همان‌طور بودند. من در همین‌جا، از شهید علم‌الهدی پرسیدم: شما از سلاح و تجهیزات چه دارید که این‌گونه مصمم به جنگ دشمن می‌روید؟ دیدم اینها دل‌هایشان آن‌چنان به نور ایمان و توکل به خدا محکم است که از خالی بودن دست خود هیچ باکی ندارند. حرکت کردند و رفتند. آنها خواستار جهاد در راه خدا و پذیرای شهادت در این راه بودند؛ چون می‌دانستند حقتند. شهدای ما در هر نقطه‌ی این جبهه‌ی عظیم، با همین روحیه و با همین ایمان، جنگیدند.

عزیزان من! برادران و خواهرانی که از منطقه‌ی دشت آزادگان، از هویزه، از سوسنگرد، از بستان و از مناطق دیگرِ عشایرِ مختلف عرب در این‌جا هستید و یا کسانی که از نقاط دیگر آمده‌اید! این صحنه‌های زیبا از جوانان رزمنده، یک درس است. یک درس بزرگ

برای امروز ملت ایران و برای همیشه‌ی تاریخ. در انقلاب هم، ما با دست خالی به میدان آمدیم؛ اما با دلی سرشار از ایمان و عشق، با دستگاه تا دندان مسلح دشمن، جنگیدیم و بر او پیروز شدیم. البته، مبارزه زحمت دارد؛ اما حق بر باطل، پیروز است. در جنگ تحمیلی هم، حق با ما بود. اگر چه دشمن، متکی به امریکا و غرب و شرق بود و همه او را از لحاظ مادی کمک می‌کردند، اما از لحاظ معنوی، دستش خالی بود. دست ملت ما، پر بود. دل او، از عشق و ایمان پر بود و پیروز شد. نشانه‌ی پیروزی ملت ما، خوزستان است. نشانه‌ی پیروزی ملت ما و شاهد صادق بر پیروزی کامل این ملت، مردم سلحشور این منطقه‌اند؛ مردم هویزه و سوسنگرد، مردم حمیدیه، مردم بستان و مردم بقیه‌ی نقاطی که در این جا هستند. بنده در همین جا، زنان و مردان مظلوم اهل هویزه را دیدم که به سبب فشار دشمن، مجبور شده بودند وسایل و اشیای مختصرشان را بردارند و از خانه‌ی خود آواره شوند. این سختیها در مبارزه هست. اما جوانان و مردمان مؤمن، با ایستادگی و شجاعت خود، و زن و مرد با ایثار و فداکاری خود، توانستند دشمن را شکست دهند.

عزیزان من؛ برادران و خواهران! امروز هم اوضاع، همین‌طور است. امروز هم، امریکا و دستگاه استکباری دنیا، می‌خواهد با اسلام و با جمهوری اسلامی معارضه کند. اما امریکا بر باطل است. استکبار بر باطل است. ملت ایران حق است. جمهوری اسلامی حق است. ملت ایران و جمهوری اسلامی، می‌ایستند، مبارزه می‌کند و پیروز می‌شود. جوانان مؤمن، زن و مرد و دختر و پسر مؤمن و مقاوم، در این منطقه، در همه‌ی مرزها و در همه‌ی مناطق کشور، به اذن الله بر کید دشمن غالب خواهند شد. بر دشمنی دشمنان غالب خواهند شد، به اذن الله. هیچ دشمنی در سطح عالم، نمی‌تواند بر مردمی که حق در دست آنهاست، ایمان در دل آنهاست، قیام لله می‌کنند و برای خدا کار می‌کنند، غلبه کند؛ هر که باشد و هر چه باشد. فردای جمهوری اسلامی، از امروز بهتر است؛ چنان که امروز آن، از دیروز بهتر است. هر روزی که بگذرد، ملت ایران و جمهوری اسلامی، ان شاء الله یک قدم به سمت صلاح و فلاح پیش می‌رود و این کشور و این ملت، به اراده‌ی پروردگار، همه‌ی مشکلات را از سر راه خود برمی‌دارد. ان شاء الله ملت ما با وحدت کلمه و با ایمان کامل، کشور را یک کشور آباد، آزاد، مستقل، عزیز، بدون این که تحمیل هیچ قدرتی از قدرتها را تحمّل کند، می‌سازد. «بفضل الله و منته و لطفه ان شاء الله.»

امیدواریم خداوند متعال، همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز را مشمول لطف و رحمت خود قرار دهد. من، خیلی خوشحال شدم که شما عزیزان را در این صحرای بابرکت و در کنار این مرقد و آرامگاه عزیز و شریف، زیارت کردم. برای من، امروز یک روز خاطره‌انگیز و فراموش نشدنی است.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا

| ۱۳۷۶/۰۲/۱۷ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مجلس بسیار باشکوه و از لحاظ معنوی با عظمت است. عطر شهادت فضا را انباشته است و بحمدالله در این چند روز، فضای شهر تهران معطر به عطر یاد هزاران شهید عزیز و بزرگوار از این استان است. یقیناً فضیلت خانواده‌های مکرّم شهدا از لحاظ عظمت، بلافاصله پشت سر فضیلت شهداست. شما خانواده‌ها، سنگرداران شهادت و مرزداران فضیلت در طول دوران دفاع مقدّس بوده‌اید و روحیه شما و فرزندان شهدا - که همین حالا گوشه‌های زیبایی از آن را در سخنان مادر بزرگوار سه شهید و فرزند عزیز سردار شهید شنیدیم - توانسته است در طول دوران دفاع مقدّس و بعد از آن، عظمت نظام اسلامی و روحیه والای ملت بزرگ ایران را حفظ کند و روحیه دشمنان را تضعیف نماید.

من از برادران سپاه، به خاطر این اقدام که تجلیل از شهداست، خیلی متشکرم. همه باید تجلیل کنند. سپاه، ارتش، بسیج، جهاد و دستگاه‌های دولتی، باید یاد شهیدان را زنده بدارند و مفهوم شهادت - این مفهوم باعظمت و پرارزش و بسیار مؤثر - را در کشور ایران اسلامی و در میان ملت مبارز ایران احیا و حفظ کنند؛ اگر چه خون مطهر شهدای ما در سطح جهان، بار دیگر این مفهوم را احیا کرد.

آنچه که مهم است، حفظ راه شهادت؛ یعنی پاسداری از خون شهدا. این، وظیفه اول ماست. در قبال شهدا، همه هم موظفیم. نه این که بعضی وظیفه دارند و بعضی ندارند. البته کسانی که مسؤولیتی دارند و شانه‌های آنها زیر بار مسؤولیتهای بزرگ یا کوچک قرار گرفته است، وظیفه بیشتری دارند.

شهید، چیز عظیم و حقیقت شگفت‌آوری است. ما چون به مشاهده شهدا عادت کرده‌ایم و گذشته‌ها و ایثارها و عظمتها و وصایا و راهی که آنها را به شهادت رساند، زیاد دیده‌ایم، عظمت این حقیقت نورانی و بهشتی برایمان مخفی میماند؛ مثل عظمت خورشید و آفتاب که از شدت ظهور، برای کسانی که دائم در آفتابند، مخفی میماند.

در دوران گذشته، وقتی که یک نمونه از این نمونه‌های شهدای امروز ما، از تاریخ صدر اسلام انتخاب و معرفی میشد و شرح حال او بیان میگردید، تغییر واضح و شگفت‌آوری در دلها و جانها و حتی در همها و نیتها به وجود می‌آورد. هر یک از این ستارگان درخشان، میتواند عالمی را روشن کند. بنابراین، حقیقت شهادت حقیقت عظیمی است.

اگر این حقیقت، به وسیله کسانی که امروز در قبال شهیدان مسؤولیت دارند، زنده بماند، حفظ و تقدیس گردد و بزرگ نگاه داشته شود، همیشه تاریخ آینده ما، از این ایثار بزرگی که آنان کردند، بهره خواهد برد. همچنان که تاریخ بشریت، هنوز از خون به ناحق ریخته سرور شهیدان تاریخ، حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه الصلوة والسلام بهره می‌برد؛ چون کسانی که وارث آن خون بودند، مدبرانه‌ترین و شیواترین روشها را برای زنده نگهداشتن این خون به کار بردند.

گاهی رنج و زحمت زنده نگهداشتن خون شهید، از خود شهادت کمتر نیست. رنج سی ساله امام سجّاد علیه الصلوة والسلام و رنج چندین ساله زینب کبری علیهاسلام از این قبیل است. رنج بردند تا توانستند این خون را نگه بدارند. بعد از آن هم همه ائمه علیهم السلام تا دوران غیبت، این رنج را متحمل شدند. امروز، ما چنین وظیفه‌ای داریم. البته شرایط امروز، با آن روز متفاوت است. امروز بحمدالله حکومت حق - یعنی حکومت شهیدان - قائم است. پس، ما وظایفی داریم.

در جمع‌بندی، انسان به این نتیجه میرسد که شهیدان، دو موضعگیری و دو حرکت زیبا

و باشکوه از خودشان نشان دادند که هر کدام پیامی دارد. این دو موضعگیری، یکی در قبال ذات مقدّس ربوبی، در قبال اراده الهی، در قبال دین خدا، در قبال بندگان خدا و مصالح آنهاست؛ یک موضعگیری هم در مقابل دشمنان خداست. یعنی اگر شما رفتار و روحیه و موضع شهید را تحلیل کنید، به این دو موضعگیری میرسید.

موضعگیری در قبال خدا و بندگان خدا و امر خدا و آنچه که مربوط به ذات مقدّس پروردگار است، عبارت از گذشت است. شهید در قبال خدا، گذشت و ایثار کرده است. ایثار، یعنی ندیدن و به حساب نیاوردن خود. این، اولین موضعگیری شهید است. اگر او خود را به حساب می‌آورد و در معرض نابودی و خطر قرار نمیداد، به این مقام نمیرسید. این جوانانی که در جبهه‌های جنگ، در گرمای خوزستان، در زیر آفتاب شصت و پنج درجه حرارت و یا در سرمای کردستان، بر روی کوه‌های پر از برف، رفتند و جان را فدا کردند، همه‌شان خانه داشتند، زندگی داشتند، پدر و مادر مهربان داشتند، بعضی همسر عزیز و نازنین داشتند، بعضی فرزندان و جگر گوشگان داشتند، آسایش داشتند، آرزو داشتند؛ اما همه را گذاشتند و رفتند.

ما که می‌خواهیم پیام آنها را بگیریم، پیامشان چیست؟ پیام این است که اگر می‌خواهید خدا را از خودتان راضی کنید و وجودتان در راه خدا مفید واقع شود و مقاصد و اهداف عالی ربوبی و الهی درباره عالم آفرینش تحقق پیدا کند، باید خودتان را در مقابل اهداف الهی ندیده بگیرید. تکلیف ما لایطاق هم نیست؛ تا آن جایی که میشود. هر جایی که گروهی از انسانهای مؤمن این کار را کردند، کلمه خدا پیروز شد. هر جایی هم که بندگان مؤمن خدا پایشان لرزید، بدون برو برگرد، کلمه باطل پیروز شد.

در انقلاب، بندگان مؤمن خدا که این ایثار و گذشت را کردند، انقلاب پیروز شد. کاری شد که هیچ تحلیلگری پیش‌بینی نمی‌کرد که بشود؛ یعنی اقامه حکومت اسلام، حکومت دین؛ آن هم در این نقطه عالم. چه کسی فکر میکرد؟ چه کسی باور میکرد؟ اما به برکت این حرکت شهیدان و مؤمنان و ایثارگران، این کار نشدنی انجام شد؛ چون جمع برگزیده و گروه قابل توجهی از مؤمنان، - نمی‌گوییم همه - خود را نادیده گرفتند. همه باید سعی کنند که جزو این گروه باشند، تا این افتخار متعلّق به آنها باشد.

هر جایی که این گذشت نبود - مثل آن جاهایی که نیست؛ مثل در طول تاریخ که

نیست؛ مثل دوران امام حسین علیه‌الصلاة والسلام که اکثریت قاطع زبندگان و خواص و مؤمنان شانه خالی کردند و ترسیدند و عقب رفتند - کلمه باطل پیروز شد، حکومت یزید سر کار آمد، حکومت بنی امیه نود سال سر کار آمد، حکومت بنی عباس پنج، شش قرن سرکار آمد و ماند. به خاطر آن که این گذشت انجام نشد، مردم چه کشیدند! جوامع اسلامی چه کشیدند! مؤمنین چه کشیدند!

صحنه، صحنه روشنی است. عزیزان من! همه دوران زندگی ما، جنگ اُحد است. اگر خوب حرکت کردیم، دشمن شکست خواهد خورد؛ ولی به مجرد این که چشممان به غنائم افتاد و دیدیم چهار نفر غنیمت جمع میکنند، ما هم حسودیمان شد، سنگر را رها کردیم و به سمت غنیمت رفتیم، ورق برمیگردد. دیدید که در جنگ اُحد ورق برگشت! در طول تاریخ اسلام، جنگ اُحد تکرار شده است.

فرمانده الهی آشنای با صفحه حقیقت، با آن دل نورانی، این عدّه را این جا گذاشته و گفته است که شما از این جا تکان نخورید و پاسداران جبهه باشید؛ اما تا چشمشان افتاد و دیدند که چهار نفر آن پایین غنیمت جمع میکنند، پای اینها هم لرزید. البته اگر با تک تک آنها صحبت میکردید، میگفتند ما هم بالاخره آدمیم، ما هم دل داریم، ما هم خانه و زندگی میخواهیم. بله؛ اما دیدید که با این تسلیم شدن در مقابل خواسته‌های حقیر بشری، چه اتفاقی افتاد! دندان پیامبر شکست؛ بدن مبارک آن حضرت مجروح شد؛ جبهه حق مغلوب شد؛ دشمن پیروز گردید و چقدر از بزرگان اسلام شهید شدند.

پیام شهیدان این است که تسلیم وسوسه غنیمت نشوید. پیام آنها به من و شما و همه کسانی که به این خونهای به ناحق ریخته مطهر احترام میگذارند، همین است. شما نگاه نکن که یک نفر تخلف میکند و سراغ جمع کردن غنیمت رفته است. «لا یضركم من ضلّ اذا هتدیتم» (۱). شما چه کار داری که دیگری گمراه شد؟ شما خودت را نگهدار و حفظ کن. دستور اسلام و پیام خون شهید، این است.

آن روزی که همین شهدای عزیز ما در جبهه به شهادت رسیدند، همه که به جبهه نرفتند؛ عدّه‌ای هم بودند که مشغول کاسبی شدند، عدّه‌ای هم مشغول پول در آوردن شدند، عدّه‌ای هم مشغول سوء استفاده شدند، عدّه‌ای هم مشغول خیانت شدند. این شهدا، بدون آن که به آنها اعتنا کنند، رفتند و نتیجه این شد که توانستند نظام اسلامی

را حفظ کنند و امروز هر کدام یک ستاره و یک خورشیدند. بنابراین، پیام اول این است که در قبال خدای متعال، در قبال بندگان، در قبال اراده الهی، باید انسان خود را نشناسد. این پیام را باید بگیریم. عزیزان من! با این حقایق نمیشود شوخی کرد. اینها از انسان تحرک و تصمیم میطلبد.

پیام دوم، در مقابل دشمنان خداست؛ یعنی استقامت، ایستادگی مطلق، از دشمن نترسیدن، از دشمن حساب نبردن، در مقابل دشمن به انفعال دچار نشدن. این خیلی مهم است که انسان در مقابل دشمن، دچار انفعال نشود. تمام سعی امروز دنیای مادی مستکبر - یعنی همین دولتهای استکباری که زمام مسائل اقتصاد و تسلیحات عالم و حتی در موارد بسیاری، فرهنگ خیلی از کشورها را هم در دست دارند - این است که هر جا مقاومتی هست، آن را از طریق منفعل کردن خرد کنند. انفعال در مقابل دشمن، غلطترین کار و بزرگترین اشتباه است. دشمن را از لحاظ دشمنی، باید به حساب آورد؛ یعنی در مقابل او، او را حقیر نشمرد و در برابرش آماده بود و دفاع کرد؛ اما از دشمن نباید حساب برد، نباید تحت تأثیر قرار گرفت و نباید در مقابلش منفعل شد. دشمن میخواهد جوامع را منفعل کند.

امروز از لحاظ فرهنگی و سیاسی، بیشترین تکیه آنها این است. راجع به قضیه زن جنجال درست میکنند؛ راجع به حقوق بشر جنجال درست میکنند؛ راجع به مسأله دموکراسی جنجال درست میکنند؛ راجع مسأله نهضتهای آزادیبخش جنجال درست میکنند، برای این که طرف مقابل را دچار انفعال کنند. بزرگترین اشتباه این است که ما در این قضایایی که آنها جنجال درست میکنند، طوری حرف بزنیم که بخواهیم آنها را راضی کنیم. این، همان انفعال است.

خیلی خطاست که ما در زمینه مسائل حقوق بشر، طوری حرف بزنیم که آنها راضی شوند. همان کسانی که خودشان برای حقوق بشر - به معنای حقیقی - هیچ ارزشی قائل نیستند؛ اما آن را چماقی کرده‌اند که بر سر جاهایی بکوبند! امریکا، سردمدار حقوق بشر در دنیا شده است! قبل از شروع جنگ، از نظر امریکا، دولت عراق در خدمت دولتهای حامی تروریسم بود. در سالهای شصت و یک و شصت و دو رزمندگان سلحشور ما توانستند دشمن را به زانو در آورند و او را از مرزها عقب برانند و دشمن بعضی مجبور

شد برای مقابله با ما، از سلاح شیمیایی و سلاحهای کشتار جمعی استفاده کند - یعنی جنایت جنگی بکند - در همان اوقات، دولت امریکا احساس کرد که باید جبهه عراق را حمایت کند، تا دولت بعثی بتواند نقش خیانت‌آمیز خود را در مقابل نظام جمهوری اسلامی ایفا نماید. در همان سالها که دولت عراق سلاح شیمیایی به کار برد، اینها اسم عراق را از فهرست دولتهای حامی تروریسم خارج کردند! مسأله حمایت اینها از حقوق بشر، چنین است!

بزرگترین پشتوانه نقض حقوق بشر در هر جای دنیا که مشاهده شود، همین دولتهای مستکبر - امثال امریکا - هستند. آن وقت اینها داعیه‌دار حقوق بشر میشوند و آن را برای ملتها و دولتهایی که میخواهند با آنها در بیفتند، چماقی میکنند! اگر از این طرف کسانی بیایند طوری در باب حقوق بشر حرف بزنند، برای این که او را راضی کنند، این خیلی سیاست غلطی است. این، یعنی انفعال در مقابل دشمن.

درباره مسأله زن نیز همین طور است. بعد از اقامه دولت حق، به فضل الهی زنان کشور اسلامی ایران توانستند شخصیت حقیقی خودشان را تا حدود زیادی پیدا کنند، در میدانهای گوناگونی حضور یابند و عظمت روحیه زن مسلمان را نشان دهند، که شما نمونه‌اش را در وضع این مادر شهید و مادران عزیز و دلاور سایر شهدا دیدید و میبینید. من هر جا که با مادران شهدا مواجه شده‌ام، آنها را حتی از پدران شهدا هم قویتر دیده‌ام. غالباً نمونه‌اش را در روحیه این مادران بزرگوار و شجاع میتوانید ببینید. این، عظمت زن مسلمان در میدانهای سیاسی و فرهنگی است. آن وقت اینها می‌آیند و درباره تزییع حقوق زن در جمهوری اسلامی، قلم‌فرسایی و جوّسازی میکنند. اگر ما بیاییم، برای این که آنها را راضی کنیم، درباره زن طوری حرف بزنیم که با نظر اسلام - که مایه عزّت زن است - مخالف باشد، خطاست. چرا باید کسانی در زمینه زن، یا در زمینه حقوق بشر، طوری حرف بزنند که گویی ما باید بکوشیم خودمان را با نقطه نظرهای غریبها نزدیک و آشنا کنیم؟ آنها اشتباه میکنند. آنها باید نقطه نظرهای خود را به ما نزدیک کنند. آنها باید نسبت به مسأله زن و حقوق بشر و آزادی و دموکراسی، نقطه نظرهای غلط و باطل خودشان را تصحیح کنند و با نظرات اسلامی مواجه نمایند؛ نه این که عده‌ای از این طرف دچار انفعال شوند. پیام دوم شهید - که خودش نیز همین طور عمل کرده است - استقلال اسلامی، ایستادگی اسلامی، هضم نشدن در مقابل دشمن،

نترسیدن از دشمن، قدرت پوشالی دشمن را به حساب نیاوردن، عظمت آتکای به نفس و توکل به خدا را در همه امور زندگی فهمیدن و تشخیص دادن است. ملت ایران، در همه قضایا این را نشان داده است؛ بعد از این هم باید نشان دهد. ملت ایران نشان داده است که به هیچ وجه حاضر نیست در مقابل پروویپها و افزون طلبیها و طلب‌کاریهای دشمن، یک قدم عقب‌نشینی کند و مبانی اسلامی را به خاطر دیدگاههای دشمن و راضی کردن او، رها سازد و کنار بگذارد. این، خوب رویه‌ای است. در همین قضایای مهم جاری روز، در زمینه مسائل سیاست خارجی، در زمینه مسائل انتخابات ریاست جمهوری، بحمدالله ملت ایران مواضع خوبی نشان داده است و نشان خواهد داد. در همه این قضایای سیاسی یا فرهنگی، دشمن میکوشد برای خود جای پا باز کند و وارد معنای ذهنی فرهنگی ملت ایران شود. ملت ایران هم محکم ایستاده است و باید بایستد. حتی دیده شده است که دشمنان نسبت به کاندیداهای ریاست جمهوری اظهار نظر میکنند، حرف میزنند، تحلیل میکنند. میگویند این فرد به غرب نزدیکتر است، این فرد از اسلام بیشتر دفاع میکند، آن شخص کمتر دفاع میکند! یعنی دشمنان میخواهند در همه امور دخالت کنند. ملت ایران در همه این میدانها، بر اصول اسلامی پای خواهد فشرد. این را همه دنیا باید بدانند. از جمله این اصول، ایستادگی در مقابل استکبار و روحیه استکباری دولتهایی است که میخواهند در مسائل داخلی کشور ما جای پای باز کنند و دخالت نمایند؛ ولی ملت ما با دقت نگاه خواهد کرد و باید دقت کند. اگر کسی از نامزدهای ریاست جمهوری، کمترین نشانه نرمشی در مقابل امریکا، در مقابل دخالتهای دولتهای غربی، در مقابل تجاوزهای فرهنگی و سیاسی بیگانگان نشان دهد، همه دنیا باید بدانند که ملت ما به چنین کسی قطعاً رأی نخواهد داد. مردم به کسی رأی میدهند که بدانند در مقابل امریکا و افزون‌طلبیهای دولتهای متجاوز و پرتوقع و خودکامه و کسانی که میخواهند اراده خود را بر ملت ایران تحمیل کنند، خواهد ایستاد و نیز در مقابل تهاجم فرهنگ بیگانه ایستادگی خواهد کرد. مردم به کسی که بیشتر این مواضع را از او ملاحظه کنند، بیشتر گرایش پیدا میکنند. البته ما متن مردم را میگوییم. ممکن است در گوشه‌ای، چهار نفر آدم هم باشند که دارای سلیق مخصوصی باشند و عکس متن مردم فکر کنند. ما به آنها کاری نداریم. متن ملت ایران، این است. مواضع ملت ایران، همان مواضعی است که به خاطر آن انقلاب کرده، هجده سال مقاومت کرده و هشت سال جنگ تحمیلی را اداره کرده است. این را باید همه مردم دنیا بدانند

و خواهند دانست. من از تفضلات الهی و توجهات خاص حضرت ولیالله الاعظم ارواحنا فداه و ادعیه زاکیه روح مطهر امام بزرگوار اطمینان دارم که پروردگار کمک خواهد کرد و در این تجربه هم مردم ان شاءالله آنچه را که به صلاح دین و دنیای آنهاست، همان را پیش خواهند برد و ان شاءالله ملت ایران به لطف پروردگار، شاهد دوران دیگری از پیشرفت و ترقی خواهد بود.

امیدواریم که ارواح طیبه شهدا، هم از همه ما شاد باشند؛ هم ان شاءالله در پیشگاه پروردگار برای پیشرفت اهداف عالیہ اسلامی دعا کنند و هم برای ملت ایران، درخواست لطف و تفضل بیشتر الهی داشته باشند.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های ایثارگران

| ۱۳۷۶/۰۲/۳۱ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

برادران و خواهران گرامی؛ خیلی خوش آمدید. امیدواریم که خداوند متعال، به لطف و فضل خود و به برکت ارواح طیبه شهدای عالیقدر عاشورای حسینی و به عزت و کرامتی که اسرای اهل بیت پیامبر در ملأ‌اعلی دارند، خبر خوشی از همه اسیران و مفقودان ما و جوانان عزیزی که از آنها خبری در دست ما و خانواده‌هاشان نیست، به خانواده‌های آنها و ملتشان برساند.

در جریان یک زندگی شرافتمندانه، البته مصائب زیاد است. خودِ صحنه عاشورای حسینی، صحنه انواع مصائب است. واقعاً عجیب است که خدای متعال، این عرصه عاشورای حسینی را چطور مجموعه‌ای از مصیبت‌های بزرگ قرار داد که انسان‌های بزرگی و در رأس آنها حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه‌الصلاة والسلام، با کرامت و بزرگواری و صبر و شکر، توانستند این مصائب بزرگ را تحمل کنند. هر دوطرف قضیه، در عرصه تاریخ بشر بی‌نظیر است. هم آن‌طور مصیبت‌ها با آن شدت و با آن تنوع که همه با هم در یک صبح تا عصر اتفاق افتاد، در دنیا نظیر ندارد؛ هم صبری که در مقابل این مصیبت‌ها شد، در تاریخ نظیر ندارد.

آن شهادت‌ها، آن مظلومیت‌ها، آن احساس غربت، آن تشنگی، آن فشار تألماتی که بر

یک نفر به خاطر خانواده‌اش وارد میشود، آن نگرانی از آینده، بعد هم فقدان عزیزترین عزیزان عالم وجود - یعنی حسین بن علی علیه السلام - و خانواده و فرزندان و اصحابش و بعد هم اسارت؛ آن هم نه اسارت در دست یک عده مردم باشرف؛ چون اسارت در دست انسانی که باشرف باشد، قابل تحمّل است؛ اما آن انسانها، انسانهای باشرفی نبودند، انسان نبودند؛ ددمنش بودند. خاندان امام حسین چنین اسارتی را بعد از آن همه مصیبت از صبح تا عصر عاشورا تحمّل کردند. تحمّل کننده کیست؟ امام سجّاد - مقام امامت - است، زینب - تالی تلو مقام امامت - است، بعد زنان و کودکانی که به حسب ظاهر، مقامات عالی معنوی مثل ولایت و امامت هم ندارند؛ اما تحمّل کردند. این است آن راز بزرگی که حادثه عاشورا را ماندگار کرد.

هر مجموعه‌ای از انسانها که در راه یک هدف بزرگ و مقدّس و عالی - نه هدف بیهوده - مصیبت‌هایی را بزرگوارانه تحمّل کند، بخشی از آن ارزشها را به خود اختصاص خواهد داد. برای این است که ما برای خانواده‌های شهدا و اسرا و مفقودان و جانبازان و خودِ جانبازان و خودِ اسرای در دست دشمن، ارزش قائلیم. بیخود نیست که یک ملت و یک تاریخ، برای یک عده انسان ارزش قائل میشود. اگر بیصبری بود، این ارزشها آفریده نمیشد. البته لحظه‌های اسارت، حقیقتاً لحظه‌های سختی است؛ آن هم اسارت در دست این دشمنانی که وقتی آزادگان عزیز ما برگشتند، گفتند که آنها با اسرای خودشان چگونه رفتار میکردند؛ نه مثل آنچه که ما با اسرای بیگانه رفتار کرده‌ایم. آنها طور دیگری رفتار کردند. حقاً و انصافاً انسانی عمل نکردند.

لحظه لحظه عمر و شب و روز اسیرانی که هنوز در دست دشمن هستند - که ما البته به‌طور دقیق آمار آنها را نداریم؛ اما فی‌الجمله میدانیم که مجموعه‌ای از این قبیل هستند - در پیش خدای متعال دارای ارزش است و درست مثل شهدا که ما در باب آنها عرض کرده‌ایم که از لحاظ ثواب، در درجه اوّل شهدا و پشت سر آنها هم خانواده‌هایشان هستند، من به شما عرض میکنم که در مورد اسرا نیز همین‌طور است؛ یعنی در ردیف اوّل ثواب و اجر، اسرا هستند که آن رنج را تحمّل میکنند، پشت سر آنها هم شما خانواده‌های اسرا هستید که خیلی هم اجر دارید.

من میدانم خانواده‌ای که عزیزی را مفقود دارد و از سرنوشت او بیخبر است، چه میکشد.

برای مادران و پدران و همسران و فرزندان و خانواده‌ها، مراحل خیلی سختی است، ساعات و شب و روز دشواری است؛ اما اجر آن هم به همین اندازه بزرگ است. البته من برای اسرای دشمن هم که پیش ما هستند، احساس ترحم میکنم. حتی برای آنها هم دعا میکنم که خداوند وسیله آزادیشان را فراهم کند. ولی آنها در واقع اسیر ما نیستند؛ اسیر دولت بعثیاند؛ چون اگر دولت بعثی نسبت به اسرا و مفقودان ما جواب درستی میداد، ما داعیه‌یی نداشتیم که اینها را در این جا نگهداریم. ما هم اینها را رها میکردیم، تا سراغ خانه و زندگیشان بروند.

آنها نسبت به اسرا و مفقودان ما جواب نمیدهند. ما به آنها مکرر - شاید بیش از صدبار - مراجعه کرده‌ایم؛ اما جواب درستی داده نمیشود. متأسفانه مجامع بین‌المللی مثل صلیب سرخ و دیگران هم به نظر من مسؤولیت حقیقیشان را در این قضیه ایفا نمیکند. ما گفتیم اگر شما میگویید این عزیزان ما از دنیا رفته‌اند، محل دفنشان را به ما نشان بدهید، تا ما این را اقلأً بفهمیم؛ اما این کار را هم نکردند. در چنین شرایطی، ما چطور میتوانیم اسیر عراقی را که پیش ماست، رها کنیم برود؟ جواب مردم را چه بدهیم؟ اگر در مقابل کسانی که از ما در دست دشمن اسیر هستند، اینها را در این جا نداشته باشیم، بعد با چه امیدی خواهیم توانست عزیزان خودمان را از آنها پس بگیریم؟ اگر فرض کنیم که بعضی از آنها از دنیا رفته باشند، اجساد مطهر و آثار و بقایای آنها را چگونه میتوانیم به کشور برگردانیم؟ ما ناچاریم که اینها را در این جا داشته باشیم، والا از لحاظ انسانی، ما هیچ علاقه‌ای نداریم که آنها را در این جا نگهداریم.

اگرچه آنها دشمن ما هستند و در میدان جنگ، تا آخرین گلوله خودشان را شلیک کرده‌اند و بعد هم اسیر شده‌اند؛ ولی رفتارمان با آنها، رفتار انسانی است. اسلام این‌طور به ما دستور داده است. رفتار ما با آنها، رفتار خشن نیست؛ رفتار ملایم است. علاقه‌ای هم نداریم که آنها اسیر بمانند؛ مایلیم آنها هم آزاد بشوند و بروند. از لحاظ ترتیب منطقی، آنها در واقع اسیر ما نیستند؛ اسیر دولت خودشان هستند. چندین سال پیش، جمعیتی از همین اسرا جمع شده بودند و من رفتم با آنها صحبت کردم. در آن جا هم به آنها گفتم که شما در واقع اسیر رؤسای خودتان هستید. آنها هستند که جواب ملت ایران را نمیدهند؛ نتیجه این میشود که شما در این جا بمانید.

علی‌آئی حال، این امتحان، امتحان بزرگی برای شماست و بدانید عزیزان من! هر یک از این مصائب الهی که برای انسان پیش می‌آید، در کنار خود اجر بزرگ و عایدی هم دارد. قضیه یکطرفه نیست. انسان در مقابل دشواری و محنت، از خدای متعال عوض می‌گیرد و هیچ کس در دستگاه الهی مغبون نمیشود. آن کسی که فرزندش شهید شده است، با آن کسی که فرزندش در خانه کنار او با راحتی زندگی میکند، پیش خدا یکسان نیستند. آن کسی که در راه خدا، سلامت خود یا سلامت عزیزش را از دست داده است، پیش آن که این رنج را ندارد، یکسان نیستند. آن کسی که عزیزش از او دور است و خبری از او ندارد، با دیگران یکسان نیست. بر روی همه تلاشها و فعالیت‌هایی که یک انسان یا یک جامعه انجام میدهد، اجر الهی هست؛ «و هم فیها لایبخسون» (۱). در دستگاه خدا، هیچ کس دچار غبن و بخت نمیشود؛ این را بدانید. این، یک امتحان الهی است و امیدواریم که خدای متعال هم کمک بفرماید. این آقایان مسؤولان بخش اسرا هم انصافاً تلاش میکنند و زحمت میکشند. ما شاهد و ناظر هستیم که دولت و مسؤولان دولتی هم خیلی تلاش میکنند. ما میبینیم که اینها چه میکنند؛ ولی طرف مقابل ما این‌طور است. امیدواریم که ان‌شاءالله خدای متعال بر اثر استقامت و صبر شما و مسؤولان، نتیجه را هر چه شیرینتر عاید کند.

از همین‌جا من مسائل اساسی‌ای را که برای ملت‌مان مطرح است، عرض کنم: امروز مسأله انتخابات، حقیقتاً یک عرصه امتحان الهی است. ببینید امتحان‌های الهی چگونه برای همه هست! مگر میشود انسان در دوران زندگی، با امتحان الهی مواجه نشود؟ عمده این است که انسان بتواند از امتحان الهی سربلند بیرون آید. من چند نکته را در باب انتخاباتی که به سلامتی در روز جمعه برگزار میشود، برای ملت ایران مطرح میکنم، تا به این نکات توجه کنند.

نکته اول این است که آنچه امروز در سطح کشور در زمینه انتخابات جریان دارد، همان چیزی است که برای ملت ایران و برای سرنوشت این کشور، امری لازم و ضروری و مطلوب است. شور و شوق انتخابات، همه‌جا را فرا گرفته است و همه احساس میکنند که در این امر بزرگ، سهمیم و شریکند. ملت احساس میکند که آینده امور اجرایی کشور در دستان اوست؛ زیرا یک نفر را در رأس قوه مجریه میفرستد. آینده سازندگی کشور، اداره کشور، روابط کشور، فرهنگ کشور، اقتصاد کشور، مسائل اجتماعی، مسائل انسانی،

همه و همه از همین جا آغاز میشود. یک دوره دیگر به دنبال دوره‌های گذشته - که بحمدالله با موفقیت همراه بوده است - در پیش است. مردم احساس میکنند که در این قضایا سهیمند. این، درست همان چیزی است که ما آن را از خدای متعال میخواستیم و دشمن مایل نبود و در دل از آن ناراحت بود و میخواست این‌گونه نباشد. دشمن میخواست که انتخابات در ایران با استقبال عمومی مواجه نشود؛ اما امروز عکس آنچه که دشمن میخواست، در صحنه مشهود است. همه منتظر روز جمعه‌اند. همه منتظرند که بتوانند به آن کسی که مورد علاقه‌شان است و به تشخیص آنها اصلح است، رأی بدهند. این، چیز خیلی خوب و برجسته‌ای است.

من از همه ملت ایران میخواهم که به امید خدا و با توکل به پروردگار، همین احساس مسؤولیت را تا هنگام رفتن به پای صندوقهای رأی و انداختن رأیشان در داخل صندوق حفظ کنند. ان‌شاءالله عدد بالایی از مردم در این امتحان الهی شرکت کنند و دین خودشان را به کشور و انقلاب ادا کنند و سهم خویش را در آینده کشور ایفا نمایند. این، آن چیزی است که دشمن را به شدت زخم خورده خواهد کرد. در واقع، رفتن مردم با تعداد زیاد آرا پای صندوقهای رأی و جمع شدن آراء زیاد برای مجموعه نامزدها، دشمن را مأیوس خواهد کرد. جمع شدن آراء زیاد در اصل انتخابات، مهم است. این، در واقع رأی به استقلال کشور و رأی به تبعیت از نظام و همراهی با رهبری است. مردم با این کار، دشمن را مأیوس کنند و در واقع به دهان او مشت بکوبند.

نکته دوم این است که سعی کنید این حرکت زیبا و این حرکت عظیم مردمی را - که حقیقتاً یک آزمایش بزرگ مردمی و ملی و اسلامی است - با همان نزاهت و طهارت و پاکیزگی که مطلوب اسلام است، پیش ببرید. البته متن و عموم مردم عزیز کشور ما همین‌طورند. سعی کنید کدورت ایجاد نشود. مسابقه انتخاباتی، ضمن این که یکی از جدیترین کارهای یک ملت است و به هیچ‌وجه جنبه شوخی و بازی در آن نیست و بسیار جدی است؛ اما شبیه مسابقات ورزشی است. در مسابقات ورزشی همه تلاش میکنند؛ اما کسانی که اهل اخلاق و اهل فهمند، این تلاش را با کارهای زشت و نامناسب همراه نمیکند.

البته من مردم خودمان را عرض میکنم، و الاً بعضی از ملت‌های دیگر - مثل انگلیسیها

- هستند که مسابقات فوتبال را هم به گشت و کشتار تبدیل میکنند! ما به آنها کاری نداریم. ملت ما اهل اخلاق و معنویت و عاطفه است. نگذارید که فضای انتخاباتی، فضای کدورت شود. هر کدام از نامزدها و طرفدارانشان، برای خودشان تبلیغ کنند؛ اما دوستان و هم‌میهمان و برادرانشان را که احیاناً از نامزد دیگری حمایت میکنند، زخم خورده و رنج‌دیده و از خودشان مکدر نکنند. به این نکته توجه کنید. این، خیلی مهم است.

البته در گوشه و کنار حرفهایی شنیده میشود که قدری مایه خلاف توقع است. این را هم همه توجه کنند که بعضی از کارها مربوط به خودیها نیست؛ مربوط به دشمن است. راه انداختن کاروان شادی در عصر عاشورا، مربوط به مردم انقلابی و مسلمان نیست. این کار دشمن است. گیرم که عکس یک نامزد انتخاباتی را هم به دست بگیرند؛ این حيله آنهاست. نباید هیچ کس از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری را متهم کرد که شما از آنها خبر داشتید و آنها طرفدار شما نیستند. نخیر؛ آنها چه طرفداری از کسانی دارند که اهل دین و معنویت و این چیزها هستند. ربطی ندارد. شاید خود آن فریب‌خورده‌هایی هم که در خیابانها سوار بر اتوبوس شدند و آن مناظر زشت را راه انداختند، ندانند که قضیه چیست. دستی آنها را حرکت میدهد، برای این که فضا را خراب کند؛ برای این که مردم را ناراحت کند؛ برای این که انتخابات را در نظر متدینان یک کار نامناسب جلوه دهد و چهره‌ها را خراب کند. البته مسؤولان باید بگردند و آن دست پنهان را پیدا کنند. من مؤکداً به مسؤولان توصیه میکنم و از آنها میخواهم که بگردند و آن دستهای پنهانی که این زشتکاریها را انجام میدهند، پیدا کنند. از آنها نباید گذشت. صحبت سر اینها نیست؛ صحبت سر غفلتهایی است که ممکن است خدای نکرده گاهی از خودیها سر بزند. بعضیها را متهم کنند و بعضیها را مورد اهانت قرار دهند. این کار درست نیست. البته تبلیغات منطقی و معقول و با استدلال، اشکالی ندارد؛ لیکن نباید فضا را خراب و مکدر کرد.

نکته سوم این است که دشمن به همان اندازه‌ای که از اجتماع آرا در روز انتخابات ناراحت است، به همان اندازه هم درصدد است که اگر این تجربه به وسیله ملت ایران با موفقیت انجام شد، شیرینی انتخابات را به دهان مردم تلخ کند. از مدتی پیش نشسته‌اند و برای این قضیه برنامه‌ریزی میکنند. شایعه تقلب در انتخابات و صوری بودن آن را مطرح کردند، لطیفه و متل درست کردند و در دهان مردم انداختند؛ بعضی هم البته

ناآگاهانه آنها را تکرار میکنند. من باید عرض کنم، شایعه این که در انتخابات تقلب خواهد شد، از طرف دشمن است. رادیوهای بیگانه، حرفهای دلسوزانه رئیس‌جمهور محترم را حمل بر چیزهای نامناسب و ناشایسته کردند. حتی بعضی از تحلیلگران و خودیها هم از روی غفلت برداشتند آن مسأله را حمل بر این کردند که آیا چه چیزی قرار است اتفاق بیفتد! این حرفها چیست؟

مگر ممکن است در انتخابات جمهوری اسلامی، کسی به خود حق بدهد یا جرأت بدهد که در آراء مردم دستکاری کند؟ اولاً شورای محترم نگهبان، یک مجموعه عادل و مواظب و ناظر بر انتخاباتند و هیچ راهی را برای تقلب باقی نمیگذارند. ثانیاً وزیر محترم کشور پیش من آمد و گفت شما مطمئن باشید که ما نمیگذاریم یک رأی جا به جا شود. اینها مسلمان و انقلابی و متدین و مورد اعتمادند و از مجلس شورای اسلامی رأی اعتماد گرفته‌اند. بر فرض در گوشه‌ای یک تخلف کوچک هم انجام گیرد، این در نتیجه انتخابات هیچ تأثیری نخواهد داشت. خود من هم مواظبم و اجازه نخواهم داد که کسی به خود حق بدهد، تقلب در انتخابات را که یک عمل هم خلاف شرع و هم خلاف اخلاق سیاسی و اجتماعی است، انجام دهد. چنین کاری هرگز نخواهد شد. بعضی خیال کرده‌اند که حالا چه اتفاق میافتد. من بخصوص از رئیس‌جمهور محترم استفسار کردم و گفتم شاید ایشان خبری دارند؛ اما ایشان گفتند که نه؛ من در همه انتخاباتها، به مسؤولان و دست‌اندرکاران سفارش میکنم که تخلف نکنند. مسأله خاصی وجود ندارد. عده‌ای جنجال کردند و رادیوهای بیگانه هم هاپوهوی راه انداختند. نخیر؛ انتخابات ان‌شاءالله با اتقان کامل انجام خواهد گرفت. هم مسؤولانی که هستند، مورد اطمینانند، هم خود من نخواهم گذاشت که مسأله انتخابات، خدای نکرده اندکی مخدوش شود.

نکته چهارم این است که همه ملت ایران و خود نامزدهای محترم توجه کنند که هر کدام از این چهار نفری که به خواست خدا و به سلامتی اکثریت آرا را - چه در مرحله اول و چه در مرحله دوم - به خود اختصاص داد، او رئیس‌جمهور قانونی است. البته ملت باید تلاش خود را بکند، باید زحمت بکشد و دنبال اصلح بگردد. من مکرر عرض کرده‌ام که مسأله، مسأله دین و خدا و ادای تکلیف است. همچنان که اصل انتخابات یک تکلیف الهی است، انتخاب اصلح هم یک تکلیف الهی است. قبلاً هم گفتیم که تفاضل ولو کم باشد، در این قضیه بسیار است. باید برگردید، بین خودتان و خدا حجت پیدا کنید؛ یعنی

بتوانید از راهی بروید که اگر خدای متعال پرسید شما به چه دلیل به این فرد رأی دادید، بتوانید بگویید به این دلیل. بین خودتان و خدا، دلیل و حجتی فراهم کنید و بعد با خیال راحت بروید رأی بدهید. مردم باید این کار را بکنند و ما هم از خدا می‌خواهیم و دعا و آرزو می‌کنیم که خدای متعال دل‌های مردم را به سمت نامزد اصلح - آن که واقعاً صلاحیتش بیشتر است - هدایت کند. البته شورای محترم نگهبان، این چهار نفر آقایان را صالح دانسته است. لابد اینها در یک حد نیستند؛ بعضی صالحند، بعضی صالح‌ترند. بگردید آن صالح‌تر را شناسایی و پیدا کنید و به او رأی بدهید.

هر کس که برود رأی بدهد، چه رأی او صائب باشد و به اصلح رأی داده باشد و چه اشتباه کرده باشد و به غیر اصلح رأی بدهد، همین اندازه که از روی احساس تکلیف نسبت به آینده پای صندوق برود و رأی بدهد، این رأی پیش خدای متعال مأجور و موجب ثواب است و این شخص، علاقه‌مند به نظام و رهبری است. آنچه که مهم است، این احساس تکلیف است. همه آحاد ملت، این احساس تکلیف را باید بکنند.

بحمدالله - همان طور که گفتیم - احساس میشود که مردم کاملاً با شور و شوق وارد شده‌اند. همین شور و شوق، بلکه بیشتر از این را تا روز رأی و لحظه رأی دادن حفظ کنید. بروید تلاش و تفحص خودتان را بکنید، اصلح را بیابید و آن کسی را که فکر کردید اصلح است و بین خودتان و خدا حجت تمام شد، به او رأی بدهید و خاطر جمع باشید که تکلیفتان را انجام داده‌اید. این، آن چیزی است که همه باید به آن توجه کنند. هر کس هم که نتیجه آرا متعلق به او شد، خدای متعال ان‌شاءالله کمک خواهد کرد، ما هم کمک خواهیم کرد، تا بتواند وظایف خود را انجام دهد.

پایه‌های نظام اسلامی، پایه‌های مشخص و روشنی است. به نظر من، در همین تبلیغات ریاست جمهوری، یکی از موفقیت‌های این دوره از انتخابات آن است که این نامزدهای محترم چهارگانه‌ای که هستند، صریحاً مبانی ارزشی انقلاب را بر زبان آورده‌اند. این، خیلی خوب است. تکرار و تأکید شد و معلوم شد که ملت چه می‌خواهد و آن چیزی که مورد علاقه ملت است، چیست. البته هر کدام از این آقایان که مسؤولیت قبول کنند، باید جوابگوی این حرفهایی که گفته‌اند، باشند؛ ما رها نمی‌کنیم. آنچه را که به مردم وعده داده‌اند، باید انجام دهند. مردم هم خواهند خواست، ما هم از طرف مردم از آنها

خواهیم خواست. ان شاء الله خدای متعال توفیق خواهد داد و خواهند توانست آن دین خود را ادا کنند.

آنچه که در پیش است، یک تجربه و یک امتحان بزرگ و یک صحنه و عرصه شیرین است. مواظب باشید که دشمن این عرصه را در کامها تلخ نکند. مواظب باشید که ایادی دشمن نتوانند خدای نکرده اخلاقی بکنند، تا به فضل پروردگار، این پدیده خوب در نظام جمهوری اسلامی - یعنی پدیده دخالت و مشارکت مردم - در این دفعه هم مثل دفعات دیگر به نتایج مطلوبی برسد.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، آنچه که صلاح این ملت در آن است، خودت این ملت را به آن راهنمایی فرما. قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی و خشنود فرما.

والسلام علیکم و رحمة الله برکاته

دیدار جانبازان شرکت‌کننده در دومین همایش
فرهنگی ورزشی ویلچررانی بیت تا بیت

| ۱۳۷۶/۰۳/۱۵ |



جانبازان شرکت‌کننده در دومین همایش فرهنگی ورزشی ویلچررانی امروز با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند و نفرات برتر در سه کلاس مختلف ورزشی جوایز خود را از دست مقام معظم رهبری دریافت کردند.

در این همایش که تحت عنوان از بیت تا بیت برگزار شد، جانبازان ویلچرران در یک حرکت ورزشی در مسیر حسینیه جماران تا حسینیه امام خمینی (رض) به رقابت پرداختند و سپس در حسینیه امام خمینی نماز ظهر و عصر را به امامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اقامه کردند.

این همایش فرهنگی ورزشی به مناسبت سالگرد ارتحال ملکوتی حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه و گرامیداشت یاد شهدای پانزدهم خرداد برگزار شده است.

بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا

| ۱۳۷۶/۰۵/۲۹ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در ابتدا به برادران و خواهران عزیز؛ بخصوص ایثارگرانی که در این جلسه بحمدالله فضا را به عطر ایثار و خاطره‌های شکوهمند معطر فرموده‌اند، خوشامد عرض میکنم. جلسه امروز ما که به مناسبت یاد روزهای پر حماسه و پرشکوه و سرشار از افتخار و شادی بازگشت آزادگان عزیز ما به میهن است، ترکیبی است از قشرهای ایثارگر، آزادگان عزیز، همسران مفقودان و اسرای هنوز آزاد نشده، همسران جانبازان عزیز ما، فرزندان شهدای عزیز ما، بسیجیان عزیز و قشرهای اهل ایثار. این، فضای مبارکی است و تنفس در این فضایی که شما در آن حضور دارید، عطر معنویت و شهادت و ایثار را به مشام جان انسان مشتاق میرساند.

امروز حرف اصلی من به شما عزیزان و همه ملت ایران این است که به هیچ فردی، به هیچ ملتی و به هیچ جمعیتی، از خزانه غیبت الهی هیچ چیز نمیدهند، مگر با تلاش و کوشش. ملت‌های تنبل و بیحال، از افتخارات ملی نصیبی نخواهند برد. مجموعه‌های بی‌همت و بی‌کاره، به خدمات و به شایستگی‌های بزرگ دست نخواهند یافت. افرادی که نخواهند تلاش کنند و زحمت بکشند، در بازار معنویت و در سودای عشق و ایمان و تقوا و فضایل معنوی، چیزی گیرشان نخواهد آمد: «لیس للانسان الا ما سعی (۱)». هم در دنیای مادی این‌طور است؛ یعنی ملت‌هایی که کار کنند، فکر کنند، ابتکار کنند،

سختیها را تحمّل کنند، به امکانات مادی و رفاه و پیشرفت خواهند رسید، و هم در میدان معنویات این گونه است: ملتهایی که تلاش کنند، مجاهدت کنند، ایثار کنند و از کار و فداکاری نترسند، خدای متعال به آنها همه چیز خواهد داد.

بزرگترین گناه سردمداران و سلاطین و حکام فاسد در جوامع بشری و در گذشته ایران عزیز ما این بوده است که مردم را از این حقیقت بیگانه نگهداشتند و آنها را به سمت کار و تلاش و فداکاری و ایثار سوق ندادند. بزرگترین افتخار انقلاب اسلامی آن است که این درس را به مردم داد، این راه را در مقابل مردم باز کرد و امام راحل و بزرگوار - آن رهبر عظیم الشان استثنایی بی نظیر زمان ما - بزرگترین افتخارش این بود که خود در این راه پیشقدم بوده و حرکت کرده است. ننشست که به دیگران بگوید شما بکنید. خودش در پیشاپیش حرکت عمومی ملت ایران و جلوتر از همه راه افتاد. شما عزیزان، محصول چنین فضای مبارکی هستید.

مسأله آزادگان، مسأله بزرگی است. به فیلمهای تبلیغاتی غربیها و دیگران در زمینه مسائل نظامی و مسائل مربوط به اسارت‌هایشان نگاه نکنید. هیچ ملتی نتوانسته است از قشرهای مختلف، مجموعه‌ای جوان و رزمنده به وجود آورد که در سخت‌ترین شرایط اسارت، شخصیت انقلابی و ایمانی و روح رزمندگی را آن‌چنان حفظ کنند، که آزادگان ما در دوران اسارت حفظ کردند؛ در حالی که یقیناً آنچه ملت ایران از حوادث دوران اسارت این عزیزان میداند، بخشی از مجموعه عظیمی از حوادث است.

مگر میشود این حادثه را تشریح کرد؟ مگر رنجهای لحظه لحظه اسارت را میشود در کلمات گنجانده، یا با زبان ادبیات و هنر تبیین کرد؟ شنیدن، مانند دیدن و لمس کردن نیست. اینها ایستادگی و مقاومت کردند. شاید در آن لحظه‌ای که آزادگان عزیز ما در اردوگاههایی با نگهبانان غلاظ و شداد دشمن روبه‌رو بودند و ایستادگی میکردند، بعضی از آنها امیدی هم به آزادی خودشان نداشتند. شاید در میان آنها کسانی هم بودند که خسته میشدند و میگفتند تا کی؟ اما سنت الهی این است که «فانّ مع العسر يسرا، انّ مع العسر يسرا» (۲)

اگر سختیها را تحمّل کردید، خدای متعال درهای فرج را خواهد گشود. اگر مجاهدت در راه خدا را بر جسم و نفس خودتان هموار کردید، خدای متعال روشنایی فرج را

به شما نشان خواهد داد و درهای فَرَج را به روی شما باز خواهد کرد: «و من یتق الله يجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لایحتسب» (۳). خدای متعال به برکت مجاهدت و به شرط ایستادگی، بیرون از دایره محاسبه معمولی عقول بشری، درها را باز و راهها را هموار میکند.

عزیزان من! این، تجربه گرانقدری است. ما امروز یک نسل نوی شاداب تازه به میدان وارد شده‌ای را در کشور خودمان داریم که باید از این تجربه‌ها استفاده کند. از تجربه میدان جنگ که ایستادگی در آن، شهادت و جانبازی و محرومیت از سلامتی و دوری از خانمان و راحتی و فرزندان و عزیزان را داشت، باید استفاده کند. هزاران سختی در میدان جنگ هست که فقط برای کسی که در آن شرایط قرار دارد، قابل لمس است، و لاغیر. تحمّل این سختیها، یک کار عظیم است. ایستادگی در میدان نبرد با دشمن، میدانهای اسارت، دوران جانبازی - که جانبازان ما هنوز در میدان مقاومت و ایستادگی هستند - یک کار عظیم محسوب میشود. عزیزان جانباز بدانند که مبارزه آنها ادامه دارد. جانبازان ما، در تمام دوران جانبازی در حال مجاهدتند. این فضیلت، مخصوص آنها و کسان و همسران و خانواده‌هایشان است، تا وقتی که ان‌شاءالله سلامت و عافیت پیدا کنند.

این مجموعه ایثارها، امروز کشور ما را به این جا رسانده است. مگر تصوّر میشد که کوچک و بزرگِ ملتی تنها، بدون هیچ پشتوانه جهانی و بدون هیچ کمک قابل ذکر از سوی هیچ گوشه‌ای از قدرتهای عالم، بتواند این‌گونه در میدان جهاد مقدّس و دفاع از خود و سازندگی و استقلال و مبارزه با همه نوع فشارهای دشمنان قلدر ایستادگی کند و روزبه‌روز دشمنان را متعجبتر نماید؟ مگر ممکن بود که بدون این گذشته‌ها و این ایثارها و این فداکاریها، ما به این جا برسیم؟ هر کدام از شما که این جا هستید؛ چه آزادگان عزیز، چه آنهایی که هنوز در بندند، چه خانواده‌هایتان، چه فرزندان، چه پدران و مادرانتان، چه همسرانتان، چه خانواده‌های شهدا، چه خانواده‌های جانبازان، چه فرزندان شهدا، و همه کسانی که به نحوی رنجها را بر جسم و جان خودشان تحمّل کردند، ایثارگران و پشتیبانی‌کنندگان، هر کدام به سهم خودشان در به وجود آمدن این ذخیره عظیم و تمام نشدنی و بی‌نظیر ملت ایران سهیم هستند. هر کدام از شما اگر این فداکاری را که کردید، نمی‌کردید؛ این صبری را که کردید، نمی‌کردید؛ این

مجموعه‌ای که امروز در اختیار ملت ایران است، به وجود نیامد و این موفقیتها هم عاید انجام نمیشد. این، درس قرآن است.

در تاریخ عالم، عمر ملتها یک ساعت است. به نظر ما طولانی می‌آید؛ اما وقتی که به گذر جریان تاریخ نگاه میکنید، هر کدام از این ملتها ساعتی هستند و می‌آیند و می‌روند. این ساعت را طولانی کردن، خوب کردن و با افتخار به وجود آوردن، به دست آحاد ملتهاست. قرآن، این را به ما درس داده است. تجربه آن هم سخت است؛ لذا ملتها غالباً تجربه نمیکنند و توسریش را میخورند و سختیهایش را هم تحمل میکنند. اما ملت ما این تجربه را انجام داد. این را قدر بدانید؛ خیلی عظیم است.

درد ملت‌های دنیا، این‌گونه درمان میشود. درد ملت فلسطین، این‌گونه درمان میشود، ولاغیر. آنهایی که خیال میکنند ملتی مثل ملت فلسطین را میشود با مذاکره و التماس کردن و گدایی نجات داد، سخت در اشتباهند. فقط با ایستادگی و مقاومت است که یک ملت میتواند روی پای خود بایستد، حقّ انسانی خود را به دست آورد و زندگی افتخارآمیزی را که برای او، هم دنیا و هم آخرت است، کسب کند.

امروز دنیا، دنیای ظلم و دروغ و فریب است. پرچم دفاع از حقوق بشر را کسانی به دوش گرفته‌اند که بزرگترین دشمنان حقوق بشرند! در رأس آنها هم دولت امریکاست. ببینید در داخل کشورشان، با سیاهان چه میکنند! این که دیگر خبر از گذشته نیست. خبر از پنجاه سال، صد سال پیش نیست که بگویند ما حالا اصلاح کرده‌ایم. متعلق به همین امروز است؛ در شهرهای بزرگ کشور امریکاست. ببینید؛ هنوز مسأله تبعیض نژادی در آن کشوری که مدعی آزادی و حقوق بشر است، حل نشده است. هنوز انسانی به جرم پوست سیاه، تأمین ندارد که در آن جامعه زندگی کند! یک وقت اگر لازم باشد، به جرم سیاه پوست بودن، پلیسی او را تا حدّ کشتن کتک میزنند! اینها ادعای حقوق بشر میکنند! اینها چشم خود را بر جنایات وحشت‌آور حکومت غاصب صهیونیست میبندند. ببینید در همین چند روز گذشته، صهیونیستها با مردم بیپناه شهرهای لبنان - صیدا و غیره - چه کردند! این بمبارانها، این آدم‌رباینها، این کشتارها؛ اینها همه جنایت است. همه اینها - به اصطلاح آقایان - حرکات ضدّ حقوق بشر است. طرفداران حقوق بشر، هیچ احساس نمیکنند که ضدّ حقوق بشر در آن جا انجام میگیرد. اگر یک فلسطینی از

جان گذشته و ستم‌دیده فریادی بزند و حرکت خشم‌آگینی بکند، دستگاہهای تبلیغاتی و سیاسیشان به راه میافتد؛ اما این همه جنایت علیه ملت فلسطین و ملت لبنان از طرف آنها نادیده گرفته میشود! امروز پرچم حقوق بشر را چنین کسانی بردوش گرفته‌اند! این، دنیای فریب نیست؟ دنیای دروغ نیست؟! دنیای تزویر نیست؟! قبلاً میگفتند که سیاست، تزویر است؛ اما اینها ادعای حقوق بشرشان تزویر است؛ اساس کار بین‌المللیشان بر تزویر است؛ فقط مسأله سیاست نیست.

چنین حکومت‌هایی مدّعیند که رهبری بشریت باید به دست اینها باشد! دولتها باید تسلیم اینها باشند! متأسفانه خیلی از دولتها هم دچار ضعف و بی‌توجهی میشوند، وظیفه خودشان را نمیشناسند، به آن عمل نمیکنند و تسلیم آنها میشوند؛ ملتها هم به خاطر سختی‌هایی که این کار دارد، بیتفاوت میمانند. طبیعتاً نتیجه همین است.

ملت ایران ایستاده است و میتواند بایستد. دولت جمهوری اسلامی و نظام مقدّس اسلامی، در مقابل این زورگوییها و کج‌رویها ایستاده است، آنها را کتمان نمیکنند، به صدای بلند آنها را تشریح میکند، به دفاع از حقوق مظلومان میپردازد و از تهدید و اخم و سختگیریهای آنها هیچ واهمه‌ای ندارد. چرا؟ چطور شده است؟ چرا ملت و دولت و حکومت ایران میتوانند چنین اقتداری داشته باشند؟ به خاطر این که ملت ما این ایثارها را کرده است. این ظرفیت در این ملت به وجود آمده است که در مقابل فشارها و زورگوییها بایستد. همین ایستادگی شماس است که بالاخره دشمن متجاوز زورگوی دروغگوی مستکبر را از اوج نخوتش به زیر خواهد آورد و به زانو خواهد افکند.

من به شما و همه جوانان عرض میکنم که وعده خدا را باور کنید. وعده الهی این است که اگر اهل حق پای حقّ خودشان بایستند، حق پیروز خواهد شد. در همه مراحل این‌طور است. در دوران انقلاب این را تجربه کردید، در دوران جنگ تجربه کردید، در دوران اسارت تجربه کردید، در دوران بعد از پایان جنگ - که ملت ایران در صدد بنای دوباره کشور خود برآمد - این را تجربه کردید؛ در آینده هم باید این را یقین داشته باشید که عملی است.

هر جا دیدید که دشمنی زورگویی میکند، در مقابل او بایستید. این، وظیفه آحاد مردم، دولتمردان، نمایندگان مردم و کسانی است که این مملکت مسؤولیتی را به آنها سپرده

است. در مقابل دشمن متجاوز، در مقابل زورگوی ظالم، در مقابل استکباری که امروز بر ارزشهای الهی و معنوی طغیان کرده است - که مظهرش هم دولت طاغوت و طغیانگر امریکاست - کوتاه نیایید. قدرتهای مادی، هیچ غلطی نمیتوانند بکنند. با ملتی که ایستاده و به نیروی خود تکیه کرده است، هیچ کاری نمیتوانند بکنند. همه راهها به روی آنها بسته است.

اگر سختگیری کنند، آنها ضرر میکنند. اگر فشار وارد بیاورند، آنها ضرر میکنند. اگر حمله کنند، آنها ضرر میکنند؛ چون جوهر ایستادگی و مقاومت در یک ملت، جوهر نفیس و گرانبغای است. با همین جوهر است که ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیه زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی‌الله‌الاعظم ارواح‌حافظه خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده قطعی شماس است. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند.

البته در داخل کشور، کارهای زیادی وجود دارد که باید انجام گیرد. در داخل کشور، حرکات عظیمی است که به عهده مسؤولان است و باید با کمک مردم کارهای بزرگی را انجام دهند و کشور را بسازند؛ هم نوسازی مادی، هم نوسازی معنوی و فرهنگی، هم تأمین و استقرار عدالت اجتماعی و هم از بین بردن فقر و محرومیت و بیسوادی و تبعیض و جلوگیری از رشد خصلتهای منفی در جامعه. اینها کارهایی است که باید انجام گیرد. وقتی که این کارها شد، حرکت عظیم مردم و آن جوهر معنوی انقلاب خواهد توانست کار خود را بکند. به فضل الهی، بشریت شاهد آن روز خواهد بود و شما جوانان، به کمک خدا و به امید او، آن روز را خواهید دید و به دست خودتان ان‌شاءالله آن روز را خواهید ساخت.

امیدواریم که خداوند متعال همه شما را توفیق دهد. هدایت کند، کمک نماید و راه را برای شما هموار و روشن بفرماید.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در مراسم افتتاحیه‌ی مانور
فرهنگی - ورزشی جانبازان و معلولان

| ۱۳۷۶/۰۶/۱۵ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

امروز نمایش قدرت معنوی را - که بحمدالله نزد شما عزیزان و ایثارگران ذخیره ارزشمندی از آن وجود دارد - مشاهده کردیم و خدا را سپاسگزاریم که در نظام اسلامی، شاهد عظمت و شکوه معنویّت و قدرت اراده، در میان عزیزترین فرزندان این کشور هستیم.

من ابتدا لازم است از همه دست‌اندرکاران این مراسم بسیار با شکوه و پرمعنا و پرمضمون، تشکر کنم و از یکایک جانبازان عزیزی که در این مراسم شرکت کردند - بخصوص کسانی که با نشان دادن قدرت اراده خودشان، اهمیت و ارزش نیروی معنوی را به منصفه ظهور گذاشتند - سپاسگزار باشم.

جانبازان عزیز! در هر میدانی که شما به عنوان یک مجموعه ارزشی حضور داشتید، نشان دادید که دارای ابتکار، قدرت اراده و توان بیش از معمول سازندگی و برازندگی هستید. در میدان دفاع مقدّس، مجموعه شما و جوانان این کشور - ایثارگران ما که هر کدام در حقیقت یک شهید زنده‌اند - توانست کاری را نشان دهد که در تاریخ کشور ما بی‌نظیر و در دنیا هم انصافاً یا بی‌نظیر و یا کم‌نظیر بود!

همین اراده‌ها و همین قدرت نفسانی و معنوی شما جوانان موجب شد که در مقابله

دنیای استکبار و کفر با نظام اسلامی - با وجود این که طرف مقابل شما از امکانات مادی بیشتری برخوردار بود - شما پیروز شوید. این درس، درسی نیست که به این زودی برای یک ملت، قابل فراموش شدن باشد. این، چیزی نیست که آن را بشود یک پدیده جدا از گذشته و آینده دانست. این، یک جریان و یک حقیقت زنده است. این برای همه میدانها یک درس است.

جانبازان ما در میدان درس خواندن و در میدان سازندگی، همین قوت و قدرت معنوی را نشان دادند. در هر جا که جای بروز نیروی حقیقی انسان بود، وقتی که شما وارد شدید، توانستید کارهای بزرگ و محیرالعقول و ظاهراً دست نیافتنی انجام دهید. یعنی نشان دادید که وقتی قدرت معنوی باشد، حتی ضعف جسمانی هم نمیتواند تعیین کننده باشد.

با ضعف جسمانی و با کمبودهای قوای بدنی هم به خاطر قدرت اراده و قدرت ایمان و معنویت، شما توانستید کارهای بزرگی را انجام دهید. این هم ورزش! در میدان ورزش هم همین طور، پرافتخارترین حضور ایرانی در یکی از میدانهای جهانی را جانبازان انجام دادند؛ یعنی در حضوری، این جانبازان بودند که هشتاد و نه مدال طلا را به کشور ایران هدیه کردند! معنای این پدیده چیست؟ معنای این پدیده این است که در میدان ورزش هم مثل میدان جنگ، مثل میدان علم و میدان سازندگی و میدان مدیریت، آنچه تعیین کننده است، نیروی اراده و ایمان و خواست و همت بلند و خلاصه نیروی معنوی است که نیروی جسمانی را هم به دنبال خود میکشد؛ ضعف جسمانی را هم جبران میکند. اینها برای کشور ما درس است.

من خوشحالم از این که میبینم رشته‌های گوناگون ورزشی در میان جانبازان و معلولین، گسترش پیدا کرده است. تقریباً همه رشته‌های ورزشی را که با جسم معلول میتوان به نحوی نسبت به آنها اقدام و کاری کرد، شما به گونه‌ای در حیطه تصرف خودتان آوردید؛ آن هم در شکل بهترین! این، برای ملت ما، برای جوانان و تصمیم‌گیران و مدیران ما در بخشهای مختلف، درس است.

روی قدرت معنوی و اراده ناشی از ایمان و انسانیت تکیه کنید و آن را مهم بدانید. ایسا انسانهای سالمی که به خاطر ضعف نیروی اراده نمیتوانند در هیچ یک از این میدانها

حضور افتخارآفرینی داشته باشند؛ اما انسانهایی با ضعف بدنی ظاهری - کمبود بدنی، نداشتن دست، نداشتن پا، قطع نخاع، نداشتن چشم، بودن ترکشهای متعدّد در بدن و انواع و اقسام گرفتاریهای جسمانی که متأسفانه جانبازان دچار آن هستند و با آن دست و پنجه نرم میکنند - به مدد اراده و همت قوی میتوانند به این پیشرفتهای و به این کارهای درخشان نائل شوند! این، برای همه میدانها درس است.

عزیزان من؛ کسانی که در این میدان تلاش میکنید! این درس را برای ملت و تاریختان استمرار بخشید؛ یعنی باز هم بر همت و تلاشتان بیفزایید و کارهای جدید، ابتکارهای تازه، تصرف میدانهای نو و گشودن راههای ناگشوده را ادامه دهید.

مسئولین عزیز بخشهای گوناگون هم از این پدیده درس بگیرند و به نیروی معنوی جوانان اهمیت دهند. بدانید که اگر ملتی از ایمان برخوردار بود و با اراده بار آمد و قدرت تصمیم‌گیری به او تعلیم داده شد، در همه میدانها - در میدان سیاست، در میدان مبارزات فرهنگی و مبارزات نظامی - پیروز است. چنین ملتی در مقابل همه دشمنان پیروز خواهد شد.

یک جمله هم درباره ورزش کشور که یک مسأله مهم کشور است، عرض کنم: اولاً همه آحاد مردم، باید ورزش را جدی بگیرند. همه باید برای سلامتی خودشان، ورزش را یک ضرورت و کار لازم به حساب آورند. جامعه ورزشکار، جامعه بانشاط و پرتلاش و زنده و کارآمد خواهد بود. عادت ورزش را به فرزندان خودتان هم منتقل کنید. کودکان و نوجوانان - بخصوص جوانان - را به ورزش کردن وادار کنید. حتی افراد مسن و پیر هم باید ورزش کنند - هر کسی ورزش متناسب با حال خود - ورزش، یک کار لازم و یک وظیفه است که برای نشاط و طراوت دائمی جامعه لازم است. امروز جامعه ما به این طراوت و این نشاط احتیاج دارد.

نکته دوم این است که اگر میخواهید ورزش، عمومی و همگانی شود، باید ورزش قهرمانی را هم تقویت کنید. باید مردم از میان خودشان الگوها را پیدا کنند. رشته‌های مناسب ورزشی را باید تقویت کنید. من وقتی نگاه میکنم و میبینم که در برخی از رشته‌های ورزشی در صحنه جهانی، جوانان ما برترین حرف را میزنند و درخشانترین چهره‌ها را نشان میدهند - مثل رشته کشتی - تعجبی نمیکنم. این ملت ایران است؛

شوخی که نیست! این ملت، با استعداد است. وقتی در برخی از میدانهای ورزشی و نسبت به بعضی از رشته‌های ورزشی میبینم که ورزشکاران ما حرف قابل گفتنی عرضه نمیکنند، متأسف میشوم و حس میکنم این‌جا در حدّ نیاز و در شأن ملت ایران کار نشده است.

من به مسؤولین ورزشی توصیه کردم، باز هم توصیه میکنم که چندین رشته ورزشی مناسب را که از نظر منطق و فرهنگ ما معنا و مضمون دارد، برگزینید و روی آن سرمایه‌گذاری کنید. منظورم فقط سرمایه‌گذاری مادّی نیست؛ سرمایه‌گذاری معنوی؛ یعنی همت و مدیریت به خرج دهید و تلاش لازم و گزینشهای خوب بکنید، تا جوانان ما میدان پیدا کنند و در این رشته‌های ورزشی، در دنیا سرآمد شوند. بعضی از این ورزشها، ورزشهای اصالتاً ایرانی است، که از تاریخ ما برای ما به یادگار مانده است - مثل سوارکاری، چوگان بازی، یا بعضی از همین شاخه‌های ورزش باستانی - بعضی هم ورزشهایی است که از دیگران آموخته‌ایم، ولی آنها را میپسندیم - مثل ورزشهای دست‌جمعی، یا ورزشهای رزمی - اینها را گزینش کنند؛ روی اینها برنامه‌ریزی و همت کنند.

به عقیده‌ی من، جوان ایرانی برای اوّل شدن در دنیا، هیچ چیز کم ندارد. جوان ایرانی با استعداد است. ورزشکار ایرانی دارای استعداد درخشان است. باید به او امکان داد، میدان داد و کار او را روبه‌راه کرد تا بتواند مثل ستاره‌ای در میدانهای ورزشی دنیا بدرخشد. امروز دنیا این‌طور است؛ ورزش از موجودی ملتها خبر میدهد و سخن میگوید - حتی از توانایی دولتها هم خبر میدهد و حرف میزند - امروز ورزش در دنیا این است. جوانان و ورزشکاران ما آماده‌اند. آن رشته‌هایی را که به دقت انتخاب میشوند، برنامه‌ریزی و روی آنان کار کنند. جوانان ما در آن جاهایی که سخن قابل گفتنی در دنیا ارائه کرده‌اند، بحمدالله توانسته‌اند مایه افتخار نظام جمهوری اسلامی شوند. من لازم میدانم از همه جوانان قهرمانی که در میدانهای ورزشی عالم، موجب آن شدند که نام ایران اسلامی عزیز، در بلندگوهای جهانی - برخلاف میل مستکبرین و علی‌رغم آنها - به طنین بیفتد و فضا را تکان دهد و پرچم و سرود مقدّس جمهوری اسلامی ایران چشمها و گوشها را بنوازد، تشکر کنم. از همه این جوانان و از مربیانشان سپاسگزارم. ان‌شاءالله موفق باشید. ما در همه میدانها میتوانیم این کار را بکنیم.

من به همه شما عزیزان و به همه مسؤولین ورزش کشور عرض میکنم: باید برای ورزش به عنوان یک کار جدی، اساسی و لازم - که به هیچ وجه فواید آن به اشخاص پایان نمییابد، بلکه به کشور و انقلاب و دولت برمیگردد - رسیدگی مناسب و شایسته آن را بکنید؛ و اگر بخواهید این کار، آن چنان که شایسته است پیش برود، باید محیط ورزش را محیط معنوی کنید. محیط معنوی، همان محیط پهلوانیِ دیرین ورزشکاران قدیمی خود ماست؛ آنهایی که وقتی وارد گود ورزشی میشدند، خاک گود را میبوسیدند؛ آنهایی که همیشه ورزش را با نام خدا شروع میکردند و با نام خدا تمام میکردند - با بسم الله شروع میکردند و با دعا تمام میکردند - کشور ما این گونه کشوری است. محیط ورزش آن، محیط معنوی، جوانمردی، ایمان، تقوا، پاکدامنی و پارسایی و محیط معنویت و درخشندگی روحی و نفسانی است.

باید ورزش را همین طور، در چنین حال و هوایی قرار دهید و حفظ کنید. این برای ورزش کشور، هم مایه پیشرفت خواهد بود، هم خواهد توانست انعکاس نورانیت خود را به همه قشرهای کشور بتاباند؛ همچنان که بحمدالله ما این خصوصیت را در ورزش جانبازان و معلولین مشاهده کردیم.

من لازم است از یکایک شما عزیزان ورزشکار، از مسؤولینی که این مانور بسیار زیبا و جالب و پرمغز را تشکیل دادند - از مسؤولین ورزش کشور - تشکر کنم. امیدوارم که همه شما موفق باشید و خداوند متعال روزه‌روز توفیقات و فضل خود را بر شما افزایش دهد.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

دیدار دست‌اندرکاران برگزاری کنگره بزرگداشت
مرحوم حاج آقا سید مصطفی خمینی (ره) با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۶/۰۷/۰۷ |



دست‌اندرکاران برگزاری کنگره بزرگداشت مقام و منزلت مرحوم حاج آقا سید مصطفی خمینی، دیروز با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند.

مقام معظم رهبری در این دیدار با اشاره به خصوصیات بارز مرحوم سید مصطفی خمینی فرمودند: فرزند ارشد حضرت امام (رض) از خصوصیات برجسته‌ای برخوردار بود. او علاوه بر جنبه علمی، استعداد درخشان و جوالی را در فقه و اصول و علوم عقلی از خود در حوزه علمیه نشان داد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ذوق و علاقه مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی به شعر و هنر را یادآور شدند و فرمودند: وی تمامی کتابهای برجسته و مطرح زمان خود را خوانده بود. او شخصیتی همه‌جانبه داشت و چنین به نظر می‌رسید که همه خصوصیات مثبت در وجود ایشان در حال رشد و ترقی است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی به زهد و پارسایی مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی در زندگی پر بار او اشاره کردند و در پایان سخنانشان فرمودند: صبر و بردباری حضرت امام خمینی (ره) در فراق حاج آقا مصطفی، چهره آن حضرت را در مقابل دیدگان ملت ایران مانند خورشید فروزان کرد. بنابراین تجلیل از مقام و منزلت حاج آقا مصطفی خمینی در واقع احترام به حضرت امام (رض) و تجلیل از ارزشهای اسلامی و انقلاب محسوب

می‌شود.

یادآور می‌شود به مناسبت بیستمین سالگرد شهادت آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی،
کنگره بزرگداشت وی روز سی‌ام مهرماه امسال در تالار شیخ مفید قم برگزار می‌شود.

دیدار جمعی از اعضای گروه‌های تفحص
پیکرهای مطهر شهدای مفقودالاثر با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۶/۰۷/۰۷ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی امروز در دیدار جمعی از اعضای گروه‌های تفحص پیکرهای مطهر شهدای مفقودالاثر با ایشان طی سخنانی از جست‌وجو برای یافتن پیکرهای مطهر شماری از شهیدان و تعیین سرنوشت مفقودان جنگ تحمیلی به عنوان یک کار بزرگ انسانی و خدمتی باارزش به خانواده معظم شهدا و مفقودان یاد کردند.

مقام معظم رهبری در این دیدار که چند تن از خانواده‌های معظم شهیدان گروه‌های تفحص نیز حضور داشتند فرمودند: یافتن پیکرهای مطهر شهدای مفقودالاثر خدمت به روحیه ملی و عموم مردم است و کسانی که این کار مهم و سخت را دنبال می‌کنند در واقع با خارج کردن پیکرهای مطهر شهدا از غربت، به اضطراب و دلهره خانواده‌های معظم آنان پایان می‌دهند و بدون تردید این عزیزان با کار طاقت‌فرسای خود خدمت ارزشمندی به شهدا و خانواده‌های معظم آنان انجام می‌دهند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دوران هشت سال دفاع مقدس را به سبب خصوصیات برجسته آن، یک مقطع استثنایی، عزیز و به یاد ماندنی در تاریخ ایران ارزیابی کردند و فرمودند: ملت بزرگ ایران به تأسی از مولای خود امیرمؤمنان علی (ع) در عین اقتدار، مظلوم بود و قدرت را با مظلومیت همراه کرد، در تمامی مراحل جنگ تحمیلی، ارزشهای انسانی و

اخلاقی را رعایت کرد و هیچ کار ضدارزشی و غیراخلاقی از او صادر نشد، حق با او بود و نه به قصد تجاوز و تعدی، تعرض و تصرف، بلکه با هدف دفاع از حیثیت و ناموس ملی و حراست از اسلام و انقلاب جنگید.

رهبر معظم انقلاب اسلامی درگیر بودن عموم مردم در هشت سال دفاع مقدس را یکی دیگر از ویژگیهای دفاع ملت ایران در برابر رژیم متجاوز عراق برشمردند و در پایان سخنانشان توجه جستجوگران پیکرهای مطهر شهدای مفقودالاثر را به اهمیت حفظ روحیه اسلامی و انقلابی جهت به نتیجه رساندن این کار مهم جلب کردند.

بر پایه همین گزارش پیش از سخنان مقام معظم رهبری سردار سرتیپ پاسدار میرفیصل باقرزاده مسئول کمیته جستجوی مفقودین در ستاد کل نیروهای مسلح، گزارشی از اقدامات انجام شده طی هفت سال اخیر را که به کشف پیکر مطهر بیش از سی و هفت هزار شهید انجامیده است، ارائه کرد.

دیدار خانواده شهدای پرسنل نیروی هوایی
سپاه به شهادت رسیده در پاکستان با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۶/۰۷/۱۶ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی روز گذشته در دیدار خانواده شهدای پرسنل نیروی هوایی سپاه پاسداران که به دست عوامل استکبار در پاکستان به شهادت رسیدند، فرمودند: این حادثه به طور حتم و جدی باید از سوی دولت پاکستان دنبال شود و کسانی را که مرتکب این جنایت بزرگ شده‌اند به مجازات اعمالشان برسانند و جای تأسف است که در یک کشور دوست و همسایه بهترین عزیزان و جوانان یک کشور امنیت جانی نداشته باشند.

مقام معظم رهبری اظهار داشتند: اگر چه کسانی که این جنایت را طراحی و برنامه‌ریزی کرده‌اند مخالف روابط دوستانه دو دولت و دو کشور بوده‌اند، اما اگر دولت پاکستان به وظایف خود در این قضیه عمل نکند او هم به آنان کمک کرده است و موجب تیره‌گی روابط دو کشور خواهد شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خطاب به خانواده این شهیدان فرمودند: عزیزان شما که به دست دشمنان خدا و در راه خدا شهید شده‌اند، به مقام و مرتبه والایی نزد خدا دست یافته‌اند که دست‌آورد عظیمی را برای آن شهیدان به همراه دارد و رنج و سختی فقدان عزیزان در بلاد غربت و به دست دشمنان دین، نیز برای شما آنچنان اجری نزد خدای متعال دارد که با کمتر عبادتی می‌توان آن را به دست آورد.

دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای کرج با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۶/۰۷/۲۴ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در ادامه دیدار خود از شهرستان کرج امروز طی سخنانی که در جمع خانواده‌های معظم شهیدان و مفقودان و نیز جانبازان و آزادگان ایراد کردند، رشد و بالندگی انقلاب و مقاومت هشت‌ساله ملت ایران در ناکام گذاشتن دشمن متجاوز را مرهون صبر و بردباری و فداکاری خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران دانستند و آن را نکته استثنایی و مختص انقلاب اسلامی برشمردند.

مقام معظم رهبری در این دیدار از خانواده‌های شهدا و مفقودان، جانبازان و آزادگان به عظمت و بزرگی یاد کردند و فرمودند: کسانی که در انقلاب کبیر اسلامی ایثار و فداکاریهای بزرگ به خرج داده‌اند، با صبر و استقامت خود به پایه‌های اصلی انقلاب چنان قدرتی از رشد و بالندگی بخشیدند که تا مدتهای مدید هیچگونه معارضة و ضدیتی در آن کارگر نخواهد افتاد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای روحیه خانواده‌های شهدا و ایثارگران را در تاریخ اسلام بی‌نظیر توصیف کردند و فرمودند: دشمن اصلی ما در جنگ تحمیلی تنها عراق نبود، بلکه همه کفر و استکبار برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی در جبهه عراق با یکدیگر همسنگر شدند اما انقلاب اسلامی توانست در برابر ضربات پیاپی و تمامی نیروها و تجهیزات دشمنان همپیمان اسلام بایستد و با گذشت هشت سال از دفاع مقدس، دشمن را با

تحمل خسارتهای غیر قابل استحصاء و بدون تصرف حتی یک وجب از خاک ایران عزیز ناکام گذاشت، و این همه به برکت روحیه و معنویت خانواده‌های شهدا که ذخیره‌های تمام نشدنی در دستگاه دفاعی کشور محسوب می‌شود، به دست آمده است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی اقدامات خصمانه دشمنان را نشانه قوت روزافزون نظام مقدس اسلامی دانستند و فرمودند: استمرار دشمنی با انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که این نظام مقدس، روز به روز جوانتر و قوی‌تر می‌شود، پیشتر می‌رود و سنگرهای بیشتری را تسخیر می‌کند. بنا بر این ملت بزرگ و مقتدر ایران باید به خدا تکیه کند و از دشمن و اقدامات او نترسد.

مقام معظم رهبری تأمین سعادت بشر به مفهوم دنیای آباد و آخرت درخشان انسان را هدف اصلی اسلام دانستند و فرمودند: به برکت مجاهدتهای انجام شده، بنایی به وجود آمده است که به فضل پروردگار بایستی در آن، عشق به اهل بیت، عواطف پاک و شیرین، اخلاق انسانی و محبت و برادری موج بزند و کشوری ساخته شود که در آن، دنیای مردم آباد، اخلاق مردم خوب و روابط مردم برادرانه باشد و تلخی و نابسامانی در آن راه نیابد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ایثارگران و خانواده‌های معظم شهدا را دارای بیشترین افتخار در ایران اسلامی برشمردند و با تجلیل از فداکاری و ایثارگری همسران شهدا و جانبازان فرمودند: ایثارگران در ایران اسلامی، نه طلبکارانه، بلکه خالصانه و خاضعانه برخورد کنند، اما از سوی دیگر مسئولین و همه ملت باید در برابر آنان احساس بدهکاری کنند. من به عنوان یک مسئول خود را مرهون خانواده‌های شهدا و ایثارگران می‌دانم و با تمام وجود در برابر عظمت آنها احساس کوچکی می‌کنم و این احساسی صادق است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی توجه عموم مردم و مسئولین را به ضرورت تکریم و تعظیم نسبت به ایثارگران و خانواده‌های معظم شهیدان جلب کردند و در پایان سخنانشان فرمودند: جوامع بسیاری در دنیا بر اثر دفاع مقدس ملت ایران به اسلام و مذهب تشیع توجه پیدا کردند و ایران اسلامی در سایه آن عزت و عظمت پیدا کرد، بنا بر این افتخار این دستاورد بزرگ بیش از همه متعلق به شهدا و خانواده‌های آنان، جانبازان، و ایثارگران است و بر همین اساس، ملت ایران باید خود را در مقابل آنان موظف به

احترام و تکریم بدانند.

پیش از سخنان مقام معظم رهبری پدر شهید فهمیده و مادر شهید پناهی در سخنان کوتاهی مقدم معظم‌له را به شهرستان کرج گرامی داشتند.

دیدار جمعی از جانبازان با رهبر انقلاب
به مناسبت میلاد حضرت عباس (ع)

| ۱۳۷۶/۰۹/۱۵ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ظهر امروز به مناسبت میلاد حضرت ابوالفضل العباس (ع) و روز جانباز تعدادی از جانبازان جنگ تحمیلی را به حضور پذیرفتند.

مقام معظم رهبری در این دیدار با تأکید بر اهمیت فعالیتها و پیشرفتهای شایسته تقدیر و ستایش جانبازان فرمودند: استمرار روحیه حیات، نشاط، پیشرفت و تکامل در جانبازان عزیز موجب خوشوقتی است. شما برادران عزیز برای خیلی از جوانها در داخل و خارج کشور الگو هستید. تلاش شما برادران جهت رسیدن به مدارج عالی علمی، فراگیری و حفظ قرآن، به دست آوردن پیروزیهای ورزشی و زحمت برای مسائل اجتماعی، فرهنگی و هنری، در عین گرفتاریهای جسمانی که دارید، شایسته تقدیر است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی موفقیتهای جانبازان را از نعمتهای الهی برشمردند و فرمودند: بدون کمک پروردگار این موفقیتها ممکن نبود. خیلیها هستند که به بهانه گرفتاریهای کوچک جسمانی، بلکه حتی بدون این گونه گرفتاریها، عوارض، تنبلیها و لحظه‌بینیها، آنها را از به کارگیری نعمتهای مستمر الهی باز می‌دارد.

در مراحل مختلف پیشرفت از خدا افزایش بخواهید. به هیچ حدی قانع نشوید راه

تکامل انسانی بن بست و محدود نیست. هر چه پیشرفت کرده باشید باز هم می‌توانید پیشرفتهای زیاد و مضاعفی به دست آورید.

مقام معظم رهبری در پایان سخنانشان افزایش لطف خدا و موفقیتها را بر اثر ارتباط درونی با خدای متعال دانستند و فرمودند: این موفقیتهای مربوط به صحنه‌های زندگی در مقابل موفقیت ایجاد انس با خداوند کوچک است.

وقتی انسان دلش با خدا مأنوس و محشور شود احساس حضور و محبت پروردگار را در قلب خودش بکند این از همه موفقیتها بالاتر است.

در این دیدار که بعد از اقامه نماز ظهر و عصر به امامت رهبر انقلاب اسلامی انجام شد گروهی از جانبازان حافظ قرآن کریم، فارغ‌التحصیلان رشته‌های پزشکی، حقوق، علوم سیاسی که بعد از پایان جنگ تحمیلی موفق به اخذ مدرک تحصیلی شده‌اند و همچنین طلاب علوم دینی و جمعی از جانبازان نخبه حضور داشتند پیش از سخنان مقام معظم رهبری آقای رفیق دوست رئیس بنیاد مستضعفان و جانبازان گزارش کوتاهی از فعالیتهای جانبازان را ارائه کرد و در پایان جانبازان حاضر در مراسم مفتخر به دریافت هدایایی از رهبر انقلاب شدند.

دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای هرمزگان با رهبر انقلاب

۱۳۷۶/۱۱/۲۸



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر امروز در اجتماع خانواده‌های معظم شهدا و مفقودان، آزادگان و جانبازان استان هرمزگان حضور یافتند و طی سخنانی از مقام و منزلت آنان و نقش ایثارگران و رزمندگان اسلام در خلق افتخار و عظمت برای ملت ایران تجلیل کردند.

مقام معظم رهبری در این دیدار، آحاد ملت ایران را وامدار شهدا و خانواده‌های معظم آنان دانستند و فرمودند: ایران اسلامی و انقلابی به خانواده‌های شهدا، جانبازان و آزادگان با همه وجود بدهکار و مدیون است و با گذشت زمان و روشن‌تر شدن عظمیت جهاد مقدس و دفاع مردانه رزمندگان ما در هشت سال جنگ تحمیلی، معلوم خواهد شد که شهدا، جانبازان، آزادگان و رزمندگان دلاور ما چه حق بزرگی بر گردن ملت ایران و تاریخ این سرزمین دارند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خبرهای منتشر شده از جبهه دشمنان ملت ایران را تأییدکننده تحلیلها و حدسیات جنگ تحمیلی خواندند و فرمودند: یکی از مسؤولان بلندپایه امنیتی آمریکا اعتراف کرده است که این کشور در دوران جنگ تحمیلی با دستگاههای جاسوسی و استراق سمع خود اطلاعات مربوط به تحرکات نیروهای ایران را به دست آورده و آنها را در اختیار عراق قرار می‌داده است، ولی در مسأله فاو،

دستگاههای آمریکا دچار اشتباه شدند و نتوانستند عراقیها را از قصد ایران آگاه کنند و برای جبران اشتباه خود به عراق کمک کردند که هر چه بخواهد بر روی نیروهای ایرانی سلاح شیمیایی بریزد. این اعترافات به روشنی گویای عظمت شهدا و مظلومیت ملت ایران است.

مقام معظم رهبری حمایت همه‌جانبه آمریکا، کشورهای عضو پیمان نظامی ناتو، شوروی سابق، بلوک شرق و کشورهای پولدار عرب حاشیه خلیج فارس از عراق در جنگ علیه ایران اسلامی را خاطرنشان کردند و فرمودند: آنچه توانست در مقابل سلاحهای جهنمی دشمنان اسلام بایستد، دل‌های نورانی و با صفای کسانی بود که به عشق حقیقت و دین خدا وارد این میدان شدند و چنین بار سنگینی را بر دوش کشیدند، چنین راه دشواری را پیمودند و چنین کار بزرگی را به نتیجه رساندند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حمایت و دفاع از آرمانهای شهدا را بهترین و بزرگترین احترام به شهدا دانستند و در پایان سخنانشان فرمودند: مسؤولین نظام و مردم، مخلص و فدایی ارزشهای اسلامی و الهی هستند و دل‌هایشان از عشق به اسلام و معنویات لبریز است و سینه چاکان زندگی متعفن غربی باید بدانند که ملت ایران راه اسلام و انقلاب و ارزشهای الهی را انتخاب کرده است و به غیر از آن راضی نخواهد شد.

بیانات در دیدار با امیر خلبان حسین لشگری

| ۱۳۷۷/۰۱/۱۹ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خدای متعال را با همه‌ی وجود و از اعماق دل و جان سپاسگزارم که بحمدالله این نقطه‌ی غم‌انگیز همیشگی را در خاطر و ذهن ما و ملت ایران زدود و شما عزیزان میهن و آزادگان عزیز را که در دشوارترین شرایط، حقیقتاً سربازان فداکار انقلاب و اسلام بودید، به آغوش میهن و آغوش خانواده برگرداند. این ساعت که شما را ملاقات می‌کنم، برای من ساعتی بسیار عزیز و گرامی است.

البته شما این را بدانید - شاید هم میدانید - که بنده و مسؤولین و شاید بسیاری از ملت ایران، کمتر وقتی بوده که از یادتان غافل باشیم و به خاطر ناراحتی شما عزیزان و خانواده‌هایتان، رنج نبریم. حقیقتاً در دل‌های مسؤولین به خاطر وجود عزیزان ما در چنگال دشمنانی که حتی به قواعد جنگ هم پایبند نیستند، یک غصه‌ی دائمی وجود داشت؛ ولیکن فعلاً این برای شما اهمیت زیادی ندارد. آن چیزی که بیشتر از همه اهمیت دارد، این است که بدانید لحظه‌ی رنج‌های طولانی‌تان پیش خدای متعال، ثبت و محفوظ است.

هیچ کس نمیتواند لحظه‌های ناراحتی طولانی شما را توصیف کند. نه انسانهایی که آن چیزها را درک نکردند، نمیتوانند بفهمند، نه زبانها میتوانند آن را درست بیان کنند.

لمس ناراحتیها و رنجها چیز دیگری است. شنیدن آنها از زبان دیگران، نمیتواند آنچه را که بر انسان رنج‌دیده گذشته، تصویر کند. اما در پیشگاه خدا این‌طور نیست، در پیش کرام‌الکاتبین این‌گونه نیست. در قیامت، عین عمل شما آن‌جا حاضر میشود - «فمن يعمل مثقال ذرّة خیراًیره» (۲۲) - یعنی انسان، خودِ عمل را آن‌جا مشاهده میکند!

همان ثانیه‌های رنج، همان شبهای طولانی، همان تنهاییها، همان دوریها و غربتها، همه‌ی آن مصیبت‌هایی که برای انسان در زندان دشمن وجود دارد - آن اهانتهای، آن تحقیرها، آن بیخبریها، آن نگرانیها و دلهره‌ها، آن یاد زن و فرزند و پدر و مادر و عزیزان، آن امیدهایی که انسان میبندد کانه رفته رفته از افق دیدش، کمرنگ و خاموش میشوند و خود این، بزرگترین مصیبت‌هاست - همه‌ی این چیزهای غیرقابل تصویر، عیناً در پیش پروردگار و در محضر ذات مقدّس الهی، حضور پیدا میکنند. عین آن صبری که شما کردید، حضور پیدا میکند - تجسّم اعمال - عمل پیش خدای متعال محفوظ است. حسنه محفوظ است و خدای متعال، آن حسنه را در قیامت به شما برمیگرداند و آن، هنگامی است که شما از همیشه بیشتر به چنین چیزی نیازمندید!

تنها توصیه‌ای که من به شما میکنم این است که عزیزان! حسنات را برای خودتان حفظ کنید. مبادا خدای نکرده در طول زندگی به خاطر چیزهایی، چیزی از این حسنات، از دست برود؛ حیف است. اینها - این صبری که شما کردید - ذخیره‌های بسیار ارزشمندی است. تعبیری در عربی هست که میگوید: «ذهب العنا و بقی الاجر». (۲۳) سختیها مثل همه چیز عالم، گذراست. خوشی هم میگذرد، سختی هم میگذرد. همه‌ی زندگی میگذرد. خوب؛ این سختیها تمام شد، اما آن اجراها همه باقی مانده است. برای انسان خیلی قیمتی است که ببیند آن اجراها، آن پاداشهای الهی، آن سپاسی که پروردگار عالم به خاطر تحمّل این صبر و این رنج کشیدن از شما دارد، برای شما باقی است.

ان‌شاءالله خداوند اجر شما را زیاد کند، آن را پیش خودش محفوظ بدارد، ثوابهای زیادی به شما عنایت کند، شما را ان‌شاءالله برای استقبال از یک زندگی شیرین در آینده - در میان عزیزانتان - سالهای طولانی، مداوم و از همه جهت آماده کند و ان‌شاءالله وسایل رفاه و آسایش و راحتی خیال و فکر شما را به جبران آن سختیها فراهم نماید.

همه‌ی شما - بخصوص آنهایی که زیاد ماندند - رمز مقاومت و ایستادگی هستید. شما نشان دهنده‌ی این حقیقت هستید که رنجها میگذرد و اجرا میماند. از همه بیشتر غم و رنج این آقای «لشگری» بود که ما هر وقت به یاد ایشان میافتادیم، حقیقتاً غمی دلمان را میگرفت. هجده، نوزده سال، زمان بلندی است؛ زمان کمی نیست که ایشان در چنگ دشمن بودند و بحمدالله صبر و استقامت کردند. امیدواریم خدای متعال به همه‌ی شما اجر دهد و موفقتان بدارد و ان شاءالله خانواده‌های شما - فرزندان و کسان و والدینتان - را مشمول رحمت و خیر کند. عین این ثواب و اجری را که خدای متعال به شما میدهد، به کسان شما هم میدهد؛ چون آنها هم خیلی رنج کشیدند، خیلی زجر کشیدند. گاهی میشود آن کسی که خودش در زندان است و از میهن عزیز و خانواده‌اش دور است، کمتر رنج میکشد، تا کسانی که در انتظار او هستند و جای خالی‌اش را دائماً میبینند. آنها هم خیلی رنج کشیدند. خداوند ان شاءالله به آنها هم اجری وافر عطا کند - که حتماً هم عطا خواهد کرد - ان شاءالله موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمةالله

دیدار جمعی از آزادگان با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۷/۰۱/۱۹ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوا امروز همزمان با عید سعید قربان، آزادگان سرافرازی را که در روزهای اخیر، از بند اسارت رهایی یافته و به میهن اسلامی بازگشته‌اند، به حضور پذیرفتند.

مقام معظم رهبری در این دیدار که در فضایی بسیار معنوی و صمیمی برگزار شد، آزادگان عزیز را سربازان فداکار اسلام و انقلاب و رمز پایداری ملت ایران خواندند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با ابراز خرسندی فراوان از بازگشت آزادگان برومند به میهن، لحظه دیدار با این عزیزان را بسیار گرمی داشتند و حساسیت و دلمشغولی زیاد ملت ایران و مسؤولان کشور را به سرنوشت فرزندان اسلام را که در اسارت به سر می‌برند، خاطر نشان کردند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به نگرانیها، تنهاییها، غربتها اهانت و تحقیرها و دیگر ناراحتیهای غیر قابل توصیف دوران اسارت، خطاب به آزادگان فرمودند: لحظه لحظه رنجها و صبرهای شما پیش خدای متعال ثبت و محفوظ است و پروردگار مهربان این اعمال و حسنات را در روز قیامت، که انسان از همیشه نیازمندتر است، به شما باز خواهد گردانید.

مقام معظم رهبری ضمن تجلیل از پایداری و مقام معنوی خانواده‌ها و بستگان آزادگان، آنها را به حفظ حسنات و ذخایر ارزشمند معنوی خود توصیه فرمودند.

فرمانده کل قوا در ادامه این مراسم سه تن از آزادگان سرافراز نیروی هوای ارتش جمهوری اسلامی ایران، به ترتیب آزاده گرانقدر، خلبان حسین لشکری را با بیش از هجده سال اسارت، به دریافت درجه سرتیپ دومی و آزاده برومند خلبان محمد امینی را به دریافت درجه سرتیپ دومی و آزاده عزیز ارسلان شریفی را به دریافت درجه سرگردی مفتخر فرمودند.

پیش از بیانات مقام معظم رهبری سرتیپ نجفی رئیس کمیسیون اسراء، گزارشی از روند پیگیری سرنوشت اسراء و مفقودان جنگ تحمیلی به استحضار فرماندهی معظم کل قوا رساند

دیدار اعضای کنگره بزرگداشت شهید مطهری با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۷/۰۲/۱۳ |



همزمان با سالگرد شهادت استاد مرتضی مطهری، اعضای کنگره بزرگداشت استاد مطهری با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند.

مقام معظم رهبری در این دیدار طی سخنانی از استاد شهید مطهری به عنوان ذخیره بزرگ علمی و معنوی یاد کردند و ضرورت معرفی ابعاد شخصیتی وی را به جهان امروز بویژه دنیای اسلام مورد تأکید قرار دادند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تعبیر و تبیین جدید از مفاهیم و معارف اسلامی را یکی از ویژگیهای مهم استاد مطهری دانستند و فرمودند: نگاه عمیق وی به مسائل اسلامی و فهم تازه استاد مطهری از آیات و روایات و تبیین درست آنها ویژگی بی‌همتا و برجسته آن شهید بزرگ است و جای کار کردن و پیگیری دارد.

رهبر انقلاب اسلامی تبحر استاد مطهری در فهم نیاز فکری عصر حاضر را خاطر نشان کردند و فرمودند: نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه آن تفکر و برداشتی از اسلام بنا شده است که شهید مطهری ارائه کرد، درک و تشخیص صحیحی از موقعیت داخل کشور داشت و آن موقعیتی که استاد مطهری از دانشگاه تهران درک کرد و شناخت، اکنون تا سطح جهان و دنیای غرق شده در تمدن مادی ادامه دارد و بر همین اساس پیام معنوی استاد در بخش قرآنی احادیث و معارف اکنون می‌تواند دلها را در هر

نقطه‌ای از جهان به سوی خود جذب کند.

مقام معظم رهبری بر ضرورت تدوین یک کتاب حاوی جمع‌بندی افکار و نظرات استاد مطهری تأکید کردند و خطاب به اعضای کنگره بزرگداشت شهید مطهری فرمودند: شما باید نظام فکری استاد مطهری را به صورتی فشرده، سنجیده، دقیق و جمع‌بندی شده در یک کتاب ترسیم کنید و آراء و افکار این فیلسوف الهی را با لغات امروزی به دنیای اسلام ارائه دهید. افکار وی باید در عرصه تعامل اندیشه‌ها قرار گیرد تا جوامع فکری ایران و جهان از آن بهره‌مند شوند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر اهمیت تدوین و تنظیم یک زندگی‌نامه انتقادی از حیات فکری و تحولات شخصیتی استاد مطهری و تبیین معلومات فلسفی بسیار خوب و دقیق وی تأکید کردند و بکار بردن ظرایف ادبی و هنری را لازمه انجام این کار مهم دانستند.

بر پایه همین گزارش پیش از سخنان مقام معظم رهبری، فرزند ارشد استاد مرتضی مطهری گزارشی از اقدامات انجام شده برای برگزاری کنگره بین‌المللی بزرگداشت استاد را به استحضار رساند.

بیانات در دیدار جمعی از آزادگان

| ۱۳۷۷/۰۵/۲۷ |



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به همه شما عزیزانی که از راههای دور و شهرهای مختلف، قبول زحمت کردید و تشریف آوردید و بنده را به زیارت خودتان مفتخر کردید، خوشامد عرض میکنم. امیدواریم که خدای متعال در دنیا و آخرت، ما را از شما جوانان صالح و شما بسیجیان و ایثارگران جدا نکند.

این روزها یکی از خاطره‌های بزرگ تاریخ انقلاب، بلکه تاریخ کشور ایران شکل گرفته است و آن خاطره بازگشت پیروزمندانه آزادگان سرافراز ماست. عقیده بنده این است که یکایک ملت ایران باید این خاطره و خاطره‌های شبیه آن را دائماً در ذهن خودشان داشته باشند. قضیه برگشتن اسرای ایرانی - که بحق لقب «آزاده» را به آنها داده‌اند - یک حادثه الهی بود. دست قدرت پروردگار بود که این حادثه را شکل داد و ایستادگی و مقاومت آزادگان سرافراز ما در طول سالهای سخت اسارت در دست دشمن، ملت ایران را روسفید و سربلند کرد. البته اجر این محنتها و سختیها را فقط شکرگزاری خدای متعال میتواند بدهد. ما قابل نیستیم که از آزادگان و ایثارگران تشکر کنیم. اجر آنها با خداست؛ اما درعین حال همه ملت ایران در همه جای کشور، باید لحظه‌ای این فداکاریه‌ها را فراموش نکنند.

عزیزان من! یک نکته اساسی وجود دارد که همه باید آن را به خاطر داشته باشند. یک کشور اگر بخواهد آزاد و مستقل و بدون وابستگی و تبعیت از قدرتهای ظالم عالم زندگی کند، به ایستادگی احتیاج دارد. در مواقع حساس برای یک ملت، ایستادگی را چه کسانی انجام میدهند؟ بهترین و فداکارترین و پاکترین و بااخلاصترین فرزندان یک ملت. اینها کسانی هستند که در مواقع سختی، فداکاری میکنند و ایستادگی نشان میدهند و از آبروی کشور و از استقلال و هویت ملی خودشان دفاع میکنند. اینها در کشور و در نظام جمهوری اسلامی چه کسانی هستند؟ همان جوانان فداکاری هستند که در دوران جنگ تحمیلی و قبل از آن، توانستند در میدانهای جنگ در مقابل دشمن بایستند؛ یعنی شهدای گرانقدر ما، جانبازان عزیز ما، آزادگان سرافراز ما، خانوادههای اینها، کسانی که هنوز مفقودالایر هستند - بنابر این که مفقودالایرهایی در داخل خاک بیگانه داشته باشیم - همه کسانی که در این راهها استقامت کردند؛ یعنی بسیجیان، یعنی نظامیان، یعنی پاسداران، یعنی نیروهای مؤمن و حزب‌اللهی کشور. قدرت حقیقی کشور مربوط به اینهاست. توانایی کشور ناشی از اینهاست. هر کشور و ملتی که چنین جوانانی داشته باشد، هیچ قدرت جهانی نمیتواند به او زور بگوید، او را تحت سیطره درآورد؛ اوضاع او را به دست گیرد. در واقع چنین کشور و ملتی سرافراز خواهد بود.

همه ملت ایران وظیفه دارند که از عناصر فداکار و ایثارگر، قلباً و لساناً متشکر باشند. ما همه زیر بار منت این ایثارگران هستیم. البته غریزه‌ها و دلداده‌های به اربابان خارجی و کسانی که خواب دوران حکومت طاغوت را میبینند و دلشان میخواهد که با امریکا نرد دوستی ببازند و مثل کشورهای دست‌نشانده، دور از نام اسلام و پرچم اسلام، زیر بار طواغیت عالم بروند، خوشبختانه در جامعه ما مطرود و دورافتاده و منفور مردمند. اینها سعی میکنند نام پاسدار و نام ارتشی و نام بسیجی و نام جانباز و نام شهید و نام آزاده و نام ایثارگر را مورد تحقیر قرار دهند. وقتی صحبت از ایثارگران میشود، چهره‌هایشان درهم میرود. وقتی صحبت از خانواده‌های شهدا، یا صحبت از نیروهای بسیجی، یا صحبت از نیروهای مؤمن حزب‌الله - که متن عمومی ملت ایرانند - میشود، اینها چهره درهم میکشند. در حالی که کشور ایران را همین نیروها حفظ کردند. الان هم همین نیروها حفظ میکنند. الان هم در هر جبهه و در هر قسمتی، اگر خطری این کشور را تهدید کند، آن کسانی حاضرند پا در میدان بگذارند و فداکاری کنند و از خودگذشتگی

نشان دهند، که روحیه ایمانی و روحیه ایثار دارند. آدمهای خودپرستِ منفعت‌طلبی که در همه عمرشان، به جز منافع شخصیشان چیز دیگری را نمی‌بینند، اینها که از یک کشور دفاع نمی‌کنند؛ از منافع ملت دفاع نمی‌کنند. وقت جنگ که بشود، جای اینها خالی است؛ وقت خطر که پیش آید، جای اینها خالی است؛ وقتی خطری نیست، زبان اینها دراز است: «سلوکم بالسنّة حداد» (۱).

کسی که این کشور را در همه مراحل نجات می‌دهد، از دولت حمایت می‌کند، از مسؤولان حمایت می‌کند، از انقلاب حمایت می‌کند، از نام امام بزرگوار حراست می‌کند، از ارزشهای انقلاب پاسداری می‌کند، حاضر است در روز خطر بایستد؛ یعنی همین جوانان مؤمن، همین نیروهای حزب‌الله، همین بسیجیان؛ همینهایی که امثالشان در میدان جنگ هشت ساله، امتحان خودشان را دادند. قدرت ملی، قدرت اینهاست. امروز هم بحمدالله در سرتاسر کشور ما، غلبه کامل با نیروهای مؤمن و علاقه‌مند به اسلام، علاقه‌مند به انقلاب، علاقه‌مند به امام، علاقه‌مند به راه جمهوری اسلامی و دشمنی با امریکا و شیطانهای گوناگونی است که در اطراف دنیا، چشم طمع به این آب و خاک دوخته‌اند.

این دشمنانی که در بیرون از مرزها مینشینند و به خیال خودشان برای این ملت خواب خوش می‌بینند، متن عظیم مردم را نمی‌بینند و در تحلیل‌هایشان، مثل همیشه اشتباه می‌کنند. لذا مثل همیشه هم از‌شاء‌الله تودهنی خواهند خورد. به همین خاطر است که من از اوضاع داخلی کشورمان هیچ نگرانی ندارم. بعضیها گاهی به بنده مراجعه می‌کنند، نوشته و حرفی را مطرح و اظهار نگرانی می‌کنند؛ اما من نگران نیستم. من میدانم که این ملت زنده است. میدانم که این ملت، ملت مؤمنی است. میدانم که جوانان ما در دلشان، خون عشق به اسلام و امام جریان دارد و دلشان به یاد امام و اسلام میتپد. ملت ما، ملت بیدار و مؤمنی است.

امریکاییها و تحلیلگران امریکایی و صهیونیستی و غربی، تاکنون بارها به خاطر این که متن ملت را ندیدند، در این کشور دچار اشتباه و معادله غلط شدند. آنها وقتی چهار نفر آدمهای زباندار مدّعی را که در گوشه و کنار موقعیتی به دست می‌آورند و منفذ و بوقی پیدا می‌کنند و بنا می‌کنند به حرف زدن، می‌بینند، خیال می‌کنند ملت هم اینهايند! در حالی که ملت، همان ملت عظیمی است که بنای نفوذ امریکا را در ایران ویران کرد و

خاندان ننگین و فاسد پهلوی را از کشور بیرون راند. این ملت، همان ملت است. این ملت، همان ملتی است که هشت سال همه قدرتهای دنیا دست به دست هم دادند و از دشمن مهاجمش دفاع کردند تا شاید بتوانند او را به زانو درآورند؛ اما نتوانستند. این همان ملت است؛ این همان اسلام است؛ این همان انقلاب است. آن کسانی که خواب خوش دیدند که انقلاب تمام شد، بروند با دلخوشی خودشان، خوابشان را تعبیر کنند؛ اما واقعیت، واقعیت این ملت است. به همین خاطر است که بنده با بودن شما جوانان مؤمن و مردم مؤمن و خانواده‌های مؤمن در سرتاسر کشور، بحمدالله از اوضاع داخلی نگرانی ندارم.

البته آدمهای بددلی هم هستند؛ کسانی که از اول انقلاب هم دلشان با امریکاییها بود. سر سفره امام و انقلاب نشسته بودند، بعضی پستهای حساس را هم تصرف کرده بودند؛ اما دلشان با امریکا بود. امام به پشتیبانی این ملت، دست اینها را قطع کرد. دست اینها قطع شده است، اما خودشان که نمرده‌اند؛ گوشه و کنار هستند و گاهی خیال میکنند که این ملت مرده است! اشتباهشان این است. خیال میکنند که این ملت مرده است؛ صدایی بلند میکنند، سری بلند میکنند، شکلک زشتی درمی‌آورند؛ بعد هم از ترس، سر جایشان مینشینند! قدرت، متعلق به این ملت است. دولت، متعلق به این ملت است. رئیس جمهور، از این ملت است. وزرا و مسؤولان کشور، از این ملتند. مجلس، متعلق به این ملت است. قوه قضائیه، متعلق به این ملت است. این ملت، ملت مقتدر و مؤمنی است؛ آنها بیگانه‌پرستند و مثل بیگانگان میمانند. حساب کار کشور را با آن بیگانگان نمیشود کرد.

آن چیزی که من از شما جوانان توقع دارم میخوام و همه‌تان بجد آن را فراموش نکنید، این است که در صحنه باشید و امیدتان را هم از دست ندهید. بدانید که امروز دشمن، تمام این تبلیغات پُرخرجی را که علیه جمهوری اسلامی انجام میدهد - رادیو امریکا، روزنامه‌ها، مجلات، صهیونیستها و ... - برای این است که شما را از آینده خودتان ناامید کند. برای این است که به جوانان این‌گونه تفهیم کند که آینده اسلامی در این کشور ماندنی نیست و نمیشود کاری کرد. اینها این‌قدر نمیفهمند که بدتر از این وضع را نوزده سال پیش تصویر میکردند و این ملت با استقامت خود، با قدرت خود، با حرکت مستقیم خود و با رهبری امام بزرگوار، توانست همه این موانع را درنوردد.

امروز ما یک ملت عزیز، یک ملت مقتدر، یک ملت بالهت در دنیا هستیم؛ کارهایمان را انجام میدهیم، سازندگی میکنیم، نوآوری میکنیم، تکیه‌مان را به خارج از این مرزها روزه‌روز کمتر میکنیم؛ از منابع داخلی خودمان، از منابع انسانی خودمان، از نیروی علم خودمان، حداکثر استفاده را میکنیم. در گذشته، دانشگاهها و مراکز ما، در خیلی جاها از لحاظ علمی به نیروهای غیرمعتقد به اسلام متکی بود؛ اما امروز هزاران نیروی مؤمن، علاقه‌مند، عالم و دانشمند، در کشور ما پرورش یافته‌اند. ما پیشرفت کرده‌ایم؛ به حول و قوه الهی، روزه‌روز هم بیشتر پیشرفت خواهیم کرد.

امریکاییها بدانند که با این جنجالها و شیطنتها و شرارت‌هایی هم که در کشور همسایه شرقی ما - افغانستان - راه انداخته‌اند، راه به جایی نخواهند برد. من البته برای ملت افغانستان خیلی متأثرم. حیف این ملت؛ حیف این کشور افغانستان که دست یک مشت جهال بیفتد که نه مصلحت خودشان را میدانند، نه اسلام را میشناسند، نه سیاست را میشناسند، نه توطئه و فریبهای بیگانگان و طواغیت را میفهمند چیست؛ همه چیز را بازیچه خیال میکنند. خون این همه مسلمان در افغانستان ریخته میشود. حقیقتاً بنده خیلی غصه‌دار و ناراحتم از وضعی که در افغانستان هست. امیدوارم خدای متعال خودش تفضلی کند و این ملتی را که توانست در مقابل شوروی، آن ایستادگیها را بکند، از دست جهال و آدمهای خام نجات دهد.

بیگانگان در افغانستان دخالت میکنند؛ بعضی از کشورهای همسایه هم متأسفانه به دخالت میپردازند و خیال میکنند به خیرشان است. در حالی که اگر آن کاری که آنها میخواهند بکنند، انجام شود - که خیلی هم بعید است بتوانند آن کار را انجام دهند - اولین کشور و دولتی که صدمه خواهد خورد، خود آن دولتی است که حالا اینها را کمک و حمایت میکند! خود آنها بیشتر متضرر خواهند شد؛ اما حالا نمیفهمند. این تجربه ما در این گونه مسائل است. (۲)

عده زیادی از مردم از دست میروند. من شنیدم منطقه «بامیان» را که یک مشت مسلمان مظلوم و مؤمن در آن به سر میبرند، بمباران میکنند؛ چون زیر نفوذشان نیست! اینها کارهایی است که اسلام از آن متنفر است؛ امت اسلامی از این کارها بیزار است. ملت افغانستان ملت مسلمانی است؛ در مقاومت در برابر افراد ظالم و ستمگر، ملت

ریشه‌دار و باسابقه‌ای است. اینهایی هم که امروز این کارهای خلاف را میکنند، نمیتوانند کار را به جایی برسانند. مطمئناً ضربه خواهند خورد و ضرر خواهند کرد. به هر حال، این کسانی که در افغانستان این کارها را میکنند، بدانند که پشت سر کارهایشان، دست سوء استفاده‌چی بیگانگان اعم از امریکا و غیر امریکاست. بعضی از کشورهای غیر امریکایی هم - استعمارگرانی که از قدیم در این منطقه مطامعی داشتند - وجود دارند. ملت چه گناهی کرده است که یک عده افرادِ خامِ نادان، بازیچه دست بیگانگان شوند و به جانش بیفتند؟ آن کشور، یک مرکزیت قوی و استواری ندارد که در چنین جاهایی بتواند آنها را نجات دهد. البته ما دستگیری کارمندانمان را در شهر «مزارشریف» کار خیلی زشتی میدانیم. به صلاح و صرفه آنهاست که هرچه زودتر این کار زشت خودشان را جبران کنند و با احترام آنها را به کشورشان برگردانند؛ چون ملت و دولت ایران و نیروهای مسلح، شیطنت و شرارت را از امریکا هم تحمّل نمیکنند؛ چه برسد از این آدمهای کم‌ارزش و حقیر.

امیدواریم خداوند متعال امت اسلامی را بیدار کند؛ دشمنان را به آنها درست بشناساند، که این‌طور فریب دشمنان را نخورند و بتوانند مصالح خودشان را بفهمند؛ همچنان که بحمدالله ملت عزیز و عظیم ایران، این راه را رفته است و با قدرت و استقامت، باز هم خواهد رفت.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا

| ۱۳۷۷/۰۷/۰۵ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عزیزان؛ خانواده‌های مکرم شهیدان، خیلی خوش آمدید. در واقع هم خود شما و هم شهدای شما، چراغان تابان تاریخ و نظام ما هستید؛ قدم روی چشم ما گذاشتید و لطف کردید. در این جلسه صمیمی و سرشار از محبت و پر از عطر شهادت، آنچه که شایسته است مورد صحبت قرار گیرد، خود شهادت و شهید است. بنده هم در این زمینه چند جمله کوتاه عرض میکنم:

به پدیده شهادت، از چند طرف میتوان نگاه کرد. از هر طرف هم که نگاه کنیم، این پدیده، بسیار باشکوه و پر از تالو است. یک بار از طرف ارزش شهادت در پیشگاه پروردگار، به این پدیده مینگریم؛ زبان ما قاصر است که بتوانیم در این باب، ارزش والای شهادت را بیان کنیم. در روایتی است که وقتی هر خیر و هر ارزشی ملاحظه میشود، ارزش والاتری از آن هست، تا به ارزش «شهادت» میرسد؛ بالاتر از ارزش «شهادت» چیزی نیست. (۱)

اگر قرار باشد با مبانی دینی و فلسفه دین، راجع به این قضیه صحبت کنیم، خواهیم دید دقیقاً همین‌طور است؛ هیچ چیزی بالاتر از این نیست که انسانی به دست خود، با اراده و اختیار خود، جان و هستی خود را فدای یک آرمان بزرگ و والای الهی کند.

معنای شهادت، این است. لذا شهادت در پیشگاه پروردگار، تعبیر ویژه‌ای دارد. در قرآن، کشته شدن در راه خدا یک مرگ نیست: «أفان مات او قتل(۲)». کشته شدن در راه خدا را با مرگهای معمولی، یکسان به حساب نمی‌آورد. در معیار الهی و با دیدگاه دینی و قرآنی، یک مفهوم دیگر و یک معنای فاخری است. از این رو کسی که این عطیه الهی شامل حال او می‌گردد و در راه خدا شهید می‌شود، این خود سپاسگزاری خداست.

خدای متعال، بزرگترین لطف را در حق شهید کرده است. ملاحظه کنید! هیچ کس در دنیا باقی ماندنی نیست؛ همه رفتنیاند. انسانها به انواع و اقسام مرگها می‌میرند؛ جوان و پیر هم ندارد - انسانها در جوانی هم می‌میرند، در پیری هم می‌میرند، در کودکی هم می‌میرند؛ مردن برای همه است - خدای متعال، این مرگی را که سرنوشت حتمی همه است و انسان، ناچار باید از این دروازه عبور کند، در مورد شهید به گونه‌ای قرار داده که این قدر ارزش پیدا کرده است! در حالی که مرگهای معمولی، این ارزش را ندارد. لطفی از این بالاتر؟! فضلی بر شهید از این بیشتر؟! همه ما می‌میریم؛ چقدر ارزش دارد که خدای متعال این مرگ را، این رفتن را، این سرنوشت حتمی را در مسیری قرار دهد که این قدر دارای فضیلت باشد! لذا شهید در عالم ملکوت و برزخ، شکرگزار پروردگار است؛ متشکر است از این که چنین لطفی به او شده است. لحظه شهادت، جزو شیرینترین لحظات هر شهیدی است. ببینید چه قدر باارزش و والاست!

از یک بُعد دیگر که نگاه می‌کنیم، باز می‌بینیم که شهادت یک پدیده فوق‌العاده است؛ چون همه خیرات و کارهای نیکی که انسان می‌کند - هر انسانی - کار خود اوست؛ ولی شهادت محصولی از تلاش دست‌جمعی یک مجموعه انسان است که یک نفر شهید می‌شود.

این جوانی که جبهه رفت و شهید شد، فقط خودش نبود که مجاهدت کرد؛ شما هم که پدر او هستید، مجاهدت کردید که او رفت. شما هم که مادر او هستید، مجاهدت کردید که او رفت. رفتن یک جوان به سمت محل خطر - جایی که جان او در خطر است - این فقط مجاهدت او نیست؛ پدر او هم با رفتن او مجاهدت می‌کند، مادر او هم با رفتن او مجاهدت می‌کند، همسر او هم مجاهدت می‌کند، فرزندان او هم مجاهدت می‌کنند، هر کسی هم که به او علاقه دارد، مجاهدت می‌کند. و شگفتا که این مجاهدتها

تمام هم نمیشود! خود او به جبهه می‌رود، مدتی ایستادگی میکند، صبر میکند، جهاد میکند و به شهادت میرسد. مجاهدت او تمام شد؛ اما مجاهدت این مادر، ادامه دارد. مجاهدت این پدر، ادامه دارد. صبر اینها مجاهدت اینهاست. مجاهدت این فرزندان، ادامه دارد؛ مجاهدت آن همسر جوان، ادامه دارد. اینها که صبر میکنند، اینها که شکایت نمیکنند، اینها که این را پای خدا محاسبه میکنند، اینها که این خون را مایه افتخار خودشان میدانند، اینها که با این صبر و شکر خودشان گردونه مجاهدت را در بین بقیه مردم ادامه میدهند، اینها که مایه تشویق دیگران به جهاد میشوند، اینها که با بیانات حکایت‌کننده از استواری آنها مایه آبروی یک ملت میشوند، اینها که موجب میشوند ملت و کشور در عرصه افکار عالم، به صورت یک الگو درآید - که ملت ایران در آمده است - اینها مجاهدت میکنند.

اگر پدران، مادران و همسران شهدا بی‌صبری و شکایت میکردند؛ منت می‌گذاشتند و آه و ناله میکردند، مگر چهره این ملت این قدر درخشان میشد؟! این شما بودید که به این ملت آبرو دادید. این شما بودید که با حرفهایتان، با بیاناتتان، با منش و رفتارتان، با بالا گرفتن سرتان به خاطر شهادت این فرزندان، چهره این ملت را این طور نورانی کردید! این مجاهدت، هنوز هم ادامه دارد. سالهاست که این شهید، به رضوان الهی پیوسته است - مجاهدت او تمام شد - ولی مجاهدت شما ادامه دارد. کدام ارزشی و کدام کار بزرگی این طور ترکیب پیچیده‌ای از مجاهدتهای گوناگون - آن هم برای مدتهای طولانی - است؟! هر کار خوبی را یک بار انجام میدهند، تمام میشود. صدقه در راه خدا، پولی است میدهند، تمام میشود و می‌رود؛ اما شهادت، این گونه نیست. ببینید چقدر والاست! این هم این بُعد دیگر.

از بُعد سوم که نگاه میکنیم، باز می‌بینیم که این پدیده، چقدر عظیم است! هر چه انسان نزدیکتر میشود، عظمت آن بیشتر میگردد. مثل کوههای بلند؛ انسان از دور هم می‌بیند کوه است، اما وقتی نزدیک میشود، می‌بیند عظمت این پدیده، قابل احاطه فکری نیست. بُعد تأثیر این پدیده در پیشرفتهای عظیم هر ملتی است. هر ملتی که متکی به شهادت شد - یعنی شهادت را بلد بود و هنر شهادت را یاد گرفت - برای همیشه سربلند است و هیچ قدرتی بر این ملت پیروز نخواهد شد.

قدرتهای دنیا، برای تحمیل افکار خودشان بر ملتها، بر دولتها، بر کشورها و بر زبدهها، از چه وسایلی استفاده میکنند؟ از تهدید استفاده میکنند. از تطمیع استفاده میکنند. از رشوه استفاده میکنند. از فشارهای گوناگون استفاده میکنند؛ فشار تبلیغاتی، فشار نظامی و امثال آن. چه کسی این فشارها را تحمّل نمیکند؟ آن کسی که دل به چرب و شیرین زندگی سپرده و چشمش خیره رنگ‌آمیزیهای ظاهری زندگی شده است! این‌گونه آدمها از مرگ میترسند. اینها هستند که قدرتمندان میتوانند لگامشان بزنند و سوارشان شوند! اینها هستند که اگر در رأس حکومتها باشند، ملت‌های خودشان را بدبخت میکنند و اگر در آحاد ملت‌ها باشند، دولت‌هایشان را تنها میگذارند. این کسانی که به صورتهای ظاهری رنگ و روغن شده زندگی دل سپرده‌اند، از باطن زندگی، از عزّت زندگی، از سعادت انسان و از فلاح حقیقی، هیچ خبری ندارند. نقطه ضعف زندگی ملت‌ها اینها هستند. نقطه ضعف بشریت این‌جاست.

خوب؛ حالا ملتی که اهل شهادت است، مسأله شهادت در راه خدا برایش حل شده است. نه این‌که هم‌ه‌اش بخواهند مردم بروند و کشته شوند؛ نه، بلکه به این معنا که اگر یک وقت لازم شد و کشور و تاریخ آن کشور و عزّت و منافع آن ملت، احتیاج داشت که عده‌ای بروند و جانفشانی کنند، عده‌ای در این ملت حاضر باشند جانفشانی کنند. این معنای حل شدن معنای «شهادت» است؛ شهادت برایشان حل شده است. ملتی که این‌گونه باشد، ملتی که شهیدپرور باشد، ملتی که توانسته باشد برای جوانان خود، برای مردان و زنان خود، قضیه کشته شدن در راه خدا را حل کند، آیا تحت تأثیر تهدید قرار میگیرد؟! آیا رشوه میگیرد؟! آیا تسلیم قدرتمندان میشود؟! آیا به استکبار بار میدهد؟! ابداً. لذا امروز نگاه کنید؛ عزّت و عظمت کشور شما به برکت خون همین عزیزان شماست. دولت‌ش، ملت‌ش، مسؤولینش و آحاد طبقات مختلفش، هیچ کدام حاضر نیستند خدشه‌ای به عزّت اسلامی این ملت وارد شود و مثل کوه ایستاده‌اند. حالا استکبار جهانی فشار می‌آورد؛ بیاورد. او خسته خواهد شد؛ کم‌این‌که بیست سال است - از اوّل انقلاب تا به حال - فشارهای استکبار ادامه دارد؛ همسایه‌ای را تحریک کنند، جنگی را راه بیندازند، محاصره اقتصادی کنند، تبلیغات مخرب کنند و تهمت بزنند، حرف‌های گوناگون بگویند و سعی کنند بین ملت اختلاف ایجاد نمایند و باورهای ملت را بگیرند!

استکبار در همه این هجمه‌ها و یورش‌های وحشیانه، شکست خورده است و باز هم شکست خواهد خورد. به خاطر این‌که این ملت به برکت خون همین شهدای شما، ملتی است دارای شهامت؛ ملتی است شهیدپرور. ببیند تأثیر شهادت برای سیادت و سعادت یک ملت، چقدر والاست؟! اینهاست که ارزش دارد. وجود چنین مردان و زنان و چنین جوانانی است که دنیا و آخرت یک ملت را تأمین میکند؛ هم دنیایشان را آباد میکند، هم آخرتشان را. به فضل پروردگار، ملت بزرگ ایران به برکت خون شهیدان و به خاطر برکات عظیم شهادت، خواهد توانست همه مشکلات را از سر راه خود بردارد. همه این دشمنیها، همه این کینه‌ورزیها و کمین‌گرفتنهای دشمنان در مقابل عزم و اراده این ملت، طاقت نخواهد آورد و از بین خواهد رفت و رنگ خواهد باخت. چرا؟ چون ملت بیدار است. شما خانواده‌های شهدا به این نکته توجه کنید.

یک بُعد دیگر در باب شهادت هم این است که همه باید پاسدار خون شهید باشند و از آن حفاظت کنند. حفاظت از خون شهید یعنی چه؟ یعنی ببیند این جوان، این خانواده، این پدر و مادر، این هم‌متها و روحیه‌های عظیم و شکست‌ناپذیر، دنبال چه هدفی رفتند؟ آن هدف را از جان خودتان بیشتر محافظت کنید. شهدای ما برای خدا مجاهدت کردند؛ در راه خدا به شهادت رسیدند؛ برای حاکمیت دین خدا در کشور - که مایه سعادت دنیا و آخرت است - سختیها را تحمل کردند. پدران و مادران هم همین‌طور. این که خانواده شهدا در مقابل شهادت عزیزانشان بهترین و زیباترین صبر را نشان دادند به خاطر خدا بود. این راه شهادت است.

امروز در این کشور، راه خدا، راه دین و راه تحقق احکام اسلامی، راه سعادت حقیقی این ملت است. دین، دنیای مردم را هم آباد خواهد کرد، آخرت مردم را هم آباد خواهد کرد. دین، شرّ دشمنان را هم کم خواهد کرد. آن کسانی که میکوشند مردم را از دین جدا کنند، میخواهند تیشه به ریشه سعادت این ملت بزنند. البته نمیتوانند بزنند. هیچ مرکزی در دنیا وجود ندارد که بتواند با این ملت، با این ایمانها، با این احساسها و با این اخلاصها دست و پنجه نرم کند. شما عزیزان - خانواده‌های عزیز، پدران، مادران، همسران، فرزندان و بقیه کسان شهدا - این افتخار را برای خودتان حفظ کنید که حافظ خون شهید و دنبال‌رو راه شهید و نگهدارنده علم شهید باشید که همان علم راه خدا و دین خدا و حفظ ارزشهای الهی و اسلامی است. امیدواریم خداوند متعال الطاف و

تفضلات خود را هرچه بیشتر برای ملت و بر شما عزیزان، بخصوص خانواده‌های شهدا بباراند و این ملت را از شرّ اشرار محفوظ بدارد و بر همه دشمنان عنود و کینه‌ورز خود پیروز کند، که ان‌شاءالله خواهد کرد و دعای حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداه ان‌شاءالله شامل حال شما و شهیدانتان باشد.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

بیانات در دیدار خانواده شهید لاجوردی

| ۱۳۷۷/۰۷/۱۴ |



یکم شهریور ماه مصادف است با سالروز ترور مجاهد فی سبیل الله شهید سید اسدالله لاجوردی، مبارز انقلابی و دادستان پیشین انقلاب اسلامی و رئیس سابق سازمان زندان‌ها که در محل کار خود در بازار تهران و به دست عوامل سازمان تروریستی مجاهدین خلق (منافقین) در سال ۱۳۷۷ به شهادت رسید. حدود ۴۰ روز بعد از ترور ایشان، جمعی متشکل از خانواده‌های این شهید و الامقام و دو شهید دیگر حادثه‌ی ترور (شهیدان رئیس‌اسماعیلی و مسعودی) و همچنین شهدای جمعیت مؤتلفه‌ی اسلامی، سه‌شنبه شب (۱۴/۷/۱۳۷۷) با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی دیدار کردند.

پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR به مناسبت سالروز شهادت این شهیدان عزیز، بیانات رهبر انقلاب در آن دیدار را برای نخستین بار منتشر می‌کند.

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

این سرنوشت افتخارآمیزی که آقای لاجوردی پیدا کردند، (۲) سرنوشتی است که مایه‌ی حسرت و غبطه‌ی همه‌ی کسانی است که در این راه بوده‌اند. خب، بنده خیلی متأثر شدم از شهادت آقای لاجوردی -از دست دادن ایشان و فقدان ایشان، خیلی برای ما سنگین بود؛ یک عنصر مؤمن، کارآمد، صادق و ریشه‌دار در این زمینه‌ی انقلابی و

مبارزات؛ امثال ایشان واقعاً عناصر بسیار کمیاب و مغتنمی هستند و از دست دادنشان سخت است- ولیکن درعین حال به نظرم رسید که حیف بود آقای لاجوردی جور دیگری از دنیا میرفت. آن آدم، آن عنصر مستحکم، پولادین، آن نیت صادق، با آن سابقه‌ی مبارزات، واقعاً حَقّش بود و شایسته‌ی این مقام والای شهادت بود. و شما خانمشان و فرزندانشان بدانید- که البته میدانید هم؛ میدانم برای شماها این معارف، روشن و واضح است- ماها غبطه میخوریم به حال ایشان و حقیقتاً اگر هر کدام از ماها- خود بنده و میدانم همفکران ما هم یقیناً همه همین جور هستند- بدانند که میتوانند با یک عملی، با یک حرکتی، با یک هزینه‌ای- هر جور هزینه‌ای- آنها هم یک چنین سرنوشتی را به دست بیاورند، لحظه‌ای را دریغ نخواهند کرد و تأمل نخواهند کرد که آن هزینه را بکنند تا اینکه آن چنان سرنوشتی برای آنها هم رقم بخورد. شهادت خیلی مقام بالایی است و بسیار ارزشمند است؛ و خلاصه، خاصان درگاه الهی به مقام شهادت میرسند. یعنی من میخواهم این را عرض کنم، علاوه بر اینکه خود شهادت، وسیله‌ی قرب به پروردگار است، یک مایه‌ی والایی از قرب الهی لازم است تا انسان به شهادت برسد؛ بدون این مقدمه، کسی [به آن] دست نخواهد یافت.

البته زحمات ایشان را هیچ نمیشود توصیف کرد. خود من از وقتی که به یاد می‌آورم آشنایی با مرحوم شهید لاجوردی را- که خیال میکنم از نزدیک و به صورت مشخص از سالهای اواسط دهه‌ی ۴۰ بوده، حالا دقیقاً یادم نیست چه سالی بود اما از هر وقتی که یادم می‌آید- ایشان را در حال مبارزه‌ی صادقانه به یاد می‌آورم. من یادم هست که آن وقت‌ها یک جریانی اتفاق افتاده بود و مرحوم لاجوردی و اینها به یک جایی حمله کرده بودند؛ قبلش ایشان زندان بودند، بعدش هم باز برای مدّت کوتاهی دستگیر شدند؛ در جمع دوستان ما گفته میشد این مرد، مرد پولادین است؛ این مرد، آدم خسته‌نشو است؛ تصویری که از آقای لاجوردی در ذهن ما بود، همین تصویر یک انسان خسته‌نشوی صادق با استقامت [بود]. البته دوستان ما در آن زمان خیلی بودند و آدمهای صادق مؤمن ثابت‌قدم در میان آنها کم نبود؛ [اما] مرحوم لاجوردی چهره‌ی برجسته‌ای بود.

بعد از انقلاب هم همین جور بود. ایشان از اوّل انقلاب تا همین شهادتشان همیشه در راه مستقیم، در صراط مستقیم حرکت کردند و ذره‌ای انحراف پیدا نکردند از طریق

مستقیم و خطّ صحیح. کار را ایشان برای خدا میکرد، اهل تظاهر، اهل نشان دادن نبود؛ برای خدا کار را قبول میکرد، برای خدا کار را انجام میداد؛ برای همین هم بود که هیچ ملاحظه‌ای نمیکرد. بعضی‌ها در کار، ممکن است ملاحظه‌ی وجهه را بکنند، ملاحظه‌ی شأن و آبرو را بکنند، [اما] بعضی‌ها هستند که نه، این ملاحظه را نمیکند و شهید عزیز ما، شهید لاجوردی، از این قبیل بود؛ آدمی نبود که ملاحظه‌ی گفتن این و آن، و جاهت پیش این و آن را بکند، محض «خدمت» برای ایشان مطرح بود. حقیقتاً اخلاصی که ایشان داشتند، خیلی اخلاص بالایی بود.

من از همسر ایشان -خانم محترم ایشان- هم باید تشکر کنم که در همه‌ی این مراحل، همراه لاجوردی بودند. من کاملاً میدانم که اگر همسری همفکر و همراه نباشد، آن جور باقی ماندن در خطّ درست، کار آسانی نیست. سختی‌ها را با هم تحمل کردید، رنج‌ها را با هم بردید؛ حالا یک رنج اضافی هم شما و بقیه‌ی اعضای خانواده دارید میبرید؛ یعنی شهید وقتی که شهید شد، مسئله‌اش تمام شد -یعنی مبارزه‌اش در هنگام شهادت دیگر تمام میشود- لکن مبارزه‌ی وابستگان به شهید ادامه دارد و این مبارزه را باید با همان صداقت، با همان اخلاص پیش ببرند؛ امتحان بزرگ الهی است؛ این را، هم برای شما عرض میکنم، هم برای خانم شهید اسماعیلی و فرزندان ایشان و خانواده‌ی ایشان عرض میکنم، هم برای خانواده‌ی شهید مسعودی عرض میکنم. بعد از شهادت شهید که او رفت به آن نشئه‌ی دیگر، حالا نوبت شما است که ادامه بدهید، اگر چه قبلاً هم شما در داخل رنج‌های مبارزه بودید. امیدواریم که ان شاءالله خداوند به شما کمک کند.

امروز هم روز مبارزه است. یعنی واقعاً هیچ‌وقت این انقلاب، بی‌نیاز نیست از مردانی و زنانی و افراد صادقی که در راه خدا تلاش کنند. هر تلاشی را هم نمیگویند مبارزه؛ مبارزه عبارت است از آن تلاشی که در مقابلش دشمنی وجود دارد، مانعی وجود دارد، تلاشی [است] که به زحمت و تحمل برخی مشکلات متوقف است؛ به این میگویند مبارزه. معنای جهاد در زبان عربی، در اصطلاح قرآن و حدیث، درست همان چیزی است که ما در فارسی به آن مبارزه میگوییم. البته یک نوع جهاد، جهاد مسلحانه است که در میدانهای جنگ پیش می‌آید، لکن انواع دیگر جهاد هم وجود دارد که معادلش در فارسی، همین مبارزه است. امروز روز مبارزه است؛ کمالینکه همیشه‌ی این دوران بیست‌ساله، دوران مبارزه بوده؛ علت هم این است که دشمن در مقابل ما حیّ و حاضر

ایستاده، دشمن هرگز از صحنه غایب نشده؛ غایب هم نخواهد شد. پیدا است که انسان هیچ‌وقت در راه صحیح، در راه حق، در راه خدا، صحنه را خالی از دشمن مشاهده نمی‌کند. خب تاریخ بشر و فلسفه‌ی وجود بشر و اصلاً فلسفه‌ی ادیان، این را به ما املاء میکند. و دشمن در صحنه و فعال است. از سالهای اوّل انقلاب برنامه‌ریزی کردند؛ برنامه‌ریزی‌های بلندمدت؛ با گذشت قضایای گوناگون انقلاب هم بیدار بودند، هوشیار بودند، مبارزه کردند و برنامه‌ریزی کردند و زمینه‌سازی کردند برای اینکه بتوانند از آن استفاده کنند. الان هم باز دارند برای فردا برنامه‌ریزی میکنند؛ این جور هم نیست که صحنه‌ی رویارویی با دشمن، [فقط] امروز باشد.

هدف دشمن هم عبارت است از همان حقیقت درخشانی که امام بزرگوار ما و این ملت بزرگ با آن همه مجاهدات توانستند آن حقیقت را در خارج، تجسّد (۳) ببخشند و تحقّق ببخشند؛ یعنی همان اسلام ناب، اسلام بیدار و زنده، اسلام حقیقی، اسلام مسلمین صدر اسلام؛ نه اسلام چرتی و خمود (۴) و تنبل و سازش‌کار؛ هدف آنها [مبارزه با] این است؛ و تا این در داخل کشور ما هست، معارض دارد. البته روی دیگر سکه هم این است که تا این اسلام در بین ما هست، قوّت و استقامت و نشاط و حیات در بین ما روزافزون خواهد بود؛ این هم هست. یعنی درست همان چیزی که دشمن برای ما می‌آفریند، همان چیزی است که نیرو برای ما می‌آفریند. این جور نیست که ما فکر کنیم خب حالا این اسلامی که این قدر برای ما دشمن می‌تراشد، کنار بگذاریم، زندگی‌مان را بکنیم؛ نه، این اسلام وقتی که نیست، دشمن می‌آید مسلط می‌شود بر ما؛ مثل دوره‌ی پیش از انقلاب. خب آن وقت هم همین دشمن بود منتها دشمن فاتح -دشمنی که آمده خانه را، سرزمین را گرفته، راحت نشسته دارد زندگی خودش را میکند- و الا دشمن که از صحنه خارج نمی‌شود، چون دشمن طمع دارد، زمینه‌های استفاده و سوءاستفاده‌ی خودش را در نظر می‌گیرد و می‌خواهد آن را تأمین بکند؛ [اما] این نیروی اسلامی، این قوّت اسلامی آمده دست دشمن را کوتاه کرده؛ دشمن دارد تلاش می‌کند بلکه بتواند آن وضعیّت را برگرداند. آن چیزی که مانع از تسلط دشمن شده، همین روح اسلام است، همین روح اسلامیّت است، همین ایمان است. بنابراین اگر ما می‌بینیم دشمن متوجه به آن نقطه‌ی اساسی و اصلی ما است، به آن ستون اصلی خیمه‌ی انقلاب یعنی ایمان متوجه است، این به‌خاطر این است که بیشتر از همه‌ی حوادث و پدیده‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی

موجودیت این ملت، از این بخش -از ایمان مردم- صدمه میخورد؛ [یعنی] متوجه ایمان مردمند. لذا بایستی برای حفظ این ایمان، برای حفظ این اساسی که بر پایه‌ی این ایمان بر پا شده، همه تلاش کنند.

امروز هم ما بهتر از سی سال پیش میتوانیم مبارزه کنیم. سی سال پیش با غربت مبارزه میکردیم، [اما] امروز با قدرت میتوانیم مبارزه کنیم. بنابراین امکان پیروزی، احتمال پیروزی، امروز هزار برابر آن دوران است. الحمدلله داریم مبارزه هم میکنیم، پیروزی هم داریم، مشکلی هم نیست. البته بایستی متوجه حیل‌های دشمن بود؛ دشمن می‌خواهد ایمان ما را سست کند؛ دشمن می‌خواهد امید ما را از دست ما بگیرد؛ دشمن می‌خواهد ما را به آینده بدبین کند؛ دشمن می‌خواهد ما را مأیوس کند، ما را دل‌شکسته کند؛ دشمن می‌خواهد ما را دچار سوءظن به یکدیگر کند؛ دشمن می‌خواهد بین ما اختلاف و تفرقه بیندازد. این تفرقه‌ای که بعضی بین جناح‌های مختلف مدام دامن می‌زنند، به سود دشمن است، به نفع دشمن است، این به نفع ما نیست. دو برادر هم ممکن است در یک خانه خب سر یک قضیه‌ای باهم اختلاف داشته باشند، مانعی ندارد؛ دو رفیق صمیمی نزدیک هم، سر پسندیدن و نپسندیدن یک غذا یا یک دکور یا غیره ممکن است با هم اختلاف داشته باشند، اینها اشکالی ندارد، لکن هر دو اهل این خانه‌اند. اگر چنانچه کسی آمد به این خانه حمله کرد، این نمی‌گوید که من دیشب فرض بفرمایید که سر فلان قضیه با تو اختلاف داشتم؛ نه، اهل این خانه‌اند، [لذا] باید دفاع کنند؛ در یک سنگ‌رند. امروز باید نیروهای انقلاب در داخل کشور، احساس کنند که همه در یک سنگر قرار دارند، این را باید همه حس کنند. اگر چنانچه رفیق ما حس نمیکند و برخلاف این مقتضی رفتار میکنند، این موجب نباید بشود که ما هم برخلاف این مقتضی این رفتار کنیم؛ حالا او اشتباه میکند، او یک غلطی میکند، ما که نباید تکرار کنیم کار او را. حفظ ایمان، حفظ وحدت و همدلی، حفظ آن امید [لازم است]؛ امیدی که بیجا هم نیست، امید بی‌ریشه‌ای نیست، امیدی است که کاملاً جا دارد.

ما دورانیهای سختی را گذرانده‌ایم، از این دورانیهای سخت الحمدلله سربلند و پیروز بیرون آمده‌ایم؛ حالا هم همین [طور] است. حالا هم از همه‌ی این امتحانها و ابتلائی که مؤمنین برای خودشان فکر میکنند وجود دارد و حس میکنند وجود آن راه، با قوت ان‌شاءالله بیرون خواهند آمد و خواهید دید که باز هم این انقلاب، سالهای متمادی با

فتح مناطق جدیدی از فضای جهانی و فضای فکری، پیش خواهد رفت. البتّه ما دنبال فتح مناطق جغرافیایی نیستیم اما دنبال فتح مناطق فکری هستیم. فضای جهانی را بایستی فتح کرد، دلها را باید فتح کرد، در دل‌های مؤمنین به انقلاب باید عمق این افکار را بیشتر کرد. و اینها همه ان‌شاءالله پیش خواهد آمد، چون هنوز مؤمنین زیادی هستند و خواهند بود و روزبه‌روز ان‌شاءالله این نسل جدید، این نسل جوان [عمیق‌تر میشود]. یک عده‌ای مدام سعی میکنند انقلاب را از نسل جوان بترسانند، درحالی‌که خود این نسل جوان ان‌شاءالله پشتوانه‌های انقلابند، اینها لشکرهای انقلابند، اینها کسانی هستند که بایستی پایه‌های انقلاب را مستحکم کنند و این خونهای پاک -مثال خون شهید لاجوردی- عمق میبخشد؛ اینها نشان میدهد صدق این راه را، نشان میدهد اصالت این راه را.

به‌هرحال حرف تشکرآمیز از شهدای عزیز و خانواده‌هایشان خیلی زیاد است که اگر بخواهیم همه را بگوییم، بایستی خیلی چیزها بگوییم. امیدواریم خداوند ان‌شاءالله درجات ایشان را عالی کند و با اجداد طاهرینش محشورش کند؛ یقیناً هم محشور است، من شک ندارم که الان ایشان در اَطائب (۵) بارگاه‌های قدس، با بهترین بندگان شایسته‌ی خدا و فرشتگان خدا مسلماً محشور است و روحش متنعم است. و خوشا به حالش! آقای لاجوردی واقعاً مزد خودش را گرفت و امروز روح ایشان در عالم ملکوت، شاکر و سپاسگزار خداوند است که او را چنین توفیقی داد و چنین موهبت بزرگی را بخشید؛ همچنین این شهدای عزیز دیگری که با ایشان به شهادت رسیدند -هم شهید اسماعیلی که با ایشان هم من دورادور آشنایی‌هایی دارم، اگرچه از نزدیک ارتباط نداشتم]، البتّه بارها پیش من آمده بودند ظاهراً با جمع‌هایی، لکن من دقیقاً و مشخصاً چهره‌ی ایشان به یادم نیست لکن می‌شناسم ایشان را، در انجمن اسلامی و دادگستری و در خدماتی که داشتند و تلاشی که ایشان برای سالم‌سازی محیط دادگستری داشتند، اتفاقاً همین اواخر هم یک نامه‌ای جماعتشان برای من نوشته بودند که ایشان امضا کرده بودند، شاید حدود سه ماه قبل بود؛ و همچنین آن شهید عزیز دیگر، آقای مسعودی -همه‌ی اینها متنعمند به نِعَم الهی و خانواده‌هایشان بایستی خدا را شاکر باشند که این نعمت را به عزیزانشان بخشید. البتّه برای شماها سخت است، شکی نیست؛ خب فقدان این عزیزان دشوار است منتها خودتان را تسلاً بدهید به الطاف الهی درباره‌ی این

عزیزان. ان شاءالله امیدواریم که خداوند همه‌ی شما را موفق و مؤید بدارد. اینجا ما شهید زنده هم خیلی داریم؛ اغلب همین آقایانی که اینجا هستند، شهدای زنده‌اند.

تصدیق میکنم که این خانواده‌ها - که با بعضی‌شان ما از نزدیک هم آشنا بوده‌ایم و هستید- خیلی حق دارند به گردن همه‌ی ما و واقعاً چراغ شهدا را و چراغ شهادت را اینها روشن نگه داشته‌اند؛ ان شاءالله که موفق و مؤید باشید.

(۱) در این دیدار خانواده‌های شهیدان سید اسدالله لاجوردی، اصغر رئیس‌اسماعیلی، زین‌العابدین مسعودی و همچنین جمعی از خانواده‌های شهدای جمعیت مؤتلفه‌ی اسلامی حضور داشتند.

(۲) سیداسدالله لاجوردی (دادستان سابق انقلاب اسلامی و رئیس سابق سازمان زندانهای کشور و از اعضای جمعیت مؤتلفه‌ی اسلامی) در ۱/۶/۱۳۷۷ در محل کار خود در بازار تهران از سوی سازمان مجاهدین خلق ترور شد و به شهادت رسید.

(۳) به صورت جسم و جسد درآوردن، مجازاً یعنی زنده و ملموس کردن

(۴) سست، خاموش

(۵) برگزیده‌ترین و بهترینهای چیزی

بازدید رهبر انقلاب از نمایشگاه جلوه‌های ایثار

| ۱۳۷۷/۰۹/۰۴ |



به مناسبت ولادت با سعادت حضرت ابوالفضل العباس بزرگ پرچمدار کربلا و روز جانباز، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، صبح امروز از نمایشگاه "جلوه‌های ایثار" بازدید کردند.

به هنگام ورود مقام معظم رهبری به این نمایشگاه، یک جانباز نوجوان به نمایندگی از جانبازان با تقدیم یک دسته گل به معظم‌له، روز جانباز و ولادت با سعادت حضرت ابوالفضل را تبریک گفت.

بازدید رهبر معظم انقلاب اسلامی از نمایشگاه دستاوردهای جانبازان در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی، بیش از یک ساعت به طول انجامید و طی آن معظم‌له با فعالیتهای جانبازان در رشته‌های مختلف هنری، نظیر نقاشی، خط، صنایع دستی، رمان نویسی و کارهای انتشاراتی آشنا شدند و از نزدیک با جانبازان حاضر در غرفه‌های این نمایشگاه گفت‌وگو کردند. در این نمایشگاه که در حسینیه امام خمینی (ره) برپا شده بود، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین با حضور در میان شماری از همسران جانبازان از مقام شامخ و نیز روحیه ایثارگرانه و مقاوم آنان تمجید کردند.

نمایشگاه آثار هنری جانبازان کل کشور همه ساله به همین مناسبت در تهران و مراکز استانها برگزار می‌شود.

حضور فرمانده کل قوا در مراسم تشییع پیکر
شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

| ۱۳۷۸/۰۱/۲۳ |



مقام معظم رهبری و فرمانده کل روز دوشنبه در ساعات اولیه مراسم تشییع پیکر پاک
شهید سرافراز سپاه اسلام امیر سپهبد علی صیاد شیرازی حضور یافتند.

برگزاری مراسم تجلیل از شهید سپهبد علی صیاد شیرازی
در حضور فرمانده کل قوا

| ۱۳۷۸/۰۱/۲۴ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرمانده معظم کل قوا، به نشانه تجلیل از امیر سرافراز اسلام و انقلاب و میهن، شهید والا مقام صیاد شیرازی، لوح سپهبدی آن سردار فداکار و پراخلاص را به فرزند ایشان اعطا کردند.

در این مراسم، همچنین دریادار شمخانی وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با دریافت درجه سرلشکری، به مرتبه دریابانی ارتقاء یافت و سردار سرتیپ غلامعلی رشید، معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح نیز به دریافت درجه سرلشکری از دست فرمانده معظم کل قوا مفتخر شد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در این مراسم با تجلیل از اخلاص، صفا و فداکاری سپهبد شهید صیاد شیرازی تأکید کردند: این شهید سعید، تمامی سالهای بعد از انقلاب را در خدمت به اسلام سپری کرد و براستی هیچ پاداشی جز شهادت نمی‌توانست اینهمه ایثار و مجاهدت را جبران کند.

مقام معظم رهبری، حضور گسترده و پرشور مردم را در مراسم تشییع پیکر مطهر سپهبد صیاد شیرازی، تجلی قدردانی پروردگار از این شهید معظم خواندند و افزودند: آنچه آن جمعیت عظیم را در سوگ این سردار اسلام به خیابانها کشاند، اخلاص آن بزرگوار بود.

فرمانده کل قوا همچنین با قدردانی از تلاشها و فعالیتهای نیروهای مسلح تصریح کردند: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، ارتش و سپاه امام زمانند و خدمت در آنها، موجب افتخار و سربلندی است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به لزوم تداوم جدی، پیگیر، دلسوزانه و خستگی ناپذیر فعالیتهای نیروهای مسلح خاطرنشان کردند: پاداش کار و تلاش مخلصانه، رضایت پروردگار است و بی شک خداوند مهربان، این فعالیتهای دلسوزانه را در نظر خواهد داشت.

بیانات در دیدار زائران شلمچه

| ۱۳۷۸/۰۱/۰۸ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین. والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم المصطفى محمد و
على آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين. الهداة المهديين.

امروز شرکت من در مجموعه‌ی زائران خاک خونین شلمچه، برای بزرگداشت یاد و نام
شهیدان عزیز و مردان بزرگی است که با خون خود، با جهاد و همت خود، با عزم و
اراده‌ی خود، نام شلمچه و خرمشهر و خوزستان و ایران را در تاریخ، بلند کردند.

ملت ایران در دوره‌ی معاصر، هر چه عظمت و عزت در دنیا دارد، به برکت خون
رزمندگانی است که در این سرزمینهای خونین حضور یافتند و جان و سلامت و جوانی
خود را برای اسلام، برای ملت و برای میهنشان در طبق اخلاص گذاشتند و تقدیم
کردند. ایران، امروز هرچه دارد و در آینده هرچه به دست آورد، به برکت خون این
شهیدان است. اگر این شهدایی که شلمچه، یادگار آنها و این بیابانهای خونین، حامل
نشانه‌های آنهاست، نبودند، امروز در این کشور، از استقلال ملی، از شرف ملت، از اسلام
و از هیچ چیز ایرانی، نشان برجسته‌ای نبود. اینها در مقابل دشمن مهاجمی که بدون
کمترین ملاحظه‌ای به مرزهای جغرافیایی و مرزهای ملی و مرزهای اعتقادی حمله
کرده بود، ایستادند.

جوانان عزیز! مردان و زنان! در هر کجا که هستید و این سخن را میشنوید، یا بعداً خواهید شنید، بدانید یک کشور و یک ملت، بالاترین سرمایه‌اش همت و عزم و ایمان جوانان آن کشور و ملت است. ایمان همراه با اراده‌ی قوی، ایمان همراه با تصمیم، ایمان همراه با روشن‌بینی، همان چیزی است که این کشور را یک روز نجات داد. امروز هم مهمترین عاملی که این کشور و این ملت را حفظ کرده است، همین ایمان است. روحیه‌ی سلحشوری، روحیه‌ی مقاومت و ایستادگی در مقابل دشمن، روحیه‌ی نفرت از دشمنی که نه فقط با جان و مال این ملت، بلکه با فرهنگ، ایمان و اسلام این ملت دشمن است، روحیه‌ی بیاعتمادی به دشمن و آمادگی برای دفاع، روحیات عالیای است که یک کشور را عزیز و استقلال آن را حفظ میکند و استعدادهای یک کشور را به بروز و ظهور میرساند و به آقایی و عزت، نایل مینماید.

ای جوانان عزیز! این روحیات را در خودتان حفظ کنید؛ اسلامتان را قدر بدانید، یاد شهیدان را قدر بدانید، ایمان عمیق‌تان به قرآن و اسلام و پیوندتان با روحانیت را قدر بدانید، مسؤولان را که از خود شما هستند، دولت، مجلس و قوه‌ی قضاییه را قدر بدانید، روحیه‌ی پیوند میان آحاد ملت را قدر بدانید، خصوصیات اسلامی و ایمانی؛ یعنی پابندی و تعبد را که بحمدالله در ملت ایران هست، قدر بدانید و به حزب‌اللهی بودن، افتخار کنید.

آن ملتی که در راه خدا قدم بردارد، سرافراز و پیروز است. همه‌ی دنیا هم اگر در مقابل آن ملت قرار گیرند، نمیتوانند او را به زانو درآورند. این چیزها در ملت ما هست؛ اینها را قدر بدانید. البته دشمنان فکری، سیاسی و ایمانی - که همان سردمداران استکبار جهانی هستند - با این چیزها دشمنند. آنها از روحیه‌ی ایمان این مردم و عزم و اراده‌ی این جوانان ضربه خوردند؛ باید هم دشمن باشند. اما شما ملت بزرگ ایران، شما جوانان مؤمن، آنچه دارید، از این روحیات اسلامی دارید. در آینده هم آن چیزی که این کشور را به اوج آبادی و توانایی و اقتدار میرساند، همین خصوصیات اسلامی است. باید اینها را قدر بدانید و از همه بیشتر یاد شهیدان عزیزتان را زنده بدارید.

من این سرزمین را یک سرزمین مقدس میدانم. این جا نقطه‌ای است که ملائکه‌ی الهی که شاهد فداکاری مخلصانه‌ی این شهدای عزیز بودند، به آن تبرک میجویند. این جا

متعلق به هر کسی است که دلش برای اسلام و برای قرآن میتپد. این جا متعلق به همه‌ی ملت ایران است. دل‌های همه‌ی ملت ایران، متوجه این نقطه، این بیابان و همه‌ی این مناطقی است که شاهد فداکاریهای جوانان بوده است. شما که این جا را گرامی میدارید، خوب میکنید. آمدن شما و احترام به این نقطه، بسیار بجا و بسیار کار صحیحی است. بنده هم خواستم به ارواح طیبه‌ی شهیدان و به نَفَس‌های معطر جوانان مؤمن، تبرک بجویم و به این عزیزان احترام کنم؛ لذا آمدم در جمع شما شرکت کردم.

امیدوارم روز عید قربان بر همه‌ی شما و بر همه‌ی ملت ایران، مبارک باشد و همه بتوانیم از یاد این شهیدان، بهره‌ی معنوی و فیض حقیقی ببریم و ان شاءالله خانواده‌های مکرم شهدا، اجر خودشان را از خدای متعال در دنیا و آخرت بگیرند و چشمشان به علو درجات شهیدانشان روشن شود. من بیش از این مزاحم شما عزیزان، برادران و خواهران نمیشوم.

والسلام علیکم و رحمةالله

بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا

| ۱۳۷۸/۰۳/۰۳ |



بسم الله الرحمن الرحيم

برادران و خواهران عزیز و رزمندگان سربلند و پُرافتخار؛ خیلی خوش آمدید. بحمدالله مجلس ما با نام شریف شهدای بزرگمان - شهید محمّد جهان‌آرا، شهید صیّاد شیرازی، شهید محمّد بروجردی و بقیه شهدای عالیقدر - معطر و مشرف شد.

هزاران انسان فداکار و آگاه، با فهم موقعیت و شناخت نیاز زمان، در همان نقطه‌ای که باید در آن حضور داشته باشند، حضور پیدا کردند؛ نتیجه یک حماسه تاریخی و ماندگار شد. حماسه فتح خرمشهر و عملیات عظیم بیت‌المقدس، در تاریخ این کشور خواهد ماند. هم در آن روزی که این حادثه اتفاق افتاد، هم هر وقت که این‌گونه حوادث برای افکار مردم تشریح گردد و توضیح داده شود، وسیله‌ای برای تجدید حیات ملی و آسان کردن راه عزّت و عظمت برای یک ملت میشود. عزیزان من! عملیات بیت‌المقدس و عملیات عظیمی که در آن روزها اتفاق افتاد، کار پیچیده عظیمی بود که از دو عامل ترکیب شده بود:

عامل اوّل، دانش نظامی و قوّت فرماندهی و هوشیاری و استعداد جوانان مؤمن ما بود. در آن روز کسانی وانمود میکردند - و شاید امروز هم بعضی خیال کنند - که عملیاتی مثل عملیات بیت‌المقدس، فقط یک هجوم انبوه انسانی بود! اینها سخت در اشتباهند. هیچ

امواج انسانی، بدون فرماندهی قادرِ قاطعِ هوشیار، نمیتواند هیچ عملی را انجام دهد. در جنگ نظامی، سازماندهی و عملیات و فرماندهی و تاکتیک و دقت نظر و موقع شناسی و دهها عامل در کنار هم، دانش نظامی را به وجود می‌آورد و استعداد و نبوغ نظامی را نشان میدهد. این اتفاق، در عملیات فتح خرمشهر - یعنی همان عملیات بیت‌المقدس - روی داد، که همین شهید عزیزِ اخیرِ ما - شهید صیّاد شیرازی - یکی از کارگردانان اصلی این عملیات بود و خود او مثل ظهر چنین روزی، از آن جا با تلفن با بنده تماس گرفت و مژده پیروزی را داد و گفت سربازان عراقی صف طولانی کشیده‌اند تا ببینند اسیر شوند!

بینید این عملیات چقدر هوشمندانه و قوی و همه‌جانبه بود که نیروهای دشمن احساس اضطراب میکردند که برای حفظ جان خودشان بیایند خود را تسلیم اسارت کنند! که در آن روز هزاران نفر از نیروهای دشمن متجاوز - که آن همه با غرور و تکبر، فریاد سر داده بودند - آمدند دودستی خودشان را تسلیم رزمندگان اسلام کردند! بنابراین، یک عامل از دو عامل مهمّ چنین پیروزیهای مهمّی، قدرت فرماندهی، دانش، مسلط بودن بر عملیات پیچیده جنگ و توان بکارگیری نیروها بود، که آن روز هم دشمنان ما در تبلیغات خودشان اینها را مخفی میکردند و میگفتند ایران امواج انسانی را به جنگ فرستاد! مگر امواج انسانی میتواند پیروز شود؟! چند قبضه مسلسل از چند طرف کار بگذارند، همه امواج انسانی را درو خواهد کرد. نخیر، فقط امواج انسانی نبود؛ فقط انبوه جمعیت نبود؛ قوت سازماندهی بود، قوت اراده بود، نیروی نظامی بود.

عامل دوم که از عامل اول مهمتر است، نیروی ایمان و شجاعت ناشی از قوت ایمان رزمندگان و مردم و جوانان بود؛ یعنی عشق ایمانی - نه عشق حیوانی، نه عشق مادی، نه عشق به چیزهای خرد و حقیر - عشق به ارزشها؛ عشق به آرمانهای الهی و اسلامی؛ همان چیزی که کشته شدن در راه خدا را برای کسی که چنین عشقی را دارد، شیرین میکند؛ نه این که آسان میکند، شیرین میکند.

پیامبر اکرم به امیرالمؤمنین فرمود: «یا علی! آن روزی که به تو ضربتی میزنند و این ضربت، به شهادت منتهی خواهد شد، صبر تو چگونه خواهد بود؟» امیرالمؤمنین عرض کرد: «یا رسول الله! این موضع صبر نیست؛ این موضع شکر است (۱)». کسی که در راه

خدا به شهادت میرسد، بزرگترین شاکر خدا برای این حادثه، خود اوست؛ زیرا که چنین نعمت بزرگی را خدای متعال به او داده است. چه چیزی یک رزمنده، یک جوان و یک انسان را در میدانهای گوناگون، این گونه به روشن بینی میرساند؟ ایمان آگاهانه. عزیزان من! این ایمان آگاهانه در رزمندگان، موجب این میشد که خطر را به هیچ بگیرند. در فرماندهان موجب این میشد که لحظه‌ای به راحتی خود و یا به خطر برای خود فکر نکنند. شب و روز تلاش و کار کردند؛ حیثیت حقیر خودی را نادیده گرفتند؛ برای خدا و برای اهداف اسلام و برای آزادی و سربلندی ملت مسلمان، حاضر شدند جان خودشان را بدهند. هر ملتی که این طور احساسی در او باشد، شکست خوردنی نیست. چه کسی میتواند چنین ملتی را شکست دهد؟ همه زورگوییهای قلدران دنیا به این است که جان کسی را تهدید کنند؛ بالاترینش این است. اگر کسی حاضر شد جان خود را در راهی بدهد، دیگر چه تهدیدی بر او کارگر خواهد شد؟

من میخواهم عرض کنم، حتی همان عامل اول هم - یعنی آن قوت فرماندهی و دانش نظامی و تسلط بر امر نظامیگری - از این عامل دوم ناشی شد. همین نیروی ایمان بود که توانست ارتش و سپاه و بقیه عناصری را که در جنگ شرکت داشتند - مثل نیروهای مردمی، مثل جهاد سازندگی، مثل عشایر - به نقطه‌ای برساند که بتوانند یک نیروی عظیم نظامی را با یک فرماندهی قوی و قاطع به وجود آورند. این ایمان و این عشق معنوی بود که آن استعداد را در آنها به جوشش درآورد، و الا ما قبل از این هم در این کشور جنگهایی داشتیم که نیروهای ما نتوانستند آن جایگاه شایسته را برای خود کسب کنند. این قوت ایمان بود که قدرت فرماندهی را پدید آورد. پس، همه چیز به این برمیگردد که اگر جوانان و مردم یک کشور، ایمانشان به خدا، ایمانشان به هدف، احساس فداکاریشان در راه هدف، احساس این که خود را جزو حزب‌الله و جندالله بدانند، تقویت شد، این ملت شکست‌ناپذیر میشود.

من میخواهم بعد از این حرف، بلافاصله یک حرف دیگر را عرض کنم، و آن این است که اگر این ملتی که با نیروی ایمان و با شجاعت ناشی از ایمان توانسته کار بزرگی را انجام دهد، یک دشمن داشته باشد، این دشمن چه کار میکند؟ خودتان فکر کنید. راه غلبه دشمن بر چنین ملتی چیست؟ راه غلبه دشمن این است که این عامل معنوی را از این ملت بگیرد. این دشمن میدانند که تا وقتی در این مردم، همان روحیه ایمان

- آن اخلاص ایمانی، آن شجاعت ایمانی، آن دل‌بستگی به هدفها - باشد، این ملت قابل دسترسی نیست. چه کار باید بکند؟ باید تلاش کند تا ایمان را در آنها ضعیف کند؛ آرمانهای الهی را در ذهن آنها کمرنگ کند؛ میان آنها و آن آرزوهای بزرگ فاصله بیندازد. این کار هم با شمشیر و با ابزار مدرن و فوق مدرن نمیشود؛ این کار با تبلیغات میشود. از بعد از جنگ، بلکه در اثنای جنگ، این تبلیغات دشمن شروع شده است و تا امروز ادامه دارد.

من عرض میکنم، هر کس که به سرنوشت این ملت و این کشور علاقه‌مند است، باید در راه تقویت ایمان این ملت، در راه تقویت ایمان جوانان، در راه تقویت تدبیر جوانان و در راه تقویت پیوند جوانان با آرمانهای اسلامی مجاهدت کند. هر کس که ضد این عمل کند، به سرنوشت این ملت علاقه‌مند نیست؛ یا جزو نیروی دشمن است، یا فریب خورده است. این جاست که وظیفه آگاهان و روشنفکران و گویندگان و نویسندگان و مسؤولان و هر عنصر از عناصری که میتواند بر روی ذهن مردم اثر بگذارد، روشن میشود. دشمن از ایمان و از غیرت دینی مردم سیلی خورده است؛ او حق دارد که با غیرت دینی دشمن باشد؛ اما دوست نباید به او کمک کند. آن کسانی که به عزت ایران اسلامی علاقه‌مندند، باید تلاش کنند که روزبه‌روز بر غیرت دینی مردم و جوانان و پابندی آنان بیفزایند. بحمدالله جوانان مملکت، جوانان مؤمن و سالمی هستند. خوشبختانه نسل جوان ما، یک نسل سالم است. نگاه نکنید به موارد استثنایی در گوشه و کنار که تحت تأثیر تبلیغات دشمن، رفتارها و گفتارها و ذهنیتهای غلطی را از خودشان نشان میدهند؛ اینها نمایشگر نسل جوان ما نیستند. نسل جوان ما همان نسلی است که امروز هم اگر پای امتحان پیش آید، اگر صحنه خونین شهر پیش آید، اگر میدان مجاهدت فی سبیل‌الله پیش آید، نشان خواهد داد که از بن دندان به اسلام پایبند است.

آن روز جوانان ما با جوشش استعدادهای خودشان توانستند آن کارهای بزرگ را بکنند؛ امروز هم ما کارهای بزرگی در مقابل خودمان داریم. ولو از نوع جنگ و از نوع حضور در جبهه‌ها نیست؛ اما کارهای بزرگ، همیشه بزرگ است و همیشه به ایمان، به صفا، به غیرت دینی، به ایستادگی در راه خدا و به آشتیناپذیری با دشمن احتیاج دارد. این را جوانان ما دارند و ان‌شاءالله باز هم خواهند داشت. امیدواریم به برکت و حرمت خونهای معطر و مطهر جوانان ما که در عملیات بیت‌المقدس و عملیات قبل از آن و بعد از آن،

بیانات | ۱۳۱

و در طول دوران انقلاب تا امروز، در راه خدا ریخته شده است، ان شاءالله جوانان و مردم ما همیشه در راه خدا ثابت قدم و استوار باشند و دشمن را ناکام کنند و دشمن نتواند جای پای در ملت ما پیدا کند و ان شاءالله پیدا نخواهد کرد.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای بیرجند

۱۳۷۸/۰۶/۰۶



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین. والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الأطهرين. سيما بقيّة الله في الارضين

برای من مایه‌ی افتخار و مسرت است که در اقامت کوتاه بیرجند، این توفیق را پیدا کردم که با شما خانواده‌های معظم شهیدان عزیز دیدار کنم. اگر ما دم از شهید و شهادت می‌زنیم؛ اگر خانواده‌های شهدا را تجلیل می‌کنیم؛ اگر شهیدان سرافراز را گل سرسبد جامعه‌ی خود می‌دانیم، تعارف و مجامله نمی‌کنیم. یک منطق قوی پشت سر این سخنان قرار دارد. آنهایی که نمی‌خواهند هیچ منطقی را جز هوای نفس خودشان بپذیرند، بگذار گوش نکنند؛ اما دل‌های آگاه می‌فهمند، دل‌های با انصاف تصدیق می‌کنند و ذره‌ذره‌ی وجود انسان‌های با اخلاص و مؤمن در جامعه‌ی ما - که کم هم نیستند - با همه‌ی وجود، ایمان دارند که یک منطق قوی پشت سر این حرف است.

در یک نظام بین‌المللی فاسد، یک ملت چطور می‌تواند از حق حیات خود دفاع کند؟! وقتی قلدران و قدرتمندان عالم با اتکا به سلاح برتر می‌خواهند ملت‌ها و کشورها را زیر سلطه‌ی خود درآورند، حرف حق آنها، شعار انسانی آنها، فرهنگ آنها، تاریخ و سابقه‌ی آنها را ندیده می‌گیرند و امیال خودشان را بر آنها تحمیل می‌کنند، که شما نمونه‌ی این

را متأسفانه در کشورهای بسیاری - و شاید بشود گفت در بیشتر کشورهای اسلامی - مشاهده می‌کنید. در یک چنین نظام بین‌المللی فاسدِ زورگو، یک ملت چطور می‌تواند حرف حقّ خود را به کرسی بنشانند؟ چطور؟ با التماس می‌شود؟ آیا یک ملت با نشان دادن ضعف می‌تواند برای خود جایگاهی در نظام بین‌المللی عالم به‌دست آورد؟ آن ملت‌هایی که رهبران فاسد بر آنها حکومت کردند و اراده و اختیار آن ملت‌ها را دست امریکا و سایر قلدران دادند، آیا با التماس توانستند برای خودشان حقّ حیاتی به‌دست آورند؟ ملت‌هایی که ضعف نشان دادند؛ ملت‌هایی که حاکمیت افراد فاسد و وابسته را تحمل کردند، آیا توانستند حقّ خودشان و استقلال و آزادی خودشان را حفظ کنند؟ تجربه‌ی تاریخ و دستورات اسلام، این درس را به همه‌ی ملت‌های مسلمان داده است که اگر یک ملت بخواهد شأن یک ملت زنده و محترم را به‌دست آورد، باید از خود شجاعت و رشادت - رشادت آگاهانه و شجاعت همراه با فرزاندگی - نشان دهد. بدون این نمی‌شود.

خانواده‌های عزیز شهیدان! ای کسانی که بهترین جوانان این کشور در آغوش شما بزرگ شدند و بزرگترین فداکارها را از خود نشان دادند! بدانید اگر این فداکارها نبود، اگر این دلیری در راه خدا نبود، اگر این مردانگی‌های فرزندان شما نبود، امروز ایران با همه‌ی سابقه‌ی تاریخی‌اش، با همه‌ی فرهنگ با ارزش و همه‌ی منابع زیر زمینیش، مثل مهره‌ای در دست سردمداران استکبار جهانی بود؛ همچنان که خیلی از کشورهای دیگر این‌گونه‌اند. اموالشان را می‌برند، دینشان را غارت می‌کنند، به فرهنگشان بی‌احترامی می‌کنند و شخصیت و هویت ملی آنها را ندیده می‌گیرند. چرا؟ چون آن ملت‌ها در مقابل این متجاوزین، از خود قدرت نشان نمی‌دهند. قدرت ملی چیست؟ قدرت ملی این است که انسان‌هایی در این کشور و در میان این ملت باشند که اراده‌ی ایستادگی و حرکت به سمت هدف‌های عالی را داشته باشند و از خطر نترسند.

از قبل از پیروزی این انقلاب، تا دوران جنگ و در طول هشت سال جنگ، بهترین جوانان و بهترین پدران و مادران این کشور در طول تاریخ، بروز و ظهور کردند؛ خود را نشان دادند. این هم به برکت اسلام بود که این استعدادها توانست این‌طور نمایان شود، و الا همیشه انسان بزرگ و خوب هست، ولی قدرت بروز ندارد. اگر این جوانان شما نبودند، امروز این کشور مهره‌ای در دست امریکا بود. جوانان شما - شهدای گرانقدر ما - نشان دادند که این ملت، زنده است، قدرت دفاع از خود را دارد و در مقابل زورگوییها

و تحقیرها تسلیم نمی‌شود. وقتی این پایگاه والا برای یک ملت، به برکت شجاعت مردان شجاع و رشید ثابت شد، آن وقت این ملت می‌تواند سازندگی کند، در وادی علم پیش برود، استعدادهای خودش را بروز دهد و به جاهای بالا برسد، والا ملتی که نتواند ثابت کند که می‌تواند از خودش دفاع کند، ملتی که هرکسی از هر طرف دلش خواست، بتواند دست دراز کند و منابع مادی و معنوی او را غارت نماید، این ملت، قدرت بر سازندگی مادی و معنوی نخواهد داشت.

جوانان شما این کار بزرگ را انجام دادند و من به شما عرض کنم که ای پدران، ای مادران و همسران که عزیزانتان به جبهه‌های جنگ رفتند، به میدانهای خطر شتافتند و شما با صبر و با احساس سربلندی خود، آنها را تشویق کردید. اگر شهیدان ما در صف اول قرار دارند، بلافاصله شما در شرف و افتخار و ثواب الهی، پشت سر آنها هستید. تاریخ، این را فراموش نخواهد کرد. مادری که جوان خود را آماده‌ی حرکت در راه خدا می‌بیند، جلو او را که نمی‌گیرد هیچ، او را تشویق هم می‌کند، رتبه‌ی این مادر، رتبه‌ی همان شهید و مقام این پدر، مقام همان ایثارگر است. شما فرزندان و بازماندگان و برادران و خواهران شهدا بدانید، تا وقتی نام شهید در این کشور، محترم است؛ تا وقتی آحاد ملت برای شهدای ما در این کشور، در دل خود تکریم قائلند، این ملت در مقابل هیچ قدرتی شکست نخواهد خورد. بعضی می‌خواهند این‌طور وانمود کنند که ارزش خانواده‌های شهدا مربوط به دوره‌ی جنگ بود! بعضی می‌خواهند این‌طور بباوراند که شهید هم آدمی مثل آدمهای دیگر بود! بعضی می‌خواهند پرچم برافراشته‌ی فداکاری و ایثارگری را در کشور ما نادیده بگیرند! اینها دشمنان ملتند؛ چه بدانند و چه ندانند. اینها بلندگوهای دشمنند؛ چه بفهمند و چه نفهمند. پرچم فداکاری و ایثار، باید بلند باشد. جانبازان ما هم جزو برجستگانند؛ آزادگان ما هم جزو فداکارانند؛ جوانانی که به میدانهای جنگ رفتند، فداکاری کردند و بحمدالله سالم برگشتند، اینها هم جزو ذخایر این ملتند. این ذخایر، ارزشمند است.

روح فداکاری در این ملت، همان حصن و حصار الهی است که دشمن نتوانسته است از آن عبور کند. بعضی می‌خواهند این روح فداکاری را با تبلیغات، با عمده کردن بعضی ارزشهای درجه‌ی دو و با انکار کردن ارزش فداکاری در راه خدا، در میان ملت ما از بین ببرند. این دشمنی است؛ این بلاهت و گندذهنی است. ملتی که روحیه‌ی فداکاری

را ندارد، باید در خود ایجاد کند؛ حال ملت ما که این روحیه را دارد، آن را از دست بدهد؟! آیا این هوشمندی است؟ آیا این مردم دوستی است که انسان، ملتی را که مرد میدان خطر است، از خطرپذیری برحذر دارد؟! این دلسوزی است؟ ملت زنده، آن ملتی است که چه در دوران جنگ، چه در دوران صلح، چه در دورانی که دشمنش پشت مرزها ایستاده، چه آن وقتی که دشمن با مرزها فرسنگها فاصله دارد، چه در هنگامی که وظیفه‌ی او سلاح به‌دست گرفتن است و چه در هنگامی که وظیفه‌ی او فکر کردن است - در همه‌ی موارد - رشادت و دلیری خود را حفظ و روح فداکاری را در خود زنده نگه دارد. چنین ملتی زنده است و بحمدالله شما زنده‌اید. همه‌ی ملت ایران، این روح ایمانی را دارند و خدا را هزاران بار سپاسگزارم که مشاهده می‌کنم و می‌بینم - و البته قبل از دیدن هم می‌دانستم - که شما مردم عزیز این منطقه و مردم مؤمن و پایبند بیرجند، در این میدان هم مثل میدانهای دیگر، امتحان خوبی دادید. مثل دوران مبارزات، نشان دادید که مردمی با ایمان، ثابت قدم، هوشیار و آگاه به مصالح هستید. این برای من یک مزده‌ی بزرگ است.

البته من نیکیهای مردم بیرجند را فراموش نمی‌کنم. آنچه را که از این مردم دیدم، همیشه در ذهن من زنده است. قدر خودتان را بدانید، قدر راه خدا را بدانید و بدانید آن چیزی که دنیا و آخرت، سیادت و جایگاه با ارزش جهانی این ملت را تأمین می‌کند، پیروی از اسلام، عمل به اسلام و آگاهی از اسلام ناب و اتحاد کلمه با محوریت اسلام است. امیدوارم خدای متعال، شهیدان عزیز شما را با پیغمبر محشور کند و امیدوارم خداوند، ما را هم با شهیدان شما محشور گرداند و قلب مقدّس ولی عصر ارواحفداه از همه‌ی شما راضی و خشنود باشد.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای بیرجند

| ۱۳۷۸/۰۶/۰۷ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر امروز در آخرین روز از حضور خود در شهر محروم و مرزی بیرجند بر مزار شهیدان این شهر حضور یافتند و با قرائت فاتحه یاد حماسه‌آفرینی‌های آنان را گرامی داشتند.

مقام معظم رهبری همچنین بر سر مزار شهید حاج محمدناصر ناصری دیپلمات جمهوری اسلامی ایران که سال گذشته در شهر مزارشریف افغانستان به دست طالبان به شهادت رسید حاضر شدند و ضمن گفت‌وگو با خانواده معظم وی، از خدمات شایان توجه او به نظام اسلامی تجلیل کردند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خطاب به پدر شهید ناصری فرمودند: خداوند به شما صبر و اجر عطا کند و درجات شهید عزیزتان را متعالی نماید و با پیامبر اسلام محشور گرداند. او در راه خدا و در حال غربت و آن هم پس از انجام خدماتی بزرگ به شهادت رسید، هر چند این مصیبت سخت و سنگین است لکن مقام و مرتبه‌اش نزد خداوند متعال بسیار زیاد است.

بیانات در دیدار خانواده‌های شهیدان قائن

| ۱۳۷۸/۰۶/۰۸ |



بسم الله الرحمن الرحيم

اولین لحظه‌ی دیدار من از این شهر عزیز، خوشبختانه دیدار با شما یادگاران شهدای عزیزمان و خانواده‌های معظم شهیدان است. خدا را شکر می‌کنم که می‌بینم این شهر مؤمن‌پرور، این شهری که همیشه به تدبیر و پایبندی به دین و متعبد به احکام اسلام، معروف بوده است، امروز هم همین مردم، متعبد به نمونه‌های عالی عمل به احکام اسلامی و پایبند به اسلام ناب و از اعماق دل، معتقد به انقلابند. مظهر این هم عبارت از احترام به شهیدان و به شهادت و شادابی خانواده‌های شهداست که من این را از دور می‌دانستم و بحمدالله از نزدیک هم مشاهده می‌کنم.

البته این آقای «کاوه (۱)»، رفیق قدیمی ماست و شهید کاوه که یکی از برجستگان این شهر و منطقه‌ی شماسه و یک ستاره‌ی درخشان است که او را هم از دوران کودکی می‌شناختم.

آنچه که برای یک ملت، حائز اهمیت است و زنده بودن و لایق بودن آن ملت را نشان می‌دهد، این است که برای رسیدن به هدفهای بزرگ، آماده‌ی تلاش باشد و اگر لازم شد، آماده‌ی فداکاری باشد. این دلیل خوبی است برای این که یک ملت نشان دهد که لایق عظمت و تعالی است. ملت ما این را نشان داده است. شما خانواده‌های عزیز

شهیدان، حقی بر گردن این ملت دارید که این ملت هرگز نباید آن را فراموش کند؛ زیرا در یکی از خطرناکترین لحظات حیات این ملت، جوانان شما بودند که به کمک ملت عظیم الشان ایران و به کمک اسلام شتافتند؛ به کمک استقلال این کشور رفته و جانشان را کف دست گرفتند و شهید شدند. همیشه مهم آن است که کسی در لحظه‌ی نیاز، در آن جایی که به او احتیاج است، حاضر باشد. بعضیها کاری را که باید انجام دهند، به وقت انجام نمی‌دهند؛ هر وقت دیگر که انجام دهند، آن نتیجه را نخواهد داد. فرق بین شهدای کربلا و توابین همین است. شهدای کربلا هم شهید شدند، توابین هم شهید شدند. فاصله‌ی زمانی بین آنها هم خیلی زیاد نبود؛ اما شهدای کربلا در عرش انسانیت قرار دارند، شهدای توابین نه؛ مقامشان با آنها خیلی فرق دارد. چرا؟ چون شهدای کربلا به ندای حسین بن علی علیه‌السلام در وقت خود پاسخ دادند؛ ولی توابین به ندای آن حضرت، بعد از گذشتن وقت پاسخ دادند. فرقش این است.

شهدای ملت ایران، فرزندان و جوانان شما به ندای انقلاب، به ندای امام و ندای قرآن، در همان وقتی جواب دادند که به آن احتیاج بود؛ درست در وقت خود. برای همین بود که ایران ماند و ملت ایران توانست عزت خود را حفظ کند. برای همین بود که پرچم اسلام برافراشته باقی ماند؛ چون شهیدان ما «نیاز لحظه» را برآورده کردند. همان وقتی که لازم بود، سر مأموریت خدایی خودشان حاضر شدند. این ارزش خیلی بزرگی است. امروز دنیا به اسلام و شعارهای شما و به راه شما احتیاج دارد. ممکن است اعتراف نکنند؛ نمی‌گویند احتیاج داریم. البته مصلحان و با انصافها و جوانانشان می‌گویند، ولی سیاستمدارانشان نمی‌گویند. امروز دنیای اسلام، به راه ملت ایران احتیاج دارد؛ به همین جهت است که روشنفکران و با انصافهای دنیای اسلام هم به ملت ایران احترام می‌گذارند. اما این ملت توانست این راه را به کمک بچه‌های شما طی کند. قدر عزیزانتان را بدانید. بچه‌های شهدا! قدر پدرانتان را بدانید. خانواده‌های شهدا! قدر این ستاره‌های درخشان را بدانید.

امروز هم باب شهادت بسته نیست. ما امروز در میدان کار و سازندگی هستیم. جنگی نداریم؛ اما آن دشمنی که نمی‌خواهد ملت ایران کشور خود را بسازد، گاهی حوادثی را

بر ما تحمیل می‌کند. همین ناامنیها، همین قاچاقها، همین تهدیدها و همین شرارتها، موانعی است که دشمن بر ملت ایران تحمیل می‌کند. من قبل از این مراسم، فرزند شهیدی را در این جا زیارت کردم که پدر او چند ماه قبل در مقابله با اشرار شهید شده است. این هم شهادت ارزشمندی در راه خداست. این هم همان «حضور در لحظه» است. هر کس امروز با دشمنان ملت ایران مواجه شود، در سرِ محبوبیت خود هست. خداوند شما جوانان عزیز و جوانان کشور ما - مردان و زنان - را حفظ کند؛ شما ذخیره‌های آینده‌ی ملت هستید. خدا روح مطهر شهدا را روزبه‌روز از درجات قرب خود بیشتر بهره‌مند فرماید و عزت شهدا و خانواده‌های شهدا را در دنیا میان مردم و در آخرت در عرصه‌ی محشر انسانها، هرچه بیشتر بالا ببرد.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای تربت جام

| ۱۳۷۸/۰۶/۰۹ |



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا و نبيّنا ابي القاسم المصطفى محمّد و على آله الأطهرين الأطيبين المنتجبين. سيّما بقية الله في الارضين.

از این که در جمع شما خانواده‌های مکرم شهیدان عزیزمان در شهر تربت جام و مناطق اطراف آن حضور پیدا کرده‌ام، خدا را سپاسگزارم. عطر شهادت از این جلسه‌ی شما به مشام می‌رسد. همه‌ی این شور و احساسی که شما خانواده‌های مکرم شهیدان عزیز از خود بروز می‌دهید، از برکات خون مطهر همان شهیدان است. امروز ما هر چه داریم، به برکت شهیدان داریم. اگر امروز بحمدالله این ملت در سطح بین‌المللی، عزّت و عظمت دارد؛ اگر پرچم اسلام در این کشور برافراشته است؛ اگر ملت ما حول محور قرآن کریم و احکام مقدس اسلام متحد است؛ اگر آفاق آینده‌ی این کشور روشن است؛ اگر دولتمردان این کشور، این فرصت و این توفیق را دارند که به مردم خدمت کنند و اگر ملت و جوانان در سایه‌ی امنیت و عزّتی که اسلام به ملت ایران داده است، می‌توانند با گامهای استوار خود راه آینده را بپیمایند، همه و همه به برکت خون شهیدان عزیز شماس.

در همه‌ی ملت‌ها، عزیز و عزیزتر، آن کسی است که فداکاری می‌کند. در میان همه‌ی

اقوام و ملل عالم، آن جوانی که جان خود را در عنفوان جوانی بر کف دست می‌گیرد و فداکاری می‌کند، عزیزترین است. در میان همه‌ی کشورها و همه‌ی ملت‌ها آن خانواده‌ای که جوان و نهال برومند خود را تقدیم آرمان‌های والای ملت کرده است، سربلند و مفتخر است. این مخصوص کشور ما نیست؛ اما یک چیز مخصوص کشور ماست و آن این است که شهادت و فداکاری برای این آرمان‌ها، به‌عنوان برجسته‌ترین فضیلت‌های دینی به حساب می‌آید که در حدیثی وارد شده است: «فوق کل برِّ برِّ حتی یقتل الرجل فی سبیل الله» (۱)؛ هر خوبی و هر عمل نیکی که شما فرض کنید، بالاتر از آن هم هست، تا به کشته شدن در راه خدا می‌رسد که بالاتر از آن، هیچ عملی وجود ندارد. خلیلیها در طول سال‌های متمادی در این کشور تلاش کردند تا روح فداکاری و مردانگی و از خود گذشتگی را از این ملت بگیرند.

آن کسانی که قبل از انقلاب در جریان قضایای این کشور و سیاست‌های دشمنان این کشور قرار داشتند، می‌دانند من چه می‌گویم. می‌خواستند آحاد مردم، بخصوص جوانان را سرگرم به آرزوهای حقیر زندگی کنند، جوانان را به شهوات سوق دهند، انسانها را خودپرست و فردپرست کنند، آرمان جمعی و هدف عمومی را از این ملت بگیرند، یا هدف‌های کاذب درست کنند. می‌خواستند ملت ایران را که در طول تاریخ به‌عنوان یک ملت دلاور و یک ملت شجاع شناخته شده بود، تسلیم زورگوییهای خودشان کنند. موفق هم شده بودند؛ اما اسلام، ملت ایران را نجات داد. اسلام، این ملت - مردان و زنان - را بیدار کرد و آنها را از تلخی ذلت در مقابل دشمنان، آگاه نمود.

عزیزان من! جوانانی که پدران‌تان را ندیدید، یا در دوران کودکی خود چند صباحی آنها را دیدید و رنج نداشتن پدر را در طول جوانی خود حس می‌کنید؛ ای فرزندان شهدا! پدران شما به این ملت، به این کشور و این مرزها عظمت و استقلال و آزادی دادند؛ خون پدران شما هدر نرفت. ای پدران و مادران شهدای عزیز ما! خون جوانان برومند شما که آنها را با خون دل بزرگ کردید و شهید شدند، هدر نرفت؛ خدا نخواست. اراده‌ی بیگانگان بر این کشور حکومت می‌کرد. بیگانه‌پرستان بر این سرزمین وسیع و پهناور حکومت می‌کردند. منافع ملی و رشد شخصیت ملت، مورد اعتنای آنها نبود. آنها می‌خواستند با اربابان خودشان - با قدرتمندان بین‌المللی - در یک قرارداد ننگین توافق کنند که این‌جا سلطنت کنند، آنها هم هرچه می‌خواهند از این ملت غارت کنند

و ببرند و اراده‌ی خودشان را بر این ملت تحمیل نمایند، ملت هم در زیر سایه‌ی شوم چنین قراردادهای ننگینی، هر طور که می‌خواهد بندگی کند؛ در فقر، در تنگدستی، در ذلت، در بی‌دینی و غرق در شهوات! فقر و اسارت و فساد باهم! اگر جوانان، غیور مردان و غیور زنان این ملت نبودند، این انقلاب نمی‌توانست این ملت را نجات دهد. اگر جوانان شما نبودند، امام عزیز و بزرگوار ما با همه‌ی عظمتش نمی‌توانست کاری انجام دهد. هنر بزرگ امام این بود که قدر این ملت را دانست، قدرت این ملت را کشف کرد، شخصیت زنان و مردان مؤمن و نفوذ ایمان در اعماق دل این ملت را تشخیص داد، بروی آن تکیه کرد و این ملت به پا خاست.

چرا با ملت ایران دشمنند؟ چون ملت ایران نمی‌خواهد تسلیم زورگوییهای دشمنان شود. علت، فقط همین است. چرا سگهای دست‌آموز و زنجیری خودشان را به جان ملت ایران می‌اندازند؟ چون ملت ایران به برکت اسلام می‌خواهد خودش حاکم کشور و سرزمین خود باشد، این سرزمین غنی را احیا کند و نظام سعادت‌مند و دارای عزت و ملت سرفرازی شکل دهد. دشمن، این را نمی‌خواهد. من نمی‌خواهم از کشورهای دیگر اسلامی اسم بیاورم؛ اسم بعضی از کشورها اسلامی است، اما چه اسلامی! اسلامی که مردم نمازشان را می‌خوانند، اما سرنوشت، نفس، ثروت، اداره‌ی امور و فرهنگشان در مشت امریکاییهاست، اسلام است؟! چه اسلامی است که سران آن کشورها با ظاهر اسلامی، رفتار فرعون‌ی دارند؟! کشوری که رؤسای آن با مردمشان قهرند، مردمشان با آنها قهرند، نه آنها از زندگی اینها خبر دارند، نه اینها از زندگی آنها خبر دارند؛ اراده‌ی مردم در قانونگذاری، در انتخاب مجریان و در موضعگیری سیاسی، در هیچ‌کدام دخالت ندارد، آیا کشور اسلامی است؟! اگر دشمن اشاره کند که باید روابطتان را با اسرائیل، حسنه کنید، حسنه می‌کنند! حالا اسرائیل یک ملت مسلمان - یعنی ملت فلسطین - را قلع و قمع کرده است، کرده باشد! اگر اسرائیل اشاره کند که باید روابطتان را با فلان ملت مسلمان تیره کنید، گوش می‌کنند! حالا اسلام گفته است که برادران مسلمان باید با هم مهربان باشند و جنگ نداشته باشند، گفته باشد! این کشور شد اسلامی؟! کشوری به ظاهر اسلامی، در باطن امریکایی و طاغوتی! به ظاهر اسلامی، در باطن شیطانی! رؤسای کشور، مست در شهوات و غرق در فساد و ذخایر کشور زیر دست و پای بیگانگان!

بله؛ استکبار جهانی می‌خواست و می‌خواهد که کشور ایران هم آن‌طور باشد. این‌جا هم کسانی حکومت کنند که اگر امریکا اشاره کرد با فلان کشور، بد باشید، بد شوند؛ اگر گفت خوب باشید، خوب شوند؛ اگر گفت با فلان کشور مسلمان وارد جنگ شوید، وارد جنگ بشوند؛ اگر گفت درهای مخازن زیرزمینی خودتان را به روی غارتگران بین‌المللی باز کنید، باز کنند! آنها در ایران، چنین دولتی، چنین مسؤولانی و چنین ملتی می‌خواهند! اما اسلام اجازه نداده است. اسلام، ملت مسلمان را عزیز و سربلند، غنی و بهره‌مند، دارای روح برادری و عدالت و دولتمردان را بندگان خدا، متواضع و دارای روابط صمیمانه با ملتشان می‌خواهد. این را انقلاب به ما داده است. امروز ملت ایران با مسؤولان خودش دارای روابط و پیوندهای مستحکم عاطفی است. امروز شما در هیچ جای دنیا کشوری را پیدا نمی‌کنید که اگر مسؤولان آن کشور وارد شهری شوند، مردم با آنها آن رفتاری را نکنند که امروز شما مردم تربت‌جام با این خدمتگزاران کردید. این محبت‌ها، این صمیمیت‌ها، این عشق و احترام متقابل مسؤولان و مردم، همان‌طوری که در تربت‌جام است، در هر نقطه‌ای از این کشور بزرگ و پهناور هم که شما بروید، همین قضایاست، همین مردمند، همین شور و محبت و همین عواطف جوشان است، همین ارتباط قلبی فی‌مابین و همین احساسات پاک و صمیمانه است. امروز شما در دنیا هیچ‌جا را پیدا نمی‌کنید که چنین پیوند مستحکمی بین مسؤولان و مردم باشد.

عزیزان من! این پیوند را چه عاملی به‌وجود آورده است؟ اسلام، ایمان اسلامی. شخص، مطرح نیست؛ مردم با پیوند ایمانی با مسؤولان مرتب‌تند، به آنان اعتماد دارند و محبت می‌ورزند. این پرچم اسلام و ایمان را که موجب شده است مسؤولان، خدمتگزار مردم و مردم هم دوستدار مسؤولان باشند - که این به برکت اسلام است - چه کسی در این مملکت برافراشت و نگه‌داشت؟ فرزندان و جوانان شما، شهیدان عزیز، پدران جوانانی از قبیل همین دختر خانم جوان که این قطعه‌ی زیبا را خواند و این نوجوانانی که فرزندان شهدا هستند. صف اول، شهدا هستند. در قیامت هم گروه اولی که ان‌شاءالله مورد لطف و رحمت و رضوان الهی قرار می‌گیرند، شهیدانند. و صف دوم، پدران و مادران و خانواده‌ها هستند. شما پدران و مادران به گردن این انقلاب و این کشور، خیلی حق دارید. صبر شما، تحمل و بردباری شما، تسلیم شما در مقابل حادثه‌ی تلخی که چون در راه خداست، شیرین به کام شما می‌آید، پیش خدا خیلی اهمیت دارد.

یک مادر، فقدان عزیز خودش را چطور تحمّل می‌کند؟! دوری گلی را که در طول سالهای متمادی در آغوش خود پرورده و نهالی را که با زلال محبت خود آبیاری کرده است، چطور تحمّل می‌کند؟! ولی ما، مادران عزیزی را سراغ داشتیم و سراغ داریم که در غم شهادت فرزند شهید خود، حتی خم به ابرو نیاوردند! بنده گاهی که به دیدار خانواده‌های شهدا مشرف می‌شوم و از روی ارادت به آنها سری می‌زنم، بعضی از مادران می‌گویند ما گریه نمی‌کنیم تا دشمن، احساس ضعف در ما نکند. بنده به آن مادران عرض کرده‌ام نه؛ گریه کنید، گریه اشکالی ندارد. ما باید به آنها بگوییم گریه کنید! چقدر عظمت در این دلها و در این روحها نهفته است؟! پدران همین‌طور، مادران هم همین‌طور. فرزندان هم که امروز به دوران جوانی رسیده‌اند، به خاطر شهادت پدرانشان افتخار می‌کنند؛ اینها خیلی عزیزند. همسران شهدا هم همین‌طور. جانبازان هم مثل شهدا هستند. جانباز قطع نخاعی، این جوانی که جوانی خودش را در راه خدا از دست داده، کم چیزی را از دست نداده است؛ اما با افتخار، با شرف و با عزّت، تحمّل می‌کند. خانواده‌ها، مخصوصاً همسران جانبازان هم همین‌طور. آزادگان هم بعضی دو سال، بعضی پنج سال، بعضی ده سال در اسارت دشمن بودند و در مقابل دشمن، ضعف نشان ندادند. آبروی ملت ایران و آبروی کشور و امام را حفظ کردند، تا سرفراز به خانه‌ی خودشان برگشتند. خانواده‌ها، پدران و مادران، همسران و فرزندان، همه بر گردن انقلاب حق دارند.

عزیزان من! شادابی این انقلاب به این است که عزّت شهیدان، عزّت خانواده‌های شهیدان و ایثارگران و احترام آنها محفوظ بماند و ارزش کار آنها فراموش نشود. بعضیها می‌خواهند یاد شهدا را هم به فراموشی بسپارند. ما متأسفانه کسانی را داریم - بخصوص بعضی روشنفکر نمایان و قلم به‌دستان - که می‌خواهند یاد شهدا و ایثارگران از خاطره‌ها محو شود؛ یعنی یاد شهامت و شجاعت و عظمت این ملت، از خاطره‌ها برود! این خلاف مصلحت ملی و خلاف راه سعادت ملت است؛ این خلاف مصالح ملتی است که می‌خواهد آرمانهای بزرگ را دنبال کند. باید یاد شهدا را زنده نگه داشت. خانواده‌های شهدا! به شهیدانتان افتخار کنید. جانبازان! افتخار کنید به این که در راه خدا امتحان سختی دادید. آزادگان! افتخار کنید که در دوران اسارت، از خود ضعف نشان ندادید. خانواده‌هایتان هم باید افتخار کنند. افتخار به معنای تکبر و به معنای حقیر دانستن

دیگران نیست؛ به معنای شکر کردن خداست. خدا را شاکر باشید که این نعمت بزرگ را به شما و به ملتتان داده است.

پروردگارا! روح شهیدان ما را روز به روز در بارگاه قدس خود مقربتر فرما. پروردگارا! جانبازان عزیز ما را شفا عنایت فرما. پروردگارا! دل‌های داغ‌دیده و رنج کشیده‌ی خانواده‌های شهدا و جانبازان و ایثارگران را با مرهم لطف و رحمت خود شفا عنایت کن. پروردگارا! این ملت را بر دشمنانش پیروز و قدرت این ملت را روز به روز بیشتر کن. پروردگارا! هر کس به این مردم خدمت می‌کند، هر کس برای این مردم زحمت می‌کشد، مسؤولان دلسوز و زحمتکش را از خزانه‌ی لطف خودت، اجر و فیض معنوی عنایت کن. پروردگارا! ما را هم با مرگ افتخارآمیز شهیدان بمیران. پروردگارا! به محمد و آل محمد، آنچه گفتیم و آنچه شنیدیم، برای خودت و در راه خودت قرار بده و به کرمات آن را از ما قبول فرما.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

دیدار صدها تن از دانش پژوهان و
فرهیختگان جانباز با رهبر انقلاب

۱۳۷۸/۰۸/۲۶



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، صبح امروز در حسینیه امام خمینی (رض) با صدها تن از دانش پژوهان و فرهیختگان جانباز دیدار کردند و با در آغوش گرفتن ده‌ها تن از جانبازان بالاتر از هفتاد در صد، آنان را مورد تفقد و ملاحظت خویش قرار دادند.

در این دیدار که در فضایی آمیخته با صفای معنوی و شور و بر گزار شد، مقام معظم رهبری ضمن سخنانی از جانبازان به عنوان کسانی که جلوه‌های برجسته بشری را در حد امتیازآوری در هم آمیختند و با صبر و پایداری، راه تکامل را ادامه دادند، تجلیل کردند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای توفیقات جانبازان را در متجلی ساختن صفات برجسته، به آنان تبریک گفتند و فرمودند: به شما مژده می‌دهم که تاریخ و چشم‌های تیزبین و حقیقت یاب، جانبازان را همیشه تحسین خواهند کرد و از شما درس خواهند گرفت و من امیدوارم که در سایه توجهات خداوند متعال بتوانید تا آخرین لحظه زندگی در این راه پرافتخار، ثابت قدم بمانید و این تجربه زندگی را با موفقیت و سر بلندی پشت سر بگذارید.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، از جانبازی در راه خدا به عنوان یک امتحان الهی یاد کردند

و فرمودند: امتحان الهی، تنها راه عبور به سمت کمال است و همه بدبختیهای عالم نیز از ناحیه شکست خورده‌هایی بوده است که نتوانستند از امتحانهای گوناگون الهی سربلند بیرون بیایند و وظیفه خود را به درستی انجام دهند. آنها کسانی هستند که در امتحان الهی، شکست خورده‌اند، اما به غلط تصور می‌کنند که پیروز شده‌اند.

مقام معظم رهبری، استفاده جانبازان از باقیمانده سلامتی خود در راه خدا را به مفهوم سربلندی در امتحان الهی دانستند و خطاب به آنان فرمودند: مبادا به خاطر رنجی که برای شما به وجود آمده است، دچار ذره‌ای یأس شوید زیرا یأس، وادادگی و پشت کردن به حقیقت زندگی یک بلای بزرگ است و شما باید باقیمانده نیرو و نشاط خود را در راه تحصیل، پیشرفت فراوان علمی و نیز تکامل وجودی خویش به کار اندازید و از قدرت فکری و علمی خود در میدانهای مختلف و از جمله میدان دفاع از انقلاب و دین که بزرگترین و حساس‌ترین میدانهاست استفاده کنید.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنانشان بر ناتوانی قدرتهای استکباری برای وارد کردن هرگونه خدشهای به بنای شامخ و مستحکم نظام اسلامی ایران تأکید کردند و فرمودند: جبهه استکبار یعنی جبهه خود پرستی و غفلت از معنویات و تلاش برای تجاوز، با هر آنچه که مانعی در راه آنها محسوب شود، به شدت دشمنی می‌کنند و امروز بزرگتر از بیداری اسلامی و حضور تعیین‌کننده اسلام در صحنه که موجد آن نظام جمهوری اسلامی است، هیچ مانعی وجود ندارد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، بلند شدن صدای اسلام در هر نقطه‌ای از جهان را برای شنوندگان آن امید بخش و برای مستکبران تهدیدکننده دانستند و فرمودند: امروز هر کس که در دنیا درباره اسلام و حکومت اسلامی سخنی بگوید، اذهان عمومی آن را به عنوان پیامی از یک واقعیت ممکن دریافت خواهند کرد، زیرا حکومت قدرتمند اسلامی در ایران نمونه‌ای واقعی از یک حقیقت بزرگ است که دعوت اسلامی آن را به وجود آورده است.

مقام معظم رهبری بر استحکام و اقتدار نظام اسلامی ایران در دنیا تأکید کردند و فرمودند: کسانی که دیروز در جبهه جنگ عراق، آنهاهم به دشمن ملت ایران کمک کردند، اکنون با اذعان به قدرتمندی ایران اسلامی، صف کشیده‌اند تا ارتباطات خود را

با ملت و دولت ایران بهبود بخشند و این خود نشاندهنده استحکام بنای نظام اسلامی در دنیاست.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دوران بیست سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی را درخشان‌ترین مقاطع تاریخ ملت ایران توصیف کردند و فرمودند: تاریخ هزارساله ایران، فتوحات فراوانی را در خود ثبت کرده است، اما این فتوحات همیشه بر مبنای مرکزیت طاغوتها و محوریت افراد جبار، ظالم، متکبر و خود خواه بوده است و این در حالی است که در بیست سال گذشته، ملت ایران توانسته است استقلال، شجاعت، قدرت مادی و معنوی و جوشش استعدادها را در درون خود نشان دهد و در خدمت راستی و درستی و دین و در خدمت اخلاق و عدالت باشد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، مواجه بودن ملت ایران با انواع دشمنیها را یادآور شدند و فرمودند: ملت ایران در هیچ مقطعی از تاریخ مانند ۲۰ سال گذشته با این حد از دشمنی و محاصره دشمن مواجه نبوده است اما با این وجود موفقیت‌های بیشماری را به دست آورده است و بدون تردید بیست سال گذشته، دوران درخشان تاریخ ملت ایران محسوب می‌شود.

مقام معظم رهبری، پاک کردن دوران درخشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی از ذهن ملت ایران را یک هدف اساسی دشمن دانستند و فرمودند: دشمن در تلاش است تا به زبان انسانهای ضعیف و حقیر و عناصر بی‌توجه به ارزشهای حقیقی ملت ایران، گذشته او را مورد توهین قرار دهند. آنها کسانی هستند که نمی‌توانند معیار اعتلای ملت ما را به عنوان یک حقیقت درخشان درک کنند و می‌خواهند ملت ایران را به وضعیت ذلت‌بار برخی از کشورهای تحت حمایت آمریکا دچار سازند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای عظمت ملت ایران را مرهون توجه صادقانه، حقیقی و از روی ایمان به دین دانستند و فرمودند: هیچکس ملت ایران را به انجام این حرکت عظیم و گسترده در بیست سال گذشته مجبور نکرد، بلکه این ملت بر اساس ایمان و باور قلبی، سختیها را تحمل کرد و در میدانهای بسیار دشوار جانانه ایستاد اما عده‌ای هم بودند که در هنگامه رزم‌آوری و زورآزمایی و نشان دادن شخصیت و هویت ملی، خود را از نظرها پنهان کردند و اکنون با برطرف شدن خوف و خطر به عنوان صاحب نظر و صاحب ملت

و دولت و تاریخ کشور وارد میدان شده‌اند. اینها نمی‌توانند در سرنوشت ملت ایران هیچ تأثیری داشته باشند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در این دیدار از همسران جانبازان به سبب اهتمام در خدمت به جانبازان تقدیر و تشکر کردند و اهمیت وظایف و تکالیف دینی و قانونی مسؤولان بنیاد جانبازان و دستگاههای خدمت رسان به جانبازان را مورد تأکید قرار دادند.

بر پایه همین گزارش پیش از سخنان مقام معظم رهبری آقای فروزنده رئیس بنیاد جانبازان و مستضعفان به معرفی دیدار کنندگان پرداخت و تلاش آنان را در جهت کسب علم و دانش ستود.

دیدار جمع کثیری از فرزندان شهدا با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۸/۰۹/۲۱ |



صدها نفر از فرزندان شهدا که امسال برای نخستین بار توفیق گرفتن روزه را یافته‌اند، عصر امروز به دیدار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی نائل آمدند. در این دیدار سرشار از معنویت مقام معظم رهبری با حضور در میان فرزندان شهدا به ابراز احساسات آنان پاسخ و آنان را همچون پدری مورد ملاحظت قرار دادند.

در این مراسم که نماینده ولی‌فقیه و رئیس بنیاد شهید و جمعی از مسؤولان این بنیاد نیز حضور داشتند، فرزندان شهدا ضمن اجرای دکلمه و همخوانی، نماز جماعت مغرب و عشاء را به امامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اقامه کردند.

بعد از نماز مغرب و عشاء، فرزندان شهداء افطاری را در کنار رهبر معظم انقلاب اسلامی صرف کردند.

دیدار مسئولان بنیاد شهید با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۸/۱۱/۰۹ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی امروز در دیدار مسئولان و مدیران کل بنیاد شهید انقلاب اسلامی سراسر کشور، لزوم تکریم خانواده معظم شهداء و زنده نگاه‌داشتن روحیه و فرهنگ ایثار و شهادت را در جامعه خاطر نشان و تأکید کردند: ملتی می‌تواند به آینده خود به عنوان یک ملت با عزت و سربلند مطمئن باشد که این روحیه در میان آن ملت، زنده بماند. مقام معظم رهبری با تأکید بر این که برخورد مسئولان و کارکنان بنیاد شهید با خانواده شهداء، باید همراه با احترام، پارسایی و منطق باشد، افزودند: تجلیل از خانواده شهداء که برای حفظ و بقاء نظام اسلامی فداکاری کرده‌اند، به معنای سپاسگزاری از کار بزرگ آنان است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خاطر نشان کردند: اگر ملتی از این فرهنگ از خود گذشتگی و فداکاری، سپاسگزاری و تجلیل نکند، امکان حیات با عزت و به دور از ذلت را نخواهد داشت. رهبر معظم انقلاب اسلامی وظیفه مسئولان و کارکنان بنیاد شهید را مهم و همراه با ثواب بسیار دانستند و تأکید کردند: وظیفه بنیاد شهید بگونه‌ای است که اگر صحیح و به بهترین وجه انجام گیرد، در سربلندی و عزت نظام اسلامی مؤثر خواهد بود. در این دیدار پیش از سخنان مقام معظم رهبری، حجت‌الاسلام والمسلمین رحیمیان نماینده ولی‌فقیه و رئیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی گزارشی از فعالیتهای بنیاد شهید ارائه کرد. در ابتدای این دیدار نیز نماز جماعت ظهر و عصر به امامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اقامه شد.

حضور رهبر انقلاب در مراسم بزرگداشت فرماندهان
لشکر ۷۲ محمد رسول الله(ص) و شهدای عملیات خیبر و بدر

| ۱۳۷۸/۱۲/۱۲ |



حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی به منظور ارج نهادن و گرامیداشت یاد و خاطره شهیدان گرانقدر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی عصر امروز به طور غیرمنتظره در مراسم بزرگداشت فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله(ص) و شهدای عملیات خیبر و بدر شرکت کردند.

مقام معظم رهبری پس از حضور بر مزار شهدای دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی یاد شهیدان بزرگوار بهشتی، رجایی، باهنر و دیگران عزیزان را ارج نهادند و پس از حضور بر مرقده شهیدان عزیز جنگ تحمیلی، در سالن دعای ندبه بهشت زهرا(س) در جمع خانواده‌های معظم شهدا حضور یافتند.

در این مراسم سراسر شور و معنویت که در فضایی آکنده از عطر دلاوریها، جانبازیها و ایثارگریهای رزمندگان اسلام با حضور خانواده‌های معظم شهدا برگزار شد، پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و مداحی و مرثیه‌خوانی و ذکر مصائب اهل بیت علیهم‌السلام، یاد و خاطره شهدای بزرگوار ۸ سال دفاع مقدس بخصوص فرماندهان دلاور و شجاع لشکر ۲۷ محمد رسول الله(ص) و شهدای عملیات خیبر و بدر گرامی داشته شد.

دیدار جمعی از هنرمندان و مسئولان تبلیغات جنگ با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۹/۰۱/۲۰ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت سالروز شهادت شهید "سید مرتضی آوینی" در دیدار جمعی از هنرمندان و مسئولان تبلیغات جنگ در دوران دفاع مقدس، توجه عناصر فرهنگی و هنری معتقد به مبانی اسلام و انقلاب را به مسؤولیت خطیر آنان در بیان حقیقت و اعتلای اسلام و ارزشهای اسلامی جلب کردند و تجلیل و تشویق هنرمندان مسلمان را یک وظیفه بزرگ و اصلی برشمردند.

مقام معظم رهبری در این دیدار، فرهنگ و هنر را از جمله مسایل اصلی زندگی بشر دانستند و فرمودند: در همه ادوار، فرهنگ و هنر فضای زندگی بشر را تشکیل می‌داده‌است و با این مقوله است که می‌توان بشریت را در طول تاریخ، شناسایی کرد؛ اما بسیاری انسانهایی که از این ذخیره و هدیه با ارزش الهی سوء استفاده کردند و آن را در جهت تخریب انسانیت، پوشاندن حقیقت و اغوای انسانها به کار بردند و اکنون نیز به تلاش خود در این راه ادامه می‌دهند.

آیت‌الله خامنه‌ای از قرار گرفتن هنر در خدمت حقیقت و انسانیت و خارج کردن آن از انحصار، به عنوان دستاورد بزرگ انقلاب اسلامی یاد کردند و فرمودند: در هنر پس از انقلاب، دو خصوصیت بزرگ یعنی قرار گرفتن در خدمت انقلاب و بروز و گسترش استعدادهای هنری را می‌توان مشاهده کرد و یقیناً در این زمینه، جنگ دارای یک

نقش اساسی است زیرا بسیاری از هنرمندان نوظهور نظیر عکاسان، فیلمبرداران، شعرا، نویسندگان و بازیگران هنرهای نمایشی توانستند به مناسبت این پدیده عظیم، استعداد هنری خود را بروز دهند و آن را در خدمت حقیقت بکار گیرند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، فقدان چهره‌های شاخص هنری در زمینه مسایل مربوط به انقلاب را یک بلیه بزرگ برای ایران اسلامی توصیف کردند و فرمودند: هنرمندان انقلابی و متدین و برخوردار از انگیزه‌های پاک، ناب و شفاف، همواره نیازمند آن بوده‌اند که مورد حمایت قرار گیرند تا بتوانند بنیه‌های هنری خود را تقویت کنند، ببالند و بدرخشند؛ اما این اتفاق در همه عرصه‌های هنری، به وقوع نپیوست و بسیاری از هنرمندان، فرصت رشد و بالندگی پیدا نکردند.

آیت‌الله خامنه‌ای با بیان این که جریان استکباری و استعماری، تمامی امکانات هنری خود را علیه اسلام بکار گرفته است، فرمودند: در حال حاضر در عرصه فرهنگ و هنر جهان، تلاش عظیمی در جریان است تا چهره اسلام و مفاهیم اسلامی، زشت و بد معرفی شود و برای این هدف، کارهای هنری و پشتیبانیهای بسیار عظیمی در حال انجام است و در این میان، هنرمندان معتقد به مبانی اسلام و انقلاب و معتقدین به راه نویی که ملت ایران، آن را انتخاب کرد و پیمود، باید احساس مسؤولیت کنند و تلاش مضاعفی را در این راه انجام دهند.

ایشان استفاده قدرتهای متجاوز و زیاده‌خواه جهانی از قویترین هنرمندان و پیشرفته‌ترین روشهای ارتباطی برای جا انداختن یک دروغ به جای یک حقیقت ناب را خاطرنشان کردند و فرمودند: امروز در سطح جهان بیشترین استفاده از فرهنگ و هنر علیه ارزشهای والای بشری، اعتقادات انسانی و ادیان آسمانی صورت می‌گیرد و در این شرایط اصحاب فرهنگ و هنر کشور باید جوانان تازه کار در عرصه هنر را مورد حمایت مادی و معنوی قرار دهند و آنان را به ایستادگی، استقلال و سخن گفتن از حقایق به زبان هنر تشویق کنند.

مقام معظم رهبری در پایان سخنانشان از شهدای عرصه فرهنگ و هنر تجلیل کردند و با تأکید بر ضرورت استمرار تمجید و تکریم نسبت به هنرمندان متدین و انقلابی فرمودند: هنرمندان ما باید به انجام کارهای وسیع فرهنگی و هنری شجاعانه و برخاسته

از ایمان حقیقی و کیفیت دادن به آن تشویق شوند و اهتمام خود را مصروف اعتلای ایران اسلامی کنند.

بر پایه همین گزارش رهبر معظم انقلاب در این دیدار به بازماندگان نه تن از شهدای عرصه فرهنگ و تبلیغات دفاع مقدس نشان درجه یک فرهنگ و هنر نیروهای مسلح را اعطا کردند.

همچنین سردار افشار معاون فرهنگی ستاد فرماندهی کل قوا گزارشی از فعالیتهای انجام شده برای تجلیل از عناصر فرهنگی و هنری عرصه دفاع مقدس، به استحضار رساند.

اعطای نشان درجه یک نصر به جمعی
از فرماندهان دفاع مقدس

۱۳۷۹/۰۳/۰۲



همزمان با فرارسیدن سالروز عملیات پیروزمندانه بیت‌المقدس و فتح خرمشهر، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوا روز دوشنبه به جمعی از فرماندهان و مسؤولان پشتیبانی دفاع مقدس نشان درجه یک نصر اعطا کردند.

مقام معظم رهبری در این مراسم ضمن سخنانی از بزرگداشت مجاهدان و فداکاران عرصه دفاع مقدس به عنوان یک فریضه و وظیفه بزرگ یاد کردند و خدمات رزمندگان اسلام در ارتش، سپاه، بسیج مردمی، نیروی انتظامی و عشایر را برای ملت ایران و نظام اسلامی بسیار باارزش و حائز اهمیت دانستند.

فرمانده کل قوا فرمودند: آثار انسانی دفاع مقدس باید برای همیشه در سازمانهای نظامی و محیطهای فرهنگی گرامی داشته شود و کسانی که مجاری امور را در دست دارند، هرگز نباید ارزش کار جانبازان، خانواده‌های معظم شهیدان و سرداران این حماسه جاوید را فراموش کنند و اینجانب نیز همواره در مقابل آن همه تلاشهای مخلصانه و بویژه در برابر کسانی که در این راه مقدس به شهادت رسیدند، تعظیم میکنم.

رهبر انقلاب در ادامه سخنانشان انتصاب سرلشکر سلیمی به فرماندهی کل ارتش را فرصت تازه‌ای برای پیشبرد کارهای بزرگ در زمینه‌های سازماندهی، ساخت، تولید، نگهداری و نیز همکاری گسترده و عمیق میان سپاه و ارتش برشمردند و اظهار

امیدواری کردند که تلاشهای تازه نفسانه‌ای برای به جلو برداشتن گامهای بلند در این زمینه آغاز شود. آیت‌الله خامنه‌ای سرلشکر سلیمی را یکی از فرماندهان مؤمن، خوش سابقه و امتحان داده ارتش جمهوری اسلامی ایران توصیف کردند و با تجلیل از خدمات و تلاشهای سرلشکر شهبازی فرمانده سابق کل ارتش فرمودند: ارتش و سپاه باید به طور کامل و صددرصد به همکاری با یکدیگر ادامه دهند و این پدیده بسیار جالب را که شخصیت‌هایی از سپاه در ارتش و شخصیت‌هایی از ارتش در سپاه منشاء خدمات باارزش و مؤثر بوده‌اند، قدر بدانند.

فرمانده کل قوا ضرورت پرهیز از انجام کارهای موازی و تکراری را در عین همکاری به فرماندهان ارتش و سپاه یادآور شدند و در پایان سخنانشان از نقش مرحوم سرلشکر ظهیرنژاد در تشکیل گروه مشاوران نظامی، از سرلشکر فیروزآبادی به سبب رعایت انصاف، عدل و بی‌طرفی در ستاد فرماندهی کل قوا و از دریابان شمخانی وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به سبب پشتکار و بی‌طرفی در تدارک و پشتیبانی سپاه و ارتش تجلیل و قدردانی کردند.

در این مراسم که با تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید آغاز شد، فرمانده کل ارتش درجه سرلشکری را از دست رهبر معظم انقلاب دریافت کرد و تعدادی از فرماندهان دوران دفاع مقدس به افتخار دریافت نشان درجه یک نصر نائل شدند.

اسامی این فرماندهان و مسؤولیتهای آنان در دوران دفاع مقدس به این شرح است:

۱ - مرحوم سرلشکر قاسم‌علی ظهیرنژاد رئیس ستاد مشترک ارتش در سالهای اول جنگ

۲ - سردار شهید صنیع خانی فرمانده ترابری جنگ سپاه

۳ - شهید مهندس رضوی فرمانده مهندسی جنگ جهاد سازندگی

۴ - سرلشکر شهید نامجو نماینده حضرت امام (ره) در شورای عالی دفاع و وزیر دفاع

۵ - سردار شهید سید محسن صفوی فرمانده قرارگاه صراط و پشتیبانی مهندسی وزارت سپاه

- ۶- شهید مهندس طرح چی طوسی مسؤول پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی در جنوب
- ۷- سردار شهید شوکت پور (فرمانده لجستیک شمال غرب نیروی زمینی سپاه)
- ۸- سرلشکر شهید امیر فلاحی فرمانده نیروی زمینی و جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش
- ۹- سردار شهید اثری نژاد فرمانده لجستیک قرارگاه نجف سپاه و جانشین لجستیک قرارگاه خاتم
- ۱۰- شهید هاشم ساجدی فرمانده قرارگاه پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی در غرب
- ۱۱- شهید سید جولایی فرماندهی قرارگاه مهندسی کوثر صراط در جنوب، وزارت سپاه
- ۱۲- سرلشکر بسیجی دکتر سیدحسن فیروزآبادی مسؤول کمیسیون مهندسی صنعتی و پشتیبانی جنگ
- ۱۳- امیر سرتیپ سلیمی مسؤول دفتر مشاورت امام (ره) در امور دفاعی و مسؤول ستاد جنگهای نامنظم و وزیر دفاع
- ۱۴- حجت الاسلام دکتر حسن روحانی رئیس ستاد پشتیبانی جنگ
- ۱۵- سردار افشار رئیس ستاد مرکزی سپاه در دوران دفاع مقدس
- ۱۶- محسن رفیق دوست مسؤول تدارکات سپاه و وزیر سپاه در دوران دفاع مقدس
- ۱۷- حجت الاسلام روحانی مسؤول واحد بسیج مستضعفین سپاه و مسؤول ستاد جذب و هدایت کمکهای مردمی
- ۱۸- سردار سرتیپ پاسدار جلالی وزیر دفاع
- ۱۹- مهندس فروزش مسؤول ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی

بیانات در دیدار با مسئولان قوه قضاییه و
خانواده‌های شهدای هفتم تیر

| ۱۳۷۹/۰۴/۰۷ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به شما حضار محترم؛ مسئولان عزیز قوه قضاییه و خانواده‌های محترم شهدای بزرگوار هفتم تیر خوشامد عرض می‌کنم.

یک جمله درباره هفتم تیر عرض کنم. مهمترین چیزی که در این حادثه همه دلها و چشمها را به خود مشغول کرد، این بود که ضربه‌های خصمانه دشمن بر پیکره انقلاب هر چه سنگین‌تر باشد، جوشش ایمان و صلابت صبر و استقامت در مردم بیشتر خواهد شد. هفتاد و چند نفر از مدیران برجسته‌ای که در میان آنها شخصیتی مثل شهید بهشتی حضور داشت، یکجا به وسیله دشمن از نظام اسلامی گرفته شدند؛ آن هم با آن وضع فاجعه‌آمیز و حزن‌انگیز. عکس‌العمل این انقلاب و این ملت چه بود؟ مردم، با ایمان و با صلابت صبر و استقامت خودشان و آن خانواده‌های معظم با شکیبایی و بردباری مؤمنانه‌شان، توانستند چنان پاسخی به دشمن بدهند که در محاسبات مادی و در هیچ وضعیتی قابل گنجاندن نبود و نیست. انقلاب را بیمه کردند، دشمن را مطرود کردند و نام ملت ایران را بلند آوازه کردند. همیشه همین‌طور است. تا وقتی که ایمان و صبر و هوشیاری و بردباری مردم ذخیره ارزشمند این انقلاب و این نظام است، دشمن از وارد آوردن ضربه به این نظام و این انقلاب هیچ طرفی نخواهد بست و هیچ سودی نخواهد

برد و انقلاب مستحکم‌تر خواهد شد. شهید بزرگوار ما - مرحوم آیه‌الله بهشتی - یک شخصیت نمونه و ممتاز در نظام اسلامی بود که در این حادثه از دست ما گرفته شد؛ اما هم یاد او زنده ماند و هم خون او و یارانش انقلاب را پایدار کرد و این درس بزرگ برای انقلاب ماند.

این هفته بسیار بجا به نام قوه قضاییه نامگذاری شده است؛ چون تشکیلات جدید قضایی و نظام نوین قضایی اسلامی با فکر و ابتکار و پشتکار شهید مظلوم بهشتی توانست منعقد شود و شکل بگیرد. البته اگر خود او زنده می‌ماند، مسلماً حرکت این نظام به‌سوی تکامل و رفع عیوب و جلب جهات مقوی و مرجح، سریعتر انجام می‌گرفت. بعد از ایشان هم تلاشهای مشکور مبذول شده است که ان‌شاءالله خدای متعال زحمات عزیزانی را که در طول سالیان اخیر، در این راه زحمت کشیده و تلاش کرده‌اند - در هر سطحی از سطوح قوه قضاییه که بودند؛ چه در سطح مدیریت و چه در سطوح دیگر - قبول کند.

آنچه امروز برای ما مطرح است، این است که قوه قضاییه در کشور ما نقش و جایگاه بی‌نظیر و ممتازی دارد. همان‌طور که جناب آقای هاشمی شاهرودی بیان کردند، قوه قضاییه رکنی است که با سلامت و استقامت و صلاح آن، تمام عیوب در دستگاههای اجرایی و در بخشهای مختلف مدیریت و سازماندهی اداره کشور و در سطح جامعه، به مرور از بین خواهد رفت. نقش قوه قضاییه در قانون اساسی این‌طور پیش‌بینی شده است.

نظارت قوه قضاییه؛ پیشگیری از جرم، تأمین عدالت، تأمین امنیت. اینها قلمهای بسیار درستی است که در نظام اسلامی جزو سرفصلهای مهم اداره مطلوب کشور به حساب می‌آید. قوه قضاییه می‌تواند مظهر عدالت در نظام اسلامی باشد. قوه قضاییه، با صلابت، با اقتدار و با تصمیم‌گیری درست و بهنگام می‌تواند جلو پیدایش و رشد جرایم و توسعه خلاف در دستگاههای مختلف را سد کند؛ از ظلم به مظلومان و مستضعفان جلوگیری کند؛ از قدرت‌نمایی کسانی که به زر و زور مسلحند، جلوگیری کند.

آفت جوامع بشری این است که کسانی با داشتن پول، با داشتن پشتیبان، با داشتن قوم و عشیره - چه قوم و عشیره به شکل قدیمی آن، چه قوم و عشیره به شکل مدرن و

امروزی آن؛ یعنی حزب بازی و گروه بازی - حقوق عمومی را ندیده بگیرند؛ حق مردم را تزییع کنند؛ فرصتها را منحصراً به اشغال خود در آورند و جلو عدالت را بگیرند. قوه قضاییه مقتدر، با صلابت، هوشمند و عالم می تواند جلوی اینها را بگیرد.

من خدا را شاکرم که بحمدالله بعد از آن که این قوه به وسیله یک عالم روشن بین فاضل پایه گذاری شد، امروز هم به وسیله یک عالم روشن بین، فاضل، آگاه و نوگرا اداره می شود. آنچه موجب این می شود که بنده قلباً خدای متعال را سپاسگزاری کنم، این است که بحمدالله امروز ایشان (۱) با برخورداری از علم و نگاه عالمانه به مسائل، تکیه به معلومات فقهی وسیع، گرایش به استخدام روشهای نو و علمی برای پیشرفت امور، بعلاوه نگاه کلان به مسائل قوه قضاییه - که این امر بسیار مهمی است که ما قوه قضاییه را مثل یک رکن و یک عنصر اصلی در کل نظام بینیم و تأثیر آن را در مدیریت کلان نظام در نظر بگیریم - و همچنین با شجاعت و قاطعیت، مدیریت قوه را در دست دارند و بنده با گذشت کمتر از یک سال، آثار این انتصاب بجا و به موقع و مبارک را مشاهده می کنم.

البته این به معنای آن نیست که ما امروز همان چیزی را که در قضای اسلامی متوقع هستیم، در قوه قضاییه مشاهده می کنیم؛ نه، انتظارات ما زیاد است. البته مطالبات این طلبه حقیر که مسؤولیت سنگینی را در قبال هر حکم و هر اقدام و هر حرکت شما، پیش خدای متعال بر دوش خودم احساس می کنم، با مطالبات جناحها و گروهها و عناصر سیاسی و امثال اینها نیابستی اشتباه شود؛ جناحهای سیاسی دنبال کار خودشان هستند. بعضی از جناحهای سیاسی دنبال این هستند که اقتدار و صلابت قوه قضاییه را از آن سلب کنند تا این قوه قدرت اقدام نداشته باشد. بعضی در پی ارعاب مسؤولان قوه قضاییه اند تا با آنها همخوانی کنند. اگر جنجال و انتقادی می کنند، انسان نشانه خیرخواهی را در آن جنجالها و انتقادهای کمتر مشاهده می کند. البته این مسؤولیت سنگین، این کار بزرگ و این مأموریت الهی که بر دوش مسؤولان قوه قضاییه است، باید در آنها این آمادگی را هم به وجود بیاورد که این طور مخالفتها و جنجال آفرینیها و ابراز توقعها شود. این خلاف انتظار نیست. بالأخره افرادی دچار عقدههای شخصی و حسادتند؛ افرادی دنبال مقاصد سیاسی اند و با روشهای سیاسی کارهایی را می کنند، حرفهایی را می زنند و انتقادهای ناواردی را گاهی با بعضی از انتقادهای احیاناً وارد مخلوط می کنند. بنابراین آن مطالبات جداسست. آنچه که بنده به عنوان یک طلبه مسؤول

از قوه قضائیه انتظار دارم، همان چیزی است که ما چهره زیبا و منور آن را در قضاوت امیرالمؤمنین علیه‌سلام‌الله‌الملك الحق المبین در تاریخ مشاهده می‌کنیم: آن عدالت قاطع، آن عدالت بی‌ملاحظه، آن عدالت فراگیر، آن عدالت امیدوار کننده، آن عدالتی که در آن افراد ضعیف و معمولی جامعه در مقابل قانون و معامله قانونی، با افراد مقتدر و قدرتمند یکسانند. در اسلام این‌گونه است؛ در قانون اساسی ما هم این‌گونه است.

در قانون اساسی، رهبری، رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه و دیگر مسؤولان کشور، با آحاد مردم در قبال قوانین هیچ تفاوتی ندارند. هیچ‌کس بالاتر از قانون نیست. قانون اساسی اختیاراتی را به کسانی می‌دهد. قانون اساسی به قاضی می‌گوید محکوم یا تبرئه کن؛ حکم قضایی صادر کن. به رهبری هم می‌گوید با ملاحظه این جهات، عفو کن. این مافوق‌قانون حرکت کردن نیست؛ این متن و مَرّ قانون است. قانون برای همه یکسان است. برای کسانی که گره‌هایی را باز کنند، راه‌هایی را بگشایند و مشکلاتی را حل نمایند، مسؤولیتهایی وجود دارد. آن‌جایی که قانون در میان است، همه یکسانند. این امر بسیار مهمی در اسلام است. دیگران هم ادّعی این را می‌کنند، اما اسلام این را در عمل نشان داده است. ما دنبال آن هستیم؛ ما این تصویر زیبا در ذهنمان است.

من یک وقت به برادران عزیز قوه قضائیه عرض کردم که شأن قوه قضائیه این است که در هر گوشه از این کشور اگر به کسی ظلم شد، در دل او نور امید باشد که به دستگاه قضایی مراجعه می‌کند و احقاق حق می‌شود. آن روزی که به این نقطه برسیم، روزی است که قضای اسلامی تحقق پیدا کرده است. همه باید احساس کنند که بدون هیچ ملاحظه‌ای، احقاق حق و ابطال باطل خواهد شد. شرط اول هم صلابت، استقلال قوه قضائیه، استقلال قاضی، عدم نفوذ جریانات سیاسی و عدم دخالت دستگاه‌های دیگر در قوه قضائیه است. بحمدالله امروز این معنا تأمین است و ما مشاهده می‌کنیم که رئیس محترم قوه با آگاهی از فقه و مفاهیم دینی و با دید عالمانه، همراه با رعایت جوانب شرعی، با مسائل قوه قضائیه برخورد می‌کنند.

دستگاه قضایی اسلام یکی از کارآمدترین دستگاه‌هاست. ما احتیاجی نداریم که برای مواد قضایی یا قوانین لازم برای اداره دستگاه قضایی یا نحوه اجرای عدالت، از هیچ نظامی، از هیچ کشوری، از هیچ تمدن دیگری چیزی وام بگیریم. در اسلام همه چیز

پیش‌بینی شده است. قوانین باید طبق مقررات اسلامی تنظیم و آماده شود و با جرم به هر شکلی مقابله گردد.

این غلط است که اگر مجرم به یک مجموعه سیاسی وابسته باشد، باید در مقابل او کوتاه آمد؛ آن هم با این دلیل غیر محکمه پسند که اگر مجرمیت او مورد تأکید قوه قضاییه قرار گیرد، جنجال خواهد شد! قرآن کریم می‌فرماید «و ان یکن لهم الحق یأتوا الیه مذعنین» (۲) اگر قضاوتی که می‌شود، برخلاف مصلحت آنها باشد، جنجال می‌کنند؛ اما اگر برطبق میل و نظر آنها باشد، آن وقت آن را می‌پذیرند. بعد می‌فرماید: «فی قلوبهم مرض» (۳) این قضاوت قرآن است.

دستگاه قضایی باید مورد اعتماد عموم مردم قرار گیرد، نه این که در صلاحیت و اقتدار و صلابت آن خدشه شود. البته برای رسیدن به این نقطه، تلاش، پیگیری، کار مداوم همراه با شجاعت و توکل به خدا لازم است، که انسان نشانه‌های آن را بحمدالله مشاهده می‌کند.

قوه قضاییه برای اداره خود، در درون خود دچار کمبود عناصر صالح نیست. بحمدالله در قوه قضاییه - بخصوص در این بیست سال اخیر - عناصر مؤمن، سالم، کارآمد، پُرنشاط و جوان هستند؛ به قدری که بتوانند این قوه را به خوبی اداره کنند و برای مدیریت قوه، دستها و بازوها و سرانگشتهای کارآمدی باشند و کارها را سامان ببخشند. باید ان شاءالله از عناصر جوان و مؤمن و پُرشور و با نشاط و با ایمان و معتقد به اسلام استفاده شود.

بنده به آینده قوه قضاییه امیدوارم. البته از خدای متعال دائماً می‌خواهم که به رئیس محترم قوه قضاییه، مسؤولان عالی‌رتبه، قضات محترم، مسؤولان بخشهای مختلفی که کارهای سنگین بر دوش آنهاست و بعضاً مشاهده می‌شود که بعضی از آنها در تبلیغات مورد هجومهای غیرعادلانه و غیرمنصفانه‌ای هم قرار می‌گیرند، صبر و قوت بدهد و کمک کند تا بتوانند این بار سنگین را بردارند و خدا را از خودشان راضی کنند.

اساس قضیه این است که ما بتوانیم رضای الهی را کسب کنیم. اگر رضای الهی را تعقیب کردیم، آن وقت مصلحت مردم، خیر مردم و اجرای عدالت به آسانی برای ما میسر خواهد شد. اگر دنبال رضای خدا نبودیم - دنبال رضای این و آن بودیم - آن وقت

کارها نابسامان خواهد شد و سامان کارها حاصل نخواهد گردید.

امیدواریم که ان شاء الله ادعیه زاکیه حضرت بقیة الله ارواحنا فداه شامل حال همه شما باشد و مشمول کمک و اعانت الهی باشید و توفیق خدا شامل حالتان گردد و روزبه روز ان شاء الله شاهد پیشرفت و بهتر شدن و بهبود یافتن همه چیز در دستگاه قضایی باشیم. از این طریق ان شاء الله بسیاری از مشکلات و مفاصد اصلاح خواهد شد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

دیدار خانواده‌های شهدای استان اردبیل با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۹/۰۵/۰۳ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر امروز در جمع پرشور خانواده‌های شهداء، جانبازان و ایثارگران استان اردبیل، وظیفه مردم و مسؤولان را در قبال شهداء بسیار سنگین دانستند و تصریح کردند: ملت ایران همواره مدیون شهداء، جانبازان، آزادگان و خانواده‌های آنان است.

مقام معظم رهبری با تأکید بر این که ایثارگری و مجاهدت رزمندگان و شهدا در طول دفاع مقدس مانع از تحقق خواست دشمنان برای تحقیر ملت ایران و شکستن مرزهای این کشور پرافتخار شد، افزودند: افتخار بزرگ این شرف و عظمت، متعلق به پدران، مادران، همسران و فرزندان شهداء است.

ایشان با اشاره به دفاع جوانان غیور و مؤمن از میهن و شرف ملی در هشت سال جنگ تحمیلی، تصریح کردند: این جوانان، با حضور خود در صحنه جهاد موجب عظمت و حیات دوباره اسلام و احکام قرآن شدند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، احترام و موقعیت ممتاز کشور و ملت ایران در میان ملت‌های مسلمان را به دلیل حماسه جوانان این مرز و بوم در دفاع از تمدن و فرهنگ اسلامی دانستند و تأکید کردند: ادای حق بزرگ شهدا این است که راه و خط شهداء هرگز فراموش نشود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به دشمنی قدرتمندان و جهانخواران با جمهوری اسلامی و ملت ایران به دلیل ایمان، غیرت و شجاعت این ملت، خاطرنشان کردند: عظمت ملت ایران موجب شده است که حتی دشمنان آنان نیز به قدرت، عزت و ریشه‌دار بودن ملت بزرگ ایران اذعان کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی همچنین عصر امروز با حضور در مزار شهدای بهشت معصومه شهر اردبیل، ضمن قرائت فاتحه به مقام والای شهدا ادای احترام کردند.

حضور رهبر انقلاب در مهدیه تهران و ادای احترام
به پیکر مطهر شهدای دفاع مقدس

| ۱۳۷۹/۰۵/۲۵ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح امروز پس از بازگشت از سفر مشهد بلافاصله در مراسمی که در مهدیه تهران برگزار شده بود، در کنار پیکر مطهر شهدای دفاع مقدس، حضور یافتند و نسبت به مقام شامخ شهداء ادای احترام کردند.

در این مراسم که به مناسبت ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و در کنار پیکر مطهر تعدادی از شهدای دفاع مقدس بر پا شده بود، جمعیت حاضر، در حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی به عزاداری و سینه‌زنی پرداختند.

بیانات در دیدار جمعی از مدیران و فعالان فرهنگی دفاع مقدس

۱۳۷۹/۰۷/۰۶



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اولاً به برادران و خواهران عزیز و رزمندگان جبهه فرهنگی دفاع مقدس و عزیزی که علاوه بر تن و جسم خود که به صحنه این آزمایش بزرگ ملت ایران بردند؛ جان خود، فکر خود، هنر خود، دل خود و توان فرهنگی خود را هم به این عرصه کشاندند و سرمایه ملت ایران را هرچه ارزشمندتر کردند، خوشامد عرض میکنم. مخصوصاً به خانواده‌های معظم شهیدان این جمع عزیز و جانبازان و دیگر ایثارگران. امیدوارم که خداوند متعال زحمات و تلاشهای باارزش شما را مقبول درگاه خود قرار دهد و ادامه این راه پرافتخار را نصیب همه کسانی که مایه‌ای از هنر و ادب و سرمایه‌های فرهنگی دارند، بکند.

جنگ، یکی از محیط‌ترین حوادث برای یک ملت است. ما همگی این را با وجود خودمان، با گوشت و پوست و احساس و ادراک خودمان مشاهده کردیم. این نیست که فقط در تاریخ چیزی خوانده، یا به آمارها مراجعه کرده باشیم. لیکن نکته مهم این است که ملتها میتوانند این حادثه پُرخسارت را به یک فرصت و به یک سرمایه تبدیل کنند. میدانید؛ خسارت جنگ هم فقط این نیست که عزیزان ملت به کام مرگ کشانده میشوند یا ویرانیهایی به بار می‌آید و سرمایه‌هایی بر باد میرود. اگر در جنگی عزم ملی و خردمندی سردمداران کشور به کمک کشور نیاید، آن سرافکندگی و ذلت و هزیمت

معنویای که بر دوش آن ملت سنگینی خواهد کرد، شاید از همه این خسارتها بالاتر است.

امروز بیش از صدوپنجاه سال و نزدیک به دویست سال از قرارداد ننگین ترکمانچای میگذرد. هر ایرانی که آن تاریخ را بخواند، بعد از گذشت نزدیک به دو قرن، در روح خود احساس شرمساری، حقارت و شکست میکند و از خود میپرسد: چطور در حادثه‌ای به آن عظمت، سردمداران کشور قادر نشدند عزم ملی و سرمایه‌های مادی و معنوی کشور را به کمک هویت ملی این کشور به میدان بیاورند؟! لشکر مهاجم دشمن تا قلب کشور آمد؛ بعد با التماس و درخواست و پیشکش دادن و وساطت دشمنان دوست‌نما و خسارتهای فراوان ملی و آن اهانت‌هایی که به ملت ایران شد، قبول کرد که قدری عقب بنشیند، در حالیکه هفده شهر قفقاز را از ایران گرفته و کشور را از بخشی از پاره تن خودش محروم کرده بود! امروز هم که شما این حادثه را در ذهن خودتان یا در کتاب تاریخ مرور کنید و ببینید بر ملت ایران در آن حادثه تلخ چه گذشت، احساس خجلت و احساس سرافکنندگی و ذلت میکنید. همین طور شبیه این، در حوادث جنگ بین‌الملل دوم، همین شهر تهران محل خودنمایی و پُز دادن افسران کشورهای مختلف شد که در خیابانها راه بروند، به ایرانی با چشم تحقیر نگاه کنند، از او کار بکشند، به او اهانت و به نوامیس او تجاوز کنند. این یک نوع بود، آن نوع دیگری بود. اینها نشانه یک خسارت بزرگ برای یک ملت در یک جنگ است.

در جنگی که در سال ۱۳۵۹ در این کشور رخ داد، همه این حوادث ممکن بود. آنهایی که میخواستند قطعه‌ای از خاک ایران را از ایران جدا کنند، هدفشان فقط این نبود که ایران را از آنچه که هست، قدری کوچکتر کنند. هدف این بود که این ملت را برای قرن‌ها - حداقل یک قرن، دو قرن - با احساس حقارت سر جای خود بنشانند. و در مردمی که جرأت کرده بودند مقابل امپراتوری عظیم استکبار جهانی قیام کنند؛ برخلاف همه عرفهای بین‌المللی، یک حکومت صددرصد مردمی را که به هیچ قدرتی در دنیا باج نمیدهد، سر کار بیاورند، روحیه شجاعت و خودباوری را بمیرانند. آنچه که برای آنها غایت مطلوب بود، این بود. و این میشد. اگر آن کاری که رزمندگان کردند، آن کاری که خانواده‌ها کردند، آن کاری که بسیج عمومی ملت کرد، آن کاری که گزارشگران این صحنه‌های شرف کردند و در مقابل چشم مردم قرار دادند و آن کاری

که آن سلسله‌جنبان همه این افتخارها کرد؛ نمی‌بود، همین میشد؛ تردید نداشته باشید. قطعه‌ای از خاک ایران را می‌گرفتند، بعد با قدری چک و چانه مقداری از آن را پس میدادند و منت هم سر ملت ایران می‌گذاشتند - البته در طول سالهای متمادی و قطعاً بیش از هشت سالی که جنگ طول کشید این کار را میکردند - بعد ملت ایران هر وقت به آن منطقه از کشور خود مینگریست، احساس حقارت میکرد!

این که شما دیدید پشت سر عراق، غرب یکپارچه قرار گرفت؛ شوروی و تمام اروپای شرقی یکپارچه قرار گرفتند؛ عربهای خلیج فارس و حکومت‌های خلیج فارس که تابع اشاره امریکا بودند، یکپارچه قرار گرفتند و همه به عراق کمک کردند؛ هدفشان این نبود که چند شهر را از ایران بگیرند و به عراق بدهند یا یک دولت مستقل درست کنند. هدف، نابود کردن ملت ایران بود. هدف، صاف کردن آن حفره‌هایی بود که ملت ایران در دستگاه اقتدار امپراتوری استکبار به وجود آورده بود. اما خدا نخواست. «خدا نخواست»، یعنی چه؟ یعنی اگر آحاد ملت ایران غفلت میکردند و میخواستند؛ رزمندگان به جبهه نمیرفتند؛ امام نمی‌گزید و سینه سپر نمیکرد و نمایستاد و این همه استعداد و نیرو در این راه بسیج نمیشد؛ باز هم خدا همین‌طور میخواست؟ نه، اراده خدای متعال به نفع یک ملت، تابع اراده آن ملت است. هیچ حقیقت و واقعیتی در متن زندگی یک ملت به اراده‌ی الهی تغییر پیدا نمیکند؛ مگر وقتی که خود آن ملت بر آن همت بگمارد. این صریح آیات قرآنی و جزو معارف قطعی دینی است.

این خسارتی که بنا بود به وجود آید - و اگر عزم ملی و تدبیر و خردمندی سردمداران و مسؤولان کشور و اخلاص و جدیت کسانی که در این راه قدم گذاشتند، نمی‌بود، قطعاً این پیش می‌آمد - با این عزم ملی و با این ایمان، تبدیل به یک فرصت شد. آری؛ ما در جنگ، بسیار جانهای عزیز را از دست دادیم و خسارتهای مادی و معنوی زیادی هم تحمل کردیم؛ اما چیزی در دل این ملت جوشید که برکات و ارزشش برای امروز و فردای این ملت، از همه چیز بالاتر است و آن، احساس اتکاء به نفس، احساس عزت، احساس استقلال، احساس خودباوری ملی عظیم و احساس اعتقاد به این بود که اگر یک ملت حول محور ایمان به خدا و عمل صالح جمع شوند، معجزات نشدنی یکی پس از دیگری قابل شدن خواهد شد. این در زندگی ما اتفاق افتاد.

عزیزان من! آنچه که این قضیه را تمام میکند، این است که روایت این حادثه به درستی صورت گیرد. نقش شما این جا معلوم میشود. شما هر کدامتان - شاید اکثرتان یا همه‌تان - به این میدانهای جنگ رفتید و در آن جا حضور پیدا کردید. آنهایی هم که سانشان آن وقت اقتضاء نمیکرده است، از مسائل آن آگاه شده‌اند. اگر این حادثه بزرگ، درست روایت شود، این اثرات ماندگار خواهد شد. اگر غلط روایت شود، یا روایت نشود، این تأثیرات بسیار کم خواهد شد. نه این که به کلی از بین برود؛ لیکن بسیار کم خواهد شد. اگر خدای نکرده مغرضانه روایت شود، قضیه بعکس خواهد شد.

این هشت سال دوره دفاع مقدس، شامل هزاران هزار حادثه است. من میخواهم این را از جامعه فرهنگی و هنری کشور مطالبه کنم که از این هزاران هزار حادثه، لاقلاً یک فهرست تهیه کنند. بنشینند فکر کنند و در حوادث جنگ، دقت نظر هنرمندانه به خرج دهند؛ یک فهرست از این حوادث به وجود آورند؛ بعد این را بگذارند در قبال کارهای هنریای که تا امروز درباره‌ی جنگ شده است - که البته بسیار هم ارزشمند است - ببینند که چقدر از این فهرست را ما پُر کرده‌ایم. من اعتقاد این است که اگر این کار صورت گیرد، خواهیم فهمید که ما یک هزارم آنچه را که درباره این جنگ میباید تبیین کرد و میتوان تبیین و موشکافی کرد، هنوز بیان نکرده‌ایم!

من غالب آثار هنری جنگ را یا دیدم یا شنیدم؛ البته در این سالهای اخیر کمتر. در دوره جنگ و سالهای اوایل بعد از جنگ، غالب این نوشته‌ها و روایت‌های تصویری و روایت‌های سینمایی و غیره را غالباً یا دیدم یا گزارشی از آنها به دست آوردم. قطعاً آثار باارزشی در بین اینها وجود دارد؛ لیکن همه اینها در مقابل آن گنجینه عظیمی که در این دفاع هشت ساله به وسیله ملت ایران به وجود آمد، چیز کمی است.

همه جنگ، داخل جبهه‌ها نیست. بسیاری از مسائل جنگ، داخل خانه‌هاست؛ در راه‌هاست؛ داخل دلهاست؛ در مجموعه‌های تصمیم‌گیری است؛ در مجامع بین‌المللی است. ببینید؛ ما در دوره جنگ، از طرف مجامعی که ادعا میکردند در مسائل جهانی بی‌طرفند، در مقابل یک اعمال غرض‌واضحی قرار گرفتیم. ادعاهای بسیار بزرگی هم میکردند. کسانی که امروز شما میبینید درباره سلاحهای کشتار جمعی و سلاحهای شیمیایی و میکروبی و از این حرفها داد سخن میدهند و جزو مسائل واضح می‌شمرند،

اینها به رژیم عراق و ارتش عراق سلاح شیمیایی دادند؛ برایش ساختند و یا امکان ساخت آن را برایش فراهم کردند. دو قطب بزرگ دنیای آن روز - یعنی قطب امریکا و قطب شوروی سابق - مشترکاً با همه ساز و برگشان به کمک عراق آمدند. اینها کجا و در کدامیک از این آثار هنری ما درست تبیین و تشریح شده است؟

من بارها گفته‌ام، ما یک وقت میخواستیم برای جبهه‌ها سیم خاردار - که در داخل کشور نداشتیم و تولید نمیشد - از جایی وارد کنیم. همین شوروی سابق اجازه نداد ما سیم خاردار را از داخل کشور عبور دهیم و به ایران بیاوریم. گفت این وسیله جنگی است! یعنی ادعا این بود که آنها به دو طرف جنگ کمک نمیکنند! این در حالی بود که هواپیمای روسی، موشک روسی، کارشناس روسی، افسر روسی، مواد منفجره روسی و تمام امکانات روسی، آن طرف جبهه در اختیار دشمن و طرف مقابل ما در این جنگ بود!

همین اروپای به اصطلاح طرفدار حقوق بشر و در مقام صحبت، با نزاکت و ادب و اتو کشیده - چه قسمت شرقیشان؛ همین یوگسلاوی فعلی و بقیه کشورهای بلوک شرق آن روز، و چه قسمت غربیشان؛ یعنی همین آلمان و بقیه - آنچه توانستند، به عراق کمک کردند، ولی حاضر نبودند ساده‌ترین چیزها را به ایران بفروشند. اگر یک وقت هم از طرقی دولت جمهوری اسلامی میتوانست چیزهایی را از اینها بگیرد، با چند برابر قیمت و با زحمت میتوانست به دست آورد! البته هدفشان معلوم بود - من اول عرض کردم - بحث بر سر این بود که این عزت ملی که به وسیله حرکت عظیم انقلابی مردم ایران به وجود آمده است، باید از بین برود. رخنه‌ای که به وسیله انقلاب در اقتدار فرهنگ غربی و سلطه غربی و نظام سلطه جهانی به وجود آمده است، باید پر شود. هدف آنها این بود؛ به هر حال به این سیاست رسیده بودند. اینها کجای آثار هنری ما، در کدام فیلم یا نمایشنامه یا بقیه آثار هنری منعکس شده است؟ آیا قابل انعکاس نیست؟ آیا برای نسلهای آینده ایران تجربه آموز نیست؟

امروز ما میبینیم وقتی که راجع به دفاع مقدس و جنگ هشت ساله و این عظمت مطلق که ملت ایران آفرید، صحبت میشود - که مهمترین موضوع هنری است و یک هنرمند درباره این گونه شکوه‌های ملی، خوب میتواند قلم‌فرسایی یا میداننداری کند -

بعضی از آثار در گوشه و کنار پیدا میشود که نه فقط عظمت را نمیبینند؛ میگردند یک نقطه ضعفی، یا واقعی، یا حتی پنداری، پیدا میکنند و آن را مورد مذاقه قرار میدهند! هدف از این کارها چیست؟ چرا باید ما این فرآورده‌ی عظیم ملت ایران را ندیده بگیریم؟! این خدمت به ملت ایران است که در تهاجمی که به مرزهای او، به شخصیت او، به عزت او، به تاریخ او، به هویت ملی او شده است - این گونه مردانه ایستاده و این طور شجاعانه دفاع کرده - ما بیاییم آن را زیر سؤال ببریم؛ آن هم با زبان هنر؟! این کارها را میکنند. اینها به نظر من تصادفی هم نیست؛ یعنی نمیشود گفت حالا یک هنرمند به این فکر افتاده که میشود این گونه عمل کرد؛ نه. به نظر من غیرعادی می‌آید. البته تقصیر از مسؤولان و سردمداران مسائل هنری و فرهنگی کشور است؛ آنها هم باید سازماندهی کنند؛ باید کار کنند.

این ملت آنچه که داشت، در طبق اخلاص گذاشت و آمد. مرد روستایی و زن روستایی، مرد و زن مستضعف شهری، خانواده‌های گوناگون، جوانهای فراوان، قشرهای مختلف، سازمانهای رزمنده کشور - ارتش، سپاه، حتی نیروی انتظامی و بسیج عظیم مردم - همه اینها آمدند وارد میدان شدند. حقیقتاً ملت ایران در آن هشت سال، کار بزرگی را انجام داد. در تاریخ این چندین قرنی که میتواند به مسائل امروز ما متصل شود، بنده سراغ ندارم که ملت ایران این گونه با طوع و رغبت وارد یک ماجرای عظیم نظامی شده باشد و از دل و جان مایه گذاشته باشد؛ با ایمان خود، با عاطفه خود، با دست خود. در دورانهای مختلف، حتی در دوران صفویه که جنگهای بزرگ و کارهای بزرگی هم شد، این چیزهایی که امروز ما مشاهده میکنیم، اصلاً وجود نداشته است. دلایل روشنی هم دارد؛ نه این که نشود اینها را تحلیل کرد؛ معلوم است چرا. به هر حال این پدیده در تاریخ ایران ما یک پدیده حقیقتاً بی‌نظیر؛ یا اگر احتیاط کنیم، بگوییم کم‌نظیر بود. این پدیده به این بزرگی، آن هم با این همه شکوه و با این همه زیبایی. چه موضوعی برای یک هنرمند از این جذابتر؟

آثار بزرگ هنری دنیا را نگاه کنید؛ بسیاری از آنها بر روی قهرمانیهای ملتها متمرکزند؛ حتی آنجایی که شکست خوردند. در لشکرکشی ناپلئون به روسیه، دو نفر روایتگر بزرگ هنری، این ماجرا را روایت کردند: یکی فرانسوی است که ویکتور هوگوست؛ یکی روسی است - طرف شکست خورده، که اول کار شکست خورد - که تولستوی است.

آن طرف پیروز طبعاً گزارشهایی را ممکن است بدهد؛ اما شما ببینید، در این کتاب آن طرف شکست خورده، شکست را آن چنان تصویر میکند که مایه غرور و سربلندی ملت است. یعنی در حرکت ملت، آن نقاط ارزشمندی را که یک هنرمند میتواند ببیند، اینها را بیرون میکشد، برجسته میکند، رنگ و روغن میزند و جلو چشمها میگیرد.

ما در این ماجرای هشت ساله، یک پیروزی مطلق به دست آوردیم. ما که جنگ را شروع نکرده بودیم که بگوییم فلان جا را میخواستیم بگیریم، نتوانستیم، پس ناکام شدیم؛ قضیه این نبود. قضیه این بود که دشمنی به ما حمله کرده بود و میخواست بخشی از خاک ما را بگیرد؛ همه دنیا هم به او کمک کردند؛ ما هم مردانه ایستادیم؛ ناکام شد و بینی‌اش به خاک مالیده شد و برگشت. پیروزی از این بالاتر؟ این پیروزی را با همین ابعاد، با همه خصوصیتی که در آن وجود دارد، با همه آن هزاران هزار ماجرای که آن را به وجود آورده است، ما باید روایت کنیم. این کار هنرمندان عزیز ماست؛ کار نویسندگان است؛ کار سینماگران است؛ کار شاعران است؛ کار نقاشان است؛ کار اصحاب فرهنگ و هنر است.

امروز کار عده‌ای که به میدان جنگ رفتند و در این هشت سال، آن حماسه را آفریدند - چه شهیدایشان، چه ایثارگانشان، چه رزمندگانمان - دیگر تمام شد. آنها کار خودشان را کردند. پس از پایان کار آنها، کار یک خیل عظیم دیگری آغاز میشود؛ علاوه بر گزارشهایی که در دوران جنگ دادند. همین دوره جنگ، چقدر برای ما هنرمند درست کرد؛ چقدر شخصیت‌های برجسته درست شدند! غیر از آن، بعد از پایان جنگ، نوبت این خیل عظیمی است که این دیگر مسأله‌اش هشت سال نیست؛ هشتاد سال هم اگر طول بکشد، جا دارد.

بحث را طولانی نکنم. از همه عزیزانی که در عرصه فرهنگ و هنر، به این ملت، به این کشور و به خاطره باشکوه جنگ خدمت کرده‌اند، صمیمانه و مخلصانه تشکر میکنم. امیدوارم که خداوند از همه شما قبول کند و شما را موفق بدارد و همه‌ی خواهران و برادران عزیز مشمول هدایت و توفیق الهی باشند و آن دین عظیمی که بر دوش همه ماست، ان شاء الله بتوانیم در مقابل این ملت و در مقابل این تاریخ آن را ادا کنیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای قم

| ۱۳۷۹/۰۷/۱۵ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی همچنین امروز جمعه با حضور در گلزار شهدای قم، ضمن قرائت فاتحه به مقام شامخ شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ادای احترام کردند.

به هنگام حضور مقام معظم رهبری در گلزار شهدای قم جمعی از خانواده‌های شهدا و مردم این شهر که در گلزار شهدا حضور داشتند، با دیدن حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به ابراز احساسات پرداختند.

دیدار افتخار آفرینان جانباز و معلول شرکت کننده
در مسابقات پارالمپیک سیدنی با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۹/۰۸/۱۲ |



حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر امروز افتخار آفرینان کاروان ورزشی جانبازان و معلولان شرکت کننده در مسابقات پارالمپیک سیدنی را به حضور پذیرفتند و از این افتخار آفرینان تجلیل کردند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در این دیدار در سخنانی ضمن قدردانی از زحمات و موفقیت‌های اعضای این کاروان ورزشی، تأکید کردند: عامل اصلی موفقیت‌های چشمگیر و افتخارات ورزشکاران جانباز و معلول در میدانهای ورزشی، با وجود نقص جسمانی، وجود غیرت دینی و انقلابی در کنار آمادگیهای دیگر است.

مقام معظم رهبری، عزم و اراده ناشی از ایمان دینی و انقلابی را رکن اساسی موفقیتها در عرصه‌های مختلف جامعه دانستند و افزودند: جانبازان ورزشکار با پیروزیهای درخشان خود در میدانهای ورزشی، همانند افتخار آفرینیهای دوران دفاع مقدس، بار دیگر نقش ارزشها و پایبندی به آنها را در کسب موفقیتها به اثبات رساندند.

ایشان اعتقاد به ارزشها و عزم ناشی از ایمان دینی و انقلابی را روح و اساس تمام امور بشر برشمردند و تصریح کردند: مسؤولان ورزشی کشور باید گسترش این روحیه را در تمام بخشهای ورزشی و مسؤولان آنها مورد توجه جدی قرار دهند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین بر لزوم توجه بیش از پیش به مسایل ورزشی جانبازان تأکید کردند.

پیش از سخنان مقام معظم رهبری، آقای خسروی وفا رئیس فدراسیون ورزشهای جانبازان و معلولین، گزارشی از پیروزیهای کاروان ورزشی ذوالفقار در مسابقات پارالمپیک سیدنی بیان کرد.

همچنین در این دیدار جانبازان و معلولان عضو کاروان ورزشی ذوالفقار هدایای خود را از دست مقام معظم رهبری دریافت کردند.

در ابتدای این دیدار، جانبازان و معلولان عضو کاروان ورزشی نماز مغرب و عشاء را به امامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اقامه کردند.

دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای استان مرکزی
با رهبر انقلاب

۱۳۷۹/۰۸/۲۴



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر امروز در جمع خانواده‌های شهداء و ایثارگران استان مرکزی، از شهداء، به عنوان صادقترین، شجاعترین و برجسته‌ترین انسانهایی که در صفوف مقدم ایثارگری قرار داشتند، یاد و تصریح کردند: شهیدان با ایثارگری و نثار جان خود، حقایق و فضیلت‌هایی را که در دنیای مادی در حل فراموشی بود، بار دیگر احیاء کردند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به ایثار و فداکاری اهل بیت پیامبر اسلام علیهم السلام بویژه حضرت زهرا و حضرت سیدالشهداء علیهما السلام برای احیای فضیلتها و ارزشهای انسانی در عالم، ایثار و فداکاری شهیدان را در همین مسیر ارزیابی کردند و افزودند: شهیدان بهترین و ارزشمندترین الگو برای ملت ایران بویژه جوانان هستند.

ایشان با اشاره به قیام ملت ایران برای احقاق حقوق خود و تشکیل نظام اسلامی و توطئه‌های گوناگون استکبار جهانی برای مقابله با این نظام تأکید کردند: این ملت برای حفظ هویت و ارزش تاریخی خود راهی جز مقاومت در مقابل دشمن نداشته است.

مقام معظم رهبری خاطر نشان کردند: شهیدان در صفوف اول این مقاومت قرار داشتند و همواره شاهد و ناظر حرکت جامعه و ملت ایران به سوی سعادت و کمال و سهمیم در این حرکت خواهند بود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سختیها و رنجهای جانبازان، آزادگان و خانواده‌های آنان و همچنین خانواده‌های شهداء و مفقودین را ذخیره و پشتوانه‌ای معنوی برای آنان و ملت ایران دانستند و تصریح کردند: هیچ ملتی بدون سرمایه و گوهر معنویت به کمال نمی‌رسد و آن حرکتی که بدون پشتوانه معنویت و ایمان به خدا باشد، متوقف خواهد شد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در همین زمینه افزودند: باید مراقب این ذخیره معنوی گرانبها بود زیرا حفظ این پشتوانه معنوی، جهاد اکبر و بسیار سخت‌تر از جنگ با دشمن و جهاد اصغر است.

ایشان همچنین با انتقاد از افراد بی‌اطلاعی که تلاش دارند حماسه‌های دوران دفاع مقدس و ایثارگریهای شهیدان و رزمندگان اسلام را زیر سؤال ببرند، خاطرنشان کردند: اگر این جوانان پرشور بسیجی و نیروهای ارتش و سپاه با جان خود در مقابل دشمن مقاومت نکرده بودند، امروز ملت ایران باید از کوتاه آمدن در مقابل دشمن، احساس شرمساری و خجالت می‌کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به حضور جوانان پرشور و داوطلب بسیجی در جامعه همچون دوران دفاع مقدس، بسیجی بودن را یکی از بزرگترین ارزشها دانستند و تصریح کردند: هر یک از آحاد قشرهای مختلف جامعه که دارای روحیه احساس مسؤولیت و ایمان باشد، بسیجی است که این روحیه باید بیش از پیش در جامعه تقویت شود.

در این دیدار پیش از سخنان مقام معظم رهبری، حجت‌الاسلام مؤذنی رئیس بنیاد شهید استان مرکزی در سخنانی با اشاره به ایثار و فداکاری مردم این استان در طول انقلاب اسلامی بویژه دوران دفاع مقدس گفت: استان مرکزی پنج هزار و ششصد شهید و ۱۴ هزار جانباز و هشتصد و پنجاه آزاده تقدیم انقلاب کرده است.

در این مراسم همچنین فرزند یکی از شهدای استان مرکزی متن زیبایی را به نمایندگی از فرزندان شهداء قرائت و بر پایداری خانواده‌های شهدا و فرزندان آنان در ادامه راه شهیدان تأکید کرد.

دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا و ایثارگران و تعدادی
از کارگران شهرستان ساوه با رهبر انقلاب

۱۳۷۹/۰۸/۲۸



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر امروز در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا و ایثارگران و همچنین تعدادی از کارگران شهرستان ساوه، خانواده‌های شهدا، جانبازان، آزادگان و ایثارگران را بهترین سرمایه‌های کشور برشمردند و تأکید کردند: در هر برنامه‌ای، سرلوحه فکر، اندیشه و دستورالعمل اجرا و برنامه‌ریزی دولت، مجلس، دستگاه قضایی و همه مسؤولان باید گرامیداشت این سرمایه‌های عظیم باشد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به ایثار و فداکاری رزمندگان اسلام در دوران دفاع مقدس افزودند: مخلص‌ترین، هوشمندترین و بهترین عناصر نسل جوان کشور، آن جوانانی هستند که به هنگام نیاز کشور به فداکاری، در خط مقدم ایثارگری قرار گرفتند.

ایشان ایثارگری و فداکاری ایثارگران و خانواده‌های شهدا را ذخیره‌ای معنوی برای آنان و جامعه دانستند و با تأکید بر لزوم مراقبت از این ذخیره معنوی خاطرنشان کردند: یاد و نام اسلام و محبت به خاندان پیامبر(علیهم السلام) بود که چنین صحنه‌های باشکوهی را در دوران دفاع مقدس آفرید.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تصریح کردند: در طول تاریخ جز برهه‌ای از صدر اسلام، هیچ مجموعه‌ای را نمی‌توان یافت که به عظمت و شکوه خانواده‌های شهدا در دوران انقلاب

اسلامی باشد.

ایشان در بخش دیگری از سخنان خود با قدردانی از زحمات کارگران در عرصه کار و تلاش، آنان را به کسب مهارت‌های لازم و آگاهی در کار، وجدان کاری بیش از پیش و انجام درست کارها توصیه فرمودند.

در این دیدار پیش از سخنان مقام معظم رهبری، فرزند یکی از شهدای شهرستان ساوه، متن زیبایی را در وصف شهدا قرائت کرد و خواستار دیدار با رهبر معظم انقلاب اسلامی شد که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای وی را مورد محبت قرار دادند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین امروز با حضور در مرقد حضرت اشموئیل یکی از پیامبران الهی، که در نزدیکی ساوه قرار دارد، مرقد مطهر این پیامبر را که از نوادگان حضرت ابراهیم (ع) است، زیارت کردند.

خاطر نشان می‌شود، رهبر معظم انقلاب اسلامی در پایان سفر پنج روزه خود به استان مرکزی امشب به تهران بازگشتند.

دیدار جمعی از پزشکان و پیراپزشکان و
مدیران بهداری دوران دفاع مقدس با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۹/۰۹/۱۰ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر امروز در دیدار جمعی از پزشکان، پیراپزشکان و مدیران بهداری دوران دفاع مقدس، ضمن تجلیل از ایثار و فداکاری گروه‌های پزشکی در دوران دفاع مقدس، به تأثیر یاد و ذکر نمادهای فداکاری و از خود گذشتگی در زندگی فردی و اجتماعی انسانها اشاره و تصریح کردند: باید روحیه حزب‌اللهی، ایثار، آمادگی برای حضور در میدانهای دشوار و فدا کردن منافع شخصی در مقابل منافع بزرگ و آرمانی جمعی، همواره در جامعه حفظ و ارج نهاده شود.

مقام معظم رهبری، پیشرفت و سعادت هر کشور و جامعه‌ای را در گرو فداکاری و حضور در میدانهای دشوار دانستند و خاطر نشان کردند: ایثار، جانفشانی و حماسه رزمندگان اسلام و نیروهای پشتیبان آنها در دوران دفاع مقدس، سرمایه بزرگی برای نظام جمهوری اسلامی ایران و پایه مستحکم این نظام است.

ایشان با انتقاد از برخی تلاشها برای تخطئه روحیه ایثار و فداکاری و ارزشهای اسلام و انقلاب و جلوه دادن منکرات به عنوان معروف و معروفها به عنوان منکر تصریح کردند: رسیدن به هدفهای بزرگ مادی و معنوی برای کشور، با حفظ روحیه از خود گذشتگی و ایثار در جامعه و عمق بخشیدن به آن امکان‌پذیر است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر لزوم مقابله با هرگونه تلاش برای کمرنگ کردن ارزشهای انقلاب و دوران دفاع مقدس خاطرنشان کردند: تنها راه رهایی بشریت از ظلم و ستم قدرتهای بزرگ، اعتقاد به راه اسلام و ایمان به خدا و حاکمیت دین خدا است و مکاتب دیگر در تأمین سعادت انسان ناکام مانده‌اند.

در این دیدار که سردار سرلشکر رحیم صفوی فرمانده کل سپاه پاسداران و آقای دکتر فرهادی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز حضور داشتند پیش از سخنان مقام معظم رهبری، آقای دکتر عرب مسؤول بسیج جامعه پزشکی، بر پایبندی بسیجیان کادر پزشکی کشور به آرمانهای انقلاب و امام (ره) و آمادگی برای دفاع از این آرمانها در هر شرایطی تأکید کرد.

خاطر نشان می‌شود در این دیدار هفتصد نفر از گروههای پزشکی فعال در دوران دفاع مقدس، در جبهه‌های نبرد حضور داشتند.

در پایان این دیدار حاضران، پس از اقامه نماز جماعت مغرب و عشا به امامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، روزه خود را به همراه ایشان افطار کردند.

دیدار جمعی از خانواده‌های سرداران و امیران
شهید ارتش و سپاه با رهبر انقلاب

| ۱۳۷۹/۱۰/۰۳ |



جمعی از خانواده‌های سرداران و امیران شهید ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی در فضایی آکنده از مهر و محبت و معنویت با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند.

در این دیدار دو ساعته مقام معظم رهبری ضمن ابراز محبت به خانواده‌های شهدا، از وضعیت زندگی همسران، پدران و مادران و وضعیت تحصیل فرزندان این شهدا جويا شدند و ضمن قدردانی از صبر و استقامت این خانواده‌ها، برای موفقیت‌آنان در عرصه‌های مختلف و علو درجات شهد ایشان دعا کردند.

خانواده‌های هشتاد سردار و امیر شهید ارتش، سپاه و نیروی انتظامی نیز در حالی که بشدت تحت تأثیر فضای معنوی این دیدار قرار گرفته بودند، ضمن ابراز احساسات خالصانه و گرم، بر ادامه راه شهیدان و حراست از میراث شهدا تأکید کردند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جمع خانواده‌های شهدا در سخنان کوتاهی با اشاره به ایثار و فداکاری شهدا برای دستیابی کشور و ملت ایران و همچنین جامعه بشری به هدفهای بسیار بزرگ و با ارزش اسلام تأکید کردند: مهمترین وظیفه خانواده‌های شهدا پاسداری از شان بلند مرتبه شهید است.

ایشان حرکت عظیم ملت ایران و موفقیت این ملت در برافراشتن پرچم اسلام را در جهان ویژگی و امتیازی خاص برشمردند و خاطرنشان کردند: بر همین اساس شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس دارای ارزش و جایگاه بسیار والایی هستند.

مقام معظم رهبری با تأکید بر این که اثر خون شهدا هیچگاه از بین نخواهد رفت، تصریح کردند: عزت و سربلندی و استقلال ایران اسلامی مرهون خونهای شهدا و اراده مستحکم امام بزرگوار است.

در پایان این دیدار، نماز مغرب و عشاء به امامت حضرت آیتالله خامنه‌ای اقامه شد. حاضران به همراه رهبر معظم انقلاب اسلامی روزه خود را افطار کردند.

بیانات در دیدار اعضای گروه تفحص شهدا

۱۳۷۹/۱۲/۲۰



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

برادران و خواهران عزیز! خیلی خوش آمدید. از همه‌ی شما عزیزان به خاطر زحمات بارزش و خطیری که بر عهده گرفته‌اید، صمیمانه تشکر میکنم. از همسران محترمتان هم صمیمانه تشکر میکنم. یقیناً مردانِ کار، بخش مهمی از موفقیت‌های خودشان را مدیون همسران فداکار و باگذشتِ خود هستند. ان‌شاءالله همه‌ی شما مشمول لطف الهی و مورد توجه خاصّ ارواح طیبه‌ی شهدای عزیزمان باشید. از خانواده‌های عزیز شهیدان هم که اظهار لطف کردند و تشریف آوردند، صمیمانه تشکر میکنم و از خداوند متعال برای ارواح طیبه‌ی همه‌ی شهدا، بخصوص شهیدان این راه پُرازش - که شما در آن مشغول حرکت هستند - خصوصاً شهید عزیز اخیر، علو درجات و همنشینی با صالحان و اولیا و ائمه را مسألت میکنم.

کار شما، کار مهمی است. همان‌طور که برادر عزیزمان اشاره کردند، این کار دارای منافع و آثار بسیار حائز اهمیتی است. از جمله چیزهایی که یک کار را در پیشگاه خداوند فضیلت میدهد، این است که اهمیت آن کار از نظر بینندگان، آن‌چنان آشکار نباشد. بعضی کارها پُرسروصداست و همه‌ی افراد اهمیت آن را میفهمند؛ اما در بعضی از کارها زحمت و تلاش و فداکاری وجود دارد و بسیاری از مردم نمیفهمند که این کار چقدر

حائز اهمیت است. چنین کاری پیش خدای متعال فضیلت بیشتری دارد.

از جمله چیزهای دیگری که یک کار را ارزش میبخشد، این است که آن کار دارای خطر باشد؛ همچنین استمرار و تداوم در آن کار لازم باشد. همه‌ی این خصوصیات در کار شما وجود دارد. کار شما، کار بیریا و بیسروصدایی است. وقتی مردم، صد شهید را تشییع میکنند، کسی نمیفهمد که برای پیکر پاک هر شهید چقدر رنج و چقدر حوصله به کار رفته تا استخوانهای مطهر و نشانه‌های بدنش با آن همه مشکلات بیرون آمده و در این تابوتِ جاسازی شده در اختیار مردم قرار گرفته است. این رنج را شما میفهمید. کار شما همچنین پُر خطر است. شما در این چند سال تعداد زیادی شهید دادید - چهل و هفت شهید در این راهی که هیچ کس خیال نمیکند شهادتی در آن باشد - و باب شهادت را در این جا باز نگه داشتید.

آثار و برکات این کار هم -همان طور که برادرمان اشاره کردند- بسیار زیاد است: هم فضای جبهه و جهاد و شهادت و فداکاری را زنده نگه میدارد، هم مشکلات و نگرانیها و دغدغه‌های خانواده‌های مفقودالائرها را برطرف میکند. چقدر سخت است که خانواده‌ای مفقودالائرها داشته باشد. خانواده‌ای که نمیداند جوانش زنده است یا نه، هر لحظه برایش مثل شب عملیات است. دائم در حال نگرانی است که آیا زنده است، آیا شهید شده، آیا زنده خواهد ماند، آیا او را خواهند دید؟ وضع خانواده‌های شهدا بسیار بهتر از خانواده‌های مفقودالائرهاست. شما دغدغه‌های اینها را برطرف میکنید.

خیل عظیم کاروان شهدا وقتی وارد شهرها میشود، عطر معنویّت و فضیلت و شهادت را در اعماق فضای آن شهر و آن منطقه نفوذ میدهد. این هم بسیار اهمیت دارد. علاوه بر اینها، شما یک کار نمادین میکنید. این که شما از روی جسدِ علی‌الظاهر پنهان شده‌ی یک شهید، غبارها و خاکها را برطرف میکنید و آن را می‌آورید سر دست میگیرید، یک معنای نمادین و رمزی دارد. معنایش این است که علی‌رغم کسانی که میخواهند مسأله‌ی شهادت و شهید و فداکاری را زیر غبارها و خاکها پنهان کنند، شما نمیگذارید این کار انجام شود.

ان شاء الله خدای متعال به همه‌ی شما اجر دهد و اجر خواهد داد. این کار را ادامه دهید تا به پایان برسد. اجر شما پیش خداست. البته تشکر زبانی ما از شما فقط به معنای اظهار اخلاص خود ماست؛ والا پاداش زحمات شما پیش خداست. ان شاء الله خدای متعال به شما اجر دهد. ما سفارش میکنیم که مسؤولان، کمکهای خود را ادامه دهند و تلاش کنند که این کار به بهترین وجهی انجام گیرد.

برادران و خواهران عزیز! سعی کنید کار را هرچه بهتر و مخلصانه‌تر انجام دهید. وقتی کار با اخلاص همراه شد و فقط برای ادای تکلیف و رضای الهی انجام گرفت، مثل جسمی است که روح دارد؛ اما اگر کار از این روح خالی شد، مثل جسمی است که جان ندارد. بنابراین ارزش آن از عرش به زمین تنزل میکند. کار را برای خدا و مخلصانه - همان‌طور که تا به حال بحمدالله شده است - ادامه دهید و خدای متعال به شما کمک خواهد کرد.

مطمئن باشید آن حقیقتی که بر آینده‌ی این تاریخ و این جامعه حکمرانی خواهد کرد، عبارت است از همان خطّ روشنی که سرانگشت شهدا به آن اشاره کرد. آن راهی که شهدا در آن قدم برداشتند و با عمل و فداکاری خودشان آن را برای ذهن بشریت امروز - که در ماده و فساد و تباهی و بدبختیهای خودش غرق است - مطرح کردند، خطّ حرکت به سمت سعادت بشریت، با هدایت الهی و با تلاشی برابر جان انسان است. امام شهیدان، بعد از قرن‌ها بنیانگذار و تجدید کننده‌ی این راه بود. این همان خطّی است که سرنوشت ملت ایران، سرنوشت این کشور و سرنوشت این تاریخ به آن متصل است. نمیتوانند اینها را از هم جدا کنند؛ این را مطمئن باشید؛ «للباطل جولة (۱) و للحقّ دولة» (۲) ممکن است دشمن در بوقهای تبلیغاتی خود جولانی کند؛ اما حرکت عظیم مردم، حرکتی ایمانی، در راه خدا و در جهت رضای اوست و شهدا شاخصها و سنگ نشانهای این راهند. شما اینها را احیاء میکنید؛ ان شاء الله خداوند دل‌های شما را احیاء خواهد کرد.

امیدوارم ان شاء الله همه‌ی شما - خانواده‌هایتان و بخصوص خانواده‌های معظّم شهدا - مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی امام زمان ارواحنا فداه قرار گیرند.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

حضور رهبر انقلاب در اردوی فرزندان جانبازان

| ۱۳۸۰/۰۴/۲۰ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی امروز با حضور در مجموعه فرهنگی ورزشی شماره ۱ امام خمینی(ره) از نزدیک در جریان فعالیتهای تابستانی فرزندان جانبازان قرار گرفتند. مقام معظم رهبری پس از ورود، در جمع فرزندان جانباز در کلاسهای انس با قرآن ولایت و رهبری شیمی فیزیک سفالگری و زیست حاضر شدند و در فضایی صمیمی ضمن گفتگو با دانش‌آموزان و معلمان آنان از نزدیک با فعالیتهای قرآنی، علمی و تجربی فرزندان جانبازان آشنا شدند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین در محل چادرهای مجموعه فرهنگی ورزشی امام خمینی حضور یافتند و فرزندان جانبازان را مورد تفقد قرار دادند. ایشان سپس با حضور در جمع صدها نفر از فرزندان جانبازان، معلمان و مسؤولان مجموعه فرهنگی ورزشی امام خمینی ضمن پاسخگویی به ابراز احساسات آنان، سخنان کوتاهی بیان کردند.

ایشان در سخنان خود با ابراز خرسندی از حضور در میان فرزندان جانبازان، از جانبازان بعنوان انسانهایی که در سخت‌ترین دوران کشور شرف شجاعت و تعهد خود را ثابت نمودند، یاد کردند و خطاب به فرزندان جانبازان افزودند: ما به پدران شما بعنوان شهیدان زنده انقلاب اسلامی افتخار می‌کنیم و شما نیز باید به پدران خود افتخار نمایید.

رهبر معظم انقلاب اسلامی اظهار امیدواری کردند فرزندان جانبازان با خودسازی معنوی، علمی و جسمی و حفظ روحیه نشاط و شادابی در آینده مردان شایسته ایران اسلامی و منشأ خدمات و برکات فراوان باشند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین از زحمات مسؤولان بنیاد جانبازان و مستضعفان قدردانی کردند. پیش از سخنان مقام معظم رهبری، آقای فروزنده رئیس بنیاد مستضعفان و جانبازان در سخنانی ضمن ارائه گزارشی از اردوهای تابستانی بیست هزار نفر از فرزندان جانبازان در سراسر کشور به مشکلات جانبازان و خانواده‌های آنان اشاره کرد و گفت: برغم تلاشهای فراوانی که انجام گرفته اما هنوز جانبازان و خانواده‌های آنان مشکلات و سختی‌هایی دارند که برطرف کردن آنها نیازمند تلاش مضاعف و کمک همه دستگاهها و سازمانها است.

مجموعه فرهنگی ورزشی شماره ۱ امام خمینی به وسعت ۲۷۰ هکتار در منطقه لواسانات تهران قرار دارد و امروز بهنگام بازدید مقام معظم رهبری، مسؤولین بنیاد جانبازان و مستضعفان و این مجموعه فرهنگی - ورزشی، با استفاده از ماکت توضیحات لازم را در خصوص ۳ مجموعه فرهنگی ورزشی امام خمینی در اطراف تهران، ارائه دادند.

خاطرنشان می‌شود در هر دوره اردوی تابستانی مجموعه فرهنگی ورزشی شماره ۱ امام خمینی، که به مدت شش روز است هزار نفر از فرزندان جانبازان از ۲۸ استان کشور حضور می‌یابند و در ۶ بخش، علم و تجربه، ورزش، هنر، کار و صنعت، فرهنگی و عقیدتی به فعالیت می‌پردازند.

آغاز به کار کنگره شهید باهنر با پخش سخنان رهبر انقلاب

| ۱۳۸۰/۰۶/۰۷ |



کنگره شهید باهنر با پخش سخنان مقام معظم رهبری در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره با ایشان، صبح امروز آغاز به کار کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای کنگره شهید باهنر با قدردانی از برگزاری این کنگره تصریح کردند: استعداد فراوان، عالم بودن، خوش فکری، روشنفکری، پرکاری، جدیت و پیگیری قوی از جمله ویژگیهای بارز شهید باهنر بود که او را به انسانی کم نظیر و دارای ابعاد مختلف تبدیل کرده بود.

ایشان با اشاره به گرایشهای انقلابی شهید باهنر و مبارزات وی در دوران اختناق خاطرنشان کردند: شهید باهنر علاوه بر حضور در میدانهای خطر و مبارزه، بعنوان عنصر قوی و عمیق فکری، شالوده‌ریزی عقیدتی پایه‌های نهضت اسلامی را نیز بعهده داشت.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به روحیه نوآوری و ابتکار شهید باهنر و فعالیتهای وی بمنظور تدوین کتابهای مذهبی جامع و روشنگرانه برای نسل جوان افزودند: مطالب و نوشته‌های عمیق و ارزشمند شهید باهنر تأثیر بسیار زیادی بر فضای جامعه پیش از انقلاب اسلامی داشت.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در همین خصوص خاطرنشان کردند: از جمله کارهای لازم

تدوین یک کتاب نامه توصیفی از مجموع آثار شهید باهنر است. ایشان همچنین بر لزوم تدوین کتابی جامع در خصوص شرح حال زندگی، مبارزات و فعالیت‌های علمی شهید باهنر تأکید کردند و افزودند: این کتاب باید نشان دهنده هویت و شخصیت فکری واقعی شهید باهنر باشد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پایان سخنان خود از مجاهدتها و فداکاریهای مردم متدین استان کرمان در طول نهضت اسلامی و بعد از پیروزی انقلاب و دوران دفاع مقدس قدردانی کردند.

بیانات در دیدار با اعضای کنگره بزرگداشت شهید آیت‌الله مدنی

| ۱۳۸۰/۰۶/۱۲ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اولاً خیلی متشکریم از همه‌ی دوستان عزیز، آقایان علمای محترم، مسئولین محترم که همّت گماشتید برای این کار مفید و لازم؛ و ان‌شاءالله که در همه‌ی مراحل این کار، روح با اخلاص مرحوم آیت‌الله شهید مدنی همراه و کمک کار شما باشد. و تشکر میکنیم که لطف کردید و به اینجا تشریف آوردید.

مرحوم شهید مدنی یک نمونه‌ی برجسته‌ای از یک روحانی فعّال و حائز جهات گوناگون هستند. چون روحانیت را برخلاف مشاغل و حیثیت‌های دیگری که در جامعه وجود دارد نمیشود در یک بُعد خلاصه کرد؛ مثلاً بگوییم روحانی یعنی کسی که فقط علوم مربوط به امر دین را وارد است، یا روحانی یعنی آن کسی که فقط مشغول تبلیغ دین است، یا روحانی یعنی آن کسی که فقط در ارتباط با مردم است، یا روحانی یعنی کسی که به امور دینی و مسائل روحی و خودسازی و مانند اینها خیلی توجه میکند. هر کدام از اینها به تنهایی معنای روحانی مطلوب نیست؛ روحانیت دارای همه‌ی این جوانب است. و یک روحانی خوب، روحانی واقعی، آن کسی است که در همه‌ی این جوانب یا عمده‌ی این جوانب، انسان بتواند در او یک حرکتی و فعالیتی مشاهده کند. ایشان حقیقتاً یک مصداق بارزی از روحانی کامل بودند. اولاً ایشان ملاً بود، عالم بود، فقیه بود. در قم و

نجف تحصیلات عالی‌هی فقه و اصول، همچنین معقول کرده بودند و مرد عالمی بود. آگاهانه و از روی معرفت عمل میکرد، کار میکرد، اقدام میکرد. خاصیت علم در انسان همین است که حرکات او و سکنت او عالمانه است، منطقی است؛ این خصوصیت در ایشان بود.

ثانیاً روحانی ناطق بود. در روایات داریم: بِعَالِمٍ نَاطِقٍ مُسْتَعْمِلٍ لِعِلْمِهِ. (۱) اهل بیان و تبیین بود در [بین اقش‌های مختلف؛

ایشان در میان جوانها میتوانست کاملاً با مخاطب جوان ارتباط برقرار کند. من در اوایل یا اواسط امامت جمعه‌ی ایشان به تبریز رفتم و دیدم ایشان آن چنان با جوانهای کم‌سال، بیست ساله، بیست‌ویک ساله گرم و صمیمی است که واقعاً مثل اینکه با پدرشان حرف میزنند، با برادر بزرگشان حرف میزنند! آن هیمنه‌ی علمی در رابطه‌ی ایشان با جوانها اصلاً محسوس نبود، یعنی واقعاً رابطه برقرار میکرد؛ با جوانها این جور بود.

با عامه‌ی مردم و قشرهای خیلی عمومی مردم هم باز همین جور بود. در ایامی که سوسنگرد آزاد شده بود -- در یکی از دفعاتی که سوسنگرد آزاد شده بود، بعد البته مجدداً اشغال شد -- ما به سوسنگرد رفتیم. بنده اهواز بودم، میخواستم بروم سوسنگرد، لباس نظامی تنم بود. در این بین دیدیم آقای مدنی در اهواز پیدا شد؛ از تهران آمده بودند و [بعد] آمدند سراغ ما. گفتند: کجا میروید؟ گفتیم میرویم سوسنگرد. گفتند: من هم می‌آیم. ایشان را هم با خودمان برداشتیم و رفتیم سوسنگرد و در آنجا ظهر نماز را که خواندیم، من یک قدری با مردم صحبت کردم. خب، طبعاً من فارسی حرف میزدم و نمیتوانستم نطق عربی از بر بکنم، آن هم بخصوص با لهجه‌ی عمومی و مردمی. ایشان گفت من با مردم حرف میزنم؛ و منتظر نشد، چون جمعیت مسجد بعد از اینکه من صحبت کردم، تقریباً متفرق شد؛ رفت بین مردم، یک وقت دیدیم یک جماعت عظیمی از زن و مرد را دور خودش جمع کرده و دارد با لهجه‌ی هسجه‌ی عربی با اینها حرف میزند! یک سخنرانی حسابی گرم آنجا کرد که مردم را به هیجان آورد. من یک خاطره‌ای مکرر نقل کرده‌ام: آن وقت آنجا در همان جماعت ایشان بود که مردم یک زنی را نشان دادند و گفتند او پنج یا هفت مهاجم عراقی را با چوب کشته! یعنی حرف آقای مدنی و آن شور و هیجانی که ایجاد کرده بود، همه را اصلاً به شور آورد، به هیجان آورد،

میتوانست با قشر مردم ارتباط برقرار کند.

با طبقه‌ی علما؛ در اولین سمینار ائمه‌ی جمعه که ما در قم تشکیل دادیم، همه‌ی علمای ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور و علمای بزرگ و همین شهدای معروف در آنجا بودند - علمای سنتی و شیعه - که چند نفر سخنرانی کردند. بعد آقای مدنی پا شد آنجا، آن کنج ایستاد - من آن منظره را یادم نمی‌رود - و شروع کرد صحبت کردن و اشک از چشمهای او روی محاسن شریفش همین‌طور جاری بود و حرف میزد. در روایات داریم که حضرت دعا میخواندند، اشک مثل قطراتی که از لب مشک، مشک را میبندند جاری میشود همین‌طور مرتب چک چک. این را من در چهره‌ی آقای مدنی دیدم، که همین‌طور این جریان اشک از دو چشم ایشان سرازیر بود. ایشان در آن روز تمام مجلس را منقلب کرد، ایشان این‌جوری بود.

با طبقه‌ی روشنفکر می‌نشست، جذبشان میکرد؛ با طبقه‌ی عوام می‌نشست، جذب میکرد؛ با طلبه‌ها می‌نشست؛ یعنی عالم ناطق و مبین و کسی بود که میتوانست آن ذخیره‌ای که در وجود او و در روح او، در دل پاک و نورانی او از نور معرفت و علم جمع شده بود، آن را براحتی به مخاطب خودش منتقل کند؛ این هم یک خصوصیتی بود که در ایشان وجود داشت.

عالمی بود که اهل مبارزه و دید سیاسی و بینش سیاسی بود. حالا من البته از مبارزات ایشان در سالهای دهه‌ی ۳۰ اطلاعی نداشتم، که در این نوشتجاتی که دوستان دادند، دیدم آن‌وقت هم ایشان مبارزاتی در آذرشهر و در تبریز و مانند اینها داشته‌اند که از آنها من کم‌و‌کیفاً اطلاعی ندارم؛ اما آنکه ما در مقابل چشممان مشاهده کردیم، از وقتی ایشان حدود سال ۵۰ وارد ایران شدند، تا پیروزی انقلاب، تقریباً در غالب اوقات ایشان در تبعید بود. من خودم در گنبد قابوس به دیدن ایشان رفتم. از مشهد یک جماعتی را برداشتیم، رفتیم به دیدن ایشان در گنبد قابوس. اول رفتم به یکی از شهرهای نزدیک گنبد قابوس و شب را آنجا بودیم، روز [بعد] من گفتم که دارم میروم به دیدن آقای مدنی؛ [بعد] دیدیم مردم همین‌طور آمدند که ما هم می‌آییم، ما هم می‌آییم! من در راه که میرفتیم، به جاده که نگاه کردم، دیدم یک زنجیره‌ی طولانی از ماشین پشت سرما همین‌طور دارند می‌آیند [برای] دیدن ایشان! [در حالی که] ایشان تازه

هم به گنبد قابوس رفته بودند. یعنی در آن چنان جایی که هیچ کس ایشان را در آنجا نمیشناخت؛ در این محیط نامأنوس من دیدم آن چنان مردم همین‌طور با شوق و علاقه [می‌آیند]. یک جماعتی بودیم که به منزل ایشان رفتیم؛ ایشان با آن چهره‌ی نورانی آمدند نشستند و چند کلمه‌ای صحبت کردند. یعنی دید سیاسی [داشتند] و نسبت به مسائل کشور آگاه و اهل عمل و اقدام بودند. مطلقاً دچار وحشت بشود؛ نه، مرد شجاع، صریح، آماده‌ی خطرپذیری. لذا ایشان وقتی که در نجف هم بودند، جزو کسانی بودند که شجاعتشان را در نجف هم ثابت کردند؛ یعنی در نجف آن کسی که بایستد و صریح مرجعیت امام یا اعلیّت امام را بیان بکند و تصریح بکند [خیلی شجاعت می‌خواهد]. خیلی‌ها حاضر نبودند؛ با اینکه قلباً هم ممکن بود معتقد باشند، اما حاضر نبودند؛ ایشان یکی از چند نفر معدودی بود که به مرجعیت امام و اعلیّت امام شهادت داد؛ و پخش شد. ما آن وقت در مشهد بودیم، خبرش از نجف به مشهد رسید و چقدر در قشرهای اهل علم و اهل معرفت تأثیر گذاشت که خب یک شخصی مثل آقای مدنی، این‌جور ترویجی از امام کرده بود. هم در آنجا با این اعلام صریح شجاعت نشان داد، هم در وقتی که به ایران آمدند، در مقابل دستگاه شجاعت نشان دادند. و بالاتر از همه در تبریز بود، در اوایل رفتن ایشان [به تبریز و] در آن فتنه‌ی موسوم به فتنه‌ی خلق مسلمان که یک آمیخته‌ی نفاق‌آمیزی بود از احساسات قومی و ضدّ اسلامی و در هدف، ضدیت با نظام جمهوری اسلامی. یک چنین حرکتی را درست کرده بودند و از جاهای مختلف، از نقاط مختلف مردم را به تبریز ریختند برای ایجاد آشوب و فتنه. این مرد مثل کوه ایستاد و حتی‌جانش در خطر افتاد و در آن جمعیت، در آن میدان، نزدیک بود ایشان را به شهادت برسانند؛ که خب، بعد جوانهای حزب‌اللّهی و مردم مؤمن تبریز آمدند و خودشان غائله را ختم کردند و تمام کردند. اگر ایستادگی ایشان نبود، معلوم نبود که چه میشد. ما آن روزها در شورای انقلاب بودیم و لحظه به لحظه مسائل تبریز را دنبال میکردیم و در جریان بودیم. افرادی میرفتند، می‌آمدند، با علما تماس میگرفتند، با مردم تماس میگرفتند، چه در رابطه‌ی با قم، چه با تبریز یک ارتباط دائمی بود. نقش آقای مدنی، یک نقش حقیقتاً مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در آن قضایا بود. این هم شجاعت ایشان و ورودش به میدانهای سیاسی.

و به نظر من بالاتر از همه‌ی این ابعاد و پشتوانه‌ی همه‌ی این ابعاد، خودسازی و کاری

بود که ایشان با خود و با دل خودش کرده بود؛ یعنی تا انسان خودش را در معرض نُصَح الهی قرار ندهد، به آن بهجت روحی، به آن معنویت نایل نمیشود و آن فتوح لازم را پیدا نمیکند تا بتواند در همهی این میدانها این جور با اخلاص وارد بشود. اخلاص او پشتوانه‌ی این حرفها بود و آن اخلاص نتیجه‌ی کاری بود که او با خودش کرده بود؛ یعنی پیش از آنکه انسان روی دیگران کار کند، اول روی خودش بایستی کار کند و اول با خودش بایست انسان آنچنان عملی را انجام بدهد که نفس خودش را در دست عقل خودش و ایمان خودش مقهور کند تا نفس نتواند سرکشی کند و نتواند هواهای خودش را بر اعمال انسان و بر رفتار انسان و بر افکار انسان حاکم و غالب بکند. عمده‌ی گرفتاری ماها اینجا است. ما اگر بتوانیم بر نفس خودمان غلبه پیدا کنیم، بر هوای نفس خودمان غلبه پیدا کنیم، آن وقت میدان برای عقل ما باز میشود تا حقایقی را بفهمد و نور معرفت الهی به او بتابد، و در [این صورت] انسان در قضایای مشتبه راهنمایی میشود. آن چیزی که خیلی‌ها را در شبهه نگه میدارد، در مسائلی که خیلی باید زود انسان به نتیجه برسد، زود تشخیص وظیفه بدهد، زود حقیقت را بفهمد، زود دست دشمن را ببیند، زود راه صلاح و نجات را ببیند، می‌بینید مدتها بعضی‌ها همین طور در گل میمانند و دست و پا میزنند و شبهه برایشان به وجود می‌آید و نمیتوانند آن کاری را که باید انجام بدهند، انجام بدهند، این ناشی از آن مشکلی است که در درون خودشان دارند؛ نتوانسته‌اند آن فضای بینش عقلانی خودشان را آنچنان پاک و آراسته و پالایش شده بکنند تا نور معرفت الهی و هدایت الهی به آن بتابد و آنها را راهنمایی کند. ایشان این مشکل را برای خودش حل کرده بود؛ مرحوم آقای مدنی این مشکل را نداشت، حقیقت را میفهمید و لذا براحتی میتوانست تصمیم بگیرد؛ اراده‌ی او مقهور نفس او نبود؛ عقل او و اراده‌ی او قاهر و حاکم بر نفس خودش بود، لذا بود که این همه موفقیت نصیبش میشد.

البته تبریز در بین شهدای محراب این امتیاز را دارد که دو شهید محراب دارد؛ یعنی مرحوم آقای قاضی (رضوان الله علیه) را هم واقعاً فراموش نکنیم و از یاد نبریم؛ آن مرد بزرگ، مرد روشنفکر، مرد اهل قلم، اهل مبارزه، که ایشان هم بایستی همیشه در یادها زنده باشند. او اولین کسی بود که این جور در تبریز در موضع منبر انقلاب ایستاد و حقیقتاً کاری را که باید بکند، کرد. خوب، خیلی با آقای قاضی هم مقابله و معارضه شده

بود. بنده قبل از انقلاب رفته بودم تبریز و اوضاع تبریز را میدانستم چه جوری است و آقای قاضی (رحمةالله علیه) هم خیلی رنج کشید. شهید اول محراب در تبریز آقای قاضی است، شهید دوم هم آقای مدنی است، که هر کدام واقعاً برجستگی‌هایی دارند. البته شهید مدنی به نظر من جزو آن چهره‌های روحانی است که نظیرش را خیلی کم میشود پیدا کرد؛ یعنی همه‌ی این ابعاد گوناگون در این مرد بزرگ بود.

خیلی متشکریم از آقایان که این بزرگداشت را [برگزار] میکنند؛ منتها سعی کنید در کارها یک جمع‌بندی از شخصیت شهید مدنی به دست بیاید. بالاخره ما امروز هم با همان امواج مواجهیم؛ این را آقایان و خانمها توجه داشته باشند که امروز جمهوری اسلامی با همان جبهه‌های مواجه است که در هنگام مبارزات و در اول مبارزه، انقلاب اسلامی با آن مواجه بود؛ فرق نکرده؛ جبهه‌گیری‌ها در باطن و حقیقت خودش عوض نشده؛ البته خوب پیدا است که دشمن در هر روزی یک جوری [عمل میکند]. ما در جنگ با عراق دیدید دیگر که یک روز مثلاً فرض کنید با یک جور سنگربندی، با یک آرایش نظامی می‌آمدند، یک روز یک جور دیگر. در جنگ بزرگ سیاسی و انقلابی‌ای که امروز دنیای استکبار با ما دارد، همین جور است. از قبل از پیروزی انقلاب که احساس میکردند سنگر آمریکا و سنگر استکبار دارد در اینجا میلرزد و ممکن است فرو بریزد و اسلام دارد به سمت مرکز فرو کوفتن پرچم استکبار در این منطقه -- یعنی حکومت پادشاهی -- می‌آید، از همان روز [با ما] مواجه شدند؛ [اینها] همان دشمنها هستند، بعد از انقلاب هم همانها بودند، بعد از تسخیر لانه‌ی جاسوسی هم همانها بودند، در دوران جنگ هم همانها بودند که علیه ما مبارزه میکردند؛ منتها شعارها، روشها، شیوه‌ها فرق میکند. امروز هم همانهایند؛ امروز هم انقلاب اسلامی با همان دشمنهای آن روز مواجه است. ما امروز هم به همان جمع‌بندی‌ای در شخصیت‌های انسانی خودمان و مسئولین خودمان و کارگزاران حکومتی خودمان و تریبون‌دارهای خودمان، احتیاج داریم که جمع‌بندی شخصیت مرحوم شهید مدنی است؛ یعنی همان اخلاص را لازم داریم، همان روشن‌بینی را لازم داریم، همان شجاعت را لازم داریم، همان آگاهی و معرفت را لازم داریم؛ این چیزها لازم است؛ این جمع‌بندی را در کارهایتان مورد توجه قرار بدهید. یعنی اگر کتاب مینویسید، اگر کار هنری میکنید، اگر شعر میگویید، به مرتبه‌سرای‌ها یا ستایشگری‌های عادی، قضیه تمام نشود؛ چون اینها چیزی عاید روح

شهید مدنی نخواهد کرد. سعی کنید این را به صورت یک جریان در بیاورید؛ جریان شخصیت جامع‌الاطراف شهید مدنی؛ این جوری باشد تا امثال من از او درس بگیریم، فرا بگیریم، یاد بگیریم که چه جور باید عمل کرد، چه جور باید فکر کرد، چه جور باید حرکت کرد، چه جور باید حرف زد، چه جور باید موضع‌گیری کرد، چه جور باید از یک کسانی دفاع کرد، در مقابل یک کسانی ایستاد؛ اینها را تعلیم بگیریم.

در مورد فیلم هم من به شما عرض بکنم، فیلم که می‌خواهید بسازید، خیلی این کار ظریفی است، چه می‌خواهید بسازید که جنبه‌ی هنری داشته باشد؟ چون صرف دوربین گرداندن و یک قیافه‌ای به شکل آقای مدنی درست کردن، که فیلم زندگی‌نامه‌ی آقای مدنی نیست، ارزشی ندارد؛ آن مثل یک کتابی است که نوشته باشند، بلکه کتاب از آن مؤثرتر هم هست. فیلم باید واقعاً کار هنری باشد. اگر بشود یک کسی بنشیند یک داستانی را پرداخت کند که در این داستان چیزهایی از نقش شهید مدنی بیاید، اسم شهید مدنی هم اصلاً در آن نیاید، این میشود فیلم شهید مدنی؛ والا اینکه حالا ما بیاییم برویم در زادگاه ایشان و از خانه [فیلم] برداریم و بعد بگوییم ایشان اینجا متولد شد و بعد آن را به شکل یک طلبه‌ای در قم و به شکل طلبه‌ای در نجف و در درس بیاوریم، این کارهایی که معمولاً میکنند، اینها یک کار است، اما فیلم شهید مدنی به معنای هنری قضیه نیست. سعی کنید که سرمایه‌ها در این جور کارها هدر نرود؛ اگر واقعاً میتوانید یک چیز خوبی در بیاورید. مثلاً فرض کنید الان ممکن است که یک فیلم خیلی هنری مهمی را شما در نظر بگیرید که مثلاً اشاره به شخصیت یک کسی داشته باشد، یا تصریح به شخصیت او داشته باشد، یعنی یک چنین چیزی را بایستی هدف قرار بدهید.

ان شاء الله خداوند به همه کمک کند، تأیید کند و آن سرنوشتی را که حق شهید مدنی بود - یعنی واقعاً شهادت حق او بود؛ این اجر بزرگ الهی، این پایگاه مهم الهی پاداش خدا برای این مرد بود و حیف بود که او در بستر بمیرد - ما هم با عدم قابلیتیمان، خدای متعال تفضل کند، ما هم ان شاء الله این لطف را از جانب خدا بگیریم، که ما هم در زندگی سقط نشویم، بلکه خدای متعال همین راه شهادت را برای ما هم ان شاء الله مقدر کند. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح

| ۱۳۸۰/۰۷/۰۴ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در ابتدا به همه حضار محترم - خانواده‌های معظم شهیدان - خوشامد عرض میکنم. امیدوارم پروردگار متعال به برکت ایام و لیالی متبرک ماه رجب، همه دل‌های پُر از ایمان و همه شما خانواده‌های معظم و بازماندگان شهیدان عزیز ما را مشمول لطف و رحمت ویژه خود قرار دهد.

این روزها و شبها بسیار مغتنم است؛ روزهای ماه متبرک خداوند است. ماه رجب، فرصت مغتنمی است برای همه دل‌های مؤمن که رابطه خود را با خدا مستحکم کنند. انسان به این ارتباط معنوی و روحی نیازمند است. دل غافل در معرض هجوم شیطان قرار می‌گیرد و وقتی شیطان بر دل و جان آدمی تسلط پیدا کرد، شرّ و فساد در دنیا به وجود می‌آید. راه علاج عمیق و حقیقی در برخورد با هرگونه شرّ و فساد در عالم، ارتباط با خدا و مصونیت بخشیدن به دل و جان خود از نفوذ و چیرگی شیطان است. اگر شیطان بر دل‌های انسانهایی که منشأ آثار بزرگی در جوامع جهانی هستند، مسلط نمیشد، دنیا روی آرامش به خود میدید و انسانها از امنیت و سلامت برخوردار بودند. همه بدبختیهای بشر، ناشی از دوری از خداست. لذا در اسلام فرصتهایی برای ارتباط ویژه با خداوند متعال معین شده است. یکی از این فرصتها ماه رجب است. ماه رجب را

قدر بدانید. همه دعاهایی که در این ماه وارد شده، درس است؛ صرف لقلقه زبان نیست. این دعاها را با حضور قلب و با آگاهی از عمق معنای آنها، بر دل و زبانتان جاری کنید. اگر انسان مسلمان - جوان و پیر، زن و مرد - در ماه رجب و سپس ماه شعبان، رابطه خود را با خدای متعال روان و نزدیکتر کند، با آمادگی به ماه رمضان میرسد؛ آن‌گاه ماه رمضان ضیافت الهی میشود. انسان باید آماده شود و سپس وارد ضیافت گردد:

شستشویی کن و آنگه به خرابات خرام

انسان باید این شستشو را در ماه رجب و شعبان بکند تا بتواند در ماه رمضان بر سر سفره الهی وارد شود و از آن سفره متنعم گردد و فیض ببرد. اگر از ماه رمضان فیض بردیم، آن‌گاه اعمال و اخلاق و نگرش و افکار خود ما نشان خواهد داد که پیشرفت کرده‌ایم؛ خودمان محکزنِ خویش می‌شویم و پیشرفت را تشخیص می‌دهیم. ما این امتحانها را نمیکنیم، آن‌گاه بدبختیها و گرفتاریهایش را در وجود خودمان و در فضای جامعه لمس می‌کنیم. همه - بخصوص خانواده‌های شهیدان - باید ماه رجب را مغتنم بشمارند.

شهادت و شهید، یکی از برجسته‌ترین موضوعات اسلام است. شهدای ما کسانی نیستند که در یک جنگ توسعه‌طلبانه کشته شده باشند. آنها با کسانی که کشته شدگان جنگهای معمولی در بسیاری از مناطق دنیا هستند و برای تعرض به خاک و حریم دیگران جنگیده‌اند، فرق میکنند. این کجا، شهدای ما کجا؟! به کشور و استقلال و آبروی این ملت حمله‌ور شدند؛ علیه ما عربده‌کشی کردند؛ همه قدرتهای بزرگ علیه ما دست به دست هم دادند؛ همین کسانی که همیشه دم از صلح می‌زنند و امروز بیش از همیشه حرف صلح و امنیت را بر زبان جاری میکنند، یکی از جبارترین حکومتها را علیه ما تجهیز کردند؛ به خانه و شهر و روستا و جاده‌ها و تأسیسات ما حمله کردند و مرز ما را شکستند. اگر نیروهای مسلح، خودشان را در مقابل دشمن تجهیز و سینه سپر نمی‌کردند؛ اگر آحاد ملت ایران در کنار نیروهای مسلح و در قالب بسیج به میدان نمی‌رفتند و خودشان را آماده فداکاری نمی‌کردند، میدانید بر سر کشور چه می‌آمد؟ میدانید آبرو و ناموس و شخصیت و غرور این ملت بزرگ چگونه لگدمال دشمنان میشد؟ رزمندگان و بخصوص شهدای عزیز ما به گردن این ملت و به گردن همه ما حق

حیات دارند. شهدا کسانی هستند که از دیگران شجاعت و دلیری بیشتری نشان دادند؛ سینه را سپر کردند، از خطر نهراسیدند و به شهادت رسیدند؛ بعضی به بهشت الهی پر کشیدند، بعضی هم جانباز شدند؛ در واقع - همان طور که گفته میشود و تعبیر درستی است - اینها شهید زنده‌اند.

در این روزها و سالها که به بهای خون شهدا و آسیب دیدن سلامتی جانبازان و به برکت مجاهدت رزمندگان، کشور ما از امنیت و آسایش برخوردار است، کسانی که علیه نیروهای مسلح و بسیج حرف میزنند، بدانند به مصالح و آینده کشور هیچ خدمتی نمیکند. نیروهای مسلح - چه نیروهای سازمانی مسلح و چه آحاد بسیج که برای حضور در میدان خطر و دفاع از یکایک مردم و از مرزهای میهن آمادگی دارند - جزو عزیزترین قشرهای جامعه‌اند. همه به اینها احتیاج دارند؛ روز خطر معلوم خواهد شد.

دشمن در تهاجم فرهنگی خود سعی میکند مقاومت را در میان مردم ما از حیثیت و اعتبار بیندازد؛ در واقع مقاومت شکنی کند و سنگرها را از بین ببرد. مهمترین سنگر یک انسان، ایمان و انگیزه و عشق اوست. نباید اجازه دهید این سنگر را در دلها فرو بریزند و از بین ببرند.

شهادت، گل خوشبو و معطری است که جز دست برگزیدگان خداوند در میان انسانها، به آن نمیرسد و جز مشام آنها آن را بو نمیکند. خانواده‌های شهدا به شهدایشان افتخار کنند. همسران رنج‌کشیده، پدران و مادران داغ‌دیده و فرزندان سایه پدر بر سر ندیده، این رنجها را کشیده‌اند؛ اما اکنون احساس میکنند سربلندند. پدران و شوهران و فرزندان شما بودند که توانستند این کشور را - که امروز بحمدالله عزیز است - به این عزت برسانند. اگر آنها نبودند، وضع ما طور دیگری بود.

امروز تحت تأثیر حوادثی که در بعضی از شهرهای امریکا پیش آمد، مسائلی در دنیا مطرح است. امواج تبلیغات جهانی و تحرکات سیاسی دنیا مرتباً در کوره تبلیغات یکجانبه میدمد. وسایل ارتباط جمعی در اختیار عده مخصوصی است. روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیونها در دنیا، در اختیار سرمایه‌داران و زرمندان و زورمندان است؛ در اختیار آحاد مردم و انسانهای روشن بین و صالح و حکیم نیست. هرچه را دلشان میخواهد و طبق منافع آنهاست، وارد کانالهای ارتباطاتی رادیوها و تلویزیونها و خبرگزاریها و روزنامه‌ها

میکنند و در اعماق عالم منتشر میسازند. عده‌ای، بیتوجه آنها را میگیرند و جذب میکنند؛ عده‌ای هم متأسفانه به این امواج یکجانبه و برخاسته از خودخواهی و استکبار، کمک میکنند؛ در حالی که برای آنها هیچ سودی ندارد.

البته در این دو سه هفته‌ای که مسائل انفجارهای امریکا در سطح جهان مطرح بود، خوشبختانه مسؤولان کشور حرفهای خوبی بر زبان آوردند و مواضع خوبی اتخاذ کردند؛ در عین حال بنده لازم میدانم برای آگاهی ذهن ملت عزیزمان - که بحمدالله هوشیارند - نکاتی را عرض کنم:

نکته اول این است که رفتار و اظهارات دولت امریکا و مسؤولان امریکایی در این قضیه، بسیار متکبرانانه و مغرورانه و برخاسته از روح استکبار بود و هست. اظهاراتی میکنند که با هیچ منطقی سازگار نیست. البته به حیثیت آنها خیلی لطمه خورده و آبروی امتیثشان در دنیا به شدت خدشه‌دار شده است؛ اما این دلیل نمیشود که برای جبران یک تحقیر، باز چهره استکباری و قیافه خشمگین به خود بگیرند؛ یعنی مردم دنیا! ما عصبانی هستیم؛ روی حرف ما حرفی نزنید! یعنی کسی جرأت نکند در مقابل حرفی که آنها میزنند، حرفی بر زبان جاری کند؛ به خیال این که میشود ملتها و انسانها و دولتهای مستقل را با این شیوه‌ها از میدان خارج کرد. از جمله این حرفها این است که هر کسی با ما - یعنی با امریکاییها - نباشد، با تروریستهاست! این حرف بسیار غلطی است؛ نخیر، این طور نیست. خیلیها در کنار امریکا هستند، اما از همه تروریستهای عالم خطرناکترند. امروز دولت اسرائیل خطرناکترین تروریستها را در خود دارد. آنهایی که در رأس این دولتند، کسانی هستند که در فاجعه‌بارترین قضایای تروریستی، خودشان شخصاً دستور داده‌اند و شرکت داشته‌اند؛ الان هم هر روز ترور میکنند و در کنار امریکا هم هستند. بنابراین، این طور نیست که هر کس با شما بود، با تروریستها نیست. نخیر؛ سرسخت‌ترین و خبیث‌ترین تروریستها الان در کنار شمایند. نقطه مقابل نیز همین طور است؛ هر کس با ما نباشد، با تروریستهاست؛ نخیر، ما با شما نیستیم، با تروریستها هم نیستیم.

مطلب دوم این است که اینها از اولین ساعات حادثه، فضای عمومی کشورشان را ضد اسلام کردند! شما چطور در همان ساعات اول تشخیص دادید که مسلمانان این کار را کرده‌اند؟! اگر این قدر دستگاه اطلاعاتی شما قوی است - در همان ساعات اول، رادیو و

تلویزیونها در امریکا طوری حرف زدند که همه باور کردند این کارِ مسلمانان است - چرا نتوانستید عملیات به این وسعت را که حتماً ماهها - بعضی میگویند سالها - احتیاج به کار کردن دارد، تشخیص دهید؟! از کجا فهمیدید کار مسلمانان است؟ فضای عمومی را طوری ساختند که مردم در امریکا و بعضی کشورهای اروپایی به برخی مساجد حمله کردند؛ به مسلمانانی که ظاهر اسلامی داشتند، حمله و تیراندازی و چاقوکشی کردند. رئیس جمهور امریکا در اولین اظهارش گفت: این جنگِ صلیبی است! جنگهای صلیبی، جنگهایی است که مسیحیان برای گرفتن بیت المقدس، از اروپا راه افتادند و آمدند و این جنگها دویست سال طول کشید. البته مسیحیان - اروپاییها - مغلوب و مسلمانان پیروز شدند و آنها را از آنجا بیرون راندند. جنگ صلیبی است؛ یعنی جنگ اسلام و مسیحیت است! چرا یک مسؤول عالیرتبه - اگر غرضی نیست - این طور بدون تسلط بر خود، بيملاحظه حرف میزند؟! چرا مسلمانان دنیا را به یک عمل تروریستی و فاجعه آمیز متهم کردید؟ افکار عمومی را ضد اسلام میسازند، بعد رسماً میروند و میگویند: مردم! به مسلمانان حمله نکنید! مگر میشود؟! شما فضا را طوری درست کردید که همه، مسلمانان و عربها را متهم میکنند؛ مرتب اسمهای اسلامی و عربی را منتشر کردید؛ مرتب چهره‌های با چفیه و عقاب را در روزنامه‌هایتان معرفی کردید. یعنی در بین این همه متهم، یک نفر نبود که امریکایی و غربی باشد و اسم فرنگی داشته باشد؟! چرا آنها را منتشر نکردید؟ این، یک حرکت بسیار زشت، یک کار بسیار بد و دارای آثار بسیار بلند مدتی است که به این زودیها و آسانیها جبران نخواهد شد.

مطلب سوم این است که در این قضایا، امریکاییها از خودشان پرتوقعی نشان دادند. به امریکاییها حمله شده است؛ توقع کرده‌اند که همه دنیا باید با آنها همکاری کنند؛ چرا؟ چون منافع آنها ضربه دیده است. مگر شما منافع دیگران را هرگز رعایت کرده‌اید که حال توقع دارید همه، منافع شما را رعایت کنند؟! مگر در دنیای امروز، صرف داشتن توپ و تفنگ و موشک، مجوز میشود که دولتی اعلام کند هر چه من میگویم عمل شود و لاغیر؟! مگر مردم دنیا این را قبول میکنند؟ همین چیزهاست که امریکا را منفور کرده است. امروز شما نگاه کنید ببینید در کدام کشورهای دنیا، مردم پرچم امریکا را آتش میزنند. همه جا، ایران نیست. کنفرانسی که اخیراً در آفریقای جنوبی تشکیل شد، احساسات مردم و سازمانها و دولتهای مختلف دنیا را نشان داد. امریکا با این زورگوییها

و پرتوقعیها خودش را منفور کرده است. اگر منافع امریکا در خلیج فارس به خطر بیفتد، همه باید همراهی کنند؛ اما اگر منافع کشورهای خلیج فارس به خطر افتاد، بیفتد! این همه منافع کشورهای گوناگون - از جمله کشور ما - را پامال کرده‌اند، حال میگویند همه دنیا باید با ما همکاری کنند؛ چون منافع ما مورد تهاجم قرار گرفته است! این پرتوقعی است.

مطلب بعدی این است که در ذهن مسؤلان امریکا، مفهوم تروریسم، مفهوم غلطی است. آنها تروریسم را بد معنا میکنند؛ به گونه‌ای معنا میکنند که کشتار دست‌جمعی و قتل عام مردم صبرا و شتیلا - که دو اردوگاه فلسطینی بودند - در یک شب به دستور همین کسی که امروز در رأس حکومت غاصب صهیونیستی است (۱)، تروریسم به حساب نمی‌آید!

چند سال قبل از این، گروه زیادی از مردم قانای لبنان جلو دفتر نمایندگی سازمان ملل در این کشور برای شکایت جمع شده بودند؛ اما هلیکوپترهای اسرائیلی آمدند و چند صد نفر آدم را - که در میانشان زن بود، مرد بود، بچه بود، گرسنه بود، تشنه بود - به رگبار بستند و همه را کشتند! امریکاییها این را تروریسم نمی‌دانند! بارها به لبنان آمده‌اند و افرادی را ربوده‌اند و یا کشته‌اند؛ اما هیچکدام از اینها مصداق تروریسم نیست! دولت غاصب صهیونیستی در یکی دو ماه پیش رسماً تصویب کرد که باید عناصری از فلسطینیها ترور شوند - حتی اسم ترور را آوردند - ترور هم کردند؛ ماشین‌شان را منفجر کردند و افراد متعددی را کشتند؛ اما هیچکدام از اینها مصداق تروریسم نیست؛ ولی مردم فلسطین که برای دفاع از سرزمین و استنفاذ حق پامال شده خودشان قیام میکنند، فریاد میکشند و سنگ در دست دارند، اسلحه هم ندارند، تروریستند! منطق امریکاییها این است. این منطق غلطی است و دنیا آن را قبول نمیکند.

مطلب بعدی این است که میگویند تروریست خوب و تروریست بد نداریم؛ همه تروریستها بدند؛ اما خودشان عملاً تروریسم را به تروریسم خوب و تروریسم بد تقسیم میکنند! در آسمان خلیج فارس، هواپیمای ایران را با صدها نفر مسافر، بدون هیچ دلیل و بهانه‌ای منفجر میکنند؛ افراد را در دریا تکه‌پاره و غرق میکنند؛ بعد فرمانده آن ناو را نه فقط محاکمه و توبیخ نمیکنند، و نه فقط از ایران عذرخواهی نمیکنند، بلکه به فرمانده

آن ناو جایزه میدهند! این شد تروریسم خوب! منطق، منطق غلطی است. مفهوم، مفهوم نادرستی است که توقع دارند برای همین مفهوم نادرست، همه دنیا بسیج شوند و پشت سر آنها راه بیفتند و هر کاری که آنها میخواهند بکنند، بقیه نه فقط اعتراض نکنند، بلکه همه باید به آنها کمک هم بکنند!

مجموعه قرائن و شواهد نشان میدهد که پشت این نمایی که امروز در قضیه افغانستان وجود دارد، چیز دیگری است. افغانستان مظلوم و بدون حامی، در مقابل دم چک اینها قرار گرفته است؛ به خاطر این که یک نفر، یا ده نفر، یا صد نفر، یا هزار نفر در داخل این کشور متهمند که قضایای انفجارهای نیویورک و واشنگتن را آنها راه انداختند؛ اما پشت این صحنه، مسأله دیگری است. اولاً قرائن نشان میدهد که دولت امریکا در صدد است همان کاری را که در خلیج فارس کرد، در این منطقه هم بکند؛ یعنی بیایند در آسیای میانه و شبه‌قاره مستقر شوند و دست و پای خود را باز کنند و به بهانه این که در این جا امنیت نیست، حضور داشته باشند. ثانیاً قصدشان این است، با کسانی که در قضیه فلسطین، از این مردم مظلوم دفاع کردند، تسویه حساب کنند. بقیه مسائل، صورت ظاهر قضایاست؛ باطن قضایا اینهاست.

نکته دیگر این است که اینها در اظهارات خود تکرار کردند که ایران در این قضیه باید به ما کمکهای گوناگونی بکند! من تعجب میکنم که اینها چطور رویشان میشود از دولت جمهوری اسلامی و از ملت ایران تقاضای کمک کنند؟! بیست و سه سال است که شما هر چه در توان داشتید، به این ملت و این کشور ضربه زدید؛ حال توقع دارید به شما کمک کنند؟! چه کمکی؟! اگر ملت افغانستان، ملت مسلمانی هم نبود، مظلوم هم نبود، همسایه ما هم نبود، این درخواست کمک بیجا بود؛ چه برسد به این که این ملت، ملت مظلوم و محرومی است. واقعاً دل انسان به حال ملت افغانستان میسوزد. توقع کمک از جمهوری اسلامی؟! نه؛ در حمله امریکا و متحدانش به افغانستان، ما هیچ‌گونه کمکی نخواهیم کرد.

حاصل کلام این است که ما دولت امریکا را در مبارزه با تروریسم، صادق نمیدانیم. آنها صداقت ندارند و راست نمیگویند؛ اهداف دیگری دارند. ما امریکا را برای هدایت حرکت جهانی علیه تروریسم، صالح نمیدانیم. دست امریکا به همه جنایاتی که رژیم

صهیونیست در این چند سال انجام داده، آلوده است و در این روزها هم با کمال قساوت و وحشیگری، جنایات خود را دنبال میکند.

همه بدانند - مسؤولان کشور ما در مجالس خصوصی و در دیدارها همین مطلب را گفته‌اند، بنده هم برای افکار عمومی ملت ایران و دنیا آن را تکرار میکنم - که ایران اسلامی در هیچ حرکتی که رهبری آن با امریکا باشد، شرکت نخواهد کرد. البته مبارزه با تروریسم و ناامنی فضای زندگی انسانها، یک مبارزه واجب و لازم و یک جهاد است. هر کس بتواند در این مبارزه شرکت کند، باید این کار را بکند؛ منتها این یک حرکت جهانی است و باید رهبری صالحی داشته باشد.

مسؤولان ما در این چند روز تکرار کردند که ما در قالب سازمان ملل حاضریم به این حرکت کمک کنیم و با آن همراه شویم. من عرض میکنم: بله؛ سازمان ملل خوب است؛ منتها یک شرط دارد و آن، این است که سازمان ملل زیر نفوذ امریکا و دیگر قدرتهای بزرگ قرار نگیرد؛ و الا اگر قرار باشد سازمان ملل - چه شورای امنیت و چه بخشهای دیگر آن - زیر نفوذ آنها قرار گیرد، نمیشود به آن اعتماد کرد. ما در گذشته تجربه خوبی در این مورد نداشته‌ایم.

دولتهای اسلامی در این خصوص وظیفه بزرگی برعهده دارند. هم به عنوان یک حرکت عظیم انسانی و جهانی علیه تروریسم و تعرض به جان انسانها و خشونت علیه زندگی عادی و روزمره شهروندان بشری باید وارد میدان شوند - که این خودش وظیفه‌ی بزرگی است و سازمان کنفرانس اسلامی در این مورد وظیفه دارد و ما نیز به عنوان عضو سازمان کنفرانس اسلامی، یکی از وظایف حتمی این سازمان را حضور مستقل در این میدان میدانیم - و هم چون ملت افغانستان، یک ملت مسلمان و جزو امت اسلامی است، باید در این زمینه فعال باشند. مردم مظلوم افغانستان گناهی نکرده‌اند. مگر خون کسانی که در ساختمان تجارت جهانی در نیویورک کشته شدند، رنگینتر از خون مردم افغانستان است؟! چرا و به چه دلیل؟ چون یقه اینها چرکین است؟ چون از بهداشت و غذا و آسایش و امنیت محروم مانده‌اند؛ آن هم به خاطر تسلط کسانی که در طول سالهای متمادی، دست پرورده قدرتهای بزرگ بوده‌اند؟ قبل از کودتای بیست و چند سال پیش، کسانی که در رأس قدرت بودند، وابسته به قدرتهای بزرگ بودند. بعد هم

که کمونیست‌ها بر سرکار آمدند، وابسته به شوروی بودند. بعد هم که خود مردم میدانند و میبینند. در این اواخر، همیشه سرنوشت مردم افغانستان را دخالت قدرتها رقم زده است. دلیل فقر و عقب‌ماندگی مردم افغانستان اینهاست؛ و آلا مردم افغانستان، آزاده، شجاع و بسیار با استعدادند و از فرهنگ بسیار عمیق و قدیمی برخوردارند. ما مردم افغانستان را میشناسیم و قرن‌ها با هم زندگی کرده‌ایم. ما میدانیم اینها مردم بسیار با استعدادی هستند. هیچ چیز اینها از مردم دیگر دنیا کمتر نیست؛ خیلی چیزهایشان بیشتر هم هست. این مردم چه گناهی کرده‌اند که باید قربانی اهداف و سیاستهای گوناگون شوند؟ در این زمینه، سازمان کنفرانس اسلامی و دولت‌های اسلامی وظیفه دارند. باید عاقلانه و مدبرانه وارد میدان شوند و نگذارند به این مردم لطمه بخورد. گیرم که چند تروریست در آن‌جا لانه کرده باشند - ما راست یا دروغ این را نمیدانیم؛ ادعای امریکایی‌هاست - چرا باید گناه آنها به مردم افغانستان تسری پیدا کند؟ چرا مردم این کشور باید پایمال شوند؟

از خداوند متعال میخواهیم که روزه‌روز عزت اسلام و مسلمین را بیشتر فرماید و ملت‌های مسلمان را از آسیب دشمنانشان محفوظ بدارد. خوشبختانه ملت و دولت ما با متانت و عقل و آرامش و سکونت، راه صحیح خود را طی کرده است. بعد از این هم این ملت و دولت، در همان راه صحیح و متین طی طریق خواهد کرد و مشمول برکات و لطف الهی و دعای حضرت بقیةالله ارواحنا فدا خواهد بود.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

دیدار جمع کثیری از خانواده‌های شهیدا
و ایثارگران اصفهان با رهبر انقلاب

| ۱۳۸۰/۰۸/۰۹ |



رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح امروز در دیدار دهها هزار تن از خانواده‌های معظم شهیدان و "جانبازان، آزادگان و ایثارگران" استان اصفهان تأکید کردند: ادامه دادن راه شهیدان یعنی تلاش برای تحقق آرمانهای اسلامی وظیفه ملت و همه مسؤولان نظام است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، جهاد و ایثار شهیدان سرافراز اصفهان را برجسته‌ترین ویژگی این استان برشمردند و خاطرنشان کردند: بفرموده پروردگار، شهیدان حی و حاضرند و جامعه باید با پرهیز از غفلت و حجابهای معنوی از انوار تابناک آن عزیزان عرش بهره‌مند شود.

مقام معظم رهبری معرفت دقیق و هوشیارانه از اوضاع جامعه و روح لطیف و عارفانه را دو ویژگی اصلی شهیدان دفاع مقدس خواندند و افزودند: جوانان برومندی که در ۸ سال جنگ تحمیلی هستی خود را ایثار کردند به اهمیت کار خود واقف بودند و میدانستند تنها مسئله خاک و کشور در میان نیست بلکه دشمن و حامیانش درصددند عزت و شرف و شخصیت این ملت را خرد کنند و جلوی گسترش حرف تازه ملت ایران و سرافرازی اسلام را سد نمایند.

ایشان اعتماد به نفس ملت‌های مسلمان و مخالفت آنان با مستکبران را از جمله نتایج

مجاهدتهای شهیدان و دیگر ایثارگران دفاع مقدس برشمردند و افزودند: شهیدان آگاه و بصیر ما با تحمل تمامی سختیها، بدنبال تحقق آرمانهای اسلام و سربلندی دین خدا بودند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به عرفان عمیقی که در وصیتنامه‌های شهیدان بچشم میخورد افزودند: شهیدان نام‌آوری که بدون ذره‌ای نام خواهی در راه خدا حرکت میکردند بدنبال آن بودند که اسلام در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی اجرا شود و عدالت، عزت و سعادت دنیا و آخرت را برای ملت ایران به ارمغان آورد.

مقام معظم رهبری تأکید کردند: شهیدان نعمتهای الهی و ذخائر گرانقدر ملتند و فراموشی راه آنان بزرگترین خیانت است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، خط امام و شعارها و اهداف امام را شاخص‌های راه مورد نظر شهیدان دانستند و خاطرنشان کردند: این شاخص‌ها که در وصیتنامه امام راحل عظیم الشان مشخص است ترسیم کننده راه امروز ماست.

ایشان تجلیل از انگیزه‌های شهیدان، جانبازان، آزادگان، ایثارگران و احترام به خانواده‌های معظم آنان را وظیفه‌ای همگانی خواندند و با قدردانی از صبر و پایداری و ایمان خانواده‌های ایثارگران افزودند: مسؤولان بنیاد شهید و بنیاد جانبازان باید به مسؤولیت سنگین خود در قبال این عزیزان بطور کامل عمل کنند.

در این دیدار پیش از سخنان مقام معظم رهبری آقای ضیایی "استاد دانشگاه، پدر شهید، پدر جانباز و فرزند شهید" ضمن بیان تجدید میثاق خانواده‌های شهدا و ایثارگران با آرمانهای امام راحل و رهبر معظم انقلاب اعلام کرد: استان اصفهان بیست و سه هزار و چهار صد و نود و نه شهید تقدیم اسلام و انقلاب کرده است که این تعداد شهید به نسبت جمعیت استان، در کشور بیسابقه است. آقای ضیایی گفت: استان اصفهان همچنین ۴۱ هزار و ۲۵۶ جانباز و ۳۴۶۰ آزاده داشته است.

در این مراسم همچنین خانم سارا امیری فرزند شهید در مقاله‌ای پراحساس به بیان احساسات پرشور فرزندان و خانواده‌های شهدا پرداخت.

حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای نجف آباد

| ۱۳۸۰/۰۸/۱۰ |



رهبر معظم انقلاب اسلامی همچنین با حضور در گلزار شهیدان نجف آباد، از شهیدان معظم این شهر تجلیل کردند و با قرائت فاتحه علو درجات آنان را از درگاه ایزد منان خواستار شدند.

دیدار جمعی از سپاهیان پاسدار و بسیجیان
و خانواده‌های شهدای استان اصفهان با رهبر انقلاب

| ۱۳۸۰/۰۸/۱۴ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوا عصر امروز در جمع هزاران نفر از سپاهیان پاسدار، بسیجیان و خانواده‌های شهدای استان اصفهان، پیروزی انقلاب اسلامی و حرکت بزرگ ملت ایران را نتیجه شخصیت و اندیشه والای امام خمینی (ره) و تحول عظیم معنوی مردم ارزیابی و تصریح کردند: راه نجات ملت ایران، تداوم خط امام یعنی، راه علم و عمل، تقوا و پاکدامنی، استقلال و تحقق بخشیدن به احکام و ارزشهای اسلامی است.

مقام معظم رهبری در این دیدار که در ستاد لشکر ۱۴ امام حسین(ع) برگزار شد با تأکید بر اینکه ملت ایران به برکت شخصیت عظیم‌الشأنی همچون امام راحل (ره)، با انقلاب خود، آرزوها و آرمانهای فرو خفته امت اسلامی را در دنیا طنین انداز کرد، افزودند: امام بزرگوار با ایمان، اراده پولادین و اندیشه بلند خود در حدوث حرکت بزرگ ملت ایران تأثیر و نقش واقعی داشت بگونه‌ای که همه دنیا مجبور به اعتراف به شخصیت عظیم امام (ره) شدند.

ایشان افزودند: امام خمینی (ره) با رد عملی تمام اندیشه‌هایی که قائل به جبری بودن حرکتها و بیتأثیر بودن شخصیتها بودند، ثابت کرد کسانی که ایمان و اراده بلند داشته باشند و آنها را در خدمت آرمانهای الهی و اعتلای انسانها قرار دهند، میتوانند همچون

طوفانی، اقیانوس ملت را به حرکت درآورند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه تحقق وعده الهی و فرجام نیک متعلق به انسانهایی است که به دنبال مسند، علو و فساد نیستند، خاطرنشان کردند: امام خمینی (ره) هیچگاه اراده خود را بدنبال کسب قدرت معطوف نکرد و بواسطه چنین شخصیت عظیمی، وعده خداوند برای ملت ایران محقق شد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، تحول معنوی در ملت ایران را عامل دیگر پیروزی انقلاب اسلامی دانستند و تأکید کردند: مظهر این تحول، جوانهای فداکار کشور و نمونه کامل آن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

فرمانده کل قوا، ایمان عمیق، شور و احساسات متکی بر فکر و منطق، اراده پولادین، معرفت بالا و بدنبال علو و فساد نبودن را از ویژگیهای ممتاز سپاه برشمردند و تصریح کردند: سپاه معجزه انقلاب بود که باید همواره حفظ شود.

ایشان با تجلیل از شهدای استان اصفهان بویژه شهیدان خرازی، همت و ردانی افزودند: مهمترین ویژگی شهیدان این بود که سرمایه خود را در راه آرمان و حرکت بزرگ ملت ایران یعنی تحقق جامعه عادلانه قرار داده بودند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای جامعه عادلانه را مبتنی بر توحید، عدل و هدف انبیاء دانستند و با اشاره به هدف انبیاء برای تکامل و پیشرفت انسان در تمام ابعاد مادی و معنوی تأکید کردند: آرمان والای ملت ایران تشکیل جامعه‌ای آباد و برخوردار از ثروت عمومی، پیشرفت علمی، و تمام مواهب طبیعی به‌مراه معنویت است که در آن استعدادها و گوهر وجودی انسانها بروز مییابد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی تحقق چنین هدفی را منوط به تربیت انسانهای مؤمن، شجاع و با اراده مستحکم دانستند و با اشاره به تلاش دشمن برای متوقف و یا کند کردن حرکت ملت ایران افزودند: آن کسانی که امروز با خط امام و انقلاب مقابله میکنند و سعی در کمرنگ کردن شعارهای انقلاب اسلامی، نام امام و یاد شهدا دارند، خواسته و یا ناخواسته مرتکب خیانت بزرگی در حق ملت ایران میشوند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از مقطع کنونی بعنوان دوران بیداری، آگاهی و اقدام نام بردند و نیروهای سپاهی را به توجه بیش از پیش به معنویات و خودسازی توصیه و خاطرنشان کردند: فرماندهان سپاه باید به خودسازی سازمانی این نیرو نیز توجه جدی داشته باشند.

فرمانده کل قوا با تأکید بر لزوم گرمی داشتن خانواده‌های شهدا و جانبازان، سپاهیان پاسدار را به تعمیق ایمان دینی در خانواده‌های خود، حفظ وحدت، و رعایت بیش از پیش مظاهر دینی و انقلابی و استفاده از نیروهای خلاق و توانای خود سفارش کردند.

در این دیدار پیش از سخنان مقام معظم رهبری، سردار سرلشگر رحیم صفوی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سخنان کوتاهی از استان اصفهان بعنوان استان فدائیان انقلاب و ولایت نام برد و به فرمانده کل قوا خیرمقدم گفت.

سردار سرتیپ استکی فرمانده قرارگاه ارشد سپاه در استان اصفهان و فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) نیز گزارش کوتاهی از آمادگی نیروهای سپاهی و بسیجی این استان برای اجرای فرامین مقام معظم رهبری ارائه کرد.

همچنین در این مراسم، آقای مهدی خرازی فرزند شهید حاج حسین خرازی فرمانده لشکر امام حسین (ع) به بیان احساسات خود از دیدار با مقام معظم رهبری پرداخت.

خاطرنشان میشود حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ابتدای این مراسم و بهنگام ورود به ستاد لشکر امام حسین (ع) با حضور در محل یادواره شهدای این لشکر ضمن قرائت فاتحه به مقام شامخ این شهیدان ادای احترام کردند.

حضور رهبر انقلاب در گلستان شهدای اصفهان

۱۳۸۰/۰۸/۱۴



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح امروز با حضور در گلستان شهدای اصفهان ضمن قرائت فاتحه به مقام شامخ شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بویژه سرداران شهید اصفهان ادای احترام کردند.

مقام معظم رهبری در تخت فولاد اصفهان نیز بر سر مقبره تعدادی از علما، فقها و بزرگان استان اصفهان حضور یافتند و با قرائت فاتحه از درگاه خداوند متعال علو درجات آنان را مسئلت نمودند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین با حضور در مقبره عالم بزرگ و شهیر مرحوم علامه مجلسی، به مقام والای این عالم ربانی ادای احترام کردند.

حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای شهر کاشان

۱۳۸۰/۰۸/۲۰



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی امروز به هنگام ورود به شهر کاشان در گلزار شهدای این شهر حضور یافتند و با قرائت فاتحه به مقام شامخ شهدا ادای احترام کردند.

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای کاشان و آران و بیدگل

| ۱۳۸۰/۰۸/۲۰ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خداوند متعال را سپاسگزارم که توفیق داد در اولین لحظات ورود به این دارالمؤمنین و شهر سرشار از محبت و معرفت، در این جمع معطر به عطر شهادت حضور پیدا کنم و با شما خانواده‌های عزیز شهیدان، جانبازان، آزادگان و ایثارگران عزیز کاشان و آران و بیدگل این دیدار صمیمانه را داشته باشم. این مجلس، مالا مال از عواطف و احساساتی است که یکسره از معنویات سرچشمه میگیرد. معمولاً جمع منسوب به ایثارگران و شهیدان، همین‌طور است. آن‌جا که احساسات وجود دارد، منشأ آن، منشأ معنوی و الهی و دینی و ملکوتی است؛ چون شهدا وابسته به ملکوت الهی هستند. این احساسات، بسیار شریف و عزیز است و خدا کند مسؤولان ما قدر عواطف این مردم عزیز و بخصوص خانواده‌های شهدا و ایثارگران را بدانند و در مقابل این نعمت بسیار ارجمند و والا، قدرشناسی کنند.

نکته مهمی که در باب شهیدان ما وجود دارد، این است که شهدای ما اگرچه با بال و پر احساسات پرواز کردند؛ اما راهنمای آنها عقل و منطق و استدلال بود. برای همین است که حرکت عظیم ایثار، شهادت، جهاد و فداکاری در کشور ما توانست در همه اقشار جامعه، در میان برترین فکرها و ذهنها و استعدادها، جای خود را باز کند. اعتقاد

من این است که فرزندان شهدا باید به پدران خود افتخار کنند؛ هم از این جهت که اینها نشانه‌های ایثار و فداکاری و سربلندی و افتخار یک ملتند، هم از این جهت که چشمه‌های گشوده و جاری شده معرفت و شناخت حقیقتند. نباید خیال کرد که جوان و دلاور میدان نبرد و رزم ما از شهر و روستا خود را به میدان جنگ میرسانید و زحمات را تحمل میکرد، فقط به خاطر غلبه احساسات. این طور نیست. البته احساسات الهی و اسلامی و انقلابی و معنوی، بسیار مبارک و مغتنم است؛ اما فقط احساسات نبود؛ هدایت عقلانی بود؛ میفهمیدند چه کار میکنند.

جوانانی که یادگاران شهدا هستید! پدران و مادرانی که پرورش‌دهندگان شاهدان و ایثارگران بودید! همسرانی که زمانی را با شهدا سپری کردید! شهیدان عزیز جزو کسانی بودند که نور حقیقت را در لابلای ظلمتهای متراکم زمانه دیدند و به سوی آن شتافتند. مهم این است. خیلیها حقیقت را نمیبینند و نمیفهمند؛ خیلیها حقیقت را میبینند، ولی شهامت و جرأت اقدام برای حقیقت را ندارند؛ اما کسی که هم توانایی آن را دارد که حقیقت را بیابد و ببیند و هم جرأت و دلیری این را دارد که به سوی حقیقت بشتابد و وظیفه خود را در این راه انجام دهد، او در هر برهه‌ای از زمان که باشد، یک انسان برجسته است؛ پیر باشد، جوان باشد، نوجوان باشد، زن باشد، مرد باشد؛ در هر قشری از قشرهای اجتماعی باشد.

نظام اسلامی ما در دنیایی، در محیطی، در برهه‌ای از زمان خود را مطرح و درمیان بشریت حضور پیدا کرد که سلطه‌گری ظالمانه، تمام ابعاد وجود بشر را فرا گرفته بود. مسأله این نبود که حکومت ظالمی در این جا وجود داشت و فقط میخواستند آن را برکنار کنند. حکومت ظالمی که در کشور ما با سلطه و زور و خشونت و جهالت خود بر مردم حکومت میکرد، از سوی نظام بین‌المللی و سردمداران قدرت جهانی مورد تأیید و حمایت بود و مبارزه با او، مبارزه با تمام مراکز قدرت بین‌المللی در آن زمان بود. هنگامی که انقلاب پیروز شد و این مانع از سر راه ملت ایران برداشته شد، همان مراکز قدرت جهانی، کارشکنی علیه ملت ایران را آغاز کردند. نشان دادند که این شبکه اختاپوسی قدرتِ ظالمانه که از رژیم خونخوار پهلوی حمایت میکرد، همچنان مدعی حقیقت است؛ مدعی ملت ایران است؛ مدعی و مخاصم هر حرف حقی است که از دهان و حنجره کسی خارج شود. لذا در جنگ تحمیلی هشت ساله، همان مراکز قدرت علیه

ملت ایران همدست شدند. چه کسی میتواند این حقایق را که در زمان خود او اتفاق میافتد، علی‌رغم تبلیغات وسیع جهانی، از بن دندان بفهمد، به‌طور عمیق درک کند، در او ایمان به وجود بیاید و این ایمان او را به حرکت وادار کند؟ آن انسانی که دل او منور به نور معرفت و فکر او روشن و زنده است. جوانان شما - عزیزانی که به جبهه رفتند و شهید شدند - از این قبیل بودند.

جبهه‌های نبرد حق و باطل در ایران، به‌ظاهر جنگ با یک کشور همسایه و دفاع از سرزمینهای ایران بود؛ اما در باطن، دفاع از جبهه عدالت و حق در همه عالم بود. هر جای دنیا مظلومی وجود داشت، هر نقطه‌ای از عالم که گوینده‌ای حق را فریاد میکرد، جوان شما از او دفاع میکرد؛ برای او سینه سپر کرده بود و جان خود را در این راه داد. شما جوانان و فرزندان عزیز شهدا بدانید، این شهادتها و ایثارگریها و فداکاری پدران شما، خیل عظیمی از مردم را در دنیا با اسلام و ایمان و حقیقت آشنا کرد و آنها حق را شناختند. شهدای ما مظهر عقلانیت دینی و مدافع حقانیت و عدالت بودند. این یک افتخار بزرگ است.

بزرگترین خیانت به یک ملت این است که کسانی بخواهند با ابرهای تبلیغات، جلو خورشیدهای فروزانی که زندگی و تاریخ ملت را روشن میکنند، بگیرند. امروز هر کس که نام شهدا را کوچک بدارد و حرکت عظیم شهادت در کشور ما را - که به وسیله جوانان عزیز ما در آن دوران اتفاق افتاد - نادیده بگیرد و تحقیر کند، به تاریخ این ملت خیانت کرده است.

من به پدران و مادرانی که عزیزان خود را در میدان نبرد طولانی حق و باطل در این چند سال از دست داده‌اند، به فرزندان که پدران شهید خود را هرگز ندیدند، به همسرانی که سنگینی فراق همسر و یار و غمخوار خود را تحمل کردند، عرض میکنم: عزیزان من! با شهادت عزیزانتان، شما خسارت و ضرر نکردید. عزیزان شما اگر از دست شما رفتند، اما در خزانه گرانبهای شهادت الهی، شخصیت‌شان همچنان محفوظ و حاضر و ناظر است. این زندگی میگذرد و همه کس خواهد رفت؛ اما آن کسی سرافراز است و بُرد کرده است که رفتن او از این دنیا، برای مردم و دین و تاریخ و کشورش دستاوردی داشته باشد. چنین انسانی است که خدای متعال او را از ملائکه هم بالاتر

دانسته است.

من بارها با همه وجود و از ته دل به بازماندگان شهدا عرض کرده‌ام، دعا کنیم خدا ما را با عزیزان و شهدای شما محشور کند؛ اینها هستند که پیش خدا مقام دارند. عزیزان شما به بهترین دستاوردی که یک انسان ممکن است دست پیدا کند، دست پیدا کردند. البته اجر شما هم بلافاصله پشت سر اجر شهید قرار دارد. بارها من گفته‌ام، خاکریز شهدا در مقابل دشمنان دین و حقیقت، خاکریز اول است؛ خاکریز دوم، خانواده‌های شهیدانند. پشت سر آنها شما هستید. این رنجهای شما و این فراقها و غصه‌ها و محرومیت از دیدن و احساس کردن حضور عزیزانتان، پیش خدای متعال اجر دارد. خدای متعال به خانواده‌های شهیدان اجر بسیار بزرگی می‌دهد؛ بخصوص که آنها ناسپاسی هم نکردند. در تمام طول جنگ، خانواده‌های شهدا با سرافرازی، آن چنان از شهادت عزیزشان سخن گفتند که دیگران را هم تشویق کردند تا جوانانشان را به میدان شهادت بفرستند.

این شهر، شهیدان برجسته و عزیزی دارد. سرداران شهیدی از این شهر برخاستند. نمیشود نام آورد؛ فهرستشان طولانی است؛ شهید کریمی، شهید زجاجی؛ شهدای بزرگ، فرماندهان؛ کسانی که توانستند با حضور خود در جبهه، کار بزرگی انجام دهند. برجستگی از کاشان و آران و بیدگل و مناطق پیرامونی این شهرستانها کارهای بزرگی کرده‌اند و استعدادهای بزرگی را در این راه از خود نشان داده‌اند.

آنچه که امروز برعهده مردم است، قدردانی از شما و شهیدان است. آنچه که بر عهده مسؤولان است، قدردانی عملی از خانواده‌ها و بازماندگان شهیدان و همچنین جانبازان و آزادگان است. آنچه بر عهده خود شماست، این است که نام و یاد شهیدان را با عمل و روحیه و زبان خود، همچنان عزیز و ارجمند بدارید. دشمن باید از زبان فرزندان شهدا چیزی را بشنود که مثل گلوله‌ای در دلش اثر کند. فرزندان شهدا امروز در همه‌جا هستند؛ در دانشگاهها، در مدارس، در مراکز کار و مسؤولیت، در سطوح مختلف. عزیزان من! هر جا هستید، نگذارید درخشندگی نور شهادت که در خمیره شماست، به وسیله ترفندهای دشمنان خاموش شود و افول پیدا کند. به شهادت و راهی که پدران و عزیزان شما در آن به شهادت رسیدند، افتخار کنید و بدانید اگر شهدا و جانبازان نبودند، اگر آن ایثارگریها و فداکاریها نبود، این ملت امروز تیره‌روزترین ملتهای منطقه بود. این که

میبینید مردم بعضی از کشورها با داشتن دین و احساسات و حرف، جرأت و میدان ابراز آن را ندارند و مسؤولانی بر آنها حکومت میکنند که اجازه نمیدهند مردم عقاید و احساسات اسلامی خود را ابراز کنند، این وضعیت در این کشور به خاطر سلطه طولانی امریکا به مراتب از آن کشورها بدتر میشود؛ زندگی مادی و معنوی مردم لگدمال اهواء و اطماع دشمنان میشود. آن عنصری که به این ملت عزت و آبرو داد و در واقع حیثیت و حرمت ملت ایران را حفظ کرد، عزیزان شما - همین شهیدان و ایثارگران - بودند.

من اعتقاد دارم همچنان که در دهه ۶۰ جوانان این مملکت توانستند نام و پرچم اسلام را بلند و عزیز کنند، جوانان امروز هم با آگاهی و روشن بینی و صفایی که دارند، به فضل پروردگار خواهند توانست پرچم اسلام و عدالت و حقانیت جمهوری اسلامی را در جهان به اهتزاز در آورند.

پروردگارا! شهیدان عزیز ما را با اولیای خودت محشور کن. پروردگارا! این خونهای پاک بر زمین ریخته را - که مایه عزت این ملت شد - تا قیام بقیةالله الأعظم، در نهایت مبارکی و میمنت و سربلندی قرار بده. پروردگارا! بازماندگان شهدا - پدران و مادران، همسران، فرزندان، برادران و خواهران - را مشمول رحمت و لطف ویژه خود قرار بده. پروردگارا! ما را قدردان مقام شهدا و منزلت خانواده‌های آنها قرار بده. پروردگارا! این جمع ما و گفته‌ها و شنیده‌ها را مشمول لطف و قبول خود قرار بده.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

حضور رهبر انقلاب بر سر مزار شش تن از شهیدان گمنام
در دانشگاه امام صادق(ع)

| ۱۳۸۰/۱۰/۲۲ |



در تجلیل از شهیدان گمنامی که هستی خود را نثار سرافرازی اسلام و انقلاب و ایران کرده‌اند حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح جمعه بر سر مزار شش تن از شهیدان گمنام در دانشگاه امام صادق(ع) حضور یافتند و برای شهیدان والا مقام انقلاب اسلامی و حماسه دفاع مقدس از پروردگار، علو درجات مسئلت کردند. پیکرهای این شهیدان در سالروز شهادت امام جعفر صادق(ع) در دانشگاه امام صادق به خاک سپرده شد.

دیدار شرکت کنندگان در اولین همایش راهیان نور با رهبر انقلاب

| ۱۳۸۰/۱۲/۰۷ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار شرکت کنندگان در اولین همایش راهیان نور از تشکیل این کاروانها بعنوان کاری بزرگ و قابل ستایش یاد و تصریح کردند: حفظ افتخارات و قله‌های سربلندی و عزت ملت ایران در دوران دفاع مقدس بعنوان هویت ملت و سرمایه ارزشمند معنوی باید همواره مورد اهتمام جدی باشد.

ایشان با تحلیل رفتارهای سلطه‌گرانه استکباری در طول صد سال گذشته، ایجاد حقارت در ملتها از طریق گرفتن هویت و خلع سلاح معنوی آنان را مهمترین ابزار قدرتهای استکباری برای سلطه بر کشورها دانستند و افزودند: جریانهای سلطه‌طلب دنیا همواره سعی کرده‌اند اصول و ارزشهای ملتها را حذف، یا تضعیف نمایند و یا مورد مناقشه قرار دهند بگونه‌ای که در مقطعی، پایبندی جمهوری اسلامی ایران به اصول خود و اصولگرایی را ضدارزش تبلیغ می‌کردند اما اکنون آمریکا تهدیدهای اخیر خود را با عنوان دفاع از اصول توجیه می‌کند.

مقام معظم رهبری تصریح کردند: جهاد و مبارزه جانانه و غریبانه ملت ایران در طول هشت سال دفاع مقدس با دشمنی که مورد حمایت بی‌دریغ شرق و غرب بود، بعنوان یک ارزش والا و یکی از مؤلفه‌های شخصیت ملت ایران باید حفظ و ارج نهاده شود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ایمان و اراده مردم در دفاع از نظام جمهوری اسلامی را عامل اصلی سربلندی مردم ایران در هشت سال دفاع مقدس برشمردند و خاطرنشان کردند: اتکاء به ایمان، حمایت مردم و ارزشهایی که به برکت اسلام و قرآن بوجود آمده معجزات بزرگی را بوجود می‌آورد.

بیانات در یادگان دوکوهه

| ۱۳۸۱/۰۱/۰۹ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم مصطفى محمد و على آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين. الهداة المهديين المعصومين. سيما بقیة الله فی الارضين.

اجتماع عظیمی که در این نقطه برجسته تاریخی تشکیل شده است، نشانه بزرگی از قدرشناسی ملت ایران است. از اطراف کشور، مردان، زنان، پیران و جوانان به این نقطه و دیگر نقاطی که در تاریخ جنگ تحمیلی، نقاط برجسته و فراموش نشدنی بوده‌اند، شتافته‌اند و در حقیقت، یاد آن جوانان، رزمندگان، دلاوران و مؤمنانی را که کشور و تاریخ و ملت ما همواره مدیون آنهاست، گرامی داشته‌اند. البته لازم است با قلب و زبان از مردم عزیزی که امروز از شهرهای دزفول، اندیمشک و شوش در این جلسه بزرگ شرکت کرده‌اند و همچنین از بقیه هم‌میهنان ایرانیمان که از سرتاسر نقاط کشور به این جا آمده‌اند، سپاسگزاری کنم.

هم زمان و هم مکان، بسیار حساس است. زمان، یادآور نهضت عظیم و فراموش نشدنی حسین بن علی علیه السلام است. امروز روز پنجم شهادت آن حضرت است؛ روزهای داغ تازه خاندان پیامبر است. در مثل چنین روزهایی تاریخ صدر اسلام شاهد یکی از

بزرگترین حوادثِ دورانِ تاریخ بشر بود. این روزها با آن روزهای حسّاس و تاریخ‌ساز مصادف است. مکان هم پادگان دوکوهه است که عاشوراییانِ زمان ما - جوانان از جان گذشته و دلاور ما - در طیّ سالهای متمادی دفاع مقدّس، در همین جا اجتماع کردند و در همین حال و هوا، عزم و تصمیم مردانه و مؤمنانه خود را بر دفاع از این کشور به مرحله عمل درآوردند. این پادگان و سرزمین، شاهد فداکاریها، اخلاصها، ایمانها و روحیه‌های مالمال از امواج صفا و طراوتی است که از جوانان مؤمن بسیجی و فداکار بروز کرده است.

از طرفی آغاز سال جدید شمسی و فصل بهار نیز هست. امسال بهار طبیعت - که آغاز سال ایرانی ماست - با بهار معنویت همراه شده است. بجاست این روزها را از لحاظ تقارن زمانی از جمله پدیده‌های کمیاب دوران خودمان به حساب آوریم. بنده هم مثل قطره‌ای در این دریای خروشان، به قصد اظهار ارادت و اخلاص به آن دلها و جانها و روحهای پاکی که بعضی شهید شدند و بعضی بحمدالله زنده‌اند و در این فضا و منطقه، آزمایشهای بزرگ صدر اسلام را دوباره تکرار کردند، به این جا آمده‌ام.

بعضی از انسانها از حقایق غفلت میکنند و بعضی از دلهای ناپاک، از غفلت دلها سوء استفاده نموده و مقاصد شیطانی و اهداف پلید را در فضای غفلت از حقایق، منتشر میکنند. هر دلی که برای حقیقت احترام قائل است، هر انسانی که برای معنویت، صفا، اخلاص و انسانیت ارزش قائل است، باید این‌طور مکانها و خاطره‌ها را همیشه عزیز بدارد. این وظیفه همه ماست و امیدوارم که این تجمّع شما برادران و خواهران در این مکان - که نموداری از احساسات ملت ایران است - پاسخ یارگویان را بدهد و بداندیشان و کج‌زوان را متنّبّه کند.

امسال به عنوان سال «عزّت و افتخار حسینی» شناخته شد. این عنوان و نامی است که میتواند به رفتار ما در طول سال جهت بدهد. این عناوینی که برای سالها در نظر گرفته میشود و ملت ایران، هر سالی را به این نامها مینامد، شعارهای همیشگی ملت ایران است و مخصوص یک سال نیست. همان‌طور که در آغاز سال جدید به عرض ملت ایران رساندم، سال «رفتار علوی» که عنوان سال گذشته بود، به این معنا نیست که با پایان سال، وظیفه رفتار علوی از دوش ما برداشته شد؛ نه. مسؤولان کشور برای

همیشه وظیفه دارند رفتار علوی را سرلوحه همه کارها و برنامه‌های خودشان قرار دهند. زمانی نظام اسلامی دچار اختلال واقعی خواهد شد که فراموش کند نماد و سرمشق بزرگی مثل علی بن ابی طالب علیه‌السلام دارد. حکومت علوی باید همیشه در مقابل چشم ما باشد و در آن جهت حرکت کنیم و آن را بخواهیم و برای آن تلاش نماییم. آرزوهای انسانهای ستمدیده تمام قرون در حکومتی برآورده خواهد شد که با رفتار علوی اداره شود، و لاغیر. بشر در طول قرون تاریخ طولانی خود از چه دردهایی بیشتر رنج برده است؟ از بی عدالتی، تبعیض، زورگویی و تحکم قدرتهای غاصب. همچنین از بیرحمی و برادرکشی رنج برده است؛ بشر از جهالتهایی که اختیار زندگی مردم را در قبضه قدرتهای ظالمانه گرفتند، رنج برده است؛ بشر همواره از جهل، ستم و تبعیض ناروا نالیده است. عمده محرومیت‌های انسان در طول تاریخ، ناشی از سلطه ظالمان و نااهلان، خوی وحشیگری، بیرحمیها و جنگ‌افروزیهاست؛ بشر از حقوق اصلی و طبیعی خود محروم مانده است.

حکومت علوی بشر را به عدالت، آرامش، ایمان به معنویت، صفا و برادری، صلح و دوستی حقیقی میرساند؛ نه مثل آن کسانی که نام و شعار صلح را در دنیا مطرح میکنند، اما خودشان آتش همه جنگها را روشن و همه فتنه‌ها را هم در میان انسانها برپا میکنند. نظام و حکومت علوی به برکت عدل همگانی و فراگیر، انسانها را در امنیت و آرامش واقعی نگه میدارد. اگر به امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرصت داده میشد، آن حضرت دنیای آبادی از جهت مادی و معنوی و مالمال از عدالت، آرامش و صلح حقیقی که بشر قبل از آن هرگز ندیده بود، به وجود می‌آورد. امروز هم جز در سایه چنین رفتاری، نمیشود به این آرزوها رسید. بنابراین رفتار علوی برای ما یک درس همیشگی است و مختص یک سال نیست؛ البته هدفهای بزرگ، در زمانهای متناسب و طولانی و با تلاش و مجاهدت، قابل حصول است. هدفهای بزرگ را نمیتوان با راحت‌طلبی، مفت و مجانی، بدون تلاش و مجاهدت به دست آورد؛ باید تلاش و برنامه‌ریزی کرد.

همان‌طور که عرض کردم، در سال گذشته دو حرکت از سوی مسؤولان در جهت رفتار علوی شروع شده است: یکی مسأله اشتغال و دیگری مسأله مبارزه با فساد است. این شروع، مبارک است و باید هر دو ادامه پیدا کند. معنای اشتغال این است که جوان مستعد آماده به کار، فرصت تلاش و فعالیت به دست آورد تا هم نیاز شخصی خود را

از این راه برطرف کند و هم به پیشرفت و آبادانی کشور و رونق اقتصادی آن کمک نماید. این امر برنامه‌ریزی می‌خواهد که این کار را مسؤولان دولتی ما شروع کرده‌اند و باید با جدّیت ادامه پیدا کند؛ هیچ چیز نباید مانع از اجرای آن شود. اگر تهدید امریکا است، اگر امواج سیاسی است، اگر درگیریهایی جناحی است، اگر خودخواهیهای این و آن است، هیچ کدام از اینها نباید مانع این شود که مسؤولان ذیربط دستگاههای دولتی در این قضیه اشتغال - که یک قضیه بسیار اساسی است - کار خودشان را با جدّیت دنبال نکنند. من در چند ماه قبل از این، به مسؤولان بلندپایه این بخش از دولت گفتم آن مجموعه‌ای که برای ایجاد اشتغال در کشور کار میکند، باید مثل اتاق جنگ دوران دفاع مقدّس که شب و روز نمیشناخت، کار کند. در دوران جنگ و دفاع مقدّس برای آن مجموعه‌هایی که مشغول طراحی جنگ بودند، شب و روز، تعطیل و غیر تعطیل، اوّل هفته و آخر هفته معنا نداشت؛ مرتّب مشغول کار بودند. امروز باید برای ایجاد اشتغال به همان نحو تلاش شود. جوان ما باید بتواند از نیرویش، برای اداره زندگی خود و پیشرفت کشور به معنای حقیقی استفاده کند؛ کشور هم این ظرفیت را دارد. خوشبختانه مسؤولان - تا آن جایی که من دیده‌ام و میشناسم - به این امر معتقد و علاقه‌مندند و باید همّت کنند.

همه بدانند تهدید دشمنان این ملت و کشور - چه تهدید نظامی و چه تهدید سیاسی - برای این کشور چندان حائز اهمیت نیست و برای این ملت تهدید واقعی به حساب نمی‌آید. این ملت یک ملت شجاع است که طعم عزّت و استقلال را چشیده است. این جوانان - که عمده نسل امروز ما را تشکیل میدهند - هرگز بیگانه‌ای را بر کشور خودشان مسلّط ندیده‌اند؛ لیکن زمان ما این‌گونه نبود. نسل ما در دورانی چشم باز کرد که بر اثر ضعف حکومتها در داخل کشور، نیروهای اشغالگر خارجی همه‌کاره بودند. در مشهد ما نیروی بیگانه‌ای از یک دولت، در آذربایجان نیروی بیگانه‌ای از دولت دیگر؛ در خود تهران هم نیروهای بیگانه دیگری از دولت‌های مختلف حضور داشتند. بعد هم که به ظاهر نیروهای نظامیشان را خارج کردند، نفوذهای سیاسیشان را بجا گذاشتند. نسل گذشته شما فضای کشور را این چنین دیده بود؛ مسؤولان کشور، سرسپرده و مطیع بیگانگان بودند؛ لیکن نسل امروز این‌طور نیست. نسل امروز، ملت، کشور، مسؤولان، حکومت و نظام خود را همیشه آزاد، سربلند، مستقل و عزیز میبیند؛ همه نمادهای

کشور را دارای نشانه‌های استقلال دیده و به خود میبالد؛ این نسلی است که از تهدید دشمن نمیهراسد. لذا این تهدیدها برای کشور خطر جدی نیست. خطر جدی برای کشور عبارت است از آن مسائلی که ما به دست خودمان به وجود آوریم. ایجاد اختلاف، ایجاد بیایمانی، ایجاد ناامیدی نسبت به آینده، القای وجود اختلاف و دویت، القای احساس ضعف در مقابل دشمن - که بعضیها متأسفانه از روی نادانی یا غرض‌ورزی این کارها را میکنند - احساس ناتوانی در مسؤولان کشور - که بعضی این احساس را عملاً و بعضی قولاً ترویج میکنند - برای کشور منشأ خطر است. مسؤولان باید توجه داشته باشند و مردم عزیز ما هم هوشیارانه متوجه باشند و القائات دشمن را بشناسند.

مسأله بعدی، مبارزه با فساد است. در مورد برخورد با فساد دو گرایش افراطی و تفریطی هست. بعضیها وقتی صحبت از مبارزه با فساد میشود، تصوّر میکنند که مبارزه با فساد، یک بهانه سیاسی برای برخورد با این و آن است؛ این غلط است. مبارزه با فساد، مبارزه با فساد است! در هر جامعه‌ای اگر نقطه فاسد، شناسایی، کنترل و قلع و قمع شد، فساد متوقف میماند، و آلا رشد پیدا میکند. فرق نظام اسلامی و نظام صالح با نظامهای فاسدی که در مقابل گسترش فساد بیدفاعند، این است که در این‌جا مسؤولان اصلی کشور و دلسوزان جامعه، برخوردار از صلاحند؛ برنامه و رفتار کشور، برنامه صلاح است. البته آدم فاسد هم پیدا میشود، منتها باید با او برخورد شود. بعضی تصوّر میکنند که مبارزه با فساد یک حرکت سیاسی است؛ این تصوّر غلطی است. مبارزه با فساد حرکت سیاسی نیست؛ یک حرکت حقیقی و کاری لازم است. بعضی هم در نقطه مقابل، از آن طرف افراط میکنند؛ یعنی وقتی گفته میشود «فساد» خیال میکنند همه‌جا را فساد گرفته است؛ خیر، این چنین نیست. آنچه که ما را برمیانگیزد، وجود فساد، ولو در یک بخش، در یک گوشه و به وسیله افراد معدودی است. ما میدانیم اگر با این پدیده مبارزه نشود، فساد نهادینه و ریشه‌دار میشود و در آن صورت قلع و قمعش مشکل می‌گردد. این مبارزه معنایش آن نیست که عناصر فاسد و مفسد همه زمامهای کار را در بخشهای مختلف به دست گرفته‌اند. عناصر صالح، مؤمن و دلسوز، در دستگاههای داخل کشور - چه قوه مجریه و چه قوه قضائیه - بسیار هستند که اجرا هم دست آنهاست و با کمال صلاح، کار خودشان را انجام میدهند و خوشبختانه اینها اکثریت و چهره غالب دستگاهند. منتها یک مفسد و فاسد، چهره دیگران را هم خراب میکند. این دو حرکت، یعنی ایجاد

اشتغال و مبارزه با فساد باید ادامه پیدا کند.

این سال، سال «عزت و افتخار حسینی» است. این عزت، چگونه عزتی است؟ این افتخار، افتخار به چیست؟ آن کسی که حرکت حسین بن علی علیه السلام را بشناسد، میداند که این عزت، چگونه عزتی است. از سه بُعد و با سه دیدگاه، این نهضت عظیم حسینی را که در تاریخ این طور ماندگار شده است، میشود نگاه کرد. در هر سه بُعد، آنچه که بیش از همه چشم را خیره میکند، احساس عزت و سربلندی و افتخار است.

یک بُعد، مبارزه حق در مقابل باطل مقتدر است که امام حسین علیه السلام و حرکت انقلابی و اصلاحی او چنین کرد. یک بُعد دیگر، تجسم معنویت و اخلاق در نهضت حسین بن علی است. در این نهضت عرصه مبارزه‌ای وجود دارد که غیر از جنبه اجتماعی و سیاسی و حرکت انقلابی و مبارزه علنی حق و باطل است و آن، نفس و باطن انسانهاست. آن جایی که ضعفها، طمعها، حقارتها، شهوتها و هواهای نفسانی در وجود انسان، او را از برداشتن گامهای بلند باز میدارد، یک صحنه جنگ است؛ آن هم جنگی بسیار دشوارتر. آن جایی که مردان و زنان مؤمن و فداکار پشت سر حسین بن علی علیه السلام راه میافتند؛ دنیا و مافیها، لذتها و زیباییهای دنیا، در مقابل احساس وظیفه از چشم آنها میافتد؛ انسانهایی که معنویت مجسم و متبلور در باطنشان، بر جنود شیطانی - همان جنود عقل و جنود جهلی که در روایات ما هست - غلبه پیدا کرد و به عنوان یک عده انسان نمونه، والا و بزرگ، در تاریخ ماندگار شدند. بُعد سوم که بیشتر در بین مردم رایج است، فجایع، مصیبتها، غصه‌ها، غمها و خون دل‌های عاشوراست؛ لیکن در همین صحنه سوم، باز هم عزت و افتخار هست. کسانی که اهل نظر و فکر و تأملند، باید هر سه بُعد را دنبال کنند.

در آن بُعد اول که امام حسین علیه السلام یک حرکت انقلابی به راه انداخت، مظهر عزت و افتخار بود. نقطه مقابل حسین بن علی چه کسی بود؟ آن حکومت ظالم فاسد بدکارهای بود که «یعمل فی عبادالله بالاثم و العدوان» (۱). نمودار اصلی این بود که در جامعه‌ای که زیر قدرت او بود، با بندگان خدا و انسانها با ستم، عدوان، غرور، تکبر، خودخواهی و خودپرستی رفتار میکرد؛ این خصوصیت عمده آن حکومت بود. چیزی که برایشان مطرح نبود، معنویت و رعایت حقوق انسانها بود. حکومت اسلامی را به

همان حکومت طاغوتی که قبل از اسلام و در دورانهای مختلف در دنیا وجود داشته است، تبدیل کرده بودند. در صورتی که بارزترین خصیصه نظام اسلامی، حکومت است؛ برجسته‌ترین بخشهای آن جامعه ایده‌آلی که اسلام میخواهد ترتیب دهد، شکل و نوع حکومت و رفتار حاکم است.

به تعبیر بزرگان آن روز، امامت را به سلطنت تبدیل کرده بودند. امامت یعنی پیشوایی قافله دین و دنیا. در قافله‌ای که همه به یک سمت و هدف والا در حرکتند، یک نفر بقیه را راهنمایی میکند و اگر کسی گم شود، دست او را میگیرد و برمیگرداند؛ اگر کسی خسته شود، او را به ادامه راه تشویق میکند؛ اگر کسی پایش مجروح شود، پای او را میبندد و کمک معنوی و مادی به همه میرساند. این در اصطلاح اسلامی اسمش امام - امام هدایت - است و سلطنت نقطه مقابل این است. سلطنت به معنای پادشاهی موروثی، فقط یک نوع از سلطنت است. لذا بعضی سلاطین در دنیا هستند که اسمشان سلطان نیست، اما باطنشان تسلط و زورگویی بر انسانهاست. هر کس و در هر دوره‌ای از تاریخ - اسم او هر چه میخواهد باشد - وقتی به ملت خود یا به ملت‌های دیگر زور بگوید، این سلطنت است. این که رئیس جمهور یک دولتی - که در همه زمانها، دولتهای مستکبر بوده‌اند و امروز مظهر آن، امریکا است - به خود حق بدهد که بدون هیچ استحقاق اخلاقی، علمی و حقوقی، منافع خود و کمپانیهای پشتیبان خود را بر منافع میلیونها انسان ترجیح دهد و برای ملت‌های دنیا تکلیف معین کند، این سلطنت است؛ حالا اسمش سلطان باشد یا نباشد!

در دوران امام حسین علیه‌السلام امامت اسلامی را به چنین چیزی تبدیل کرده بودند: «یعمل فی عبادالله بالاثم والعدوان». امام حسین علیه‌السلام در مقابل چنین وضعیتی مبارزه میکرد. مبارزه او بیان کردن، روشن‌گری، هدایت و مشخص کردن مرز بین حق و باطل - چه در زمان یزید و چه قبل از او - بود. منتها آنچه در زمان یزید پیش آمد و اضافه شد، این بود که آن پیشوای ظلم و گمراهی و ضلالت، توقع داشت که این امام هدایت پای حکومت او را امضاء کند؛ «بیعت» یعنی این. میخواست امام حسین علیه‌السلام را مجبور کند به جای این که مردم را ارشاد و هدایت فرماید و گمراهی آن حکومت ظالم را برای آنان تشریح نماید، بیاید حکومت آن ظالم را امضا و تأیید هم بکند! قیام امام حسین علیه‌السلام از این جا شروع شد. اگر چنین توقع بیجا و ابلهانه‌ای

از سوی حکومت یزید نمیشد، ممکن بود امام حسین همچون زمان معاویه و ائمه بزرگوار بعد از خود، پرچم هدایت را برمیافراشت؛ مردم را ارشاد و هدایت میکرد و حقایق را میگفت. منتها او بر اثر جهالت و تکبر و دوری از همه فضایل و معنویات انسانی یک قدم بالاتر گذاشت و توقع کرد که امام حسین علیه‌السلام پای این سیه‌نامه تبدیل امامت اسلامی به سلطنت طاغوتی را امضاء کند؛ یعنی بیعت کند. امام حسین فرمود «مثلی لا یبایع مثله» (۲)؛ حسین چنین امضایی نمیکند. امام حسین علیه‌السلام باید تا ابد به عنوان پرچم حق باقی بماند؛ پرچم حق نمیتواند در صف باطل قرار گیرد و رنگ باطل بپذیرد. این بود که امام حسین علیه‌السلام فرمود: «هیئات منّا الذّلة» (۳). حرکت امام حسین، حرکت عزّت بود؛ یعنی عزّت حق، عزّت دین، عزّت امامت و عزّت آن راهی که پیغمبر ارائه کرده بود. امام حسین علیه‌السلام مظهر عزّت بود و چون ایستاد، پس مایه فخر و مباهات هم بود. این عزّت و افتخار حسینی است. یک وقت کسی حرفی را میزند، حرف را زده و مقصود را گفته است، اما پای آن حرف نمی‌ایستد و عقب‌نشینی میکند؛ این دیگر نمیتواند افتخار کند. افتخار متعلق به آن انسان، ملت و جماعتی است که پای حرفشان بایستند و نگذارند پرچمی را که آنها بلند کرده‌اند، توفانها از بین ببرد و بخواباند. امام حسین علیه‌السلام این پرچم را محکم نگه داشت و تا پای شهادت عزیزان و اسارت حرم شریفش ایستاد. عزّت و افتخار در بُعد یک حرکت انقلابی این است.

در بُعد تبلور معنویت هم همین‌طور است. بارها این را گفته‌ام که خیلیها به امام حسین علیه‌السلام مراجعه و او را بر این ایستادگی ملامت میکردند. آنها مردمان بد و یا کوچکی هم نبودند؛ بعضی جزو بزرگان اسلام بودند؛ اما بد میفهمیدند و ضعفهای بشری بر آنها غالب شده بود. لذا میخواستند حسین بن علی را هم مغلوب همان ضعفها کنند؛ اما امام حسین علیه‌السلام صبر کرد و مغلوب نشد و یکایک کسانی که با امام حسین بودند، در این مبارزه معنوی و درونی پیروز شدند. آن مادری که جوان خود را با افتخار و خشنودی به طرف این میدان فرستاد؛ آن جوانی که از لذات ظاهری زندگی گذشت و خود را تسلیم میدان جهاد و مبارزه کرد؛ پیرمردانی مثل «حبیب بن مظاهر» و «مسلم بن عوسجه» که از راحتی دوران پیرمردی و بستر گرم و نرم خانه خودشان گذشتند و سختی را تحمل کردند؛ آن سردار شجاعی که در میان دشمنان جایگاهی داشت - «حربن یزید ریاحی» - و از آن جایگاه صرف‌نظر کرد و به حسین بن علی پیوست،

همه در این مبارزه باطنی و معنوی پیروز شدند.

آن روز کسانی که در مبارزه معنوی بین فضایل و رذایل اخلاقی پیروز شدند و در صف‌آرایی میان جنود عقل و جنود جهل توانستند جنود عقل را بر جنود جهل غلبه دهند، عده اندکی بیش نبودند؛ اما پایداری و اصرار آنها بر استقامت در آن میدان شرف، موجب شد که در طول تاریخ، هزاران هزار انسان آن درس را فراگرفتند و همان راه را رفتند. اگر آنها در وجود خودشان فضیلت را بر رذیلت پیروز نمی‌کردند، درخت فضیلت در تاریخ خشک میشد؛ اما آن درخت را آبیاری کردند و شما در زمان خودتان خیلها را دیدید که در درون خود فضیلت را بر رذیلت پیروز و هواهای نفسانی را مقهور احساسات و بینش و تفکر صحیح دینی و عقلانی کردند. همین پادگان دوکوهه و پادگانهای دیگر و میدانهای جنگ و سرتاسر کشور، شاهد دهها و صدها هزار نفر از آنها بوده است. امروز هم دیگران از شما یاد گرفته‌اند؛ امروز در سرتاسر دنیای اسلام آن کسانی که حاضرند در درون خود و در صف‌آرایی حق و باطل، حق را بر باطل پیروز کنند و غلبه دهند، کم نیستند. پایداری شما - چه در دوران دفاع مقدس و چه در بقیه آزمایشهای بزرگ این کشور - این فضیلتها را در زمانه ما ثابت کرد. زمانه ما زمانه ارتباطات نزدیک است؛ اما این ارتباطات نزدیک همیشه به سود شیطان و شیطنتها نیست؛ به سود معنویتها و اصالتها هم هست. مردم دنیا خیلی چیزها را از شما یاد گرفته‌اند. همین مادری که در فلسطین جوان خودش را میبوسد و به طرف میدان جنگ میفرستد، یک نمونه است. فلسطین سالهای متمادی، زن و مرد و پیر و جوان داشت؛ اما بر اثر ضعفها و به دلیل آن که در میدان صف‌آرایی معنوی، جنود عقل نمیتوانست بر جنود جهل پیروز شود، فلسطین دچار ذلت شد و این وضعیت برایش پیش آمد و دشمنان بر آن مسلط شدند. اما امروز وضعیت فلسطین، به گونه دیگری است؛ امروز فلسطین به پا خاسته است؛ امروز ملت فلسطین - زن و مرد - در صف‌آرایی معنوی در درون خود توانسته است جانب معنویت را غلبه دهد و پیروز کند؛ و این ملت پیروز خواهد شد.

در آن صحنه سوم هم که صحنه فاجعه آفرینیهای عاشوراست، آن جا هم باز نشانه‌های عزت مشاهده میشود؛ آن جا هم سربلندی و افتخار است. اگر چه مصیبت و شهادت است؛ اگر چه شهادت هر یک از جوانان بنی‌هاشم، کودکان، طفلان کوچک و اصحاب کهنسال در اطراف حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه‌السلام یک مصیبت و داغ بزرگ

است؛ اما هر کدام حامل یک جوهره عزت و افتخار هم هست.

این جا جمعی که شما اجتماع کرده‌اید، اغلب جوانید. در این پادگان دو کوهه هم دهها و صدها هزار جوان آمدند و رفتند. مظهر جوان فداکار در کربلا کیست؟ علیاکبر، فرزند امام حسین علیه‌السلام؛ جوانی که در بین جوانان بنی هاشم برجسته و نمونه بود؛ جوانی که زیباییهای ظاهری و باطنی را باهم داشت؛ جوانی که معرفت به حق امامت و ولایت حسین بن علی علیه‌السلام را با شجاعت و فداکاری و آمادگی برای مقابله با شقاوت دشمن همراه داشت و نیرو و نشاط و جوانی خود را برای هدف و آرمان والای خود صرف کرد. این خیلی ارزش دارد. این جوان فوق‌العاده و برجسته به میدان دشمن رفت و در مقابل چشم پدر و چشمان زنانی که نگران حال او بودند، جسد به خون آغشته‌اش به خیمه‌ها برگشت. این چنین مصیبت و عزایی چیز کوچکی نیست؛ اما همین حرکت او به سمت میدان و آماده شدن برای مبارزه، برای یک مسلمان، تجسم عزت، بزرگواری، افتخار و مباهات است. این است که خداوند میفرماید: «و لله العزة و لرسوله و للمؤمنین» (۴). حسین بن علی علیه‌السلام نیز به نوبه خود با فرستادن این جوان به میدان جنگ، عزت معنوی را نشان داد؛ یعنی پرچم سربلندی و حاکمیت اسلام را که روشن‌کننده مرز بین امامت اسلامی و سلطنت طاغوتی است محکم نگه میدارد، ولو به قیمت جان جوان عزیزش باشد.

شنیده‌اید - در این روزها، بارها هم تکرار شده است - که هر کدام از اصحاب و یاران امام حسین علیه‌السلام برای رفتن به میدان جنگ و مبارزه کردن اجازه میخواستند، امام به سرعت اجازه نمیداد. بعضیها را ممانعت میکرد؛ به بعضی میگفت که اصلاً از کربلا برگردید و بروید. او با جوانان بنی‌هاشم و اصحاب خود، چنین رفتار میکرد. اما علیاکبر - جوان محبوب و فرزند عزیزش - که اجازه میدان خواست، امام یک لحظه هم درنگ نکرد و به او اجازه داد. این جا میشود معرفت پسر و عظمت مقام پدر را فهمید.

تا وقتی اصحاب بودند، میگفتند جانمان را قربان شما میکنیم و اجازه نمیدادند کسی از بنی‌هاشم - فرزندان امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیه‌السلام - به میدان جنگ بروند. میگفتند اول ما میرویم و کشته میشویم، اگر بعد از کشته شدن ما خواستید، آن وقت به میدان بروید. وقتی که نوبت به جانبازی و شهادت بنی‌هاشم

رسید، اول کسی که درخواست اجازه برای میدان میکند، همین جوان مسؤولیت‌شناس است؛ او علیاکبر، پسر آقا و پسر امام و از همه به امام نزدیکتر است، پس برای فداکاری از همه شایسته‌تر است. این هم یک مظهر امامت اسلامی است؛ این‌جا جایی نیست که دنیا، منافع مادی، سود اقتصادی و شهوات نفسانی تقسیم کنند؛ این‌جا مجاهدت و سختی است؛ اول کسی که داوطلب میشود علی‌بن‌الحسین، علیاکبر است. این، معرفت این جوان را مینمایاند و امام حسین هم عظمت روحیاش را در مقابل این کار نشان میدهد و به مجرد این‌که او درخواست میکند، امام حسین علیه‌السلام هم اجازه میدهد که به میدان برود.

اینها برای ما درس است؛ همان درسهای ماندگار تاریخ، همان چیزهایی که امروز و فردا، بشریت به آنها نیازمند است. تا وقتی که خودخواهیهای انسان بر او حاکم است، هرچه قدرت اجراییش بالاتر باشد، خطرناکتر است؛ تا وقتی که هواهای نفسانی بر انسان غالب است و تا وقتی انسان همه چیز را برای خود میخواهد، هرچه قدرتش بیشتر است، خطرناکتر و سبتر و درنده‌تر است. نمونه‌هایش را در دنیا میبینید. هنر اسلام همین است که به کسانی اجازه میدهد از نردبان قدرت بالا روند که توانسته باشند لاقلاً در بعضی از این مراحل امتحان داده و قبول شده باشند. شرطی که اسلام برای مسؤولیتها میگذارد، خارج شدن از بسیاری از این هواها و هوسهاست. ما مسؤولان بایستی بیش از همه مراقب خود باشیم؛ بیش از همه دست، زبان، فکر، چشم و عمل خود را کنترل کنیم؛ بیش از همه تقوا در ما لازم است. وقتی بیتقوایی بر انسانی حاکم شد، هرچه قدرت او بیشتر باشد، خطرش برای بشریت بیشتر است. وقتی اختیار فشردن تکمه بمب اتم در دست شخصی باشد که نه جان انسانها و نه حقوق ملتها برایش مهم است و نه اجتناب از شهوات نفسانی برای او یک امتیاز و ارزش محسوب میشود، برای بشریت خطرناک است. این کسانی که امروز در دنیا از نیروی اتم و سلاحهای مرگبار برخوردارند، باید بر نفس و احساسات خود غلبه داشته و مسلط باشند که متأسفانه این‌طور نیست. اسلام این مسائل را تبلیغ میکند و علت دشمنی قدرتمندان با اسلام هم همین است.

پروردگارا! در راه زنده نگه‌داشتن آرمانهای اسلامی ما را روزبه‌روز ثابت قدم‌تر فرما. ما را در پیمودن این صراط مستقیم الهی و اسلامی - که در مقابل پای ما قرار داده‌ای -

روزبه‌روز عازم و جازمتر گردان. پروردگارا! ملت ایران را در رسیدن به هدفهای بزرگ خود موفق و پیروز فرما. مسؤولان را که خدمتگزاران این ملت هستند در خدمتگزاری به این ملت موفق گردان. پروردگارا! دشمنان این ملت را مغلوب و منکوب فرما. پروردگارا! به محمد و آل محمد قلب ولی عصر را از ما شاد کن؛ روح شهدای عزیز را از ما خشنود کن. پروردگارا! آن جوانان نازنین، آن دلاورمردانی که در سالهای دفاع مقدس و قبل و بعد از آن در این جبهه‌های طولانی نبرد، در راه اهداف عالیہ اسلام، جان خودشان را فدا کردند، با پیغمبر محشور کن؛ ملت ایران را روزبه‌روز بیشتر قدردان آنها گردان. پروردگارا! لطف و خیر و رحمت و فیض خود را بر این مردم نازل کن.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا

| ۱۳۸۱/۰۳/۰۱ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به همه شما برادران و خواهران عزیزی که در این جلسه صمیمی و باصفا حضور دارید، خوشامد عرض میکنم و سالگرد حادثه بسیار مهم و ماندگار پیروزی در جبهه خرمشهر و برگرداندن این شهر به پیکر خونین کشور به وسیله دلاوران مؤمن ارتش و سپاه و نیروهای جان بر کف بسیج را به همه رزمندگان و ایثارگران و خانواده‌های همه شهیدان و جانبازان تبریک میگویم. امروز این سالگرد مبارک، مبارکتر و فرخنده‌تر شده است؛ به خاطر این که با روز آغاز امامت و ولایت مولا و سید ما حضرت بقیةالله ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه الشریف مقارن شده است. امیدواریم این ملت و این کشور، همیشه مشمول برکات ادعیه زاکیه آن بزرگوار و توجهات عطفانه آن مولای کریم بوده باشند.

واقعۀ خرمشهر از دور فقط یک حادثه تاریخی است که برای ملت ایران هیجان‌آور و افتخارآمیز است؛ ولی از نزدیک، این قضیه شبیه یک معجزه بزرگ بود. وقتی رژیم عراق با تشویق دولتهای دشمن انقلاب به مرزهای ما حمله کرد، هدفگیری دقیقی کرده بود. خرمشهر، قدم اول و بسیار مؤثر از این هدفگیری بود. هدف آنها به طور خلاصه این بود: با خود فکر کرده بودند با پیروزی انقلاب، ایران اولاً نیروی مسلحی ندارد که از مرزها دفاع کند؛ ثانیاً سامان اداری و اجتماعی درستی ندارد تا بتواند به دفاع از کشور و منافع

ملی بپردازد؛ ثالثاً در دنیا انقلاب طرفداری ندارد. یک طرف آمریکا بود، دشمن پر از حقد و کینه علیه انقلاب - چون انقلاب سلطه آمریکا را بر این کشور از بین برده بود، بنابراین از غضب و کینه بر انقلاب و نظام اسلامی پُر بودند - یک طرف هم شوروی سابق بود؛ آن هم با دلایل دیگری علیه انقلاب اسلامی. این دو ابرقدرت که در دهها مسأله با هم اختلاف داشتند، در دشمنی با ایران با یکدیگر اتحاد کلمه داشتند و هر دو به رژیم عراق صمیمانه و با همه وجود کمک و از آن دفاع میکردند! ناتو و قدرتهای اروپایی به عراق کمک کردند؛ هواپیما دادند، بمب دادند، تانک دادند، وسایل شیمیایی دادند، هلیکوپتر دادند، موشک دادند. اروپای شرقی نیز که آن روز زیر سیطره حکومت شوروی و وابسته به آن بود، هرچه عراق میخواست، به او داد. بنابراین یک طرف عراق بود با حمایت آمریکا و شوروی و ناتو و ورشو - که همان پیمان اروپای شرقی و کشورهای بلوک کمونیست بود - و همچنین دولتهای عربی منطقه که پول و سلاح و امکانات و مشاور نظامی و هرچه دولت بغداد برای رسیدن به هدفهای خود در این حمله احتیاج داشت، بیدریغ در اختیار او قرار میدادند؛ یک طرف هم نظام جمهوری اسلامی بود.

آمریکا با این نظام بد بود و برای این که این نظام از بین برود، لحظه شماری میکرد. شوروی هم با این نظام بد بود؛ اروپاییها هم با آن هیچ گونه رابطه‌ای نداشتند و هیچ دلسوزی‌ای برای آن نمیکردند؛ دولتهای مرتجع هم به گونه دیگر. امکانات مالی کشور، بسیار ضعیف؛ نیروهای مسلح، نامنسجم؛ وسایل نظامی، بعضی کهنه و فرسوده و بعضی منتظر قطعه‌ای بود که به ما نمیفروختند. هواپیما داشتیم، قطعه نداشت؛ تانک داشتیم، قطعه نداشت و دنیا به ما نمیفروخت؛ در داخل هم از این وسایل هیچ چیز تولید نمیشد.

در چنین وضعیتی، طبیعت قضیه چیست؟ طبیعت قضیه همان چیزی است که عراق پیش‌بینی کرده بود: با یک حمله بیاید ابتدا خرمشهر را بگیرد، بعد اهواز را بگیرد، بعد دزفول را بگیرد و در نهایت خوزستان را از ایران جدا نماید؛ سپس شروع به چانه‌زنی کند. خوزستان را تا آخر پس ندهد، منابع نفتی کشور را در اختیار بگیرد و بعد هم دولت انقلاب را از موضع ضعف و ذلت پای میز مذاکره بنشانند. این، نقشه رژیم عراق و در حقیقت نقشه آمریکا و شوروی بود.

در قدم اول، نیروهای عراقی پیشرفتهایی کردند و تا سیزده چهارده کیلومتری اهواز هم

رسیدند؛ اما وقتی خواستند به خرمشهر - که مرز نزدیکتر بود - حمله کنند، دچار مانع شدند. علت هم این بود که نیروهای مردمی، جوانان مؤمن و مرد و زن انقلابی وارد میدان شدند؛ یعنی در این جا انقلاب شروع کرد خود را نشان دادن؛ بنابراین دشمن نزدیک اهواز زمینگیر شد. آن جا نیروهای مسلح و ارتش و نیروهای مردمی پشت سر هم مثل کوه در مقابل دشمن ایستادند و این اولین تودهنیای بود که به آنها زده شد. اما غم، دل ملت ایران را گرفته بود؛ چون هزاران کیلومتر از خاک کشور زیر چکمه دشمن قرار داشت. بنده در ماههای اول جنگ، در همان مناطق بودم؛ هم وضع مردم و هم وضع نیروهای مسلح را میدیدم. نیروهای مسلح، عازم و جازم بودند؛ اما غم سنگینی بر دلشان نشسته بود. بتدریج عظمت نیروهای مردمی، خود را نشان داد. سپاه پاسداران به سرعت خود را سازماندهی کرد و نیروهای مردمی و بسیج مردمی بتدریج سازمان پیدا کردند؛ یعنی جوهر انقلاب و ایمان در این میدان خطر، خود را در اراده و عمل و قدرت مدیریت انسانها نشان داد.

دنیای سیاسی - مثل سازمان ملل و امثال آن - با ما چه کرد؟ دنیا از همه طرف فشار آورد که بنشینید با عراق مذاکره کنید و جنگ و مقاومت را متوقف سازید. این یکی از نقاط عبرت است؛ جوانان ما روی این نقاط خیلی تکیه کنند. ما دولت تازه کاری داشتیم که دو سال روی کار آمده و با چنین حمله سنگینی مواجه شده بود و دشمن در هزاران کیلومتر زمین ما، از جنوبیترین نقطه تا شمالیترین نقطه همسایگی با عراق، مستقر شده بود؛ اما در این حال به ما میگفتند بیاید مذاکره کنید! مذاکره از موضع ضعف و ذلت و همراه با دست پر حریف در چانه زنی. آن روز اگر مذاکره صورت میگرفت - که یک عده از سیاستون، همان روز به امام فشار میآوردند که بنشینید مذاکره کنید - مطمئناً عراق از بخش عمده خاک ما خارج نمیشد و تا امروز خوزستان و خرمشهر و شاید بسیاری از مناطق دیگر همچنان زیر چکمه نیروهای متجاوز بیگانه بود. اما امام ایستاد. منطق امام این بود که وقتی متجاوز در خاک ماست و با دست پر ما را تهدید میکند، ما مذاکره نمیکنیم. مذاکره آن وقتی صورت میگیرد که دشمن از تمام خاک ما خارج شود. امروز عدهای ناجوانمردانه این حقیقت را ندیده میگیرند. آن روز عدهای، از جمله همان روسیاهان فراری از کشور که امروز به دامن آمریکا و اروپا و جاهای دیگر پناه برده‌اند، از طریق محافل سیاسی و روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون - که در دست آنها

بود- مرتب فشار می‌آوردند که امام باید مذاکره کند. هیأت‌های بین‌المللی هم مرتب به ایران می‌آمدند و می‌گفتند مذاکره کنید. امام با الهام از همان بینش روشن، ایمان راسخ، توکل به خدا و قدرت اراده ایستاد و گفت اگر ما توانستیم سرزمینهای خود را پس بگیریم، آن‌گاه وقت مذاکره است؛ امروز وقت مذاکره نیست؛ عملاً هم همین‌طور شد.

در چنان شرایطی که غم، دلها را فرا گرفته و رجزخوانیهای عراق همه دنیا را پُر کرده بود، نیروهای ما از کمترین امکانات مادی برخوردار نبودند. این‌که می‌گوییم کمترین امکانات مادی، یک حقیقت است. من فراموش نمی‌کنم، یکی از سرداران و فداکاران آن روز - که امروز بحمدالله در همین جلسه حضور دارند- به اتفاق چند نفر در اهواز پیش ما آمدند و چند قبضه خمپاره انداز می‌خواستند تا بتوانند قدری در مناطق جلوتر ایستادگی و مبارزه کنند؛ اما کسی نبود به اینها این چند قبضه خمپاره‌انداز را بدهد! ما برای سیم خاردار و گلوله و آر.پی.جی مشکل داشتیم؛ تانک و نفربر و امثال اینها که به جای خود. آنچه در اختیار ملت ایران بود، عبارت بود از یک اراده قوی و نشاط همه‌جانبه که برخاسته از ایمان و آگاهی بود. این‌که امام فرمودند «خرمشهر را خدا آزاد کرد»، یعنی این.

خوب است در این‌جا یاد شهید عزیزمان «صیاد شیرازی» را گرامی بداریم. خیلی از فرماندهان آن روز بحمدالله امروز زنده و سر حال و مشغول انجام وظیفه‌اند و بعضی هم به شهادت رسیدند. این شهید و همکارانش در سپاه و ارتش مجموعه توانایی را تشکیل دادند و عملیات امام رضا، فتح‌المبین و سپس بیت‌المقدس را طراحي و اجرا کردند و بتدریج کارایی انقلاب و اسلام و یک ملت مؤمن را در این منطقه بسیار خطیر، مقابل چشم همه گرفتند. هیچ‌کس در دنیا باور نمی‌کرد که نیروهای مسلح ما بتوانند خرمشهر را پس بگیرند؛ چون خرمشهر رفته بود. همین مناظری که شما امروز می‌بینید اسرائیلیها با تانک در جنین به وجود می‌آورند، شبیه همین را در خرمشهر ما به وجود آوردند. البته همان‌طور که پدر عزیز شهید «جهان‌آرا» گفتند- جوانان ما مقاومت کردند و مدتی دشمن را پشت در نگهداشتند. حدود چهل روز یا بیشتر، جوانان مؤمن و نیروهای مسلح ما توانستند به ارتش عراق تودهنی و او را پس بزنند؛ ولی بالاخره بسیاری شهید شدند و خرمشهر از ملت ایران غصب شد.

وقتی نیروهای مسلح ما در عملیات بیت‌المقدس با تدبیر، روشن بینی، اراده برخاسته از ایمان، توکل به خدا، استفاده‌ی از همه امکانات - یعنی نگذاشتند جزئی از امکانات هدر برود- و با تکیه به نیروی خود و اعتماد به خدای متعال حرکتشان را شروع کردند، هیچ کس در دنیا باور نمی‌کرد اینها بتوانند خرمشهر را آزاد کنند؛ اما توانستند. وقتی ما اعلام کردیم خرمشهر را پس گرفته‌ایم، تا یکی دو روز خبر گزاریهای دنیا حاضر نبودند این خبر را پخش کنند - با چشم تردید به آن نگاه میکردند- اما این اتفاق افتاد و آخر هم همه مجبور شدند به این پیروزی اذعان کنند. در این عملیات، رزمندگان ما بیش از پانزده‌هزار اسیر عراقی گرفتند و به اردوگاههای اسرا به عقب جبهه فرستادند. البته خرمشهر آزاد شد؛ اما بسیاری از سرزمینهای ما همچنان در زیر پای دشمن بود. مهران و نفت‌شهر و صدها شهر و روستای ما در طول مرز مغضوب بود.

در همین خلال، کسانی که حاضر نبودند برای انقلاب و منافع این کشور یک قدم بردارند، بلکه فقط بلد بودند نق بزنند و علیه انقلاب بهانه‌گیری کنند، باز فشار می‌آوردند که جنگ را تمام کنید. اگر اراده قوی و مصمم و ایستادگی امام نبود، مطمئناً جنگ جز با پیروزی دشمن تمام نمیشد. همین نفسهای خبیثی که آن روز این وسوسه‌ها را در کشور میدمیدند، امروز هم بعضیشان سر بلند کرده‌اند و همان حرفها را تکرار میکنند و میگویند چرا بعد از فتح خرمشهر آتش بس را قبول نکردید؟! بعد از فتح خرمشهر، هنوز بخش عظیمی از سرزمینهای ما -مرزها و شهرهای ما- و نیز گروه کثیری از مردم ما در اختیار رژیم متجاوز بودند. تهدید بالای سر مرزهای ما بود و دشمن از همه طرف تجهیز میشد. باید شرّ دشمن از سر مرزها کم میشد؛ این یک بینش خردمندانه بود. آن روز همه دلسوزان کشور، از مسؤولان نظامی و غیره، این منطقی را برای همه اثبات میکردند. امام یک انسان منطقی بود و تصمیم گرفت و عمل کرد و به فضل پروردگار توانست ملت ایران را سرافراز کند.

کسانی که به عزّت مردم ایران و استقلال کشور و شرف و کرامتی که این ملت برای آن ارزش قائل است، اهمیت نمیدهند، آن روز و امروز و در طول سالها، همیشه با توصیه‌های ناجوانمردانه و بُزدلانه خود سعی کرده‌اند ملت ایران را ذلیل و ضعیف کنند؛ همیشه هم تکیه‌شان به این است که ما نمیتوانیم! در دل خودشان ضعف موج میزند؛ اما این را به ملت ایران نسبت میدهند. در دل خودشان فروغ ایمان نیست؛ این را به

مردم مؤمن نسبت میدهند. این جفای به مردم مؤمن است. ملت ما ثابت کرده آن جایی که پای شرف، کرامت و دفاع از ارزشهای کشور و ارزشهای والای اسلامی در میان است، از همه توان خود استفاده و دشمن را مغلوب میکند.

بعضی خیال میکنند وقتی گفته میشود تکیه به ایمان و ایثار، معنایش این است که خود را برای فدا شدن آماده کنید؛ نه. تکیه به ایمان و ایثار معنایش این است که با ایمانی که در دل انسان وجود دارد و با اتکال و اتکایی که به خدا هست، همه نیروهای انسان به کار بیفتد. این نیروها میتوانند علم بیافرینند، تجربه بیافرینند، تولید کنند و پیچیده‌ترین صنعتها را به وجود آورند؛ همچنان که به وجود آوردند. ما از اوّل انقلاب هر جا به ایمان خود تکیه و به احکام اسلام عمل کردیم، پیروز شدیم؛ چه در جبهه علم، چه در جبهه سیاست، چه در کارهای اقتصادی و چه در کارهای نظامی. آن جایی که شکست خوردیم و پا در گل ماندیم و ضعیف شدیم، وقتی بوده است که از اسلام فاصله گرفته‌ایم. این را دشمن خوب فهمیده است.

دشمن راز پیروزی ما در خرمشهر و خرمشهرها را به چشم دید و فهمید این ملت اگر پرچم اسلام و ایمان را برافراشته نگهدارد، در همه میدانها پیروز خواهد شد؛ بنابراین سعی کردند این پرچم را سرنگون کنند. امروز همه تلاش آمریکا و دستگاه و جبهه استکبار این است که عنصر قدرت و قوت و مقاومت را از ما بگیرد؛ یعنی میخواهد ایمان و اتکاء به نفس و امید و اتحاد را در ما تضعیف کند. ملتی که ایمان و اتحاد نداشته باشد و نسبت به آینده مأیوس باشد، پیداست که در همه میدانها شکست خواهد خورد؛ در سیاست هم شکست میخورد، در اقتصاد هم شکست میخورد، در سازندگی کشور هم شکست میخورد. آنها میخواهند اینها را از ما بگیرند. اوّلین ضربه‌ای که میزنند، این است که ملت را از خود مأیوس کنند.

امروز عده‌ای متأسفانه کارشان این شده است که مرتّب دشمن را بزرگ و خود را کوچک کنند، عظمت دشمن را به رخ همه بکشند و دائماً بگویند ما نمیتوانیم! یعنی ما هم مثل خیلی از کشورها و دولتها باید برویم در هاضمه استکبار جهانی هضم شویم! اینها اشتباه میکنند؛ خودشان ضعیف و از درون پوکند -یا پوک بودند یا پوک شدند- لذتهای دنیا آنها را پوک کرده است؛ دنیاطلبی آنها را بیارزش و بیهویت کرده است؛

بنابراین خیال میکنند همه مثل آنهایند. نخیر؛ این ملت توانا و امیدوار است؛ بیخود دل ملت را نلرزانند و مرتب نگویند ما نمیتوانیم و قدرت حرکت نداریم. چرا، این ملت قدرت حرکت دارد؛ این ملت اسلام دارد؛ این ملت ابزار و وسیله بسیار مؤثر ایمان را دارد؛ این ملت اتحاد حقیقی و قلبی خود را با مسؤولان کشور دارد. این رشته اتحاد مقدسی که با پیوندهای ایمان و عاطفه محکم شده است، در کمتر جایی از دنیا شبیهش میشود پیدا کرد.

ما به فضل پروردگار مشکلات را برطرف میکنیم و میتوانیم دشمن را سر جای خود بنشانیم. دشمن هر چه هم از لحاظ ابزار نظامی قوی باشد، در مقابل یک ملت منسجم و مؤمن و دارای امید به آینده، هیچ غلطی نمیتواند بکند. البته ما مسؤولان باید به وظایف خود عمل کنیم؛ دولت و قوه قضاییه و مجلس باید به وظایف خود عمل کنند. هر کس امروز از وظیفه اصلی خود سرپیچی کند و خود را به کار دیگری مشغول و سرگرم سازد و از انجام وظیفه شانه خالی نماید، خیانت کرده است و دچار لعنت ابدی خواهد شد. ما مسؤولان باید روح اسلامی را در خود زنده نگهداریم؛ روح اشرافی‌گری را دور بیندازیم و رشته سودجویی و ثروت‌طلبی و دنبال منافع شخصی دوییدن و تجمل‌پرستی و امثال اینها را از دست و پای خود باز کنیم. اگر گرفتاریهای ما در بخشی حل نشده است، علتش اینهاست؛ اینها را باید اصلاح کنیم.

عده‌ای با دستشان به پای خود رشته‌هایی را میبندند و گره‌هایی را به وجود می‌آورند؛ خود را از قابلیت استفاده برای این ملت و آرمانهای او میاندازند و بعد هم اسلام و نظام اسلامی و احکام اسلامی را متهم میکنند. ناجوانمردی از این بیشتر؟! بعضی در دل خود احساس ضعف میکنند، یا چشم‌غره‌های آمریکا آنها را میترساند، یا وعده‌های آمریکا و امثال آمریکا دل ضعیف و ناتوانشان را به خود جذب میکند؛ لذا به سمت آمریکا میکشند. آن‌گاه ملت و جوانان مؤمن و مدیران باایمان و باصفای کشور را متهم میکنند که اینها نمیتوانند؛ بنابراین ناچاریم برویم تسلیم آمریکا شویم! کسانی که دم از مذاکره با آمریکا میزنند، یا از الفبای سیاست چیزی نمیدانند، یا الفبای غیرت را بلد نیستند؛ یکی از این دو تاست. در حالی که دشمن این‌طور احم میکند، این‌طور متکبرانانه حرف میزند، این‌طور به ملت ایران اهانت میکند، تصریح هم مینماید که میخواهد علیه این نظام و این کشور و منافع آن اقدام کند، عده‌ای در این‌جا ذلیلانه و زبونانه میگویند: چه

کار کنیم؛ برویم، نرویم، نزدیک شویم، با آنها صحبت کنیم، در خواست کنیم، خواهش کنیم؟! این اهانت به غیرت و عزت مردم ایران است؛ این نشانه بی‌غیرتی است؛ این سیاستمداری نیست. سعی میکنند رنگ و لعابی از فهم سیاسی به کار خود بدهند؛ نه، این درست ضد فهم سیاسی است.

ملت ایران آرمانها و مقاصدی دارد که در دنیا هر کس به این مقاصد و نیز به ملت ایران احترام گذاشته و نظام جمهوری اسلامی را قبول کرده، ملت ایران در طول زمان با او مثل یک طرف برابر و مساوی وارد میدان مذاکره و معامله شده است. ما با شوروی هم ارتباطات داشتیم، با اروپا و همه دنیا هم ارتباطات داریم. مسأله آمریکا این است که هویت اسلامی و ملی ما را قبول ندارد و این را به زبان می‌آورد. چرا عده‌ای از مدعیان سیاست و فهم، نمی‌فهمند؟! واقعاً جای تأسف است. حکومتی که این‌طور صریحاً می‌گوید می‌خواهم علیه نظام اسلامی و خواست ملت ایران عمل کنم و برای براندازی این نظام بودجه می‌گذارد، ارتباط و مذاکره با آن، هم خیانت و هم حماقت است!

از خداوند متعال می‌خواهیم که همه ما را هدایت فرماید و دل‌های ما را به نور معرفتش روشن کند؛ برکات وجود مبارک ولی‌عصر ارواح‌نافداه را بر سر همه ما بگستراند و ما را از سربازان و جانبازان و فداییان و خدمتگزاران آن بزرگوار قرار دهد؛ ملت ایران را سربلند فرماید و رزمندگان و ایثارگران عزیز را مشمول برکات خود قرار دهد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

دیدار اعضای ستاد کنگره بزرگداشت
بیستمین سالگرد شهادت آیت‌الله صدوقی با رهبر انقلاب

| ۱۳۸۱/۰۳/۲۶ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای ستاد کنگره بزرگداشت بیستمین سالگرد شهادت آیت‌الله صدوقی، تجلیل از شخصیت‌های برجسته و انسانهای بزرگ را ضمن قدرشناسی از آنان حاوی درسهای مفید برای نسل‌های امروز و آینده دانستند.

مقام معظم رهبری با اشاره به ابعاد مختلف شهید آیت‌الله صدوقی، شخصیت علمی و تلاشهای علمی ایشان را از جمله این ابعاد برشمردند و افزودند: شهید آیت‌الله صدوقی در بعد اجتماعی و کمک برای حل مشکلات مردم کم نظیر بود و واقعا برای مردم دل می‌سوزاند و با مردم بویژه جوانان ارتباط نزدیک و صمیمی داشت.

ایشان با اشاره به فعالیتهای سیاسی شهید آیت‌الله صدوقی در قبل و بعد از انقلاب خاطرنشان کردند: این شهید بزرگوار هنگامی که احساس کرد به حضور وی در صحنه سیاسی نیاز است بدون هیچگونه ملاحظه و واهمه‌ای وارد فعالیتهای سیاسی شد و به معنای واقعی کلمه رهبری مردم را در استان یزد بعهده داشت. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تدبیر و دوراندیشی را از دیگر ویژگیهای شهید آیت‌الله صدوقی دانستند و با اشاره به ساده زیستی آن شهید تأکید کردند: مراسم بزرگداشت شهید آیت‌الله صدوقی باید بدور از تشریفات برگزار گردد و دربر دارنده مطالب و پیام مهم برای مخاطبان باشد.

دیدار اعضای ستاد کنگره وزرا و ۱۵ هزار
شهید دولت با رهبر انقلاب

| ۱۳۸۱/۰۵/۲۸ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی امروز در دیدار اعضای ستاد کنگره وزرا و ۱۵ هزار شهید دولت، محور قرار دادن بزرگداشت شهیدان دولت و وزارتخانه‌ها را در مراسم هفته دولت کاری صحیح و ضروری دانستند و افزودند: روحیه بسیجی باید در مجموعه عظیم دولت و دستگاهها و وزارتخانه‌های مختلف حفظ و تقویت شود.

ایشان عشق و ارادت ملت به شهیدان سرافراز «انقلاب و حماسه دفاع مقدس» را الگویی برای دولتمردان و همه مسؤولان کشور برشمردند و تصریح کردند: مسؤولان اصلی کشور از علاقمندان مفاهیم ارزشمندی همچون شهید و شهادت و ایثار هستند که این ارادت باید بروز و ظهور پیدا کند.

مقام معظم رهبری با انتقاد از کسانی که دانسته یا ندانسته بنیانهای ایمانی و اعتقادی مردم را تضعیف و تخریب می‌کنند افزودند: ایمان، عشق و روح «ایثارگری و پایداری» ملت، مبنای همه دستاوردهای عظیمی است که تاکنون نصیب انقلاب و جامعه شده است.

در این دیدار آقای زنگنه وزیر نفت و رئیس ستاد کنگره وزرا و ۱۵ هزار شهید دولت در گزارشی از فعالیتهای این ستاد گفت امسال محور اصلی مراسم هفته دولت به تجلیل از ۱۵ هزار شهید دولت اختصاص یافته است.

دیدار جمعی از جانبازان نخبه با رهبر انقلاب

| ۱۳۸۱/۰۹/۰۲ |



جمعی از جانبازان برتر در زمینه‌های مختلف علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی عصر امروز با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در فضائی صمیمی و آکنده از معنویت دیدار کردند. در ابتدای این دیدار، مقام معظم رهبری در میان جانبازان حضور یافتند و آنان را مورد محبت قرار دادند.

سپس آقایان دکتر حبیب‌الله عظیمی، محقق، نویسنده و استاد دانشگاه با ۷۰ درصد جانبازی و قطع نخاع، احمد مرودشتی استاد دانشگاه، با ۷۰ درصد جانبازی و نابینا و رنجبر عضو تیم ملی و قهرمان در رشته تیراندازی با کمان با ۷۰ درصد جانبازی و قطع نخاع به نمایندگی از جانبازان حاضر در خصوص لزوم ایجاد زمینه بمنظور حضور جانبازان در سطوح مدیریتی کشور، و همچنین مقاطع بالای تحصیلی، ایجاد امکانات لازم جهت ورزش جانبازان و دسترسی آسان جانبازان به این امکانات، استفاده از نظرات جانبازان برای حل مشکلات آنان و برخی مسائل روز کشور از جمله آثار سوء تنازعات مسئولان و جناحها در جامعه و لزوم برخورد جدی با مفسد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مطالبی را بیان کردند.

در ادامه این دیدار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تجلیل از نقش نیروهای ایثارگر بویژه جانبازان در طول سالهای گذشته، خاطرنشان کردند: جانباز با حضور خود در میدان

خطر و آماده بودن برای شهادت، در واقع با خداوند معامله کرده است و صبر و تحمل او در نزد خداوند محفوظ و مأجور خواهد بود. ایشان صبر جانباز بر رنجها و مشکلات ناشی از جانبازی و شکر بر این افتخار را ارزشی بسیار والا برشمردند و با اشاره به عزم و اراده پولادین جانبازانی که توانسته‌اند با غلبه بر مشکلات جسمی خود در عرصه‌های مختلف به موفقیت‌هایی دست یابند، تأکید کردند: این جانبازان باید هم برای دیگر جانبازان و هم برای معلولان و همچنین آحاد مردم و جوانان الگو قرار گیرند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حرکت نظام را برغم برخی سهل‌انگاریها و نقایص، حرکتی آبرومند، عزت‌مدار و روبه جلو دانستند و تصریح کردند: استقلال، پیشرفت و اثرگذاری نظام در دنیای اسلام نتیجه ایثار و فداکاری نیروهای مؤمن و ارزشی انقلاب در دوران دفاع مقدس است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه امروز هم نیروهای ارزشی فعال در جامعه حضور دارند خاطر نشان کردند: نتیجه فعالیت این نیروها نیز در آینده مشخص خواهد شد. در پایان این دیدار جانبازان، نماز مغرب و عشاء را به امامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اقامه کردند.

همچنین جانبازان روزه خود را با حضور مقام معظم رهبری افطار کردند.

خاطر نشان می‌شود جانبازان حاضر در این دیدار، جانبازان ۵۰ درصد به بالا و دارای تخصص‌های مختلف و استاد دانشگاه و همچنین موفق در عرصه‌های مختلف از جمله تحقیق و پژوهش، پزشکی، کامپیوتر، الکترونیک، مخابرات، نقاشی، کارگردانی سینما و تلویزیون، شعر، حفظ قرآن و قهرمانان رشته‌های مختلف ورزشی بودند.

حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای زاهدان

| ۱۳۸۱/۱۲/۰۳ |



رهبر معظم انقلاب اسلامی همچنین پیش از ظهر امروز با حضور در گلزار شهدای زاهدان و قرائت فاتحه برای روح پاک شهداء علو درجات مسئلت کردند.

ایشان بر مزار شهدای گمنام در تپه نورالشهداء زاهدان نیز حضور یافتند و به مقام والای شهیدان ادای احترام کردند.

دیدار پرشور خانواده‌های شهدای استان سیستان و بلوچستان با رهبر انقلاب

| ۱۳۸۱/۱۲/۰۳ |



رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح امروز در دیدار پرشور هزاران تن از خانواده‌های معظم شهدای استان سیستان و بلوچستان تاکید کردند: شهیدان سرافراز، مظهر انتخاب آگاهانه و مجاهدتهای ملت بزرگ ایران بشمار می‌روند و راه پرافتخار آنان در این سرزمین، ادامه خواهد یافت.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، فداکاری و ایثار شهیدان را، سرشار از زیبایی و طراوت معنوی خواندند و با تجلیل از شهدای استان سیستان و بلوچستان افزودند: شهیدان «دانشگاهی، روحانی، محصل، کشاورز و شهری و روستایی» این استان، به رغم مشکلات فراوان زندگی، به یاری اسلام برخاستند و این واقعیت، بر عظمت فداکاری آنان می‌افزاید.

رهبر معظم انقلاب، جانبازان را شهیدان زنده انقلاب و آزادگان را همراهان و رهروان پرستقامت شهیدان خواندند و با تجلیل از صبر و پایداری پدران، مادران، همسران و فرزندان شهیدان افزودند: ملت ایران با اتکای به همین ارزشها و مجاهدتها تلاش شیطانی مراکز استکباری را برای منزوی کردن اسلام، باطل کرد و با تجدید حیات تاریخی اسلام، به ملت‌های مسلمان احساس هویت و عزت بخشید.

ایشان، رضای الهی و عزت اسلام را با ارزش‌ترین امور خواندند و تاکید کردند: آثار وجودی شهیدان، به نشانه حیات جاودانه آنها، همواره در سراسر ایران اسلامی، احساس

خواهد شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تلاش بیشتر برای جبران عقب ماندگی‌های تحمیلی را وظیفه‌ای همگانی خواندند و افزودند: راه انقلاب، طولانی اما بسیار خوش عاقبت است و همه قشرهای مردم بویژه جوانان، با «اراده و نیرو و نشاط» و بانگاه به اهداف دراز مدت انقلاب، این راه پرافتخار را ادامه خواهند داد.

در ابتدای این دیدار آقای اصلی مدیر کل بنیاد شهید استان سیستان و بلوچستان با اشاره به حدود ۲۰۰۰ شهید و مفقودالاثر، نزدیک به ۴ هزار جانباز و قریب ۶۰۰ آزاده در این استان گفت راه عزت آفرین این عزیزان، ادامه خواهد یافت.

در ادامه مراسم یکی از آزادگان استان به رهبر معظم انقلاب خیر مقدم گفت و فرزند یکی از شهیدان معظم استان سیستان و بلوچستان، نوشته‌ای پراحساس را در تجلیل از شهیدان قرائت کرد.

حضور بر مزار شهدای گمنام در مسجد امام حسین چابهار

| ۱۳۸۱/۱۲/۰۷ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، همچنین ظهر امروز با حضور بر مزار شهدای گمنام در مسجد امام حسین چابهار، با قرائت فاتحه به شهدای والامقام انقلاب و دفاع مقدس ادای احترام کردند.

حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای ایرانشهر |

| ۱۳۸۱/۱۲/۱۰ |



رهبر معظم انقلاب اسلامی همچنین صبح امروز در گلزار شهدای ایرانشهر حضور یافتند و با قرائت فاتحه، علو درجات شهدای انقلاب و دفاع مقدس را از خداوند متعال مسئلت کردند.

حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای زابل |

| ۱۳۸۱/۱۲/۱۱ |



رهبر معظم انقلاب اسلامی در آخرین روز سفر به استان سیستان و بلوچستان در گلزار شهدای زابل حضور یافتند و با قرائت فاتحه به مقام والای شهیدان ادای احترام کردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای صبح امروز در پایان سفر نه روزه به سیستان و بلوچستان به تهران بازگشتند.

دیدار خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان و آزادگان و
مسئولین اجرایی و استادان و دانشجویان سیستان با رهبر انقلاب

| ۱۳۸۱/۱۲/۱۱ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای عصر امروز در زابل، در دیدار خانواده‌های معظم شهیدان، جانبازان و آزادگان، و جمعی از مسئولین اجرایی و استادان، دانشجویان و برگزیدگان منطقه سیستان تأکید کردند: ملت ایران از لحاظ نیروی انسانی، دارای ویژگی‌های بسیار تحسین‌برانگیز جهانی است که مردم و مسؤولان باید با حفظ و بهره‌برداری صحیح از این ویژگی‌ها، قدر این نعمت الهی را بدانند.

ایشان شهادت را آمیخته‌ای از ارزشهای والا از جمله ایمان و شجاعت برشمردند و افزودند: صبر و ایمان و استقامت بی‌بدیل خانواده‌های شهدا و دیگر ایثارگران از ستونهای مستحکم نظام اسلامی است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دلاوری، غیرت دینی، تدین و صفا و صداقت را ویژگیهای تاریخی مردم سیستان خواندند و با اشاره به ضریب هوشی بالای جوانان این منطقه افزودند: ساکنان هر گوشه ایران بزرگ اسلامی، دارای ویژگی‌هایی هستند که مواجهه با آنها احساس عظمت را در انسان ایجاد می‌کند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، مواضع مستقل و شجاعانه ایران در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله مخالفت با قلدرمابی استکبار در هر نقطه جهان را، شاخص‌هایی برای هدایت دیگر ملت‌ها ارزیابی کردند و افزودند: عمل صحیح جمهوری اسلامی در

داخل کشور و در عرصه زندگی مردم می‌تواند باعث تحکیم این مواضع شود.

ایشان رشد مادی و معنوی و بهره‌مندی کامل مردم از نعمتهای الهی را جزو برنامه‌های اصلی نظام اسلامی برشمردند و افزودند: برغم توفیقات بزرگ، ما در میانه راه هستیم و باید با همت و تلاش، این راه طولانی را بییمائیم.

ایشان با توصیه به جوانان برای خودسازی علمی و اخلاقی افزودند: به همت مسؤولان و همه ملت بویژه جوانان، ایران اسلامی باید به الگوی کاملی برای دیگر ملتها، بویژه ملت‌های مسلمان تبدیل شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به تماس عوامل استکبار با اشرار مناطق شرقی و جنوب شرقی کشور، تحرکات اشرار در این مناطق را دارای ریشه سیاسی خواندند و افزودند: دشمن از هر طریق درصدد مانع‌تراشی در راه پیشرفت و آبادانی ایران است، البته این تلاشها همچنان که تا کنون بی‌نتیجه مانده، بعد از این هم به نتیجه خاصی نخواهد رسید اما ما باید خود را قوی کنیم.

ایشان بیداری، هوشیاری و فهم سیاسی ملت ایران را یادآور شدند و افزودند: برغم همه تلاشها برای ایجاد اختلافات سیاسی و تحمیل جناح بازی و خط بازی به جامعه، مردم، «دین و ایمان اسلامی» را نقطه تعلق، تمرکز و وحدت خود قرار داده‌اند به همین علت، امریکا در کار مردم ایران و نظام اسلامی، واقعا در مانده است.

ایشان، جوانان ایران را بهترین و مؤمن‌ترین جوانان جهان خواندند و با اشاره به استقبال نسل جوان از مجالس و جاذبه‌های دینی افزودند: تلاش دشمنان برای ترویج بی‌بندوباری و اباحه‌گری در جامعه، همچون دیگر طرحهای آنان به نتیجه‌ای نخواهد رسید و ما بخاطر برخورداری از مردم و جوانانی چنین مؤمن، باهوش، روشن‌بین و آگاه، خدای متعال را سپاس می‌گوئیم.

در این دیدار قبل از سخنان رهبر معظم انقلاب، آقای میرشکاری فرماندار شهرستان زابل - آقای جهان‌تاب مسؤل بنیاد شهید این شهر - حجت‌الاسلام لشکری امام جمعه زهک و دکتر دهمرده رئیس دانشگاه زابل در گزارشهایی جداگانه، غیرت دینی، وفاداری به اسلام و انقلاب، شجاعت تاریخی، ضریب هوشی بالا و سادگی و صمیمیت را از

ویژگی‌های مردم منطقه سیستان برشمردند و با تشکر از فعالیتهای که در جهت رفع محرومیتهای این منطقه صورت گرفته، تلاش بیشتر در این زمینه را خواستار شدند.

حضور رهبر انقلاب در مجلس بزرگداشت علما و
روحانیون شهید حوزه علمیه نجف

| ۱۳۸۲/۰۲/۱۸ |



رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر امروز با حضور در مجلس بزرگداشت علما و روحانیون شهید حوزه علمیه نجف، با قرائت فاتحه، برای ارواح مطهر این شهیدان عالی مقام، علو درجات، مسئلت کردند. این مجلس را بیوت آیات عظام و خاندانهای علما و روحانیون شهید حوزه علمیه نجف اشرف در مسجد ارک تهران برگزار کرده بودند.

در این مجلس که علما، روحانیون و قشرهای مختلف مردم حضور داشتند با مداحی و نوحه‌خوانی، یاد علمای شهید شیعه در نجف اشرف گرامی داشته شد. خاطر نشان میکنم گزارشهای موثقی که در هفته اخیر دریافت شد نشان میدهد شمار زیادی از علما و روحانیونی که تا کنون تصور میشد در زندانهای رژیم بعثی عراق زنده‌اند، بدست این رژیم به شهادت رسیده‌اند.

دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان زنجان با رهبر انقلاب

| ۱۳۸۲/۰۷/۲۲ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای عصر سه‌شنبه در دومین روز از سفر به استان زنجان در جمع خانواده‌های معظم شهیدان و هزاران نفر از جانبازان آزادگان و ایثارگران این استان تأکید کردند: ملت ایران پرچمی را که شهیدان سرافراز این سرزمین در دفاع از اسلام انقلاب و ایران برافراشته‌اند همواره در اهتزاز نگه خواهد داشت.

رهبر معظم انقلاب اسلامی برکات بی‌پایان خون پاک شهیدان و آثار عظیم صبر و استقامت حیرت‌انگیز پدران مادران و همسران شهدا را از آیات آشکار الهی و تجلی معجزه‌ی ایمان در ملت ایران خواندند و افزودند: ایثار شهیدان و جانبازان استقامت آزادگان فداکاری همه‌ی رزمندگان و ایثارگران و پایداری خانواده‌های این عزیزان و دیگر قشرهای ملت دشمنان این آب و خاک را به عجز کشانده است.

ایشان صبر و استقامت ملت‌ها در برابر مشکلات را زمینه‌ساز عزت و عظمت آنان برشمرد و خاطر نشان کردند: خون شهیدان عزیز ما بوستان سرسبزی در جهان اسلام به‌وجود آورده و با بلندآوازه کردن نام ایران نگاه همه‌ی ملت‌ها را متوجه ملت ایران ساخته است که این عزت و عظمت از آثار ایمان و پایداری ملت ایران به ویژه خانواده‌های عزیز شهیدان و ایثارگران به شمار می‌آید.

رهبر معظم انقلاب با اشاره به پیشرفت‌های ملت ایران در عرصه‌های مختلف سیاسی

علمی و سازندگی افزودند: جریان حیات‌بخش مجاهدت شهیدان و دیگر ایثارگران آرامش و امنیت و پیشرفت را برای ملت ایران به ارمغان آورده است و یاد آن سرداران جبهه‌ی ایثار و استقامت هیچگاه از ذهن این ملت زدوده نخواهد شد.

ایشان پایبندی به ارزش‌های مورد نظر شهیدان را زمینه‌ساز آبادانی دنیا و آخرت مردم ایران خواندند و افزودند: همچنان که شهیدان به ما آموخته‌اند با حفظ وحدت در مقابل دشمنان ایستادگی می‌کنیم و با تلاش و پیشرفت در همه‌ی زمینه‌ها راه پرافتخار آنان را ادامه خواهیم داد.

در این دیدار قبل از سخنان رهبر معظم انقلاب آقای علی‌اکبری رئیس بنیاد شهید استان زنجان در گزارشی اعلام کرد مردم این استان با تقدیم قریب به سه‌هزار شهید هشت هزار جانباز و ۶۰۰ آزاده در همه‌ی صحنه‌های دفاع از اسلام و انقلاب حضور جدی داشتند و بیش از ۱۰۰ خانواده زنجانی حداقل دو شهید تقدیم اسلام کردند.

در این مراسم آقای کلامی یکی از شاعران زنجانی نیز به قرائت سروده‌ای در وصف ایمان و پایداری مردم این استان پرداخت. همچنین خانم مینا غیائی فرزند یکی از شهیدان با قرائت متنی پراحساس وفاداری خانواده‌های شاهد را به آرمان‌های شهیدان سرافراز انقلاب بیان کرد.

دیدار جمعی از فرزندان شاهد با رهبر انقلاب

| ۱۳۸۲/۰۹/۰۲ |



صدها تن از فرزندان شهدا امروز میهمان رهبر معظم انقلاب اسلامی بودند. در این مراسم یکی از فرزندان شهدا آیاتی از کلام الله مجید را قرائت کرد و دو تن دیگر از فرزندان شهدا به قرائت سروده های خود پرداختند.

سپس دو سرود در وصف حضرت علی (ع) و قدس شریف بوسیله گروه سرود فرزندان شهداء اجرا گردید.

حاضران در این مراسم همچنین، نماز مغرب و عشاء را به امامت حضرت آیت الله خامنه ای اقامه و سپس روزه خود را بهمراه مقام معظم رهبری افطار کردند.

پس از مراسم افطار، حضرت آیت الله خامنه ای ضمن ابراز خرسندی از حضور در جمع فرزندان شهدا و اظهار ارادت و اخلاص به آنان خطاب به فرزندان شهدا خاطرنشان کردند: پدران شما بهنگام نیاز کشور به مردان شجاع و فداکار، جان خود را نثار کردند و بدون هیچگونه مبالغه ای برگردن این کشور و ملت حق حیات دارند.

ایشان افزودند: شما باید به پدران خود افتخار و مباهات کنید زیرا آنان مرگ خود را که سرنوشت محتوم همه انسانها است، در مسیر سعادت انسانیت قراردادند و توانستند مسیر طولانی و در برخی مواقع آرزوی دست نیافتنی به اعلیٰ علیین را به سرعت و در

سن جوانی طی نمایند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به بروز قابلیت‌ها و استعدادها و کارآمدی فرزندان شهدا در عرصه‌های مختلف، لزوم بهره‌برداری مناسب و صحیح از سرمایه بسیار ارزشمند جوانی را خاطرنشان و تأکید کردند: پس از پیروزی انقلاب اسلامی یک نسل جوشان و پرشور جوان در حرکت تاریخی جامعه شکل گرفت که برکات آن در طول سالهای گذشته نصیب کشور و ملت شده است و در آینده هم کشور از برکات این نسل بهره‌مند خواهد شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با اشاره به قابلیت‌ها و استعدادهای مادی و معنوی کشور، عرصه کنونی را عرصه مجاهدت و تلاش برای کشور برشمردند و خاطرنشان کردند: برخلاف تصور بدخواهان که تلاش دارند کشور را به دوران رکود و جمود قبل از انقلاب بازگردانند، ملت ایران زنده است و به برکت نسل جوان پرشور، مسیر خود را با قدرت ادامه خواهد داد.

در این مراسم حجت‌الاسلام والمسلمین رحیمیان نماینده ولی فقیه و رئیس بنیاد شهید ضمن ارائه گزارشی از موفقیت‌های فرزندان شهدا در عرصه‌های مختلف گفت: در میان فرزندان شهدا، سی هزار دانشجوی، ۶۰۰ طلبه، ۲۹ حافظ کل قرآن، ۱۵ قاری ملی و بین‌المللی، ۲۴۵ دکترای تخصصی پزشکی، ۷ فوق تخصص پزشکی، ۲۰ شاعر، ۷۹ هنرمند، ۵۵ دانشجوی نمونه ملی و شاهد، ۹ صاحب‌مدال در المپیادهای کشوری و جهانی، ۸۰ قهرمان کشوری و ۱۹ قهرمان آسیایی و جهانی در رشته‌های ورزشی حضور دارند.

حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای قزوین |

| ۱۳۸۲/۰۹/۲۷ |



رهبر معظم انقلاب اسلامی امروز با حضور در گلزار شهدای قزوین، با قرائت فاتحه، به مقام شامخ شهیدان سرافراز انقلاب اسلامی و حماسه دفاع مقدس از جمله شهید بابائی ادای احترام کردند.

دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا و
ایثارگران استان قزوین با رهبر انقلاب

| ۱۳۸۲/۰۹/۲۷ |



رهبر معظم انقلاب اسلامی در سومین روز از سفر به استان قزوین، در دیدار هزاران نفر از خانواده‌های معظم شهدا و "جانبازان، آزادگان و ایثارگران" این استان تاکید کردند: خانواده‌های سرافراز شهیدان و دیگر ایثارگران، سلسله معظم شهادت را در این سرزمین پایدار کرده‌اند و هر ایرانی قدرشناس، به آنان و فرزندان فداکارشان افتخار می‌کند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به عظمت انکار نشدنی شهیدان، جانبازان، آزادگان و خانواده‌های پر استقامت آنها افزودند: پرچم برافراشته شده اسلام در این سرزمین بزرگ، روزی با حمله صدام ددمنش و حامیان جهانی و منطقه‌ای او از جمله امریکا و صهیونیسم به شدت تهدید شد اما شهیدان حماسه ساز و دیگر رزمندگان فداکار ما، آن خطر بزرگ که اسلام و ایران و فرد فرد ملت ایران را تهدید می‌کرد دفع کردند و بر اوج قله و جهاد در راه خدا ایستادند. ایشان ایستادگی در مقابل هجوم همه جانبه صدام و پشتیبانان غربی و شرقی اش را کاری بسیار با عظمت برشمردند و خاطر نشان کردند: هر کشور دیگری هدف این تهاجم بود از پای درمی‌آمد اما ملت ایران و نظام سلامی ۸ سال در برابر حمله متجاوزان پایداری کردند و آنان را ناکام گذاشتند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای صبر و استقامت و بصیرت خانواده‌های شهدا و ایثارگران

را از عوامل اصلی پایداری جوانان مومن ملت در جبهه های جنگ تحمیلی خواندند و افزودند: همه مسؤولان و کسانی که در افکار عمومی تاثیر گذارند باید با قدر شناسی از این همه ایثار و استقامت، افتخارات بی شمار شهیدان، آزادگان، جانبازان و خانواده های آنان را حفظ و پاسداری کنند.

ایشان پاسداری از عظمت و افتخارات شهیدان را در گرو دفاع همگانی مردم و مسؤولان از استقلال کشور، ارزشهای اسلامی، عدالت اجتماعی و اخلاق و معنویت دانستند و یادآوری کردند شهیدان سرافراز ما هستی خود را فدا کردند تا این اهداف زنده بماند و ملت قدر شناس نیز در برابر عظمت آنان، خاضع و قدرشناس است بنابراین هر کسی و هر جریانی که اهداف والای فرزندان شهید ملت دفاع نکند برخلاف خواست ملت عمل کرده است.

ایشان عزت و اقتدار امروز ملت ایران و نظام اسلامی را پاداش پروردگار در قبال ایثار و فداکاری شهیدان بر شمردند و افزودند: پدران، مادران، همسران و فرزندان شهیدان راه عزیزان خود را ادامه می دهند و به آن افتخار می کنند.

در آغاز این دیدار آقای فصیح رامندی مدیر کل بنیاد جانبازان استان قزوین به نمایندگی از بیش از ده هزار خانواده " شهید ، جانباز و آزاده " و دهها هزار رزمنده استان، به رهبر معظم انقلاب خیر مقدم گفت.

مادر شهیدان محمد رضا و محمود کبیری که دوفرزند دیگرش نیز جانباز انقلاب هستند در این مراسم اعلام کرد: خانواده های شهیدان، جانبازان و آزادگان با سرافرازی تمام ، راه فرزندان خود را ادامه می دهند.

در ادامه مراسم آقای مهدی شهروش مدیر کل بنیاد شهید استان قزوین در گزارشی اعلام کرد: مردم متدین و انقلابی قزوین ۳ هزار شهید، ۵۶۰۰ جانباز و ۷۰۰ آزاده تقدیم اسلام و انقلاب و ایران کرده اند. خانم فاطمه آذرخش فرزند شهید والا مقام آذرخش، نیز با قرائت متنی، احساسات پاک فرزندان شهیدان را نسبت به رهبر معظم انقلاب، بیان کرد.

دیدار شرکت‌کنندگان در کنگره شهدای عرصه خبر با رهبر انقلاب

| ۱۳۸۲/۱۰/۲۱ |



شرکت‌کنندگان در کنگره شهدای عرصه خبر و جمعی از خانواده‌های معظم شهیدان عرصه اطلاع‌رسانی عصر امروز با رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند. رهبر معظم انقلاب اسلامی ظهر امروز در دیدار شرکت‌کنندگان در کنگره شهدای عرصه خبر و جمعی از خانواده‌های معظم شهیدان عرصه اطلاع‌رسانی تصریح کرد: خبررسانی و گزارشگری، حرفه مهم و با ارزشی است و هنگامیکه با انگیزه‌های شرافتمندانه و صداقت و امانت همراه می‌شود ارزش مضاعفی می‌یابد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تجلیل از شهیدان والامقام و خانواده‌های معظم آنان، برگزاری کنگره شهدای عرصه خبر را از دوجنبه تجلیل از روحیه ایثار و شهادت و جنبه حرفه‌ای، کاری ارزشمند خواندند و افزودند: کسانی که در عرصه خبر رسانی و فعالیت‌های فکری با مردم در ارتباطند وظایف بسیار مهمی در ایجاد امید و تقویت عزم و اراده عمومی برعهده دارند. در ابتدای این دیدار رییس سازمان صدا و سیما اعلام کرد کنگره شهدای عرصه خبر با هدف تجلیل از شهیدان و ایثارگران عرصه اطلاع‌رسانی در صدا و سیما، خبرگزاری جمهوری اسلامی و مطبوعات تشکیل شده است. آقای لاریجانی گفت: در مجموع رسانه‌های مکتوب و صدا و سیما، در عرصه خبر، ۲۴۴ شهید، ۵۰ جانباز و ۱۲ آزاده تقدیم اسلام و انقلاب و ایران کرده‌اند.

بیانات در دیدار اعضای کنگره‌ی حکمت مطهر (شهید مطهری)

| ۱۳۸۲/۱۲/۱۸ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

آقایان علما و اساتید محترم! خیلی خوش آمدید. جلسه‌ی بسیار خوبی است. من مطالبی را عرض میکنم؛ اگر بعد آقایان افاداتی داشتند، من آماده‌ام استفاده کنم.

این کار و تجلیل از مرحوم شهید آیة‌الله مطهری (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) بلاشک یکی از حسنات صدا و سیماست. ایشان حق بزرگی دارند و این کار بخشی از حق‌شناسی است که وظیفه‌ی همه‌ی ماست. البته در همایشها و تجلیل‌هایی که به این صورت انجام میگیرد، بحثهای جانبی مفیدی هم میشود - بحثهای علمی و فلسفی و غیره - که آنها هم مغتنم است؛ لیکن به نظر من محور اصلی در گردهمایی شما باید اولاً شخصیت فکری و هویت روشنفکری مرحوم مطهری و نقش او در جریان فکری و روشنفکری اسلامی در کشور باشد - که این بسیار مهم است - ثانیاً تلاش شود این جریان تداوم پیدا کند و متوقف نشود؛ چون ما همیشه به مطهری نیاز داریم. در شخص شهید مطهری نمیشود متوقف شد. بر پایه‌ی پیشرفتهای فکری و نوآوریهای او باید جامعه و مجموعه‌ی فکری اسلامی ما به نوآوریهای دیگری دست پیدا کند. ما احتیاج داریم مطهری‌هایی برای دهه‌ی ۸۰ و ۹۰ داشته باشیم؛ چون نیازهای فکری روزبه‌روز و نوبه‌نو وجود دارد. درباره‌ی هویت فکری و روشنفکری شهید مطهری و نقشی که این مرد

بزرگ در زمان خود ایفا کرد، به نظر من تاکنون تعریف جامعی ارائه نشده است. البته روی کتابهای ایشان کار شده - کارهای شایسته‌یی هم انجام گرفته - لیکن باید کاری را که مرحوم شهید مطهری در سالهای دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ در محیط فکری این کشور انجام داد، شناخت. ایشان با قوت فکری و اندیشه‌ی قوی و صائب خود وارد میدان‌هایی شد که تا آن وقت هیچ‌کس در زمینه‌ی مسائل اسلامی وارد این میدان‌ها نشده بود؛ و با تفکراتی که آن روز در کشور رایج شده بود - افکار وارداتی ترجمه‌یی غربی و شرقی - یا میرفت رایج شود، خود را وارد یک چالش علمی عمیق و وسیع و تمام نشدنی کرد. ایشان، هم در جبهه‌ی مقابله‌ی با مارکسیست‌ها به یک جهاد بسیار هوشمندانه دست زد، و هم در جبهه‌ی مقابله‌ی با تفکرات غربی و لیبرالیست‌ها وارد میدان شد. این نقش، بسیار مهم است؛ هم جرأت و اعتماد به نفس لازم می‌خواهد، هم قدرت فکری و اجتهاد در زمینه‌های گوناگون را لازم دارد، هم یقین و ایمان قاطع می‌خواهد؛ این مرد بزرگ همه‌ی اینها را با هم داشت؛ هم عالم بود، هم بسیار مؤمن بود، هم به ایمان خود یقین داشت، و هم اعتماد به نفس داشت؛ اینها لازم است. در سابقه‌ی تاریخی ما افکار وارداتی وجود دارد؛ منتها نه با این وسعت، با این شیوع و با این امکان تأثیرگذاری. تاریخ ما از این‌گونه رگه‌های فکری ناسالمی که وارد تفکرات علمی ما شده - چه در فقه ما، چه در فلسفه‌ی ما، چه در کلام ما - پُر است؛ لیکن در دوره‌ی جدید که ارتباطات گسترش پیدا کرد، حرفهای نوبه‌نو - با جاذبه‌هایی که به‌طور طبیعی دارد - مرتباً وارد فضای فکری جامعه شد و به یک مواجهه‌ی صحیح و علمی ایجاد نیاز کرد. ما در میدان بودیم و میدیدیم؛ بعضی از مواجهه‌هایی که آن وقت صورت می‌گرفت، علمی نبود؛ مقابله‌ی متعصبانه و از روی اعتقاد بود؛ اما نخوانده و نفهمیده، حرفی را رد می‌کردند؛ نمیدانستند چیست؛ گوشه‌یی از یک حرف وسیع را می‌گرفتند و آن را مشمول جنگ خودشان قرار میدادند و با آن درمیافتادند و مقابله می‌کردند. این، تاجر و توقف و مقابله‌ی غیرعلمی را تداعی میکرد. یک عده تحت تأثیر جاذبه‌های افکار نو و وارداتی، مجذوب اینها میشدند و سعی می‌کردند اسلام و فکر اسلامی و دین را با اینها تطبیق کنند؛ منتهی هم سر دین می‌گذاشتند که ما اسلام را جوان‌پسند و مردمی و قابل قبول کرده‌ایم! گاهی اوقات کاسه‌ی از آش داغ‌تر هم میشدند و چند قدم هم جلوتر از صاحبان این فکرها پیش میرفتند، برای این‌که نبادا متهم به مرتجع بودن و این حرفها شوند که این را هم ما در مواردی دیدیم. نبوت و توحید و معاد و مباحث امامت و مباحث فقهی و مباحث

اجتماعی و سیاسی اسلام را به سمت مشابهات خودش در مکاتب بیگانه‌ی از اسلام و احیاناً الحادی و بکلی بیگانه‌ی از دین کشاندند و منت هم سر اسلام می‌گذاشتند که ما آمدیم اسلام را همه کس فهم و همه کس پسند و در چشمها شیرین کردیم! این هم یک انحراف دیگر بود؛ هر دوی اینها انحراف بود. هنر شهید مطهری در آن دوران این بود که با قدرتِ اجتهاد و باانصاف و ادب علمی - چه در زمینه‌ی علوم نقلی، چه در زمینه‌ی علوم عقلی - وسط میدان ایستاد و با این افکار گلاویز شد و آنچه را که تفکر اسلامی بود، روشن، ناب و بیشائبه وسط گذاشت. علیه او خیلی هم حرف زدند و خیلی هم کار کردند؛ اما ایشان این کار را انجام داد. در جریان روشنفکری، این نقش بسیار مهمی است؛ و این شد پایه‌ی تفکرات بعدی جامعه‌ی ما. بنده اعتقاد راسخ دارم و بارها هم گفته‌ام که جریان فکری اسلامی انقلاب و نظام اسلامی ما در بخش عمده‌ی متکی به تفکرات شهید مطهری است؛ یعنی آنها پایه‌ها و مایه‌های اسلامی است که ما در تفکرات اسلامی از آنها بهره بردیم و به نظام اسلامی منتهی شد؛ لذا در همان روزگار هم افکار شهید مطهری جایگاه امنی بود برای جوانهای طالب و عاشق فکر اسلامی که در زیر بمباران شدید تفکرات بیگانه قرار می‌گرفتند؛ مارکسیست‌ها یکطور، غربگراها یکطور؛ هم در دانشگاه‌ها وجود داشت، هم در محیط بیرون از دانشگاه‌ها، و هم حتی در حوزه‌های علمیه. شهید مطهری یک سنگر و یک مأمن برای این افراد شد تا بتوانند خود را زیر سایه‌ی این تفکر عمیق و مستحکم حفظ کنند؛ هم دین خود را حفظ کنند، هم بتوانند دفاع کنند و حرف نو داشته باشند. البته مرحوم مطهری دایره‌ی کارش به حسب ظاهر کوچک بود. همین جلساتی که آقای لاریجانی اشاره کردند، جلسات کوچکی بود؛ این گوشه، آن گوشه، کلاس درسِ فلان دانشکده بود؛ حداکثرش مثلاً جلسه‌ی بود در فلان جا با چند صد نفر آدم؛ اما خود ایشان هم یقیناً پیش‌بینی نمی‌کرد که این جلسات کوچک چه آثار بزرگی باقی خواهد گذاشت. این، جایگاه شهید مطهری است؛ این جایگاه باید درست شناخته و تعریف شود و موارد و مصادیق آن روشن گردد؛ اینها باید بیان شود. اگر درباره‌ی متفکران اسلامی، علما و فقهایمان این نکته را در نظر بگیریم؛ مثلاً ببینیم نقش ملاصدرا در آن زمان چه بود؛ شخصیت او را محور اصلی هویت علمی او تبیین کنیم، خوب و تأثیرگذار است. البته شیوه‌های هنری جای خود را دارد. به عقیده‌ی من، ما در زمینه‌ی شیوه‌های هنری هنوز مهارت و زبردستی لازم را پیدا نکرده‌ایم تا بتوانیم کاری که می‌خواهیم، بکنیم. چهره‌های علمی ما که گاهی

در فیلمها و سریالها ظاهر میشوند، نمیتوانند آن انطباع و انعکاس را در ذهن بینندگان و مخاطبان خود پیدا کنند که آشنایان با این چهره‌ها به آن اعتقاد دارند؛ غالباً چیز دیگری از آب درمی‌آید، که باید در زمینه‌ی کار هنری هم دقت بیشتری صورت بگیرد. بنابراین نقش شهید مطهری باید آشکار شود. شهید مطهری پهلوان میدانی بود که کسی وارد آن نشده بود.

نکته‌ی دوم که خوب است روی آن فکر شود، تداوم این جریان است. ما که نمیتوانیم در شهید مطهری متوقف شویم. درست است که الان هم بعد از بیست و پنج سال از شهادت این مرد، کتابهای او جزو پرفروش‌ترین و جذاب‌ترین و مطلوب‌ترین کتابها برای نسلهای جویای فکر متین و منطقی اسلام است و الان هم ما واقعاً بدیل و عدیلی برای مجموعه‌ی کتابهای شهید مطهری (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) نداریم و با این که کارهای خوبی هم شده، بلاشک از لحاظ اهمیت و تأثیرگذاری و جذابیت و اتقان، هنوز هم در بالاترین سطح قرار دارد؛ لیکن جریان ورود در عرصه‌ی چالش با افکاری که وارد میشود و نقادی علمی و برخورد صحیح با آنها و تفکیک صحیح از سقیم مواد و اجزاء آنها و تبیین فکر اسلامی در زمینه‌ی آنها باید ادامه پیدا کند، و این جزو وظایف مهمی است که وجود دارد. همان‌طور که عرض کردم، ما به مطهریهایی در دهه‌های آینده احتیاج داریم. بعد از انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی، فکر اسلامی مورد چالش جدی قرار گرفته است؛ بعد از این هم بلاشک چالشهای جدیدی را روبه‌روز برای آن به‌وجود می‌آورند؛ رها که نمیکند. ما باید در این‌جا خود را آماده کنیم، و میتوانیم سرمایه‌ی غنی و تمام‌نشدنیی که امروز از فرهنگ اسلامی در اختیار ماست، در این مصاف امکانات خیلی فراوانی در اختیار ما میگذارد؛ اگر ما اهل استفاده‌ی از اینها باشیم. حقیقتاً یک زرادخانه‌ی عظیم فکری و فرهنگی در اختیار ماست؛ اگر بتوانیم از آن درست استفاده کنیم. امروز خوشبختانه فضای جوانی هستند؛ من میبینم. در حوزه‌ی قم، در تهران، فضلا، علما، افراد صالح، شایسته، از لحاظ علمی، از لحاظ بلند نظری و فکر قوی وجود دارند؛ باید وارد این میدانها شوند و حضور در این میدانها را گسترش دهند. امروز از دوره‌ی فعالیت مرحوم شهید مطهری - یعنی سالهای دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ - نیاز ما بمراتب بیشتر است. آن‌روز نیاز ما یک‌طور بود، امروز نیاز ما بسیار وسیع‌تر و عمیق‌تر است و لازم است این جریان ادامه پیدا کند. گردهمایی و بزرگداشت

شهید مطهری را به این سمت‌ها بکشانید که کسانی تشویق بشوند وارد این میدانها شوند و برای مواجهه‌ی با امواج تبلیغاتی جدید وارداتی در همه‌ی زمینه‌ها آماده شوند؛ در زمینه‌ی فلسفه، در زمینه‌ی کلام، در زمینه‌ی مسائل گوناگون کشور که با مباحث اسلامی سروکار دارد.

امیدواریم خدای متعال همه‌ی ما را موفق بدارد تا حق عظیم این شهید بزرگوار را بجا بیاوریم. من یک وقت دیگر هم شاید به عزیزان خانواده‌ی مکرم ایشان که به مناسبت سالگرد، این‌جا خدمتشان رسیده بودیم، گفتم ترتیبی داده شود که کتابهای ایشان مثل کتابهای سطح در حوزه‌های علمیه، حتماً خوانده شود. بنده از چیزهایی که برای صاحبان فکر و کسانی که میخواهند افکار اسلامی را برای مردم بیان کنند - مبلغان دینی، اهل منبر، سخنگویان دینی - واقعاً لازم میدانم، این است که یک دوره کتابهای مرحوم مطهری را بخوانند. شیوه‌ی پیدا کنید که این کتابها خوانده شود؛ هم در کتابهای درسی بیاید، هم در دانشگاه‌ها بیاید. خوشبختانه کتابهای ایشان سهل التناول است؛ یعنی نگارش خیلی شیرین و خوبی دارد. قلم ایشان از بیانشان خیلی بهتر بود. ایشان میگفتند من از شنیدن سخنرانیهای خودم اصلاً خوشم نمی‌آید؛ اما نوشته‌های خودم را که میخوانم، خوشم می‌آید. بنده هم البته در این زمینه؛ حق را به ایشان میدادم؛ سخنرانی ایشان آنقدر جذاب نبود که نوشته‌ی ایشان. نوشته‌های ایشان حقیقتاً خیلی شیرین، روان و شیواست؛ لذا هرچه بیشتر اینها باید گسترش پیدا کند. علما و فضلا و جوانها - بخصوص طلاب جوان ما - باید یک دوره کتابهای شهید مطهری را خوانده باشند؛ که اگر میخواهند کاری بکنند، «من بنی فوق بناء السلفی» باشد؛ یعنی بر اساس آن فکر و روی‌شانه‌های شهید مطهری بروند ان‌شاءالله قله‌های بالاتری را فتح کنند و پرچم فکر اسلامی را به آن جاها بزنند.

ان‌شاءالله موفق و مؤید باشید. از زیارت شما آقایان خیلی خوشحال شدیم. آماده هستیم اگر بیاناتی بفرمایید، استفاده کنیم.

دیدار رئیس و جمعی از کارکنان بنیاد شهید با رهبر انقلاب اسلامی |

| ۱۳۸۲/۱۲/۲۳ |



رهبر معظم انقلاب اسلامی ظهر امروز در دیدار رییس و جمعی از کارکنان بنیاد شهید، شهیدان را صادق ترین و بهترین مجاهدان راه آرمانهای اسلام و ملت ایران خواندند و خدمت به خانواده های معظم شهیدان را افتخاری بزرگ و وظیفه ای الهی و وجدانی برشمردند. ایشان با قدردانی از زحمات فراوان آقای رحیمیان نماینده ولی فقیه و رییس بنیاد شهید و کارکنان این بنیاد افزودند: بنیاد شهید از برکات ماندگار امام راحل عظیم الشان است و پرتلاش تر از گذشته خدمت به خانواده های سرافراز شهیدان و تامین نیازهای مختلف این عزیزان را ادامه می دهد. حضرت آیت الله خامنه ای با اشاره به تبلیغات وسیع رسانه ای دشمن برای کوچک جلوه دادن فداکاری و ایثار مجاهدان راه حق و شهیدان والامقام ایران اسلامی افزودند: در داخل نیز عده ای دانسته یا ندانسته همین جهت را دنبال می کنند که بنیاد شهید باید با برنامه ریزی به خنثی کردن این تلاشها بپردازد و فرهنگ شهادت و ایثار را در جامعه تقویت کند. در ابتدای این دیدار آقای رحیمیان نماینده ولی فقیه و رییس بنیاد شهید در گزارشی از عملکرد این بنیاد اعلام کرد کارکنان بنیاد شهید با تمام وجود در خدمت خانواده های معظم شهیدان و ترویج فرهنگ ایثار و فداکاری هستند و به این کار افتخار می کنند.

بیانات در دیدار خانواده‌ی شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر

| ۱۳۸۳/۰۳/۱۹ |



ما اولاً به شما و بقیه‌ی خانم‌ها، مخصوصاً به صبا یا و آقازاده‌های محترمتان خوش‌آمد عرض میکنیم. ما، هم به وجود مرحوم شهید آیت‌الله آقای سید محمد باقر صدر به‌خاطر شخصیت علمی و جهادی و فکری ایشان افتخار میکنیم - ایشان مایه‌ی افتخار همه‌ی ما بودند - و هم به شما افتخار میکنیم؛ چون شما در بیست‌وچند سال گذشته زحمات زیادی متحمل شدید و سختیهای فراوانی کشیدید؛ اما صبر کردید. شما از خانواده‌ی بزرگی هستید و صبر و کرم و بزرگواری، سجیه‌ی خانواده‌ی شماست. پس از شهادت مرحوم آیت‌الله صدر، شما در آن شرایط سخت در نجف زندگی کردید؛ بعد هم شوهران این دختر خانم‌ها شهید شدند و هر کدام به نحوی گرفتار شدید؛ اما همه‌ی اینها را تحمل کردید. واقعاً صبر شما برای ما خیلی ارزش دارد. بدانید من دورادور همیشه شما را دعا میکردم و میدانم که چه مشکلات و زحماتی را تحمل کرده‌اید. خداوند ان‌شاءالله درجات آن شهید عزیز و مرحوم شهید سیدمحمد صدر و همچنین دامادهای شما و پسران شهید صدر (رضوان‌الله‌تعالی‌علیهم) را عالی کند. این خانمهایی که در آن محیط ارباب و خفقان صبر کردند و در دوره‌ی جوانی، شوهرهایشان به شهادت رسیدند و بچه‌هایشان مانده‌اند، پیش خدای متعال خیلی ارزش دارند. صبری که شما کردید، نزد خدای متعال خیلی ارزش دارد. ان‌شاءالله خداوند چشم شما را با اجرِ خودش روشن خواهد کرد؛ هم در دنیا و هم در آخرت.

... من سال ۱۳۳۶ به عراق رفتم و آقای سید محمدباقر صدر را آن جا دیدم. ایشان خیلی جوان بود؛ حدود بیست و پنج سالش بود. ایشان همان وقت هم معروف به فضل بود. آن موقع من جوان تر از ایشان بودم؛ حدود هجده سال داشتم. الحمدلله سایر اعضای خانواده‌ی شما هم صاحبان استعدادهای بالا و خوب بودند؛ مثل مرحوم آقای آقا رضا، آقای آقا موسی.

... اول انقلاب وقتی خبر شهادت آیه‌الله صدر به ما رسید، ضربه‌ی بسیار سنگینی بود. ایشان برای نظام اسلامی و جامعه‌ی اسلامی واقعاً عمود فکری بودند. از قبل از انقلاب، ما از کتابها و فعالیتهای بسیار باارزشی که ایشان داشتند، مطلع بودیم. بعد هم که انقلاب پیروز شد، ایشان پیامهای بسیار خوبی دادند. به آقای صدر خیلی امید بود. خدا لعنت کند صدام را. الحمدلله ریشه‌ی اینها کنده شد.

مرحوم آقای صدر به معنای واقعی کلمه یک نابغه بود. ما در زمینه‌ی مسائل فکری و اسلامی و در زمینه‌ی فقه و اصول و بقیه‌ی چیزها آدمهای پیشرفته زیاد داریم؛ منتها نابغه خیلی نادر است. ایشان جزو نادرهایی بود که حقیقتاً نابغه بود. ذهن و فکر ایشان فراتر از کارهایی که دیگران میکنند، حرکت میکرد. ایشان بحمدالله شاگردهای خوبی هم تربیت کرده بود...

حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای استان همدان

| ۱۳۸۳/۰۴/۱۶ |



رهبر معظم انقلاب اسلامی امروز با حضور در گلزار شهدای «باغ بهشت» همدان و قرائت فاتحه برای آلاله‌های سرافراز میهن اسلامی، یاد این اسطوره‌های عزت و سرافرازی را گرامی داشته و به روح بلند آن آسمانیان ادای احترام کردند. امروز برنامه‌ی رهبر انقلاب در همدان با ترنم صفای بسیجیان و ایثارگران آغاز شد، با همدلی جانبازان ادامه یافت و با عطر دل‌انگیز شهادت متبرک شد. اخبار و تصاویر تکمیلی متعاقباً ارسال خواهد شد.

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای استان همدان

۱۳۸۳/۰۴/۱۶



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خداوند متعال را از حضور در این جلسه - که بیگمان جلسه‌ی صفا و نور و هدایت است - سپاسگزارم. یاد شهیدان، نام شهیدان، بازماندگان شهیدان، شخصیت دارای ارزش و متعالی جانبازان و آزادگان، در هر نقطه‌یی که حضور داشته باشند، نور، رحمت و هدایت هست.

این برنامه‌ی همیشگی سفرهای ماست و من این برنامه را در میان برنامه‌های سفر فوز و لطف الهی برای خودم به حساب می‌آورم.

یک نکته را ابتدائاً عرض کنم به همین مناسبت و آن این است که دوستانی که صحبت کردند و اظهار محبت کردند و از بنده تشکر کردند برای آمدن به این جلسه، من می‌خواهم عرض کنم که من از کسانی که این جلسه را فراهم آورده‌اند و از یکایک شما برادران و خواهران عزیز که در این جلسه شرکت کردید، متشکرم.

برای من ارتباط با خانواده‌ی شهدا و جانبازان و آزادگان، مغتنم حقیقی و قلبی است. اگر می‌توانستم با یکایک جمعی که در این جا حضور دارید، در خانه‌های شما ملاقات کنم، شک نداشته باشید که این کار را می‌کردم؛ اما چون آن ممکن نیست، ناگزیر در چنین

اجتماعی شما را زیارت کردیم و خدا را شاکریم.

مسأله‌ی شهید و ایثارگری، کهنه‌شدنی نیست؛ این، موتور حرکت جامعه است؛ بعضیها از این نکته غفلت میکنند. این که میبینید بعضی با سخن، قلم و حرکات خود، نگاهی به ایثار و شهادت میاندازند که آن نگاه منفی و ناسپاسانه است، بر اثر غفلت آنهاست؛ نمیفهمند پاسداری از حرمت شهیدان و ایثارگران چقدر برای یک جامعه و ملت و کشور دارای اهمیت است. شما ببینید خون مطهر حسین بن علی (علیه السلام) در کربلا در غربت بر زمین ریخته شد؛ اما بزرگترین مسؤولیتی که بر عهده‌ی امام سجاد (علیه الصلاة والسلام) و زینب کبری (سلام الله علیها) قرار گرفت، از همان لحظه‌ی اول این بود که این پیام را روی دست بگیرند و به سرتاسر دنیای اسلام آن را، به شکل‌های گوناگون، منتقل کنند. این حرکت برای احیاء دین حقیقی و دین حسین بن علی و آن هدفی که امام حسین برای آن شهید شد، یک امر ضروری و لازم بود. البته اجر الهی برای امام حسین محفوظ بود؛ میتوانستند او را در بوته‌ی سکوت بگذارند؛ اما چرا امام سجاد (علیه السلام) تا آخر عمر - سی سال بعد از او، امام سجاد زندگی کردند - در هر مناسبتی نام حسین، خون حسین و شهادت اباعبدالله را مطرح کردند؛ آن را به یاد مردم آوردند؟ این تلاش برای چه بود؟ بعضی خیال میکنند این کار برای انتقام گرفتن از بنیامیه بود؛ در حالیکه بنیامیه بعدها از بین رفتند. امام رضا (علیه السلام) که بعد از آمدن بنیعباس است، چرا به ریان بن شیبب دستور میدهد مصیبت‌نامه‌ی اباعبدالله را در میان خودتان بخوانید؟ آن وقت که بنیامیه نبودند؛ تارومار شده بودند. این کار برای این است که راه حسین بن علی و خون او علم و پرچم حرکت عظیم امت اسلام به سوی هدفهای اسلامی است؛ این پرچم باید سرپا بماند؛ تا امروز هم بر سر پا مانده و تا امروز هم هدایت کرده است.

مهمترین نقطه‌ی قوت ما در قیام جمهوری اسلامی، نقطه‌ی قوت انسانی بود. ما که نه سلاح داشتیم، نه پول داشتیم، نه سازمانده‌ی داشتیم، نه حزب داشتیم و نه پشتیبانی جهانی؛ ما ملت ایران در همه‌ی کشورهای دنیا یک نقطه را نداشتیم که از قیام، انقلاب و حرکت ما حمایت و دفاع کنند. آنچه این ملت را پیروز کرد، قدرت نیروی انسانی بود؛ یعنی آگاهی و ایستادگی؛ همان که امیرالمؤمنین در جنگ صفین فرمود: «ألا لایحمل هذا العلم إلا اهل البصر والصبر»؛ بصر یعنی بصیرت و آگاهی؛ صبر یعنی پایداری؛ فقط

اینها هستند که میتوانند این عَلم را در دست بگیرند و پیش بروند. قله‌ی این صبر و بصر شهدای مایند؛ همین آزادگانی هستند که این‌جا حضور دارند و همین جانبازان عزیزی هستند که این‌جا نشسته‌اند. اینها بودند که جان خودشان را در معرض نابودی گذاشتند؛ از حیات خودشان برای دوام این حرکت و این قیام بزرگ و انسانی مایه گذاشتند؛ اینها اوج ایثار و مظهر بصر و صبرند؛ مظهر آگاهی و ایستادگی و پایداری. آیا کشور ما به آگاهی احتیاج ندارد؟ آیا رسیدن به آرمانهای این ملت و این انقلاب احتیاج به پایداری ندارد؟ آیا در مقابل شیطنتها و دشمنیها و بغضهای غارتگران جهانی این ملت احتیاج ندارد که آن سلاح کارآمد خود را همواره در دست داشته باشد؛ یعنی سلاح اراده، پایداری، ایمان و آگاهی؟ اگر احتیاج دارد - که دارد - پس بایستی این روحیه‌ی ایمان و آگاهی و پایداری در قالب احترام به نمادهای آن در مردم حفظ شود و نمادها، همین شهیدانند؛ همین جانبازانند؛ همین آزادگانند.

اگر من از شهدا احترام میکنم، اگر اظهار اخلاص به خانواده‌های شهدا میکنم، این صرف یک احساسات خشک و خالی نیست؛ به معنای این است که این یک راهبرد حقیقی برای ملت ماست؛ یاد شهدا باید گرمی داشته شود. این جوانان عزیز، این خانواده‌های پُرطافت، این پدران و مادران، این همسران و فرزندان؛ اینهایی که با صبر و پایداری خودشان توانستند این راه طولانی را از این گردنه‌های دشوار عبور بدهند، بایستی مورد تجلیل قرار بگیرند، تا برای نسل جوان ما و برای آینده‌ی کشور ما این پرچم بر سر پا بماند.

دشمن میفهمد چه کار میکند؛ آن کسانی که سعی میکنند نام ایثارگری، نام جهاد، نام شهادت، نام صبر و پایداری را در کشور ما از ذهنها ببرند، اینها به دشمن ملت ایران خدمت میکنند. آن کسانی که یاد شهیدان را گرمی میدارند، اینها هستند که به ملت ایران خدمت میکنند. همین روحیه‌ی صبر شهیدان عزیز شماسست که توانسته است این ملت را پیش ببرد.

شهدای ما مظهر فضائل انسانی بودند. من روزها و شبهای زیادی را با جوانها در دوران جنگ به سر برده‌ام و از نزدیک شخصیت، هویت و عظمت روحی جوانانی را که بعدها چهره‌های ماندگار شهید شدند، لمس کرده‌ام؛ اینها حقیقتاً نمادهای فضیلت بودند.

در اطلاعاتی که به من داده شد، خواندم که در بین همین شهدای همدان شما، یک سردار سپاهی - که دارای شأن و موقعیتی هم بوده است - وجود داشته که وقتی مادرش از او میپرسد تو در سپاه چه کاره‌ای، جواب میدهد: من در سپاه جاروکشی میکنم. مادرش خیال میکرده واقعاً این جوان در سپاه یک مستخدم معمولی است. حتی وقتی برای این جوان به خواستگاری هم میروند و خانواده‌ی دختر سؤال میکنند پسر شما چه کاره است، مادرش میگوید در سپاه مستخدم است! بعد در اجتماعی که مراسمی بوده، یک نفر داشته سخنرانی میکرده، این مادر میبیند آن شخص خیلی شبیه پسرش است. میپرسد این شخص کیست. میگویند این فلانی است؛ یکی از سرداران سپاه. آن مادر، آن وقت پسرش را میشناسد!

ما مطالبی که در تاریخ خوانده بودیم، مثل افسانه به گوش ما می‌آمد؛ اما آنها را در زندگی واقعی خودمان دیدیم. من این را به جوانها می‌خواهم بگویم؛ به فرزندان شهدا و به خانواده‌های آنها: آن عظمتی که خانواده‌های شهدا و پدرها و مادرها و همسرها نشان داده‌اند، از عظمت خود شهدا کمتر نیست. ما مادران و پدرانی را دیدیم که اینها با حادثه‌ی سنگین و کوبنده‌ی فقدان فرزند خودشان مثل بشارت برخورد کردند؛ چون میدانستند که فرزند آنها در چه راهی حرکت میکنند.

من امروز عرض میکنم: پدران شهدای ما! مادران شهدای ما! همسران داغدار آنها! فرزندان که خلیه‌ها پدران خودشان را ندیدند یا چند صبحی بیشتر ندیدند! جانبازان عزیزی که سلامت خودشان را برای سالهای طولانی از دست داده‌اند! زحمات شما به توفیق الهی و به حول و قوه‌ی الهی بر باد نرفت و خدا به تلاش شما برکت داد و کار و کشور و ملت شما را از تنگناهای بزرگی نجات داد.

شما میبینید اشغالگران امریکایی و انگلیسی در عراق چه میکنند؛ نقشه‌ی استکبار جهانی این بود که اشغالگران بعضی در کشور ما همین جور با مردم ما رفتار کنند؛ نقشه‌ی امریکا و همدستان مستکبر او در دنیا این بود که ملت ایران را ذلیل و تحقیر کنند. آنها نمیتوانستند تحمل کنند که ملتی که دهها سال آن را تحقیر کرده‌اند و منابع انسانی و مالیاش را غارت کرده‌اند، حالا سینه سپر کند؛ بایستد؛ از تهدیدهای آنها نترسد و حق خودش را با نیروی خودش مطالبه کند و به‌دست بیاورد. امروز میگویند - آن روز

هم میگفتند - که نمیخواستند منافع نامشروع آنها به وسیله‌ی ملت ایران و نظام اسلامی در این منطقه قطع شود؛ میخواستند همچنان این منافع نامشروع را داشته باشند. سگ زنجیری آنها همین صدامی بود که امروز دست و پایش را با زنجیر بسته‌اند؛ آن روز هم دست و پایش در زنجیر بود. نقشه‌ی اشغال عراق از سوی امریکا و انگلیس یک نقشه‌ی منطقه‌یی است؛ والا اگر فقط مسأله‌ی عراق بود، اینها با صدام راحت کنار می‌آمدند و میتوانستند با صدام زندگی کنند؛ صدام برای آنها مشکلی نداشت. هر جا سری بلند میکرد، میزدند توی سرش و تمام میشد. اینها به صدام کمک کردند؛ صدام در دست اینها بود. با اشاره‌ی اینها و با چراغ سبز و کمک اینها میخواستند ملت ایران به وسیله‌ی صدام تحقیر و ذلیل شود که جوانان، شهدا، جانبازان و خانواده‌های شهدا نگذاشتند؛ این یک افتخار تمام نشدنی است. این چیزی نیست که زمان بر آن بگذرد و کهنه شود. من به همه‌ی گویندگان، نویسندگان و کسانی که تریبونی در اختیار دارند، توصیه میکنم: اگر صلاح این کشور و این ملت را میخواهند، یاد شهیدان، نام شهیدان، خاطره‌ی شهیدان و بازماندگان آنها و جانبازان را گرامی بدارند.

شما فرزندان شهیدان! شما برادران و خواهران شهیدان! افتخار کنید. فرزندان جانبازان! به چنین پدران و به چنین برادرانی افتخار کنید؛ اینها مایه‌ی افتخار یک ملتند. و البته دشمنان هم بدانند که به توفیق الهی نمیگذاریم و این ملت هم نمیگذارد که نام شهید و نام شهادت در این کشور فراموش شود؛ و به توفیق الهی روز به روز این نام در کشور ما برجسته‌تر و ماندگارتر خواهد شد و این افتخار برای کشور ما باقی خواهد ماند.

این را هم بدانید که شهدای ما و ایثارگران ما در دوران دفاع مقدس و قبل از آن و بعد از آن تا امروز و همچنین خانواده‌هایشان، در طول تاریخ اسلام، بعد از شهدای کربلا، نظیر ندارند؛ اینها حقیقتاً برجستگیهای خودشان را نشان دادند و همه‌ی چیزهایی را که برای ما مثل افسانه به حساب می‌آمد - باور میکردیم، اما شبیه افسانه بود - اینها تحقق بخشیدند و به آن واقعیت دادند. راه این عزیزان را نه فقط خانواده‌های شهدا بلکه همه‌ی ملت ایران باید ادامه دهند و بهرغم عافیت دشمن این راه ادامه پیدا خواهد کرد. این راه، راه ارزشهاست؛ راه تعالی ملت و کشور ایران است؛ راه برافراشتگی پرچم اسلام است. این راه را چه دشمنان مستکبر جهانی بپسندند، چه نپسندند؛ چه بخواهند، چه نخواهند،

ملت ایران به فضل پروردگار و به توفیق الهی با همان قوت و قدرت ادامه خواهد داد.

پروردگارا! رحمت و فضل خود را بر روح مطهر شهیدان عزیز ما نازل کن. پروردگارا! لطف و فضل و رحمت خود را بر جانبازان عزیز ما، خانواده‌های شهیدان، همسران جانبازان و فرزندان آنها شامل و عاید بگردان. پروردگارا! روح مطهر امام بزرگوار ما را - که سلسله جنبان این راه پرافتخار بوده است - همیشه در سایه‌ی لطف و فضل خود روزبه‌روز متعالیتر بگردان. پروردگارا! ما را قدردان ایثارگران، شهیدان و خانواده‌ی شهیدان قرار بده.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا با رهبر انقلاب

۱۳۸۳/۰۸/۰۳



جمعی از خانواده‌های دارای سه شهید یا بیشتر، عصر امروز در فضایی صمیمانه و معنوی با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار و گفت‌وگو کردند. در این دیدار رهبر معظم انقلاب، ضمن ابراز ارادت به خانواده‌های معظم شهدا، به مدت دو ساعت و از نزدیک پای صحبت این خانواده‌ها نشستند.

در پایان این دیدار، نماز مغرب و عشاء به امامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اقامه شد و سپس خانواده‌های شهدا روزه‌ی خود را با رهبر معظم انقلاب اسلامی افطار کردند.

دیدار مسئولان بنیاد شهید و امور ایثارگران با رهبر انقلاب

| ۱۳۸۳/۱۲/۲۲ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و رؤسای سازمان‌های بنیاد شهید و امور ایثارگران، خدمت به ایثارگران و خانواده‌های آنان را کار بسیار بزرگ و بارزش خواندند و افزودند: ایثارگران و خانواده‌های آنان با احیای فرهنگ پرافتخار شهادت و ایثارگری، نه‌تنها موجب گسترش معنویت و اسلام ناب در جامعه، بلکه در سراسر جهان شدند.

ایشان در این دیدار که به مناسبت سالروز صدور فرمان امام خمینی رحمه‌الله‌علیه مبنی بر تشکیل بنیاد شهید برگزار شد، با تأکید بر لزوم برخورد کرامت‌آمیز با ایثارگران و خانواده‌های آنان، خاطرنشان کردند: همه‌ی مسئولین و آحاد جامعه باید در جهت حفظ و تقویت فرهنگ ایثارگری و شهادت تلاش نمایند، اما وظیفه‌ی بنیاد شهید و ایثارگران بیش از دیگران است.

رهبر معظم انقلاب همچنین با استقبال از تجمیع نهادهای مربوط به ایثارگران در یک سازمان از زحمات و تلاش‌های مسئولین و کارکنان بنیاد شهید و امور ایثارگران قدردانی کردند.

در این دیدار آقای دهقان -رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران- گفت: ایجاد ظرفیت‌های سازمانی و قانونی پس از ادغام نهادها و گسترش حوزه‌ی خدمت‌رسانی در بخش‌های

مختلف، اهم اقدامات بنیاد شهید و امور ایثارگران بوده و تلاش بر این است تا در مدت زمان کوتاهی، طرح جامع خدماتی به ایثارگران و خانواده‌های آنان تدوین شود.

بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران
و خانواده‌های شهدای استان کرمان

| ۱۳۸۴/۰۲/۱۲ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اولاً سلام عرض میکنیم به همه‌ی خانواده‌های عزیز شهیدان و ایثارگران و بازماندگان آن نشانه‌های شرف و افتخار. همچنین سلام عرض میکنیم به جانبازان عزیزمان، و عرض ارادت صمیمی خود را به آنها تقدیم میکنیم - که در واقع شهیدان زنده‌ی انقلاب و کشورند - و همچنین سلام عرض میکنیم به آزادگان عزیز و خانواده‌های آنها که رنج‌های بیشماری را تحمل کرده‌اند.

اگرچه موهبت شهادت در دوران معاصر ما به همه‌ی ملت ایران در اقصی نقاط این کشور عطا شد - هیچ نقطه‌یی از نقاط کشور نیست که عطر شهادت، نور شهادت و خاطره‌ی حماسه‌های همراه با شهادت در آن جا وجود نداشته باشد - ولی برخی از مناطق کشور اختصاصاتی دارند؛ و کرمان یکی از این مناطق است. استان کرمان با بیش از شش هزار شهید و حدود بیست و پنج هزار ایثارگر - شهید و جانباز و آزاده - و با داشتن شهدای عالی‌مقام و نامدار - از قبیل شهید باهنر - و با چهره‌های ماندگاری در میان آزادگان، مثل شهید محمد شهبوساری - که یاد و خاطره و صدای او همچنان در گوش همه‌ی ما هست - و با داشتن روستاها و بخش‌هایی که در تقدیم شهیدان، رتبه‌ی اول را در کشور احراز کرده‌اند - مثل رابر و روستای گنجان - یک استان ممتاز است.

این شهادت‌ها آسان به دست نیامد. شهادت، نعمت و هدیه‌ی خداست؛ این هدیه را آسان به کسی نمیدهند. چرا هدیه‌ی خداست؟ چون مرگِ ناگزیرِ همگانیِ همه‌ی انسان‌ها را به یک پدیده‌ی افتخارآمیز در دنیا و آخرت تبدیل میکند؛ این هدیه نیست؟ آیا ممکن است کسی از مرگ بگریزد؟ وقتی انسان به لحظه‌ی مرگ رسید، آیا فرق میکند که پشت سرِ خودش ۹۰ سال را گذرانده باشد یا ۲۰ سال؟ آیا بزرگترین دغدغه‌ی هر انسانی از مرگ به خاطر این نیست که از بعد از آغاز سفر مرگ بیخبر است و نمیداند چه بر سر او خواهد آمد؟ اینها را در کنار هم بگذارید و ببینید انسانی همین مرگ و همین حادثه‌ی قطعی و ناگزیر و همین آینده‌ی مبهم و نگرانیاور را تبدیل کند به یک حادثه‌ی پُرافتخار، به یک واقعه‌ی نامدار در دنیا و آخرت، به یک وسیله‌ی عزتِ پیش خدا و پیش کربوبیانِ ملاً اعلی، به یک اطمینان و یک سکینه‌ی قلبی و یک آرامش؛ «و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و لا هم یحزنون»؛ هیچ خوف و اندوهی برای آنها نیست. آیا این هدیه‌ی الهی نیست؟ این که آدم روغنِ ریخته‌ی جانِ خودش را نذر امامزاده کند و قبول شود، نعمت خدا نیست؟ این روغن که ریخته شده است، این عمر که از دست رفته است، این مرگ که ناگزیر است؛ آنگاه انسان باید همین مرگِ ناگزیر را به خدا بفروشد، به قیمت بهشت و سعادت ابدی؛ «ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بأن لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون»؛ این، وعده‌ی الهی است. این جانِ رفتنی را - که انسان بناچار باید از دست بدهد - خدا از شما میخرد و در مقابلش به شما بهشت میدهد. این فقط مخصوص ما مسلمان‌ها نیست؛ در ادیان قبل از اسلام هم بوده؛ «وعدا علیه حقاً فیالتوراة والانجیل والقرآن»؛ این وعده را خدا در تورات و انجیل و قرآن هم داده است. پس شهادت یک هدیه‌ی الهی است.

بنده قبل از انقلاب در مسجدی در مشهد نماز میخواندم و برای مردم صحبت میکردم؛ جوان‌ها هم جمع میشدند. آن وقت شهادت مثل دوران بعد از انقلاب، این‌طور ارزان نبود؛ اما شهادتی داشتیم. به آنها میگفتم: جوان‌ها! برادرها! شهادت، مرگ تاجرانه و مرگ آدم‌های زرنگ است. این هدیه را خدا به چه کسی میدهد؟ خدا این هدیه را ارزان نمیدهد؛ به کسانی میدهد که در راه او مجاهدت کنند. جوان‌های شما، شهیدان شما، همسران شهید! همسران شما؛ پدر و مادرها! فرزندان شماها؛ بچه‌های شهید! پدران عزیز

شما، این هدیه‌ی الهی را آسان و رایگان به دست نیاوردند؛ به قیمت مجاهدت به دست آوردند؛ در راه خدا جهاد کردند، از خودشان گذشتند و خدا این هدیه را به آنها داد.

شما کرمانیها شهدای زیادی دارید؛ اما عمده‌ی شهدای شما متعلق به لشکر ۴۱ ثارالله است. میدانید این لشکر یعنی چه؟ یک لشکر مقتدر، شجاع، فداکار و افتخارآفرین. بعضی از بچه‌های شما که در لشکر ثارالله شهید شدند، در شب عملیات والفجر ۸ که عرض ارونند متلاطم را باید طی میکردند، ۱۳۰۰ متر غواصی کردند و از این طرف به آن طرف آب رفتند؛ برای این که خودشان را به دشمن برسانند. آب در ارونند، هم از طرف سرچشمه پایین می‌آید؛ هم آب مدّ دریا از بالا داخل میشود. ارونند، معبر عجیبی است. جوان‌های شما لباس غواصی به تن کردند - طوری که دشمن نفهمید - و نه ۱۰ متر و ۲۰ متر و ۱۰۰ متر، بلکه ۱۳۰۰ متر را که عریض‌ترین بخش ارونند بود، طی کردند و خودشان را به آن طرف رساندند و توانستند ساحل مقابل را از دست دشمن بگیرند و آن فتح‌الفتوح عجیب را بیافرینند، که دنیا را منقلب کرد.

در این عملیات، قایق‌های سپاه به طرف ساحل ارونند منتقل شد؛ اما دشمن نفهمید. این همه نیرو و این همه امکانات از راه دور پای آب ارونند آمد؛ اما دشمن با آن همه تجهیزات، و با آن که ماهواره‌های امریکا و انگلیس و شوروی کمکش میکردند، نتوانست حرکت عظیم سپاه را - که از لشکرهای مختلف این همه نیرو لب آب آورده بود - بفهمد. قایق‌ها را باید بچه‌های لشکر ثارالله کنار ساحل می‌بردند.

یکی از شهدای نامدار این لشکر، کسی است که در طول بیست روزی که این قایق‌ها را محرمانه منتقل میکردند، نتوانست استراحت کند. از قول فرمانده محترمش - که الحمدلله خدای متعال او را برای ما نگه داشته و جزو عزیزان ماست - نقل کردند که گفته بود این جوان سه شبانه‌روز چشم به هم نگذاشت و نخوابید. بعد از سه شبانه‌روز که رفته بود در سنگر بخوابد، مأموریتی ایجاد شد؛ رفتم صدایش کردم و او را با خودم به مأموریت بردم! اینها این طوری جهاد میکردند.

خدای متعال دو اجر بزرگ به اینها داد: یکی شهادت - که متعلق به خود آنهاست - یکی هم نجات این کشور، حفظ آبروی ملت ایران و حفظ آبروی امام. مگر شوخی است؟ در دوران تسلط مادیگری در دنیا، یک مرد معنوی بلند میشود؛ یک ملت مؤمن و

مخلص و پُرشور زیر پرچم او حرکت میکنند؛ میلیون‌ها دل، میلیون‌ها انسان و میلیون‌ها اراده در هم تنیده میشوند و نظام جمهوری اسلامی را به وجود می‌آورند - که به تنهایی در مقابل دنیای استکبار ایستاده است - آن وقت دشمن حقیر و حکومت خودکامه‌ی خونریزِ جلادی مثل حکومت بعثیِ صدام بیاید و امریکا و شوروی و اروپای آن روز و مرتجعان منطقه هم به او کمک کنند تا بر این نظام و این ملت و این کشور غلبه پیدا کند؛ مرزهای او را بشکند؛ خاکش را بگیرد و آبروی این ملت را بریزد؛ این چیز کمی بود؟ خدای متعال نگذاشت. دست نصرت خدا از آستین بچه‌های شما بیرون آمد و اسلام یاری شد. هزاران هزار نفر رفتند در جبهه‌ها جنگیدند؛ از جان مایه گذاشتند؛ از خواب و خوراک گذشتند؛ از گرمای روزهای سرد زمستان در کنار پدر و مادرشان گذشتند؛ از پای کولر و آب خنکِ یخچال در گرمای تابستان گذشتند؛ سختیها را به خودشان خریدند؛ عده‌یی از آنها جانشان را دادند؛ عده‌یی از آنها سلامتشان را دادند، که الان دارید میبینید و جلوی چشم ما هستند - این جانبازان عزیز - عده‌یی در دست دشمن اسیر شدند. خدای متعال به این تلاشِ جانانه و مخلصانه برکت داد؛ «و اِخْرٰی تَحَبُّوْنَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللّٰهِ وَ فَتْحٌ قَرِیْبٌ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِیْنَ»؛ خدا نصرت خودش را بر این ملت نازل کرد. خدا نصرتش را به آدم‌های تنبل و بیمجاهدت نمیدهد. خدا از انسان‌های بیکاره و تنبل و بیخیال و لابلالی حمایت نمیکند؛ ولو مؤمن باشند.

مسلمان‌ها هزار سال در خواب غفلت بودند؛ دویست سال استعمار بر سرزمین‌های اسلامی حاکم و مسلط بود؛ امروز هم استکبار جهانی بر بخشی از دنیای اسلام مسلط است؛ مگر این مسلمانان مؤمن نیستند؟ چرا، آنها هم ایمان دارند و نماز میخوانند؛ اما این کافی نیست. برای پیروزی و موفقیت، مؤمن بودن و نماز و روزه به‌جا آوردن کافی نیست؛ مجاهدت لازم است. در سایه‌ی مجاهدت است که یک ملت میتواند خودش را، هویتش را، ناموسش را، افتخاراتش را، تاریخش را، فرهنگش را و استقلال و آزادیاش را حفظ کند. ملت ما این کار را کرد و جوان‌های شما هم پیشاهنگان این راه بودند. به این مجاهدت‌ها افتخار کنید.

فرزندان شهدا! به پدران خود افتخار کنید. اینها کسانی بودند که مسیر تاریخ را عوض کردند؛ اینها کسانی بودند که قوی پنجه‌ترین و وحشیت‌ترین مستکبران دنیا را به زانو درآوردند؛ ملت خود را سرافراز کردند و دین خدا را به پا داشتند.

امروز در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، علمی، فناوری و فعالیت‌های بین‌الملل، کشور ایران پیشرفت‌های بسیار زیادی کرده. این را به شما عرض کنم؛ پیشرفت ما نسبت به همسایگان ما بسیار بیشتر و جلوتر است. ما خیلی پیشرفت کرده‌ایم؛ اما این پیشرفت‌ها مرهون آن دفاع‌ها و مجاهدت‌هاست. ملت ایران با همه‌ی وجود مرهون تلاش و مجاهدت این ایثارگران است؛ چه ایثارگرانی که شهید شدند، چه ایثارگرانی که شهید دادند - مثل شماها - چه ایثارگرانی که جانباز شدند، چه ایثارگرانی که زندگی دشوار جانبازی را برای عزیزان خودشان تحمل کردند - پدران اینها، مادران اینها، همسران اینها - چه آنهایی که در بند دشمن جبار جرّار اسیر شدند و پدر و مادرها لحظه‌لحظه‌ی دوران اسارت را با خون دل تحمل کردند، و چه آنهایی که از اسارت برنگشتند و در همان‌جا شهید شدند؛ و چه آنهایی که به جبهه‌های جنگ رفتند و خطر را پذیرفتند و جان خودشان را کف دست گرفتند و همه‌ی نیروی خودشان را صرف کردند، اما خدای متعال خواست اینها زنده بمانند و برکاتشان برای کشورشان و دنیای اسلام ادامه پیدا کند. سردار سلیمانی هم ایثارگر است - او هم یک شهید است - سردار رئوفی هم همین‌طور؛ سردار احمدیان هم همین‌طور. این سرداران، شهید زنده‌اند؛ به شرطی که این راه را ادامه دهند. البته این شرط و شروط برای همه است.

تا راه خدا را ادامه می‌دهید، جزو صالحین‌اید؛ اگر کج رفتید، همه چیز تمام می‌شود. همه‌ی ما همین‌طوریم؛ بنده هم همین‌طورم. اگر کج قدم گذاشتیم، نمیشود بگوییم ما کسی هستیم که یک روز فلان کار را کردیم. کسانی که در راه خدا جهاد کردند، جهادشان محفوظ است؛ این ذخیره‌ی است که خدای متعال در آن دنیا برای آنها نگه داشته است.

یک نفر از پیغمبر(ص) شنید که ایشان فرموده‌اند هر کس بگوید «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر»، خدای متعال در بهشت برای او یک درخت می‌رویانند. گفت: یا رسول الله! پس ما در بهشت خیلی درخت داریم؛ چون این ذکر را خیلی تکرار کرده‌ایم. نقل می‌کنند پیغمبر(ص) فرمود: بله، به شرط این‌که صاعقه‌ی نفرستاده باشی که درخت‌ها را بسوزاند! گاهی صاعقه‌ی می‌فرستیم، درخت‌های ما را می‌سوزاند. گاهی مثل آن درویش خوش خیال با عصا می‌زنیم، کوزه‌ی روغنمان میشکند و روغنمان میریزد. گاهی با یک گناه سقوط می‌کنیم. گاهی با یک انحراف، خود را از ارزش می‌اندازیم. باید

مراقب باشیم.

خانواده‌های شهدا یادآور و مظهر افتخار ملتند؛ اما یک چیز دیگر هم در کنار این وجود دارد: خانواده‌های شهدا ما را همیشه به یاد دشمنی‌هایی که با این ملت شده، نگه میدارند. دشمن را نباید فراموش کرد. از دشمنی دشمن نباید غافل شد. امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه فرمود: «و من نام لم ینم عنه»؛ اگر شما در جبهه‌ی نبرد خوابتان برد، معنایش این نیست که سرباز خط مقابل هم خوابش برده؛ نه، او بیدار است؛ منتظر است شما خوابتان ببرد تا بر سر شما بتازد. در میدان نبرد، کارزار همیشه نظامی نیست؛ گاهی سیاسی است؛ گاهی هم فرهنگی است. دشمن سعی میکند رخنه ایجاد کند؛ چشم‌ها را باید باز نگه داریم؛ نقطه‌ی رخنه را ببینیم و مراقب باشیم این رخنه توسعه پیدا نکند. باید جلوی رخنه‌های فرهنگی و سیاسی را بگیریم.

امروز سیاست استکباری، استعمار فرانو است؛ یعنی از استعمار نوینی که در ده‌ها سال قرن گذشته وجود داشت، یک قدم بالاتر. استعمار فرانو یعنی چه؟ یعنی دستگاه استکباری کاری کند که عناصری از ملتی که این مستکبر میخواهد آن را قبضه و تصرف کند، بدون این که بدانند، به او کمک کنند. دشمن، ایمان شما را سد مستحکم خود میبیند و دلش میخواهد این سد برداشته شود. حالا عناصری از میان خود ما بیایند و بنا کنند این دیوار را تراشیدن یا سوراخ کردن. اینها گرچه خودی هستند، اما دارند برای دشمن کار میکنند؛ دشمن هم روی اینها سرمایه‌گذاری میکند. دیدید که امریکاییها حتی در کنگره‌شان تصویب کردند که به عناصری در داخل کشور ما پول بدهند تا برای آنها کار کنند؛ این طور علنی و صریح! این استعمار فرانو است. این، مثل این است که دوندایی نتواند بر رقیبش فائق بیاید؛ کاری کند که رقیب، خودزنی کند؛ مثلاً وادارش کند معتاد شود. وقتی طرف معتاد شد، دیگر حال دویدن ندارد؛ به خودی خود به نفع رقیبش کار کرده است. بنابراین وقتی حال دویدن نداشت، رقیبش برنده میشود. در استعمار فرانو این کار را میکنند؛ جوان‌ها خیلی باید هشیار باشند؛ دخترها خیلی باید هشیار باشند؛ معلمین و معلمات و پدر و مادرها خیلی باید متوجه و هشیار باشند؛ بخصوص کسانی که جایگاهی در اشاره به افکار عمومی دارند؛ گوینده‌اند، نویسنده‌اند، اهل هنر و اهل فعالیت گوناگون هستند.

ما عرض دیگری نداریم، جز این که برای شما دعا کنیم و از مسؤولان بنیاد شهید - که الحمدلله آقای دهقان هم این جا هستند - درخواست کنیم که تا آن جایی که میتوانند، مشکلات و گره‌هایی را که احياناً در کار خانواده‌های محترم اینثارگران - چه شهیدان، چه جانبازان و چه آزادگان - وجود دارد، ان شاءالله در حد مقدرات و امکاناتشان حل و باز کنند.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای کرمان

| ۱۳۸۴/۰۲/۱۲ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای امروز همچنین با حضور در گلزار شهیدان کرمان، با قرائت فاتحه، از گلگون‌کفن‌ان پرافتخار انقلاب و حماسه‌ی دفاع مقدس تجلیل کردند.

حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای زرنند

۱۳۸۴/۰۲/۱۳



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای امروز همچنین با حضور در بهشت زهرای زرنند برای شهیدان سرافراز این منطقه علو درجات را مسألت کردند.

گزارش‌های دریافتی همچنین حاکی است که صبح امروز در مسیر حرکت رهبر معظم انقلاب از کرمان به زرنند، مردم مناطق اطراف از جمله شهر چترود و روستاهای هوتک، ده‌زیار، تیک‌در، قورچونیه و خانوک نسبت به حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به ابراز احساسات پرداختند

حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدا و مزار جانباختگان زلزله بم

۱۳۸۴/۰۲/۱۳



رهبر معظم انقلاب پس از سخنرانی در جمع پرشور مردم بم، با حضور در گلزار شهیدان و مزار جانباختگان زلزله‌ی دی ماه ۸۲، با قرائت فاتحه برای آنان رحمت الهی مسألت کردند.

حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای جیرفت |

| ۱۳۸۴/۰۲/۱۷ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سفر به جیرفت همچنین با حضور در گلزار شهیدان این شهر، علو درجات این فرزندان سرافراز ملت را از پروردگار مسألت کردند.

حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای رفسنجان

۱۳۸۴/۰۲/۱۸



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه‌ی سفر خود به استان کرمان، با حضور بر سر مزار شهیدان پرافتخار رفسنجان برای علو درجات آنان فاتحه قرائت کردند.

بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا

| ۱۳۸۴/۰۳/۰۳ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

این جمع عزیز، بسیار بارزش و مبارک است و من خدای متعال را شاکر و سپاسگزارم که توفیق داد تا بتوانم در خدمت شما و در جمع شما عزیزان حضور داشته باشم؛ پدران و مادران و همسران شهیدان عزیز، پدران و مادران چهار شهید، سه شهید، دو شهید و یک جانباز، دو شهید و دو جانباز، جمعی از جانبازان عزیزمان که جوانی خود را ایثار و نثار راه انقلاب کردند و برای خدا جوانیشان را دادند، جمعی از آزادگان عزیز، جمعی از مبارزان زجرکشیده‌ی قبل از انقلاب در دوران غربت و تنهایی ندای حق، که متحمل زندان و شکنجه و مشکلات شدند. اگر به معنای حقیقی کلمه بخواهیم نخبگان معنوی کشور را معرفی کنیم، باید به چنین جمعی برسیم. امروز هم روز بسیار مهمی است - روز سوم خرداد - و همان‌طور که اشاره کردند، روز مقاومت و ایثار و پیروزی است. روز سوم خرداد نماد ایثار و مقاومت و پیروزی ملت ایران به برکت ایمان و به‌کار گرفتن قوای خود در مقابل دشمن است.

در گذشته نباید متوقف ماند؛ همیشه گذشته پلکانی است برای پیشرفت ملت‌ها به سمت آینده‌های روشن. همچنین گذشته‌ها را مطلقاً نباید از یاد برد؛ همیشه باید گذشته‌ها را زنده نگه‌داشت. یک عده از بدخواهان ملت ایران و اسلام سعی میکنند گذشته‌های

پُرافتخار این ملت را به بوته‌ی فراموشی بسپارند؛ سعی میکنند مردم را از گذشته‌ی پُرافتخار خودشان جدا کنند؛ این خیانت است. گذشته‌ی ملت ایران را، چه دوران تاریخ ممتد پُرافتخار ما - بخصوص بعضی از نقطه‌های اوج آن - و چه گذشته‌ی ملت عزیز ایران در بیست و پنج شش سال اخیر که هر روز یک حادثه و یک حماسه و یک عظمت‌آفرینی است، مطلقاً نباید فراموش کرد؛ عرصه‌های دفاع مقدس را نباید فراموش کرد؛ پیروزی‌هایی را که جوانان شما در میدان‌های دشوار به دست آورده‌اند، نباید بگذارید فراموش شود؛ این پیروزیها بسیار بزرگ است؛ فقط پیروزی در یک جنگ و پیروزی بر یک دشمن متجاوز نیست؛ پیروزی بر دنیای استکبار قهار جبار جهانی است که وقتی میبیند در یک نقطه‌ی حساس دنیا مثل ایران، ملتی به پا خاسته و استقلال خود را در زیر سایه‌ی دین به دست آورده است، احساس میکند همه‌ی محاسبات او غلط از آب درآمده؛ لذا با همه‌ی وجود به میدان مبارزه‌ی با این ملت می‌آید. پیروزی شما در دوران بیست و پنج شش سال گذشته در میدان‌های مختلف، پیروزی بر چنین دشمنی است. این، برای همه‌ی ملتها و همه‌ی نسلهای ما در آینده، درس است. خلاصه‌ی این درس هم این است که اگر ملتی عمل و تلاش خود را با ایمان و اعتقاد جازم همراه کند، پیروزی او در مقابل هرگونه دشمنی قطعی است. از این درس - که هرگز نباید آن را فراموش کنیم - باید برای آینده بهره بگیریم.

ما هنوز اول راهیم؛ نمیشود گفت وسط راه. ما خواسته‌ایم کشور و جامعه‌ی خود را طبق نظر اسلام بسازیم. طبق نظر اسلام، چه جامعه‌ی را باید ساخت؟ جامعه‌ی که در آن، عدل و داد باشد؛ آزادی فکر و اندیشه باشد؛ رشد و شکوفایی استعدادها باشد؛ اخلاق حسنه و فاضله در روابط اجتماعی حاکم باشد؛ در آن، فقر و فساد و تبعیض نباشد؛ انسانها احساس شرف و افتخار و امید کنند و بخواهند دنیایی را با شرف و با افتخار و با اخلاق فاضله بسازند. اسلام جامعه‌ی را میخواهد که در آن علم بجوشد و بر پایه‌ی علم، همه‌ی بنیان‌های اجتماعی نوسازی شود و پیش برود. اسلام جامعه‌ی را میخواهد که در آن، افراد و مجموعه‌ی یک ملت مشعل و پرچم شاخصی باشند برای همه‌ی ملتها؛ «و تكونوا شهداء علی الناس».

البته ما وارد این راه شدیم و قدری هم پیش رفتیم و نتایج آن مقدار پیشرفت را هم داریم مشاهده میکنیم. چقدر در این مملکت کار شده است؛ چقدر از لحاظ علمی و

فناوری این کشور پیشرفت کرده است؛ چقدر اعتماد به نفس جوانان در میدان‌های مختلف علمی، فناوری و فعالیت‌های گوناگون بالا رفته است. ملتی که به او تفهیم کرده بودند هیچ کاری نمیتواند بکند و همه چیز را باید دیگران بکنند و او باید بنشیند و تماشا کند و از آنها گدایی کند، در حال حاضر به احساس استغناء و توانایی رسیده و افق‌های جدیدی را در مقابل خود ترسیم کرده است. ما خیلی پیشرفت کرده‌ایم؛ اما هنوز در اوایل راه قرار داریم و خیلی بیش از این باید پیشرفت کنیم.

ما باید عدالت و اخلاق را مستقر کنیم و جامعه‌ی خود را به معنای واقعی اسلامی کنیم. این احتیاج دارد به کار و تلاش و ایمان و عمل صالح و مجاهدت در راه خدا. آیا این مجاهدت اثر دارد؟ آیا به نتیجه میرسد؟ بله. دلیل؛ سوم خرداد. دلیل؛ فتح خرمشهر. دلیل؛ هشت سال دفاع مقدس. شهید محمد جهان‌آرا که پدر بزرگوارش این‌جا صحبت کرد، در کدام کلاس نظامی دوره دیده بود؟ شهدای عزیز ما کدامیک از ابزارهای پیشرفته‌ی نظامی را در اختیار داشتند؟

بنده در همان دوران غربت - وقتی خرمشهر در اشغال دشمنان بیگانه بود - نزدیک پل خرمشهر رفتم و به چشم خودم دیدم وضعیت چگونه است. فضا غم‌آلود و دلها سرشار از غصه بود و دشمن با اتکاء به نیروهای بیگانه که به او کمک میکردند - همین امریکا و غربیها و همین مدعیان دروغگو و منافق حقوق بشر - در خرمشهر مستقر شده بود. تانک‌های او، وسایل پیشرفته‌ی او، هواپیماهای مدرن او، نیروهای تا دندان مسلح او؛ بچه‌های ما آرپی.جی هم نداشتند؛ با تفنگ می‌جنگیدند؛ اما با ایمان و با صلابت. همین جوانان، با دست خالی، اما با دل پُر از امید و ایمان به خدا، بدون این‌که ابزار پیشرفته‌ی داشته باشند و بدون این‌که دوره‌های جنگ را دیده باشند، وسط میدان رفتند و بر همه‌ی آن عوامل غلبه پیدا کردند.

روز سوم خرداد، همان ساعت اولی که رزمندگان ما خرمشهر را گرفته بودند، مرحوم شهید صیاد شیرازی به من تلفن کرد - بنده آن وقت رئیس جمهور بودم - و گزارش اوضاع جبهه را میداد. میگفت الان هزاران سرباز و افسر عراقی صف بسته‌اند، برای این‌که بیایند ما دستهایشان را ببندیم و اسیر شوند! قدرت معنوی یک ملت این است. فقط خرمشهر نیست - خرمشهر یک نماد است - کربلای ۵ ما هم همین‌طور بود؛

والفجر ۸ ما هم همین‌طور بود؛ فتوحات فراوان دیگر ما هم همین‌طور بود؛ عملیات خیبر و بدر و مجموعه‌ی هشت سال دفاع مقدس ما هم همین‌طور بود. البته ناکامی و شکست هم داشتیم و شهید هم دادیم؛ میدان مبارزه است. به برکت ایمان شهیدان ما و ایمان شما پدران و مادران و همسران - که شماها هم پشت سر شهدا قرار دارید؛ چون اگر پدر شهید، مادر شهید و همسر شهید با او همدل و هم‌ایمان نباشند، او نمیتواند برود بجنگد - توانستید در این مبارزه پیروز شوید. این همان درسی است که باید همواره جلوی چشم ما باشد و به آن نگاه کنیم.

مبارزه‌ی مجدانه‌ی توأم با ایمان، در همه‌ی مراحل با پیروزی همراه است. همیشه هم که جنگ نیست؛ این مبارزه در میدان‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی هم هست؛ این مبارزه در میدان درس و بحث و در میدان تولید هم هست. بنابراین همه‌جا مبارزه وجود دارد. یک وقت هم دشمن دیوانگی میکند؛ آنگاه مبارزه در میدان جنگ است. یک ملت وقتی به خود متکی شد، وقتی مؤمن شد، وقتی این ایمان را با عمل صالح و جهاد همراه کرد، در همه‌ی میدان‌ها پیروزی او قطعی است. درس خرمشهر برای ما این است؛ ملت ایران این درس را نباید فراموش کند.

دشمن، نقطه‌ی ضعف خودش و نقطه‌ی قوت شما را هم فهمیده. نقطه‌ی قوت شما ایمان و ایثار و دل دادن به مجاهدت و همچنین همبستگی و همدلی شماها با هم است. نقطه‌ی ضعف او این است که در مقابل نیروی ملی یک ملت هیچ ابزاری ندارد. ابزار نظامی فایده و پیشرفتی ندارد؛ این را دشمن میداند. دشمن درصدد است این مقاومت را درهم بشکند؛ درصدد است این ایمان را تضعیف کند؛ در صدد است همبستگی ملی و همدلی را از بین ببرد. اگر دیدید کسی از دل دادن به بیگانه و رها کردن ایمان و مقاومت و وحدت حرف میزند، بدانید از زبان دشمن دارد حرف میزند؛ چه بداند، چه نداند. همه‌جا این معیار و شاخص به درد من و شما میخورد که بدانیم در کجا و چگونه داریم زندگی میکنیم؛ محیط و زمان خود را بشناسیم.

انتخابات در پیش است. انتخابات یکی از میدان‌های مهم همبستگی است. درباره‌ی انتخابات حرف زدیم، همه حرف زدند و تا وقت انتخابات هم باز هرچه لازم باشد، عرض خواهیم کرد. آنچه مهم است، این است که مردم در این میدان گزینش، همبستگی

خود را نشان دهند. ملت ایران این فرصت گزینش را تا قبل از انقلاب اسلامی در هیچ دوره‌بی نداشت؛ انقلاب اسلامی است که این فرصت را در اختیار ملت ایران گذاشته است. قبل از انقلاب اسلامی، ملت ایران مینشستند تماشا میکردند تا کسی سر کار بیاید و هرچه میخواهد، تصمیم بگیرد. چه کسی آنها را سر کار می‌آورد؟ دستهای مختلف و دسته‌بندیهای گوناگون سیاسی دنیا؛ یک روز روس‌ها، یک روز انگلیسی‌ها، یک روز امریکایی‌ها. در این قضایا، ملت ایران تماشاچی ماجرا و بی‌اختیار محض بود.

آزادی و دموکراسی که انقلاب به ما داد، حتی در دوران مصدق هم - که دوران نسبتاً آزاد و به قول خودشان دموکراسی بود - به هیچ‌وجه نبود. دکتر مصدق مجلس شورای آن روز را منحل کرد - یعنی چیزی که به حسب ظاهر نماد دموکراسی بود؛ که البته در آن، دموکراسی هم نبود - و گفت من اختیارات میخواهم. اختیارات را گرفت؛ اول شش ماه، بعد شش ماه دیگر. در دو سال حکومت خودش، یک سال یا بیشتر، با اختیارات مطلق زمامداری کرد؛ خودش قانون وضع میکرد، خودش امضاء میکرد و خودش به اجرا میگذاشت. این کجا با نظام جمهوری اسلامی قابل مقایسه است که یک روز در این بیست و شش سال نشد که مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مردم نداشته باشد؟ در همه‌ی این دوران، انتخابات، پیدری پی برگزار میشد. بیست و شش سال از عمر جمهوری اسلامی دارد میگذرد و ما حدود بیست و پنج شش انتخابات داشته‌ایم؛ این فرصتی است برای ملت ایران؛ این فرصت را اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی به ما داد. بعضی نمک خورده‌اند و نمکدان میشکنند و نسبت به جمهوری اسلامی ناشکری میکنند.

امروز هم طمع دشمنان این ملت و طمع امریکایی‌ها این است که باز بیایند همان آش و همان کاسه را در این کشور برقرار کنند و دیکتاتوری را به شکل‌های جدیدتر و مدرن‌تری به‌وجود بیاورند تا خلیج‌ها نفهمند در این کشور چه دارد میگذرد. اما ملت ما ایستاده است و باز هم می‌ایستد. ملت ایران قدر این آزادی و قدر این حضور مردمی و قدر این اختیار مردمی را باید خیلی بداند؛ همه‌ی ما باید قدر بدانیم. این را انقلاب و اسلام به ما داد. این، نعمت الهی است؛ باید آن را شکر بگذاریم؛ شکرش هم به این است که در این میدان وارد شویم. با برادری و محبت، فضا را فضای محبت کنند.

من به همه‌ی کسانی که نامزد انتخابات ریاست جمهوری هستند و طرفداران آنها

صمیمانه عرض میکنم که فضای کشور را فضای دشمنی و نفاق و تشنج و اختلاف نکنند. البته ملت این‌طور نیستند؛ گروهی هستند که اگر مجموع‌شان را بشمریم، به چند هزار نفر نمیرسند - بالاخره هر کس طرفدارانی دارد - اینها فضای روزنامه‌ها و دستگاه‌های ارتباط جمعی را متشنج میکنند. فضا باید دوستانه باشد؛ هر کس حرفهای خودش را بزند و برنامه‌های خودش را بگوید و کاری را که خودش میتواند بکند، بیان کند؛ به دیگران چه کار دارند؟ فضا را متشنج نکنند؛ فضا را برادرانه و صمیمانه بکنند.

مردم هم نگاه کنند و اصلح را انتخاب کنند. اصلح کسی است که با نیازی که شما برای جامعه میفهمید، تطبیق کند و بتواند نیازهای جامعه را برآورده سازد. بعضیها در شناخت اصلح دچار وسواس و دغدغهای زیاد میشوند. شما تلاش خود را بکنید؛ مشورت خود را بکنید؛ از کسانی که فکر میکنید میتوانند شما را راهنمایی کنند، راهنمایی بخواهید؛ به هر نتیجه‌یی که رسیدید، عمل کنید و رأی بدهید؛ اجر شما را خدای متعال خواهد داد. ما مأموریم که به آنچه میفهمیم و به آنچه تکلیف الهی تشخیص میدهیم، عمل کنیم؛ مطابق با واقع شد یا نشد، اجر ما محفوظ است. اجر کسی که عامل به تکلیف است، پیش خدای متعال محفوظ است.

امروز کشور برای کار، میدان وسیعی است. مدیران کارآمد اگر بیابند کار و تلاش کنند و نشاط به خرج دهند، میدان برای کار خیلی باز است. ما میتوانیم بسیاری از مشکلات مادی جامعه را برطرف کنیم. خوشبختانه در دولتهای قبلی زیربناهای خوبی در کشور فراهم شده و کارهای خوبی صورت گرفته است - این را من بارها گفته‌ام - این کارها را باید به زندگی مردم وصل کنند؛ کاری کنند که مردم طعم شیرین خدماتی را که در کشور انجام میگیرد، بچشند؛ در هیچ نقطه‌یی از کشور فقر نباشد - عدالت برقرار باشد - فساد نباشد و افراد مفسد از دستگاه‌های تصمیم‌گیر طرد شوند و امکان دخالت پیدا نکنند؛ اینها چیزهایی است که ما باید مورد توجه قرار دهیم. مطمئن باشید وقتی نیت من و شما خیر باشد و بخواهیم برای خدا کار کنیم و از خدای متعال کمک بخواهیم و آنچه در وسع داریم، انجام دهیم، یقیناً خدای متعال نتیجه‌ی شیرین را لطف خواهد کرد و به حول و قوه‌ی الهی در این آزمایش بزرگ هم ملت ایران سرافراز بیرون خواهد آمد.

بیانات | ۳۰۳

پروردگارا! ارواح طیبه‌ی شهدای عزیز ما را با روح مطهر سیدالشهداء و شهدای کربلا محشور کن. پروردگارا! روح مطهر امام بزرگوار ما را - که این راه را او به روی ما باز کرد و او ما را به این کار هدایت کرد - با ارواح انبیا و اولیا محشور بفرما. پروردگارا! جانبازان عزیز ما را مشمول عافیت و لطف و فضل و شفای عاجل خود قرار بده. پروردگارا! به خانواده‌های شهدا، جانبازان و همه‌ی ایثارگران صبر و تحمل و امید و روشنائی عنایت بفرما. پروردگارا! به محمد و آل محمد قلب مقدس ولی عصر (ارواحنا فداه) را از ما راضی و خشنود کن و در فرج آن بزرگوار تعجیل بفرما.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

بیانات در دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت و
خاطره‌گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت

| ۱۳۸۴/۰۶/۳۱ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اگر دو سه ساعت دیگر هم این جلسه طول میکشید، بنده جز احساس شوق، احساس دیگری پیدا نمی‌کردم. واقعاً انسان از زیارت شماها و از شنیدن این حرفها خسته نمیشود. از دوستان عزیزی هم که این توفیق و فرصت را به من دادند که در جلسه‌ی شما شرکت کنم، خیلی تشکر میکنم.

خاطره بماند برای یکوقت دیگر؛ مجال کم است؛ علاوه بر این که خاطره‌های ما در قبال خاطره‌های شما درواقع هیچ است. آنچه شماها دیدید و لمس کردید و حس کردید، بسیار عزیزتر و فراتر از چیزهایی است که ما در این صحنه‌ها دیدیم. من میخواهم فقط یک جمله عرض کنم، و آن اهمیت این کار است.

به نظر من بنیانگذار بنای حفظ حوادث با ادبیات و هنر، زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) است. اگر حرکت و اقدام حضرت زینب نمیبود و بعد از آن بزرگوار هم بقیه‌ی اهل بیت (علیهم‌السلام) - حضرت سجاد و دیگران - نمیبودند، حادثه‌ی عاشورا در تاریخ نمی‌ماند. بله، سنت الهی این است که این‌گونه حوادث در تاریخ ماندگار شود؛ اما همه‌ی سنتهای الهی عملکردش از طریق ساز و کارهای معینی است. ساز و کار بقای این حقایق در تاریخ این است که اصحاب سَرّ، اصحاب درد، رازدانان و کسانیکه از این

دقایق مطلع شدند، این را در اختیار دیگران بگذارند. بنابراین خاطره‌گویی و تدوین و پخش خاطرات را باید در جایگاه حقیقی خودش نشانند، که جایگاه بسیار بالا و والایی است و بسیار مهم است.

بیان هنری هم شرط اصلی است؛ کما این که خطبه‌ی حضرت زینب در شهر کوفه و شهر شام، از لحاظ زیبایی و جذابیت بیان، آیت بیان هنری است؛ طوری است که اصلاً هیچ کس نمیتواند این را نادیده بگیرد. یک مخالف یا یک دشمن وقتی این بیان را میشنود، مثل تیر بُرنده و تیغ تیزی، خواهینخواهی این بیان کار خودش را میکند. تأثیر هنر به خواست کسی که مخاطب هنر است، وابستگی ندارد. او بخواهد یا نخواهد، این اثر را خواهد گذاشت. حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) و امام سجاد در خطبه‌ی شام و در بیان رسا و بلیغ و شگفت‌آور مسجد شام این کارها را کردند. شما هم دارید این کار را میکنید.

ادبیات و هنر مقاومت و آنچه مربوط به دوره‌ی خاص دفاع کشور و ملت ماست، حقیقتاً از برجسته‌ترین و مهمترین کارهاست. البته دوستان خیلی کار کرده‌اند. از دهه‌ی ۶۰ که این کارهای هنری و ادبی در حوزه‌ی هنری شروع شد و این خاطرات منتشر گردید، من یکی از مشتریهای پرو پا قرص این کتابها بودم، که خاطرات را نگاه کنم. من خیلی تحت تأثیر جذابیت و صداقت و خلوص این نوشته‌ها و گفته‌ها هستم؛ این را واقعاً عرض میکنم. یاد کسانی که این کارها را تولید کردند، از خاطر محو نمیشود. اسمهایی که من پشت این کتابها خواندم و کتابهایشان را نگاه کردم، غالباً در ذهنم هست و من قدردان و قدرشناس اینها هستم و اگر میتوانستم، عظمت این کار را مدح میکردم. البته در طول تاریخ، شعرا معمولاً صاحبان قدرت و ثروت و امثال اینها را مدح میکردند؛ اما به نظر من باید شماها را مدح کرد. اگر بنده شاعر بودم، یقیناً در مدح شماها، در مدح آقای سرهنگی، در مدح آقای بهبودی، در مدح آقای قدمی، در مدح همین خاطره‌سازان و خاطره‌انگیزان قصیده میساختم؛ حقیقتاً جا دارد؛ چون کار بسیار بزرگ و بااهمیتی است.

به نظر من مسأله‌ی دفاع مقدس و آنچه در این دوران بروز کرد، یک مسأله‌ی عادی نیست؛ برای همه‌ی ملتها این طور است؛ در مورد ملت ما به دلایل گوناگون بیشتر

از دیگران است؛ لذا این را نمیشود جزو روال عادی زندگی ملت‌ها به حساب آورد. دوران دفاع مقدس برای ملت ما ظرفیت و موقعیتی بود که این ملت بتواند اعماق جوهری خودش را در ابعاد مختلف نشان دهد، و نشان داد. عرض کردم، همه‌ی ملت‌ها همین‌طورند؛ با اختلافاتی که در کیفیت کار و اهداف و جهت‌گیری‌ها و نیت‌ها وجود دارد.

دوره‌ی سختی برای یک کشور - چه سختی جنگ باشد، چه سختی اقتصادی باشد، چه فشارهای گوناگون سیاسی باشد - دوره‌ی نشان دادن ظرفیت‌هاست؛ که این ملت چقدر ظرفیت دارد، چقدر قابلیت اظهار وجود دارد، چقدر لیاقت بقا دارد. لذا بهترین آثار هنری هم که انسان نگاه میکند، یا بخش‌های زیبای بهترین آثار هنری، مربوط به همین دوره‌های این کشورهاست. شما به آثار داستانی که وجود دارد، اگر نگاه کنید، شیرین‌ترین و هنرمندانه‌ترین نوشته‌های هنری و رمان‌های بزرگ مربوط به بخش‌هایی است که ملتی دارد کار بزرگی از این قبیل انجام میدهد. «جنگ و صلح» تولستوی مربوط به مقاومت عجیب مردم روسیه است در مقابل حمله‌ی ناپلئون و حرکت عظیمی که مردم مسکو انجام دادند برای ناکام کردن ناپلئون. تولستوی کتاب‌های دیگری هم دارد، اما به نظر من این کتاب برجستگی‌اش به خاطر این است که کاملاً بر محور روح دفاع مردم روسیه است. همین‌طور است بسیاری از کتاب‌های دیگری که یا در مورد انقلاب شوروی نوشته شده، یا در مورد انقلاب کبیر فرانسه نوشته شده، یا در مورد جنگ‌های فرانسه و آلمان و دفاع مردم فرانسه نوشته شده؛ مثل بعضی از کتاب‌های امیل زولا. مهمترین آثار رمانی مربوط به دوران حساس یک ملت است، که در آن وقت این ملت توانسته ظرفیت خودش را نشان دهد. شاید نقاشی‌ها هم همین‌طور باشد. البته بنده در نقاشی به عنوان یک بیننده هم حتی سررشته‌ی خوبی ندارم؛ اما گمان میکنم تا آن حدی که شنیدم، زیباترین یا بخشی از زیباترین نقاشی‌های بزرگ دنیا مربوط به صحنه‌های جنگ است؛ مثلاً صحنه‌ی جنگ «واترلو» و صحنه‌های گوناگون دیگر.

برای حوزه‌ی هنر کشور، یکی از مهمترین جلوه‌گاه‌ها، دوره‌ی جنگ تحمیلی بر ما و دوره‌ی دفاع مقدس بوده و هنوز هم هست؛ باید از این استفاده کرد.

دو سه سال قبل جمع زیادی از هنرمند‌ها در این حسینیه جمع بودند. به آنها گفتم کدام هنرمند است که از روحیه‌ی حماسی پُرشور ملت و جوان‌های خودش در مقابل

دشمنی که قصد داشت غیرت و عزت این ملت را زیر پاهای خودش لگدمال کند، و از زیبایی خارق‌العاده‌ی آن بتواند بگذرد و این را نبیند. اگر دیدیم هنرمندهای ما این را نمی‌بینند و به آن نمی‌پردازند، باید ببینیم عیب کار کجاست. یا در نگاه هنری، یا در عرضه‌ی درست، یا تأثیراتی که سیاستها و دشمنان در فضای فرهنگی کشور دارند می‌گذارند، مشکلی وجود دارد؛ و الاً چطور ممکن است یک ملت فراموش کند یا نبیند و نفهمد؟ لذا خاطره‌گویی شما و ثبت کردن این حوادث، نقش خیلی زیادی در این مسأله دارد.

اخیراً از آقای بهبودی و آقای سرهنگی مصاحبه‌یی می‌خواندم، که واقعاً هم همین‌طور است. این آقایان معتقدند که قضایای دوره‌ی دفاع مقدس را بایستی مستند کرد، تبیین کرد، مستدل کرد تا براساس اینها آثار هنری به‌وجود بیاید، که کاملاً درست است. اعتقاد من این است که ما هرچه برای دوره‌ی دفاع مقدس سرمایه‌گذاری و کار کنیم، زیاد نیست؛ چون ظرفیت هنری و ادبی کشور برای تبیین این دوره، خیلی گسترده، وسیع و عمیق است و از این ظرفیت تاکنون استفاده‌ی خوب و درخوری نشده. البته کتابهای خوبی نوشته شده، لیکن این رشته باید استمرار پیدا کند.

کسانی هم می‌خواهند بعمد این خورشید فروزان و این منبع نورانیت و درخشندگی را از خاطره‌ی ملت ببرند؛ چون هر کس که باید در این دوران بیفتد و آن را بشناسد و خصوصیات آن را لااقل تا حدودی درک کند، در خود احساس عزت و انگیزه و امید میکند. ملتی که میتواند حقیقتاً با دست خالی در مقابل آن تهاجم بین‌المللی آن‌گونه ایستادگی کند و با ابتکار، با تکیه‌ی به خود، با توسل به پروردگار و استعانت از خدای متعال، خودش را این‌طور از منجلابی که قدرتمندان دنیا برایش درست کردند، موفق و پیروز بیرون بکشد، خیلی درخور ستایش است. این ملت اگر این توانایی را در خودش ببیند و وجود این ظرفیت را در خودش احساس کند، در ادامه‌ی این راه و در حرکت عظیمی که در پیش دارد، هیچ مانعی نمیتواند جلوی او را بگیرد. این را میدانند؛ لذا نمی‌خواهند این خودآگاهی در مردم ما به‌وجود بیاید. ما بعکس، باید تلاش کنیم این خودآگاهی به‌وجود بیاید.

نسل جدید ما متأسفانه کم‌اطلاع است. باید کاری کرد که نسل جدید و نسلهای بعد، از

این ظرفیت، از این ذخیره‌ی عظیم و از این گنج تمام نشدنی استفاده‌ی روحی کنند؛ امید پیدا کنند و خودشان را بشناسند. این زن ماست، این مرد ماست، این جوانهای ما هستند که این‌طور در میدانهای نبرد توانستند ابتکار کنند.

اول جنگ، ما هیچ چیز نداشتیم. همه‌ی شما یا اغلبان در جنگ بودید؛ بنده هم از نزدیک شاهد بودم؛ واقعاً دست ما خالی بود؛ نه ارتش ما امکاناتی داشت، نه سپاه که آن روز اصلاً تشکل درستی نداشت؛ حتی تفنگ انفرادی در دست افراد نبود؛ وسایل ابتدایی یک جنگ حقیقی در اختیار نبود. در منطقه‌ی اهواز - که بنده آن جاها بودم - بعضی از یگانهای یک تیپ ما شاید حدود ده دستگاه تانک در اختیار داشتند؛ یعنی یکدهم آنچه باید داشته باشند. تانکهایشان از بین رفته بود، منهدم شده بود؛ در عین حال جوانهای ما ایستاده بودند و تلاش میکردند.

از زمان شروع جنگ تا الان - این بیست و چهار پنج سال - ما از زمین به آسمان رفته‌ایم. ما را تهدید میکنند به تحریم اقتصادی و محاصره‌ی اقتصادی! ما در همین دوره‌ی محاصره‌ی اقتصادی بوده که این همه امکانات را به دست آوردیم. در سخت‌ترین دوره‌های محاصره‌ی اقتصادی جوانهای ما توانستند سلاح‌هایی را بسازند که در همه‌ی دنیا آن سلاح‌ها را غیر از امریکاییها و یکی دو دولت عزیز کرده‌ی امریکا هیچ‌کس نداشت. همین موشک ضدتانک «تاو» را جوانهای ما در چه شرایطی ساختند؟ همه‌ی درها رویشان بسته بود، اما ساختند. همین پیشرفت‌های علمیی که امروز شما ملاحظه میکنید دارد بروز میکند، بنده از سالهای متمادی میگفتم جوانهای ما دارند کارهای بزرگی میکنند، که الان یکی پس از دیگری در بخش‌های مختلف دارد بروز میکند. البته موضوع انرژی هسته‌یاش به خاطر حساسیت دنیا روی آن، برجسته و شاخص شده؛ والا در ردیف این کار، کارهای دیگری که در بخش‌های گوناگون انجام گرفته، واقعاً اهمیتش کمتر از این کار نیست؛ منتها جنبه‌ی نظامی و دفاعی ندارد. اینها همه در شرایط محاصره‌ی اقتصادی بوده، در شرایط فشار سیاسی و اقتصادی بوده، در شرایط بدحسابی و سختگیری دولتهایی که حتی با ما رابطه‌ی اقتصادی هم داشتند، لیکن بدجنسی و ناخن‌خشکی و بدحسابی میکردند، بوده؛ ولی ما توانستیم. این، ظرفیت خیلی بزرگی برای یک ملت است که میتواند. این ظرفیت را جوانهای ما باید بشناسند.

شما میدانید در دوره‌ی پهلوی یکی از رایج‌ترین تبلیغات، «نمیتوانیم» بود. همه‌ی ما از بچگی این‌طور بار آمده بودیم که جنس ایرانی مساوی است با بد بودن، پست بودن و نامرغوب بودن؛ ایرانی مساوی است با ناتوانی در تولید جنس خوب در همه‌ی زمینه‌ها. اصلاً این فرهنگ را در ذهن ملت ما نهادینه کرده بودند. این در حالی است که این موضوع ۱۸۰ درجه با واقعیت فرق دارد. این ملت، ملتی است که از همه جهت میتواند؛ میتواند تولید کند، میتواند رشد بدهد، میتواند ابتکار کند، میتواند مرزهای علم و فناوری را بشکند و جلو برود.

البته ما هنوز از دنیا خیلی عقبیم؛ چون مدتهای مدیدی ما را عقب نگه داشته بودند - این را خودمان بروشنی میدانیم - ولی ما داریم با سرعت این فاصله را طی میکنیم تا به جلو برسیم. این، مظهر کاملش در جنگ است؛ هم از جهت روحیات انسانی، و هم از جهت استعداد گرایش معنوی، صفا و معنویت و لطافت، که این همه جا بود.

شما ببینید ارتش ایران را در چه شرایطی به وجود آوردند؛ چگونه تربیت کردند و با چه شرایطی اینها را رشد دادند. شرایط، کاملاً شرایط ضدمذهب بود. آن وقت همین ارتش، در نیروی هواییاش، در نیروی زمینیاش، در نیروی دریاییاش، یکسالونیم تا دو سال بعد از پیروزی انقلاب که جنگ شروع شد، کارهایی کرد و جلوه‌هایی نشان داد که حقیقتاً محیرالعقول است. جوانهایی که بمباران‌ها و حملات هوایی اول جنگ را با هواپیماهای خود به وجود آوردند، تربیت‌شده‌های ارتش سابق بودند؛ اما جوهر معنویت، خلوص و صفا در اینها بود.

من در منطقه‌ی اهواز غالباً نیمه‌های شب میرفتم از منطقه بازدید میکردم. این منظره را خودم دیدم؛ پشت خاکریز و پای تانک، افسری ایستاده بود و داشت نماز شب میخواند.

بچه‌های شهید چمران در ستاد جنگ‌های نامنظم جمع میشدند و هر شب عملیات میرفتند و بنده را هم گاهی با خودشان می‌بردند. یک شب دیدم افسری با من کار دارد؛ به‌نظم سرهنگ ۲ یا سرگرد بود. چون محل استقرار ما لشکر ۹۲ بود، لذا به اینها نزدیک بودیم. آن افسر پیش من آمد و گفت: من با شما یک کار خصوصی دارم. من فکر کردم مثلاً میخواهد درخواست مرخصی بدهد. یک‌خنده لجم گرفتم که حالا در این حیص و بیص چه وقت مرخصی رفتن است. اما دیدم با حالت گریه آمد و گفت:

شب‌ها که این بچه‌ها به عملیات می‌روند، اگر میشود، من را هم با خودشان ببرند!) بچه‌ها شب‌ها با مرحوم شهید چمران به قول خودشان به شکار تانک میرفتند و این سرهنگ آمده بود التماس میکرد که من را هم ببرید! چنین منظره‌ها و جلوه‌هایی را انسان مشاهده میکرد؛ این نشان‌دهنده‌ی آن ظرفیت معنوی است. بچه‌های بسیجی و بچه‌های سپاه و داوطلبان جبهه و آدم‌هایی از قبیل شهید چمران که جای خود دارند. این، یک بعد از ظرفیت این ملت عظیم است. ابعاد علمی و فنی و تحقیقاتی و ادبی و هنری و امثال اینها، ابعاد بسیار عجیب و شگفت‌آوری است که همه در جنگ بروز کرد و خودش را نشان داد.

جنگ حقیقتاً آینه‌ی تمام‌نمای ظرفیت‌های ملت ایران بود. با کاری که شما دارید انجام میدید، این را میتوانید ماندگار کنید؛ میتوانید به ذهن‌های مردم منعکس کنید؛ کار بسیار بزرگ و مهمی است.

من حقیقتاً از زحمات آقایان قدردانی میکنم و اصرار میکنم که حتماً این رشته و سلسله را ادامه دهید و دفتر ادبیات و هنر مقاومت کار خودش را با دلگرمی و جدیت بیشتر ان‌شاءالله ادامه دهد و دوستان هنرمندی هم که در این سالها آثاری را تولید کرده‌اند - که حقاً و انصافاً آثار باارزشی هم هست - کار خودشان را ادامه دهند.

بعضی دوستان انصافاً پیشرفت هم کرده‌اند. من وقتی قصه یا خاطره‌یی که امروز برخی از دوستان هنرمند مینویسند، با آثار هفده، هجده سال پیش آنها مقایسه میکنم، میبینم خیلی فاصله است؛ یعنی واقعاً پیشرفت کرده‌اند. امروز آثار هنرییی که اینها ارائه میکنند، بسیار باارزش است.

در مقوله‌ی شعر هم همین‌طور است. شعرهایی که آقای دکتر رفیعی خواندند، با آن دهن‌گرم و نفس‌گیرایی که داشتند، انصافاً شعرهای برجسته‌ی خیلی خوب مضمون‌دار خوش‌ساختی بود. ما این‌طور شعرها و آثار هنری را در بیست سال پیش نداشتیم؛ اینها بتدریج دارد بروز میکند.

بنده عقیده‌ام این است که اگر متولیان این کار را دنبال کنند، ما ان‌شاءالله آثار هنرییی خواهیم داشت که در قله‌ی هنر ایرانی قرار بگیرد. اگر ما در تاریخ خود مثلاً در یک نوع

شعر، فردوسی را داریم؛ در یک نوع شعر، حافظ یا سعدی را داریم؛ گمان میکنم اگر ما بتوانیم این رشته را دنبال کنیم، در زمینه شعر یقیناً قله‌ی جدیدی به وجود خواهیم آورد؛ در زمینه‌ی قصه و رمان و داستان کوتاه و بلند هم یقیناً قله‌هایی را به وجود خواهیم آورد - که البته ما در این زمینه هم از لحاظ تاریخی عقبیم - و همچنین در بقیه‌ی بخش‌های هنری صاحب قله خواهیم بود و دستاوردش هم برای ملت ما تمام‌نشده‌ی است.

امیدوارم ان‌شاءالله خداوند متعال به همه‌ی شما توفیق دهد. من دعاگوی شما هستم و خواهم بود. امیدوارم همه‌ی شما مشمول رحمت الهی و کمک الهی و هدایت و دستگیری الهی و مشمول تفضلات و دعای حضرت بقیةالله باشید.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

دیدار مسئولان و کارکنان بنیاد شهید
و امور ایثارگران با رهبر انقلاب

۱۳۸۴/۰۷/۰۷



رهبر معظم انقلاب تکریم ایثارگران و قدرشناسی از جانبازان، آزادگان و خانواده‌های معظم شهدا را وظیفه‌ای اخلاقی، دینی و عقلانی خواندند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ظهر امروز در دیدار مسئولان و کارکنان بنیاد شهید و امور ایثارگران افزودند: عظمت ایثار و جانبازی و آزادی و ضرورت رفتار متناسب با این عظمت در پرتو اخلاق و معنویت قابل درک است، اما اگر کسی حتی از زاویه‌ی محاسبه‌ی عقلانی هم به این موضوع بنگرد، خواهد فهمید که کشور همیشه نیازمند مجاهدان و ایثارگران است و به همین علت تکریم و تجلیل مجموعه‌ی ایثارگران و برخورد کاملاً احترام‌آمیز با این عزیزان، وظیفه‌ی عقلانی نیز محسوب می‌شود.

ایشان پاداش الهی و اخروی را اجر حقیقی شهیدان، جانبازان، آزادگان و خانواده‌های معظم شهدا دانستند و خاطرنشان کردند: با وجود این، بنیاد شهید و امور ایثارگران درباره‌ی حل مشکلات مجموعه‌ی ایثارگران، وظایفی دارد که باید به‌خوبی انجام شود.

در آغاز این دیدار آقای دهقان -رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران- گزارشی از همایش مدیران این بنیاد بیان کرد

بیانات در دیدار جانبازان و خانواده‌های ایشان

| ۱۳۸۴/۰۸/۰۴ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خیلی خوش آمدید خانواده‌های محترم و عزیز جانبازان! این یک دیدار نمادین است؛ ضمن این که بنده این فرصت را پیدا کردم که با تعدادی از جانبازان عزیزمان و همسران و پدران و مادران و فرزندان‌شان از نزدیک دیدار کنم، که این برای من توفیق بزرگی است و خدا را بر آن سپاس می‌گزارم.

علاوه بر این، هدف این است که ارادت به قشر جانباز و مجموعه‌ی جانبازان به عنوان یک علامت ثابت در نظام جمهوری اسلامی باقی بماند. جانبازان در حقیقت شهیدان زنده‌یی هستند که خدای متعال این فرصت را به آنها داده که سالهایی از عمر خودشان را همراه با مجاهدت و آزمایش دشوار بگذرانند. این برادر جانباز، همان برادر شهید ماست. در همان جبهه، در همان منطقه، در همان محوطه، در همان حادثه، مثلاً انفجاری رخ میدهد یا تهاجمی از طرف دشمن با گلوله و بمب انجام می‌گیرد؛ یکی از دو نفر در آن حادثه شهید میشود، یکی هم مجروح میشود؛ لیکن شهید نمیشود. اینها در واقع یک حکم دارند؛ هر دو با همین انگیزه و با همین نیت رفتند تا در راه خدا جهاد کنند. هر دو تا مرز خطر جانی پیش رفتند، هر دو هم در معرض یک آزمایش قرار گرفتند؛ حالا یکی شهید شد و از دنیا رفت و پرونده‌ی تلاش و کارش بسته شد - البته

پرونده‌ی اجر و ثواب بسته نمیشود؛ پرونده‌ی تلاش و فعالیت و مجاهدت بسته میشود - یکی هم زنده مانده و پرونده‌ی مجاهدت او باز است.

اگر جانبازی در دوران زندگی جانبازی حدود الهی را رعایت و تقوا و پاکدامنی را حفظ کند، آن چنان پاداشی دارد که خدای متعال از او تعبیر میکند به اجر عظیم؛ «لَلَّذین احسنوا منهم و اتقوا اجر عظیم». چیزی را که خدای خالق عظمت از آن به عنوان عظیم یاد کند، پیداست که اجر خیلی بالا و بزرگ است. هر کدام از رنجهای بعد از جانبازی برای شما یک حسنه است و ثبت میشود. رنج‌ها، محرومیت‌ها و مشکلات زندگی هر کدام اجری دارد. ما که در مقابل حوادث گاهی بیصبری میکنیم، به خاطر این است که نمیدانیم این حوادث در سرنوشت نهایی ما پیش خدای متعال چه تأثیری دارد. هر کدام از این سختیها مابازائی از اجر و ثواب الهی دارد.

در روایتی دارد که در روز قیامت وقتی پاداش سختیکشیده‌های دنیا را جلوی چشم همه‌ی خلائق به آنها میدهند و خلائق میبینند خدای متعال چه پاداش عظیمی را برای رنج‌کشیده‌ها قرار داده، اهل محشر و حتی خود اینها آرزو میکنند که ای کاش در دنیا گوشت بدنشان را با مقراض تکه‌تکه کرده بودند، برای این که این جا به این رنج‌ها میرسیدند. این مطلب را برای این به من و شما گفته‌اند که بفهمیم و لمس کنیم که هر کدام از رنج‌های شما در دنیا پیش خدای متعال مابازاء و اجری دارد. لذا قدر این حالت را بدانید و از خدای متعال سپاسگزار و شاکر باشید.

البته این، وظایف دیگران را در جنب شما کم نمیکند. مسؤولان، غیرمسؤولان، بنیاد ایثارگران، مسؤولان دولتی و بخش‌های مختلف، همه وظایفی در قبال شما دارند که آنها را باید انجام دهند. این که ما میگوییم شما پیش خدا اجر دارید، آنها احساس نکنند که بار از دوششان برداشته است؛ نه، ما در قبال جانبازان عزیزی که در مهمترین آزمایش این انقلاب رفتند و سلامت و جوانی خودشان را این‌طور در راه خدا دادند، وظایفی داریم.

نکته‌ی دوم مربوط به همسران محترم جانبازهاست که من لازم میدانم از آنها تشکر کنم. آنها در رنج‌های زندگی یک جانباز، داوطلبانه خودشان را شریک کردند و مشکلاتی را بر خود هموار کردند، که پیش خدای متعال اجر دارد. همسران جانبازان اجرشان خیلی

بالاست و حقیقتاً ما باید از آنها تشکر کنیم. البته آنها هم باید بدانند که این جانباز یک نعمت خداست در دست آنها و برای آنها؛ چون وسیله‌ی اجر و پاداش الهی و جلب رضایت خداست؛ و البته جلب رضایت خدا با تلاش و زحمت و جدیت به دست می‌آید؛ همه‌ی خیرات عالم این‌گونه است. هیچ کس با راحتی و تن‌پروری به چیزی نمی‌رسد. هر کس هر دستاوردی در هر مقوله‌یی از مقولات مادی و معنوی دارد، با رنج دارد. اگر کسی علمی به دست می‌آورد، ثروتی به دست می‌آورد، نام نیکی به دست می‌آورد، اینها با رنج به دست می‌آید؛ با راحتی و تن‌پروری به دست نمی‌آید. ملت‌ها پیروزی و عزتی که به دست می‌آورند، با رنج به دست می‌آورند. دستاوردهای اخروی هم عیناً همین‌طور است. ثواب الهی، رضای الهی و بهشت خداوند با رنج به دست می‌آید؛ بدون رنج به دست نمی‌آید. انسان باید تلاش و جد و جهد کند. یکی از این رنج‌ها و جد و جهدها هم همین است که همسران جانبازان نسبت به جانبازان متحمل میشوند.

نکته‌ی سوم درباره‌ی فرزندان جانبازان است. من، هم به فرزندان جانبازانی که این‌جا هستند، این را می‌گویم، هم به همه‌ی فرزندان جانبازان در سراسر کشور، و هم به خود پدر و مادرهای اینها؛ یعنی جانباز و همسرش. شما فرزندان جانباز افتخار کنید به این‌که فرزند کسی هستید که جوانی و سلامت خودش را برای آرمانهای بلند الهی و اسلامی فدا کرده؛ این افتخار دارد. نگذارید دنیاطلبان، پُرووعیزهای بی‌جهت در جامعه، و فرهنگ‌سازهای دست‌نشانده‌ی دشمنان دین و انقلاب فضا را طوری کنند که فرزند جانباز نتواند افتخار کند فرزند جانباز است. شما در موضع مهاجم قرار بگیرید. افتخار، متعلق به شماست.

این کشور یک روز در معرض سخت‌ترین و تلخ‌ترین تهاجم‌ها قرار گرفت. عده‌یی گریختند، عده‌یی حتی از میدان‌های سختی هم فرار کردند - چه برسد به میدان جنگ - اما عده‌یی رفتند سینه‌شان را سپر کردند، جلوی دشمن را گرفتند و نگذاشتند دشمنان بیابند آبرو و هستی و شرف و ناموس این ملت را لگدمال کنند. عده‌یی از اینها شهید شدند، یک عده هم جانباز شدند. پدر شما یکی از کسانی است که توانسته این شرف و افتخار بزرگ را به دست بیاورد. فرزندان جانبازان با این دید نگاه کنند، که نگاه درست هم همین است.

بیدردهایی هستند که «فاذا ذهب الخوف سلقوكم بالسنة حداد اشحة علی الخیر»؛ وقتی بلایی پیش بیاید، از ترس مثل موش توی سوراخ‌ها میخزند؛ اما وقتی بلا تمام میشود، اینها تازه شیر میشوند و سینه‌ها را سپر میکنند و از همه هم طلبگار میشوند! اما جانبازان ما، خانواده‌های شهدای ما، ایثارگران ما، بخش عظیمی از متن ملت ما، کسانی هستند که در دوران سختی سینه را در مقابل سختیها سپر کردند و به مصاف تلخیها و سختیها و دشواریها رفتند؛ مظهرش همین جانبازان هستند که امروز زنده‌اند و سند و مدرک جهاد بزرگ ملت ایران‌اند.

امیدواریم ان‌شاءالله خداوند شماها را موفق و مؤید بدارد و به ما هم توفیق دهد تا به آنچه وظایف ما در قبال شماست، بتوانیم عمل کنیم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در مراسم تشییع پیکرهای فرماندهان سپاه

| ۱۳۸۴/۱۰/۲۱ |



در کنار پیکرهای شهدا و پس از گفت‌وگو با خانواده‌های شهدا، در جمع فرماندهان ارشد نظامی، در مسجد دانشگاه تهران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جمع دیگری از بهترین‌ها هم رفتند و ما هنوز هستیم. دو هفته پیش شهید کاظمی آمد پیش من و گفت از شما دو درخواست دارم: یکی این که دعا کنید من روسفید بشوم، دوم این که دعا کنید من شهید بشوم. گفتم که شماها واقعاً حیف است بمیرید؛ شماها که این روزگارهای مهم را گذراندید، نباید بمیرید؛ شماها همه‌تان باید شهید شوید؛ ولیکن حالا زود است و هنوز کشور و نظام به شما احتیاج دارد. بعد گفتم آن روزی که خبر شهادت صیاد را به من دادند، من گفتم صیاد، شایسته‌ی شهادت بود؛ حقش بود؛ حیف بود صیاد بمیرد. وقتی این جمله را گفتم، چشم‌های شهید کاظمی پُر اشک شد، گفت: ان شاء الله خبر من را هم به‌تان بدهند!

فاصله‌ی بین مرگ و زندگی، فاصله‌ی بسیار کوتاهی است؛ یک لحظه است. ما سرگرم زندگی هستیم و غافلیم از حرکتی که همه به سمت لقاءالله دارند. همه خدا را ملاقات میکنند؛ هر کسی یک طور؛ بعضیها واقعاً روسفید خدا را ملاقات میکنند، که احمد کاظمی و این برادران حتماً از این قبیل بودند؛ اینها زحمت کشیده بودند.

ما باید سعیمان این باشد که روسفید خدا را ملاقات کنیم؛ چون از حالا تا یک لحظه‌ی دیگر، اصلاً نمیدانیم که ما از این مرز عبور خواهیم کرد یا نه؛ احتمال دارد همین یک ساعت دیگر یا یک روز دیگر نوبتِ به ما برسد که از این مرز عبور کنیم. از خدا بخواهیم که مرگ ما مرگی باشد که خود آن مرگ هم ان‌شاءالله مایه‌ی روسفیدی ما باشد.

ان‌شاءالله خدا شماها را حفظ کند.

بیانات در دیدار کاروان‌های راهیان نور در دهلاویه

| ۱۳۸۵/۰۱/۰۵ |



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم محمد و على اله الأطيبين الأطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين سيما بقية الله في الأرضين.

برای من مایه‌ی افتخار و سربلندی است که در این نقطه، در جمع شما راهیان نور و مجموعه‌ی عشاق دل‌باخته‌ی یاد شهیدان حضور داشته باشم. به همه‌ی برادران و خواهران عزیزی که در این منطقه سکونت دارند و همین‌طور به شما برادران و خواهران عزیزی که از نقاط مختلف کشور برای تکریم شهیدان به این نقطه آمده‌اید، سلام عرض می‌کنم.

اگر این شهیدان عزیز نمیبودند و چنانچه این مردم مؤمن در این منطقه، سد راه دشمن نمیشدند، سرنوشت ایران عزیز و اسلامی چیز دیگری میشد. امروز و فردا و فرداها این ملت و این کشور، مرهون فداکاری شهیدان عزیزی است که این منطقه‌ی عظیم را با جسم و جان خود محافظت کردند، استقلال کشور را حفظ کردند و عزت این ملت را حفظ کردند. من در این منطقه، مردمی را دیدم که عمر خود را در همین منطقه گذرانده بودند - برادران و خواهران عرب - و با شجاعت، با جانفشانی و وفاداری خود به اسلام و ایران عزیز، آن چنان ایستادگی‌ای کردند که همه‌ی محاسبات دشمن بعثی

و پشتیبانان خارجی او، غلط از آب درآمد. من در این منطقه، جوانان غیور این کشور را مشاهده کردم که از اکناف این کشور پهناور و بزرگ، از آغوش خانواده‌ها، از زندگی راحت در کنار پدر و مادر، دل بریده بودند تا به اینجا بیایند و از مرزهای شرف و عزت ایران اسلامی دفاع کنند. خوزستان، نقطه‌ای است که در آن توطئه‌ی دشمنان ناکام ماند؛ خوزستان منطقه‌ای است که در آن محاسبات دشمنان اسلام غلط از آب درآمد. طاعونِ عراق طور دیگری محاسبه کرده بود و پشتیبانان صدام - یعنی امریکا و دیگر عناصر اردوگاه استکبار جهانی - محاسبات دیگری کرده بودند. همت شما مردم، غیرت جوانان مسلمان از سراسر کشور و حمیت و ایمان مرد و زن این سرزمین، محاسبات آنها را از ریشه باطل کرد. جانمایی در اینجا قربان اهداف بلند اسلامی شدند؛ که این شهید عزیز ما - شهید چمران - یکی از نمونه‌های برجسته‌ی آن است. یاد شهدا گرامی باد! یاد سرداران شهید و مجاهدان راه خدا گرامی باد! یاد شهیدان خوزستان و جوانان مخلص عرب - از اهواز و سوسنگرد و شادگان و حمیدیه و هویزه و دیگر مناطق این استان و شهیدان آبادان و خرمشهر - گرامی باد! اینها این کشور را بیمه کردند.

یک پیام به استکبار جهانی: استکبار جهانی بداند که این ملت فولاد آبدیده است. زن و مرد این کشور و این مرز و بوم، جوان و پیر این میهن بزرگ اسلامی و نسلهای پیدرپی از این ملت بزرگ، که در کوره‌های حوادث آبدیده شده‌اند، برای خودشان یک رسالت قائلند؛ رسالت پاسداری از اسلام و پرچم برافراشته‌ی اسلام در این سرزمین؛ که امروز یکونیم میلیارد مسلمان در مناطق مختلف دنیا به این پرچم چشم دوخته‌اند؛ این عمق راهبردی ملت و انقلاب ما در کشورهای اسلامی منطقه است؛ در فلسطین است، در شمال آفریقا، در خاورمیانه است، در آسیای میانه است و در شبه قاره است؛ اینها عمق راهبردی ملت ایران است.

پیام دوم خطاب به مسئولین عزیز خودمان است؛ مسئولین کشور، قدر این ملت را بدانند؛ این پیوند میان ملت و مسئولین یک چیز ارزشمندی است. با همه‌ی وجود برای این مردم و همه‌ی مناطق کشور کار کنند؛ به خصوص منطقه‌ای مثل منطقه‌ی پراستعداد خوزستان؛ که هم از لحاظ طبیعی و هم از لحاظ نیروی انسانی، منطقه‌ی بسیار بااستعدادی است.

خدا را شکر میکنیم که این دولتی که اکنون سرکار است، دولت کار است؛ دولت کار، دولت خدمت. ملت هم همین را میخواهد؛ مردانی که آستینها را بالا بزنند و کمر خدمت به این مردم را ببندند. من در سال هفتادوپنج که به خوزستان آمدم، در تمام این منطقه‌ی وسیع حرکت کردم؛ خیلی جاها را خودم از نزدیک دیدم، خیلی جاها هم هیأت‌هایی فرستادیم، دیدند؛ اگر آن برنامه‌هایی که در نه سال قبل برای خوزستان طراحی شد، خوب اجرا میشد، حالا ما خیلی جلوتر بودیم. حالا هم دیر نشده است. باید برای خوزستان و همه‌ی استانهای کشور، تلاشهای مجدانه، دلسوزانه و مدبرانه انجام بگیرد.

و الان ارید ان احچی و ایاکم ایها الاخوة و الاخوات العرب! باللغة العربية الحبيبة. مرة اخرى يعاودني الشعور بالفخر و السعادة و ثور في نفسي ذكريات مهيّجة عزيزة و انا اجد نفسي في هذه المنطقة و بين الاعزة من اخواني و اخواتي العرب الكرام.

هنا بالذات و بينكم انتم ايها المواطنين العرب شاهدت بأمّ عيني خلال سنوات الدفاع المقدس عظمة جهادكم و جسامة تضحياتكم هنا في هذه الارض الطاهرة رأيت رجالاً و نساء مفعمين بالايمان و اليقظة و الشجاعة قد بلغوا من القوة في احباط مكائد العدو المهاجم و دسائسه بقدر قوتهم في التغلب على دباباته و مدافعه و اعوانه البعثيين السفلة. هنا بالذات عشت مع قلوب طافحة بالولاء لآل بيت رسول الله (صلى الله عليه واله وسلم) و بالوفاء للوطن الاسلامي قد صيروا من شباهم زبر الحديد و من رجالهم حصوناً منيعة للدفاع عن ثغور الوطن. لقد قضيت هنا اياماً و ليالى مع مواطنين مخلصين ودودين ذوى حمية دينية و شهامة حسينية و مفاخر عظيمة سطروها في جهادهم ضد الانكليز و عملائه المأجورين و على طريق الثورة الاسلامية و استقلال الوطن و كرامته. لقد استجدت في نفسي هذه الذكريات في اهواز قبل تسع سنين حين التقيت باخوة اعزة كرام قدموا من الحميدية و سوسنگرد و شادگان و هويّزة و سائر مناطق خوزستان. وانعكست في ما القاه الشعراء و الخطباء العرب من ابناء هذه المنطقة و بلغت اسماع جميع الشعوب العربية.

ان السرور ليغمرني ان ازور اليوم مرة اخرى جمعاً منكم ايها المواطنين العرب. و ان

اروی امامی و بعد مرور علی ما مضی، مستقبلاً زاهراً لهذه المنطقه الحساسة من وطننا الاسلامی. ایها الاخوة و الاخوات الاعزة! مما لا شك فيه ان هذه المحافظة بامكانياتها الهائلة و بهمة أهاليها و المسؤولين فيها قادرة ان تتحول الى نموذج لتطور البلاد. لو انّ ما وضعناه من خطط لهذه المحافظة في زيارتي السابقة قد نفذ بشكل كامل لكننا اليوم اقرب بكثير من الوضع الذي نتوخاه و نطلبه. ولكتي أعلم و كلي ثقة انّ هذه الحكومة الجديدة - التي هي حكومة العمل و الخدمة - قادرة بحول الله و قوته ان تقطع خطوات رحبة على هذا الطريق و ان تقربنا كثيراً ممّا نريده لأهلنا في خوزستان. و اغتنم الفرصة لأطلب من كل اهالي هذه المحافظة - عرباً و غير عرب - ان يساعدوا الحكومة في اعمار خوزستان و ايصالها الى الوضع المطلوب. ان الشعب الايراني - كما تعلمون - له اعداء؛ لا يريدون أن يحقق هذا البلد تقدماً يتناسب مع عظمتة و هؤلاء يعمدون الى الوان المؤامرات و من تلك، الاخلال بالأمن و الاستقرار ليصدّوا عمليات الاعمار و الازدهار و يدفعوا بالحكومة الى الانشغال في المشاكل اليومية. انّ مجاورة المحتلين الانكليز في محافظتي البصرة و العمارة في العراق؛ الذين جاهروا بعدائهم و خبثهم خلال قرنين تجاه الشعب الايراني يمهد لتأمر المعتدين. لكنّ حكومة ايران و شعبها و خاصة غياري خوزستان سيتغلبون على هذا التأمر، على جميع هذه التأمرات، و سيردّون كيد الاعداء الى نحورهم باذن الله تعالى.

نسأل الله سبحانه و تعالى ان يبعد عن الشعب العراقي المظلوم، شرّ المحتلين و ان يمنّ على الشعبين الايراني و العراقي بالرفعة و العزة و التقدم في ظلال راية الاسلام و حبّ رسول الله و آل بيته الكرام (صلوات الله عليهم اجمعين). امين يا ربّ العالمين.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته

درست در همين جا، در ميان شما شهروندان عرب بود كه طي سالهاي دفاع مقدس، با چشم خود عظمت جهاد و فداكاريهاي سترگ شما را مشاهده كردم. اينجا، در همين سرزمين پاك، مردان و زنان سرشار از ايمان و آگاهي و دلاوري را ديدم كه به همان گونه كه بر تانكها و توپها و مزدوران پست بعثي پيروز شدند، توانستند ترفندها و دسايس دشمن را نيز درهم شكسته و خنثي كنند.

در همين جا بود كه من دلهايي لبريز از عشق و وفا به خاندان پيامبر خدا

(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و سرشار از وفاداری به میهن اسلامی را میدیدم، که از جوانان خود پاره‌هایی آهن، و از مردانشان دژهایی تسخیرناپذیر برای دفاع از مرزهای میهن ساخته بودند. من در اینجا، روزها و شبهایی را با هم‌میهنانی پُراخلاص و محبت و دارای غیرت دینی و شهامت حسینی به سر بردم. آنان در جهاد خود علیه انگلیسیها و عمال مزدورشان، و در راه انقلاب اسلامی و استقلال و شرف و عزت میهن، افتخارات عظیمی را برای خود به ثبت رسانده‌اند.

نه سال پیش، وقتی در اهواز با برادران عزیز و ارجمندی که از حمیدیه، سوسنگرد، شادگان، هویزه و سایر مناطق خوزستان آمده بودند، دیدار کردم، همین خاطرات در ذهنم تازه شد و در سخنان شعرا و خطبای عرب این منطقه، که به گوش همه‌ی ملل عرب رسید، انعکاس یافت.

خوشحالم که امروز نیز، بار دیگر به دیدار جمعی از شما هم‌میهنان عرب می‌آیم و با مروری بر گذشته، آینده‌ی درخشان این منطقه‌ی حساس میهن اسلامی را در برابر خود می‌بینم.

خواهران و برادران گرامی! بدون شک این استان با امکانات عظیمی که دارد و با همت مردم و مسئولان آن، میتواند به الگویی برای تحول و پیشرفت کشور تبدیل شود. اگر برنامه‌ها و طرحهایی را که طی دیدار سابقم برای این استان ترسیم کرده بودیم، به طور کامل اجرا میشد، امروز به آن وضع مطلوب و مورد نظر خیلی نزدیکتر شده بودیم. ولی من میدانم و کاملاً یقین دارم که این دولت جدید - که دولت کار و خدمت است - به یاری خدا میتواند گامهای بلندی در این راه بردارد و ما را به آنچه برای هم‌میهنان خوزستانیمان در نظر داریم، خیلی نزدیکتر سازد. از این فرصت استفاده میکنم و از همه‌ی اهالی این استان - اعم از عرب و غیر عرب - میخواهم تا دولت را در امر عمران و سازندگی خوزستان و رساندن آن به وضع مطلوب باری دهند. چنانکه میدانید، ملت ایران دشمنانی دارد که نمیخواهند این کشور به پیشرفتی متناسب با عظمت خود نایل شود. آنها به توطئه‌های گوناگون - از جمله، اخلال در امنیت و ثبات کشور - دست میزنند تا جلو کارهای عمرانی و پیشرفت و شکوفایی را بگیرند و دولت را با مشکلات روزمره سرگرم کنند.

همسایگی با اشغالگران انگلیسی در استانهای بصره و عماره‌ی عراق، با توجه به اینکه طی دو قرن، دشمنی و خباثت خود را نسبت به ملت ایران نشان داده‌اند، زمینه را برای توطئه تجاوزگران فراهم میسازد. ولی دولت و ملت ایران - به ویژه مردم غیور خوزستان - بر همه‌ی این توطئه‌ها غلبه خواهند کرد و به یاری خدا، کید و مکر دشمنان را به خودشان باز خواهند گرداند.

از خداوند سبحانه و تعالی مسئلت داریم شرّ اشغالگران را از سر مردم عراق برطرف سازد و به دو ملت ایران و عراق - در سایه‌ی پرچم اسلام و عشق به پیامبر خدا و خاندان گرامیاش (صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین) - سربلندی و عزت و پیشرفت عطا فرماید. آمین
یا ربّ العالمین.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

دیدار اعضای شورای مرکزی ستاد بزرگداشت
شهید مطهری با رهبر انقلاب

| ۱۳۸۵/۰۲/۱۰ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای مرکزی ستاد بزرگداشت استاد شهید مرتضی مطهری از این شهید والامقام به عنوان فیلسوفی صاحب نظر و آشنا به فقه و عرفان یاد کردند و افزودند: شهید مطهری در میان فلاسفه‌ی معروف اسلامی، تنها فردی است که دیدگاه فلسفی او به مسائل اجتماعی و سیاسی و حتی مسائل زندگی تسری می‌یابد و باید این ویژگی منحصر به فرد استاد مطهری به طور صحیح معرفی شود.

ایشان تبیین دیدگاه و هویت فلسفی شهید مطهری را ضروری‌ترین وظیفه در مقطع کنونی ارزیابی و خاطر نشان کردند: لازمه‌ی این کار، استفاده از مجموعه‌ای از فضایی فلسفه‌دان، روشنفکر و آشنا با آثار ایشان است تا مکتب فلسفی شهید مطهری ارائه شود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با قدردانی از اقدام‌های انجام‌گرفته برای نشر آثار شهید مطهری و آشنا کردن قشرهای مختلف جامعه به‌ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان با این آثار افزودند: با ارائه‌ی مکتب فلسفی شهید مطهری به عنوان مبدأ دیدگاه فکری ایشان، امکان تحقیق درباره‌ی ابعاد مختلف آثار شهید مطهری بسیار دقیق‌تر امکان‌پذیر خواهد بود.

دیدار رئیس و مسئولان قوه قضاییه و
خانواده‌های شهدای هفتم تیر با رهبر انقلاب

| ۱۳۸۵/۰۴/۰۷ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح امروز در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضاییه و جمعی از خانواده‌های شهدای هفتم تیر، علت اصلی مخالفت نظام سلطه را با نظام جمهوری اسلامی ایران، استقلال‌خواهی و ایستادگی ملت ایران در مقابل فزون‌خواهی‌های سلطه‌طلبان دانستند و تأکید کردند: توطئه‌ی به شهادت رساندن آیت‌الله بهشتی و جمعی از مسئولان و فعالان سیاسی نظام در سال ۱۳۶۰ و انواع فشارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی از بیست‌وهفت سال گذشته تا به امروز با هدف ضربه‌زدن به پایه‌های نظام اسلامی بوده است. بنابراین در چنین شرایط حساسی همه‌ی آحاد مردم و همچنین مسئولان در قوای سه‌گانه باید بسیار هوشیارانه و عاقلانه در جهت استحکام بیش از پیش پایه‌های نظام حرکت کنند و ضمن حفظ وحدت و همدلی، با احساس مسئولیت در صحنه‌ی کار و تلاش حاضر باشند.

ایشان با اشاره به موقعیت راهبردی سیاسی و اقتصادی ایران در منطقه‌ی حساس خاور میانه و به چالش کشیده شدن نظام سلطه‌ی جهانی به وسیله‌ی نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران افزودند: جمهوری اسلامی ایران تنها کشور جهان است که مسئولان، ملت و نخبگان آن به صورت منسجم و با همه‌ی وجود در مقابل زورگویی نظام سلطه ایستاده است. بنابراین اختلاف قدرت‌های سلطه‌طلب با نظام اسلامی، اختلافی معمولی نیست.

رهبر انقلاب اسلامی پشتوانه‌ی نظام اسلامی را هفتاد میلیون جمعیت کشور و احساسات دوستانه‌ی دنیای اسلام دانستند و با تأکید بر این‌که بسیاری از کشورهای دنیا هیچ‌گونه خصومتی با نظام جمهوری اسلامی ندارند و بیشتر آن‌ها به صورت آشکار یا پنهان، مواضع مستقل و ایستادگی ملت ایران را تحسین می‌کنند، خاطر نشان کردند: بیشترین دشمنی با نظام اسلامی از جانب کشورهایی است که انگیزه‌های سلطه‌طلبی بیشتری دارند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مسئولیت ملت و مسئولان را در چنین شرایطی، تاریخی و سرنوشت‌ساز دانستند و تصریح کردند: برهه‌ی کنونی حیات ملت ایران شاید در طول صدها سال برای ملت‌ها و کشورهای دیگر پیش نیاید؛ ضمن آن‌که عملکرد صحیح و هوشیارانه‌ی مردم و مسئولان در این برهه برای صدها سال آینده تأثیرگذار خواهد بود. ایشان وضع کنونی ایران و نظام اسلامی را بسیار بهتر از بیست‌وهفت سال گذشته ارزیابی و تأکید کردند: با وجود تلاش‌های انجام‌گرفته، ظرفیت‌های کار فراوان است و باید با تلاش مضاعف از نقاط ضعف کاسته و بر نقاط مثبت افزوده شود و ملت و مسئولان ایران ثابت کرده‌اند که توانایی انجام این کار را دارند.

رهبر انقلاب اسلامی در بخش دیگری از سخنان خود، شهید آیت‌الله بهشتی را معمار حقیقی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی دانستند و افزودند: قوه‌ی قضاییه باید مرجعی اطمینان‌بخش برای آحاد مردم و نقطه‌ی امید و جلوه‌گاه عدالت برای مظلومان باشد.

ایشان با تأکید بر این‌که باید همواره به دستگاه قضایی در میان مردم به عنوان یک حکم عادل، منصف، تیزبین و هوشیار، نگریسته شود، خاطر نشان کردند: مهم‌ترین مسئولیت قوه‌ی قضائیه مبارزه با جرم و تخلف و اجرای قاطعانه‌ی عدالت است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر این‌که دستگاه قضایی به‌تنهایی نمی‌تواند همه‌ی امور کشور را اصلاح کند، افزودند: اگر دستگاه قضایی وظیفه‌ی خود را به صورت کامل و صحیح انجام دهد، دیگر دستگاه‌ها نیز مجبور به حرکت به سمت صلاح و مبارزه با عوامل فساد خواهند شد.

ایشان همچنین لزوم برخورد قاطعانه با تخلفات در قوه‌ی قضاییه و حتی حساس بودن

به شبهه‌ی تخلف را یادآور شدند.

در این دیدار، آیت‌الله هاشمی شاهرودی -رئیس قوه‌ی قضاییه- ضمن گرامیداشت یاد و خاطره‌ی شهیدای هفتم تیر و به‌ویژه شهید آیت‌الله بهشتی، گزارشی از اقدامات انجام‌گرفته در دستگاه قضایی ارائه کرد و با اشاره به قانون اصلاح تشکیلات قضایی، قانون مجازات‌های جایگزین و تدوین حقوق شهروندی گفت: در سال‌های اخیر با وجود افزایش پرونده‌های ورودی به محاکم قضایی، زمان رسیدگی به این پرونده‌ها در دادگستری‌ها و شوراهای حل اختلاف کاهش یافته است.

رئیس قوه‌ی قضاییه با اشاره به دستگاه‌های نظارتی متعدد در دستگاه قضایی و افزایش کیفیت نظارت برای فعال و کارآمد کردن بخش‌های مختلف افزود: در خصوص مبارزه با مفاسد اقتصادی و زمین‌خواری، هماهنگی خوبی میان سه قوه وجود دارد و تاکنون مبالغ هنگفتی به بیت‌المال بازگردانده شده است.

وی همچنین لزوم اصلاح برخی قوانین و مقررات و تغییر برخی ساختارها و سیاست‌های اقتصادی را برای کاهش دعاوی و نزاع‌ها، ضروری دانست.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم و خانواده شهدا و
علمای اهل تسنن کشور در سالروز میلاد امیرالمؤمنین (ع)

| ۱۳۸۵/۰۵/۱۷ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

میلاد مسعود امیر مؤمنان و امام پرهیزگاران و ستاره‌ی درخشان آسمان عدل و انصاف و انسانیت، علی‌ابن ابی‌طالب (علیه‌الصلاة والسلام)، را به همه‌ی امت اسلامی و به ملت عزیز ایران و بخصوص به شما حضار محترم، که از نقاط مختلف تحمل زحمت کردید و این جلسه‌ی شیرین و باشکوه را تشکیل دادید، تبریک عرض میکنم.

محبت به امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) و ارادت به این مرد بزرگ تاریخ بشریت و تاریخ اسلام، نه مخصوص شیعیان است، نه حتی مخصوص به قاطبه‌ی مسلمانان؛ بلکه این چیزی است که آزادگان عالم در آن با مسلمانان شریکند. شما میبینید که شخصیت‌هایی که مسلمان هم نیستند، درباره‌ی این چهره‌ی درخشان و خورشید تابناک اظهار ارادت میکنند، کتاب مینویسند، شعر میگویند. خیلی خطاست اگر امیرالمؤمنین علی‌ابن ابی‌طالب در بین مسلمانان یک وسیله‌ی اختلاف قرار بگیرد. آن بزرگوار شخصیتی است که همه‌ی مسلمانان و همه‌ی فرق اسلامی نسبت به او با همه‌ی وجود و با دل و جان، ارادت و محبت میورزند. این علاقه و محبت از برجستگیها و صفات و خصال ناشی میشود که هر انسان منصفی در مقابل این خصال، خاضع است؛ قدر جامع و قدر مشترک، این است.

ایمان مخلصانه، جهاد فداکارانه، ذوب شدن در امر ونهی الهی، اطاعت و عبودیت مطلق در مقابل خداوند، بیاعتنایی به زخارف دنیوی و جهات مادی، رحم و انصاف و عدالت نسبت به عموم مردم، نگاه عطوفت‌آمیز به مظلومان، به ضعیفان، به مستضعفان، ایستادگی و قاطعیت در مقابل دشمنان دین، رفتن به دنبال وظیفه در همه‌ی شرائط و با هر گونه سختی و دشواری؛ اینها کلمات حکمت‌آمیزی است که بشر دیروز و امروز و فردا به این کلمات نیازمند است. نهج‌البلاغه‌ی امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) درس همیشه‌ی بشریت است. این شخصیت ظاهری امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) است که چشم کوتاه‌بین ما میتواند آن را ببیند و حس کند و زیباییهای آن را ادراک کند. ابعاد معنوی و قدسی و ملکوتی، مخصوص قدیسین و مخصوص صدیقین است، که آنها میبینند؛ و چشمهای ما توانایی ندارد که مانند اولیاءالله و بندگان مقرب الهی آنها را درک کنند. امروز سالگرد ولادت یک چنین شخصیتی است و البته عید است.

طلوع هر ستاره‌یی در آسمان تاریخ بشر برای انسانها یک عید است. ولادت هر یک از برجستگان بشریت، از اولین و آخرین، آن کسانی که راه سعادت را در مقابل مردم باز کردند و در این راه تلاش کردند، یک عید جداگانه برای انسانهاست. این عید برای مسلمین همیشگی است.

ما امروز بعد از گذشت قرنهای متمادی، با این عید، با این پدیده، چگونه باید برخورد کنیم؟ اسم علی را بردن، که کافی نیست؛ خود را منتسب به او دانستن، که کفایت نمیکند؛ ما که شخصیت‌های بزرگ تاریخ و پیشوایان دینی و انبیاء و اولیاء را فقط به عنوان یادگارهای تاریخی نمیشناسیم؛ اینها درسند؛ اینها الگویند؛ اینها دستگیر و راهنمای قدم به قدم زندگیانند. ما چه درسی از اینها میگیریم؟ این، مهم است. امروز امت اسلامی از امیرالمؤمنین و از وجود مکرم نبی اعظم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و از دیگر بزرگان راه روشن الهی چه درسی را باید بگیرد؟ کدام سرمشق را در زندگی باید عمل کند؟ این، مهم است. با این نگاه، به امیرالمؤمنین باید نگاه کرد.

آنچه مسلم است، این است که اینها مظهر تلاش در راه خدا و دین او بودند. «اشهد أنّک جاهدت فی الله حقّ جهاده و عملت بکتابه و اتّبعت سنن نبیه صلی الله علیه و آله»؛ شهادت میدهم که او جهاد در راه خدا را به صورت شایسته انجام داد. این، چیزی

است که ما در زیارت امیرالمؤمنین و بقیه‌ی ائمه (علیهم‌السلام) میخوانیم. این جهاد همیشه بر دوش ما هست. جهاد علمی، جهاد عملی، جهاد در دوران جنگ، جهاد در دوران صلح، جهاد با نفس، جهاد با دشمن بیرونی، جهاد با مال، جهاد با جان، جهاد با زبان؛ اینها درس است. کاری که میکنید برای اعتلاء دین یا اعتلاء امت اسلامی، جهاد است؛ درسی که میخوانید برای رسیدن به ارتقاء عمومی ملت اسلامی و امت اسلامی، جهاد است؛ تلاشی که میکنید برای ایجاد همدلی و محبت بین آحاد امت اسلامی و یکپارچگی آنها، جهاد است؛ وقتی با تمایلات اغواگرانه‌ی شیطانی در درون خودتان مبارزه میکنید، جهاد است؛ هنگامی که دشمنان خدا و دین و قرآن را در دل یا در زبان و یا در عمل خود دشمن میدانید، جهاد فی سبیل‌الله است؛ اینها درس امیرالمؤمنین و درس اولیاء دین است - جهاد، فقط مخصوص میدان جنگ نیست - و امت اسلامی به خاطر فراموش کردن مجاهدت در راه خدا به وضعیت اسفبار امروز رسیده است.

امت اسلامی پیشرو علم و مدنیت و اخلاق و گسترش نشانه‌های انسانیت در دورانه‌های طولانی در تاریخ بود. امروز امت اسلامی دچار تفرقه است، دچار ضعف است، دچار عقب‌ماندگی است؛ کفار و دشمنان دین در سیاست و در امور زندگی او دخالت میکنند؛ به او ظلم میکنند و او نمیتواند از خودش دفاع کند. این، ضعف و انحطاط دنیای اسلام بر اثر فراموش کردن مجاهدت در راه خداست. نمیگوییم چرا شمشیر دست نگرفته‌اید و وقت و بیوقت با دشمن نجنگیده‌اید - جنگ هم یکی از انواع جهاد است - میگوییم ما چرا از شناسایی دشمن غافل شده‌ایم؟ از نقشه‌های دشمن غافل شده‌ایم؟ از کید دشمن غافل شده‌ایم؟ چرا فریب دشمن را خورده‌ایم؟

امروز روز سیزدهم رجب و روز عید است؛ اما دل ما در حقیقت عید ندارد؛ چون پیکر امت اسلامی خون‌آلود است. به لبنان نگاه کنید و ببینید چه خبر است؛ به فلسطین نگاه کنید و ببینید در فلسطین چه میگذرد؛ به عراق نگاه کنید؛ به افغانستان نگاه کنید؛ امت اسلامی نمیتواند دلخوش باشد. این، ضعفهای ماست.

در همین روزها، دو پدیده‌ی تلخ در امت اسلامی ظاهر شد، که هر کدام از این دو، جا دارد که مسلمان را به فکر فرو ببرد؛ امت اسلامی بایستی خود را ملامت کند؛ و توبه کند. یکی از دو پدیده، همین فجایی است که در لبنان و در فلسطین پدیدری انجام

میدهند. الان نزدیک یک ماه است که گرگِ درنده‌ی وحشیِ آدمیخوار صهیونیست به جان مردم لبنان افتاده است؛ از «حزب‌الله»، مجاهدِ فی سبیل‌الله، تودهنی میخورد؛ ولی بر روی سر کودک مسلمان در «قانا» و در بقیه‌ی نقاط لبنان بمب میریزد؛ با رزمندگان مجاهد فی سبیل‌الله نمیتواند مقابله کند؛ شکست میخورد؛ تلافیاش را سر مردم بیگناه، انسانهای مظلوم، کودکان، خانه‌های مردم، زیربناهای کشور، در می‌آورد. این، یک مصیبت بزرگ است. مثل همین، در «غزه» و در بقیه‌ی مناطق فلسطینشین در جریان است. این، آن چیزی است که باید همه‌ی مسلمانها را هشیار کند و به خود بیاورد. دنیای استکبار و کفر هم نه فقط ساکتند، بلکه رفتاری و گفتاری از آنها سر میزند که متجاوز و ظالم را تشویق میکند؛ امریکا یکجور، انگلیس خبیث یکجور، برخی از قدرتهای دیگر، هر کدام به یک نحوی؛ سازمان ملل هم با ناتوانی و بی‌عرضگی کامل ایستاده است و تماشا میکند! آن وقت ادعای حقوق بشر و ادعای مدنیت و ادعای مبارزه‌ی با تروریسم هم میکنند این منافقین دوروی سپاهدل، و خجالت هم نمیکشند. این، یکی از آن چیزهای عبرت‌انگیز است.

این قضیه‌ی که برای لبنان و به طور خاص برای شیعیان آن پیش آورده‌اند، برای همه‌ی ملتها و کشورها و فرق اسلامی ممکن است پیش بیاید؛ نمیشود به قدرتها چشم دوخت. امت اسلامی باید بتواند از خودش دفاع کند؛ باید بتواند موجودیت خود را حفظ کند.

بارها دیده شده است، امروز هم مکرراً دیده میشود، که قدرتهای مستکبر عالم، آن وقتی که پای مسلمانها در میان است، چشم بر روی هر جنایتی که علیه مسلمانها انجام شود، میبندند. این مسأله در بوسنی دیده شد، در کوزوو هم دیده شد، در افغانستان هم دیده شد، در عراق هم دیده شد، امروز هم نوبت لبنان است. فلسطین هم سالهاست که در همین وضعیت است. برای آنها شیعه و سُنی و عرب و عجم تفاوت نمیکند؛ هر جا زورشان برسد، هر جا مانعی در مقابل خود نبینند، هر جا مشتی به دهان آنها نخورد، جلو می‌آیند. امت اسلامی و ملتهای اسلامی باید این را درک کنند و بفهمند؛ باید خود را قوی کنند. این، یک پدیده از دو پدیده است، که حقیقتاً عبرت‌انگیز است و ذهن مسلمان نمیتواند از آن غافل بماند و به آن مشغول نباشد.

پدیده دوم که از این هم بدتر است، تفرقه دولتهای اسلامی است. شما ببینید قریب یک

ماه است که دشمنان اسلام این‌طور جنایتکارانه به یک جمع مسلمان حمله میکنند - یک جنگ معمولی هم نیست؛ جنگی است سرشار و لبریز از جنایتهای جنگی، کشتار مردم بیدفاع، استفاده‌ی از سلاحهای ممنوع و غیرقانونی - اما دولتهای اسلامی، بخصوص برخی از دولتهای عرب، دست روی دست گذاشته‌اند، دارند نگاه میکنند! این اشتباه، بسیار خسارتبار است. این دولتها ملاحظه‌ی امریکا و ملاحظه‌ی قدرتهای استکباری را میکنند؛ اما آنها در هنگام خود، ملاحظه‌ی اینها را نخواهند کرد. دشمن هم البته فعال است و مسأله‌ی شیعه و سنی یکی از ابزارهای مهم دشمنان برای زمینگیر کردن امت اسلامی است. هم سنیها بدانند، هم شیعه‌ها بدانند؛ همه، در ایران و در دنیای اسلام، این را بدانند که اختلاف شیعه و سنی یکی از ابزارها و چماقهای دشمن علیه امت اسلامی است. آنها هر جور بتوانند، از این ابزار استفاده میکنند. آن روزی که سنی فلسطینی زیر فشار است، یک عده‌ای را با این شعار، با این تبلیغات، که: اینها سنی هستند، شما شیعه هستید؛ سعی میکنند نگذارند کمک کنند. امروز که شیعه‌ی لبنان زیر فشار است، به یک عده‌ای میگویند: شما سنی هستید، اینها شیعه هستند؛ به آنها کمک نکنید. آنها نه به شیعه احترامی میگذارند، نه به سنی؛ آنها با اصل اسلام طرفند.

سم مهلک دنیای اسلام تفرقه است. این تفرقه، ملتها را از هم جدا میکند؛ دلها را از هم جدا میکند. الان دشمن، و همین سرویسهای جاسوسی اسرائیل و امریکا، در عراق یک عده‌ای را تحریک میکنند که با شیعیانی که در عراق اکثریت را دارند - حالا امروز اکثریت دولت متعلق به آنهاست - مقابله و مبارزه کنند؛ نامنی ایجاد کنند؛ و این نامنی را وسیله‌ای قرار میدهند برای این که پای خودشان را در عراق و در بغداد مستحکم کنند. امریکا برای ماندن در عراق بهانه لازم دارد و این بهانه، نامنی است. آنها برای این که دولت عراق نتواند به خدمات لازم بپردازد، این اوضاع ناامن را در کشور به وجود می‌آورند، تا بهانه داشته باشند که بمانند. اختلافات را آنها به وجود می‌آورند: دل سنی را نسبت به شیعه، دل شیعه را نسبت به سنی آن‌چنان چرکین میکنند که نتوانند با این همه مشترکات، کنار هم قرار بگیرند. این، کار دشمن است. چرا ما این حقیقت را نمیفهمیم؟ سالهای متمادی است - از زمان مرحوم آیت‌الله بروجردی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) و بعضی از بزرگان علمای اهل سنت در مصر - که این فکر پیدا شده که بیایید اختلافات را کنار بگذارید؛ سنی، سنی بماند؛ شیعه، شیعه بماند؛ عقاید

خودتان را داشته باشید؛ اما با هم، دست در دست هم بگذارید. قرآن از زبان پیامبر اکرم به مسیحیان آن زمان میگوید: «تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرک به شیئا». آن وقت فرقه‌های مسلمان، با خدای واحد، پیغمبر واحد، قرآن واحد، قبله‌ی واحد، عبادت واحد، این همه مشترکات و مسلمات، چند موضوع مورد اختلاف را وسیله قرار بدهند برای دشمنی! این، خیانت نیست؟ این، غرض‌ورزی غرض‌ورزان و غفلتِ غافلان نیست؟ هر کسی که در این زمینه تقصیری بکند، پیش خدای متعال مؤاخذ است؛ چه شیعه باشد، چه سنی.

امروز دفاع از حزب‌الله لبنان، بر همه‌ی جامعه اسلامی واجب است. ما با بصیرت مسأله را نگاه میکنیم و برای ما روشن است که استکبار چه کار میکند. ما در قضیه‌ی فلسطین هم به همان استحکامی ایستاده‌ایم، که در قضیه‌ی لبنان یا در قضیه‌ی عراق یا در قضیه‌ی افغانستان. ما میبینیم که استکبار امریکایی با همراهی بعضی از دولتهای خبیث اروپایی - مثل انگلیس که جزو سیاه‌چهره‌ترین دولتها و بدنام‌ترین آنها در این منطقه است - و با همکاری صهیونیستهای ظالم و سفاک، تصمیم دارند ریشه‌ی اسلام را از این منطقه براندازند؛ چون میبینند که اسلام در مقابل مطامع آنها ایستاده است. با تشکیل نظام جمهوری اسلامی و با بلند شدن پرچم اسلام در این منطقه، فهمیدند که اسلام زنده است. امروز احساسات اسلامی و تمایل برای مجاهدت در راه اسلام در همه‌ی کشورهای اسلامی و در تمام این سرزمین بزرگ و پهناور و حساس - از ساحل اقیانوس اطلس تا ساحل اقیانوس آرام - زنده است. مردم شمال آفریقا، مردم خاورمیانه، مردم آسیا، مردم شرق آسیا، تا هر جا مسلمانها هستند، میل به احیاء هویت اسلامی و عزت اسلامی در آنها زنده است؛ نمیتوانند این را از بین ببرند؛ ولی تلاش میکنند. ما باید بیدار باشیم؛ ما باید هشیار باشیم. یک نمونه‌ی از ایستادگی اسلامی و مجاهدت اسلامی را شما امروز در لبنان مشاهده میکنید. این همان ارتش بیرحم جرار صهیونیستی است که یک روزی به عنوان ارتش شکست‌ناپذیر معروف بود و در ظرف شش روز، ارتشهای سه کشور اسلامی را شکست داد؛ اما امروز یک ماه است که با همه‌ی توان و با استفاده از تسلیحات امریکایی و کمک نظامی امریکا، خود را میکشد و مرتب از یک گروه مؤمن مجاهد «لا تأخذ فی الله لومة لائم»، تودهنی میخورد. این، نشان‌دهنده این است که امت اسلامی اگر دل به خدا بسپارد، میتواند دشمنان اسلامی را متوقف کند.

پروردگارا! شر دشمنان اسلام را از سر امت اسلامی کوتاه کن. پروردگارا! ما را با وظائف خودمان در مقابله‌ی با دشمنان اسلام آشنا کن. پروردگارا! وظیفه‌ی مجاهدت در راه خدا - آن‌چنان که شایسته است - و توفیق آن را به همه‌ی ما عنایت بفرما. پروردگارا! دل‌های مسلمانان را به هم نزدیک کن؛ دست‌های آنها را در هم گره کن. پروردگارا! مردم مظلوم لبنان را از شر لشکر قسیالقلب و بیرحم و سنگدل دشمن نجات بده. پروردگارا! رزمندگان مجاهد «حزب‌الله» را در کنف حمایت خودت حفظ کن؛ آنها را منصور و مؤید بفرما. پروردگارا! عزت دنیای اسلام را روزبه‌روز بیشتر کن؛ ما را مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیة‌الله (ارواح‌نافداه) قرار بده؛ تعجیل در ظهور آن حضرت بفرما.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

بیانات در دیدار جمعی از رزمندگان و فرماندهان دفاع مقدس

۱۳۸۵/۰۷/۲۹



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جلسه‌ی بسیار شیرین و اثرگذار و پُراهمیتی است. کلمه کلمه‌ی این خاطرات برای تاریخ ما و سرگذشت پُرفراز و نشیبِ این ملت بزرگ، جزو جذابترین بخشها به حساب می‌آید. خیلی استفاده کردیم؛ خیلی لذت بردیم. از همه‌ی عزیزانی که خاطرات خودشان را بیان کردند و همچنین از کسانی که این مراسم و جلسه‌ی امروز را تدارک دیدند و مدیریت کردند، و از همه‌ی شما عزیزانی که یادگاران پُرشکوهترین روزهای تاریخ اخیرِ این کشورید و در اینجا حضور دارید، صمیمانه تشکر میکنیم.

دو مقوله را از هم جدا کنید؛ هر کدام از اینها حرف و گفت فراوانی می‌طلبد. یک مقوله، مقوله‌ی مربوط به مسئله‌ی دفاع مقدس است؛ این دفاع مقدس و دوران هشت‌ساله، مثل جنگهای معمولی و بقیه‌ی جنگهای دنیا نیست؛ بلکه خصوصیاتِ دارد.

این، یکی از آن دو مقوله است که باید درباره‌اش بحث بشود؛ نه اینجا و به وسیله‌ی من، بلکه در فضای کلی جامعه باید مورد مذاقه و تأمل قرار بگیرد. یکی هم یک مقوله‌ی فرعی نسبت به این مقوله است که آن هم به نوبه‌ی خود، خیلی مهم است و آن، خاطرات جنگ، تاریخ جنگ و ادبیات جنگ و هنری است که در شعبه‌ها و شاخه‌های مختلف، مصروف این ادبیات خواهد شد. هر کدام از این دو مقوله مهم است.

در مورد قضیه‌ی اصل جنگ: اولاً این جنگ، یک جنگ دفاعی بود. جنگ دفاعی با جنگ تهاجمی دو فرق عمده در معنا و مضمون دارد؛ یک فرق این است که جنگ تهاجمی، حاکی از خوی تجاوزطلبی است؛ اما جنگ دفاعی این‌طور نیست. دوم اینکه جنگ تدافعی و دفاعی، محل بروز غیرت و تعصب و وفاداری عمیق انسانها به آرمانهایی است که به آنها پایبند است؛ حالا یا این آرمانها وطن است یا بالاتر از آن؛ یعنی دین و عقیده و اسلام. در جنگ تهاجمی، این مطرح نیست. فرض کنید امریکا که به عراق حمله میکند، سرباز امریکایی نمیتواند ادعا کند که این کار را دارد برای عشق به وطن خود میکند؛ عراق به وطن او چه ربطی دارد؟! در خدمت اهداف دیگری است. اما اگر عراقی در داخل کشور خود، در مقابل این حمله و این هجوم نظامی و حضور نظامی ایستادگی کرد، معنای این ایستادگی، دفاع از وطن، دفاع از هویت ملی و دفاع از ارزشهایی است که این به آن پایبند است. جنگ دفاعی و جنگ هجومی، این دو تفاوت را دارد.

جنگ ما، جنگ دفاعی بود. ملت ایران نشان نداد که مایل به تجاوز و تعرض است؛ و ملت ایران نشان داد آنجایی که پای دفاع از هویت ملی و آرمانهای عزیزتر از هویت ملی در میان است، ایستادگی او، ایستادگی درس‌آموز است؛ ایستادگی معمولی نیست، ایستادگی است که میتواند برای ملت‌های دیگر، به عنوان الگو و سرمشق به حساب بیاید؛ کما اینکه به حساب آمد؛ هم فلسطینیها به ما گفتند که ما از شما یاد گرفتیم؛ هم لبنانیها در طول این سالها مکرر به ما گفتند که ما از شما یاد گرفتیم؛ هم ملت‌هایی که نامسلمان بودند و مسلمان شدند یا مسلمان بودند و پیرو مکتب اهل بیت شدند، مکرر در مکرر از جاهای مختلف گفته‌اند که ما از جنگ شما، از دفاع شما و از ایستادگی شما، به صدق شما پی بردیم. حقیقتاً دوران دفاع مقدس، چنین دورانی بود و دفاع مقدس، حامل یک چنین مضمونی بود. حالا این بخشی از مقوله‌ی نگرش در دفاع مقدس و مضامین آن است.

یک بخش دیگر این است که در دفاع مقدس، حادثه‌ای که اتفاق افتاد، چه بود؟ یک وقت بین دو کشور - حالا همسایه یا غیرهمسایه - جنگی اتفاق میافتد، این یک‌طور است؛ یک وقت هم یک اتحاد نانوشته و اعلام‌نشده و بعضاً اعلام‌شده از سوی همه‌ی قدرتهای بین‌المللی - قدرتهای حاضر در جهان - علیه یک نقطه و یک کانون و یک

مرکز است؛ این دو با هم فرق دارند. این جنگ، با آن جنگ تفاوت دارد. جنگ ما، از نوع دوم بود؛ یعنی همه‌ی کانونهای قدرت بین‌المللی - قدرت نظامی و سیاسی و پولی و امنیتی و غیره - متفق‌القول و متحدالعمل بر سر ایران ریختند؛ جنگ احزاب به معنای واقعی کلمه؛ یعنی همه‌ی احزاب قدرت دنیا و باندها و مجموعه‌های قدرت، بر سر ایران ریختند. چرا؟ آن یک تحلیل سیاسی دارد؛ به هر دلیل. یعنی شوروی و آمریکا با همه‌ی اختلافاتشان، در این قضیه هماهنگی داشتند. همین سنگرها و پنج‌ضلعیهایی که آقایان اشاره کردند، تاکتیکهای شوروی بود که به عراقیها منتقل شده بود. شماها که دستتان توی کار جنگ بوده، اینها را میدانید و مطلعید. هواپیمای غربی و شرقی، موشک غربی و شرقی، توپخانه‌ی غربی و شرقی، تانگ پیشرفته‌ی غربی و شرقی و انواع مهماتهای غربی و شرقی، به وسیله‌ی رژیم بعثی عراق، علیه ما به کار رفت؛ یعنی همه به آن کمک میکردند.

بعد از اینکه جنگ تمام شده بود - به نظر من آخر سال ۶۷ بود - در سفری که بنده - آن وقت رئیس‌جمهور بودم - و مسئولان به یوگسلاوی سابق - که از هم پاشید و یکی از مراکز مهم پشتیبانی عراق بود - داشتیم، پس از یک مذاکره‌ی طولانی و مفصل، حاضر نشد حتی تانگش را به ما بفروشد! در حالی که هر وقت عراقیها در جبهه کم می‌آوردند، بلافاصله انواع و اقسام تانگهای شرقی و غربی برایشان می‌آمد؛ وقتی یک تانگشان ضربه می‌خورد، معطلش نمیشدند، جرثقیل را می‌آوردند و آن را به داخل هور یا رودخانه پرتاب میکردند و از دُور خارجش میکردند؛ برایشان اهمیتی نداشت. حالا بچه‌های ما با چه زحمتی این تانگهای غنیمتی را گیر می‌آوردند، وصله‌پینه میکردند و استفاده میکردند. یعنی از امکانات جنگی - انواع و اقسام مهمات و ابزار - از تاکتیک، از اطلاعات فضایی، از همه‌ی انواع پشتیبانیها - پول، پشتیبانی سیاسی و غیره - در اختیار یک طرف جنگ بود - که رژیم بعثی بود - و همه در آنجا متمرکز شده بودند؛ یک طرف هم جمهوری اسلامی به تنهایی - تنهایی واقعی - بود. این هم یک بعد جنگ است.

یک بعد دیگر در این مقوله‌ی خود جنگ، مسئله‌ی پایان جنگ است؛ که با این بگومگوهای بیخودی، یک شبهه‌های بیمعنی و بیمحتوایی در بعضی از ذهن‌های آماده‌ی شبهه و شبهه‌پذیر ایجاد کردند. چه کسی میتواند شک کند در اینکه جمهوری اسلامی در دفاع هشت ساله، پیروز مطلق شد؟! اصلاً این قابل تردید نیست. با همان

تفصیلی که گفتیم، یک رژیمی با نیروی نظامی تجهیز شده و به شدت آماده، به قصد ساقط کردن رژیم یک کشور و تجزیه‌ی آن، وارد آن کشور میشود، بخشی از آن را اشغال نظامی میکند و همه‌ی دنیا هم به آن کمک میکنند؛ هشت سال هم همین‌طور فشار می‌آورد و آخر سر مجبور میشود دست خالی از این کشور خارج شود؛ در حالی که تعداد کشته‌ها، مجروحان و اسیرانش بیش از این کشور مورد تهاجم است؛ کشور مورد تهاجم در بخشهای مختلف در طول جنگ، به قابلیت‌های فراوانی دست پیدا کرده؛ اما او از کیسه خورده و از چشم قدرتهای پشتیبان خودش هم افتاده و یک وجب هم از خاک این کشور در دست او باقی نمانده است؛ خوب، در این قضیه، چه کسی پیروز است؟ چه کسی شکست خورده است؟ جای تردید است؟! جای شبهه است؟! این پایان جنگ، یکی از مسائل و بخشهای مهم جنگ است که مایه‌ی افتخار است.

در مقوله‌ی خاطرات و تاریخ جنگ، من میخواهم تکیه و تأکید کنم. ما همه‌ی این حجم کاری که انجام دادیم، در مقابل آنچه که باید انجام بگیرد، بسیار کم است. با اینکه الان، هم سپاه، هم ارتش، هم حوزه‌ی هنری، هم بخشهای مختلف مردمی، هم ستاد کل و آن قسمت تاریخ جنگ مشغول کار هستند، در عین حال، فرآورده‌های مجموع اینها، هم از لحاظ کمیت، بسیار کمتر از آن چیزی است که باید باشد، هم از لحاظ کیفیت - اگرچه بعضی از کیفیات آنها واقعاً خوب است - اما در مجموع، آن کیفیتی که باید نشان‌دهنده‌ی زیباییها، ظرافتها، لطفها، برجستگیها و درخشندگیهای این دوران عجیب باشد، نیست و هنوز خیلی جا برای حرف زدن هست؛ خیلی. ببینید! وقتی گفته میشود که مثلاً ما ششصد یا هزار عنوان کتاب درباره‌ی دفاع مقدس نوشته‌ایم، بعضیها خیال میکنند که این خیلی زیاد است؛ نه، این خیلی کم است. جنگ یکی از مقاطع حساس تاریخ برای همه‌ی ملت‌هاست؛ چه در آن جنگ شکست بخورند، چه پیروز بشوند؛ بررسی این حادثه برای آن ملت‌ها، سرشار از درس است. نه اینکه فقط افتخار کنیم؛ افتخار کردن، یکی از بخشهای قضیه است؛ اطلاعات فراوان، آگاهیهای گوناگون، نشان دادن وضعیتهایی که وجود داشته است و وضعیتهایی که میتواند در آینده وجود داشته باشد، از بخشهای دیگر قضیه است. در دنیا روی جنگهایی که اتفاق می‌افتد، خیلی کار میکنند؛ من نمیدانم شما دوستان یا دوستانی که در این مقوله‌ها مشغول کارند، چقدر اطلاع دارند که بر روی جنگهای گوناگون در کشورهای مختلف، چقدر کار شده است. من

فقط این یک رقم را عرض بکنم: این جنگهای داخلی امریکا - که معروف به جنگهای انفصال است که تقریباً از سال هزار و هشتصد و شصت شروع شده و چهار سال هم طول کشیده؛ و در سال هزار و هشتصد و شصت و چهار یا شصت و پنج هم تمام شده است؛ من حالا دقیق یادم نیست - جنگ بین شمال و جنوب و جنگ بین ایالات مختلف در یک کشور بود و تقریباً حدود هشتاد یا نود سال بعد از تشکیل دولت ایالات متحده‌ی امریکا، دو بخش از این کشور با همدیگر جنگ کردند. یک نویسنده‌ی امریکایی - که ظاهراً معاصر ماست - میگوید: درباره‌ی این جنگها بیش از صد هزار عنوان کتاب نوشته شده است! برای چهار سال جنگ، آن هم جنگ بیافتخار - جنگ دو بخش از یک ملت با همدیگر افتخاری ندارد - بیش از صد هزار عنوان کتاب نوشته شده است. این را این نویسنده‌ی امریکایی - که نویسنده‌ی معتبری هم هست - میگوید. البته بعضی از این تبلیغاتچیهای امریکا، این جنگ انفصال را میگویند: جنگ برای لغو برده‌داری؛ که این هم دروغ است، این‌طوری نیست. البته همان زمان آبراهام لینکلن بوده و برده‌داری لغو شده؛ اما این جنگها برای آن نیست. کسی تاریخ این جنگها را بخواند، درست میفهمد. درباره‌ی جنگ داخلی بیافتخارِ سرتاسر شکست و پُرخسارت - که بالاخره بخش شمال بر بخش جنوب که تجزیه‌طلب بود، پیروز شد و دوباره حکومت ایالات متحده را برقرار کردند؛ در واقع کشور امریکا شکست خورد؛ اگرچه که یک بخش بر بخش دیگر پیروز شد؛ آن چیزی که نقل میشود، حدود ششصد، هفتصد هزار نفر در این چند سال کشته دادند؛ یعنی چند برابر مجموع شهدای ما در جنگ تحمیلی و دفاع مقدس! - برای چهار سال، آن همه کتاب نوشته‌اند. دفاع مقدس، جنگِ سرتاپا افتخار است؛ از همان روزی که رژیم صدام به تهران حمله کرد و فرودگاه را زد، و تا روزی که امام قطعنامه را قبول کردند و تا بعد از آنکه صدام دوباره حمله کرد و باز مردم مبارز و مجاهد ما ریختند و تمام صحرای این منطقه را پُر کردند و جوانان بسیجی از سرتاسر کشور که نمایش عجیبی نشان دادند و عراق را در این نوبت دوم، مجبور به عقب‌نشینی کردند، سرتاسر این دوران، دوران افتخار است.

جا دارد که کار هنری بشود، ثبت و ضبط بشود و کار تخصصی انجام بگیرد. الان مراکزی هست و دوستانی کارهای حرفه‌ای و تخصصی خوبی انجام میدهند. در آن واحد دو کار: هم کار حرفه‌ای و تخصصی و مدیریت مطلع و عالمانه‌ی بر جمع‌آوری

خاطرات، هم در کنار آن، استفاده‌ی از عموم کسانی که در جاهای مختلف خاطراتی از جنگ دارند و منحصر نکردن آن به یک کانال خاص که موجب محدودیت نشود.

پروردگارا! در این لحظات افطار و در این روزهای آخر ماه مبارک رمضان، در این جمع مجاهد و مبارز فی سبیل الله - که در اینجا حضور دارند - از تو درخواست میکنیم ارواح طیبه‌ی شهیدان دفاع مقدس و شهیدان انقلاب و همه‌ی شهدای ملت عزیز ما را با ارواح نبی مکرم اسلام و شهدای کربلا محشور بفرما. پروردگارا! سلام و صلوات ما را به آن شهیدان و امام شهیدان (رضوان الله علیه) واصل بفرما. پروردگارا! مرگ ما را جز به شهادت در راه خودت قرار مده. پروردگارا! به محمد و آل محمد ما را در امتحانهای دشوار و بزرگ کشور و ملتمان روسفید و سربلند از آب دریاور؛ سلام ما را به محضر مبارک ولیعصر (ارواحنافاده) برسان.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان سمنان

| ۱۳۸۵/۰۸/۱۸ |



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على آله الأطيبين الأطهرين سيما بقية الله في الأرضين.

از اعماق دل به همه ی شما عزیزان سلام عرض می کنم: جوانان عزیز، پدران و مادران، فرزندان شهدا، همسران عزیز شهیدان و مادران صبور شهدای عزیزمان.

این جلسه و جلسات مشابه این در همه ی سفرها، برای من یکی از شورانگیزترین جلسات است. یادگاران ایثار و شهادت؛ آن کسانی که شربت صبر در راه خدا را چشیدند؛ «و بشر الصابرين الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انا لله و انا اليه راجعون اولئك عليهم صلوات من ربهم و رحمة».

در قرآن یکی از کم نظیرترین تعبیرات، این تعبیر است. صلوات و رحمت خدا بر آن صابران که مصیبت و حادثه ی گزنده را تحمل می کنند و با روی باز با آن مواجه می شوند. مادری که دسته گل عزیز خود را در طول سالیان دراز بزرگ کرده و به برگ و بار رسانده؛ پدری که آرزوی جوانی فرزند را در طول سالیان دشوار تربیت همواره در دل پرورانده، ناگهان خبر می شود که این جوان در جبهه ی جنگ به شهادت رسید؛

صبر می کند. خبر شهادت به همسر محبوب او می رسد؛ یارِ دورانه‌های تلخ و شیرین زندگی و دل پیوند خورده‌ی با دل این زن؛ خیلی اینها سخت است؛ خیلی سخت است؛ اما مردم ما با بازترین چهره و شیرین ترین برخورد، این سختیها را تحمل کردند. این گزافه نیست اگر بگوییم در هیچ ملتی و در هیچ جنگی، آزمایشی که ملت ما دادند، پیش نیامده است. خود جنگ یک داستان است، دنباله های جنگ - یعنی خانه های رزمندگان، خانه های شهیدان، خانه های جانبازان، خود آن جانبازان - یک داستان دیگری است؛ این داستان دوم گاهی از آن داستان اول گزنده تر است. صبر پدر و مادر و همسر و فرزند در فقدان عزیزشان در جبهه، گاهی دشوارتر از صبر خود آن رزمنده است در زیر گلوله های آتش بار دشمن. این صبر را مردم نشان دادند. من با پدران شهدا، مادران شهدا و همسران شهدا زیاد نشست و برخاست کرده ام و می کنم؛ داستانها و ماجراها در این دیدارها از زبان آنها شنیده ام که حیرت آور است. شماها هم می دانید.

در همین استان مؤمن و غیور و شجاع شما - این استان از لحاظ تعداد نسبی رزمندگان، جزو استانهای درجه ی یک کشور محسوب می شود. این سه هزار شهید نسبت به جمعیت استان و آن تعدادی که از این استان برای شرکت در دفاع مقدس یک یا چند بار به جبهه رفته اند، یکی از رتبه های بالا بین استانهای کشور است - ماجراهای عجیب در این زمینه وجود دارد که شماها بیش از من می دانید:

آن پدری که با دو فرزندش در جبهه است و هر دو فرزند در یک روز شهید می شوند، از مسئولان سپاه آمار و اسم شهدا را می پرسد؛ وقتی آنها اسم شهدا را به آن پدر می دهند، می گوید این دو، پسران من هستند؛ خم به ابرو نمی آورد. فقط می گوید می خواهم با پیکر پاک آنها حرف بزنم؛ و او را بالای سر دو شهیدش می برند. این، شبیه افسانه هاست؛ اما واقعیت است.

آن سه نوجوانی که از مهدی شهر با هم پیمان می بندند که هر کدام شهید شدند، آن دو نفر دیگر را در روز قیامت پیش خداوند شفاعت کنند؛ سه تا نوجوان و هر سه شهید می شوند؛ نام اینها را شماها می دانید؛ داستان اینها را شماها می دانید. اینها جزو ماجراهای فراموش نشدنی تاریخ است. اینها چیزهایی نیست که از خاطره یک ملت برود.

آن جوان دلاوری که در جبهه جانباز می شود؛ بعد از جانبازی، شرکت و فعالیت او در جبهه آنچنان است که او را گاهی روی دوش می گیرند و برای شناسایی می برند؛ بارها جانباز می شود. دو نفر از این شهدا را ما داریم؛ همین شهید محمود اخلاقی که اینجا عکسش هست؛ یکی هم شهید شوکت پور. اینها اول جانباز شدند؛ در حال جانبازی به جبهه رفتند و بعد هم در نهایت، شهید شدند. خانواده های سه شهید، خانواده های دو شهید؛ اینها خیلی مایه ی افتخار است.

ما اگر این دستاوردها را هم نداشتیم - همه ی این دستاوردها متعلق به خون این عزیزان شماهاست: این عزت ملی، این پیشرفت علمی، این استقلال سیاسی، این زنده ماندن آرمانهای انقلابی و سخنان امام، که همه ی اینها چیزهایی است که برای یک ملت آسان به دست نمی آید، این ایستادگی در این راه، این روزبه روز مدارج ترقی را در بخشهای گوناگون طی کردن و پیش رفتن، از یک ملت ضعیف و عقب مانده و فراموش شده به یک ملت مطرح در سطح بین المللی تبدیل شدن - باز این یادگارا و خاندانهای شهدا و این شجاعتها و عظمتهایی که اینها آفریدند، در تاریخ ماندنی بود و افتخار کردنی.

همین تیپ مستقلی قائم که از سال ۶۵ تشکیل شده است، تا آخر جنگ - تقریباً در طول دو سال و نیم - در بیست و پنج عملیات آفندی و پدافندی شرکت کرده است. این شوخی است؟! بیست و پنج عملیات! رزمندگان این استان، تیپ قائم را سال ۶۵ تشکیل دادند و قبلش هم در قالب لشکر هفده علی بن ابی طالب و تیپ امام رضا (علیهماالسلام) از سمنان و شاهرود و دامغان و گرمسار و سراسر این استان به جبهه ها می رفتند و فعالیت می کردند. آنها به جای خود محفوظ؛ اما از وقتی این تیپ تشکیل شد، در طول تقریباً دو سال و نیم، در بیست و پنج عملیات آفندی و پدافندی شرکت کردند؛ این ارزش یک مجموعه ی مردمی را نشان می دهد؛ قدرت اراده ها را نشان می دهد؛ صبر خانواده ها را نشان می دهد. همین تیپ قائم در عملیات مرصاد مهمترین نقش را ایفا کرد. شنیدم که نقش تیپ قائم در عملیات مرصاد آنچنان بود که اگر نبود، دشمن ممکن بود تا کرمانشاه پیش بیاید. آن که ایستاد، تیپ قائم بود. اینها در تاریخ می ماند.

ستادهای پشتیبانی جنگ این استان - که من دیروز هم در سخنرانی عمومی اشاره کردم که مربوط به جهاد سازندگی بود - در مجموعه های مهندسی - رزمی کارهای برجسته ای انجام دادند. آنچه که به من گزارش کردند اینها بیست و پنج هزار کیلومتر در جبهه جاده ساخته اند؛ چهارهزار کیلومتر خاکریز زدند! رقم را ببینید! نقل می کنند پسر بچه ی چهارده، پانزده ساله پشت فرمان بولدوزر نشسته بود و خاکریز می زد؛ از بس کوچک بود، پشت فرمان دیده نمی شد! گاهی می خواست جلوش را ببیند، مجبور بود از روی صندلی اش بلند شود و ببیند؛ این بچه تا صبح خاکریز زد. این جوانها کجایند؟ در بین شماهایند؛ در میان این ملتند. این اراده ها کجایند؟ اینها تشکیل دهنده ی اراده ی عمومی ملت ایران هستند و از بین نمی روند.

بعضی دل خوش کردند و گفتند هر چه از انقلاب دورتر بشوید، انقلاب کم رنگتر خواهد شد. می بینند که نشد. آن اراده هایی که می ایستد و اعلام می کند که در مقابل تهدید ابرقدرتِ زیاده طلبِ جهانی از چیزی نمی ترسد، همین اراده هاست؛ همین هایند؛ و جوانهایی که پشت سر اینها آمده اند.

امروز نسل جوان ما در برابر هر امتحانی مثل همان نسل جوان دوران جبهه است. بعضی با دیدن یک ناهنجاری در یک دختر یا پسری در خیابانی یا در محیطی، فوراً قضاوت می کنند که نسل جوان ما از بین رفت؛ نه آقا! آن وقت هم داشتیم. نسل جوان، نسل جوان مؤمنی است. در آزمونهای دشوار است که یک ملت را می توان شناخت؛ یک ملت در آزمونهای دشوار خودش را نشان می دهد. نخبگان یک ملت تأثیر خودشان را در سرنوشت کشورشان آن وقتی می توانند نشان دهند که آزمایشهای دشوار پیش بیاید.

یک روز - در شهریور ۱۳۲۰ - چند لشگر از شرق و چند لشگر از غرب وارد کشور شدند و چند تا هواپیما در آسمانها پیدا شدند؛ نیروهای نظامی آن روز کشور از پادگانها هم گریختند! نه فقط در جبهه ها نماندند، بلکه آنهايي هم که در پادگان بودند، خزیدند تو خانه ها و خود را مخفی کردند! یک روز هم همین ملت ساعت ۲ بعد از ظهر امام اعلام کرد که مردم بروند پاره را از دست دشمنان خارج کنند؛ مرحوم شهید چمران به خود من گفت: به مجرد اینکه پیام امام از دیوار پخش شد، ما که آنجا در محاصره ی دشمن بودیم، احساس کردیم که دشمن دارد شکست می خورد. بعد از چند ساعت هم سیل

جمعیت به سمت پاره راه افتاد. من ساعت چهار و پنج همان روز در خیابان به طرف منزل امام می رفتم؛ دیدم اصلاً اوضاع دگرگونه است. همین طور مردم در خیابانها سوار ماشینها می شوند و از مراکز سپاه و مراکز مربوط به اعزام جبهه، به جبهه ها می روند. این همان مردمند؛ اما فکر و محتوای ذهن تغییر پیدا کرده است؛ آرمان پیدا کردند؛ به هویت خودشان واقف شدند؛ خود را شناخته اند. همین طور باید پیش برود.

شهدای برجسته ی این استان زیادند. عکس بعضی از اینها را اینجا نصب کرده اند. شهید شاهچراغی، شهید سید کاظم موسوی - که از شهدای هفتم تیر است - شهید سید کاظم کاظمی، شهید حسن شوکت پور، شهید محمود اخلاقی، شهید همتی - که فرمانده ی ناوچه ی پیکان بود - شهید سید احمد نبوی، شهید حسن عرب عامری، شهید مرتضی شادلو و شهدای فراوان دیگر؛ فرزندان برجستگان این حوزه و این مجموعه: فرزند حضرت آقای اختری، فرزند حضرت آقای نصیری؛ اینها خیلی ارزش و اهمیت دارند. استان شما از این جهت استان پُرافتخاری است و این را قدر بدانید.

جوانهای عزیز بدانند که شناسنامه ی یک ملت و یک قوم با این چیزها تعیین می شود؛ اینهاست که تعیین کننده است؛ اینهاست که اگر امروز شما آن را ساختید، فردای خوبی در اختیار شماست. کسانی که در دنیا به جایی رسیدند و ملتهایی که عظمتی کسب کردند، این طوری کسب کردند. البته اکثر آن ملتها امیدی به سرنوشت شخصی خودشان بعد از پایان این دوران حیات ظاهری نداشتند؛ خیلی هایشان هم امید به آینده نداشتند؛ اما شما دارید. «انّ الله اشتری من المؤمنین انفسهم و أموالهم بأنّ لهم الجنة»؛ این جان را خدای متعال با بهشت معامله می کند. «هی فلا تبیعوها بغیرها»، مبادا این جان با ارزش انسانی را به غیر بهشت بفروشید. ارزش جان شما بهشت است. جان شما ارزشی به قدر بهشت دارد.

آنچه که برای یک انسان اهمیت دارد، این است؛ موفقیت در این دنیا، چشم انداز خوب و در نهایت چشم انداز رضوان الهی و بهشت الهی است. این با مجاهدت به دست می آید، با صبر به دست می آید، با پرهیزگاری و پاکدامنی به دست می آید و با تلاش خستگی ناپذیر به دست می آید. در مقابل چالشهایی که دشمن آفریده، انسان سختی هایی را تحمل می کند؛ اما قرآن به ما می گوید از این سختیها نترسید: «ان تکونوا

تألمون فإنهم يألمون كما تألمون»؛ اگر شما از ناحیه ی آسیب دشمن رنجی را تحمل می کنید، دشمن هم از ناحیه ی مقاومت، صبر و رشادت شما رنجهایی را تحمل می کند؛ اما با این فرق: «و ترجون من الله ما لا يرجون»؛ چشم انداز برای شما چشم انداز روشن است، اما برای دشمن نه. مسئله ی شهادت و مسئله ی جهاد در اسلام این است: تلاش از همه سو سود، بدون زیان؛ تلاش صادقانه ای که به زندگی انسان معنا می دهد؛ جهت حرکت انسان رامعین می کند؛ چشم انداز آینده ی زندگی را به عنوان یک ملت، چشم انداز روشن و تابناکی می کند و چشم انداز سرنوشت نهایی انسان را به عنوان یک فرد، رضوان الهی قرار می دهد؛ این جهاد و شهادت اسلام است؛ هیچ چیز جای این را نمی گیرد.

پروردگارا! رحمت و رضوان خود را بر ارواح طیبه ی شهیدان ما نازل کن. پروردگارا! صبر کامل و اجر فراوان به خانواده های عزیز شهدا مرحمت کن. پروردگارا! مرگ ما را جز به شهادت در راه خودت قرارمده.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای شاهرود

۱۳۸۵/۰۸/۲۰



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در گلزار شهدای شاهرود حضور یافتند و با قرائت فاتحه، یاد گلگون‌کفن‌ان دوران دفاع مقدس را گرامی داشتند.

حضور رهبر انقلاب در حرم مطهر امامزاده یحیی
و گلزار شهدای شهر سمنان

| ۱۳۸۵/۰۸/۲۱ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با حضور در حرم مطهر امامزاده یحیی -فرزند گرامی حضرت امام موسی کاظم علیه‌السلام- واقع در مرکز شهر سمنان، مرقد نورانی این بزرگوار را زیارت کردند.

هنگام حضور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حرم این امامزاده، زائرانی که از قبل به زیارت مشغول بودند، با دیدن ایشان به ابراز احساسات پرشور و صمیمانه پرداختند.

رهبر انقلاب اسلامی همچنین در مزار شهیدان والامقام شهر سمنان در جوار حرم این امامزاده حضور یافتند و با قرائت فاتحه، یاد گلگون‌کفن دوران دفاع مقدس را گرامی داشتند.

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران خراسان

| ۱۳۸۶/۰۲/۲۷ |



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برای من افتخار و شرف است که در جمع خانواده‌های معظم شهیدان و بازماندگان افرادی که برترین عناصر انسانی زمان ما بودند و در جمع جانبازان عزیز که شهیدان زنده‌ی دوران ما هستند، حضور پیدا کنم.

خانواده‌ی شهیدان و ایثارگران از نظر تأثیر و ارزش رفتار و حرکت، فقط با خود شهدا قابل مقایسه هستند؛ با هیچ قشر دیگری در انقلاب، این مجموعه قابل مقایسه نیستند. ارزش آن مادران و پدران، آن همسران و فرزندان و بازماندگان که حرمت خون شهیدشان را حفظ کردند و خودشان با صبرشان، با گذشتشان مظهر دیگری شدند از فداکاری در پیشبرد اهداف انقلاب، این است که یکی از مؤثرترین و نقش‌آفرین‌ترین عناصر کشورند. نمی‌خواهیم تعارف کنیم یا خوشامد بگوئیم؛ می‌خواهیم حقیقت مطلب آنچنان که هست، روشن شود.

یک ملت با آرمانهای بلند و اهداف مقدس و والا در مقابل جبهه‌ی وسیع دشمنیهای کینه‌توزانه، برای رسیدن به این هدفها و آرمان چه کار باید بکند؟ جز همت، جز عزم راسخ، جز ورود در میدانهای خطر، جز خطرپذیری و آمادگی برای رویارویی با حوادث، کار دیگری میتواند بکند؟ و ملت ما این کار را کرد. ملت ما به دنبال آرمانها و هدفهای

والای انقلاب اسلامی در مواجهه‌ی با دنیای نکبت‌بار کفر و استکبار و کین‌توزیهای قدرتهای سلطه‌طلب شرق و غرب حرکت کرد و عزم راسخ نشان داد. مظهر این عزم راسخ در یک دوره‌ی طولانی، همان جوانانی بودند که به تعبیر توصیف‌کننده‌ی شهدا کربلا «لبسوا القلوب علی الدروع کأنهم یتهافتون الی ذهاب الأنفس»؛ دلها را بر روی زرها پوشیدند و به استقبال خطر رفتند؛ عاشقانه وارد میدان شدند و جان گرامی و عزیزشان در مقابل آن آرمانها در نظرشان کوچک شد. با چنین عزمی، با چنین اقتدار معنوی و روحیای رفتند و در میدانها ایستادند. مقاومت آنها توانست زانوی جبهه‌ی متحد کفر و استکبار را خم کند، او را از پا در آورد و از میدان خارج کند. این کار را جوانهای ما کردند.

اگر ما در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، آبادی کشور، عزت ملت هر پیشرفتی در طول این بیست و هفت سال کردیم، مرهون فداکاری آن کسانی است که در بحرانیترین روزها و سخت‌ترین آزمونها سینه‌هایشان را سپر کردند و رفتند در مقابل خطر ایستادند؛ هوشیارانه و صبورانه مقاومت کردند و جنگیدند. «فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر». برترین‌هایشان آن کسانی بودند که به شهادت رسیدند. شهدای زنده‌ی ما، این جانبازان عزیز هم در حقیقت شهیدند، اینها برترین‌هایند. این بود که ملت ایران را به صورت یک نیروی شکست‌ناپذیر در آورد؛ این است که در تحلیلهای امروز دنیا، آنجائی که صحبت از تعرض و تجاوز و اهانت به ملت ایران است، عقلای قوم میگویند با ملت ایران شوخی و سرسختی نکنید. این اقتدار معنوی را همین جوانها برای ما به وجود آوردند و این شد یک ذخیره برای این ملت. خون شهیدان ما هدر نرفت؛ خدا را سپاس میگوئیم.

شهدای ما، هر قطره خونشان توانست اکسیری بشود برای تبدیل عنصرهای پست و نخاله‌ی وجود ما به عنصرهای والا و باسرف. شهدا خودشان متحول شدند و در ارواح جوانان ما و مردم ما تحول آفریدند. جوانهای امروز نه امام را که مظهر قداست و شرف و نمونه‌ی برترین اولیا بعد از معصومین بود، دیده‌اند، نه دوران جنگ را تجربه کرده‌اند، نه سختیهای دورانهای قبل از انقلاب را دیده‌اند؛ اما همین جوانهای امروز با روحیه‌ی آماده و قوی، با ذهن روشن و عزم راسخ ایستاده‌اند. این بر اثر چیست؟ این همان تزریق خون است که شهیدان ما به این انقلاب انجام دادند؛ شهیدان ما را زنده کردند. این، یک

ذخیره است. این ذخیره را ملت ایران باید حفظ کند.

به خانواده‌ی شهدا می‌خواهیم بپردازیم. من عرض این است که پدران شهدا، مادران شهدا، همسران صبور شهدا، فرزندان شهدا در این افتخارات پشت سر شهدا قرار دارند. اگر خانواده‌های شهدا این صبوری را نمیداشتند، این تکریم به شهادت عزیزان خود برایشان این قدر بااهمیت نبود، قدر شهادت در جامعه‌ی ما میشکست. شهدا خودشان گوهر گرانبهائی شدند و درخشیدند و خانواده‌های شهدا با رفتار خود، با ایمان خود، با صبوری خود، این گوهر درخشنده را در معرض دید همه قرار دادند.

لازم است از همسران جانبازان هم صمیمانه تشکر کنم؛ خانواده‌هاشان، همسرانشان، که این شهیدان زنده را مثل جان گرامی رعایت کردند و حفظ کردند.

دو سه نکته عرض کنیم: یکی این است که یاد شهیدان نباید در جامعه‌ی ما از ذهنیتها خارج شود. شهیدان را باید زنده نگه داشت. یاد شهیدان را باید گرامی بدارید و زنده نگه دارید؛ در همه‌ی استانهای کشور این معنا وجود دارد. بیست و سه هزار شهید استان خراسان بزرگ - شامل سه استان کنونی - یکی از برجسته‌ترین و بزرگترین رقمهای افتخارآفرین است. نگذارید غبارهای فراموشی - که عمداً گاهی این غبارها را می‌خواهند بر روی این خاطره‌های گرامی بپاشند و قرار بدهند - روی این خاطره‌های گرامی را بگیرد؛ زنده نگه دارید. مسئولان هم بایستی این کار را بکنند؛ مسئولان بنیاد شهید هم موظفند؛ مسئولان دستگاههای دیگر دولتی و عمومی هم وظیفه دارند. خود خانواده‌ها هم در محیطهائی که شعاع نفوذ و سلطه‌ی آنهاست، این کار را انجام بدهند. از نام شهید و از افتخار به شهید هرگز غفلت نکنید. تبلیغات عنادآمیز دشمنان سعی کرده‌اند که ارزشهای شهید را بتدریج کم کنند و در مواردی به ضد ارزش تبدیل کنند! این در کشور ما اتفاق افتاد؛ این سعی انجام گرفت؛ البته خنثی شد. اما عده‌ای این قدر وقاحت ورزیدند که نام شهدا و اصل شهادت را زیر سؤال ببرند. شما ببینید توطئه‌های دشمن تا کجا از لحاظ فرهنگی و سیاسی نفوذ میکند و چقدر من و شما باید هشیار باشیم که جلو این توطئه‌ها را بگیریم. معیار اسلامی، «شهید» را از زمره‌ی مردم معمولی بیرون می‌برد و در کنار اولیا و صدیقین قرار میدهد؛ آن یک نگاه واثائی است که به عقل ما هم درست نمی‌گنجد. حتی با نگاه‌های مادی معمولی، شهید آن

کسی است که جان خود را برای نجات شرف و استقلال ملتش فدا کرده. هیچ وجدان و شرفی، هیچ دل بیدار و غیر بیماری میتواند این را انکار کند؟ در کشور ما، در ایران اسلامی ما در یک برهه‌ای از زمان سعی کردند این را انکار کنند. فرزندان شهدا به نام پدرانشان افتخار کنند. آنها کسانی بودند که نه در راه تهاجم به یک کشور بیگانه و به یک همسایه، در راه مقابله‌ی با تهاجم یک دشمن، در راه حفظ میهن، حفظ استقلال، حفظ شرف ملی ایستادگی کردند. آن کسانی که در زمان حکومت شریر بعثی، به ایران حمله کردند و میخواستند ایران یا لاقلاً قسمتی از ایران را مثل وضع فعلی عراق بکنند که اشغالگر بیاید داخل خانه و محله‌ی زندگی مردم و امکان تنفس را از پیر و جوان و مرد و زن بگیرد؛ به آنها اهانت کند، آنها را تحقیر کند، پا روی گردن آنها بگذارد؛ این کار را میخواستند با ملت ما بکنند. ببینید امروز اشغالگران در عراق چه کار میکنند! جلو جوان غیور عرب، مرد بیگانه همسر و خواهر او را بازرسی بدنی میکنند! به یک مرد غیور از دیدن چنین منظره‌ای چه میگردد؟ یک جوان غیرتمند عرب را در مقابل همسرش، در مقابل فرزندان‌ش روی زمین میخوابانند، لگد روی پشت و روی سرش میگذارند. به یک خانواده‌ی عزتمند و با شرف چه میگردد در یک چنین وضعی؟ اینها میخواستند این کار را با ملت ایران بکنند. صدام و حزب بعث و پشتیبانان امریکائی و شوروی و اروپائی او قصد داشتند با ملت ایران چنین معامله‌ای بکنند. و این جوان رزمنده‌ی ما نگذاشت. کدام افتخار از این بالاتر؟ جوان رزمنده‌ی ما رفت مثل کوه در مقابل تجاوز دشمن ایستاد. چه افتخاری با این افتخار برابری میکند؟ شما دختر همین جوانی، پسر همین جوانی، همسر همین جوان بودی، پدر مادر همین جوان هستی؛ افتخار کن. این یک مطلب، که یاد شهدا، افتخارات شهدا، عزت شهدا را همه باید نصب‌العین خودشان قرار بدهند؛ نگذارید فراموش بشود. شما غفلت کنید، نیروهای انقلاب غفلت کنند، نیروهای مؤمن غفلت کنند، نفوذیهای دشمن از آن طرف وارد میشوند و چیزی هم طلبگار میشوند. «فاذا ذهب الخوف سلقوكم بالسنة حداد اشحة علی الخیر اولئک لم یؤمنوا فاحبط الله اعمالهم»؛ وقتی که روز خطر است، در لانه‌ها خزیدند و نفسشان در نیامد. وقتی خطر برطرف شد؛ مردان خطرپذیر در مقابل خطر سینه سپر کردند و خطر را برطرف کردند، اینها از لانه‌هایشان بیرون می‌آیند؛ زبانهای دراز، زبانهای تیز، طلبگار هم میشوند! مگذارید دشمنان انقلاب، دشمنان امام، دشمنان خط جهاد، دشمنان خط ایمان بالله، طلبگار بشوند.

من تشکر میکنم از کسانی که یادواره‌های شهدا، کنگره‌های بزرگداشت شهدا را با محتواها و مضمونهای قوی و عالی در سراسر کشور برگزار کردند و همچنین از آن کسانی که یاد و خاطره‌ی شهیدان را در کتابها تدوین و پخش کردند. بنده خودم از این کتابها هر چه دستم برسد میخوانم و بهره‌مند میشوم؛ حقیقتاً بهره‌مند میشوم. انسان لذت می‌برد؛ از لحاظ روحی ابتهاج پیدا میکند وقتی این شرح حالها را میخواند. نگذارید این خط متوقف بشود.

نکته‌ی دوم این است که خود خانواده‌ی شهدا؛ جوانهای شهدا؛ پسرهایشان، دخترهایشان بایستی پاسداران حقیقی ارزشهای شهید باشند. امروز بحمدالله بسیاری از فرزندان شهیدان و جانبازان ما در دانشگاهها، در رتبه‌های علمی یا فارغ التحصیل شدند یا در شرف فارغ التحصیلی هستند؛ مبدا امواج گوناگون، اینها را از آن ریشه‌ی باارزشی که دارند، غافل کند. ریشه‌ی آنها همان شهادت است. فرزندان جانباز افتخار کنند به پدران جانبازشان که با جوانی در عین سلامت و تندرستی جسمی به میدان جنگ رفتند و برای خاطر خدا سلامتشان را برای همه‌ی عمر - یا چشمش را، یا گوشش را، یا دستش را، یا نخاعش را - از دست داده‌اند. این، افتخار دارد. این حرکت عظیم، بزرگترین افتخار است. فرزندان این عزیزان، همسرانشان و خانواده‌هایشان به وجود اینها افتخار کنند. خود شما پاسداری کنید؛ نبادا بگذارید کسانی با تبلیغاتشان، با وسوسه‌هایشان این روحیه را بشکنند. من گاهی در ملاقات با خانواده‌های عزیز شهدا، از اینها میشنوم که از برخی اظهاراتی که گاهی کسی گوشه‌کنار میکند، گله‌مندند. تحت تأثیر این حرفها قرار نگیرید. حقیقت را که نمیشود پوشاند؛ این حقیقت درخشان که عزیز شما توانسته است کشورش را، استقلالش را، عزت و حرمت ملی را حفظ کند. این نکته مربوط به خانواده‌های شهدا و خانواده‌های جانبازان است.

نکته‌ی سوم در مورد بنیاد شهید است. بنیاد شهید بایستی همه‌ی توان و نیرو و نشاط و امکانات را در خدمت رفاه مادی و معنوی و اخلاقی خانواده‌ی شهدا قرار بدهد. این، اصل است. این اصل باید در همه‌جا مورد توجه قرار بگیرد؛ هم در مشهد و خراسان و هم در نقاط دیگر.

و آخرین نکته این است که داعیه‌ی ما در دنیای امروز، داعیه‌ی کوچکی نیست؛ داعیه‌ی

بزرگی است. نمیتواند تبلیغات خارجی تو سر جنس ما بزند. ما میدانیم چه میخواهیم و چه داریم؛ ارزشش را میدانیم. داعیه‌ی ما آنچنان داعیه‌ای است که امروز در دنیای اسلام، در هر کشوری از کشورهای اسلامی - چه در آفریقا، چه در آسیا - و در هر نقطه‌ای این داعیه‌ها و این شعارها مطرح بشود، اکثریت قاطع مردم با آن همراهی خواهند کرد؛ برای آن شعار خواهند داد و اظهار ارادت و عشق خواهند کرد. این، داعیه‌ی ماست؛ یعنی داعیه‌ای است که حرف دل همه‌ی ملت‌های مسلمان است. شما استقبالی را که مسلمانها در کشورهای مسلمان از رئیس‌جمهور کنونی ما و در دورانهایی قبل از رؤسای جمهور ما - که آنها را مظهر نظام اسلامی میدانستند - کرده‌اند، ببینید. این دیگر عرب و عجم ندارد؛ اینجا آسیائی و آفریقائی ندارد. وقتی کسی که مظهر ایران اسلامی است و در آن کشورها حاضر میشود، دلها، نه به صورت تشریفات، نه ظاهرسازی، به استقبال او میروند و برای او شعار میدهند؛ اگر دولت‌ها و پلیس‌های آنها و دستگاه‌های امنیتی آنها جلوشان را نگیرند. داعیه‌ی ما چنین داعیه‌ای است و این داعیه در همه‌ی دنیای اسلام طرفدار حداکثری دارد. من میگویم دنیای اسلام، اما دایره از این وسیع‌تر است؛ در غیر دنیای اسلام، مردمی که با کاری که جمهوری اسلامی دارد میکند و کرده است، آشنا هستند، آنها هم همین احساس را دارند؛ منتها آنجا آشنائیها کمتر است. تبلیغات ما، تبلیغات متناسب با عظمت کارمان نبوده؛ تبلیغاتمان ضعیف بوده است. هر جائی که میدانند، از این آرمان طرفداری میکنند. این آرمان چیست؟ این آرمان «ضدیت با نظام سلطه» است.

ما میگوئیم دنیا را سلطه‌گران عالم تقسیم کرده‌اند به دو قسم: سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. ما با این مخالفیم. سلطه‌گران غلط میکنند که بر دنیای غیر کشور خودشان میخواهند سلطه پیدا کنند. و دولتهای سلطه‌پذیر - که زورگوئی آن سلطه‌گران را قبول میکنند - بیجا میکنند که علی‌رغم میل ملت‌های خودشان تسلیم آن سلطه‌گرها میشوند؛ این حرف ماست. ما میگوئیم ملت‌ها هویت خودشان را باید حفظ کنند؛ منافع خودشان را باید حفظ کنند؛ منابع طبیعی‌شان باید برای خودشان باشد؛ دیگران نباید به اینها زور بگویند؛ نباید سرزمین اینها را غصب کنند؛ نباید بر اینها سلطه‌ی سیاسی و فرهنگی پیدا کنند؛ این حرفی است که همه‌ی ملت‌ها و بسیاری از دولتها این حرف را قبول دارند و از بن دندان این حرف را میپذیرند. این داعیه‌ی ماست. شعار در دنیا خیلی است؛ هنر

ملت ایران این است که این شعار را در عمل محقق کرده؛ «دو صد گفته چون نیم کردار نیست». روشنفکرهای زیادی در دنیا همین حرفها را زدند؛ اما حرف بود. ملت ایران عمل کرد؛ ملت ایران ایستاد و همین ایستادگی بود که برکت کرد و صدق دعای ملت ایران را برای ملت‌های دیگر ثابت کرد و این‌طور ملت‌های دیگر علاقه‌مند به ملت ایران شدند. این داعیه‌ی ماست. این داعیه‌ای است که کسی در کشور ما بتواند از او دست بردارد؟! جرأت کند از مردم ملاحظه نکند و بتواند بر خلاف این داعیه حرکت کند؟! آن مجموعه‌ای، آن حزبی، آن گروهی، آن جناحی، آن جریانی که بخواهد برخلاف این رفتار کند، مردم توی دهن آن جریان میزنند.

رحمت و فیض الهی را برای ارواح طیبه‌ی شهدای عزیزمان مسئلهت میکنم. عافیت و سلامت را برای جانبازان عزیزمان از خداوند متعال مسئلهت میکنم. صبوری و تحمل را برای خانواده‌های عزیز شهدا، خانواده‌های جانبازان، فرزندان آنها، همسران آنها، پدر و مادرهای آنها مسئلهت میکنم.

پروردگارا! ما را در این راه ثابت قدم بدار. پروردگارا! رفتار ما، گفتار ما، نیت‌های ما را مورد رضای ولایت قرار بده؛ ما را مشمول دعای آن بزرگوار قرار بده. پروردگارا! روح امام را از ما راضی کن؛ روح شهدا را از ما راضی کن؛ مرگ ما را جز به شهادت در را خودت قرار مده.

والسّلام علیکم ورحمةالله

بیانات در دیدار خانواده‌ی شهدای هفتم تیر و مسئولان قوه قضائیه

| ۱۳۸۶/۰۴/۰۷ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به همه‌ی برادران و خواهران عزیز، خانواده‌های محترم شهدای هفتم تیر و مسئولان و مدیران قوه‌ی قضائیه خوش آمد عرض میکنیم. این مناسبت هم، مناسبت پر معنایی است. روز هفتم تیر بسیار روز مهم و تاریخ‌سازی است. از یک طرف انگیزه‌ی جنایت‌آمیز و دست مجرم دشمنان انقلاب اسلامی را برای ما مشخص میکند، که تا کجا حاضر بودند پیش بروند؛ و از یک طرف استحکام بنیانه‌ی نظام جمهوری اسلامی را مشخص میکند، که تا چه حد در مقابل حوادث عجیب و بحرانها قادر به ایستادگی و مقاومت است.

آن کسانی که در هفتم تیر به شهادت رسیدند، جرمشان نخبگی و کارآمدی بود. سیاست دشمنان پلید و خبیث جمهوری اسلامی گرفتن این افراد نخبه از انقلاب است. چهره‌های معروفی مثل شهید بزرگوار و کم نظیر ما، مرحوم آیه‌الله بهشتی (رضوان‌الله‌علیه) و برخی از چهره‌های معروف دیگر را همه میشناسند؛ لکن من عرض بکنم ما که تقریباً یک‌یک آن مردان صالح و خدمتگزار را میشناختیم، میتوانیم عرض بکنیم و شهادت بدهیم که هر کدامشان یک پایه‌ی استوار برای آینده‌ی نظام و برای اقامه‌ی نظام جمهوری اسلامی در کشور بودند؛ شخصیت‌های برجسته، صالح، کارآمد،

دارای استعدادهای قوی. و خواستند اینها را که هفتاد و دو نفر بودند، از جمهوری اسلامی بگیرند. اگر هفتصد نفر هم بودند، دست مجرم آن منافقان خبیث، باز هم این کار را میکرد؛ یعنی از کشتار، از نابود کردن، از خونریختن، هیچ ابایی نداشتند؛ بلکه بتوانند نظام جمهوری اسلامی را به زانو دریاورند.

در طول این سالها همیشه همین جور بوده است. امروز هم همین جور است. دشمنان نظام اسلامی از هیچ حرکتی - ضدانسانی، ضدانصاف، ضدعدل، صددرصد جنایت‌آمیز - برای ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ابا ندارند. اگر کاری انجام نمیگیرد، به خاطر این است که نمیتوانند و آن روی قضیه، استحکام نظام جمهوری اسلامی است. شوخی است؟! در یک ساعت حدود هفتاد نفر شخصیت زبده‌ی یک نظام را از او بگیرند - که چهره‌ی برجسته‌ای مثل شهید بهشتی در میان آنهاست؛ در بینشان وزیر کارآمد، نمایندگان کارآمد مجلس، فعالان کارآمد سیاسی حضور دارند - و نه فقط این ضربه تأثیری در هویت و استحکام و ایستادگی نظام نگذارد، بلکه انگیزه و ایمان مردم را بیشتر کند؛ استحکام نظام را بیشتر کند. اینها آن ابعاد بسیار مهم هفتم تیر است. و قوه قضائیه‌ی ما این روز را برای قله‌ی هفته‌ی نیروی قضائی و یادآوری اهمیت نیروی قضائی انتخاب کرده است. اینها با هم مرتبط است.

قوه قضائیه یعنی آن دستگاهی که بخش عظیمی از مقاصد نظام جمهوری اسلامی بستگی به کارائی آن قوه و کارکرد آن دارد. مسئله‌ی عدالت، مسئله‌ی احقاق حق، مسئله‌ی قانونگرایی، ایستادگی در مقابل زورگو، متجاوز، سوءاستفاده‌چی، دادن احساس امنیت و آرامش و طمأنینه به مردم در زندگی، چیزهایی نیست که در نظام جمهوری اسلامی به چشم کم‌اهمیت بشود به آنها نگاه کرد. این وظائفی است که متوجه به قوه قضائیه است؛ قوه قضائیه متکفل و متعهد این کارهاست.

دادن امنیت به مردم یک پایه‌ی مهمش روی دوش قوه قضائیه است. چه امنیت اجتماعی، چه امنیت اقتصادی، چه امنیت اخلاقی، چه امنیت حیثیتی. درست است که دستگاههای گوناگون اجرائی هر کدام به نحوی در این کارها با قوه قضائیه شریکند - مثلاً در امنیت اجتماعی، دستگاههای انتظامی با قوه قضائیه شریکند و باید استقرار امنیت کنند - اما نقش قوه قضائیه در اینجا چیست؟ این است که آن کسی که

متجاوز است، از سوی قوهی قضائیه آنچنان با او برخورد شود که مایه‌ی عبرت شود. یا درست است که مسئولان استقرار امنیت اقتصادی غالباً در دستگاههای اجراییاند - وزارتخانه‌های اقتصادی و دستگاههای پولی و بانکی - و اینها مسئولند؛ اما نقش قوهی قضائیه این است که اگر در مجموعه‌ی این عملکردها و تعامل این دستگاهها با مردم، مفسد اقتصادی به وجود آمد، قوهی قضائیه آنچنان با او برخورد کند که برخوردش موجب عبرت برای کسانی باشد که دستگاه اقتصادی را به فساد میکشانند. این، خود یک عامل مهم در ایجاد امنیت اقتصادی است.

بعضی خیال میکنند - یا این جور وانمود میکنند که خیال کرده‌اند - که برخورد با مفاسد اقتصادی، محل امنیت اقتصادی است. این عکس قضیه است؛ این درست نقطه‌ی مقابل حقیقت است. برخورد با مفسد اقتصادی موجب امنیت اقتصادی است برای غیرمفسد. غیرمفسد کیست؟ اکثریت مردم. مفسد اقتصادی تعداد معدودی هستند؛ سوءاستفاده‌چیه‌ها. با اینها برخورد سخت بشود تا اکثر مردم، اکثر فعالان صحنه‌ی اجتماع که در امر اقتصادی کار میکنند، احساس کنند دارای امنیتند و راه صحیح آن راهی است که آنها پیش گرفته‌اند.

امنیت اخلاقی در جامعه، امنیت فرهنگی و امنیت حیثیتی هم همین‌طور است. در جامعه‌ی اسلامی، حیثیت افراد نباید مورد تلاعب دست افرادی قرار بگیرد که هیچ احساس مسئولیتی نمیکند. دستگاهها باید برخورد کنند. آبروی افراد را بردن، اتهام به افراد وارد کردن، اشخاص را بدون دلیل - از مسئول و غیرمسئول - زیر سؤال بردن، درباره‌ی آنها شایعه ایجاد کردن، چیزی است بر خلاف احکام اسلامی؛ بر خلاف شرع اسلامی است؛ بر خلاف رویه‌ی اسلامی است. فرض بفرمائید به یک نفر تهمت سوءاستفاده‌ی مالی بزنند، که تا او بیاید ثابت بکند چنین چیزی نبوده، زمان زیادی صرف خواهد شد. این چیزها؛ امنیت حیثیتی در جامعه‌ی اسلامی، امنیت آبرویی، مسأله‌ی مهمی است و باید به آن توجه بشود. قوهی قضائیه در این زمینه و در استقرار این امنیت نقش دارد.

در همه جا نقش قوهی قضائیه این است که با متخلف، برابر قانون برخورد کند. کسی که تخلف کرد، بر حسب قانون، متخلف سر جای خود نشانده شود، که اینها همه در

ساخت نظام اسلامی و در زندگی صحیح و در رسیدن به اهداف جمهوری اسلامی نقشهای بسیار مهمی دارند.

من باید از مجموعه‌ی قوه، فعالان قوه، بخصوص رئیس محترم قوه‌ی قضائیه - که بحمدالله فقیه، عالم، آشنا و بصیر هستند - به خاطر تلاشهایی که انجام گرفته است، تشکر کنم. همان‌طور که در گزارش گفتند - به من هم گزارش داده شده است - در بخشهای مختلف، فعالیتهای وسیعی صورت گرفته است. من آن چیزی را که به عنوان توقع عرض میکنم - هم به جناب ایشان، هم به مسئولان قوه‌ی قضائیه - این است که نگاه کنید به خروجی قوه. ممکن است ما کار زیادی هم انجام بدهیم، اما محصول زیادی به دست نیاید. این معنایش چیست؟ معنایش این است که این کار ما، با اینکه به لحاظ کمیّت مطلق زیاد است، اما به لحاظ کمیّت نسبی کم است؛ بیشتر باید کار کرد. اگر کسی بگوید که من در هفته صد ساعت کار میکنم، این صد ساعت، نسبت به یک نفر خیلی زیاد است؛ اما نسبت به بعضی از کارها و بعضی از افراد، صد ساعت، زمان کمی است. باید کمیّت نسبی را نگاه کرد. راهش این است که به خروجیها نگاه کنید. ببینید آنچه انجام گرفته، مطلبی را که من در سالهای گذشته یکی دو مرتبه گفته‌ام، آن را تأمین کرده یا نه. و آن، این است که قوه‌ی قضائیه از نظر مردم به عنوان یک ملجأ و پناه، احساس بشود و دیده بشود؛ دل مردم این‌جوری گواهی بدهد. به هر کس ظلم شد، هر کس احساس کرد به او ظلم شده، به خودش، در دلش، به دیگران، بگوید میروم قوه‌ی قضائیه و مشکلم را حل میکنم؛ یک چنین نگاه امیدوارانه‌ای به قوه‌ی قضائیه باید در کل جامعه شکل بگیرد. این اگر شده باشد، شما به مقصودتان رسیده‌اید؛ اگر نشده باشد، پس باید هنوز کار کنید. به خروجیها نگاه کنید. باید کاری کنید که قوه‌ی قضائیه بشود ملجأ و پناه برای همه؛ از عالی و دانی.

شکی نیست که یک عده‌ای از قوه‌ی قضائیه همیشه ناراضی خواهند بود. «و ان یکن لهم الحقّ یأتوا الیه مذعنین». قرآن میگوید اگر در قضاوتی که پیش پیغمبر میکنند، حق به طرف آنها داده بشود، قبول میکنند؛ اگر حق به طرف مقابل داده بشود، نه؛ اعتراض میکنند! زیر بار نمیروند! همیشه همین‌جور است. لکن در کل جامعه، آن قوه‌ی قضائیه‌ای که قاطع، به قانون و وظائف خود عمل میکند و ملاحظه‌ی کسی را نمیکند و با متخلف به طور جدی برخورد میکند - مخصوصاً اگر متخلف در داخل خود قوه باشد،

بشدت با آن برخورد میکند - با یک چنین قوهی قضائیه‌ای، مردم دلشان و پشتشان گرم میشود. این را باید حاصل کرد؛ این را باید به دست آورد. البته این احتیاج دارد به تدابیر گوناگون؛ همین چیزهایی که در این گزارش اشاره کردند؛ تقویت همینها و پیشبرد همینها. همین فناوری نوین که گفته شد، همه جا مستقر بشود؛ همه‌ی کارها مشخص بشود؛ دسترسی به اطلاعات برای مسئولان بالای قوهی قضائیه در هر لحظه‌ای مهیا باشد. نظارت هم باشد، که من بر روی نظارت هم در دیدارهای قبلی تکیه کرده‌ام؛ نظارت بر کارکرد قوهی قضائیه. از همه بالاتر، برنامه‌ای و نظام‌مند عمل شدن در قوهی قضائیه است، که مدیریتها نظام‌مند و برنامه‌ای باشد.

خوشبختانه از اول این دوره‌ی پنج‌ساله، کارهای خوبی انجام گرفته. من اصرار دارم که در این دو سالی که از این دوره‌ی پنج‌ساله‌ی کنونی باقی است، این کارهای با شدت ادامه پیدا کند. مبادا طوری باشد که حرکت ما در اول دوره، با حرکتان در آخر دوره تفاوت کند. من به دولتها هم همیشه این سفارش را میکنم.

قوهی قضائیه باید مثل یک موجود زنده به طور دائم به خود پردازد و پیش برود و حرکت بکند. زمانهای خوبی، فرصتهای خوبی در اختیار شماست. این هماهنگی بین قوای سه‌گانه، نعمت بزرگی است؛ آسان هم به دست نیامد. بعضیها دوست داشتند - شاید حالا هم دوست داشته باشند - که دائم بین قوای مملکت درگیری و ستیزه و چالش باشد. امروز بحمدالله انسجام هست؛ همراهی هست. البته این مانع از این نمیشود که قوا هر کدام به وظائف خودشان عمل کنند. قوهی قضائیه در جنب قوهی مجریه و قوهی مقننه به وظائف خودش قاطع عمل بکند. قوهی مقننه در جنب قوهی قضائیه و قوهی مجریه به وظائف خودش قاطع عمل کند. همه به وظائف خودشان عمل کنند؛ اما با هم همدل باشند و همکاری کنند. این، فرصت بسیار بزرگی است. از این فرصت مسئولان محترم قوه، مدیران باارزش قوهی قضائیه، حداکثر استفاده را ان شاءالله بکنند، تا ما بتوانیم این نمونه‌ی قضای اسلامی - نه فقط دادگاه اسلامی را، بلکه مجموعه‌ی دستگاه قضای اسلامی را که شامل دادگاهها و دادسراها و سازمانهای وابسته و حبس و غیره است، بر طبق نظر اسلام که فعلاً در قانون اساسی ما و قوانین ما متبلور و متجسم است - را ان شاءالله شسته، رفته و ملموس، در زندگی مردم قرار بدهیم.

دعا میکنیم خداوند متعال زحمات شما را مشکور و مأجور بدارد و بهترین تحیات را به ارواح مطهر شهدای عزیزمان، بخصوص شهدای هفتم تیر، بخصوص شهید عزیز، شهید بهشتی (رضوان الله تعالی علیه) که پایه‌گذار قضا و دادگستری جدید بود، نازل بفرماید و ان شاء الله قلب مقدس ولیعصر را از همه‌ی ما راضی و خشنود گرداند و ما را مشمول دعای خیر آن بزرگوار قرار بدهد.

والسلام علیکم و رحمة الله

حضور رهبر انقلاب بر سر مزار شهید آیت‌الله صدوقی |

| ۱۳۸۶/۱۰/۱۲ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در نخستین روز از سفرشان به استان یزد، امروز همچنین بر سر مزار شهید آیت‌الله صدوقی -سومین شهید محراب- در مسجد روضه‌ی محمدیه (حظیره) حضور یافتند و با قرائت فاتحه برای ایشان علو درجات را مسألت کردند.

حضور رهبر انقلاب بر سر مزار شهدای ابرکوه

| ۱۳۸۶/۱۰/۱۵ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی امروز با حضور در مزار شهدای ابرکوه، ضمن قرائت فاتحه، به مقام شامخ این شهدا ادای احترام کردند.

حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای خلدبرین یزد

| ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی امروز همچنین با حضور در گلزار شهدای خلد برین یزد، ضمن قرائت فاتحه به مقام شامخ شهدای این شهر ادای احترام کردند.

دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان یزد با رهبر انقلاب

۱۳۸۶/۱۰/۱۳



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای عصر امروز در دیدار خانواده‌های معظم شهیدان، جانبازان و آزادگان با ایشان، شهدا و ایثارگران را ریشه‌های درخت تناور نظام اسلامی خواندند و تأکید کردند: پدیده‌ی عظیم و تاریخی حیات دوباره‌ی اسلام و بیداری امت اسلامی به برکت نهضت مردم ایران و فداکاری خانواده‌های شهدا شکل گرفته و در همین سه دهه به اندازه‌ی صدها سال به پیش رفته است.

ایشان با اشاره به شجاعت، پایداری و عزم راسخ شهدا در کارزار نابرابر جنگ تحمیلی افزودند: شهیدان نه فقط افتخار ملت ایران، بلکه حقیقتاً افتخاری برای نسل امروز بشر هستند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای جانبازان را شهیدان زنده خواندند و با یادآوری برخی مشکلات و دشواری‌های جانبازی تصریح کردند: هر لحظه‌ای که این عزیزان درد و دشواری جانبازی را با یاد خداوند تحمل و شکر می‌کنند، اجر مجاهدت دارند و اگر با همین روحیه خدا را ملاقات کنند، اجر شهید نصیب آنان خواهد شد.

رهبر انقلاب اسلامی با ستایش از صبر و استقامت و جایگاه رفیع خانواده‌های شهیدان و ایثارگران، آنان را ستون‌ها و پایه‌های عظیم نظام اسلامی برشمردند و قدرشناسی از این عزیزان را وظیفه‌ای همگانی دانستند.

ایشان فداکاری را لازمه‌ی هر پیشرفت و تحول خواندند و با اشاره به برافراشته‌شدن پرچم اسلام به دست ملت ایران افزودند: به برکت انقلاب ملت ایران، گرایش به دین و معنویت در جهان سراسر مادّیت امروز، احیا شد و ملت ایران در چشم جهانیان عزیز و مقتدر گردید و این افتخار در درجه‌ی اول متعلق به شهدا، ایثارگران و خانواده‌های آنان است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به انگیزه‌ی جوانان کشور برای حضور در عرصه‌های مجاهدت سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی افزودند: جوانان امروز نیز پرچمداران ایثار و فداکاری در راه اعتلای اسلام و ایران اسلامی هستند و این ملت با توکل به خدا همچنان به پیمودن راه پرافتخار شهیدان ادامه می‌دهد.

ایشان در پایان، یاد شهید محراب آیت‌الله صدوقی و چهار هزار شهید استان یزد را گرامی داشتند.

در ابتدای این دیدار، پدر شهیدان اشرف و خانم فاطمه راسخی‌نژاد -همسر شهید و خواهر جانباز- به رهبر انقلاب اسلامی خیر مقدم گفتند.

بیانات در دیدار جانبازان و ایثارگران و خانواده‌های شهدای استان فارس

| ۱۳۸۷/۰۲/۱۳ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمّد و علی اله الأطیبین الأطهرین سیما بقیة الله فی الأرضین.

اگر چه در حوادث انقلاب، شگفتیهای بی نظیر کم نیست و از آغاز نهضت بزرگ ملت ایران - که به انقلاب اسلامی منتهی شد - تا پیروزی انقلاب و از پیروزی انقلاب تا امروز، در طول دوران مبارزه و انقلاب، حوادث شگفت‌انگیز و بی نظیر یکی پس از دیگری چشم و دل را به خود متوجه میکند؛ اما در میان این حوادث شگفت‌انگیز، مسئله‌ی شهید یک ویژگی استثنائی دارد.

هر آنچه که مربوط به وجود نورانی شهید است، شگفتی است. انگیزه‌ی او برای حرکت به سمت جهاد - که در دنیای مادی و در میان این همه انگیزه‌ی رنگارنگ جذاب، یک جوانی برخیزد، قیام لله کند و به سمت میدان مجاهدت حرکت بکند - این خود یک شگفتی است؛ پس از آن، تلاش او، در معرض خطر قرار دادن خود در میدانهای نبرد، کارهای برجسته‌ی او در میدانها، شجاعتها و شهامت‌هایی که هر سطری از آن میتواند یک سرمشق ماندگار و نورانی باشد هم یک شگفتی است؛ و پس از آن رسیدن به شوق وافر و کنار رفتن پرده‌ها و حجابهای مادی و دیدن چهره‌ی معشوق و محبوب - که در

حرکات شهدا، در حرفهای شهدا و در روزهای نزدیک به شهادت، همیشه جلوه‌گر بود و نقلهای فراوانی در این زمینه هست - این هم یکی از شگفتیه‌هاست. در میان همین شهدای عزیز شما شیرازیها و فارسیها، در یک وصیت‌نامه‌ای خواندم که شهید میگوید: من بیقرارم، بیقرارم! آتشی در دل من است که مرا بیتاب کرده است؛ به هیچ چیز دیگر آرامش پیدا نمیکنم مگر به لقاء تو؛ ای خدای محبوب عزیز! این سخن یک جوان است! این همان چیزی است که یک سالک و یک عارف، بعد از سالها مجاهدت و سالها ریاضت ممکن است به آنجا برسد؛ اما یک جوان نوحاسته، در میدان نبرد و در میدان جهاد آنچنان مشمول تفضل الهی قرار میگیرد که این ره صد ساله را یکشنبه میپیماید و این احساس بیقراری و شوق، از سوی پروردگار پاسخ مناسب مییابد. خود این شوق هم لطف خدا و جاذبه‌ی حضرت حق متعال است. این شگفتی بزرگی است.

و بعد خون شهید است. خانواده‌ی شهید، مادر شهید، پدر شهید، همسر و فرزندان شهید، برادران و خواهران و نزدیکان و دوستان شهید - که اگر این جوان با مرگ معمولی از دنیا رفته بود، اینها گریبان پاره میکردند و صبر نمیکردند - در مقابل خون این شهید، آنچنان صبر و متانت و آرامش و استقامتی نشان میدادند که انسان متحیر میماند. مادر دو شهید به من گفت: من بچه‌هایم را خودم دفن کردم، در خاک گذاشتم و دستم نلرزید! پدر چند شهید گفت: اگر چند برابر اینها من بچه داشتم، حاضر بودم آنها را در راه خدا بدهم! این چه عنصری است؟ این چه جوهری است؟ این چه برق درخشنده‌ای است که خدا در دل حادثه‌ی شهادت قرار داده است که این جور دنیای تاریک را روشن میکند؟ هشت سال ملت ایران با این برق درخشان در دل مرد و زن خود، همراه بود. و خدا دستگیری کرد؛ خدا کمک کرد.

شهدا پیشرو و پیشگام بودند و سنگر دوم، خانواده‌های شهیدان و دیگر ایثارگران. رفتند جلو، مانعها را از سر راه برداشتند و توانستند یک ملتی را که چند قرن او را به بیحالی و تسلیم در مقابل زورگویان عادت داده بودند، تبدیل کنند به این ملت بانشاط، سرافراز، پرافتخار و با عزم و اراده‌ی مستحکم و راسخ. این کار را شهدای ما کردند؛ این کار را رزمندگان ما کردند؛ این کار را جانبازان ما کردند؛ این کار را استقامت آزادگان ما در زندانهای دشمن کرد؛ این کار را شما خانواده‌های شهدا کردید. حق شما بر گردن ایران و ایرانی تا ابد باقی است و تاریخ ایران باید نسبت به خانواده‌ی شهدا، حق‌گذاری کند.

بیش از چهارده هزار و پانصد شهید از استان فارس و شهر شیراز! این شوخی است؟ شیرازی که سیاستهای استعماری تصمیم گرفته بود آن را به مظهر بیندوباری و بیاعتنائی به اصول و ارزشهای دینی تبدیل کند؛ شیرازی که مایل بودند در آن هیچ چیز جز جلوه‌های حیوانی منحن وجود نداشته باشد و در آن از اصالت‌های دین خبری نباشد. برای این سیاستگذاری کردند؛ اقدام هم کردند. اما جواب مردم شیراز و مردم استان فارس و تودهنی شما به دشمن، چهارده هزار و پانصد شهید، بیش از سی و چهار هزار جانباز و بیش از دو هزار و پانصد آزاده بود. سلام بر شما! رحمت خدا بر شما!

شیراز مأمّن امامزادگان بزرگوار بود؛ در هیچ نقطه‌ای از کشور به قدر فارس، مرقد امامزاده وجود ندارد. معنای این حرف این است که از هر کجا امامزاده‌ها و فرزندان معصومین، یا از جور خلفا میگریختند و یا به امید کمک مردم حرکت میکردند، متوجه شهر شیراز یا شهرهای دیگر استان فارس میشدند. آن معنویتی که شخصیتی مثل شهید بزرگوار مرحوم آیت‌الله دستغیب مظهر آن معنویت بود، از این خانواده و از این مرکز فیاض تمام نشدنی اهل بیت (علیهم‌السلام) سرچشمه گرفته است. این عمق انگیزه‌ی دینی را نشان میدهد. این نورانیت، شخصیتی مثل شهید دستغیب میسازد و میپروراند و نفس گرم آن شهید عزیز، در این منطقه این همه دل جوان و جوینده را شیدای معنویت میکند؛ دل‌های جوانی که از همان روزهای اول به میدانهای جنگ رفتند.

من دیروز در جمع نظامیان مستقر در شیراز گفتم: اول انقلاب و اوائل جنگ تحمیلی، در دورانی که جبهه‌ها از همه طرف محنت‌بار بود و اکثر خرمشهر زیر چکمه‌ی اشغالگران بود، بنده به منطقه‌ی آبادان و این بخش خرمشهر رفتم؛ یک عده جوان با اخلاص نورانی پرشور، با سلاحهای ابتدائی به آنجا آمده بودند برای این که بجنگند؛ گفتم: از کجا آمده‌اید؟ گفتند: از شیراز. در سرتاسر دوران جنگ تحمیلی بچه‌های استان فارس - چه در لشکر فجر، چه در لشکر المهدی و چه در یگانهای ارتشی که در شیراز مستقرند و بسیاری از کارکنان آنها شیرازی یا اهل شهرهای استان فارسند - وجودشان اثرگذار و نمایان بود. این نفس گرمی که این همه جوان را در راه دفاع از اسلام، دفاع از استقلال ملی، دفاع از کشور و دفاع از بزرگترین حادثه‌ی تاریخ ما - یعنی انقلاب اسلامی - این جور به میدان کشانده بود، نفس گرم مردان بزرگی مانند مرحوم آیت‌الله شهید دستغیب و دیگران، و پشت سر همه و قویتر از همه نفس گرم امام بود. این یکی

از آن شگفتیهای بسیار برجسته‌ی انقلاب ماست!

عزیزان من! امروز سالها از آن دوران میگذرد. خیلی از شما جوانها دوران دفاع مقدس را ندیدید و درک نکردید؛ بعضی هم خاطره‌ی مبهمی از آن دارید. گذر زمان، حوادث را لحظه به لحظه از انسان دورتر میکند. بعضی از حوادث فراموش میشوند، مثل یک موج ضعیفی که از انداختن یک سنگی در یک استخر آبی به وجود می‌آید - موجی هست، اما هر چه میگذرد، لحظه به لحظه ضعیف‌تر میشود و دقیقه‌ای نمیگذرد که دیگر خبری از آن موج نیست - لکن بعضی از حوادث نقطه‌ی عکسند و گذر زمان آنها را ضعیف و کم‌رنگ نمیکند، بلکه برجسته‌تر میکند. یک نمونه‌ی آن، حادثه‌ی عاشورا است.

در روز عاشورا کسی نفهمید چه اتفاق افتاد. عظمت آن حادثه، عظمت جهاد جگرگوشه‌ی پیغمبر و یاران و نزدیکانش و همچنین عظمت فاجعه‌ی کشته شدن فرزندان و نوردیدگان پیغمبر بر کسی روشن نبود. اکثر کسانی که آنجا بودند هم نفهمیدند. آنهایی که در جبهه‌ی دشمن بودند، آن قدر مست و آن قدر غافل و آن قدر از خود بیگانه بودند که نفهمیدند چه اتفاقی افتاد! مستان عالم، مستان غرور و شهوت و غضب و مستان حیوانیت، نمیفهمند در عالم انسانیت چه دارد اتفاق میافتد؛ بله، زینب سلام‌الله‌علیها خوب فهمید، سکینه خوب فهمید، آن زنها و دخترهای مظلوم خوب فهمیدند چه اتفاقی افتاد؛ این مال روز عاشورا است. اما هر روزی که از روز عاشورا جلوتر رفتیم - روز دوازدهم در کوفه، چند هفته بعد در شام، چند هفته بعد در مدینه و اندکی بعد در همه‌ی دنیای اسلام - این حادثه به سرعت برق، عظمت و اهمیت خودش را نشان داد. هنوز دو سال از این حادثه نگذشته بود که آن طغیانگرِ فرعون‌ی که عامل این حادثه بود، از روی زمین برفتاد و نابود شد و چند سالی بیش نگذشته بود که آن خانواده نابود شدند. خانواده‌ی دیگری از بنیامیه سر کار آمدند؛ چند ده سالی نگذشت که آن خانواده هم مضمحل و نابود شدند. دنیای اسلام روز به روز به مکتب اهل بیت نزدیکتر، دل‌بسته‌تر و مشتاقتر شد و این حادثه توانست پایه‌های عقیده‌ی اسلامی و مکتب اسلام را در طول تاریخ استوار کند. اگر حادثه‌ی کربلا نبود، ما امروز از مبانی و اصول اسلام هم چندان خبری نمیداشتیم و شاید فقط نامی از اسلام به گوش ما میخورد. این خون مقدس و این حادثه‌ی بزرگ، نه فقط کوچک نشد، کم‌رنگ نشد، ضعیف نشد، بلکه روزبه‌روز قویتر و برجسته‌تر و اثرگذارتر شد؛ این یک نمونه‌ی برجسته

است.

انقلاب شما و شهادت شهیدان شما هم از همین قبیل است. در اول حادثه‌های زلزله‌گون بود؛ خیلیها تحلیل کردند: یک زلزله است، میگذرد و فراموش میشود! اما این جور نشد؛ عکس شد. امروز در اعماق دل ملت‌های مسلمان، مفاهیم انقلاب اسلامی روز به روز رسوخ بیشتری پیدا میکند؛ این نه حرف من، بلکه محصول تحلیلهای کسانی است که دشمن‌ترین دشمنان‌شان، ملت ایران و انقلاب اسلامی است! آنها میگویند؛ آنها شهادت میدهند. اینیکه میبینید تهدید میکنند و علیه ملت ایران عریده میکشند، به خاطر همین تحلیل است؛ میترسند! میبینند این حادثه خاموش نشد؛ میبینند این موج کمرنگ نشد و مرتب برجسته‌تر و گسترده‌تر و عمق آن بیشتر میشود؛ لذا میترسند.

یک روزی آنها خیال کردند توی این کشور انقلاب تمام شده؛ علت هم این بود که چند تا آدم غافل و نادان یا گفتند: انقلاب تمام شد، یا گفتند: اسم شهدا را دیگر نیاورید، یا گفتند: امام را باید به موزه‌ی تاریخ سپرد و از این حرفها! آن بیعقلهائی که از این حرفها میخواستند برای سیاستهای خودشان تحلیل درست کنند، باور کردند؛ خیال کردند انقلاب تمام شد. امروز که انسان نگاه میکند، آثار یأس از آن تحلیل را در سخنان و در تحلیلهایشان میبیند. از ملت ایران، از عظمت ایران، از استقلال ایران و از استعداد جوانهای ایران، احساس واهمه میکنند.

چرا پیشرفت علمی یک ملت و یک کشور، از نظر یک جماعتی در دنیا تهدیدآمیز است؟! چرا؟! چون انحصارطلبند؛ چون سلطه‌طلبند؛ چون ایران را طعمه فرض کرده‌اند. خواستند این کشور را با ذخائر و با موقعیت جغرافیائی ممتاز و برجسته‌اش، یک جا ببلعند. بیداری ملت ایران، بیداری جوان ایرانی و استعداد و درخشندگی پیشرفت علمی جوان ایرانی، نمیگذارد. لذا پیشرفت فناوری شما، انرژی هسته‌ای شما و پیشرفتهای علمی دیگر شما، آنها را عصبانی میکند. بله، اگر ملت ایران بیخیال و جوان ایرانی بیفکر باشد - دنبال علم و دنبال کار و دنبال تولید و دنبال نوآوری نرود و همین‌طور به عیش و عشرت بگذراند - آنها خوشحال میشوند. آنها این را میخواهند؛ آنها نمیخواهند شهر شیراز، یک مرکزی باشد که در آن پیشرفت علمی هست - که من گفتم شیراز شما، از لحاظ پیشرفت صنعتی در خط مقدم شهرها و استانهای کشور قرار دارد و در بعضی

از رشته‌های علمی، جوانها و مردان و زنان شما در دنیا آوازه پیدا کرده‌اند - آنها این را نمیخواهند. آنها نمیخواهند که دانشگاه ما، حوزه‌ی علمیه‌ی ما، آزمایشگاه ما و محیط تولید ما، پر رونق باشد. آنها دلشان میخواهد اختلاط دختر و پسر و آمیزشهای شهوانی و غفلت و عشرت و اینها، بر زندگی مردم غلبه پیدا کند؛ آنها این را میخواهند. شما عکس این را عمل کردید؛ علت عصبانیت امریکا و صهیونیستها و این همه تبلیغات این است.

بعضیها میگویند آقا! چرا دشمنی امریکا را تحریک میکنید؟ خب، اگر بخواهیم دشمنی امریکا را تحریک نکنیم، باید بگیریم بخواهیم، از کار و تلاش دست برداریم و افتخارات خودمان را فراموش کنیم! آن وقت امریکا از ما ممنون خواهد شد؛ امریکا این است. آیا ملت ایران به این راضی است؟! آنها به خاطر این که فلان مسئول در کشور فلان حرف را زده است یا سیاست ما فلان جور حرکت کرده است، با ما دشمن نیستند؛ نه، آنها به خاطر بیداری ملت ایران با ما دشمنند. هر جا کانون بیداری است، آماج مهمتری برای حمله‌ی دشمنان این ملت است. شما نگاه کنید، ببینید هر جایی که بیداری از آن جا میتراود و هشیاری و انگیزه و آمادگی جوانان ملت از آن جا بیشتر بروز و درخشش پیدا میکند، با آن جا بیشتر دشمنند. با خانواده‌های شهدا دشمنند.

الحمدلله خانواده‌ی شهدای شیراز اینگونه‌اند؛ ببینید چه انگیزه‌ای و چه احساس افتخاری بر این فضا و بر این محیط سایه افکنده! درستش همین است؛ افتخار کنید. حقیقتاً افتخار دارد که انسان عزیزش را و جوانش را در راه خدا بدهد و بداند که خدای متعال را با این کار خشنود کرده است؛ «صبرا و احتسابا»، پای خدا حساب کند. بداند که این عزیزی که در راه خدا داد، یک سنگری بود که در مقابل هجوم دشمنان به عزت و به استقلال این ملت، برافراشته شد. هر کدام از شهدای شما یک سنگرند؛ این افتخار دارد؛ جانبازان هم همین جورند. جانبازان هم شهدای زنده‌اند؛ شما جانبازان عزیز هم مثل شهدا هستید؛ شهید هم همین ضربه‌ای را که جانباز تحمل کرده است، او هم تحمل کرده؛ سرنوشت او پرواز و رفتن بود، سرنوشت این فعلاً ماندن. خانواده‌ی شهدا، پدر و مادر شهید، همسر شهید، فرزندان شهید، برادران و خواهران و خویشاوندان شهید، پدران و خواهران و همسران جانبازان باید افتخار کنند.

یکی از چیزهایی که من همیشه احساس میکنم، احترام به همسران جانبازان است. بعضی از این بانوان عزیز، این جانباز را با همین جانبازیش قبول کردند و پذیرفتند؛ آفرین! بعضیشان جوان رعنائی را که با او ازدواج کردند، ناگهان دیدند به یک ازپافتاده و به یک جانباز تبدیل شد؛ پذیرفتند و استقبال کردند؛ آفرین! همسران جانبازان خیلی بارزشند. همسران شهدا - که جوانان عزیز را تربیت کردند - خیلی بارزشند. من در شرح حال شهدای شیراز، دیدم که تعدادی از فرزندان شهدای شیراز و استان فارس، رتبه‌های علمی بالا و رتبه‌های تحقیقی بالا به دست آورده‌اند. این چه جور به دست می‌آید؟! با مجاهدت آن مادر، آن همسر شهید، آن شیرزن و آن مجاهده‌ی فی‌الله؛ جهاد او این است: «حسن التبعّل»؛ حسن التبعّل یعنی این؛ یعنی آبروی شوهر را حفظ کردن؛ شخصیت شوهر را حفظ کردن؛ این حسن التبعّل است؛ یک نمونه‌اش همین است که شوهر رفت در راه خدا؛ بچه‌هایش و جوجه‌هایش را در آغوش رعایت خودشان و با تربیت خودشان آن چنان بزرگ کنند که اینها احساس افتخار کنند و راه شهید را ادامه بدهند.

من آخرین عرض به شما این است: عزیزان! اگر شهیدان عزیزند - که عزیزترینند - اگر برای ما گرامیند - که گرامیترینند - گرامیداشت آنها به معنای این است که ما راهشان را ادامه بدهیم و اهدافشان را دنبال کنیم. دنبال کردن راه آنها یعنی بایستی اهداف جمهوری اسلامی و ارزشهای اسلامی - این پایه‌های مستحکم و این شاخصهای نمایان که میتواند این ملت را به اوج افتخار دنیوی و اخروی برساند - در نظر داشته باشیم و دنبال کنیم. زن و مرد در این جهت یکسانند؛ پسران و دختران شهید، برادران و خواهران شهید و آنهایی که نسبتی با شهید دارند در این جهت یکسانند. هر چه به شهید نزدیکترید، افتخارتان بیشتر و مسئولیت‌تان سنگین‌تر است. کشور مال شماست؛ کشور مال جوانهاست؛ آینده مال شماست. آنهایی که رفتند، رفتند و راهها را گشودند؛ من و شما که مانده‌ایم باید از این راههای گشوده حرکت کنیم و پیش برویم. والا اگر آنها راه را باز کنند و ما بنشینیم و دست روی دست بگذاریم و تماشا کنیم، این قدرشناسی و نمکنشناسی است. نمکنشناسی در قبال شهدا این است که وقتی آنها راه را باز کردند، ما از این راه حرکت کنیم و پیش برویم. این امروز وظیفه‌ی ماست و ملت ایران این وظیفه را انجام میدهد و مسئولین کشور بحمدالله به این وظیفه متعهد و پایبندند و

شعارهای اسلامی و مبانی و اصول اسلامی برای آنها اصلیت‌ترین پرچمها و شعارهاست. ان‌شاءالله این ملت با این عزم، با این روحیه، با این جوان و با این مشعلهای درخشانی که از خون شهیدان برافروخته‌شده و فضا را روشن کرده، خواهد توانست به بلندترین و دورترین آرزوهای خودش برسد.

پروردگارا! رحمت و مغفرت خود را بر شهیدان نازل کن. پروردگارا! رحمت و لطف و فضل خود را بر خاندان شهیدان نازل کن. پروردگارا! ما را با شهیدان محشور کن. پروردگارا! مرگ ما را جز به شهادت در راه خودت قرار مده. پروردگارا! دعای امام بزرگوار، دعای شهیدان، دعای شهید دستغیب و برتر و بالاتر از همه دعای حضرت ولیعصر (ارواحنا فداه) را شامل حال ما بگردان.

والسّلام علیکم ورحمةالله و برکاته

حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای کازرون |

| ۱۳۸۷/۰۲/۱۶ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای روز دوشنبه با حضور در گلزار شهدای کازرون، ضمن قرائت فاتحه، از مقام شامخ شهیدان این منطقه تجلیل کردند.

حضور رهبر انقلاب در بهشت زهراى نورآباد ممسنى |

| ۱۳۸۷/۰۲/۱۵ |



رهبر انقلاب اسلامى امروز (يكشنبه) با حضور در بهشت زهراى نورآباد ممسنى و مزار شهداء، ضمن قرائت فاتحه، به مقام شامخ شهداى اين منطقه اداى احترام كردند.

حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای لار

۱۳۸۷/۰۲/۱۹



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای امروز با حضور در گلزار شهدای شهر لار، ضمن قرائت فاتحه، از مقام شامخ شهدا تجلیل و برای آنان علو درجات مسألت کردند.

دیدار جمعی از زندانیان آزاد شده از بند رژیم های مستبد

| ۱۳۸۷/۱۱/۱۳ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار گروهی از زندانیان آزاد شده از بند رژیم‌های مستبد با اشاره به لحظات دشوار و تلخ دوران اسارت خاطرنشان کردند: شما با مجاهدت و صبر خود در زندان، نهضت عظیم و جهانی بیداری اسلامی را گام‌هایی به پیش بردید. ضمن آن که هر لحظه از مقاومت شما نزد خداوند مأجور و دارای حسنة است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با مقایسه‌ی وضع کنونی رژیم صهیونیستی و دولت آمریکا با بیست سال قبل خاطرنشان کردند: قدرت‌های سلطه‌گری که چندی پیش خود را در نهایت عظمت می‌دیدند، اکنون احساس ضعف و زوال می‌کنند و با استمرار این مجاهدت‌ها، نشانه‌های پیروزی و قدرت الهی بیش از پیش ظاهر خواهد شد.

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر شکست‌ناپذیری راه خدا و انبیاء الهی خاطرنشان کردند: همان‌طور که خداوند به صبر و مقاومت مجاهدان لبنانی و فلسطینی برکت داد و آنان در جنوب لبنان و غزه پیروز شدند، دیگر مجاهدان نیز إن شاء الله طعم شیرین پیروزی را خواهند چشید.

در این دیدار سمیر قنطار، شیخ عبدالکریم عبید و مصطفی دیرانی -مجاهدان آزاد شده از بند رژیم صهیونیستی- جبار موات کسار و فاضل الموسوی -زندانیان آزاد شده از

بند رژیم بعثی صدام- و تعدادی از زندانیان آزادشده از بند دیگر رژیم‌های مستبد و خانواده‌های آنان حضور داشتند.

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان

| ۱۳۸۸/۰۲/۲۲ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عطر شهادت را که در حقیقت یک شمیم بهشتی در زندگی مادی ماست، انسان در این جلسه‌ی صمیمی و سرشار از محبت و معنویت احساس میکند. اولاً تشکر میکنم از یکایک برادران و خواهران عزیز و خانواده‌های شهدا که امروز با تشریف‌فرمائی خود در این مجمع، این فرصت و این امکان را به بنده دادند که در جمع خانواده‌های عزیز شهیدان حضور پیدا کنم و از نفس قدسی شهدای عزیزمان که شما بازمانده‌های آنها هستید، بهره‌ی معنوی و روحی ببرم. بالخصوص از این عزیزانی که برنامه اجرا کردند؛ چه آن فرزندان شهید که مطالبی را با شعر و نثر، بسیار زیبا در اینجا بر زبان آوردند و چه از این نوجوانان عزیز که سرود خودشان را اجرا کردند و بهره بردیم، تشکر میکنم.

من در همه‌ی سفرها به زیارت خانواده‌های شهدا مفتخر میشوم و با آنها ملاقات میکنم و روح معنویت را در همه‌ی استانها و شهرهایی که اجتماعات مشابه با این اجتماع در آن تشکیل میشود، لمس میکنم، حس میکنم؛ ولی میخواهم عرض کنم شهدای کردستان و خانواده‌های این شهیدان خصوصیاتى دارند که در دیگر استانها کمتر دیده میشود و غالباً دیده نمیشود. این خصوصیات یکی این است که شهیدان این خطه مظلومانه‌تر و غریبانه‌تر به شهادت رسیدند و خانواده‌های آنها صبر دشوارتری کردند. چرا؟ چون

عوامل دشمنان انقلاب و دشمنان کشور در این استان وضعیت و فضائی را بخصوص در سالهای اول برای خانواده‌های شهیدان به وجود می‌آوردند که زندگی در آن فضا برای پدران، مادران، برادران، خواهران، گاهی از اصل شهادت مشکل‌تر بود. آن ضد انقلاب و آن سرانگشتان پلیدی که قصد داشتند کردستان را به مرکز جنگ داخلی و برادرکشی در کشور تبدیل کنند، به این اکتفا نکردند که بهترین جوانان این استان و این مردم را به خاک و خون بکشند، بلکه خانواده‌های آنها را هم در دورانی نسبتاً طولانی زیر فشار قرار میدادند. این خانواده‌ها در سایر استانهای کشور مصیبتشان فقط همین بود که عزیزشان از دستشان رفته بود. در یک فضای گرم و پر از شور و نشاط، مردم نام عزیزان شهید اینها را بر سر دست می‌گرفتند و به آنها افتخار میکردند؛ اما در کردستان موارد زیادی اتفاق افتاد، ما هم مطلع شدیم و مطلع بودیم که دشمنان این استان، دشمنان این کشور، به خانواده‌های شهید هم فشار وارد میکردند؛ فشار روانی، فشار جسمی و فشار امنیتی. البته این فشارها نتیجه نداشت و آنها را در چشم این مردم رو سفید نکرد، رو سیاه‌تر کرد. مردم کردستان اگر چه به عطوفت و مهربانی و مهمان‌نوازی، به روحیه‌ی سرشار از مهر و محبت مشهور هستند - و همین جور هم هست - در عین حال به رشادت، به شهامت، به دلیری و دلاوری هم مشهورند و دشمنان این ملت نتوانستند پشت خانواده‌های شهدا را خم کنند.

من در سفر قبلی به سنندج پدر خانواده‌ای را زیارت کردم که شش فرزندش شهید شده بودند. من این را در کمتر جای کشور دیدم. شش فرزند! سه تا از این فرزندان در میدانهای نبرد و سه تا در حال راهپیمائی با مباران دشمن بعثی. شش پاره‌ی تن به شهادت برسند، این پدر به قدری استوار و محکم بود که من در مقابل عظمت آن روح احساس کوچکی کردم. این را من در کردستان دیدم. امروز دو تا از فرزندان دیگر آن مرد با عظمت را - حقیقتاً اینها عظمت است - در اینجا ملاقات کردم و از پدرشان پرسیدم، گفتند آن مرد به رحمت خدا رفته.

خانواده‌های سه شهید، خانواده‌های دو شهید. خانمهایی که هم شوهرشان را از دست دادند، هم فرزندشان را از دست دادند و در مقابل فشار روانی و سیاسی دشمن، بعد از دست دادن جگر گوشه‌یشان هم تسلیم نشدند، زیر فشار دشمن شانه خم نکردند. این خیلی عظمت دارد. من این را در کردستان دیدم.

جوانان عزیز شما هم در جبهه‌ی ضد انقلاب جنگیدند، هم در جبهه‌ی رژیم بعثی صدام؛ در هر دو جبهه در مقابله‌ی با این دو دسته دشمن که ریشه‌شان هم البته به هم نزدیک بود، این جوانان ایستادگی کردند. جوانان گُرد، جوانان اهل مریوان و سقز و بانه و قروه و بیجار در عملیات فاو در کنار بقیه‌ی هم‌میهنان خود و برادران خود جنگیدند، ایستادند و شهید دادند. اینجا هم در مقابله‌ی با ضد انقلاب و همچنین در مقابله‌ی با دشمن بعثی مبارزه کردند. من فراموش نمیکنم آن مجاهدتی را که در مریوان و دزلی دیدم که این جوانها چگونه مثل آتشهای گداخته در مقابل دشمن ایستاده بودند. عزیزان من! آن چیزی که یک ملت را از درون محکم میکند، همین مجاهدتهاست. ما از سست‌عنصری به جایی نمی‌رسیم. ما از تسلیم شدن در برابر زورگوئی در مسابقه‌ی میان ملت‌ها هیچ رتبه‌ای را کسب نمیکنیم. اینی که در نهج البلاغه میفرماید: «آن الجهاد باب من ابواب الجنة فتحة الله لخاصة اولیائه»، این معنایش چیست؟ جهاد، مجاهدت در راه خدا و در راه حق دری از درهای بهشت است که خدای متعال این در را فقط برای خاصان اولیای خود گشوده است. یعنی جوانهای شما، شهیدان شما، عزیزان شما جزو خاصان اولیای الهی بودند که توانستند از این در عبور کنند. چرا خدای متعال اینها را خاصان اولیای خود میدانند؟ زیرا اگر این مجاهدتها نباشد، یک ملت همیشه توسریخور، همیشه عقب‌مانده، همیشه ضعیف، همیشه زورشنو باقی خواهد ماند. ملت ما، ملت بزرگ ایران در مجموعه‌های گوناگون این عظمت را از خودشان نشان دادند و شما در اینجا امتحان خوبی دادید؛ شما در این امتحان بزرگ رتبه‌ی خوبی کسب کردید.

دو نکته مورد توجه است که نه من باید فراموش کنم، نه شما باید فراموش کنید، نه بخصوص این جوانان و این نوجوانان عزیز باید هرگز این را فراموش کنند. یک نکته این است که ما آن احساس افتخاری را که نام شهید و یاد شهید به ما میدهد، حفظ کنیم. همچنانیکه به دلاوری مردان بزرگ صدر اسلام افتخار میکنیم، به دلاوری این مردان بزرگ دوران خودمان افتخار کنیم. دشمن این را نمیخواهد. دشمن میخواهد یاد شهیدان فراموش شود. دشمن میخواهد خاطره‌ی این مجاهدتها و بزرگ‌مردیها در حافظه‌ی این ملت نماند. درست نقطه‌ی مقابل این، همه باید حرکت کنند. یاد شهیدان را برجسته کنید، زنده کنید، خاطره‌ی آنها را حفظ کنید. این نکته‌ی اول.

نکته‌ی دوم این است که ملت ما، جوانان ما، زن و مرد ما نباید احساس کنند که دوران

مجاهدت به پایان رسید، خطری ما را تهدید نمی‌کند. ممکن است خطر نظامی ما را تهدید نکند، همین جور هم هست. امروز ملت ایران به آن رتبه‌ای از اقتدار رسیده که خطرپذیری دشمنان خود را بسیار بالا برده، جرئت نمی‌کنند به این ملت تهاجم نظامی کنند؛ میدانند سرکوب خواهند شد؛ میدانند که این ملت مقاوم است. بنابراین خطر تهاجم نظامی بسیار پائین است؛ اما تهاجم فقط تهاجم نظامی نیست. دشمن به آن نقاطی متوجه می‌شود که پشتوانه‌ی استقامت ملی ماست. دشمن وحدت ملی و ایمان عمیق دینی را هدف قرار می‌دهد. دشمن روحیه‌ی صبر و استقامت مردان و زنان ما را هدف قرار می‌دهد؛ این تهاجم از تهاجم نظامی خطرناکتر است.

در تهاجم نظامی شما طرفتان را می‌شناسید، دشمنتان را می‌بینید؛ اما در تهاجم معنوی، تهاجم فرهنگی، تهاجم نرم، شما دشمن را در مقابل چشمتان نمی‌بینید. هوشیاری لازم است. من از همه‌ی ملت ایران بخصوص از خانواده‌های شهیدان و از همه‌ی شما عزیزان، بخصوص از جوانها خواهش می‌کنم با هوشیاری کامل مرزهای فکری و روحی را حراست کنید. نگذارید دشمن مثل موربانه‌ای به جان پایه‌های فکری و اعتقادی و ایمانی مردم بیفتد و آنها را دچار رخنه کند؛ این مهم است. همه وظیفه داریم مرزهای ایمانی و مرزهای روحی خودمان را حفظ کنیم.

امروز متأسفانه دشمنان ملت ایران توانسته‌اند حتی تا پشت مرزهای ما حضور پیدا کنند. در گذشته و اوائل انقلاب هم، طراحها مال دشمنان بود؛ دشمنان قدرتمند، استکبار، صهیونیست؛ اما امروز همانها با تحولاتی که در منطقه پیش آمده، پایگاه‌ها و مراکزی را در کنار مرزهای جغرافیایی شما به وجود آورده‌اند و از آن برای فعالیتهای نرم و بسیار خصمانه استفاده می‌کنند. همه باید هوشیار باشند. و من بخصوص به جوانها عرض می‌کنم:

جوانان عزیز! میهن شما امروز احتیاج دارد به آگاهی، به بیداری. حرکات کسانی را که دلها را از وحدت و صمیمیت می‌خواهند دور کنند، رصد کنید. امروز در میدان شهر به همه عرض کردم، به شما هم عرض می‌کنم: کسانی می‌خواهند به هر وسیله‌ای، به هر بهانه‌ای، میان آحاد ملت اختلاف و تفرقه به وجود بیاورند. هر کسی که دیدید در این زمینه کار می‌کند، درباره‌ی او داوری کنید که سرانگشت دشمن است؛ بداند یا نداند.

ممکن است ندانند، اما سرانگشت دشمنند؛ برای دشمن کار میکنند. نتیجه یکی است. آن کسی که دانسته به شما ضربه میزند، با آن کسی که ندانسته همان ضربه را وارد میکند، با هم فرقی در نتیجه ندارند. باید هوشیار بود؛ باید بیدار بود.

خوشبختانه ملت بیدار است. در این تجربه‌ی طولانی سالهای گذشته، ملت ما آبدیده شده است. انواع و اقسام توطئه‌ها را مردم ما توانستند بشناسند و با آن مواجهه و مقابله کنند. امروز هم همین اتفاق خواهد افتاد. ما باید از درون خودمان را تقویت کنیم؛ تقویت علمی، تقویت اقتصادی، تقویت نوآوری و فناوری و بالاتر از همه، تقویت ایمانی. من به شما عرض میکنم: آن روزی که جوانان امروز ما بتوانند به توفیق الهی زمام کارهای کشور را به دست بگیرند، آن روز چندان دور نیست و بدون تردید کشور و ملت ما به آن مرحله و دوره در آینده‌ی نه چندان دور خواهد رسید که هیچ دشمنی هوس تهاجم به این کشور را؛ نه تهاجم نظامی و نه تهاجم سیاسی و اقتصادی، در سر نپروراند. آنچه امروز داریم، به برکت مجاهدتهای سالهای طولانی است - که جوانان عزیز ما این مجاهدتها را از خود نشان دادند - و به برکت خون شهیدان عزیز ماست. ما امیدواریم خدای متعال توفیق بدهد این امانت بزرگ را پاسداری کنیم و بر ذخیره‌ی عظیم ملت ایران هرچه میتوانیم، بیفزائیم.

پروردگارا! ارواح طیبه‌ی شهیدان عزیز ما را با روح مطهر پیغمبر اعظم محشور بفرما. پروردگارا! ما را دنباله‌روان حقیقی شهدا قرار بده.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

حضور رهبر انقلاب در جمع خانواده‌های فرماندهان
شهید کردستان

| ۱۳۸۸/۰۲/۲۴ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای عصر امروز همچنین در جمع خانواده‌های سرافراز تعدادی از سرداران، امیران و فرماندهان شهیدی که در منطقه‌ی کردستان، حماسه‌آفرینی کرده‌اند، حضور یافتند.

رهبر انقلاب اسلامی در این دیدار صمیمی که لبریز از نشاط معنوی و سرشار از یاد شیرین و پرعطوفت شهیدان بود، این خانواده‌های معظم را مورد تفقد قرار دادند.

حضور سرزده رهبر انقلاب در منزل سه خانواده شهید سنندج

| ۱۳۸۸/۰۲/۲۵ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سرزده، به دیدار سه خانواده‌ی شهید در سنندج رفتند و در جمع پرعظوفت هر یک از آنان، از صبر و استقامت بازماندگان شهدای دلاور و مظلوم کردستان تجلیل کردند.

خانواده‌های سرافرازی که رهبر انقلاب اسلامی به دیدار آن‌ها رفتند، ۴ شهید، ۲ شهید و ۱ شهید تقدیم اسلام و انقلاب و ایران کرده‌اند.

حضور رهبر انقلاب بر سر مزار ۴ شهید گمنام
در کنار دریاچه زریوار مریوان

| ۱۳۸۸/۰۲/۲۶ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به محض ورود به شهر مریوان، بر سر مزار ۴ شهید گمنام
عملیات والفجر ۴ در کنار دریاچه‌ی زریوار حضور یافتند و ضمن قرائت فاتحه، از رشادت
و دلاوری‌های رزمندگان و شهدای مظلوم این عملیات تجلیل کردند.

عملیات والفجر ۴ در سال ۱۳۶۲ با رمز یا الله در منطقه‌ی عمومی غرب مریوان آغاز و
به آزادی ۲۰۰ کیلومتر مربع و خارج شدن شهر مریوان از تیررس دشمن منجر شد.

حضور در گلزار شهدای مریوان |

| ۱۳۸۸/۰۲/۲۶ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پس از دیدار با مردم مریوان به گلزار شهدای این شهر رفتند و با قرائت فاتحه برای شهیدان سرافراز این منطقه، علو درجات مسئلت کردند.

حضور رهبر انقلاب در گلزار شهدای بیجار |

| ۱۳۸۸/۰۲/۲۸ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هنگام ورود به شهر بیجار، به گلزار شهدای این شهر رفتند و با قرائت فاتحه، برای شهیدان سرافراز این منطقه علو درجات مسئلت کردند.

حضور رهبر معظم انقلاب در گلزار شهدای سقز |

| ۱۳۸۸/۰۲/۲۹ |



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بدو ورود به شهر سقز، با حضور در گلزار شهدای این شهر، ضمن قرائت فاتحه یاد و خاطره‌ی شهدای مظلوم و دلاور سقز را گرامی داشتند.

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا

۱۳۸۸/۰۳/۰۳



بسم الله الرحمن الرحيم

این جلسه از لحاظ معنوی جلسه‌ی بسیار پر عظمتی است. حقیقتاً برای یک ملت مایه‌ی افتخار است که پدران و مادرانی، جگرگوشگان خودشان را با این کیفیت در راه خدا به دست خودشان بفرستند و این عزیزان به شهادت برسند و این داغ بزرگ و سنگین به خاطر رضای الهی به کام آنان شیرین بیاید؛ آن هم پدران و مادرانی که بعضاً دو فرزند پسر داشتند، هر دو شهید شدند؛ سه فرزند آنها به شهادت رسیدند؛ چهار فرزند آنها به شهادت رسیدند؛ اینها چیز کوچکی نیست، مخصوص یک بخش از کشور ما و ملت ما هم نیست. شما جمع حاضر که این خصوصیت بسیار با عظمت در شما هست، پدران و مادران چنین جوانانی هستید که از نقاط مختلف کشور، از اقوام گوناگون کشور و از شهرهای مختلف کشور در میان شما هستند؛ از فارس، از عرب، از ترک، از کرد، از ترکمن، از بلوچ. کدام ملت یک چنین ترکیب شگفت‌آوری را در خود دارد؟ من در همین سفر کردستان خانواده‌ای را زیارت کردم که شش فرزندشان در راه خدا شهید شده بودند. قبلاً هم البته این خانواده را من دیده بودم. این سفر دیدم پدر و مادر این خانواده از دنیا رفته‌اند. یاد این بزرگان، یاد این مردان و زنان دلاور، یعنی پدران و مادران شهدا مثل یاد خود شهدا همیشه زنده است. اینها از خاطره‌ی یک ملت و یک تاریخ هرگز نخواهد رفت. ما در تاریخ، چیزهائی مربوط به صدر اسلام میخواندیم که اعماق

آن را درک نمی‌کردیم؛ مثل داستان به نظر می‌آمد؛ اما امروز در ملت خود، در کنار خود، افرادی را می‌بینیم که از لحاظ فداکاری، از آن زنان و آن مردان که یاد آنان در تاریخ اسلام هزار و چهارصد سال باقی مانده، بالاترند. اینها صبرشان از آنها بیشتر است. آنها نفس گرم رسول خدا را میدیدند، پیغمبر را به چشم میدیدند، در رکاب او می‌جنگیدند، اینها با هزار و چهارصد سال فاصله، «و امّا به و لم‌نره صدقا و عدلا» - که در دعای سمات است - با این ایمان مستحکم اینجور ایستادند؛ این چیز کمی است؟ ملت ایران اینجور پیروز شد عزیزان من!

این ایمانهای محکم، این اراده‌های پولادین، این ایثار و فداکاری بزرگ پدرها و مادرها و خانواده‌ی شهدا، آنچنان پایه‌های این بنای مستحکم را قوی و ماندگار کرد، که هیچ طوفانی نتوانسته است و بعد از این هم به اذن الهی نخواهد توانست این بنیان رفیع را تکان بدهد؛ از جا بکند.

پایه‌ی این بنای مستحکم جمهوری اسلامی، همین صبر شما، همین ایمان شما، همین استقامت شماست. این است که جوانهای امروز ما را با گذشت سی سال از انقلاب این جور انقلابی بار می‌آورد که شما دارید نمونه‌ی جوانان مؤمن و انقلابی را می‌بینید. و اینها همه به برکت اسلام است، به برکت قرآن است.

شما برای خدا فرزندان‌تان را به جبهه فرستادید، برای خدا در مقابل مصیبت فقدان آنها صبر کردید. اگر نظام اسلامی اندکی از اسلام و از راه اسلام و از هدفهای اسلام انحراف پیدا کند، مطمئناً این پشتوانه‌ی عظیم، دیگر برای او باقی نخواهد ماند. اینکه امام بزرگوار ما در همه‌ی اظهاراتش، در همه‌ی گفته‌هایش بر روی اسلام تکیه می‌کرد، به خاطر همین حقیقت است. اسلام است که ما را نگه داشت، اسلام است که به ما قوت بخشید، اسلام است که ما را امیدوار به پیروزی کرد و وارد این میدانهای سخت کرد، اسلام بود که در حمله‌ی «بیت‌المقدس» آن جوانان غریب، آن نیروهای مسلح فاقد امکانات را آنجور در مقابل دشمن بعثی وادار به استقامت کرد که توانستند او را مفتضح کنند، شکست بدهند، خرمشهر را پس بگیرند، از سرزمین اسلامی او را بیرون کنند. این نظام با اسلام به وجود آمد، با اسلام هم زنده خواهد ماند.

همه‌ی مسئولین نظام باید به این نکته توجه کنند و به اسلام و احکام اسلام و به

ارزشهای اسلامی افتخار کنند. درست است که دشمنان اسلام - یعنی دشمنان ملت ایران - این را نمی‌پسندند. بدیهی است شما وقتی در مقابل یک دشمنی قرار بگیرید، اراده‌ی قوی داشته باشید، اسلحه‌ی کارآمد داشته باشید، دشمن این را نمی‌پسندد؛ می‌خواهد اراده‌ی شما را، از شما بگیرد و شما را تضعیف کند؛ اسلحه را از دستتان بگیرد. دشمنان ایران و ایرانی میدانند که مایه‌ی ایستادگی و اقتدار این ملت و اراده‌ی مستحکم او، همین ایمان اسلامی او بود؛ می‌خواهند این را از او بگیرند. آنها تبلیغات جهانی را در همین جهت سازماندهی میکنند. ما باید هوشیار باشیم؛ مسئولین ما باید هوشیار باشند؛ نامزدهای انتخابات باید هوشیار باشند. مبدا نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در تبلیغات خود برای دلخوشی دشمنان حرفی بر زبان جاری کنند. رضایت خدا را باید در نظر گرفت، رضایت اولیاء را باید در نظر گرفت. آن چیزی را باید معیار قضاوت قرار داد که مایه‌ی ایستادگی ملت است، مایه‌ی استحکام ملت است، مایه‌ی استقامت مردم است و او پایبندی محکم به اسلام است.

خدا را شکر میکنیم که به برکت اسلام نگذاشت خون شهیدان ما پامال و ضایع شود. خون شهیدان ما ضایع و باطل نشد. این عزتی که امروز شما میبینید نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران دارند، به برکت همین خونهاست. اینکه در همه‌ی کشورهای اسلامی، قشر عمومی مردم، ملت ایران را تحسین میکنند، نظام جمهوری اسلامی را به چشم عظمت نگاه میکنند، به برکت این خونهاست. این امنیتی که امروز در کشور ما هست، این حرکت عظیمی که امروز به سمت سازندگی این کشور هست، این کارهای بزرگی که انجام گرفته است، این پیشرفت علمی و فناوری، این افزایش تعداد عالم و دانشمند و دانشجو و محقق و پژوهشگر، اینها همه به برکت خون شهداست. این بیداری عمومی که امروز کشور و ملت ما دارد، به برکت خون شهداست. خون شهدای شما مثل کیمیا، مثل اکسیر توانست این ملت را، این کشور را متحول کند، رشد بدهد و افتخارش مال شهدای شما و مال خود شماست.

ملت ایران تا ابد مدیون شهدا و خانواده‌های شهداست. این را همه‌ی ملت ما باید بدانند. هرچه ما عزت به دست بیاوریم، هرچه پیشرفت به دست بیاوریم، مرهون خون شهدای عزیز شما، این جگرگوشه‌های شماست. اینها بودند که به ما، به کشورشان، به ملتشان، به اسلام عزت دادند. این را همه باید قدر بدانند؛ مسئولین هم باید قدر بدانند، خود شما

خانواده‌ها هم باید قدر بدانید؛ و میدانید.

کمر خانوادگی شهیدی را من دیده‌ام که به شهادت فرزند خود افتخار نکند، احساس سربلندی نکند؛ هیچ، شاید هرگز خانوادگی شهیدی را ندیده باشیم. به شهدای خودشان افتخار میکنند، حق هم همین است، جای افتخار هم دارد. نه شما، همه‌ی ما، همه‌ی ملت ایران، همه‌ی مسئولین باید به این مردان دلاور، به این جوانان شجاع افتخار کنند.

و یاد حماسه‌ی دفاع مقدس باید همیشه در کشور ما باقی بماند و جاودانه باشد. بعضیها خواستند، سعی هم کردند که یاد دوران دفاع مقدس و آن شجاعت‌های بزرگ و آن عظمتها را بتدریج کمرنگ کنند و از یادها ببرند. اینها اگر نادانسته این کار را میکنند، غفلت بزرگی دارند؛ اگر هم خدای نکرده دانسته است که خیانت است.

یاد دفاع مقدس، یاد شهیدان، باید همیشه در بین ملت ما و جامعه‌ی ما زنده بماند. هنوز خیلی حرفها گفته نشده است. خیلی از خاطرات جوانان شما، فرزندان شما هنوز ثبت نشده. و همان مقداری که بیان شده، نشان دهنده‌ی یک عظمت غیر قابل اندازه‌گیری با اذهان معمولی انسان است؛ با فکر و مغز مادی غیرقابل اندازه‌گیری است. همین چیزهایی که راجع به فتح بیت‌المقدس، فتح فتح‌المبین و بقیه‌ی عملیاتها نوشته شده است، چقدر در آن عظمت هست. اینها را همین جوانان شما انجام دادند.

ما از خداوند متعال برای شهدای عزیزمان علو درجات مسئلت میکنیم. از خدا میخواهیم که ما را با این شهدا محشور کند. و همه را بخصوص شما پدرها و مادرها را مشمول شفاعت آنها قرار بدهد و امیدواریم که ان‌شاءالله این افتخار عظیم ملت ایران همیشه برای ملت ایران مایه‌ی سرافرازی و مایه‌ی پیشرفت باشد. و خداوند دل‌های شما را مشحون از فضل خود، رحمت خود، صبر و سکینه‌ی الهی قرار بدهد.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

بیانات در دیدار خانواده شهدای هفتم تیر و مسئولان قوهی قضائیه

| ۱۳۸۸/۰۴/۰۷ |



بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنیم به همهی برادران و خواهران عزیز، مسئولان محترم قوهی قضائیهی کشور و همچنین بازماندگان محترم شهدای گرانقدر هفتم تیر، که این دو مناسبت به مشیت الهی به یکدیگر گره خورده است؛ قوهی قضائیهی ما رنگ شهادت و بوی شهیدان به خود گرفته است. بسیار چیز مهمی است اگر ان شاء الله بتوانیم از این درست بهره ببریم.

یک جمله عرض میکنیم راجع به شهیدان عزیز هفتم تیر و این حادثهی مهم و ماندگار؛ یک جمله هم عرض میکنیم به مسئولین محترم قوهی قضائیه.

در باب حادثهی هفت تیر آنچه که بیش از همه اهمیت دارد این است که در این حادثه عزیزترین و برجستهترین عناصر انقلاب در معرض فداکاری قرار گرفتند و فدا شدند. شخصیتی مثل شهید بهشتی که یک عنصر بی نظیر، لااقل کم نظیر در مجموعهی انقلاب بود، در خدمت انقلاب و در جهت انقلاب قربانی شد. آن تعداد از شخصیتها و نخبگان سیاسی و مدیران ارشد دستگاهها، وزرا، نمایندگان مجلس، فعالان عرصهی سیاست جمهوری اسلامی، که هر کدامی برای خودشان یک شخصیتی بودند - ما با بسیاری از اینها از نزدیک آشنا بودیم، با بعضی کار کرده بودیم - این خیلی مهم

است که در این تراز، شخصیت‌هایی جانشان کف دستشان باشد و در معرض شهادت قرار بگیرند و در این راه قربانی بشوند. بالاخره یک کشور، یک نظام، یک تمدن، بدون فداکاری و قربانی دادن و خون دادن که به جایی نمیرسد؛ اینها پیشروان این راه بودند.

نکته‌ی بعدی این است که این نظام اینقدر جواهر نخبه را به صحنه آورد و به پای انقلاب ریخت و اینها را از دست داد، اما نظام تکان نخورد. آنهایی که این ترورها را طراحی میکردند، قصدشان اشخاص نبود. در درجه‌ی اول قصدشان بیپایه کردن و تهی کردن و نخبه‌زدایی کردن از انقلاب بود، میخواستند انقلاب را با این ترورها، با این فقدانها به شکست بکشانند؛ اما اینجور نشد و عکس این شد. یعنی پایه‌ی اصلی نظام که عبارت است از ارتباط مردم و نظام، بیشتر شد. اینها همه عبرتهای انقلاب ماست. و به شما عرض بکنم امروز هم همین است. امروز هم اگر جان‌هایی خودشان را در معرض فداکاری و قربانی شدن برای نظام، برای خدا قرار بدهند و در این راه قربانی بشوند، این نظام مستحکمتر خواهد شد؛ ریشه‌های این نظام مثل همان شجره‌ی طیبه‌ای که در قرآن خدای متعال فرموده است، «أصلها ثابت و فرعها فی السماء»، اینجور مستحکم است. دل‌هایمان را اینجور با مبانی و اصول و ارزشهای انقلاب پیوند بدهیم.

و شهید بهشتی، آن شخصیت برجسته و ممتاز، حقاً و انصافاً حقوق زیادی بر نظام جمهوری اسلامی و بر قوه‌ی قضائیه بالخصوص دارد. در همان دوران کوتاهی که ایشان در قوه‌ی قضائیه مشغول بودند - یعنی از اواخر سال ۵۸ تا اوائل سال ۶۰ - ابتکارات زیاد، کارهای بزرگ، نقشه‌های دوراندیشانه برای قوه‌ی قضائیه طراحی کردند. بحمدالله قوه هم حرکت کرده است و در این سی سال کارهای خوبی انجام گرفته. امروز هم بحمدالله با مدیریت شخصیت برجسته و ممتازی مثل جناب آقای شاهرودی که از لحاظ علم و صلاحیتهای گوناگون و همه‌جانبه حقاً، انصافاً برجسته هستند و در رأس قوه قرار دارند و ده سال - دو دوره‌ی پنج ساله - بار سنگین این قوه را بر دوش کشیدند.

در مورد قوه‌ی قضائیه آنچه که مهم است، این است که ما بینیم قوه‌ی قضائیه برای چیست؛ آن را تأمین کنیم. همه‌ی کارها در این جهت باید باشد. قوه‌ی قضائیه برای عدل است، برای عدالت است. معیار و شاخص عدل هم عمل به قانون است. اگر عمل فرد، جمع، منطبق به قانون شد، این عدالت است؛ اگر از قانون انحراف پیدا کرد، این

بیعدالتی است. و قانون هم در نظام اسلامی، قانون اسلامی است. البته در مجموعه‌ی قوانین ما ممکن است قوانینی باشند که صددرصد با احکام اسلامی منطبق نباشند، یا قوانینی که از قبل مانده‌اند یا برخی قوانین دیگر، که اینها بایست اصلاح بشود. معیار، این است که بر طبق قانون عمل بشود. عدل، اینجا تحقق پیدا میکند.

البته عدالت در قوه‌ی قضائیه آسان به دست نمی‌آید. همین زیرساختهائی که جناب آقای شاهرودی اشاره کردند، همه‌ی اینها لازم است. این سیاستگذارها - که خود این سیاستگذاری یک زیرساخت نرم‌افزاری است - انتخاب سیاستهای خوب، سامانه‌های سخت‌افزاری که در قوه به وجود آمده است یا شروع کرده‌اند به اینکه آنها را به وجود بیاورند، همه لازم است. یعنی عدالت در یک مجموعه‌ی کلان مثل قوه‌ی قضائیه‌ای که بناست یک کشور بزرگ را با جمعیت هفتاد میلیونی، در بخش قضائی اداره کند، با تعارف و با حرف درست نمیشود؛ همین مقدمات را لازم دارد، همین زیرساختها را لازم دارد. بنابراین آنچه که در زمینه‌ی این زیرساختها - چه نرم‌افزاری، چه سخت‌افزاری - انجام گرفته است، ارزشمند است؛ باید قدر اینها را دانست. و ان شاءالله این سیاستها به همین شکل درست ادامه هم پیدا بکند. و واقعاً لازم است که من هم از شخص ایشان، هم - همان طور که ایشان گفتند - از مدیران ارشد قوه‌ی قضائیه در بخشهای مختلف که زحمات زیادی کشیده‌اند و جای قدردانی دارد، تشکر کنم.

لیکن نکته این است که اگرچه تأمین عدالت عام و شامل، متوقف بر این زیرساختهاست، اما اینجور نیست که وجود این زیرساختها لزوماً به معنای استقرار عدالت باشد. ممکن است این چیزها را داشته باشیم، عدالت هم نداشته باشیم؛ از این باید ترسید. آنچه عدالت را تضمین میکند، انسان معتقدِ جازمِ عازمِ باراده‌ی خداترس است. از خدا بترسد، از غیر خدا نترسد. «فلا تخشوا الناس و احشون» را خدای متعال در قرآن میفرماید. اگر این شد، آن وقت با این دستگاه‌های متنوع و امروزی و خوب، میشود به عدالت به طور کامل رسید. اگر این اراده نبود، در این اراده سستی و اختلال ایجاد شد، هیچ کدام از این دستگاه‌ها به خودی خود عدالت را تأمین نخواهد کرد، بلکه گاهی حتی زمینه میشود برای بیعدالتی. اصل قضیه این است. بنده عرض عمده‌ام در این دیدارهای سالیانه‌ای که با شما مسئولان محترم قوه‌ی قضائیه دارم و در دیدارهای دیگری که محدودتر است با بعضی دیگر از بخشهای قوه‌ی قضائیه، همیشه همین است: ما باید

نگاه کنیم ببینیم خروجی کار ما عدالت است یا نه. اگر عدالت شد، آن وقت پیش خدا و پیش نفس خودمان و پیش خلق هم سرافراز خواهیم بود. یعنی وقتی ما عدالت را اجرا کنیم، درست است که در قضاوت ما یک نفر خرسند خواهد شد، یک نفر ناخرسند - قهراً اینجوری است دیگر. وقتی انسان قضاوت میکند، یک طرف را خرسند میکند، یک طرف را ناخرسند میکند - اما حتی آن طرف ناخرسند هم در دل خود راضی است. اگر چنانچه عدالت را به خرج ندادیم، آن کسی هم که حکم ما به سود او بوده است، در دل به ما با بیاعتقادی، با استهزاء نگاه خواهد کرد؛ در دل به ما خواهد خندید. مسئله‌ی اساسی این است. باید همه‌ی تلاش بر این باشد. عدالت هم از جمله‌ی آن چیزهایی است که «الحق أوسع الأشياء في التواصف و أضيقتها في التناصف» گفتنش آسان است، التزام به آن آسان نیست؛ خیلی سخت است. انسان با موانع بزرگی برخورد میکند. اگر عزم راسخ و توکل به خدا وجود نداشته باشد، انسان وسط راه خواهد ماند؛ این را باید در قوه‌ی قضائیه دائماً تزیق کرد، دائماً باید این روحیه را در سرتاسر قوه‌ی قضائیه پمپاژ کرد؛ که ما وظیفه‌مان تناصف است، ایجاد عدل است.

سخت‌ترین قسمت عدل هم عبارت است از آنجائی که طرف مقابل عدل، اقویا هستند؛ زیر بار نمیروند، زور میگویند، متوقعند. اینجا بایستی ایستادگی کرد. هنر قاضی این است، استقلال قاضی این است که در یک چنین مواقعی، فقط و فقط خدا را و مرقانون را در نظر بگیرد. در همه‌ی قضایا - قضایای فردی، قضایای اجتماعی - اگر قانون ملاک عمل باشد، عدالت تأمین میشود.

در همین قضایای اخیر هم ما عرض کردیم، بنده مخالفم که مردم کشورمان را، مردم عزیزمان را به دو بخش تقسیم کنیم؛ یک عده‌ای را مقابل یک عده‌ی دیگر قرار بدهیم. قضیه اینجوری نیست. در خیلی از مسائل، مردم سلیقه‌هایشان، نگاه‌هایشان، نظرهایشان یکی نیست، اما این به معنای اصطکاک و تزاخم و تعارض و دست به یقه شدن نیست. ما نباید مردمان را وادار کنیم که با هم دست به یقه بشوند. من به هر دو طرف نصیحت میکنم: احساسات جوانها را تحریک نکنند، مردم را مقابل هم قرار ندهند. ملت یکپارچه‌ای است، ایمان واحدی دارد، قلباً هم با نظام خود روابط حسنه‌ای دارد؛ نشانه‌ی این روابط حسنه، همین حضور در پای صندوقهاست. اگر امیدوار نبودند، اگر حسن ظن نداشتند، اگر اعتماد نداشتند، نمی‌آمدند پای صندوقها. پس این ملت با نظام

خود هیچ مشکلی ندارد. نباید این ملت یکپارچه را دو شقه کرد، تقسیم کرد، یک گروه را بر علیه آن گروه دیگر، آن گروه را بر علیه این گروه دیگر تحریک کرد.

در همین جا هم برای حل و فصل قضایا، معیار قانونی وجود دارد. اگر قانون حاکم نشد، آن چیزی که از بی قانونی بر سر همه خواهد آمد، بسیار تلختر است از آنچه که اجرای قانون ممکن است در کام بعضی تلخی به وجود بیاورد؛ «و من ضاق علیه العدل فالجور علیه اضیق». عدل همان رعایت قانون است. اگر ما از رعایت قانون احساس ضیق کردیم، نخواستیم به قانون تن بدهیم، آنچه که بر سر ما از بی قانونی خواهد آمد، بمراتب از این تلخی تحمل قانون، سخت تر است. این را باید همه توجه کنند.

مردم ما به توفیق الهی، به هدایت الهی، به دستگیری الهی، مردم مؤمنی هستند؛ هم آگاهند، هم مؤمنند، هم حاضر در صحنه‌اند، پا به رکابند در هر جایی که لازم باشد. ماها باید خودمان را اصلاح کنیم. نخبگان و خواص سیاسی بایستی مراقب کار خودشان، حرف زدن خودشان باشند؛ این خطاب به همه‌ی نخبگان است، خطاب به یک طرف خاصی، جناح خاصی نیست. همه باید مراقب باشند. همه بدانند این ملت، یک ملت یکپارچه است. احساسات این طرف را علیه آن طرف تحریک کنند، آن یکی بیاید احساسات این طرف را علیه آن طرف تحریک کند، اینها راه به جایی نمی‌برد. وقتی شما متحد بودید، وقتی شما همدل بودید، وقتی شما احساس و ابراز اعتماد به کشورتان و نظامتان کردید، آن وقت این وسوسه‌های خناسان بین‌المللی، این سیاستمداران ظالم، مداخله‌گر، دور از انسانیت، دیگر اثری نخواهد کرد.

میبینید بعضی از سردمداران دنیا - از آمریکائی گرفته تا بعضی از کشورهای اروپائی - همه‌ی مشکلاتشان تمام شده، مشکل ایران برای اینها باقی مانده است! در یک مسئله‌ی داخلی مردمی صددرصد مرتبط به ملت ایران، چانه تکان میدهند و اظهارنظرهای سخیف میکنند؛ غافل از اینکه هر جا آنها پا گذاشتند از مواضع سیاسی، از نظر ملت ایران آنجا نجس خواهد شد.

جانب‌داریهای آنها درست بعکس نتیجه میدهد. مردم از خودشان میپرسند چه چیزی موجب شده است که این دشمنانی که سی سال است علیه انقلاب اسلامی دارند تلاش میکنند و از همه‌ی ابزارها و امکاناتشان علیه این کشور و علیه این ملت استفاده کردند،

حالا شده‌اند دلسوز؟! مردم توطئه را می‌فهمند؛ مردم ما خیانت را درک میکنند. مشکل آنها هم همین است. اگر با یک ملت بیهوش بیحواسی مواجه بودند، مشکلی نداشتند؛ اما با یک ملت هوشیار مواجه‌اند، با یک ملت مجرب مواجه‌اند.

تجربه‌های سی ساله‌ی ما، ملت را آگاه کرده است. اینها میدانند. اینها همان دولتها و حکومت‌هایی هستند که هشت سال در دوران دفاع مقدس که علیه این ملت جنایت شد، شهرها بمباران شد، خانه‌ها ویران شد، بمبهای شیمیائی زدند، انسانهای بیگناه را کشتند، نه فقط دلشان برای ملت ایران نسوخت، بلکه به دشمن ملت ایران کمک هم کردند. مردم ما این را دیده‌اند. اینها که فراموش شدنی نیست. حالا شده‌اند دلسوز! مردم رفتار اینها را با ملتهای مظلومی که پنجه‌ی اینها در آنها جاگیر شده است، می‌بینند؛ مثل ملت افغانستان، مثل ملت عراق، مثل پاکستان، مثل ملت فلسطین. هر جا اینها پنجه‌شان جاگیر شد، ناخشان بند شد، هر چه توانستند، ضربه زدند. اینها به مردم رحم نمیکنند؛ مردم دوستی، دور از جناب آنهاست. حالا نسبت به ملت ایران، نسبت به کسی یا کسانی در داخل کشور، طرفدار شده‌اند! خب معلوم است که این غرض و مرض آنها از این کارها چیست. این را مردم می‌فهمند. شما اگر متحد باشید، شما اگر با هم باشید، شما اگر این روحیه‌ی استحکامی را که انقلاب به ملت ما داد و در طول این سی سال ملت ما آن را حفظ کرده است، نگه دارید، «لایضّرکم کیدهم شیئا»؛ هرگز دشمنی آنها به شما اثری نخواهد کرد، و آنها نخواهند توانست به ملت ایران آسیبی وارد کنند.

از خداوند متعال توفیقات همه‌ی شما برادران و خواهران، مسئولان محترم را در وظائف گوناگون اختصاصی و عمومی که هر کدام از ما بر عهده داریم، مسئلت میکنم و امیدوارم ان‌شاءالله ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) شامل حال ملت ایران و همه‌ی ما باشد و روح مطهر امام بزرگوار و ارواح طیبه‌ی شهدای گرامی و شهدای هفت تیر ان‌شاءالله از ما و رفتار ما و گفتار ما راضی باشند.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس

۱۳۸۸/۰۶/۲۴



بسم الله الرحمن الرحيم

بسیار جلسه‌ی شیرین و جذابی است برای من و پرمعنا. همه‌ی کسانی که درباره‌ی دفاع مقدس کار ادبی یا هنری کردند، قطعاً در اینجا جمع نیستند، اما در جمع موجود شما برادران و خواهران عزیز، تنوع چشم‌نوازی انسان مشاهده می‌کند؛ هم از لحاظ تکثر هنرها و رشته‌ها و بخشهای مختلف، هم از لحاظ تنوع دیدگاه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی و هنری و مدیریتی و غیره. نشد همه‌ی کسانی که مایل بودند مطالبی را بیان کنند، مطالب خودشان را بیان کنند و این ناشی از کمبود وقت است. متأسفانه ما از ساعت پنج در اینجا هستیم و دو ساعت و سه ساعت برای شنیدن و گفتن این همه حرفی که در دلها هست و در ذهنها هست، کفاف نمیدهد، ولی همین مقدار هم برای من مغتنم بود. البته این نظراتی که دوستان بیان کردند، نظرات کارسازی است در بخشهای مختلف و من یادداشت کردم. ان شاء الله بایستی تفصیل این بحثها هم استخراج بشود. نباید تصور کرد که آنچه می‌گوئیم، بیان میکنیم، انتقاد میکنیم، پیشنهاد میدهیم، این تأثیری نمی‌بخشد و جایی مورد توجه و مورد عمل قرار نمی‌گیرد؛ اینجور نیست. تا حالا هم ما در زمینه‌ی ادبیات دفاع مقدس، هم هنر دفاع مقدس پیشرفت داشتیم؛ بنده هم دارم صحنه را میبینم. اینی که ما بگوئیم ما عقب‌رفت داشتیم، عقب‌گرد داشتیم، ریزشمان بیشتر از رویش بوده، نه، اینها را من قبول ندارم؛

ما پیشرفت داشتیم، تکامل داشتیم؛ ممکن است آنچه که بوده، از انتظار ما کمتر بوده؛ این خوب است. اینکه ما انتظار بیشتری داشته باشیم از آنچه که اتفاق افتاده، از واقعیت راضی نباشیم و به واقعیتها قانع نباشیم، این خیلی چیز خوبی است، لیکن اینکه تصور کنیم این همه تلاش که شده در طول این سالها، پا زدیم و جلو رفتیم، این درست نیست. نخیر، درست پیش رفتیم، جلو رفتیم، کار انجام گرفته؛ در بخشهای مختلف همین جور است. خوب، حالا این مقوله‌ی مهمی نیست که درباره‌اش زیاد بحث کنیم؛ در این باره حرف زیاد هست.

من آنچه که یادداشت کردم اینجا بگویم - در این وقت کوتاه دیگر مجال نمیشود همه‌ی آنچه را که در ذهن بوده، عرض بکنیم - همین قدر است که میخواهم بگویم کار هنری در زمینه‌ی دفاع مقدس یکی از برترین کارهای هنری است. آن کسانی که در این رشته کار کردند، در این صراط حضور داشتند، آن را پیش ببرند و این رشته را مغتنم بشمرند. هشت سال دفاع مقدس ما صرفاً یک امتداد زمانی و فقط یک برهه‌ی زمانی نیست؛ گنجینه‌ی عظیمی است که تا مدت‌های طولانی ملت ما میتواند از آن استفاده کند، آن را استخراج کند و مصرف کند و سرمایه‌گذاری کند. حادثه‌ی عظیم این هشت سال، مجموعه‌ای است از صفات والا، فرهنگهای پسندیده و برگزیده و ممتاز، عقاید و معارف والائی که ملت ما در طول تاریخ ارث برده یا استعدادش را در خودش حفظ کرده بوده، که با انقلاب اسلامی این استعدادها بروز کرد. یک گنجینه‌ای از همه‌ی اینهاست. شما که دفاع مقدس را روایت میکنید، بخصوص آنهایی که روایت هنری میکنند، در واقع آئینه‌ای هستید در مقابل یک مظهر جمال و جلال، که او را منعکس میکنید. آنچه که در دوران آن هشت سال از بروز خصلتهای والا و پسندیده‌ی انسانی، از شجاعت، از ایثار، از اخلاص، از صدق و صفا، از بروز تدبیرهایی که از یک جوان چنین تدابیری انتظار نمیرفت - این برجستگیهایی که در دوره‌ی هشت سال دفاع مقدس به وجود آمد - اتفاق افتاد، با هزینه‌های زیادی هم همراه بود. چقدر جان عزیز فدا شد، چقدر ثروت مال و ثروت وقت مصرف شد. شما امروز آنها را در واقع با کار هنری خودتان بازآفرینی میکنید. همان تأثیراتی را که آن حادثه میتوانست در یک نسل، در یک جامعه باقی بگذارد، شما با این نوشته‌ی خودتان، با این فیلم خودتان، با این کار هنری خودتان که بازآفرینی آن حادثه است، در مخاطب خودتان ایجاد میکنید. این خیلی کار بزرگی

است، خیلی کار مهمی است؛ شما برای آن تابلوی پرشکوه و پر از ریزه کاری و ظرافت و زیبایی آئینه میشوید. خود این کار فرهنگی و کار هنری شما که روایت آن جهاد مقدس هست، جهاد است؛ زیرا سعی بر این بوده که آن مفاهیم والا به دست فراموشی سپرده بشود؛ برای این تلاش شده، کار شده. آن عزتی، اعتماد به نفسی، احساس اقتداری که از ناحیه‌ی معنویت رزمندگان ما و جامعه‌ی اسلامی ما احساس شد و توانست آن حادثه‌ی عجیب و شگفت‌انگیز - یعنی پیروزی در دفاع مقدس و شکست نخوردن در مقابل تهاجم این همه دشمن - را رقم بزند، آن خصوصیات، آن خصلتها، برای ملت ما، برای کشور ما، یکی از بزرگترین نیازهاست. اینها را بایستی نگه داریم و در مقابله‌ی با تلاشی که میشود برای به فراموشی سپردن آنها، مقاومت کنیم. کار شما روایت دفاع مقدس و همین مجاهدت بزرگ است.

یک نکته‌ای که در باب روایت دفاع مقدس و کار هنری برای آن مدت، باید مورد توجه باشد، این است که این میدان یک میدان بسیار وسیعی است و واقعاً هنوز بسیاری از بخشهای آن کشف نشده است. نه اینکه انسان یا ذهنها نتواند آن را به دست بیاورد و بفهمد و بشناسد، نه، منعکس نشده. نباید تصور کرد که مضامین دفاع مقدس، مضامین تکراری است. خیلی از مفاهیم و مضامین در مجموعه‌ی این تلاش هشت ساله وجود داشته که هنوز درباره‌ی آنها کار نشده، فکر نشده. یک فهرست طولانی پیش من هست که یک وقتی اینجا با دوستان سینماگر صحبت میکردیم، مواردیاش را ذکر کردم. در این بخشها فکر کردن و جستجو کردن، هنرمند را میرساند به مضامین بکر و گویایی که میتواند اثر هنری تولید کند. بالاخره آنچه که در جمع‌بندی دفاع مقدس، انسان میتواند بگوید، این است که این هشت سال، مظه‌ری از برترین صفاتی است که یک جامعه میتواند به آنها ببالد و از جوانان خودش انتظار داشته باشد. یعنی دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی است، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی و پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است.

جنگ، کار پیچیده‌ای است. مدیریت جنگ و فرماندهی جنگ، کار بسیار سنگین و پیچیده‌ای است. این کار را جوانهای نارس ما در بسیاری از بخشها انجام میدادند. این تدبیر، این حکمت، چیز بسیار شگفت‌آوری است؛ مظهر شکوفائی استعدادها و

ظرفیتهاست. چقدر جوانهای کم‌سال رفتند در جبهه و توانستند در آنجا کارهای بزرگ از خودشان نشان بدهند. بعضی شهید شدند، بعضی هم جزو سرمایه‌های انقلاب بودند، بعدها کشور از اینها استفاده کرد. حقیقتاً این جوری بود که سپاه پاسداران یکی از مراکز صدور نیرو به همه جای کشور شده در طول این بیست و هفت هشت سال؛ به خاطر اینکه جنگ توانست از یک مجموعه‌ی جوان، مجموعه‌ای از عناصر کارآمد و بااستعداد درست کند و تحویل بدهد؛ چون استعدادها در اینها شکوفا شد. جنگ مظهر این ارزشهاست. اینها چیزهایی نیست که هیچ ملتی از اینها خود را بینیا بداند. بنابراین راوی جنگ، در واقع دارد یک چنین ارزشهایی را روایت میکند؛ حکایت یک چنین خصال پسندیده و اوجهائی را دارد به مستمعین خودش نشان میدهد. حالا کارهای زیادی در این زمینه‌ها شده.

من توصیه میکنم اولاً مسئولین هنری، مسئولین بخشهای گوناگون ادبیات، به نظراتی که دوستان در اینجا دادند و نظراتی که در این زمینه‌ها داده میشود، توجه کنند. البته بعضی از کارها هم شده که این دوستانی که اظهارنظر میکنند، ممکن است از آنها اطلاعی نداشته باشند؛ کارهای خوبی هم دارد صورت میگیرد.

اینکه تصور بشود که هنر دفاع مقدس در جامعه‌ی ما مخاطب ندارد، طالب ندارد، این هم خطای بزرگی است، از اشتباهات فاحش است؛ اگر کسی این را خیال کند. تحقیقاً پرمشتریترین آثار هنری بعد از انقلاب در زمینه‌های مختلف، آن آثار هنری است که مربوط به دفاع مقدس بود؛ چه در زمینه‌ی فیلم و سینما، چه در زمینه‌ی کتاب، خاطره، داستان. همین چند تا کتابی که در واقع تیراژهایشان بیسابقه است - در کشور ما چنین تیراژهایی وجود نداشته که در ظرف دو سال، صد بار کتابی چاپ بشود. اینکه به من گزارش دادند، کتابی است در باب دفاع مقدس، همین کتاب «خاکهای نرم کوشک» یا کتاب «دا» که در کمتر از دو سال، شنیدم بیش از هفتاد بار به چاپ رسیده! ما هیچگونه کتابی از کتابهای گوناگون را با این تیراژها نداریم - مخصوص کتابهای مربوط به دفاع مقدس است. در زمینه‌ی فیلم هم همین جور است؛ پرفروش‌ترین فیلمها و پرجاذبه‌ترین و پرمشتریترین فیلمها، فیلمهایی است که مربوط به دفاع مقدس است. از فیلم «آژانس شیشه‌ای» و «لیلی با من است»، تا این فیلم اخیر «خراجیها» ی آقای دهنمکی، اینها بیشترین مشتریها، بیشترین فروشها را داشته که درباره‌ی دفاع مقدس

است. این جور نیست که مشتری نداشته باشد، طالب نداشته باشد. البته بعضی از کارها هست، مشتری پیدا نمیکند؛ این اشکال در مضمون و محتوا نیست، اشکال در ساخت است، در قالب است، در کیفیت است، در مایه‌های کم هنری است که به خرج داده میشود و در یک اثر به کار میرود و طبعاً طالب پیدا نمیکند. بنابراین در این زمینه هرچه بتوان کار کرد، هرچه بتوان سرمایه‌گذاری مالی و مدیریتی و وقتی و اینها کرد، جا دارد؛ و سفارش ما این است. دوستان هنرمند هم با شوق و امید، این کار را دنبال کنند. البته این کار افراد پایه‌رکاب و آماده و مسئولیت‌شناس لازم دارد؛ یعنی کسانی که حقیقتاً احساس مسئولیت کنند و حالت تنبلی و خواب‌آلودگی و اینها در انسان نباشد. یک چنین عناصری میتوانند خوب در این عرصه و در این میدان نقش ایفاء کنند.

یکی از نقصهای کار ما هم البته این است که ما آثارمان امکان انعکاس بین‌المللی، کمتر پیدا کرد. البته دلائلی دارد؛ این جشنواره‌های بین‌المللی، کارهایی را که حقیقتاً راوی خوب و درستی از دفاع مقدس یا از انقلاب یا از ارزشهای نظام جمهوری اسلامی باشد، مطلقاً به خود راه نمیدهند و دوست ندارند؛ مگر وقتی مجبور باشند یک چیزی را در مجموعه‌ی کار خودشان راه بدهند. سیاست جشنواره‌های بین‌المللی، سیاست برخلاف و برعکس این است؛ اما بالاخره مستمع به این جشنواره‌ها اختصاص ندارد و میتواند مستمعینی، طالبانی، خوانندگانی برای کتابها، بینندگان برای فیلمهای دفاع مقدس پیدا کرد؛ در صورتی که برای کار و اثر ترجمه‌ی درست و خوبی انجام بگیرد که به نظر من یکی از عرصه‌های کار این است. امیدواریم که خداوند متعال به شماها توفیق بدهد، بتوانید در این زمینه‌ی کار دفاع مقدس هر چه تلاش ممکن است، انجام بدهید. هم مسئولین تلاش کنند، هم هنرمندان تلاش کنند، هم در بخشهای تحقیقاتی - که خیلی مهم است. خوشبختانه تحقیقات خوبی هم دارد در بعضی از مراکز انجام میگیرد - هم در آن بخشهایی که اسناد را در اختیار دارند؛ نگهداری اسناد، پردازش اسناد، تدوین اسناد؛ اینها خیلی مهم است؛ اینها نبایستی بگذارند از دست برود؛ در اختیار محققین قرار بگیرد و ان‌شاءالله ادبیات دفاع مقدس از تحقیق استفاده کند؛ هنر دفاع مقدس هم از ادبیات و تحقیق حداکثر استفاده را ان‌شاءالله بکند. خداوند ان‌شاءالله به همه‌ی شماها توفیق بدهد.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان و خانواده‌های شهدا

| ۱۳۸۸/۰۸/۱۲ |



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی شما جوانان عزیز، دانشجویان، دانش‌آموزان و خانواده‌های معظم شهیدان.

روز ۱۳ آبان را ملت ما و مسئولین ما نامگذاری کردند: روز مبارزه‌ی با استکبار جهانی. مبارزه یک امر مهم و پیچیده است. با هر پدیده‌ای یک جور میشود مبارزه کرد. با دشمنی که در مرزها به کشور حمله میکند، یک جور باید مبارزه کرد؛ با دشمنی که شیوه‌های امنیتی را به کار می‌برد، یک جور باید مبارزه کرد؛ با دشمنی که اساس یک ملت را، یک جامعه و یک کشور را تهدید میکند و از بن دندان با یک ملت دشمنی می‌ورزد و انواع روشها را به کار می‌برد هم یک جور باید مبارزه کرد. یک مبارزه‌ی صحیح، منطقی و معقول و در عین حال قاطع، احتیاج دارد به چند چیز:

یکی انگیزه‌ی برخاسته از ایمان است. با دستور نمیشود ملتی را، جوانانی را وادار کرد به ایستادگی در یک میدان دشوار. باید انگیزه از دل بجوشد؛ آن هم انگیزه‌ی ناشی از ایمان. این در جوانهای ما امروز به حد کافی وجود دارد؛ من با اطلاع عرض میکنم، با آشنائی با نسل جوانانمان و قشر جوانانمان عرض میکنم: امروز جوانهای ما از آن روزی که در سال ۵۷، رژیم پهلوی - رژیم دست‌نشانده‌ی آمریکا - به جوانان ما توهمین خیابانها

حمله کرد و خون آنها را ریخت، انگیزه‌یشان بیشتر است و کمتر نیست.

از آن روزی هم که یک عده جوان رفتند سفارت آمریکا را که مرکز و پایگاه توطئه‌ی علیه انقلاب شده بود تسخیر کردند، امروز جوانان ما انگیزه‌شان کمتر نیست؛ اگر بیشتر نباشد. علت هم واضح است؛ چون سی سال تجربه، متراکم در تاریخ این ملت ثبت شده است. ذهن بیدار جوان، چشم باز جوان، ولو آن روزها را ندیده است؛ اما این تجربه‌ها را تحویل میگیرد. نسل به نسل تجربه‌های یک ملت غنیتر، عمیق‌تر و مفیدتر میشود. پس جوانان امروز ما از لحاظ انگیزه هیچی کسر ندارند. صرف‌نظر از یک عده انقلابی فرسوده‌ی پشیمان که به دلائل گوناگون، زندگی راحت را، سازش را ترجیح دادند، یا به ساز دشمن رقصیدن را عیب ندانستند، جوان کشور، توده‌ی ملت که اکثریت هم جوان هستند، این انگیزه‌ی عمیق را دارند. من به شما عرض کنم: اگر امروز حادثه‌ای مثل جنگ تحمیلی که در سال ۵۹ پیش آمد، در کشور ما بروز کند، هجوم جوانان به جبهه و داوطلبی آنها برای مواجهه‌ی با دشمن آشکار و رو به رو، از سال ۵۹ و ۶۰ بمراتب بیشتر خواهد بود.

یک عنصر دیگری که لازم است، بصیرت است. اینی که ملاحظه میکنید بنده مکرر در دیدار جوانها، دانشجویان، قشرهای مختلف مردم، بر روی بصیرت تکیه میکنم، برای این است که در وضع بسیار مهم امروز دنیا و موقعیت استثنائی کشور عزیز ما - امروز در دنیا که موقعیت ممتازی است - هرگونه حرکت عمومی به یک بصیرت عمومی احتیاج دارد. البته من این را هم به شما بگویم: امروز بصیرت جوانهای ما هم از جوانان آن روزگار اول انقلاب و در اثنای انقلاب، یقیناً بیشتر است. خیلی چیزها را شما امروز میدانید، برای شما جزو واضحات است، که آن روزها باید برای جوانها، آنها را شرح میدادیم، بیان میکردیم؛ اما امروز جوانهای ما اینها را میدانند؛ بصیرت بالاست. در عین حال من تأکید میکنم بر روی بصیرت.

حالا اولین مسئله‌ی بصیرت این است که این استکبار چیست که باید با آن مبارزه کرد. استکبار یعنی قدرتی در دنیا یا قدرتهائی در دنیا؛ چون نگاه میکنند به خودشان، میبینند دارای امکانات پولی و تسلیحاتی و تبلیغاتی هستند؛ بنابراین باید به خودشان حق بدهند که در امور زندگی کشورها و ملت‌های دیگر، دخالت‌های مالکانه بکنند؛ این

معنای استکبار است. روح سلطه‌گری؛ این در کشور ما قبل از انقلاب به صورت واضحی بود. یعنی آمریکا مستکبرانه بر این کشور پهناور، بر این ملت بزرگ با این تاریخ غنی پنجه انداخته بود و در امور مهم و اساسی کشور ما دخالت میکرد. علت هم این بود که زمامداران کشور فاسد بودند، در ملت جایگاهی نداشتند، دنبال تکیه‌گاه می‌گشتند، به آمریکا تکیه میکردند. آمریکا هم که مفت به کسی چیزی نمیدهد؛ حمایت از آنها را در گرو دخالت کامل در امور کشور قرار داده بود. شاید برای شما تعجب‌آور باشد، اما بدانید شاه - محمدرضا - برای اینکه یک نخست‌وزیری را از کار برکنار کند و یک نخست‌وزیر دیگر را جای او بیاورد، مجبور شد برود آمریکا، دو هفته، سه هفته در آمریکا بماند، تا موافقت آنها را جلب کند که این زید را از کار برکنار کند، این عمرو را به جای او بگذارد! کار کشور ما به اینجا رسیده بود. در سالهای آخر حکومت پهلوی از این هم زشت‌تر بود. بحث رفتن به آمریکا دیگر نبود؛ همین‌جا سفیر آمریکا و سفیر انگلیس به کاخ شاه میرفتند، به او می‌گفتند شما در قضیه نفت اینجوری عمل کنید، در قضیه ارتباطات جهانی اینجوری عمل کنید، با ملت اینجوری عمل کنید، با مبارزین اینجوری عمل کنید؛ دستور میدادند. شاه هم قبول میکرد. خوب، وقتی که رئیس یک مملکت اینقدر ضعیف، اینقدر زبون، اینقدر در مقابل بیگانگان تسلیم باشد، دیگران وضعشان معلوم است. این وضع کشور ما بود. استکبار معنایش این است.

آمریکا یک مستکبر به تمام معناست. مسئله‌ی ما هم فقط نیست، مسئله‌ی دنیاست؛ مسئله‌ی دنیای اسلام است. آمریکاییها نسبت به همه جای دنیا این روح استکباری را دارند. در جنگ بین‌الملل دوم، بعد از آنی که ژاپن را شکست دادند، پایگاه در آنجا درست کردند، که هنوز پایگاه آمریکاییها در ژاپن هست. ژاپنیها با این همه پیشرفتهای علمی، هنوز نتوانستند پایگاه آمریکا را در ژاپن جمع کنند! آنجا پایگاه نظامی دارد؛ به مردم ظلم میکنند، اذیت هم میکنند، تو روزنامه‌ها هم آمد، خبرگزارها هم گفتند؛ تجاوز به نوامیس و کارهایخلاف دیگر؛ اما هنوز در آنجا هست. در کره‌ی جنوبی هم پایگاه‌های آمریکا هنوز هست. در عراق، نقشه‌ی آمریکا این است که پایگاه بسازد و پنجاه سال، صد سال در عراق مستقر بشود؛ و در افغانستان؛ چون افغانستان نقطه‌ای است که اگر آنجا پایگاه داشته باشند، میتوانند بر کشورهای آسیای جنوب غربی، بر روسیه، بر چین، بر هند، بر پاکستان و بر ایران تسلط داشته باشند. دارند این همه آنجا

تلاش میکنند، برای اینکه آنجا پایگاه دائم درست کنند و بمانند. این معنای استکبار است.

ملت ایران با ساقط کردن رژیم دست‌نشانده‌ی آمریکا، آمریکا را از این کشور بیرون کرد. خوب، آمریکائیه‌ها می‌توانستند بعد از انقلاب بلافاصله به خود بیایند، ببینند که این ملت، اینچنین نیرومند است. رژیمی را که شرق و غرب از او حمایت میکنند، میتواند از جا بکند؛ میتواند بساط پادشاهی را با سابقه‌ی ۲۵۰۰ ساله درهم بنوردد و جمع کند ببیند از دور. آنها می‌توانستند از ملت ایران عذرخواهی کنند؛ می‌توانستند ضربه‌هایی را که به ملت ما زدند، آن مقدار یاش که قابل جبران است، جبران کنند. اگر این کار را میکردند، مسئله‌ی آنها با ایران حل میشد. اگر چه جمهوری اسلامی همچنان به خاطر ظلمهائی که در دنیای اسلام میکنند، معترض باقی میماند، اما این نثار شدیدی که بین آنها و جمهوری اسلامی و ملت ایران بود، به این شکل باقی نمی‌ماند. اما آنها این کار را نکردند. آنها نه عذرخواهی کردند، نه از سقوط رژیم سلطنتی عبرت گرفتند؛ بلکه از همان ماه‌های اول، شمشیر را از رو بستند و سفارت شد مرکز توطئه؛ لانه‌ی جاسوسی، مرکز ارتباطات مشکوک برای تحریک این و آن، برای اینکه شاید بتوانند جمهوری اسلامی را به زمین بزنند؛ شاید بتوانند جمهوری اسلامی را شکست بدهند. این اشتباه بزرگ را آمریکائیه‌ها کردند. بعد هم هر چه توانستند و هر چه از دستشان برمی‌آمد، با جمهوری اسلامی و با ملت عزیز و کشور ما کردند، که یک نمونه‌اش حمله کردن به طیس است؛ یک نمونه‌اش قضیه‌ی سرنگون کردن هواپیمای مسافری ماست که نزدیک سیصد نفر را در خلیج فارس کشتند - هواپیمای مسافری را زدند و انداختند توی آب - یک نمونه‌اش حمله به سکوهای نفتی ماست - که در خلیج فارس به سکوی نفتی ما زمان ریگان حمله کردند - یک نمونه‌اش کمکهای همه‌جانبه به صدام بعثی خبیث است، برای اینکه شاید بتوانند او را در جنگ بر ما پیروز کنند و جمهوری اسلامی را ضربه بزنند. از این قبیل اگر بخواهیم برای جنایات آمریکا فهرست درست کنیم، یک کتاب میشود. یکی از وزرای دفاع آمریکا در برهه‌ای، حرف دل آمریکائیه‌ها را زد؛ گفت: ما باید ریشه‌ی ملت ایران را بکنیم. ملاحظه میکنید؛ ریشه‌ی ملت ایران، نه دولت ایران، نه جمهوری اسلامی. درست میفهمید؛ میفهمید که جمهوری اسلامی یعنی ملت؛ مسئولین جمهوری اسلامی یعنی همه‌ی ملت ایران؛ لذا میگفت باید ریشه‌ی ملت ایران

را بزنییم. این روش آمریکائیهها بود. هر کار هم از دستشان برمیآمد، کردند.

امام بزرگوار ما، آن مرد استثنائی تاریخ که حقاً استثنائی بود، در مقابل همه‌ی اینها گفت: هرچه توطئه کنید، به ضرر خودتان هست و جمهوری اسلامی عقب‌نشینی نخواهد کرد؛ آمریکا هم هیچ غلطی نمیتواند بکند. این استکبار است. جمهوری اسلامی هیچ رودربایستی با هیچ دولتی ندارد؛ لیکن دولتی که دستش از منابع عظیم مالی و انسانی کشور قطع شده بود و هرچه توانست توطئه کرد، دولت آمریکا بود. سی سال دولت آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی و علیه ملت ایران توطئه کرده، ضربه زده، تدابیر گوناگون اندیشیده؛ هر کار توانسته کرده. اگر شما فکر کنید یک کاری بود که آمریکائیهها میتوانستند بکنند و نکردند، بدانید که چنین چیزی نیست؛ هر کار ممکن بوده، کرده‌اند. خوب، شما میبینید که نتیجه‌ی این رویارویی، بالندگی هرچه بیشتر ملت ایران، پیشرفت هرچه بیشتر جمهوری اسلامی، قوت روزافزون این کشور و این نظام بوده. آنی که ضرر کرده است، آنهایند. گاهی هم حرفهای به‌ظاهر آشتیجویانه‌ای در این مدت زدند؛ اما هر وقت که لبخندی به روی مسئولین جمهوری اسلامی زدند، وقتی دقت کردیم، دیدیم خنجری در پشت سرشان مخفی کرده‌اند؛ از تهدید دست برداشته‌اند؛ نیتشان عوض نشده است. خنده‌ی تاکتیکی، لبخند و روی خوش تاکتیکی، فقط بچه‌ها و کودکان را فریب میدهد. یک ملت بزرگ با این تجربه، و مسئولین برگزیده‌ی یک چنین ملتی، اگر فریب بخورند، خیلی باید ساده‌لوح باشند؛ یا باید ساده‌لوح باشند، یا باید غرق در هوی و هوس باشند؛ دنبال زندگی راحت و خوش و همراه با عافیت باشند؛ بخواهند با دشمن بسازند. والا اگر مسئولین کشور باهوش باشند، دقیق باشند، مجرب باشند، پخته باشند، دل در گرو منافع ملت با همه‌ی وجود داشته باشند، گول لبخند را نمیخورند. همین رئیس جمهور جدید آمریکا، حرفهای قشنگی زد؛ به ما هم مکرراً پیغام داد؛ شفاهی، کتبی، که بیائید صفحه را عوض کنیم، بیائید وضع تازه‌ای درست کنیم، بیائید در حل مشکلات عالم با همدیگر همکاری کنیم؛ تا این حد! ما هم گفتیم پیش‌داوری نکنیم؛ ما به عمل نگاه میکنیم. گفتند، میخواهیم تغییر ایجاد کنیم. گفتیم خوب، ببینیم تغییر را. از روز اول فروردین که من در مشهد سخنرانی کردم - گفتم اگر دستکش مخملی روی پنجه‌ی چدنی کشیده باشید و دستتان را دراز کنید، ما دستمان را دراز نمیکنیم؛ این هشدار را من آنجا دادم - الان

هشت ماه میگذرد. در طول این هشت ماه، آنچه ما دیدیم، برخلاف آن چیزی بود که اینها به زبان، به ظاهر ابراز میکنند. صورت قضیه این است که بیائید مذاکره کنیم؛ اما در کنار مذاکره، تهدید؛ که اگر مذاکره به این نتیجهی مطلوب نرسد، پس چنین و چنان! این شد مذاکره؟! این همان رابطهی گرگ و میش است که امام گفت: رابطهی گرگ و میش را ما نمیخواهیم. بیائید بنشینید با ما سر میز، مذاکره کنید بر سر فلان موضوع؛ مثلاً بر سر موضوع هسته‌ای، لیکن شرطش این است که این مذاکره، به فلان نتیجهی معین برسد! مثلاً دست برداشتن کشور از فعالیت هسته‌ای، اگر به این نتیجه نرسد، پس چنین و چنان؛ تهدید.

من تعجب میکنم. چرا از وضع گذشته عبرت نمیگیرند؟ چرا حاضر نیستند ملت ما را بشناسند؟ مگر نمیدانند که این ملت، ملتی است که در روزی که دو ابرقدرت در این دنیا بودند که تقریباً در همه‌ی موضوعات با هم مخالف بودند، جز در دشمنی با جمهوری اسلامی - فقط در دشمنی با جمهوری اسلامی این دو ابرقدرت: ابرقدرت آمریکا و شوروی سابق، با هم متحد بودند - ایستاد و هر دو ابرقدرت را به زانو درآورد. چرا شما عبرت نمیگیرید؟ امروز شما قدرت آن روز را هم ندارید. جمهوری اسلامی امروز چندین برابر قدرتمندتر از آن روز است، باز با این زبانها حرف میزنید؟ استکبار یعنی این. از موضع تکبر حرف زدن با یک ملت، کار را با تهدید پیش بردن؛ اگر چنین نکنید، چنان خواهد شد. ملت ما هم میگوید که ما میایستیم.

آنچه که جمهوری اسلامی میخواهد، بیش از حق معقول خودش نیست. جمهوری اسلامی دنبال استقلال خودش است، دنبال آزادی خودش است، دنبال منافع ملی خودش است، دنبال پیشرفت علم و فناوری در کشور است؛ اینها حقوق این ملت است. به این حقوق هر کسی تعرض نکند، ملت ایران با همه‌ی وجود در مقابل او قرار خواهد گرفت و او را به زانو در خواهد آورد.

آن روزی که آمریکا دست از استکبار بردارد، آن روزی که از دخالتهای بیجا در امور ملتها دست بردارد، یک دولتی مثل بقیه‌ی دولتهاست، برای ما هم دولتی مثل بقیه‌ی دولتها خواهد بود؛ اما تا روزی که آمریکائیه‌ها هنوز به طمع برگشتن به ایران و تجدید روزگار گذشته و عوض کردن تاریخ و به عقب بردن زمان باشند و بخواهند بر کشور ما

مسلط بشوند، با هیچ وسیله‌ای نخواهند توانست ملت ما را به عقب‌نشینی وادار کنند؛ این را بدانند. و به این غائله‌هایی هم که بعد از انتخابات پیش آمد، دل خوش نکنند؛ جمهوری اسلامی قویتر از این حرفهاست، عمیق‌تر از این حرفهاست، ریشه‌دارتر از این حرفهاست. جمهوری اسلامی با حوادث بسیار سخت‌تری هم مواجه شده، که بر همه‌ی اینها فائق آمده؛ حالا چهار نفر آدمهائی که یا ساده‌لوح - حالا هر چه و با هر انگیزه‌ای؛ قضاوت نکنیم - هستند، یا با نیت بد و خباثت‌آلود، یا با نیت نه آنچنان بد، اما همراه با ساده‌لوحی و بد فهمیدن قضا، با جمهوری اسلامی مواجه شده‌اند، اینها نمیتوانند برای آمریکا در کشور ما فرش قرمز پهن کنند؛ این را بدانند: ملت ایران ایستاده است.

من به شما جوانها عرض میکنم: جوانهای عزیز! مملکت مال شماست، این کشور مال شماست، این تاریخ مال شماست. سهم ما انجام گرفت. آن مقداری که نسل ما و مجموعه‌ی امثال ماها بلد بودند - آن مقداری که خدا توفیق داد - انجام دادند. امروز کشور تحویل شماست، مال شماست. هم امروز مال شماست، هم فردا مال شماست. این کشور را باید محکم نگه دارید؛ با اراده‌ی مستحکم. این کشور با عزم و اراده‌ی مستحکم شما که از ایمان دینی برخاسته باشد، میتواند روزبه‌روز مقتدرتر بشود. باید کشورتان را به جایی برسانید که کسی جرأت نکند تهدید کند. این در گرو عزم و اراده‌ی شماست.

جوانها باید به علم بپردازند. بارها من گفته‌ام، باز هم تکرار میکنم: اقتدار حقیقی یک ملت در گرو علم است. علم است که بقیه‌ی منابع و مایه‌های اقتدار را به کشور ارزانی میدارد. از علم غفلت نکنید؛ چه دانش‌آموزتان، چه دانشجویان؛ در هر رتبه‌ای که هستید. مسئله‌ی علم، مسئله‌ی تحقیق، مسئله‌ی مهمی است در کنار انگیزه‌ی دینی. دین خیلی باارزش است. دین فقط برای آباد کردن آخرت نیست، دین دنیای شما را هم آباد میکند. دین به شما شور و نشاط و طراوت و تازگی میبخشد. دین به شما این روحیه را میدهد که در مقابل چشمتان همه‌ی این قدرتهای مادی کوچک بشوند، حقیر بشوند، تهدید آنها اثر نکند، کار آنها اثر نکند. بدانید پیروزی با شماست، نصرت الهی با شماست. همین ابرقدرتهای تهدید کننده - حالا دنباله‌های داخلیشان که جای خود دارند - و مراکز قدرت استکباری و تهدیدها، چاره‌ای جز عقب‌نشینی در مقابل یک ملت مقتدر و باایمان ندارند. به خدای متعال اعتماد داشته باشید، حسن ظن داشته باشید. اینی که خدا با تأکید میفرماید: «و لینصرنّ الله من ینصره انّ الله لقوی عزیز»؛

(۱) بیشک، بدون تردید خدای متعال آن کسانی را که دین او را و اهداف او را یاری کنند، یاری خواهد کرد، این سخن راستی است، این وعده‌ی صادقی است. به این اعتماد کنید. با اقتدار، با عزم کافی، با تهذیب نفس، با خودسازی، با خودسازی علمی و هم خودسازی اخلاقی - پیش بروید. ان شاء الله روزی را خواهد دید که کشورتان به برکت مجاهدتهای شما در اوج افتخار و در قله‌ی اقتدار باشد.

امیدواریم ان شاء الله خداوند متعال همه‌ی شماها را به سلامت بدارد و تأیید کند و ان شاء الله همه آن روزهای شیرین و روشن را ببینید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بیانات در دیدار اعضای خانواده و ستاد برگزاری یادواره‌ی شهید
عبدالحسین برونسی

| ۱۳۸۸/۱۲/۰۳ |



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدا ان شاء الله شهید عزیزمان را - مرحوم شهید برونسی را، یا همان طور که عرض کردیم اوستا عبدالحسین برونسی را - رحمت کند. این خیلی برای جامعه‌ی ما و کشور ما و تاریخ ما اهمیت دارد که یک شخص خوانده شده‌ی به عنوان «اوستا عبدالحسین» - نه دکتر عبدالحسین است، نه به معنای علمی استاد عبدالحسین است؛ بلکه اوستا عبدالحسین است، اهل بنائی و اهل کارِ دستی و اهل شاگردیِ فلان مغازه؛ یعنی اوستا عبدالحسین بنا - از لحاظ معرفت و آشنائی با حقایق به جایی میرسد که قبل از پیروزی انقلاب در ظریف‌ترین کارهای انقلابیِ جوانهائی که در مسائل انقلابی کار میکردند شرکت میکند - البته من از نزدیک در جریان آن کارها نبودم و در آن زمان یادم نمی‌آید که با این شهید ارتباطی داشته باشم؛ لکن اطلاع دارم، میدانم، شنیدم و توی کتاب هم خواندم - بعد از انقلاب هم وارد میدان جنگ میشود.

میدانید، در دفاع هشت ساله - در مجموعه‌ی داوطلبان و سپاه و اینها - هیچکس بعنوان فرمانده و رئیس وارد میدان نمیشد؛ همه بر اساس تلاش خودشان به مقامات بالا میرسیدند؛ یعنی یک نفری وارد میشد، بسیجی معمولی بود؛ بعد میدیدند آدم قابلی است، میشد فرماندهی دسته یا فرماندهی گروهان، بعد میشد فرماندهی گردان، بعد

میشد فرماندهی تیپ، میرفت بالا. مدیریت جنگ آن زمان هم فقط مدیریت نظامی نبود؛ من چون اوائل کار، مدت کوتاهی از نزدیک کارها را میدیدم، بعد هم که از دور؛ تهران بودیم، لکن جریانها را میفهمیدم و میدانستم. مدیریت، صرفاً مدیریت نظامی نبود؛ مدیریت سیاسی بود، مدیریت فکری بود، مدیریت انسانی و ادبی و اخلاقی بود؛ تا کسی این چیزها را نداشت، نمیتوانست مجموعه‌ی زیردست خودش را اداره کند و هدایت بکند. این شهید عزیز وارد میشود؛ نه معلومات دانشگاهی دارد، نه عنوان و تیتراژ رسمی و دانشگاهی دارد، اما آنچنان در کار مدیریت جنگ پیشرفت میکند که به مقامات عالی میرسد و شخصیت برجسته‌ای میشود؛ شخصیت جامع‌الاطرافی که مثلاً فرماندهی تیپ میشود، بعد هم به شهادت میرسد. ایشان اگر چنانچه به شهادت نمیرسید، مقامات خیلی بالاتر - از لحاظ رتبه‌های ظاهری - را هم طی میکرد.

اینها جزو عجایب انقلاب ماست. جزو چیزهای استثنائی انقلاب ماست که دیگر نظیر ندارد؛ نمیشود هیچ جای دیگر را با این مقایسه کرد. همان‌طور که آقای استاندار خراسان نقل کردند، من از افرادی شنیدم که ایشان در آن وقت، برای مجموعه‌های دانشجویی و دانشگاهی که از مشهد میرفتند آنجا، صحبت میکرد و همه را مجذوب خودش میکرد. خود من هم نظیر این را باز دیده بودم. مرحوم شهید رستمی - که او هم از شهدای خراسان است؛ یک فرد روستائی و به ظاهر عامی - توی جمعی که فرماندهان درجه‌ی یک نشستند بودند و رئیس جمهور وقت آن روز هم نشسته بود، آمد صحبت کرد و گزارش میدان جنگ داد، جوری که همه‌ی این فرماندهان رسمیی که نشستند مبهوت شدند!

استعداد انقلاب برای پرورش شخصیت‌های برجسته و افراد، تا این حد است؛ اینها را نباید دست کم گرفت؛ اینها اهمیت انقلاب و عظمت انقلاب و عمق انقلاب را نشان میدهد. ماها به ظواهر نگاه میکنیم؛ این اعماق را باید دید. وقتی انسان این اعماق را میبیند، آن وقت افق در مقابل چشمش اصلاً یک چیز دیگری میشود و این حوادث گوناگونی که پیش می‌آید - این مخالفتها، این دشمنیها، این ناخن زدن‌ها و پنجه کشیدن‌ها - دیگر به چشم انسان نمی‌آید؛ اینها در مقابل آن حرکت عظیمی که دارد انجام میگیرد چیزهای کوچکی است. به نظر من شهید برونسی و امثال او را باید نماد یک چنین حقیقتی به حساب آورد؛ حقیقت پرورش انسانهای بزرگ با معیارهای الهی و اسلامی، نه با

معیارهای ظاهری و معمولی. به هر حال هر چه از این بزرگوار و از این بزرگوارها تجلیل بکنید زیاد نیست و بجاست. ان شاءالله امیدواریم که خداوند کمک کند.

خانواده‌ی محترم شهید برونسی هم خانواده‌ی بسیار خوبیند؛ همان روحیه‌ی معنوی و صفا را در این خانواده - در دو سه باری که از نزدیک باهاشان آشنا شدم - من دیدم. همسر ایشان هم خانم صبور و شکیبائی است که سختیهای دوران مبارزه و بعد دوران جنگ و اینها را تحمل کرده و این بچه‌ها را بزرگ کرده. ماشاءالله، آدم پنج تا پسر بچه‌ی شیطان را بزرگ کند، چیز کمی نیست. بچه‌های شهید برونسی هم قاعدتاً همچین بچه‌های نرم و آرامی نیستند، آنها هم همین‌طور هیجانی هستند؛ اینکه آدم بتواند این بچه‌ها را اینجور بزرگ کند و ماشاءالله به ثمر برساند، خودش خیلی هنر می‌خواهد. سلام ما را هم به آن خانم برسانید.